



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

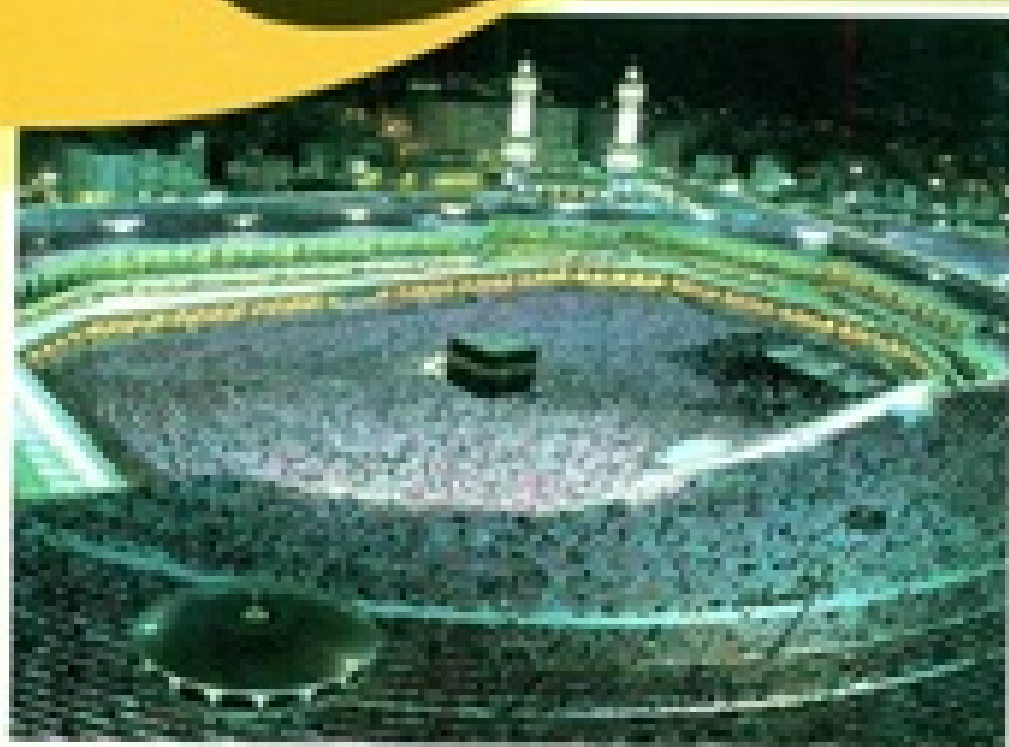
گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# احکام و مناسک حج



مطابق بافتا و امی نختیه عالیقدر  
حضرت آیت الله العظمی منتظری قدس سره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام عمره مفرده و بعضی آداب مکه معظمه و مدینه منوره

نویسنده:

آیت الله شیخ حسینعلی منتظری

ناشر چاپی:

ارغوان دانش

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست	۵
احکام عمره مفرده و بعضی آداب مکه معظمه و مدینه منوره	۶۵
مشخصات کتاب	۶۵
[تقسیم مطالب]	۶۵
بخش اول: بیان اجمالی اهداف معنوی و اجتماعی حج	۶۶
اشاره	۶۶
[بیان اهداف حج در قرآن]	۶۶
[بیان اهداف حج در روایات]	۶۸
[أسرار روحی أعمال حج]	۷۱
[گناه و عقوبت ترک حج]	۷۹
بخش دوم: مشتمل بر بیان وجوب حج و عمره	۸۰
اشاره	۸۰
باب اول: مسائل ویژه حجهاالاسلام	۸۰
اشاره	۸۰
فصل اول: وجوب فوری حجهاالاسلام	۸۰
«مسألة ۱» حجهاالاسلام بر شخص مکلف مستطیع واجب است؛	۸۱
«مسألة ۲» وجوب حج بر شخص مستطیع فوری است؛	۸۱
«مسألة ۳» اگر رسیدن به حج بعد از حصول استطاعت، توقف بر مقدماتی - مانند تهیه اسباب مسافرت داشته باشد -	۸۱
فصل دوم: شرایط وجوب حجهاالاسلام	۸۱
اشاره	۸۱
شرط اول و دوم: «بلوغ» و «عقل»	۸۱
اشاره	۸۱
«مسألة ۴» اگر غیر بالغ حج بجا آورد حج او صحیح است؛	۸۱
«مسألة ۵» اگر بچه ممیز برای حج محرم شود	۸۱
«مسألة ۶» کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد	۸۲

- ۸۲ ..... «مسألة ۷» حج برای بچهٔ ممیز مستحب می باشد
- ۸۲ ..... «مسألة ۸» مستحب است ولی بچهٔ غیر ممیز، او را محرم کند
- ۸۲ ..... «مسألة ۹» مقصود از «ولی» در این مقام ظاهراً ولی شرعی بچه است؛
- ۸۲ ..... «مسألة ۱۰» پس از آنکه بچه محرم شد یا او را محرم کردند
- ۸۳ ..... «مسألة ۱۱» اگر پس از احرام بچه، ولی او را از محرمات احرام باز نداشت
- ۸۳ ..... «مسألة ۱۲» گوسفند قربانی حج کودک
- ۸۳ ..... «مسألة ۱۳» ولی بچه پس از احرام بچه باید او را وادار کند
- ۸۳ ..... «مسألة ۱۴» اگر ولی بچه او را محرم کرد
- ۸۳ ..... «مسألة ۱۵» اگر بچهٔ نابالغ پیش از آنکه در میقات محرم شود بالغ گردد
- ۸۳ ..... شرط سوم: «حریت و آزاد بودن» است؛
- ۸۳ ..... شرط چهارم: اینکه انسان «مستطیع» باشد،
- ۸۳ ..... اشاره
- ۸۴ ..... «مسألة ۱۶» «استطاعت مالی» یعنی داشتن توشهٔ راه و وسیلهٔ رفت و برگشت
- ۸۴ ..... «مسألة ۱۷» معتبر است در استطاعت مالی علاوه بر مخارج رفتن و انجام حج،
- ۸۵ ..... «مسألة ۱۸» معتبر است در استطاعت مالی علاوه بر مخارج رفت و برگشت
- ۸۵ ..... «مسألة ۱۹» اگر کسی مخارج حج را نداشته باشد
- ۸۵ ..... «مسألة ۲۰» کسی که فعلاً به ازدواج نیاز شدید دارد
- ۸۵ ..... «مسألة ۲۱» کسی که پول نقد یا مال موجود به مقدار استطاعت ندارد
- ۸۵ ..... «مسألة ۲۲» بر شخص غیر مستطیع واجب نیست پول قرض کند و به حج رود؛
- ۸۷ ..... «مسألة ۲۳» کسی که مخارج حج را دارد و دارای بدهی نیز می باشد،
- ۸۷ ..... «مسألة ۲۴» کسی که خمس یا زکات بدهکار است
- ۸۷ ..... «مسألة ۲۵» شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد،
- ۸۷ ..... «مسألة ۲۶» کسانی که لوازم مازاد بر نیاز زندگی - مانند: فرش، لباس، جواهرات و اشیای قیمتی و عتیقه- دارند،
- ۸۷ ..... «مسألة ۲۷» اگر کرایهٔ ماشین یا هواپیما زیاد باشد
- ۸۸ ..... «مسألة ۲۸» کسی که در راه حج برای خدمت،
- ۸۸ ..... «مسألة ۲۹» کسی که برای نیابت از دیگری اجیر می شود
- ۸۸ ..... «مسألة ۳۰» اگر کسی منزل گران قیمتی دارد

- «مسأله ۳۱» اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی مورد نیاز خود را تهیه کند ..... ۸۸
- «مسأله ۳۲» هرگاه کسی سرمایه یا ملک یا ابزار کار دارد ..... ۸۹
- «مسأله ۳۳» زنی که مهرش برای مخارج حج کافی است ..... ۸۹
- «مسأله ۳۴» اگر زن مستطیع شود و بتواند بدون همراهی شوهر و به وجود آمدن مشکلی به حج برود ..... ۸۹
- «مسأله ۳۵» اگر کسی در وقت ازدواج به همسر خود وعده یک حج بدهد، ..... ۸۹
- «مسأله ۳۶» اگر زنی مستطیع است و برای حج ثبت نام کرده ..... ۸۹
- «مسأله ۳۷» اگر کسی مستطیع شد جایز نیست با بخشش پول خود به پدر یا مادر یا دیگری و یا صرف آن در حج آنان، خود را از انجام حج عاجز کند؛ ..... ۹۰
- «مسأله ۳۸» کسی که استطاعت رفتن به حج دارد، ..... ۹۰
- «مسأله ۳۹» با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات که به انسان به اندازه نیاز سالیانه پرداخت می شود، ..... ۹۰
- «مسأله ۴۰» اگر کسی مستحق شرعی زکات یا خمس باشد ..... ۹۰
- «مسأله ۴۱» اگر کسی شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت حج هست یا نه، ..... ۹۰
- «مسأله ۴۲» میزان در وجوب حج، استطاعت از جایی است که فعلاً در آنجا می باشد. .... ۹۰
- «مسأله ۴۳» در مستطیع شدن فرقی نیست بین اینکه در ماههای حج ..... ۹۱
- «مسأله ۴۴» اگر انسان مخارج سفر حج را ندارد ..... ۹۱
- «مسأله ۴۵» اگر مالی را که برای حج کافی است به او ببخشند ..... ۹۱
- «مسأله ۴۶» کسی که توانایی مسافرت به حج را ندارد ..... ۹۲
- «مسأله ۴۷» اگر شخص غیر مستطیع پولی را تهیه و به پدر یا برادر یا یکی از دوستان خود که حج واجب خود را انجام داده است ببخشد ..... ۹۲
- «مسأله ۴۸» در حج بذلی پول قربانی به عهده بخشنده است؛ ..... ۹۲
- «مسأله ۴۹» کسی که برای حج به دیگری پول می بخشد ..... ۹۲
- «مسأله ۵۰» معتبر است در استطاعت اینکه از ناحیه حج، سرمایه یا ملک یا محل کسب و یا شغلی که اساس زندگی اوست ..... ۹۲
- «مسأله ۵۱» اگر باغ یا ملک یا کارخانه ای دارد که فعلاً درآمدی ندارد ..... ۹۳
- «مسأله ۵۲» کسی که از راه کسب یا غیر آن مخارج رفت و برگشت ..... ۹۳
- «مسأله ۵۳» معتبر است در وجوب حج- علاوه بر استطاعت مالی- استطاعت بدنی ..... ۹۳
- «مسأله ۵۴» کسی که از همه جهات استطاعت دارد ..... ۹۵
- «مسأله ۵۵» کسی که استطاعت حج پیدا کرد، باید خرجهای مقدماتی آن را بدهد؛ ..... ۹۵
- «مسأله ۵۶» مسلمانان کشورهایی که حکومتشان فاسد و غیر اسلامی است ..... ۹۵
- «مسأله ۵۷» اشخاصی که در وقت اسم نوشتن برای حج استطاعت مالی دارند ..... ۹۵

- «مسألة ۵۸» اگر کسی استطاعت مالی پیدا کرد ولی هنوز از طرف دولت ثبت نام اعلام نشده ----- ۹۵
- «مسألة ۵۹» اگر کسی مستطیع شود و در اسم نوشتن و یا رفتن به حج و تهیه مقدمات کوتاهی کند ----- ۹۶
- «مسألة ۶۰» کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر در تهیه مقدمات حج کوشش نمود ----- ۹۶
- «مسألة ۶۱» شخص مستطیع خودش باید به حج برود و حج دیگری از طرف او کافی نیست؛ ----- ۹۶
- «مسألة ۶۲» اگر زنی در زمان حیات شوهر استطاعت مالی نداشت ----- ۹۶
- «مسألة ۶۳» کسی که حج بر او واجب و مستقر شده ----- ۹۶
- «مسألة ۶۴» اگر کسی از سالهای پیش مستطیع بوده ----- ۹۸
- «مسألة ۶۵» اگر کسی با داشتن استطاعت مالی به خوردن تریاک عادت دارد ----- ۹۸
- «مسألة ۶۶» اگر رفتن به حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود، ----- ۹۸
- «مسألة ۶۷» اگر کسی در مدینه منوره یا در راه حج مریض شود ----- ۹۸
- «مسألة ۶۸» اگر بخواهند شخص مریض عاجز از حج را به مکه معظمه ببرند، ----- ۹۹
- «مسألة ۶۹» اگر کسی بعد از انجام عمره تمتع مریض شود ----- ۹۹
- «مسألة ۷۰» اگر کسی به گمان اینکه استطاعت دارد به قصد عمره و حج تمتع واجب همه اعمال را انجام داد ----- ۹۹
- «مسألة ۷۱» اگر کسی به گمان اینکه مستطیع نیست قصد عمره و حج استجابی کند ----- ۹۹
- «مسألة ۷۲» کسی که در اثر ندانستن مسأله گمان می کرد مستطیع شده است ----- ۱۰۰
- «مسألة ۷۳» اگر کسی با تقلید صحیح در گذشته به حج مشرف شده ----- ۱۰۰
- «مسألة ۷۴» کسی که احتمال می دهد حجی که در سالهای پیش انجام داده صحیح نبوده ----- ۱۰۰
- «مسألة ۷۵» کسی که حج واجب خود را انجام داده است ----- ۱۰۱
- «مسألة ۷۶» اگر کسی که مستطیع است به قصد عمره تمتع محرم شود و پس از ورود در حرم «۲» از دنیا برود ----- ۱۰۱
- «مسألة ۷۷» بر مستطیع لازم نیست با پول خود به حج برود؛ ----- ۱۰۱
- «مسألة ۷۸» جایز نیست انسان با مال حرام به حج برود؛ ----- ۱۰۱
- فصل سوم: وصیت به حج ----- ۱۰۲
- «مسألة ۷۹» اگر کسی خجّه الاسلام بر او واجب شده باشد و آثار مرگ بر او ظاهر شود ----- ۱۰۲
- «مسألة ۸۰» اگر کسی از دنیا برود و خجّه الاسلام بر او واجب شده باشد، ----- ۱۰۲
- «مسألة ۸۱» اگر کسی از دنیا برود و خجّه الاسلام بر او واجب باشد ----- ۱۰۲
- «مسألة ۸۲» اگر کسی از دنیا برود و خجّه الاسلام بر او واجب باشد ----- ۱۰۲
- «مسألة ۸۳» اگر کسی وصیت کرده باشد که شخص معینی برای او حج بجا آورد ----- ۱۰۳



- «مسألة ۸۴» اگر وصیت کند برای او از مال معینی حَجَّهالاسلام انجام شود ..... ۱۰۳
- «مسألة ۸۵» اگر کسی از دنیا برود و حَجَّهالاسلام بر او واجب باشد، ..... ۱۰۳
- «مسألة ۸۶» اگر حَجَّهالاسلام بر میت واجب باشد ..... ۱۰۳
- «مسألة ۸۷» به مجرد نایب گرفتن ذمَّة میت بری نمی شود. .... ۱۰۳
- «مسألة ۸۸» اگر حج بر میت واجب باشد و مال نداشته باشد ..... ۱۰۴
- «مسألة ۸۹» اگر شخصی مثلاً منزل یا ملک خود را به دیگری صلح کند ..... ۱۰۴
- «مسألة ۹۰» اگر مالی که برای حج میت در نظر گرفته شده به وصی میت تحویل داده شود ..... ۱۰۴
- فصل چهارم: نیابت در حج ..... ۱۰۴
- «مسألة ۹۱» در نایب چند شرط معتبر است: ..... ۱۰۴
- «مسألة ۹۲» نایب لازم نیست در وقت اجیر شدن تمام اعمال و احکام حج را به تفصیل بداند؛ ..... ۱۰۶
- «مسألة ۹۳» لازم نیست نایب همجنس منوب عنه باشد؛ ..... ۱۰۶
- «مسألة ۹۴» نایب شدن «ضُرُوزَه» ..... ۱۰۶
- «مسألة ۹۵» در منوب عنه یعنی کسی که به نیابت او حج بجا می آورند دو شرط معتبر است: ..... ۱۰۶
- «مسألة ۹۶» در منوب عنه بلوغ و عقل معتبر نیست؛ ..... ۱۰۷
- «مسألة ۹۷» معنای نیابت این است که نایب عمل را به جای منوب عنه انجام دهد، ..... ۱۰۷
- «مسألة ۹۸» نایب «طواف نساء» ..... ۱۰۷
- «مسألة ۹۹» نایب نمودن کسی که وقتش از حج تمتع تنگ شده ..... ۱۰۷
- «مسألة ۱۰۰» در حج واجب نایب شدن یک نفر از چند نفر ..... ۱۰۷
- «مسألة ۱۰۱» در حج نیابتی پول احرام و قربانی بر عهده نایب است؛ ..... ۱۰۸
- «مسألة ۱۰۲» کسی که حج بر او واجب و ثابت شده، ..... ۱۰۸
- «مسألة ۱۰۳» اگر از میت مالی نزد کسی به قرض یا امانت یا عاریه یا به نحوی دیگر وجود داشته باشد ..... ۱۰۸
- «مسألة ۱۰۴» ذمَّة منوب عنه فارغ نمی شود مگر به اینکه نایب اعمال را به طور صحیح انجام دهد؛ ..... ۱۰۸
- «مسألة ۱۰۵» «نایب» یا اجیر می شود بر فارغ کردن ذمَّة میت، ..... ۱۰۹
- «مسألة ۱۰۶» کسی که برای حج تمتع اجیر شده می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا سعی ..... ۱۱۰
- «مسألة ۱۰۷» کسی که مستطیع نیست و از راه دور به نیابت دیگری به حج می رود ..... ۱۱۱
- «مسألة ۱۰۸» یک نفر نمی تواند در یک سال برای دو نفر یا چند نفر نایب شود؛ ..... ۱۱۱
- «مسألة ۱۰۹» اگر کسی اجیر شود که در سال معینی برای میت حج بجا آورد ..... ۱۱۱

- «مسأله ۱۱۰» اگر اجیر شود تا برای کسی حج بجا آورد و تصادفاً مریض و ناتوان گردد ----- ۱۱۱
- «مسأله ۱۱۱» اگر کسی برای حج به مبلغ معینی اجیر شود و آن مبلغ کفاف حج را ندهد، ----- ۱۱۱
- «مسأله ۱۱۲» اگر کسی اجیر شود خودش به نیابت دیگری حج بجا آورد، ----- ۱۱۱
- «مسأله ۱۱۳» اگر کسی اجیر شود برای دیگری در سال معینی حج بجا آورد ----- ۱۱۲
- «مسأله ۱۱۴» اجیر باید اعمال حج را مطابق وظیفه خودش که از راه اجتهاد یا تقلید صحیح احراز کرده انجام دهد. ----- ۱۱۲
- «مسأله ۱۱۵» در حج مستحب جایز است چند نفر در یک سال به نیابت یک نفر حج بجا آورند؛ ----- ۱۱۲
- فصل پنجم: حج استحبابی ----- ۱۱۲
- «مسأله ۱۱۶» مستحب است کسانی که شرایط وجوب حج را ندارند در صورت امکان به حج بروند. ----- ۱۱۲
- «مسأله ۱۱۷» مستحب است انسان هنگام خارج شدن از مکه معظمه نیت برگشتن کند؛ ----- ۱۱۳
- «مسأله ۱۱۸» مستحب است کسی که هزینه سفر حج را ندارد قرض کند و به حج برود، ----- ۱۱۳
- «مسأله ۱۱۹» کسی که تمکن ندارد از مال خودش به حج برود، ----- ۱۱۳
- «مسأله ۱۲۰» مستحب است انسان کسی را که تمکن از حج ندارد ----- ۱۱۳
- «مسأله ۱۲۱» مستحب است انسان به نیابت از ائمه معصومین علیهم السلام و همچنین به نیابت پدر و مادر و خویشان و برادران و خواهران دینی خود ----- ۱۱۳
- «مسأله ۱۲۲» زن شوهردار یا زنی که در عده رجعی «۱» است ----- ۱۱۳
- فصل ششم: اقسام عمره ----- ۱۱۳
- «مسأله ۱۲۳» عمره نیز مانند حج گاهی واجب است و گاهی مستحب؛ ----- ۱۱۴
- «مسأله ۱۲۴» عمره نیز مانند حج ----- ۱۱۴
- «مسأله ۱۲۵» واجب است بر کسی که می خواهد وارد مکه شود با احرام حج یا احرام عمره وارد شود. ----- ۱۱۴
- «مسأله ۱۲۶» عمره و حج همان گونه که به استطاعت واجب می شوند به نذر و عهد و قسم ----- ۱۱۵
- «مسأله ۱۲۷» تکرار عمره نیز مانند حج، مستحب مؤکد است؛ ----- ۱۱۵
- «مسأله ۱۲۸» عمره مفرده با عمره تمتع در بیشتر اعمال مساویند؛ ----- ۱۱۵
- «مسأله ۱۲۹» عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد: ----- ۱۱۶
- فصل هفتم: اقسام حج ----- ۱۱۷
- «مسأله ۱۳۰» حج بر سه قسم است: ----- ۱۱۷
- «مسأله ۱۳۱» آنچه در مسأله پیش گفته شد مربوط به حجها لاسلام است؛ ----- ۱۱۷
- «مسأله ۱۳۲» کسی که از شهرهای دور بوده و به مکه معظمه آمده ----- ۱۱۸
- «مسأله ۱۳۳» شخص مجاور مکه معظمه که تصمیم برگشت به وطن را داشته باشد، ----- ۱۱۸

- ۱۱۸ ----- «مسأله ۱۳۴» کسی که مجاور مکه معظمه شده ولی هنوز وظیفه اش به حج افراد و قران تبدیل نشده،
- ۱۱۸ ----- فصل هشتم: صورت حج تمتع به نحو اجمال
- ۱۱۸ ----- «مسأله ۱۳۵» حج تمتع مرکب است از دو عمل عبادی
- ۱۱۹ ----- «مسأله ۱۳۶» در عمره تمتع شش چیز واجب است:
- ۱۱۹ ----- «مسأله ۱۳۷» در حج تمتع چهارده چیز واجب است:
- ۱۲۱ ----- فصل نهم: شرایط حج تمتع
- ۱۲۱ ----- «مسأله ۱۳۸» در حج تمتع چند شرط معتبر است:
- ۱۲۱ ----- «مسأله ۱۳۹» لازم نیست انسان اعمال حج و عمره را پیش از احرام یاد گرفته باشد.
- ۱۲۱ ----- «مسأله ۱۴۰» پس از انجام عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب باید انسان در مکه بماند
- ۱۲۲ ----- «مسأله ۱۴۱» همان طور که شخص متمتع «۱» پس از انجام عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه خارج شود،
- ۱۲۲ ----- «مسأله ۱۴۲» کسی که وظیفه اش حج تمتع است در حال اختیار و وسعت وقت نمی تواند به حج افراد یا به حج قران عدول نماید.
- ۱۲۴ ----- «مسأله ۱۴۳» اگر زن در حال احرام در میقات حائض یا نفّساء باشد
- ۱۲۴ ----- «مسأله ۱۴۴» اگر زن در حال احرام در میقات حائض یا نفّساء است و نمی داند برای طواف عمره پاک می شود یا نه
- ۱۲۴ ----- فصل دهم: صورت حج افراد و حج قران
- ۱۲۴ ----- «مسأله ۱۴۵» حج افراد عملی است مستقل و جدا از عمره
- ۱۲۴ ----- «مسأله ۱۴۶» حج افراد در صورت و اعمال مانند حج تمتع است؛ فقط چند فرق دارد:
- ۱۲۶ ----- «مسأله ۱۴۷» حج قران که آن هم مثل حج افراد وظیفه اهل مکه
- ۱۲۷ ----- فصل یازدهم: میقاتهای احرام
- ۱۲۷ ----- اشاره
- ۱۲۷ ----- اول: «مسجد شجره» است
- ۱۲۷ ----- اشاره
- ۱۲۷ ----- «مسأله ۱۴۸» بنا بر احتیاط واجب از خود مسجد و در داخل آن احرام ببندند
- ۱۲۷ ----- «مسأله ۱۴۹» جایز نیست احرام را از مسجد شجره تأخیر اندازند؛
- ۱۲۸ ----- «مسأله ۱۵۰» جنب و حائض می توانند در حال عبور از مسجد شجره احرام ببندند
- ۱۲۸ ----- «مسأله ۱۵۱» اگر جنب در اثر کثرت جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد
- ۱۲۸ ----- «مسأله ۱۵۲» اگر زن حائض نتواند در حال عبور از مسجد شجره احرام ببندد
- ۱۲۸ ----- دوم: «جحفه» است؛

- سوم: «وادی عقیق» است؛ ..... ۱۲۸
- اشاره ..... ۱۲۸
- «مسأله ۱۵۳» افضل احرام از مسلخ است ..... ۱۲۸
- چهارم: «تَلْمَلَم» است ..... ۱۲۹
- پنجم: «قَرْنِ الْمَنَازِل» است؛ ..... ۱۲۹
- ششم: منزل خود شخص است؛ ..... ۱۲۹
- هفتم: «مَكَّةُ مَعْظَمَه» است؛ ..... ۱۲۹
- اشاره ..... ۱۲۹
- «مسأله ۱۵۴» احرام حج تمتع در هر جای مکه قدیم واقع شود کافی است؛ ..... ۱۲۹
- هشتم: «جَعْرَانَه» است؛ ..... ۱۲۹
- اشاره ..... ۱۲۹
- «مسأله ۱۵۵» در حکم اهل مکه است کسی که دو سال یا بیشتر مجاور مکه معظمه شده است؛ ..... ۱۳۰
- نهم: «دَنِي الْحَلِّ» است، ..... ۱۳۰
- اشاره ..... ۱۳۰
- «مسأله ۱۵۶» همه کسانی که درمکه تصمیم می گیرند عمره مفرده بجا آورند میقات آنان ادنی الحل است. .... ۱۳۰
- دهم: «فَخَّ» است؛ ..... ۱۳۰
- یازدهم: محاذات یکی از میقاتهای پنجگانه نخست است، ..... ۱۳۰
- فصل دوازدهم: احکام میقاتها ..... ۱۳۱
- «مسأله ۱۵۷» میقات یا به علم ثابت می شود و یابه شهادت دو مرد عادل ..... ۱۳۱
- «مسأله ۱۵۸» احرام پیش از میقات جایز نیست؛ ..... ۱۳۱
- «مسأله ۱۵۹» همان گونه که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست، تأخیر آن از میقات هم جایز نیست؛ ..... ۱۳۱
- «مسأله ۱۶۰» اگر کسی که قصد عمره یا حج دارد از جهت فراموشی و غفلت ..... ۱۳۱
- «مسأله ۱۶۱» اگر زن حائض از روی ندانستن مسأله گمان می کرد نمی تواند در حال حیض احرام ببندد ..... ۱۳۲
- «مسأله ۱۶۲» اگر کسی قصد عمره یا حج نداشت و برای کاری بدون احرام از میقات عبور کرد ..... ۱۳۲
- «مسأله ۱۶۳» اگر شخص مستطیع با توجه و از روی علم و عمد بدون احرام از میقات عبور کرد، ..... ۱۳۲
- «مسأله ۱۶۴» کسانی که در این زمانها با هواپیما به جده وارد می شوند، ..... ۱۳۲
- باب دوم: اعمال و شرایط و آداب عمره تمتع و آداب ورود به حرم و مکه معظمه و مسجدالحرام ..... ۱۳۲

اشاره ..... ۱۳۲

فصل اول: احرام ..... ۱۳۳

اشاره ..... ۱۳۳

در احرام سه چیز واجب است: ..... ۱۳۳

۱- نیت ..... ۱۳۳

اشاره ..... ۱۳۳

«مسأله ۱۶۵» «نیت» یعنی قصد محرم شدن برای انجام اعمال عمره یا حج ..... ۱۳۳

«مسأله ۱۶۶» در اصل نیت، گفتن به زبان یا خطور دادن و گذراندن در دل لازم نیست؛ ..... ۱۳۳

«مسأله ۱۶۷» در نیت احرام معتبر نیست که تصمیم داشته باشد همه محرمات و تروک احرام را از اول تا آخر ترک کند؛ ..... ۱۳۴

«مسأله ۱۶۸» احرام و دیگر اعمال عمره و حج چنانکه گذشت از عبادات است ..... ۱۳۴

«مسأله ۱۶۹» اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به سبب ریا یا غیر آن باطل کند، ..... ۱۳۵

«مسأله ۱۷۰» اگر در اثر ندانستن مسأله یا غفلت به جای نیت عمره تمتع نیت حج تمتع کند یا برعکس، ..... ۱۳۵

«مسأله ۱۷۱» اگر در اثر ندانستن مسأله یا غفلت گمان کرد حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است، ..... ۱۳۵

دوم از واجبات احرام پوشیدن دو جامه احرام است ..... ۱۳۵

اشاره ..... ۱۳۵

«مسأله ۱۷۲» بنابر احتیاط واجب لنگ باید به اندازه ای باشد که حداقل از ناف تا زانو را بپوشاند؛ ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۷۳» بنابر احتیاط واجب باید دو جامه احرام را پیش از نیت احرام بپوشند؛ ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۷۴» اگر مرد از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بدون کندن پیراهن خود احرام ببندد ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۷۵» اکتفا کردن به یک جامه بلند و بزرگ ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۷۶» پوشیدن بیش از دو جامه در اول احرام ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۷۷» إزار یعنی لنگ باید بدن نما نباشد؛ ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۷۸» چنانکه گذشت در بچه ها جایز است در آوردن لباسهای دوخته را تا «فَخَّ» ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۷۹» بنابر احتیاط واجب باید دو جامه احرام را به قصد قربت ..... ۱۳۶

«مسأله ۱۸۰» آنچه در لباس نمازگزار شرط است در جامه های احرام نیز شرط است؛ ..... ۱۳۷

«مسأله ۱۸۱» بنابر احتیاط واجب اگر در حال احرام لباسهای احرام نجس شود باید آنها را تطهیر یا عوض کنند. ..... ۱۳۷

«مسأله ۱۸۲» اگر بدن یا لباس را تطهیر نکنند ..... ۱۳۷

«مسأله ۱۸۳» لباسهای زن نیز در حال احرام باید پاک باشد ..... ۱۳۷

- «مسأله ۱۸۴» باید به جامه های احرام عرفاً جامه و ثوب گفته شود؛ ----- ۱۳۷
- «مسأله ۱۸۵» واجب نیست شخص محرم همیشه دو جامه احرام را پوشیده باشد. ----- ۱۳۷
- «مسأله ۱۸۶» افضل بلکه احوط این است که در وقت ورود به مکه ----- ۱۳۷
- «مسأله ۱۸۷» بنا بر احتیاط واجب شخص محرم نباید ازار یعنی لنگ را به گردن خود گره بزند؛ ----- ۱۳۷
- «مسأله ۱۸۸» اگر محرم مثلاً برای رفع سرما ناچار باشد از قبا یا پیراهن دوخته استفاده کند ----- ۱۳۷
- سوم از واجبات احرام «تلبیه» یعنی گفتن لَتِیْک می باشد، ----- ۱۳۸
- اشاره ----- ۱۳۸
- «مسأله ۱۸۹» از تلبیه آنچه وجوب آن قطعی است ----- ۱۳۸
- «مسأله ۱۹۰» بر مکلف واجب است مقدار تلبیه واجب را یاد بگیرد ----- ۱۳۹
- «مسأله ۱۹۱» شخص لال که تلبیه را می داند ولی نمی تواند بگوید، ----- ۱۳۹
- «مسأله ۱۹۲» بچه ممیز خودش تلبیه را بگوید؛ ----- ۱۳۹
- «مسأله ۱۹۳» در خصوص حج قران جایز است به جای تلبیه احرام را به وسیله اشعار یا تقلید حیوان قربانی منعقد نمایند؛ ----- ۱۳۹
- «مسأله ۱۹۴» تلبیه در احرام عمره و حج، مانند تکبیرها احرام نماز است ----- ۱۳۹
- «مسأله ۱۹۵» اگر تلبیه را فراموش کرد ----- ۱۴۰
- «مسأله ۱۹۶» در صحت احرام و تلبیه طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر شرط نیست؛ ----- ۱۴۰
- «مسأله ۱۹۷» شخصی که برای احرام عمره تمتع به میقات آمده اگر بعد از گفتن لَتِیْک در میقات و عبور از آن، ----- ۱۴۰
- «مسأله ۱۹۸» اگر در میقات پس از پوشیدن لباس احرام شک کند تلبیه را گفته یا نه باید آن را بگوید. ----- ۱۴۰
- «مسأله ۱۹۹» تلبیه واجب به نحوی که گذشت یک بار گفتن آن کافی است؛ ----- ۱۴۰
- «مسأله ۲۰۰» کسی که از مسجد شجره احرام می بندد بنا بر احتیاط واجب تلبیه را در خود مسجد بگوید؛ ----- ۱۴۱
- «مسأله ۲۰۱» کسانی که برای عمره تمتع احرام بسته اند بنا بر احتیاط پس از مشاهده خانه های مکه معظمه ----- ۱۴۱
- مستحبات احرام ----- ۱۴۱
- «مسأله ۲۰۲» برای احرام چند چیز مستحب است: ----- ۱۴۱
- اول: اینکه پیش از احرام خود را پاکیزه کند، ----- ۱۴۱
- دوم: کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذیقعده، ----- ۱۴۱
- سوم: اینکه پیش از احرام، در میقات غسل کند؛ ----- ۱۴۱
- چهارم: اینکه ----- ۱۴۲
- پنجم: اینکه احرام بعد از نماز و خواندن دعاهای وارده انجام شود؛ ----- ۱۴۲

- ششم: اینکه هنگام پوشیدن دو جامهٔ احرام بنا بر فرمایش شیخ صدوق (ره) بگوید: ----- ۱۴۴
- هفتم: اینکه تلبیه را تکرار کند، ----- ۱۴۴
- مکروهات احرام ----- ۱۴۴
- «مسألهٔ ۲۰۳» مکروهات احرام نیز چند چیز است: ----- ۱۴۴
- اول: احرام در جامهٔ سیاه، ----- ۱۴۴
- دوم: خوابیدن مُحرم ----- ۱۴۴
- سوم: احرام ----- ۱۴۴
- چهارم: احرام در جامهٔ چرکین، ----- ۱۴۴
- پنجم: استعمال حنا پیش از احرام ----- ۱۴۵
- ششم: حمام رفتن؛ ----- ۱۴۵
- هفتم: لتیک گفتن محرم ----- ۱۴۵
- تروک و محرمات احرام ----- ۱۴۵
- اشاره ----- ۱۴۵
- اول از محرمات احرام «شکار حیوان وحشی صحرائی» است؛ ----- ۱۴۵
- اشاره ----- ۱۴۵
- «مسألهٔ ۲۰۴» در حال احرام شکار کردن حیوان وحشی صحرائی ----- ۱۴۵
- «مسألهٔ ۲۰۵» شکار حیوان وحشی در حرم جایز نیست؛ ----- ۱۴۵
- «مسألهٔ ۲۰۶» خوردن گوشت شکار صحرائی در حال احرام حرام است؛ ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۰۷» بنا بر مشهور شخص مُحرم اگر شکار را بکشد یا ذبح نماید ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۰۸» حیوان وحشی صحرائی اگر در خارج حرم صید و ذبح شود، ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۰۹» پرندگان نیز جزو شکار صحرائی محسوبند ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۱۰» جایز نیست محرم حیوان شکار شده مانند آهو و کیوتر و سایر پرندگان را بخرد ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۱۱» جایز نیست محرم حیوانات درنده را شکار کند یا بکشد ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۱۲» هر شکاری که بر محرم حرام است، ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۱۳» محرم بنا بر احتیاط واجب زنبور را نکشد؛ ----- ۱۴۶
- «مسألهٔ ۲۱۴» شکار کردن حیوانات دریایی ----- ۱۴۷
- «مسألهٔ ۲۱۵» ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی ----- ۱۴۷

- دوم از محرمات احرام «جماع» است؛ ..... ۱۴۷
- ..... اشاره ..... ۱۴۷
- «مسأله ۲۱۶» اگر کسی در عمره تمتع از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی کند، ..... ۱۴۷
- «مسأله ۲۱۷» اگر محرم در حج پیش از وقوف به مشعر از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی کند ..... ۱۴۷
- «مسأله ۲۱۸» اگر محرم در حج بعد از وقوف به مشعر ..... ۱۴۹
- «مسأله ۲۱۹» اگر محرم در عمره مفرده پس از فراغت از سعی ..... ۱۴۹
- «مسأله ۲۲۰» در مسائلی که گذشت فرقی نیست بین اینکه نزدیکی در جلوی زن باشد یا عقب، ..... ۱۴۹
- «مسأله ۲۲۱» اگر با زن دیگری غیر از زن خود زنا کند ..... ۱۴۹
- «مسأله ۲۲۲» در همه مسائلی که گذشت کسی که نزدیکی کرده مرتکب گناه شده ..... ۱۴۹
- «مسأله ۲۲۳» اگر در احرام حج یا عمره با زن خود از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله نزدیکی کند، ..... ۱۵۰
- «مسأله ۲۲۴» اگر در احرام حج یا عمره از روی علم و عمد با زن خود بدون دخول نزدیکی کند ..... ۱۵۰
- سوم از محرمات احرام «بوسیدن زن» است. .... ۱۵۰
- «مسأله ۲۲۵» جایز نیست مُحرم زن خود را از روی شهوت ببوسد؛ ..... ۱۵۰
- «مسأله ۲۲۶» اگر محرم پس از اینکه تقصیر کرد یا طواف نساء بجا آورد ..... ۱۵۰
- چهارم از محرمات احرام «لمس بدن زن و بازی با زن» است. .... ۱۵۰
- «مسأله ۲۲۷» جایز است مُحرم بدن زن خود را بدون شهوت ..... ۱۵۰
- پنجم از محرمات احرام «نگاه کردن به زن» است. .... ۱۵۰
- «مسأله ۲۲۸» جایز نیست مُحرم از روی شهوت حتی به زن خود نگاه کند؛ ..... ۱۵۱
- «مسأله ۲۲۹» اگر مُحرم به زن اجنبی با شهوت یا بدون شهوت نگاه کند ..... ۱۵۱
- «مسأله ۲۳۰» اگر مُحرم از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله زن خود را ببوسد ..... ۱۵۱
- ششم از محرمات احرام «استمناء» است. .... ۱۵۱
- «مسأله ۲۳۱» اگر مُحرم با آلت خود بازی کند ..... ۱۵۱
- هفتم از محرمات احرام «عقد ازدواج» و نیز «گواه شدن بر عقد ازدواج» است. .... ۱۵۱
- «مسأله ۲۳۲» مُحرم جایز نیست در حال احرام برای خود زن بگیرد ..... ۱۵۱
- «مسأله ۲۳۳» اگر با علم به مسأله در حال احرام زنی را برای خود عقد کند، ..... ۱۵۱
- «مسأله ۲۳۴» اگر مُحرم در حال احرام یا پیش از آن کسی را وکیل کرده که برایش زن بگیرد ..... ۱۵۲
- «مسأله ۲۳۵» مُحرم جایز نیست به عنوان شاهد و گواه در مجلس عقد ازدواج حاضر شود؛ ..... ۱۵۲



- «مسأله ۲۳۶» بنا بر احتیاط مُحرم در حال احرام بر واقع شدن عقد ازدواج شهادت ندهد؛ ----- ۱۵۲
- «مسأله ۲۳۷» بنا بر احتیاط واجب زنی را که در حال احرام است برای کسی عقد نکنند؛ ----- ۱۵۲
- «مسأله ۲۳۸» اگر کسی زنی را برای مردی که در حال احرام است عقد کند و آن مرد دخول کند، ----- ۱۵۲
- هشتم از محرمات احرام «استعمال بوی خوش» است. ----- ۱۵۲
- «مسأله ۲۳۹» استعمال چیزهای خوشبو ----- ۱۵۲
- «مسأله ۲۴۰» بنا بر احتیاط واجب مُحرم باید از گلها و سبزیهایی که بوی خوش دارند ----- ۱۵۳
- «مسأله ۲۴۱» خوردن میوه های خوشبو؛ ----- ۱۵۳
- «مسأله ۲۴۲» بر مُحرم واجب است بینی خود را از بوی خوش بگیرد. ----- ۱۵۳
- «مسأله ۲۴۳» اگر مُحرم به پوشیدن لباس معطر یا غذا یا دوایی که در آن چیزهای خوشبو مصرف شده ناچار شود، ----- ۱۵۳
- «مسأله ۲۴۴» خرید و فروش عطریات ----- ۱۵۳
- «مسأله ۲۴۵» اگر تصادفاً یا عمداً لباس مُحرم به زعفران یا چیزهای خوشبوی دیگر آلوده شود، ----- ۱۵۳
- «مسأله ۲۴۶» اگر مُحرم چیزهای خوشبو را عمداً بخورد ----- ۱۵۳
- «مسأله ۲۴۷» اگر استعمال بوی خوش را در یک جلسه ادامه دهد ----- ۱۵۴
- «مسأله ۲۴۸» مُحرم اگر در احرام حج پیش از تمام کردن سعی فوت کند ----- ۱۵۴
- نهم از محرمات احرام «روغن مالی بدن» است. ----- ۱۵۴
- «مسأله ۲۴۹» مُحرم نباید در حال احرام بدن خود را روغن مالی کند؛ ----- ۱۵۴
- «مسأله ۲۵۰» جایز نیست پیش از احرام روغن خوشبویی که بوی خوش آن تا بعد از احرام باقی می ماند به بدن مالیده شود؛ ----- ۱۵۴
- «مسأله ۲۵۱» خوردن روغن در حال احرام ----- ۱۵۴
- «مسأله ۲۵۲» اگر مُحرم عمداً به بدن خود روغنی که مخلوط با چیز خوشبویی است بمالد، ----- ۱۵۴
- دهم از محرمات احرام «سرمه کشیدن» است. ----- ۱۵۵
- «مسأله ۲۵۳» سرمه کشیدن به سرمه سیاه که معمولاً برای زینت استعمال می شود ----- ۱۵۵
- «مسأله ۲۵۴» اگر برای معالجه چشم ناچار باشند سرمه بکشند، ----- ۱۵۵
- «مسأله ۲۵۵» در سرمه کشیدن کفاره ثابت نیست؛ ----- ۱۵۵
- یازدهم از محرمات احرام «به دست کردن انگشتر به قصد زینت» است. ----- ۱۵۵
- «مسأله ۲۵۶» بر مُحرم حرام است به قصد زینت انگشتر به دست کند؛ ----- ۱۵۵
- «مسأله ۲۵۷» در استعمال انگشتر به قصد زینت، کفاره ثابت نیست؛ ----- ۱۵۵
- دوازدهم از محرمات احرام «زینت کردن و پوشیدن زیور» برای زن است. ----- ۱۵۵

- «مسأله ۲۵۸» جایز نیست زن در حال احرام خود را زینت کند ..... ۱۵۶
- «مسأله ۲۵۹» بر مرد و زن در حال احرام حرام است به قصد زینت حنا بپندند؛ ..... ۱۵۶
- «مسأله ۲۶۰» حنا بستن پیش از احرام به هر قصد باشد مانعی ندارد؛ ..... ۱۵۶
- «مسأله ۲۶۱» در زینت کردن و استعمال زیور آلات و حنا بستن کفاره ثابت نیست؛ ..... ۱۵۶
- سیزدهم از محرمات احرام «نگاه کردن در آینه» است. .... ۱۵۶
- «مسأله ۲۶۲» نگاه کردن مرد و زن در حال احرام در آینه برای زینت جایز نیست؛ ..... ۱۵۶
- «مسأله ۲۶۳» اگر عکس گرفتن از اشخاص یا منظره ها مستلزم نگاه در آینه باشد؛ ..... ۱۵۶
- «مسأله ۲۶۴» اگر در اطافی که شخص محرم سکونت دارد ..... ۱۵۶
- «مسأله ۲۶۵» نگاه کردن مُحرم به اجسام صاف و صیقل داده شده ..... ۱۵۷
- «مسأله ۲۶۶» عینک زدن اگر زینت باشد ..... ۱۵۷
- «مسأله ۲۶۷» در نگاه کردن در آینه کفاره ثابت نیست؛ ..... ۱۵۷
- چهاردهم از محرمات احرام «پوشیدن لباس دوخته» بر مردان است. .... ۱۵۷
- «مسأله ۲۶۸» بر مرد مُحرم پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیر شلواری ..... ۱۵۷
- «مسأله ۲۶۹» بنا بر احتیاط مرد مُحرم از پوشیدن هر نوع لباس دوخته اجتناب نماید؛ ..... ۱۵۷
- «مسأله ۲۷۰» اگر قمقمه آب مثلاً در محفظه دوخته باشد ..... ۱۵۷
- «مسأله ۲۷۱» همپایی را که در آن پول خود را حفظ می کنند ..... ۱۵۷
- «مسأله ۲۷۲» اگر مُحرم به فتق بند دوخته نیاز پیدا کند ..... ۱۵۷
- «مسأله ۲۷۳» اگر مُحرم به لباس دوخته احتیاج پیدا کند ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۷۴» کفاره پوشیدن لباس دوخته ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۷۵» جایز است مُحرم هنگام خوابیدن از لحاف یا روانداز دوخته استفاده کند ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۷۶» مُحرم جایز است شال ندوخته یا عمامه را دور کمر خود روی لنگ بپندد؛ ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۷۷» اگر مُحرم چند نوع لباس دوخته بپوشد ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۷۸» اگر مُحرم چند لباس دوخته از یک نوع بپوشد ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۷۹» اگر یک نوع لباس دوخته مانند پیراهن مثلاً بپوشد ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۸۰» اگر از روی اضطرار و ناچاری چند نوع لباس دوخته بپوشد ..... ۱۵۸
- «مسأله ۲۸۱» اگر مُحرم لباس دوخته ای را از روی فراموشی یا ندانستن مسأله پوشیده است ..... ۱۵۹
- «مسأله ۲۸۲» برای زنها جایز است در حال احرام هر اندازه لازم داشته باشند لباس دوخته بپوشند؛ ..... ۱۵۹

- پانزدهم از محرمات احرام «دکمه گذاشتن و گره زدن جامه های احرام» است. ----- ۱۵۹
- «مسئله ۲۸۳» مرد مُحرم نباید به جامه های خود دکمه بگذارد. ----- ۱۵۹
- «مسئله ۲۸۴» دکمه گذاشتن و گره زدن جامه های احرام کفاره ندارد؛ ----- ۱۵۹
- شانزدهم از محرمات احرام «پوشیدن جوراب و چکمه» برای مردان است. ----- ۱۵۹
- «مسئله ۲۸۵» بر مرد مُحرم پوشیدن جوراب و چکمه، ----- ۱۵۹
- «مسئله ۲۸۶» اگر مرد مُحرم نعلین پیدا نکند ----- ۱۶۰
- «مسئله ۲۸۷» اگر مرد مُحرم از روی علم و عمد چکمه و جوراب و امثال اینها را پوشید ----- ۱۶۰
- «مسئله ۲۸۸» اگر مرد مُحرم زیر لحاف یا پتو بخوابد ----- ۱۶۰
- «مسئله ۲۸۹» در حال احرام پوشیدن نعلینی که بندهای عریض دارد ----- ۱۶۰
- هفدهم از محرمات احرام «پوشیدن سر» برای مردان است. ----- ۱۶۰
- اشاره ----- ۱۶۰
- «مسئله ۲۹۰» مرد مُحرم نباید در حال احرام تمام سر خود یا قسمتی از آن را با لباس یا پارچه بپوشاند؛ ----- ۱۶۰
- «مسئله ۲۹۱» مرد مُحرم اگر سرش را بشوید، ----- ۱۶۰
- «مسئله ۲۹۲» مرد مُحرم نباید در حال احرام کلاه گیس ----- ۱۶۰
- «مسئله ۲۹۳» گوشها در اینجا حکم سر را دارند؛ ----- ۱۶۱
- «مسئله ۲۹۴» مُحرم جایز است سر خود را با اعضای بدن خود مانند دستها یا ذراع خود بپوشاند؛ ----- ۱۶۱
- «مسئله ۲۹۵» مُحرم جایز است برای خواب سر خود ----- ۱۶۱
- «مسئله ۲۹۶» برای مُحرم خوابیدن زیر پشه بند و مانند ----- ۱۶۱
- «مسئله ۲۹۷» برای مُحرم گذاشتن بند مشگ آب بر سر ----- ۱۶۱
- «مسئله ۲۹۸» برای مُحرم جایز است هنگام سر درد، ----- ۱۶۱
- «مسئله ۲۹۹» مُحرم اگر سر خود را هنگام خواب یا زمانی دیگر از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله بپوشاند ----- ۱۶۱
- «مسئله ۳۰۰» مُحرم جایز نیست در آب فرو رود ----- ۱۶۱
- «مسئله ۳۰۱» مُحرم اگر سر خود را از روی علم و عمد بپوشاند ----- ۱۶۲
- «مسئله ۳۰۲» مرد مُحرم اگر سر خود را با لباس دوخته بپوشاند، ----- ۱۶۲
- «مسئله ۳۰۳» مرد مُحرم اگر سر خود را چند مرتبه بپوشاند، ----- ۱۶۲
- «مسئله ۳۰۴» مرد مُحرم جایز است صورت خود را بپوشاند ----- ۱۶۲
- هجدهم از محرمات احرام «پوشاندن صورت» بر زنها است. ----- ۱۶۲

- «مسأله ۳۰۵» جایز نیست زن در حال احرام صورت خود یا قسمتی از آن را ..... ۱۶۲
- «مسأله ۳۰۶» بنا بر احتیاط واجب زن در حال احرام ..... ۱۶۲
- «مسأله ۳۰۷» زن در حال احرام می تواند صورت خود را ..... ۱۶۲
- «مسأله ۳۰۸» زن در حال احرام ناچار است سر خود را برای نماز بپوشاند ..... ۱۶۲
- «مسأله ۳۰۹» جایز است زن در حال احرام برای رو گرفتن از مرد نامحرم ..... ۱۶۳
- «مسأله ۳۱۰» کفاره پوشاندن صورت ..... ۱۶۳
- نوزدهم از محرمات احرام «سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود هنگام سیر و حرکت» ..... ۱۶۳
- «مسأله ۳۱۱» جایز نیست مرد مُحرم هنگام سیر و طی مسافت، ..... ۱۶۳
- «مسأله ۳۱۲» جایز است مرد مُحرم در منازل بین راه ..... ۱۶۳
- «مسأله ۳۱۳» در حرمت استفاده مرد مُحرم از ماشین سقف دار و هواپیما و مانند اینها بین روز و شب فرق نیست. .... ۱۶۵
- «مسأله ۳۱۴» جایز است مرد مُحرم به وسیله دست و ذراع خود جلوی ..... ۱۶۵
- «مسأله ۳۱۵» استفاده از اشیای سقف دار و سایه دار برای زنها و بچه های نابالغ ..... ۱۶۵
- «مسأله ۳۱۶» اگر مرد مُحرم از گرما یا سرما بی تاب می شود ..... ۱۶۵
- «مسأله ۳۱۷» کفاره زیر سایه رفتن ذبح یک گوسفند است؛ ..... ۱۶۵
- بیستم از محرمات احرام «فسوق» است. .... ۱۶۵
- «مسأله ۳۱۸» در قرآن کریم «فسوق» از محرمات احرام شمرده شده، ..... ۱۶۵
- «مسأله ۳۱۹» بنا بر مشهور در فسوق کفاره نیست؛ ..... ۱۶۶
- بیست و یکم از محرمات احرام «جدال» است. .... ۱۶۶
- «مسأله ۳۲۰» جدال و ستیزه جویی که همراه قسم خوردن ..... ۱۶۶
- «مسأله ۳۲۱» قسم به خدا در حال احرام در دو صورت مانعی ندارد: ..... ۱۶۶
- «مسأله ۳۲۲» بنا بر مشهور اگر قسم مُحرم راست باشد ..... ۱۶۶
- بیست و دوم از محرمات احرام «کشتن جانوران بدن» است. .... ۱۶۸
- «مسأله ۳۲۳» مُحرم جایز نیست شپشی را که در بدن و لباس انسان وجود دارد ..... ۱۶۸
- «مسأله ۳۲۴» بنا بر احتیاط واجب برای کشتن یا دور انداختن شپش در حال احرام یک مشت از طعام صدقه بدهد؛ ..... ۱۶۸
- بیست و سوم از محرمات احرام «جدا کردن مو از بدن خود یا دیگری» است. .... ۱۶۸
- «مسأله ۳۲۵» مُحرم جایز نیست سر خود یا دیگری را بتراشد، ..... ۱۶۸
- «مسأله ۳۲۶» مُحرم اگر سر خود را بدون ضرورت بتراشد ..... ۱۶۸

- «مسأله ۳۲۷» مُحرم اگر موی سر خود را به غیر از تراشیدن برطرف کند، ..... ۱۶۹
- «مسأله ۳۲۸» مُحرم اگر موهای زیر هر دو بغل خود را برطرف کند ..... ۱۶۹
- «مسأله ۳۲۹» اگر مُحرم بعضی از سر خود را بتراشد ..... ۱۶۹
- «مسأله ۳۳۰» اگر مُحرم یک مو یا چند مو از ریش یا غیر ریش خود بکند، ..... ۱۶۹
- «مسأله ۳۳۱» اگر مُحرم عمداً دست به سر یا ریش خود بکشد ..... ۱۶۹
- «مسأله ۳۳۲» جایز است مُحرم سر یا بدن خود را بخاراند، ..... ۱۶۹
- «مسأله ۳۳۳» اگر مُحرم سر دیگری را بتراشد ..... ۱۶۹
- «مسأله ۳۳۴» اگر مُحرم از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سر خود را بتراشد ..... ۱۷۰
- «مسأله ۳۳۵» در حرمت زایل کردن مو در حال احرام ..... ۱۷۰
- بیست و چهارم از محرمات احرام «بیرون آوردن خون از بدن خود» است. .... ۱۷۰
- «مسأله ۳۳۶» مرد و زن در حال احرام جایز نیست به نحوی از انحاء خون از بدن خود بیرون نمایند؛ ..... ۱۷۰
- «مسأله ۳۳۷» اگر در حال احرام خون گرفتن یا حجامت کردن یا رگ زدن ضرورت پیدا کند ..... ۱۷۰
- «مسأله ۳۳۸» مسواک کردن در حال احرام مانعی ندارد؛ ..... ۱۷۰
- «مسأله ۳۳۹» تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد؛ ..... ۱۷۰
- «مسأله ۳۴۰» بنا بر احتیاط کفاره بیرون آوردن خون از بدن ..... ۱۷۰
- «مسأله ۳۴۱» مُحرم می تواند از بدن دیگری که مُحرم نیست خون خارج نماید؛ ..... ۱۷۰
- بیست و پنجم از محرمات احرام بنا بر احتیاط «کندن دندان» است. .... ۱۷۰
- «مسأله ۳۴۲» بنا بر احتیاط مُحرم در حال احرام دندان خود را نکشد، ..... ۱۷۱
- بیست و ششم از محرمات احرام «ناخن گرفتن» است. .... ۱۷۱
- «مسأله ۳۴۳» گرفتن ناخن یا قسمتی از آن در حال احرام جایز نیست؛ ..... ۱۷۱
- «مسأله ۳۴۴» اگر مُحرم دست یا پا و یا انگشت زیادی داشته باشد ..... ۱۷۱
- «مسأله ۳۴۵» مُحرم اگر ناخن شخص دیگری را ..... ۱۷۱
- «مسأله ۳۴۶» اگر مُحرم یک ناخن از دست یا پای خود بگیرد ..... ۱۷۱
- «مسأله ۳۴۷» اگر مُحرم همه ناخنهای دستها را در یک مجلس ..... ۱۷۱
- «مسأله ۳۴۸» اگر مُحرم همه ناخنهای دستها را بگیرد ..... ۱۷۲
- «مسأله ۳۴۹» اگر چند ناخن از دستها بگیرد و چند ناخن از پاها ..... ۱۷۲
- «مسأله ۳۵۰» اگر مُحرم قسمتی از یک ناخن خود را بگیرد ..... ۱۷۲

- ۱۷۲ ..... «مسأله ۳۵۱» اگر مُحرم ناچار شود ناخن یا ناخنهای خود را بگیرد
- ۱۷۲ ..... «مسأله ۳۵۲» اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله
- ۱۷۲ ..... «مسأله ۳۵۳» اگر کسی برای مُحرم فتویٰ دهد که جایز است ناخن خود را بگیرد
- ۱۷۲ ..... بیست و هفتم از محرمات احرام «برداشتن سلاح» است.
- ۱۷۲ ..... «مسأله ۳۵۴» مُحرم جایز نیست سلاحهای جنگی
- ۱۷۳ ..... «مسأله ۳۵۵» جایز است مُحرم در حال ضرورت و ترس
- ۱۷۳ ..... «مسأله ۳۵۶» اگر مُحرم بدون ضرورت با خود سلاح حمل نمود
- ۱۷۳ ..... بیست و هشتم از محرمات احرام بنا بر احتیاط «جنگ کردن و کشتی گرفتن» است.
- ۱۷۳ ..... «مسأله ۳۵۷» بنا بر احتیاط جنگ کردن در حال احرام
- ۱۷۳ ..... «مسأله ۳۵۸» بنا بر احتیاط مُحرم با کسی کشتی نگیرد؛
- ۱۷۳ ..... بیست و نهم از محرمات احرام «کندن و بریدن درخت و گیاه حرم» است.
- ۱۷۳ ..... «مسأله ۳۵۹» کندن و بریدن و چیدن هر چه در حرم خدا روییده و می روید،
- ۱۷۳ ..... «مسأله ۳۶۰» از حکم گذشته چند مورد استثناء شده است:
- ۱۷۴ ..... «مسأله ۳۶۱» درختی که ریشه آن در حرم و شاخه هایش در خارج حرم،
- ۱۷۴ ..... «مسأله ۳۶۲» کندن و بریدن گیاه و درخت خارج حرم -
- ۱۷۴ ..... «مسأله ۳۶۳» در مواردی که کندن یا بریدن گیاه و درخت در حرم جایز نیست
- ۱۷۴ ..... «مسأله ۳۶۴» شکار اگر در احرام عمره واقع شود،
- ۱۷۵ ..... مستحبات ورود به حرم
- ۱۷۵ ..... «مسأله ۳۶۵» برای داخل شدن در حرم خدا چند چیز مستحب است:
- ۱۷۶ ..... «مسأله ۳۶۶» مستحب است حاجی برای ورود به مکه معظّمه نیز غسل کند
- ۱۷۶ ..... آداب ورود به مسجدالحرام
- ۱۷۶ ..... «مسأله ۳۶۷» مستحب است حاجی در حال ورود به مسجدالحرام با غسل باشد
- ۱۷۶ ..... و مستحب است بر درب داخلی مسجدالحرام بایستد و بگوید:
- ۱۷۷ ..... و هنگامی که داخل مسجد شد
- ۱۷۷ ..... بعد کعبه را مخاطب قرار داده بگوید:
- ۱۷۷ ..... و در روایتی دیگر وارد شده که درب مسجد می گوئی:
- ۱۷۸ ..... و هنگامی که محاذی حجرالأسود شدی بگو:

- ۱۷۸ ..... پس به فرمایش شیخ صدوق (ره) نگاه کن به حجرالأسود و متوجه آن شو و بگو:
- ۱۷۸ ..... و در روایت صحیحی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است: -
- ۱۷۹ ..... واگر نتوانستی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو: -
- ۱۷۹ ..... فصل دوم: طواف خانه خدا واجبات، شرایط، احکام و آداب آن -
- ۱۷۹ ..... اشاره -
- ۱۷۹ ..... [طواف از ارکان عمره تمتع است] -
- ۱۷۹ ..... «مسألة ۳۶۸» «طواف» از ارکان عمره تمتع است؛ -
- ۱۷۹ ..... «مسألة ۳۶۹» کسی که عمره تمتع را در اثر تأخیر طواف باطل کرده -
- ۱۸۰ ..... «مسألة ۳۷۰» اگر کسی طواف را فراموش کرد -
- ۱۸۰ ..... «مسألة ۳۷۱» محرم اگر به واسطه مرض خودش نتواند طواف کند -
- ۱۸۰ ..... «مسألة ۳۷۲» شخص مریض را که طواف می دهند -
- ۱۸۰ ..... شرایط طواف -
- ۱۸۰ ..... اشاره -
- ۱۸۱ ..... اول «نیت» است -
- ۱۸۱ ..... اشاره -
- ۱۸۱ ..... «مسألة ۳۷۳» لازم نیست نیت را به زبان بیاورد -
- ۱۸۱ ..... «مسألة ۳۷۴» در صحیح بودن طواف و سایر عبادتها فرق نمی کند که عمل را برای خدا بجا آورد، یا برای رضا و خوشنودی خدا، -
- ۱۸۱ ..... «مسألة ۳۷۵» اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج و عبادتهای دیگر ریا کند، -
- ۱۸۱ ..... «مسألة ۳۷۶» اگر در عملی که برای خدا بجا می آورد مخلص نباشد -
- ۱۸۱ ..... «مسألة ۳۷۷» اگر عمل را فقط برای خدا بجا آورد -
- ۱۸۱ ..... دوم از شرایط طواف «طهارت از حدث» است؛ -
- ۱۸۲ ..... اشاره -
- ۱۸۲ ..... «مسألة ۳۷۸» طهارت از حدث در طواف واجب شرط است؛ -
- ۱۸۲ ..... «مسألة ۳۷۹» محدث «۱» اگر طواف واجب بجا آورد باطل است؛ -
- ۱۸۲ ..... «مسألة ۳۸۰» طواف یعنی «گردش هفت شوط دور خانه کعبه» مستحب مؤکد است؛ -
- ۱۸۲ ..... «مسألة ۳۸۱» اگر در بین طواف واجب حدث خارج شود مسأله چهار صورت دارد: -
- ۱۸۲ ..... اول: اینکه پیش از رسیدن به نصف حقیقی طواف باشد؛ -

- دوم: اینکه پس از رسیدن به نصف و پیش از تمام شدن شُوط چهارم باشد؛ ----- ۱۸۲
- سوم: اینکه بعد از تمام شدن شُوط چهارم به اختیار، خود را مُحدث کند؛ ----- ۱۸۳
- چهارم: اینکه پس از تمام شدن شوط چهارم بی اختیار حدث خارج شود؛ ----- ۱۸۳
- «مسأله ۳۸۲» اگر در بین طواف، حدث اکبر- مانند جنابت یا حیض و یا نفاس- عارض شود ----- ۱۸۳
- «مسأله ۳۸۳» کسی که از وضو یا غسل کامل معذور است، ----- ۱۸۳
- «مسأله ۳۸۴» کسی که از وضو یا غسل به طور کلی معذور است، ----- ۱۸۳
- «مسأله ۳۸۵» کسی که از تیمم نیز عذر دارد ----- ۱۸۴
- «مسأله ۳۸۶» اگر بدل از غسل تیمم کرد ----- ۱۸۴
- «مسأله ۳۸۷» اگر در سابق وضو گرفته و شک کرد که وضویش باطل شده یا نه ----- ۱۸۴
- «مسأله ۳۸۸» اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند ----- ۱۸۴
- «مسأله ۳۸۹» اگر زن در حال احرام حائض باشد ----- ۱۸۴
- «مسأله ۳۹۰» اگر زن در بین طواف واجب حائض یا نفساء شود ----- ۱۸۵
- «مسأله ۳۹۱» اگر زن با احرام عمره تمتع وارد مکه شد و با اینکه فرصت طواف و سایر اعمال را داشت ----- ۱۸۶
- سوم از شرایط طواف «پاک بودن بدن و لباس» است از خون و سایر نجاسات. ----- ۱۸۶
- «مسأله ۳۹۲» بنا بر احتیاط واجب از نجاساتی که در نماز بخشیده شده ----- ۱۸۶
- «مسأله ۳۹۳» اگر شستن خون زخم و دمل مشقت و حرج داشته باشد ----- ۱۸۶
- «مسأله ۳۹۴» اگر بعد از طواف یقین کند بدن یا لباس او در حال طواف نجس بوده است ----- ۱۸۶
- «مسأله ۳۹۵» اگر نجس بودن بدن یا لباس را می دانست ولی فراموش کرد ----- ۱۸۶
- «مسأله ۳۹۶» اگر در پاک بودن بدن یا لباس خود شک داشته باشد، ----- ۱۸۷
- «مسأله ۳۹۷» اگر در بین طواف نجاستی بر بدن یا لباس عارض شود، ----- ۱۸۷
- «مسأله ۳۹۸» اگر در بین طواف نجاستی را بر بدن یا لباس ببیند ----- ۱۸۷
- چهارم از شرایط طواف «ختنه» است در مردها؛ و این شرط در زنها نیست. ----- ۱۸۷
- «مسأله ۳۹۹» مرد اگر ختنه نشده باشد، طوافش باطل است؛ ----- ۱۸۷
- «مسأله ۴۰۰» اگر مرد ختنه نشده مستطیع گردد، ----- ۱۸۸
- پنجم از شرایط طواف «پوشاندن عورت» است بنا بر مشهور و احتیاط واجب. ----- ۱۸۸
- «مسأله ۴۰۱» اگر در حال طواف عورت خود را نپوشاند ----- ۱۸۸
- واجبات طواف ----- ۱۸۸



- ۱۸۸ ..... اشاره
- ۱۸۸ ..... اول و دوم: اینکه طواف از حجرالأسود شروع شود و به حجرالأسود نیز ختم شود. ....
- ۱۸۸ ..... «مسأله ۴۰۲» باید به گونه ای طواف کند که در عرف بگویند از حجرالاسود شروع کرد
- ۱۸۹ ..... سوم از واجبات طواف: اینکه خانه کعبه را در همه شُوطها در طرف چپ خود قرار دهد. ....
- ۱۸۹ ..... «مسأله ۴۰۳» طواف باید به نحو متعارف باشد
- ۱۹۰ ..... «مسأله ۴۰۴» گاهی دیده می شود بعضی از افراد برای احتیاط در امر طواف، دیگری را وادار می کند که او را طواف دهد
- ۱۹۰ ..... «مسأله ۴۰۵» اگر در اثر کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار با خود ببرند
- ۱۹۰ ..... «مسأله ۴۰۶» انسان در حال طواف می تواند آهسته برود،
- ۱۹۰ ..... چهارم از واجبات طواف: اینکه حجر اسماعیل علیه السلام را نیز دور بزند؛
- ۱۹۰ ..... اشاره
- ۱۹۱ ..... «مسأله ۴۰۷» اگر در طواف داخل حجر اسماعیل علیه السلام شود
- ۱۹۱ ..... «مسأله ۴۰۸» اگر در بعضی از شُوطها از روی دیوار حجر که دیوار کوتاهی است طواف کند،
- ۱۹۱ ..... پنجم از واجبات طواف: اینکه طواف دور همه کعبه و خارج از خود کعبه واقع شود.
- ۱۹۱ ..... «مسأله ۴۰۹» در پایین بعضی از اطراف کعبه یک نما و پیش آمدگی است که آن را «شاذزوان» می گویند؛
- ۱۹۱ ..... ششم از واجبات طواف: بنا بر مشهور- اینکه طواف بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام واقع شود.
- ۱۹۱ ..... «مسأله ۴۱۰» بنا بر مشهور اگر پشت مقام ابراهیم علیه السلام طواف کنند
- ۱۹۳ ..... هفتم و هشتم از واجبات طواف: اینکه طواف باید هفت شُوط کامل باشد،
- ۱۹۳ ..... اشاره
- ۱۹۳ ..... «مسأله ۴۱۱» اگر از اول عمداً نیت کند کمتر از هفت شُوط یا بیشتر طواف کند
- ۱۹۳ ..... «مسأله ۴۱۲» اگر در بین طواف از نیت هفت شوط برگردد
- ۱۹۳ ..... «مسأله ۴۱۳» اگر بعد از تمام شدن هفت شُوط نیت کند یک شُوط دیگر زیاد کند
- ۱۹۴ ..... «مسأله ۴۱۴» اگر از اول یا در بین نیت کند که هفت شُوط طواف کند
- ۱۹۴ ..... «مسأله ۴۱۵» اگر در اثر ندانستن مسأله گمان کرد همین طور که هفت شُوط طواف شرعی است یک شُوط هم طواف شرعی مستحب است،
- ۱۹۴ ..... «مسأله ۴۱۶» بنا بر احتیاط واجب در طواف واجب «قران» جایز نیست؛
- ۱۹۴ ..... «مسأله ۴۱۷» اگر یک شُوط یا کمتر یا بیشتر بر طواف خود اضافه کند
- ۱۹۴ ..... «مسأله ۴۱۸» در طواف واجب اگر از اول یا در بین طواف، قصد قران کند،
- ۱۹۴ ..... «مسأله ۴۱۹» اگر از روی سهو و غفلت بر هفت شُوط اضافه نمود،

- «مسأله ۴۲۰» قطع کردن طواف مستحب هر چند بدون عذر باشد مانعی ندارد. ----- ۱۹۵
- «مسأله ۴۲۱» اگر در بین طواف عمداً آن را رها کرد، ----- ۱۹۵
- «مسأله ۴۲۲» اگر در بین طواف خسته شد ----- ۱۹۵
- «مسأله ۴۲۳» اگر در بین طواف واجب عمداً آن را رها کند ----- ۱۹۵
- «مسأله ۴۲۴» اگر از روی سهو و فراموشی بعضی از طواف واجب را ترک کرد ----- ۱۹۵
- «مسأله ۴۲۵» اگر در بین سعی صفا و مروه متوجه شود که بعضی از طواف را ترک کرده است ----- ۱۹۷
- «مسأله ۴۲۶» اگر در بین طواف مریض شود ----- ۱۹۷
- «مسأله ۴۲۷» قطع کردن طواف برای انجام کارهای ضروری ----- ۱۹۷
- «مسأله ۴۲۸» اگر در اثر عارض شدن جنابت یا حیض یا نفاس یا حدث اصغر و یا نجس شدن بدن یا لباس طواف را قطع کند، ----- ۱۹۹
- «مسأله ۴۲۹» اگر در بین طواف واجب وقت نماز واجب تنگ شود، ----- ۱۹۹
- «مسأله ۴۳۰» در چند مورد طواف کننده به شک خود اعتنا نمی کند و حکم به صحت طواف او می شود: ----- ۱۹۹
- اول: اینکه بعد از فراغت از هفت شُوط شک کند آیا طواف را صحیح انجام داده یا نه؛ ----- ۱۹۹
- دوم: اینکه بعد از فراغت از طواف و وارد شدن در واجب دیگری- مثل نماز طواف یا سعی- در عدد شُوطها شک کند؛ ----- ۱۹۹
- سوم: اینکه در آخر شُوط باشد و یقین دارد که هفت شُوط کامل طواف کرده ----- ۱۹۹
- چهارم: کسی که کثیرالشک و خارج از متعارف باشد؛ ----- ۲۰۰
- «مسأله ۴۳۱» در چند صورت شک در طواف موجب بطلان طواف است ----- ۲۰۰
- اشاره ----- ۲۰۰
- اول: اینکه همه اطراف احتمال، کمتر از هفت باشد؛ ----- ۲۰۰
- دوم: اینکه پیش از فراغت از طواف، بین هفت و کمتر شک کند. ----- ۲۰۰
- سوم: اینکه بین کمتر از هفت و بیشتر از هفت شک کند، ----- ۲۰۰
- چهارم: اینکه بین هفت و کمتر و زیاده تر شک کند ----- ۲۰۰
- پنجم: اینکه پیش از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن شُوط، ----- ۲۰۰
- «مسأله ۴۳۲» «گمان» در عدد شُوطها ----- ۲۰۰
- «مسأله ۴۳۳» اگر در طواف مستحب در عدد شُوطها شک کند، ----- ۲۰۱
- «مسأله ۴۳۴» اگر رفیق انسان که مورد اعتماد است به عدد شُوطها یقین دارد ----- ۲۰۱
- مسائل متفرقه طواف ----- ۲۰۱
- «مسأله ۴۳۵» اگر در بین سعی صفا و مروه یادش آید که طواف را بجا نیاورده ----- ۲۰۱

- ۲۰۱ - «مسأله ۴۳۶» اگر مریض یا کودکی را به دوش گرفت تا طوافش دهد.....
- ۲۰۱ - «مسأله ۴۳۷» در حال طواف تکلم کردن، خندیدن، شعر خواندن و مانند اینها اشکال ندارد؛.....
- ۲۰۱ - «مسأله ۴۳۸» آب خوردن در حال طواف.....
- ۲۰۱ - «مسأله ۴۳۹» لازم نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد؛.....
- ۲۰۲ - «مسأله ۴۴۰» هر گاه در حال طواف در قسمتی از آن اشکالی پیش آمد.....
- ۲۰۲ - آداب و مستحبات طواف.....
- ۲۰۲ - «مسأله ۴۴۱» ۱- مستحب است در حال طواف بگوید:.....
- ۲۰۲ - ۲- در حال طواف بگوید:.....
- ۲۰۲ - ۳- هر وقت به در خانه کعبه می رسد.....
- ۲۰۳ - ۴- وقتی که به حجر اسماعیل علیه السلام رسید،.....
- ۲۰۳ - ۵- وقتی که از حجر اسماعیل علیه السلام گذشت و به پشت کعبه رسید.....
- ۲۰۳ - ۶- وقتی که به رکن یمانی رسید دست بلند کند و بگوید:.....
- ۲۰۴ - ۷- در بین رکن یمانی و حجرالاسود بگوید:.....
- ۲۰۴ - ۸- در شوط هفتم وقتی که به مستجار.....
- ۲۰۴ - ۹- رکن یمانی را استلام کند،.....
- ۲۰۴ - ۱۰- مستحب است در هر شوط، ستونهای چهارگانه کعبه.....
- ۲۰۴ - ۱۱- در وقت استلام حجرالاسود بگوید:.....
- ۲۰۵ - فصل سوم: نماز طواف.....
- ۲۰۵ - اشاره.....
- ۲۰۵ - «مسأله ۴۴۲» واجب است بعد از تمام شدن طواف واجب دو رکعت نماز.....
- ۲۰۵ - «مسأله ۴۴۳» واجب است پس از تمام شدن طواف واجب بدون فاصله عرفی نماز طواف را بخواند؛.....
- ۲۰۵ - «مسأله ۴۴۴» نماز طواف واجب را بنا بر احتیاط واجب باید.....
- ۲۰۵ - «مسأله ۴۴۵» جایز است در نماز طواف پس از حمد هر سوره ای را که می خواهد بخواند؛.....
- ۲۰۶ - «مسأله ۴۴۶» نماز طواف را می تواند مانند نماز صبح بلند بخواند،.....
- ۲۰۶ - «مسأله ۴۴۷» اگر در رکعتهای نماز طواف شک کرد،.....
- ۲۰۶ - «مسأله ۴۴۸» اگر نماز طواف واجب را فراموش کند.....
- ۲۰۶ - «مسأله ۴۴۹» اگر نماز طواف واجب را فراموش کرد.....

- «مسأله ۴۵۰» در حکم فراموشی نماز است اگر در اثر ندانستن مسأله آن را نخوانده است، ..... ۲۰۶
- «مسأله ۴۵۱» اگر نماز طوافی را که فراموش کرده یا باطل بوده ..... ۲۰۶
- «مسأله ۴۵۲» اگر عمداً و با علم به مسأله نماز طواف عمره یا حج را نخواند ..... ۲۰۶
- «مسأله ۴۵۳» بر هر مکلف واجب است نماز خود و شرایط و واجبات و قرائت و ذکرهای واجب آن را به طور صحیح یاد بگیرد؛ ..... ۲۰۷
- «مسأله ۴۵۴» اگر نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب نماز را یاد بگیرد ..... ۲۰۷
- «مسأله ۴۵۵» نماز طواف را در همه وقت جایز است بخواند؛ ..... ۲۰۷
- «مسأله ۴۵۶» اگر کسی نماز طواف واجب را در حجّ اسماعیل علیه السلام بجا آورد ..... ۲۰۷
- «مسأله ۴۵۷» کسی که در عمره تمتع بعد از طواف وضویش باطل شده ..... ۲۰۷
- «مسأله ۴۵۸» خواندن نماز طواف به جماعت در حال اختیار محل اشکال است؛ ..... ۲۰۷
- «مسأله ۴۵۹» اگر بین طواف واجب و نماز آن زیاد فاصله بیندازد، ..... ۲۰۷
- «مسأله ۴۶۰» اگر قرائت نماز او غلط بوده ..... ۲۰۷
- مستحبات نماز طواف ..... ۲۰۸
- «مسأله ۴۶۱» ۱- بر حسب فرموده شیخ صدوق (ره) مستحب است بعد از نماز طواف، حمد و ثنای خدا را بجا آورد ..... ۲۰۸
- فصل چهارم: سعی بین صفا و مروه ..... ۲۰۸
- اشاره ..... ۲۰۸
- «مسأله ۴۶۲» واجب است پس از نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه ..... ۲۰۹
- «مسأله ۴۶۳» سعی بین صفا و مروه باید هفت مرتبه باشد؛ ..... ۲۰۹
- «مسأله ۴۶۴» در سعی واجب است از صفا شروع کند، ..... ۲۰۹
- «مسأله ۴۶۵» بنابر احتیاط واجب در سعی باید از اول کوه صفا، از پایین آن شروع کند ..... ۲۰۹
- «مسأله ۴۶۶» در سعی جایز است بدون عذر نیز بر حیوان یا دوچرخه و مانند آن سوار شود ..... ۲۰۹
- «مسأله ۴۶۷» واجب است رفت و برگشت بین صفا و مروه از راه متعارف باشد؛ ..... ۲۰۹
- «مسأله ۴۶۸» واجب است هنگام رفتن به طرف مروه متوجه مروه باشد؛ ..... ۲۱۰
- «مسأله ۴۶۹» سعی نیز مانند طواف از عبادات است و باید آن را به قصد قربت ..... ۲۱۰
- «مسأله ۴۷۰» در سعی باید نیت کند ..... ۲۱۰
- «مسأله ۴۷۱» در سعی پوشاندن عورت و پاک بودن بدن و لباس و طهارت از حدث معتبر نیست. ..... ۲۱۰
- «مسأله ۴۷۲» سعی نیز همانند طواف یکی از ارکان عمره و حج است. ..... ۲۱۰
- «مسأله ۴۷۳» واجب است سعی را پس از طواف و نماز طواف بجا آورد؛ ..... ۲۱۰

- ۲۱۰ ----- «مسأله ۴۷۴» اگر بیماری را به دوش بگیرد
- ۲۱۱ ----- «مسأله ۴۷۵» اگر کسی به هیچ گونه حتی سواره نتواند سعی را بجا آورد
- ۲۱۱ ----- «مسأله ۴۷۶» پس از نماز طواف لازم نیست فوراً و بلافاصله سعی را انجام دهد؛
- ۲۱۱ ----- «مسأله ۴۷۷» بنابر احتیاط واجب باید موالات عرفی را در سعی رعایت کند
- ۲۱۱ ----- «مسأله ۴۷۸» اگر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند
- ۲۱۱ ----- «مسأله ۴۷۹» اگر عمداً زیادتراً از هفت شوط سعی کند،
- ۲۱۱ ----- «مسأله ۴۸۰» اگر از روی اشتباه و فراموشی زیادتراً از هفت شُوط سعی کرده است،
- ۲۱۲ ----- «مسأله ۴۸۱» اگر عمداً بعضی از شُوطهای سعی را در عمره تمتع ترک کند
- ۲۱۲ ----- «مسأله ۴۸۲» اگر از روی فراموشی بعضی از شُوطهای سعی را ترک کرده است،
- ۲۱۲ ----- «مسأله ۴۸۳» اگر از روی فراموشی بعضی از شوطهای سعی را ترک کرد
- ۲۱۲ ----- «مسأله ۴۸۴» شک در عدد شُوطهای سعی چند صورت دارد:
- ۲۱۴ ----- «مسأله ۴۸۵» اگر در روزی که طواف کرده است، فردای آن روز شک کند
- ۲۱۴ ----- «مسأله ۴۸۶» اگر پس از تمام شدن سعی و فراغت از آن شک کند
- ۲۱۴ ----- «مسأله ۴۸۷» اگر در حال طواف یا سعی پول یا چیز دیگر غصبی یا مالی که خمس آن داده نشده همراه دارد
- ۲۱۴ ----- مستحبات سعی
- ۲۱۴ ----- «مسأله ۴۸۸» ۱- مستحب است پس از نماز طواف و پیش از سعی از آب زمزم بنوشد
- ۲۱۹ ----- فصل پنجم: تقصیر و احکام آن
- ۲۱۹ ----- اشاره
- ۲۱۹ ----- «مسأله ۴۸۹» در عمره تمتع واجب است پس از سعی تقصیر کند؛
- ۲۱۹ ----- «مسأله ۴۹۰» بنابر اقوی کندن مو کافی نیست؛
- ۲۱۹ ----- «مسأله ۴۹۱» تقصیر باید بعد از سعی باشد؛
- ۲۱۹ ----- «مسأله ۴۹۲» تقصیر نیز از عبادات است
- ۲۲۰ ----- «مسأله ۴۹۳» پس از تقصیر آنچه به سبب احرام حرام شده بود حلال می شود؛
- ۲۲۰ ----- «مسأله ۴۹۴» پس از فراغت از سعی لازم نیست فوراً تقصیر کند؛
- ۲۲۰ ----- «مسأله ۴۹۵» اگر عمداً تقصیر را تا وقت احرام حج ترک کند
- ۲۲۰ ----- «مسأله ۴۹۶» اگر تقصیر را فراموش کرد
- ۲۲۰ ----- «مسأله ۴۹۷» اگر از روی ندانستن مسأله بعد از سعی و پیش از تقصیر با زن خود نزدیکی کند

- ۲۲۰ ----- «مسأله ۴۹۸» در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست؛
- ۲۲۰ ----- باب سوم: اعمال، احکام و آداب حج تمتع
- ۲۲۰ ----- اشاره
- ۲۲۱ ----- فصل اول: احرام حج و مستحبات آن
- ۲۲۱ ----- «مسأله ۴۹۹» اولین واجب حج تمتع «تیت حج تمتع» است
- ۲۲۱ ----- «مسأله ۵۰۰» پس از انجام عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب باید انسان در مکه بماند
- ۲۲۲ ----- «مسأله ۵۰۱» پس از تمام شدن عمره تمتع لازم نیست فوراً احرام حج ببندد؛
- ۲۲۲ ----- «مسأله ۵۰۲» اگر احرام حج تمتع را فراموش کند
- ۲۲۲ ----- «مسأله ۵۰۳» بنا بر احتیاط در حج تمتع پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحب بجا نیاورد؛
- ۲۲۲ ----- «مسأله ۵۰۴» چیزهایی که در احرام عمره تمتع مستحب بود و در مسأله «۲۰۲» به آنها اشاره شد
- ۲۲۲ ----- اشاره
- ۲۲۳ ----- ۱- پس از اینکه در راه مشرف بر «یطح» شد به آواز بلند لبیک بگوید؛
- ۲۲۳ ----- ۲- و وقتی که به منی رسید بگوید؛
- ۲۲۳ ----- ۳- و شب عرفه را در منی بماند
- ۲۲۳ ----- ۴- و هنگام توجه به طرف عرفات این دعا را بخواند:
- ۲۲۳ ----- فصل دوم: وقوف به عرفات
- ۲۲۳ ----- اشاره
- ۲۲۴ ----- «مسأله ۵۰۵» واجب است محرم به احرام حج در ظهر روز عرفه- نهم ذیحجه- در عرفات باشد
- ۲۲۴ ----- «مسأله ۵۰۶» وقوف به عرفات نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است
- ۲۲۴ ----- «مسأله ۵۰۷» مقصود از «وقوف» توقف کردن و بودن در آن مکان است
- ۲۲۴ ----- «مسأله ۵۰۸» هر چند از بعضی اخبار استفاده می شود که می توانند اول ظهر نماز ظهر و عصر را در خارج عرفات بخوانند
- ۲۲۴ ----- «مسأله ۵۰۹» عرفات بیابانی است در خارج حرم خدا،
- ۲۲۴ ----- «مسأله ۵۱۰» در عرفات کوهی است معروف به «جبل الرحمه» که جزو عرفات است.
- ۲۲۵ ----- «مسأله ۵۱۱» هر چند واجب است از بعد از ظهر تا مغرب شرعی در عرفات باشند ولی همه آن رکن حج نیست؛
- ۲۲۵ ----- «مسأله ۵۱۲» چنانکه گفته شد اگر با علم و عمد وقوف به عرفات را به طور کلی ترک کند،
- ۲۲۵ ----- «مسأله ۵۱۳» کسی که در اثر فراموشی یا دیر رسیدن به مکه یا اشتباه در ماه
- ۲۲۵ ----- «مسأله ۵۱۴» اگر کسی عمداً پیش از مغرب شرعی از عرفات کوچ کرد

- ۲۲۶ ----- «مسأله ۵۱۵» اگر ماه در نزد علما و فضات اهل سنت در حجاز ثابت شد
- ۲۲۶ ----- «مسأله ۵۱۶» پس از رسیدن به عرفات مستحب است: -
- ۲۲۶ ----- ۱- هنگام ظهر پس از قطع تلبیه «لا اله الا الله» بگوید
- ۲۲۶ ----- ۲- غسل کند و نماز ظهر و عصر را با غسل و با یک اذان و دو اقامه بدون فاصله بجا آورد
- ۲۲۶ ----- ۳- وقوف در پایین کوه و در طرف چپ آن در زمینهای هموار باشد
- ۲۲۷ ----- ۴- در حال وقوف با طهارت باشد.
- ۲۲۷ ----- ۵- صد مرتبه: «الله اکبر» بگوید؛
- ۲۲۷ ----- ۶- این دعا را بخواند:
- ۲۲۷ ----- ۷- پس دستهای خود را به طرف بالا بلند کند و بگوید:
- ۲۲۷ ----- ۸- این دعا را بخواند:
- ۲۲۸ ----- ۹- و بگوید:
- ۲۲۸ ----- ۱۰- رو به کعبه بایستد و صد مرتبه:
- ۲۲۸ ----- ۱۱- ده آیه از اول سوره بقره،
- ۲۲۸ ----- ۱۲- سوره: «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»
- ۲۲۹ ----- ۱۳- حمد خدا گوید بر همه نعمتهایش؛
- ۲۲۹ ----- ۱۴- پس بگوید:
- ۲۲۹ ----- ۱۵- و حاجتهای دنیایی و آخرتی خود را از خدا بخواهد؛
- ۲۳۰ ----- ۱۶- و نزدیک غروب آفتاب بگوید:
- ۲۳۰ ----- ۱۷- هر چه می تواند در حق برادران دینی خود دعا کند؛
- ۲۳۰ ----- ۱۸- بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سیدالشهداء علیه السلام
- ۲۳۰ ----- ۱۹- پس از غروب آفتاب بگوید:
- ۲۳۰ ----- ۲۰- بسیار بگوید:
- ۲۳۱ ----- فصل سوم: وقوف به مشعر
- ۲۳۱ ----- اشاره
- ۲۳۱ ----- «مسأله ۵۱۷» شخص حاج پس از انجام وقوف به عرفات، در مغرب شب عید باید به طرف مشعرالحرام کوچ کند،
- ۲۳۱ ----- «مسأله ۵۱۸» وقوف در مشعر نیز از ارکان حج است
- ۲۳۱ ----- «مسأله ۵۱۹» وقوف در مشعر نیز مانند وقوف در عرفات از عبادات است

- «مسألة ۵۲۰» بنا بر احتیاط واجب در مشعر ذکر خدا را ترک نکند؛ ..... ۲۳۱
- «مسألة ۵۲۱» بنا بر احتیاط واجب باید شب دهم را نیز تا طلوع فجر در مشعر به سر برد ..... ۲۳۱
- «مسألة ۵۲۲» جایز است کمی پیش از طلوع آفتاب از مشعر به طرف منی حرکت کند؛ ..... ۲۳۲
- «مسألة ۵۲۳» جایز است برای اشخاص ضعیف و معذور ..... ۲۳۲
- «مسألة ۵۲۴» اگر در اثر فراموشی یا عذری دیگر وقوف از طلوع فجر تا طلوع آفتاب را به طور کلی ترک کند، ..... ۲۳۲
- «مسألة ۵۲۵» از آنچه گذشت معلوم شد برای وقوف در مشعر سه وقت است؛ ..... ۲۳۲
- «مسألة ۵۲۶» چون وقوف به عرفات دو وقت دارد؛ ..... ۲۳۲
- اشاره ..... ۲۳۲
- اول: هیچ یک از دو وقوف را به هیچ نحو درک نکند؛ ..... ۲۳۳
- دوم: وقوف اختیاری عرفات و وقوف اختیاری مشعر را درک کند؛ ..... ۲۳۴
- سوم: وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را در روز عید درک کند؛ ..... ۲۳۴
- چهارم: وقوف اختیاری مشعر را با اضطراری عرفات درک کند؛ ..... ۲۳۴
- پنجم: وقوف اختیاری عرفات را با اضطراری مشعر در شب عید درک کند؛ ..... ۲۳۴
- ششم: وقوف اضطراری عرفات را با اضطراری مشعر در روز عید درک کند. ..... ۲۳۴
- هفتم: وقوف اضطراری عرفات و اضطراری مشعر را در شب عید درک کند؛ ..... ۲۳۴
- هشتم: فقط وقوف اختیاری عرفات را درک کند. ..... ۲۳۵
- نهم: فقط وقوف اضطراری عرفات را درک کند؛ ..... ۲۳۵
- دهم: فقط وقوف اختیاری مشعر را درک کند؛ ..... ۲۳۵
- یازدهم: فقط وقوف اضطراری مشعر را در روز عید درک کند. ..... ۲۳۵
- دوازدهم: فقط وقوف اضطراری مشعر را در شب عید درک کند. ..... ۲۳۵
- «مسألة ۵۲۷» اگر کسی در بیابانی به گمان اینکه از عرفات است وقوف کند و بعد معلوم شود از عرفات نبوده و اشتباه کرده است، ..... ۲۳۶
- «مسألة ۵۲۸» خدمه ای که حجهشان حج نیابتی است ..... ۲۳۶
- «مسألة ۵۲۹» اگر کسی غیر از معذورین عمومی در اثر ندانستن مسأله به وقوف اضطراری مشعر در شب عید اکتفا کرد ..... ۲۳۶
- مستحبات وقوف به مشعر ..... ۲۳۶
- «مسألة ۵۳۰» ۱- مستحب است با وقار و آرامش دل ..... ۲۳۶
- ۲- در راه رفتن، میانه رو باشد ..... ۲۳۷
- ۳- نماز مغرب و عشا را تا مشعر تأخیر اندازد؛ ..... ۲۳۷



- ۴- در وسط وادی، طرف راست راه پیاده شود؛ ----- ۲۳۷
- ۵- هر چه می تواند شب را به شب زنده داری ----- ۲۳۷
- ۶- بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای خدا گوید؛ ----- ۲۳۷
- ۷- وقوف در مشعر را ----- ۲۳۸
- ۸- در حال وقوف برای خود و پدر و مادر و اولاد و اهل و مال و برادران و خواهران مؤمن خود دعا کند؛ ----- ۲۳۸
- ۹- مستحب است ریگهایی را که در منی برای رمی جمرات لازم است از مشعر جمع آوری کند؛ ----- ۲۳۸
- ۱۰- مستحب است در کوچ کردن به طرف منی وقتی که به وادی مُخَسَّر رسید مقدار صد قدم مانند شتر تند حرکت کند؛ ----- ۲۳۸
- فصل چهارم: واجبات منی در روز عیدقربان ----- ۲۳۸
- «مسألة ۵۳۱» پنجم و ششم و هفتم از واجبات حج اعمال سه گانه منی است ----- ۲۳۸
- ۱- رمی جمره عقبه: ----- ۲۳۹
- «مسألة ۵۳۲» اولین واجب منی در روز عید «رمی جمره عقبه» «۱» است؛ ----- ۲۳۹
- «مسألة ۵۳۳» در ریگها سه شرط معتبر است: ----- ۲۳۹
- اول: اینکه از حرم باشند؛ ----- ۲۳۹
- دوم: اینکه ریگها بکر باشند؛ ----- ۲۳۹
- سوم: اینکه غصبی نباشند؛ ----- ۲۳۹
- «مسألة ۵۳۴» در رمی چند چیز معتبر است: ----- ۲۳۹
- اول: اینکه به هفت ریگ رمی کند، ----- ۲۴۰
- دوم: اینکه مانند سایر اعمال حج به قصد قربت ----- ۲۴۰
- سوم: اینکه ریگها را رمی کند، ----- ۲۴۰
- چهارم: ریگها به جمره اصابت کند؛ ----- ۲۴۰
- پنجم: اینکه به انداختن او به جمره برسد؛ ----- ۲۴۰
- ششم: اینکه ریگها را بتدریج و پشت سر هم بزند، ----- ۲۴۰
- «مسألة ۵۳۵» وقت رمی جمره از طلوع آفتاب روز عید است تا مغرب شرعی؛ ----- ۲۴۰
- «مسألة ۵۳۶» کسانی که از رمی جمره در روز معذورند ----- ۲۴۱
- «مسألة ۵۳۷» اگر احتمال دهد ریگهایی را که در حرم است از خارج حرم به حرم آورده باشند ----- ۲۴۱
- «مسألة ۵۳۸» اگر احتمال دهد ریگهایی را که جمع آوری کرده بکر نباشند ----- ۲۴۱
- «مسألة ۵۳۹» اگر شک کند آنچه را برای رمی جمع آوری کرده «حصی»- یعنی ریگ- به آنها گفته می شود یا نه، ----- ۲۴۱

- ۲۴۱ ----- «مسألة ۵۴۰» اگر در عدد ریگهایی که انداخته یا در رسیدن آنها به جمره شک کرد،
- ۲۴۲ ----- «مسألة ۵۴۱» اگر پس از فراغت از رمی بلافاصله در صحت آن شک کرد،
- ۲۴۲ ----- «مسألة ۵۴۲» اگر معلوم شود ریگهایی را که انداخته به جمره نخورده است
- ۲۴۲ ----- «مسألة ۵۴۳» اگر چند ریگ را با هم بزند مانعی ندارد؛
- ۲۴۲ ----- «مسألة ۵۴۴» باید ریگ را با دست بزند؛
- ۲۴۲ ----- «مسألة ۵۴۵» جایز است سواره رمی کند؛
- ۲۴۲ ----- «مسألة ۵۴۶» طهارت از حدث و خبث در رمی معتبر نیست؛
- ۲۴۲ ----- «مسألة ۵۴۷» برای کودکان و بیماران و افراد بیهوش که قدرت رمی ندارند واجب است نایب بگیرند
- ۲۴۳ ----- «مسألة ۵۴۸» اگر بیمار یا بیهوش بعد از تمام شدن عمل نایب سالم شود،
- ۲۴۳ ----- «مسألة ۵۴۹» بر رمی در طبقه دوم جمرات،
- ۲۴۳ ----- مستحبات رمی جمرات
- ۲۴۳ ----- «مسألة ۵۵۰» در رمی جمرات چند چیز مستحب است:
- ۲۴۳ ----- اول:
- ۲۴۳ ----- دوم:
- ۲۴۴ ----- سوم:
- ۲۴۴ ----- چهارم:
- ۲۴۴ ----- پنجم:
- ۲۴۴ ----- ششم:
- ۲۴۴ ----- هفتم:
- ۲۴۴ ----- هشتم:
- ۲۴۴ ----- نهم:
- ۲۴۵ ----- دهم:
- ۲۴۵ ----- یازدهم:
- ۲۴۵ ----- دوازدهم:
- ۲۴۵ ----- ۲- قربانی و شرایط و مستحبات آن:
- ۲۴۵ ----- «مسألة ۵۵۱» دوم از واجبات منیٰ در روز عید در حج تمتع «هذی» یعنی قربانی است.
- ۲۴۵ ----- «مسألة ۵۵۲» در شرایط عادی یک قربانی برای چند نفر کافی نیست؛

- ۲۴۶ ----- «مسألة ۵۵۳» قربانی باید در منی باشد؛
- ۲۴۶ ----- «مسألة ۵۵۴» اگر قربانگاه را در خارج منی درست کرده اند -
- ۲۴۶ ----- «مسألة ۵۵۵» بنا بر احتیاط واجب قربانی باید در روز باشد؛
- ۲۴۶ ----- «مسألة ۵۵۶» بنا بر احتیاط واجب قربانی را از روز عید تأخیر نیندازد.
- ۲۴۶ ----- «مسألة ۵۵۷» اعمال منی در روز عید قربان به ترتیب عبارت است از:
- ۲۴۷ ----- «مسألة ۵۵۸» قربانی نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است
- ۲۴۷ ----- «مسألة ۵۵۹» در حیوان قربانی چند شرط معتبر است:
- ۲۴۷ ----- اول: اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد؛
- ۲۴۷ ----- دوم: تام الاجزا باشد
- ۲۴۷ ----- سوم: در نظر عرف لاغر نباشد؛
- ۲۴۷ ----- چهارم: بنا بر احتیاط واجب به هیچ نحو مریض نباشد،
- ۲۴۷ ----- پنجم: بنا بر احتیاط واجب
- ۲۴۷ ----- ششم: بنا بر احتیاط واجب خصی یعنی اخته نباشد؛
- ۲۴۸ ----- هفتم: بنا بر احتیاط واجب به حسب اصل خلقت نیز بی دم نباشد؛
- ۲۴۸ ----- «مسألة ۵۶۰» اگر در روز عید غیر از اخته یافت نمی شود
- ۲۴۸ ----- «مسألة ۵۶۱» اگر به طور کلی حیوان قربانی یافت نمی شود
- ۲۴۸ ----- «مسألة ۵۶۲» در قربانی دست کم یک گوسفند واجب است
- ۲۴۸ ----- «مسألة ۵۶۳» اگر حیوانی را به گمان صحیح و سالم بودن بخرد و قربانی کند و بعد معلوم شود مریض یا ناقص بوده است،
- ۲۴۸ ----- «مسألة ۵۶۴» اگر حیوانی را با احتمال لاغری بخرد و به امید چاق بودن با قصد قربت قربانی کند
- ۲۴۹ ----- «مسألة ۵۶۵» اگر بعد از قربانی کردن شک کند آیا حیوان واجد شرایط بوده است یا نه
- ۲۴۹ ----- «مسألة ۵۶۶» بنا بر احتیاط اگر احتمال نقص یا عیب در حیوان می دهد آن را بررسی کند.
- ۲۴۹ ----- «مسألة ۵۶۷» اگر حیوان سالمی را برای قربانی بخرد و در راه قربانگاه زمین بخورد
- ۲۴۹ ----- «مسألة ۵۶۸» لازم نیست خود انسان ذبح کند
- ۲۴۹ ----- «مسألة ۵۶۹» اگر می خواهد برای ذبح نایب بگیرد باید به شخص مورد اطمینان نیابت دهد؛
- ۲۴۹ ----- «مسألة ۵۷۰» اگر نایب در خرید حیوان و ذبح نیابت داشته باشد
- ۲۴۹ ----- «مسألة ۵۷۱» بنا بر احتیاط واجب ذبح کننده باید مؤمن اثناعشری باشد؛
- ۲۵۰ ----- «مسألة ۵۷۲» ولّی بچه که او را محرم کرده است به احرام حج تمتع،

- ۲۵۰ - «مسألة ۵۷۳» بنابر احتیاط در صورت امکان قربانی را سه قسمت کند: -----
- ۲۵۰ - «مسألة ۵۷۴» اگر نه قربانی دارد و نه پول آن را، -----
- ۲۵۰ - «مسألة ۵۷۵» اگر بدون مشقت می تواند قرض بگیرد -----
- ۲۵۰ - «مسألة ۵۷۶» اگر در اشیائی که در سفر با خود دارد چیز زایدی به اندازه پول قربانی وجود دارد -----
- ۲۵۰ - «مسألة ۵۷۷» اگر قربانی و پول آن را ندارد -----
- ۲۵۱ - «مسألة ۵۷۸» سه روز از ده روز روزه باید در ماه ذیحجه واقع شود: -----
- ۲۵۱ - «مسألة ۵۷۹» سه روز روزه باید پشت سر هم باشد: -----
- ۲۵۱ - «مسألة ۵۸۰» اگر تا آخر ذیحجه این سه روزه را نگرفت -----
- ۲۵۱ - «مسألة ۵۸۱» پس از گرفتن سه روزه باید هفت روز روزه پس از مراجعت به وطن خود بگیرد. -----
- ۲۵۱ - «مسألة ۵۸۲» بنابر احتیاط هفت روز را نیز پشت سرهم بگیرد. -----
- ۲۵۲ - «مسألة ۵۸۳» اگر روزه را نگرفت و از دنیا رفت، -----
- ۲۵۲ - «مسألة ۵۸۴» کسی که در حج اجبر دیگری است می تواند برای ذبح قربانی نایب بگیرد -----
- ۲۵۲ - «مسألة ۵۸۵» در شب عید قربانی کردن جایز نیست، -----
- ۲۵۲ - «مسألة ۵۸۶» کسی که در حال احرام است پیش از تقصیر یا تراشیدن سر -----
- ۲۵۲ - «مسألة ۵۸۷» اگر چند نفر پول روی هم گذاشتند و به کسی وکالت دادند که برود و گوسفند بخرد -----
- ۲۵۲ - «مسألة ۵۸۸» کسی که در اثر ندانستن مسأله گوسفند خود را برای ذبح به غیر مؤمن داده است -----
- ۲۵۳ - «مسألة ۵۸۹» سابقاً گفته شد که قربانی باید در منی باشد -----
- ۲۵۳ - «مسألة ۵۹۰» اگر کسی بدون گرفتن وکالت از دیگری -----
- ۲۵۳ - «مسألة ۵۹۱» ذبح باید با کار آهنی باشد -----
- ۲۵۳ - «مسألة ۵۹۲» اگر به کسی در خرید حیوان و ذبح آن وکالت داد -----
- ۲۵۳ - «مسألة ۵۹۳» اگر کسی به اعتقاد اینکه گوشتها تلف می شود و قربانی تضييع مال است قربانی نکرد -----
- ۲۵۴ - «مسألة ۵۹۴» محرم می تواند پیش از ذبح قربانی خود، -----
- ۲۵۴ - «مسألة ۵۹۵» قربانی را اگر از پول متعلق خمس -----
- ۲۵۴ - «مسألة ۵۹۶» اگر برای رمی جمره عقبه نایب گرفت -----
- ۲۵۴ - «مسألة ۵۹۷» اگر قربانی را عمداً از روز عید تأخیر انداخت -----
- ۲۵۴ - «مسألة ۵۹۸» در قربانی چند چیز مستحب است: -----
- ۲۵۴ - ۱- شتر از گاو افضل است؛ -----

- ۲- خیلی فربه ..... ۲۵۴
- ۳- شتر و گاو ماده باشند - ..... ۲۵۴
- ۴- در گوسفند مستحب است ..... ۲۵۵
- ۵- مُحرم خودش نحر و ذبح را انجام دهد؛ ..... ۲۵۵
- ۶- در حال نحر، شتر ایستاده باشد ..... ۲۵۵
- ۷- در حال نحر یا ذبح این دعا را بخواند: ..... ۲۵۵
- ۳- تقصیر یا سر تراشیدن: ..... ۲۵۵
- «مسأله ۵۹۹» سوم از واجبات منی در روز عید ..... ۲۵۵
- «مسأله ۶۰۰» خنثای مشکل «۲» اگر از دو دسته اخیر نباشد ..... ۲۵۶
- «مسأله ۶۰۱» در تراشیدن سر بنا بر احتیاط همه سر را بتراشد. .... ۲۵۶
- «مسأله ۶۰۲» تقصیر و سر تراشیدن نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است ..... ۲۵۶
- «مسأله ۶۰۳» در سر تراشیدن جایز است انسان سر خود را ..... ۲۵۶
- «مسأله ۶۰۴» کسانی که باید سر خود را بتراشند اگر سرشان مو ندارد، ..... ۲۵۶
- «مسأله ۶۰۵» کسانی که مخیرند بین تقصیر و سر تراشیدن اگر سرشان مو ندارد ..... ۲۵۶
- «مسأله ۶۰۶» در تقصیر تراشیدن ریش ..... ۲۵۷
- «مسأله ۶۰۷» در تقصیر کافی بودن زدن موی زیر بغل و زیر شکم، ..... ۲۵۷
- «مسأله ۶۰۸» وقت تقصیر و تراشیدن ..... ۲۵۷
- «مسأله ۶۰۹» اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، تقصیر یا سر تراشیدن را پیش از قربانی یا پیش از رمی جمره بجا آورد ..... ۲۵۷
- «مسأله ۶۱۰» جای تقصیر و سر تراشیدن منی است؛ ..... ۲۵۷
- «مسأله ۶۱۱» طواف و سعی را باید پس از تقصیر یا سر تراشیدن بجا آورد. .... ۲۵۷
- «مسأله ۶۱۲» پس از تقصیر یا سر تراشیدن همه محرمات احرام بر او حلال می شود مگر زن و بوی خوش، ..... ۲۵۸
- «مسأله ۶۱۳» اگر قربانی از روز عید تأخیر افتاد ..... ۲۵۸
- «مسأله ۶۱۴» اگر کسی را برای قربانی وکیل نماید ..... ۲۵۸
- «مسأله ۶۱۵» کسانی که مخیرند بین تقصیر و تراشیدن سر، ..... ۲۵۸
- «مسأله ۶۱۶» کسی که وظیفه اش تراشیدن سر است ..... ۲۵۸
- «مسأله ۶۱۷» مُحرم جایز نیست پیش از سر تراشیدن یا تقصیر، خودش سر دیگری را بتراشد یا موی او را بزند، ..... ۲۵۹
- «مسأله ۶۱۸» اگر در اثر عدم امکان ذبح در منی، ..... ۲۵۹

- ۲۵۹ ----- «مسأله ۶۱۹» اگر بچه ممیز تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام دهد
- ۲۵۹ ----- «مسأله ۶۲۰» در سر تراشیدن چند چیز مستحب است:
- ۲۵۹ ----- فصل پنجم: اعمال مکه معظمه
- ۲۵۹ ----- اشاره
- ۲۶۰ ----- «مسأله ۶۲۱» بعد از انجام سه واجب منی در روز عید، واجب است به مکه برود
- ۲۶۰ ----- «مسأله ۶۲۲» طواف و نماز و سعی در اینجا از نظر کیفیت و واجبات و شرایط و احکام، مانند طواف و نماز و سعی عمره است:
- ۲۶۰ ----- «مسأله ۶۲۳» محل انجام اعمال پنج گانه یاد شده بعد از اعمال منی است
- ۲۶۰ ----- «مسأله ۶۲۴» برای چند طائفه جایز است طواف و نماز و سعی را پس از احرام حج و پیش از رفتن به عرفات انجام دهند:
- ۲۶۰ ----- اول: زنی که بترسد
- ۲۶۰ ----- دوم: پیرمرد یا پیرزنی که نتواند به مکه برگردد
- ۲۶۰ ----- سوم: بیماری که بترسد پس از برگشتن
- ۲۶۱ ----- چهارم: کسی که می داند تا آخر ذیحجه در اثر ترس یا جهاتی دیگر نمی تواند به مکه برگردد،
- ۲۶۱ ----- «مسأله ۶۲۵» سه طائفه اول که طواف و سعی را جلو انداخته اند
- ۲۶۱ ----- «مسأله ۶۲۶» کسی که به جهتی از جهات می ترسد به مکه برگردد جایز است طواف نساء را نیز جلو بیندازد.
- ۲۶۱ ----- «مسأله ۶۲۷» اگر بعد از ورود به مکه نتواند بعضی از اعمال نامبرده را انجام دهد
- ۲۶۱ ----- «مسأله ۶۲۸» تروک و محرمات احرام حج در سه مرحله حلال می شوند:
- ۲۶۱ ----- اول: بعد از تقصیر یا تراشیدن سر همه محرمات حلال می شوند،
- ۲۶۱ ----- دوم: بعد از سعی صفا و مروه
- ۲۶۱ ----- سوم: بعد از طواف نساء و نماز آن،
- ۲۶۲ ----- «مسأله ۶۲۹» برای کسانی که در اثر ترس از حیض یا مرض یا جهات دیگر طواف و سعی و طواف نساء را جلو انداخته اند،
- ۲۶۲ ----- مسائل طواف نساء
- ۲۶۲ ----- «مسأله ۶۳۰» طواف نساء و نماز آن در کیفیت و واجبات و شرایط و احکام مانند طواف حج و نماز آن می باشد؛
- ۲۶۲ ----- «مسأله ۶۳۱» طواف نساء اختصاص به مرد ندارد؛
- ۲۶۲ ----- «مسأله ۶۳۲» بنا بر احتیاط واجب بچه ممیز که احرام بسته نیز برای حلال شدن زن یا شوهر برای او،
- ۲۶۲ ----- «مسأله ۶۳۳» طواف نساء و نماز آن هر چند واجبت، ولی رکن حج نیستند؛
- ۲۶۲ ----- «مسأله ۶۳۴» در حال اختیار باید طواف نساء را پس از سعی بجا آورد،
- ۲۶۳ ----- «مسأله ۶۳۵» اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، طواف نساء و نماز آن را پیش از سعی بجا آورد،

- ۲۶۳ ----- «مسأله ۶۳۶» زنی که می ترسد حائض شود و نتواند طواف نساء را بجا آورد
- ۲۶۳ ----- «مسأله ۶۳۷» اگر زن حائض شد و کاروان او مهلت نمی دهند
- ۲۶۳ ----- «مسأله ۶۳۸» در حج اجاره ای نایب باید طواف نساء را به نیابت منوب عنه بجا آورد؛
- ۲۶۳ ----- «مسأله ۶۳۹» اگر کسی طواف نساء را که بر او واجب بوده بجا نیاورد تا از دنیا برود،
- ۲۶۳ ----- «مسأله ۶۴۰» اگر طواف نساء را فراموش کرد
- ۲۶۴ ----- مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۲۶۴ ----- «مسأله ۶۴۱» آنچه برای طواف و نماز طواف و سعی در عمره مستحب بود
- ۲۶۵ ----- فصل ششم: اعمال منی در ایام تشریق
- ۲۶۵ ----- اشاره
- ۲۶۵ ----- ۱- بیتوته در منی یعنی ماندن شب در آنجا:
- ۲۶۵ ----- «مسأله ۶۴۲» بنا بر مشهور بر حجاج واجب است شب یازدهم و دوازدهم ذیحجه را
- ۲۶۵ ----- «مسأله ۶۴۳» بر چند طایفه واجب است در شب سیزدهم نیز در منی بمانند:
- ۲۶۵ ----- اول: کسی که در حال احرام صید کرده است؛
- ۲۶۵ ----- دوم: بنا بر احتیاط واجب کسی که در حال احرام با زن خود یا دیگری نزدیکی کرده است.
- ۲۶۶ ----- سوم: کسی که در روز دوازدهم تا مغرب شرعی در منی مانده
- ۲۶۶ ----- «مسأله ۶۴۴» کسی که یکی از محرمات در حال احرام را غیر از آنچه گذشت انجام داده
- ۲۶۶ ----- «مسأله ۶۴۵» بنا بر اقوی کسی که در احرام عمره تمتع نیز از صید یا زن اجتناب نکرده
- ۲۶۶ ----- «مسأله ۶۴۶» در بیتوته در منی کافی است از مغرب شرعی تا نصف شب در آنجا بماند؛
- ۲۶۶ ----- «مسأله ۶۴۷» از برخی اخبار معتبره استفاده می شود که جایز است پیش از غروب آفتاب یا اول شب از منی خارج شود؛
- ۲۶۶ ----- «مسأله ۶۴۸» بیتوته در منی مانند سایر اعمال حج از عبادات است
- ۲۶۷ ----- «مسأله ۶۴۹» لازم نیست در منی بیدار بماند؛
- ۲۶۷ ----- «مسأله ۶۵۰» بر چند طایفه بیتوته و ماندن شب در منی واجب نیست:
- ۲۶۷ ----- اول: بیماران و پرستاران آنان
- ۲۶۷ ----- دوم: کسانی که بر جان یا ناموس یا بستگان و یا مال خود می ترسند.
- ۲۶۷ ----- سوم: چوپانهایی که ناچارند
- ۲۶۷ ----- چهارم: کسانی که ناچارند برای سقایت
- ۲۶۷ ----- پنجم: کسانی که شب را در مکه به عبادت می گذرانند

- ۲۶۷ ----- «مسألة ۶۵۱» اگر بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کرد
- ۲۶۷ ----- «مسألة ۶۵۲» در ایام تشریق واجب نیست روزها در منی بماند،
- ۲۶۸ ----- «مسألة ۶۵۳» اگر بیتوته در منی را بدون عذر ترک کرد،
- ۲۶۸ ----- «مسألة ۶۵۴» اگر اول شب در منی ماند ولی پیش از نصف شب خارج شد
- ۲۶۸ ----- «مسألة ۶۵۵» اگر شب را به قصد عبادت در مکه ماند ولی خوابش برد
- ۲۶۸ ----- «مسألة ۶۵۶» اگر در اثر اشتباه در خارج منی
- ۲۶۸ ----- «مسألة ۶۵۷» اگر برای طواف و سعی به مکه رفته بود
- ۲۶۸ ----- «مسألة ۶۵۸» بنا بر احتیاط جای قربانی کفارات حج منی است؛
- ۲۶۹ ----- «مسألة ۶۵۹» کسانی که از منی روز دوازدهم کوچ می کنند جایز نیست پیش از ظهر کوچ کنند؛
- ۲۶۹ ----- «مسألة ۶۶۰» اگر در اثر عذر شرعی رمی جمرات را در شب دوازدهم انجام داده
- ۲۶۹ ----- ۲- رمی جمرات سه گانه در روزها:
- ۲۶۹ ----- «مسألة ۶۶۱» شبهایی که باید در منی بیتوته کند در روز آنها واجب است جمرات سه گانه (اولی و وسطی و عقبه) را به ترتیب رمی کند؛
- ۲۶۹ ----- «مسألة ۶۶۲» کسانی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند
- ۲۶۹ ----- «مسألة ۶۶۳» در هر روز باید به هر یک از جمرات سه گانه هفت ریگ بزند
- ۲۶۹ ----- «مسألة ۶۶۴» کیفیت، واجبات، شرایط، احکام، آداب
- ۲۷۰ ----- «مسألة ۶۶۵» وقت رمی جمرات
- ۲۷۰ ----- «مسألة ۶۶۶» کسانی که می دانند در روز نمی توانند رمی کنند-
- ۲۷۰ ----- «مسألة ۶۶۷» رمی جمرات نیز از عبادات است
- ۲۷۰ ----- «مسألة ۶۶۸» رمی جمرات سه گانه باید به ترتیب واقع شود؛
- ۲۷۰ ----- «مسألة ۶۶۹» اگر پس از رمی جمرات متوجه شد از برخی گذشته ها سه ریگ یا کمتر باقی مانده
- ۲۷۰ ----- «مسألة ۶۷۰» اگر رمی همه جمرات یا بعضی از آنها را در برخی از روزها- عمداً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسأله- ترک کرده
- ۲۷۱ ----- «مسألة ۶۷۱» اگر پس از مغرب متوجه شود چند عدد از هفت ریگ همه جمرات یا بعضی از آنها را نزده
- ۲۷۱ ----- «مسألة ۶۷۲» اگر پس از مغرب یقین کرد یکی از سه جمره را رمی نکرده است
- ۲۷۱ ----- «مسألة ۶۷۳» اگر پس از رمی جمرات سه گانه متوجه شود سه ریگ یا کمتر، از یک جمره باقی مانده
- ۲۷۱ ----- «مسألة ۶۷۴» اگر رمی جمرات یا برخی از آنها را عمداً یا از روی فراموشی
- ۲۷۲ ----- «مسألة ۶۷۵» اگر به گونه ای بیمار شود که نمی تواند رمی جمرات یا برخی از آنها را انجام دهد،
- ۲۷۲ ----- «مسألة ۶۷۶» اگر بیمار در روز نمی تواند رمی کند ولی در شب می تواند،



۲۷۲ ----- «مسألة ۶۷۷» نایب باید اعمال اختیاری را انجام دهد؛

۲۷۲ ----- «مسألة ۶۷۸» زنها که شبانه از مشعر به منی کوچ می کنند جایز است در همان شب جمره عقبه را رمی کنند؛

۲۷۲ ----- «مسألة ۶۷۹» کسانی که به جهتی از جهات قربانی و سر تراشیدن را از روز عید عقب انداخته اند،

۲۷۲ ----- «مسألة ۶۸۰» اگر پس از گذشتن روز در انجام وظیفه روز یا در صحت آن شک کرد

۲۷۳ ----- «مسألة ۶۸۱» اگر پس از تمام شدن رمی و گذشتن از محل آن در صحت آن شک کرد

۲۷۳ ----- «مسألة ۶۸۲» اگر پس از شروع در رمی جمره بعد در عدد ریگهایی که به جمره پیش زده یا در رسیدن آنها به جمره شک کرد،

۲۷۳ ----- «مسألة ۶۸۳» در ایام تشریق در منی چند چیز مستحب است:

۲۷۴ ----- خاتمه:

۲۷۴ ----- اشاره

۲۷۴ ----- آداب مکه معظمه

۲۷۵ ----- «مسألة ۶۸۴» حجاج محترم اگر در روز عید قربان یا در ایام تشریق، طواف حج و سعی و طواف نساء را به طور کامل بجا آورده باشند

۲۷۵ ----- ۱- خواندن نماز و قرآن و سجده و ذکر خدا

۲۷۵ ----- ۲- بسیار نگاه کردن به کعبه

۲۷۵ ----- ۳- آشامیدن از آب زمزم

۲۷۵ ----- ۴- در هر شبانه روز ده طواف کامل بجا آورد:

۲۷۶ ----- ۵- سیصد و شصت طواف کامل به عدد ایام سال بجا آورد؛

۲۷۶ ----- ۶- هر چه می تواند به نیابت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۲۷۶ ----- ۷- مستحب است داخل کعبه برود،

۲۷۷ ----- ۸- یک طواف به عنوان طواف وداع با نماز آن بجا آورد

۲۷۸ ----- ۹- از خدا بخواهد که به او توفیق بازگشتن

۲۷۸ ----- ۱۰- زمانی که می خواهد از مکه خارج شود مقدار یک درهم خرما بخرد و صدقه دهد

۲۷۸ ----- ۱۱- شهید اول (ره) در دروس فرموده است:

۲۷۹ ----- عمره مفرده

۲۷۹ ----- «مسألة ۶۸۵» از جمله مستحبات مؤکده «عمره مفرده» است

۲۷۹ ----- واجبات عمره مفرده هشت چیز است:

۲۷۹ ----- «مسألة ۶۸۶» میقات عمره مفرده

۲۸۱ ----- احکام مصدود و محصور

- «مسأله ۶۸۷» «صدّ» به معنای منع و «حصر» به معنای حبس «۲» است. ----- ۲۸۱
- «مسأله ۶۸۸» اگر کسی به قصد عمره یا حج احرام ببندد، ----- ۲۸۱
- ۱- احکام مصدود: ----- ۲۸۱
- «مسأله ۶۸۹» اگر کسی احرام بست برای عمره تمتّع یا عمره مفرده، ----- ۲۸۱
- «مسأله ۶۹۰» اگر کسی با احرام عمره وارد مکه معظمه شد و پس از ورود او را به ناحق بازداشت کردند ----- ۲۸۱
- «مسأله ۶۹۱» کسی که از عمره مفرده یا حج منع شده ----- ۲۸۲
- «مسأله ۶۹۲» اگر پس از احرام عمره یا حج برای بدهی که دارد او را بازداشت کردند ----- ۲۸۲
- «مسأله ۶۹۳» اگر پس از احرام عمره یا حج برای وارد شدن در مکه یا انجام اعمال از او پولی را به ناحق مطالبه می کنند ----- ۲۸۲
- «مسأله ۶۹۴» اگر پس از احرام راه را بر او بستند ولی راه دیگری هر چند دورتر باز است ----- ۲۸۲
- «مسأله ۶۹۵» اگر پس از احرام حج از وقوف به عرفات و مشعر یا یکی از آنها- به گونه ای که سبب فوت حج می شود ----- ۲۸۲
- «مسأله ۶۹۶» اگر پس از وقوف در مشعر به طور کلی از رفتن به منی و مکه معظمه منع شد ----- ۲۸۲
- «مسأله ۶۹۷» اگر پس از وقوف در مشعر فقط از رفتن به منی یا انجام اعمال آن منع شد، ----- ۲۸۳
- «مسأله ۶۹۸» اگر پس از انجام اعمال منی در روز عید از ورود به مکه یا انجام اعمال آن منع شد ----- ۲۸۳
- «مسأله ۶۹۹» اگر پس از انجام اعمال منی در روز عید و انجام اعمال مکه ----- ۲۸۳
- «مسأله ۷۰۰» کسی که مصدود شد اگر اطمینان یا مظنه دارد ----- ۲۸۳
- «مسأله ۷۰۱» کسی که از انجام عمره تمتّع و حج تمتّع واجب منع شده و به دستوری که گفته شد ----- ۲۸۴
- ۲- احکام محصور: ----- ۲۸۵
- «مسأله ۷۰۲» اگر کسی احرام عمره بسته و در اثر بیماری نمی تواند وارد مکه شود ----- ۲۸۵
- «مسأله ۷۰۳» اگر احرام عمره بسته و وارد مکه معظمه شده و در اثر بیماری خودش نمی تواند طواف و سعی را بجا آورد، ----- ۲۸۵
- «مسأله ۷۰۴» اگر کسی احرام حج بسته ولی در اثر بیماری نمی تواند به عرفات و مشعر برود ----- ۲۸۵
- «مسأله ۷۰۵» آنچه راجع به شخص مصدود از اعمال منی و مکه یا فقط از اعمال مکه ----- ۲۸۵
- «مسأله ۷۰۶» چنانکه گفته شد پس از قربانی و تقصیر، زن بر محصور حلال نمی شود. ----- ۲۸۶
- «مسأله ۷۰۷» اگر معلوم شد نایب شخص محصور قربانی را انجام نداده و محصور به اعتماد او برخی از محرمات احرام را مرتکب شده است، ----- ۲۸۷
- «مسأله ۷۰۸» اگر محصور پس از فرستادن قربانی یا پول آن حالش بهتر شد ----- ۲۸۷
- «مسأله ۷۰۹» محصور اگر پیش از رسیدن قربانی به مقصد از روی ضرورت و ناچاری سر خود را تراشید ----- ۲۸۷
- «مسأله ۷۱۰» چنانکه گفته شد زمان و مکان مقرر برای ذبح قربانی محصور در احرام حج روز عید در منی است؛ ----- ۲۸۷
- «مسأله ۷۱۱» اگر کسی تصادف کرد و با همان حال او را به میقات بردند و مُحرم شد احرام او صحیح است. ----- ۲۸۷

- «مسأله ۷۱۲» اگر پس از احرام در اثر مانعی غیر از منع ظالم، ..... ۲۸۸
- «مسأله ۷۱۳» مستحب است انسان هنگام احرام عمره یا حج با پروردگار خود شرط کند ..... ۲۸۸
- «مسأله ۷۱۴» مُحرم نمی تواند به قصد رفتن به زیارت مدینه منوره یا مقاصد دیگر احرام خود را به هم زند. .... ۲۸۸
- «مسأله ۷۱۵» سجده نمودن بر سنگهایی که در مسجدالحرام یا مسجدالتبی صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۲۸۸
- «مسأله ۷۱۶» شرکت در نمازهای جماعت که در مسجدالحرام یا مسجدالتبی صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۲۸۸
- «مسأله ۷۱۷» اگر کسی پس از انجام عمره تمتع و خارج شدن از احرام مریض شد ..... ۲۸۹
- «مسأله ۷۱۸» اگر زن بعد از اعمال منی در روز عید حائض شد ..... ۲۸۹
- «مسأله ۷۱۹» اگر زن پس از انجام اعمال خود خون دید و شک کرد آیا در حال طواف حائض شده یا بعد از آن، ..... ۲۸۹
- «مسأله ۷۲۰» بنا بر احتیاط واجب برای زنها نیز پوشیدن دو لباس احرام به عنوان لنگ و رداء لازم است؛ ..... ۲۸۹
- «مسأله ۷۲۱» روزه گرفتن در ایام تشریق ..... ۲۸۹
- «مسأله ۷۲۲» قربانیهایی که به عنوان کفاره بر مُحرم واجب می شود ..... ۲۸۹
- «مسأله ۷۲۳» کسی که به نیت عمره تمتع احرام بسته اگر بر حسب اتفاق حج از او فوت شود، ..... ۲۹۰
- «مسأله ۷۲۴» اگر با عین پول یا جنسی که زکات یا خمس به آن تعلق گرفته جامه احرام بخرد، ..... ۲۹۰
- «مسأله ۷۲۵» بنا بر احتیاط لقطه حرم، ..... ۲۹۰
- بخش سوم: اعمال و آداب مدینه منوره ..... ۲۹۰
- اشاره ..... ۲۹۰
- فصل اول: اهمیت زیارت مدینه منوره ..... ۲۹۰
- فصل دوم: در زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کیفیت آن ..... ۲۹۲
- ۱- نقل است از آن حضرت که فرمودند: ..... ۲۹۲
- ۲- و اما آداب زیارت به طور کلی: ..... ۲۹۲
- ۳- و اما آداب زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ..... ۲۹۳
- ۴- اما کیفیت زیارت آن حضرت: ..... ۲۹۴
- اشاره ..... ۲۹۴
- زیارت اول: ..... ۲۹۴
- ۷- زیارت دوم: ..... ۲۹۶
- ۸- زیارت سوم: ..... ۲۹۷
- ۹- زیارت چهارم: ..... ۲۹۷

۲۹۷	فصل سوم
۲۹۸	اشاره
۲۹۸	۱- بر حسب حدیث صحیح حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:
۲۹۸	۲- و بر حسب آنچه مرحوم مجلسی در بحارالانوار «۲» از شیخ مفید و سید بن طاووس و شهید اول و دیگران نقل کرده،
۲۹۹	۳- پس نزد منبر برو و آن را با دست خود مسح کن،
۳۰۰	۴- پس از آن بایست در روضه که بین منبر و قبر واقع شده و بگو:
۳۰۲	۵- پس به طرف مقام جبرئیل علیه السلام که زیر ناودانی است
۳۰۳	۶- پس دو رکعت نماز نزد ستون «ابی لبابه»
۳۰۴	۷- و در مقام جبرئیل علیه السلام این دعا نیز وارد شده است:
۳۰۴	فصل چهارم: زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام وداع
۳۰۴	۱- کافی و تهذیب به سند صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده اند:
۳۰۴	۲- و کفعمی در مصباح فرموده
۳۰۴	۳- و این زیارت نیز برای وداع آن حضرت مناسب است؛
۳۰۶	فصل پنجم: در زیارت حضرت زهراى مرضیه علیها السلام
۳۰۶	اشاره
۳۰۶	۱- از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که
۳۰۶	۲- از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که:
۳۰۶	۳- شیخ صدوق (ره) فرموده:
۳۰۷	و اما کیفیت زیارت آن حضرت:
۳۰۷	زیارت اول:
۳۰۷	زیارت دوم:
۳۰۷	زیارت سوم:
۳۱۲	فصل ششم زیارت ائمه بقیع،
۳۱۲	اشاره
۳۱۲	۱- چون خواستی به زیارت این چهار امام بزرگوار بروی
۳۱۲	۲- زیارت اول:
۳۱۵	۳- زیارت دوم ائمه بقیع:

فصل هفتم: زیارت ائمهٔ بقیع هنگام وداع ..... ۳۱۵

۱- «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیْمَةَ الْهُدَى» ..... ۳۱۵

۲- زیارتی است که در «فقیه» و «تهذیب» ..... ۳۱۵

فصل هشتم زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیر علیه السلام و حضرت حمزه عموی آن دو بزرگوار و سایر شهدای احد: ۳۱۷

۱- ابراهیم فرزند رسول خدا بود ..... ۳۱۷

۲- زیارت فاطمهٔ بنت اسد ..... ۳۱۹

۳- زیارت حضرت حمزه ..... ۳۲۰

۴- زیارت سایر شهدای احد: ..... ۳۲۱

فصل نهم: زیارت سایر مساجد و مشاهد مدینهٔ منوره ..... ۳۲۲

فصل دهم: زیارت امین الله و زیارت وارث و دو زیارت از زیارات جامعه ..... ۳۲۵

۱- زیارت «امین الله» ..... ۳۲۵

۲- «زیارت وارث» ..... ۳۲۷

۳- «زیارت جامعهٔ مختصر» ..... ۳۲۸

۴- «زیارت جامعهٔ کبیره» ..... ۳۲۹

فصل یازدهم: دعای کمیل و دعای امام حسین علیه السلام در عصر روز عرفه: ..... ۳۳۷

۱- «دعای کمیل» ..... ۳۳۷

۲- دعای حضرت سیدالشهداء علیه السلام در عرفات در عصر روز عرفه: ..... ۳۴۴

فصل دوازدهم برخی از دعاها مختصر و جامع که در هر حال و هر جا خواندن آنها مناسب است: ..... ۳۶۹

اشاره ..... ۳۶۹

۱- دعایی که بر حسب نقل مرحوم مجلسی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را در شب پانزدهم شعبان می خواندند. ..... ۳۶۹

۲- دعای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام: ..... ۳۶۹

۳- دعایی که در مصباح کفعمی از حضرت امام صادق علیه السلام به عنوان تعقیب نمازها نقل شده است، ولی خواندن آن در هر حال مناسب است: ..... ۳۷۰

۴- دعایی که شیخ طوسی (ره) در مصباح المتهجد نقل کرده و فرموده: ..... ۳۷۰

جدیدترین استفتانات حج و عمره ..... ۳۷۱

اشاره ..... ۳۷۱

نیت حج و عمره ..... ۳۷۱

«سؤال ۱» پدر اینجانب چند سال پیش از دنیا رفت. ..... ۳۷۱

- «سؤال ۲» آیا در حج و عمره مستحبی می شود چنین نیت کرد: « ..... » ۳۷۱
- «سؤال ۳» کسی که قبلاً حج تمتع انجام داده است ..... ۳۷۲
- استطاعت ..... ۳۷۲
- «سؤال ۴» کسانی که می توانند آزاد به حج بروند، ..... ۳۷۲
- «سؤال ۵» شخصی اسمش پس از چند سال برای حج درآمده ولی فعلاً فقیر است، ..... ۳۷۲
- «سؤال ۶» آیا اصولاً فروختن فیش حج واجب ..... ۳۷۲
- «سؤال ۷» شخصی چهار پسر دارد و برای همه آنها زن گرفته است ..... ۳۷۲
- «سؤال ۸» پدری که بعد از ثبت نام برای حج فوت کرده ..... ۳۷۳
- «سؤال ۹» شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده ..... ۳۷۳
- «سؤال ۱۰» شخصی که دارایی او قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان ..... ۳۷۳
- «سؤال ۱۱» اگر کسی در میقات مستطیع شود ..... ۳۷۴
- «سؤال ۱۲» در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستد ..... ۳۷۴
- «سؤال ۱۳» اگر کسی که خودش مستطیع است از دیگری نایب شود ..... ۳۷۴
- «سؤال ۱۴» شخصی واجد شرایط حج می باشد ولی نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد ..... ۳۷۴
- «سؤال ۱۵» آیا کسی که از منافع خمس و زکات گرفته ..... ۳۷۴
- «سؤال ۱۶» شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است ..... ۳۷۵
- «سؤال ۱۷» شخصی بجز برای قربانی استطاعت حج را داراست، ..... ۳۷۵
- «سؤال ۱۸» فردی از جانب شخص متوفی که مستطیع بوده ثبت نام می کند ..... ۳۷۵
- «سؤال ۱۹» خانمی هستم که خود و شوهرم هر دو شاغل می باشیم، ..... ۳۷۵
- «سؤال ۲۰» افرادی که از قبل مستطیع بوده اند ولی تاکنون به حج نرفته اند و اکنون جهت انجام اعمال حج به تنهایی قادر به انجام ..... ۳۷۷
- «سؤال ۲۱» نظر به اینکه می گویند زن وقتی که به نکاح شوهرش در آمد ..... ۳۷۷
- «سؤال ۲۲» اگر زنی نفقه خور کسی نباشد ..... ۳۷۷
- «سؤال ۲۳» برخی از خانمها از دارایی خود مقداری به فرزندان خود هبه می کنند، ..... ۳۷۷
- «سؤال ۲۴» اینجانب مادری هستم که دارای فرزندی می باشم که از لحاظ عقلی نقصان ولی هوش خوبی دارد. ..... ۳۷۸
- «سؤال ۲۵» خانمی مقداری پول به ایشان به ارث رسیده است که اگر آن را مصرف نکند استطاعت مالی برای سفر حج پیدا می کند؛ ..... ۳۷۸
- «سؤال ۲۶» خانمی در سال جاری دارای استطاعت مالی شده اما فرزند شیرخواری دارد ..... ۳۷۸
- «سؤال ۲۷» پدری که دیه قتل فرزندش را گرفته، ..... ۳۷۸

- نیابت ----- ۳۷۹
- «سؤال ۲۸» شخصی هنگام ثبت نام حج، دیگری را برای حج نایب قرار می دهد ----- ۳۷۹
- «سؤال ۲۹» افرادی که قرائت نمازشان درست نیست ----- ۳۷۹
- «سؤال ۳۰» کسانی که قرائت آنان صحیح نیست آیا می توانند در حج و عمره واجب یا مستحب نیابت کنند یا نه؟ ----- ۳۷۹
- «سؤال ۳۱» شخصی واجد شرایط نیابت نبوده و در میقات نیابتاً محرم شده ولی بعد از ورود به مکه ----- ۳۸۰
- «سؤال ۳۲» اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله شود ----- ۳۸۰
- «سؤال ۳۳» کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده نیاز به نایب پیدا کرده است، ----- ۳۸۰
- «سؤال ۳۴» افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست ----- ۳۸۰
- «سؤال ۳۵» آیا شخص زنده در موردی که می تواند نایب بگیرد ----- ۳۸۰
- «سؤال ۳۶» آیا عمره مفرده یا طواف مستحبی را می توان به نیابت چند نفر انجام داد؟ ----- ۳۸۱
- «سؤال ۳۷» کسی را که روز عید قربان قبل از حلق دستگیر کرده اند ----- ۳۸۱
- «سؤال ۳۸» افرادی که هر سال به حج می روند ----- ۳۸۱
- «سؤال ۳۹» اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده از بعضی اعمال معذور باشد، ----- ۳۸۱
- «سؤال ۴۰» بعضی خدمه کاروانها که به نیابت به حج آمده اند ناچارند نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم به منی بروند؛ ----- ۳۸۲
- «سؤال ۴۱» نایبی در احرام عمره تمتع بعد از اینکه وارد مکه شد شک می کند ----- ۳۸۲
- «سؤال ۴۲» کسی که برای خودش سالها پیش حج بجا آورده ----- ۳۸۲
- «سؤال ۴۳» شخص مستطیعی پیش از آنکه اسمش درآید فوت کرده ----- ۳۸۲
- «سؤال ۴۴» شخص اجیر حج بلدی از قم شده ----- ۳۸۲
- «سؤال ۴۵» نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه می رود و به عنوان نیابت حج حرکت می کند ----- ۳۸۳
- «سؤال ۴۶» آیا شرط ایمان نایب که در نیابت در ذبح شرط است ----- ۳۸۳
- «سؤال ۴۷» شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و چون پدر نمی تواند خودش حج را بجا آورد، ----- ۳۸۳
- «سؤال ۴۸» شخصی پس از آنکه به مدینه مشرف شده جنون پیدا کرده است؛ ----- ۳۸۳
- «سؤال ۴۹» شخصی که به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شده ----- ۳۸۳
- «سؤال ۵۰» هر گاه کسی به طوری مریض شود که پس از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، ----- ۳۸۴
- «سؤال ۵۱» کسی که یک بار به عنوان خدمه حج بجا آورده ----- ۳۸۴
- «سؤال ۵۲» کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منی بروند، ----- ۳۸۴
- «سؤال ۵۳» کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده ----- ۳۸۴

- «سؤال ۵۴» شخصی برای حج از میتی نیابت کرده ..... ۳۸۴
- «سؤال ۵۵» ناییی که در وقت نایب شدن از معذورین نبوده ..... ۳۸۵
- «سؤال ۵۶» اگر هنگام نیابت، نایب و منوب عنه بدانند که نایب جزو معذورین است ..... ۳۸۵
- «سؤال ۵۷» کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده و محرم شده است، ..... ۳۸۵
- «سؤال ۵۸» پدری وصیت می کند که پسر بزرگتر به نیابت از او حج بجا آورد ..... ۳۸۵
- «سؤال ۵۹» آیا جایز است در طواف عمره تمتع یا طواف حج، ..... ۳۸۵
- «سؤال ۶۰» وظیفه کسی که قدرت بر شنوایی و تکلم صحیح نداشته ..... ۳۸۶
- «سؤال ۶۱» ناییی در حج تمتع، عمره تمتع را به نیابت از منوب عنه انجام داده ..... ۳۸۶
- «سؤال ۶۲» اگر پدر وصیت کند که فرزند ارشد برای او حج تمتع بجا آورد ..... ۳۸۶
- «سؤال ۶۳» ناییی به حج رفته و پس از محرم شدن و یا بعد از ورود به حرم در اثر تصادف و امثال آن به جراحت یا اغماء مبتلا شده است، ..... ۳۸۶
- «سؤال ۶۴» آیا یک نفر می تواند از جانب دو نفر عمره مفرده بجا آورد؟ ..... ۳۸۷
- «سؤال ۶۵» اگر نایب طواف نساء را بجا نیاورد ..... ۳۸۷
- «سؤال ۶۶» شخصی به تصور این که عمره مفرده طواف نساء ندارد هر شب به نیابت از اموات و یا سفارش کنندگان از تنعیم محرم می شده ..... ۳۸۷
- «سؤال ۶۷» در ایام حج زنان و افرادی که وظیفه آنان وقوف اضطراری است ..... ۳۸۷
- «سؤال ۶۸» شخصی در ایران نیابت حج از دیگری را قبول کرده است. ا ..... ۳۸۸
- «سؤال ۶۹» اینجانب قصد دارم به جای مرحوم پدرم به سفر عمره مشرف شوم؛ ..... ۳۸۸
- میقات ..... ۳۸۸
- «سؤال ۷۰» در طائف سه میقات وجود دارد و ما احتیاط می کنیم و در هر سه محل احرام را تجدید می نماییم. .... ۳۸۸
- «سؤال ۷۱» احرام از ادنی الحل که میقات عمره مفرده است آیا باید از اولین نقطه حل ..... ۳۸۸
- «سؤال ۷۲» کسی که از طریق عراق به مکه می رود ..... ۳۸۸
- «سؤال ۷۳» احرام از محاذات میقات در فضا را کافی می دانید ..... ۳۸۹
- «سؤال ۷۴» در حجهالوداع تعداد ۷۰ یا ۱۱۴ هزار نفر همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم محرم شدند. .... ۳۸۹
- «سؤال ۷۵» زمانی که هواپیما قصد فرود در فرودگاه جده دارد ..... ۳۹۰
- «سؤال ۷۶» جنابعالی در جوابیه قبلی مرقوم داشته اید: ..... ۳۹۳
- «سؤال ۷۷» ایرانیان مقیم جدّه مانند اعضای سفارت و کارکنان هواپیمایی هر ماه عمره بجا می آورند؛ ..... ۳۹۳
- احرام ..... ۳۹۳
- «سؤال ۷۸» نظر به اینکه مسجد شجره را بزرگ کرده اند، ..... ۳۹۳



- «سؤال ۷۹» اگر فردی هنگام احرام عاقل بوده و سپس به علت گرمی هوا دیوانه شود وظیفهٔ همراهان او چیست؟ ..... ۳۹۴
- «سؤال ۸۰» اگر شخصی عالم به غصبیت لباس احرام بوده ..... ۳۹۴
- «سؤال ۸۱» در صورتی که عالم به غصبیت لباس احرام نبوده ..... ۳۹۴
- «سؤال ۸۲» در مناسک مرقوم فرموده اید که: «اگر احرام برای حج از مکهٔ قدیم میسور نباشد از جاهای دیگر جایز است.» ..... ۳۹۴
- «سؤال ۸۳» قسمت مستقی که در منی زده شده است در اصل به عنوان «طریق المشاه» می باشد ..... ۳۹۴
- «سؤال ۸۴» بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود ..... ۳۹۵
- «سؤال ۸۵» هر گاه جنب یا حائض از روی عمد و عصیان وارد مسجد شجره شود ..... ۳۹۵
- «سؤال ۸۶» شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده ..... ۳۹۵
- «سؤال ۸۷» شخصی در حرم برای حج افراد محرم شده ..... ۳۹۵
- «سؤال ۸۸» اخیراً تونلهایی از اطراف مسجدالحرام به محله های مختلف مکهٔ مکرمه که محل سکونت حجاج می باشد ..... ۳۹۵
- «سؤال ۸۹» کسی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده ..... ۳۹۵
- «سؤال ۹۰» دختری در کودکی یا اوایل بلوغ جنب شده و تاکنون ازدواج نکرده است ..... ۳۹۶
- «سؤال ۹۱» آیا زندهای حائض می توانند در مسجد شجره از یک در وارد شوند ..... ۳۹۶
- «سؤال ۹۲» شخصی مقلد مجتهدی است که می گوید احرام حج تمتع باید از مکهٔ قدیم باشد ..... ۳۹۶
- «سؤال ۹۳» شخصی برای امور عادی خود قصد ورود به حرم را دارد ..... ۳۹۶
- «سؤال ۹۴» کسی با احرام عمره تمتع وارد مکهٔ معظمه گردید ..... ۳۹۶
- «سؤال ۹۵» آیا وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه جایز است؟ ..... ۳۹۷
- «سؤال ۹۶» شخصی بعد از خروج از مسجد شجره و قبل از عبور از بیدا، ..... ۳۹۷
- «سؤال ۹۷» آیا در پوشیدن لباس احرام که به عنوان رداء استفاده می شود کیفیت خاصی معتبر است، ..... ۳۹۷
- «سؤال ۹۸» اشخاصی مثل روحانی کاروان که زائرین را برای محرم شدن به مسجد شجره برده اند، ..... ۳۹۷
- «سؤال ۹۹» اینجانب یکی از جانبازان جنگ هستم که پای چپم تا نمی شود ..... ۳۹۸
- «سؤال ۱۰۰» اخیراً در ایام تشریق پزشکان استفاده از ماسک را ..... ۳۹۸
- «سؤال ۱۰۱» معمولاً حجاج وقتی محرم شده و تازه وارد مکه می شوند باید جهت تحویل گرفتن وسایل و اتاق به داخل هتل رفته ..... ۳۹۸
- «سؤال ۱۰۲» با توجه به مسألهٔ ۱۲۵ و ۱۲۷ مناسک، کاروانهایی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند ..... ۳۹۸
- محرمات احرام ..... ۳۹۹
- «سؤال ۱۰۳» چون اینجانب به عنوان خدمهٔ کاروان برای حج مشرف شده ام ..... ۳۹۹
- «سؤال ۱۰۴» به علت عادت در حرف زدن، در هنگام حج سه بار کلمهٔ «به خدا» را در حرفهایم آورده ام. ..... ۳۹۹

- «سؤال ۱۰۵» به کار بستن فتق بند ..... ۳۹۹
- «سؤال ۱۰۶» هنگام رفتن به حرم و هنگام طواف، کفشهای خود را داخل کیسه ای قرار دادم ..... ۳۹۹
- «سؤال ۱۰۷» در حج بعد از حلق یا تقصیر از احرام خارج می شود ولی بوی خوش و نساء قبل از سایر اعمال بر حرمت خود باقی است. .... ۳۹۹
- «سؤال ۱۰۸» برای خود یک جفت دمپایی گرفته ام که در حالت احرام آنها را بپوشم ..... ۳۹۹
- «سؤال ۱۰۹» جنابعالی در مناسک فرموده اید که: محرم می تواند زیر لحاف یا پتو بخوابد ..... ۴۰۰
- «سؤال ۱۱۰» حاجی در آیامی که محرم است ..... ۴۰۰
- «سؤال ۱۱۱» آیا برای جلوگیری از باز شدن لنگ لباس احرام می توان چیزی شبیه دکمه به لنگ چسباند ..... ۴۰۰
- «سؤال ۱۱۲» شخصی عمره مفرده انجام داده و قبل از اینکه طواف نساء بجا آورد، ..... ۴۰۰
- «سؤال ۱۱۳» جنابعالی در جواب استفتائی مرقوم داشته اید: ..... ۴۰۱
- «سؤال ۱۱۴» اگر شخصی از آسمان و در ارتفاع بسیار بالا از بیرون حرم وارد فضای معادل آن در حرم شده ..... ۴۰۲
- ..... استظلال ..... ۴۰۲
- «سؤال ۱۱۵» همانطور که حضرتعالی می دانید در ایام عمره، ..... ۴۰۲
- «سؤال ۱۱۶» اینجانب در زمان حضرت امام (ره) از ایشان تقلید می کردم ..... ۴۰۲
- «سؤال ۱۱۷» نظر به اینکه حجاج عمره بعد از پوشیدن احرام برای رفتن به مکه معظمه ..... ۴۰۴
- «سؤال ۱۱۸» در پاره ای از مسائل حج که فتوای حضرتعالی با مراجع دیگر متفاوت است ..... ۴۰۴
- «سؤال ۱۱۹» نظر به اینکه فتوای حضرتعالی در مورد استظلال در شب وجوب کفاره است ..... ۴۰۴
- «سؤال ۱۲۰» در ایام حج از روحانی کاروان شنیدم که گفت: ..... ۴۰۴
- ..... طواف ..... ۴۰۵
- «سؤال ۱۲۱» کسی نیت طواف را در دل گذرانده ..... ۴۰۵
- «سؤال ۱۲۲» شخصی در شوط دوم طواف شک می کند ..... ۴۰۵
- «سؤال ۱۲۳» برای طواف داخل مسجدالحرام شدم ولی به علت خستگی خوابم برد ..... ۴۰۵
- «سؤال ۱۲۴» کسی به علت بیماری و جراحی، بول او قطره قطره در کیسه ای که می بندند می ریزد، ..... ۴۰۵
- «سؤال ۱۲۵» زنی که نایب شده اگر قبل از انجام طواف حج و یا نماز آن خون ببیند و ..... ۴۰۵
- «سؤال ۱۲۶» کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود وضوی او باطل بوده ..... ۴۰۶
- «سؤال ۱۲۷» کسی در شوط آخر محدث شده است ..... ۴۰۶
- «سؤال ۱۲۸» شخصی در حال طواف اندکی خون به بینی خود می بیند ..... ۴۰۶
- «سؤال ۱۲۹» کسی که در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن ..... ۴۰۶

- «سؤال ۱۳۰» اگر فردی مبتلا به مرض صرع آنی باشد ----- ۴۰۶
- «سؤال ۱۳۱» آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟ ----- ۴۰۷
- «سؤال ۱۳۲» اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او در حال طواف ظاهر باشد، ----- ۴۰۷
- «سؤال ۱۳۳» اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد ----- ۴۰۷
- «سؤال ۱۳۴» شخصی در دور پنجم عذری برایش پیش آمده، ----- ۴۰۷
- «سؤال ۱۳۵» شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن نامحرم در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می گیرد ----- ۴۰۷
- «سؤال ۱۳۶» اگر حاجی از منی برگشته و هنوز طواف واجب را بجا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی بجا آورد یا نه؟ ----- ۴۰۷
- «سؤال ۱۳۷» کسی به تصور اینکه طواف چهارده شوط است ----- ۴۰۷
- «سؤال ۱۳۸» اینکه در بعضی موارد فرموده اید: «باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند» آیا ترتیب هم لازم است؟ ----- ۴۰۸
- «سؤال ۱۳۹» آیا مُحرم قبل از انجام طواف خود- چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء- می تواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند یا نه؟ ----- ۴۰۸
- «سؤال ۱۴۰» آیا بعضی از شوطهای طواف یا سعی برای کسانی ----- ۴۰۸
- «سؤال ۱۴۱» در حال طواف چیزهایی از قبیل ساعت، انگشتر و لباس احرام از بعضی افراد می افتد ----- ۴۰۸
- «سؤال ۱۴۲» اگر انسان بداند که پا گذاشتن روی چیزهای فوق الذکر مورد رضایت صاحبان آنها نیست، ----- ۴۰۸
- «سؤال ۱۴۳» فرموده اند جایز است از روی اختیار طواف و سعی را با چرخ و تخت و بر دوش دیگری بجا آورد ----- ۴۰۸
- «سؤال ۱۴۴» طواف را از رکن یمنی شروع کرده به خیال حجراًلسود، ----- ۴۰۸
- «سؤال ۱۴۵» کسی در شوط ششم طواف را رها کرده ----- ۴۰۹
- «سؤال ۱۴۶» شخصی در حال طواف از روی اشتباه به قصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام می شود ----- ۴۰۹
- «سؤال ۱۴۷» آیا می شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را از اول شروع کرد؟ ----- ۴۰۹
- «سؤال ۱۴۸» اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل علیه السلام بجا آورده ----- ۴۰۹
- «سؤال ۱۴۹» افرادی بعد از انجام مقداری از طواف عمداً آن را رها می کنند ----- ۴۰۹
- «سؤال ۱۵۰» شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده ----- ۴۰۹
- «سؤال ۱۵۱» شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده ----- ۴۱۰
- «سؤال ۱۵۲» اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و ----- ۴۱۰
- «سؤال ۱۵۳» شخصی در اثنای طواف به خاطر بوسیدن و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده ----- ۴۱۰
- «سؤال ۱۵۴» شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است ----- ۴۱۰
- «سؤال ۱۵۵» شخصی در شوط اول طواف بوده که نماز جماعت شروع می شود ----- ۴۱۰
- «سؤال ۱۵۶» اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، ----- ۴۱۱

- «سؤال ۱۵۷» اگر کسی از روی اشتباه طواف را از رکن یمانی شروع و به همانجا ختم کرده باشد ..... ۴۱۱
- «سؤال ۱۵۸» کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد ..... ۴۱۱
- «سؤال ۱۵۹» مواردی که باید طواف را احتیاطاً تمام کند ..... ۴۱۱
- «سؤال ۱۶۰» شخصی در عمره تمتع بعد از تقصیر می فهمد طواف وسیعی او باطل بوده ..... ۴۱۱
- «سؤال ۱۶۱» کسی که از طواف- حتی در خارج مطاف- عاجز است ..... ۴۱۲
- «سؤال ۱۶۲» اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا باید نایب بگیرند یا با تخت روان طواف داده شوند؟ ..... ۴۱۲
- «سؤال ۱۶۳» شخصی در عمره تمتع پس از اتمام طواف به دلیل ..... ۴۱۲
- «سؤال ۱۶۴» شخصی طواف خود را به هم می زند ..... ۴۱۲
- «سؤال ۱۶۵» زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بوده نیت طواف کرده ..... ۴۱۲
- «سؤال ۱۶۶» بعد از پایان هفت شوط چند قدمی را به قصد جزئیت پیموده است، ..... ۴۱۳
- «سؤال ۱۶۷» شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداده ..... ۴۱۳
- «سؤال ۱۶۸» کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد ..... ۴۱۳
- «سؤال ۱۶۹» کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، ..... ۴۱۳
- «سؤال ۱۷۰» کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده ..... ۴۱۳
- «سؤال ۱۷۱» در اثر ناچاری برای نظافت مسجدالحرام عده ای را از مطاف خارج کردند ..... ۴۱۴
- «سؤال ۱۷۲» اگر کسی در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده ..... ۴۱۴
- «سؤال ۱۷۳» شخصی طواف خود را انجام داده و بعداً دو شوط به قصد رجاء برای جبران نقص احتمالی بجا آورده است، ..... ۴۱۴
- «سؤال ۱۷۴» شخصی بعد از اتمام طواف سهواً یک شوط زیاد کرده است ..... ۴۱۴
- «سؤال ۱۷۵» شخصی چند متر از یک شوط را خراب کرده است ..... ۴۱۴
- «سؤال ۱۷۶» شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می کند ..... ۴۱۵
- «سؤال ۱۷۷» شخصی به جهت عذری طواف را قطع کرد و موالات به هم خورد؛ ..... ۴۱۵
- «سؤال ۱۷۸» آیا مبادرت به طواف و نماز آن برای معذورین از طهارت مائیه، بلکه مطلق ذوی الاعذار جایز است؟ ..... ۴۱۵
- «سؤال ۱۷۹» فردی که دارای قند خون بالایی است و در هنگام طواف نیازمند به تجدید وضو ..... ۴۱۵
- «سؤال ۱۸۰» اگر طواف عمره تمتع یا طواف حج را جهلاً ترک کرده ..... ۴۱۶
- «سؤال ۱۸۱» در منی روز دوازدهم ذیحجه غسل کرده به قصد انجام اعمال مکه ..... ۴۱۶
- «سؤال ۱۸۲» آیا انسان می تواند قبل از انجام طواف نساء عمره مفرده، دوباره برای عمره مفرده دیگر محرم شود ..... ۴۱۶
- «سؤال ۱۸۳» منظور از لزوم رعایت موالات عرفی در هنگام طواف چیست؟ ..... ۴۱۶

- «سؤال ۱۸۴» با توجه به جمعیت حاجیان در ایام حج تمتع ----- ۴۱۷
- «سؤال ۱۸۵» شخصی در طواف واجب در محدودهٔ مطاف با توجه و التفات طواف را در محدوده شروع کرده ----- ۴۱۷
- «سؤال ۱۸۶» شخصی چند شوط طواف را به جا آورده سپس آن را رها می کند ----- ۴۱۷
- «سؤال ۱۸۷» کسانی که از ذوی الاعذار محسوب می شوند نوعاً در ایام حج طبق نظر مقامات سعودی اجازهٔ طواف در پایین را ندارند ----- ۴۱۷
- «سؤال ۱۸۸» شخصی بعد از حج و انقضای ماه ذیحجه متوجه شد طواف عمره تمتع او یا طواف حج تمتع او باطل بوده است، ----- ۴۱۷
- «سؤال ۱۸۹» حضرت تعالی طواف پشت مقام را ----- ۴۱۸
- «سؤال ۱۹۰» آیا برای اینکه یقین کنیم هفت دور طوافمان دقیقاً از جلوی حجرالأسود شروع می شود آیا می توانیم قبل از رسیدن به حجرالاسود به صورت زیر نیت کنیم: - ۴۱۸
- «سؤال ۱۹۱» اگر فردی در حال طواف شک کند که شوط ششم است یا شوط هفتم وظیفهٔ او چیست؟ ----- ۴۱۸
- «سؤال ۱۹۲» طواف و نماز طواف را با بدن نجس یا لباس نجس جهلاً و یا نسیاناً بجا آورده، ----- ۴۱۹
- «سؤال ۱۹۳» با توجه به ازدحام جمعیت و اختلاط بین زنها و مردها در ایام حج ----- ۴۱۹
- «سؤال ۱۹۴» با عنایت به اینکه مقام ابراهیم علیه السلام در ابتدا نزدیک کعبه قرار داشت ----- ۴۱۹
- شک در طواف ----- ۴۱۹
- «سؤال ۱۹۵» اگر در اثنای طواف در صحت شوط سابق یا صحت جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است شک کند ----- ۴۱۹
- «سؤال ۱۹۶» کسی در وقت طواف شک در شوطها پیدا کرد و بعد گمانش به یک طرف رسید ----- ۴۲۰
- «سؤال ۱۹۷» اگر در حال طواف یا سعی و یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است ----- ۴۲۰
- «سؤال ۱۹۸» در مواردی که شخص در عدد شوطها شک می کند ----- ۴۲۰
- نماز طواف ----- ۴۲۰
- «سؤال ۱۹۹» در موقعی که شخص طواف کرده و در اثر زیادی جمعیت نتوانسته است نزدیک مقام نماز بخواند ----- ۴۲۰
- «سؤال ۲۰۰» احیاناً انسان می داند که اگر نماز طواف را شروع کند طواف کننده ها می آیند و او را حرکت می دهند ----- ۴۲۰
- «سؤال ۲۰۱» اگر کسی نماز طواف را در غیر مقام ابراهیم علیه السلام بخواند ----- ۴۲۱
- «سؤال ۲۰۲» آیا جایز است که نماز طواف واجب را احتیاطاً به نماز یومیه و یا به نماز طواف مستحب امام اقتدا کرد ----- ۴۲۱
- «سؤال ۲۰۳» آیا «صلاه معاده» «۱» در نماز طواف واجب مشروع است یا خیر؟ ----- ۴۲۱
- «سؤال ۲۰۴» کسی که هر چه کوشش می کند موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح نماید، نمی تواند ----- ۴۲۱
- «سؤال ۲۰۵» کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، ----- ۴۲۱
- «سؤال ۲۰۶» افرادی که قرائت صحیح نداشته و نماز طواف را به غلط خوانده اند ----- ۴۲۲
- «سؤال ۲۰۷» اگر کسی مطمئن باشد قرائت یا سایر اذکار نمازش درست است ----- ۴۲۲
- «سؤال ۲۰۸» آیا طواف در عمره مفردة استحبایی حکم طواف واجب را دارد ----- ۴۲۲

- «سؤال ۲۰۹» بعضی از مراجع فرموده اند فاصله بین نماز طواف و طواف موجب بطلان طواف می شود، ..... ۴۲۲
- «سؤال ۲۱۰» پس از تصحیح حمد و سوره آیا اعاده نماز طواف ..... ۴۲۲
- «سؤال ۲۱۱» کسی که نماز خود را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد ..... ۴۲۲
- «سؤال ۲۱۲» شک در سجده های نماز و نمازهای طواف و همچنین ظن در آنها چه حکمی دارد؟ ..... ۴۲۳
- «سؤال ۲۱۳» اگر کسی نماز طواف واجب را طوری بخواند که پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام باشد ..... ۴۲۳
- سعی بین صفا و مروه ..... ۴۲۳
- «سؤال ۲۱۴» در سعی صفا و مروه آیا لازم است سعی بین سنگهای مشخص کوه انجام گیرد؟ ..... ۴۲۳
- «سؤال ۲۱۵» کسی که به علت ندانستن مسأله، سعی صفا و مروه را در عمره تمتع بجا نیاورده ..... ۴۲۳
- «سؤال ۲۱۶» سکوهایی مشترک بین مسجدالحرام و محل سعی برای زنهای حائض چه حکمی دارد؟ ..... ۴۲۴
- «سؤال ۲۱۷» شخصی شوط سوم سعی را به هم زده و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر بجا آورده و تقصیر نموده است، ..... ۴۲۴
- «سؤال ۲۱۸» گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجدالحرام عبور کند، ..... ۴۲۴
- «سؤال ۲۱۹» اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است وظیفه او چیست؟ ..... ۴۲۴
- «سؤال ۲۲۰» اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه شود که پنج شوط بوده، ..... ۴۲۴
- «سؤال ۲۲۱» شخصی در حال سعی در عدد شوطها شک می کند ..... ۴۲۴
- «سؤال ۲۲۲» اگر هروله را در محل خود فراموش کند ..... ۴۲۵
- «سؤال ۲۲۳» اگر بعد از گذشتن ماه ذی الحجه بفهمد که سعی او در عمره تمتع یا حج تمتع باطل بوده تکلیف چیست؟ ..... ۴۲۵
- «سؤال ۲۲۴» کسی که می تواند خودش سعی را انجام دهد، آیا می تواند سوار صندلی چرخدار شود ..... ۴۲۵
- «سؤال ۲۲۵» در سعی آیا موالات در همه اشواط شرط است ..... ۴۲۵
- «سؤال ۲۲۶» در صورتی که در ایام شلوغ به ویلچر یا اجازة سعی در طبقه همکف داده نشود وظیفه چیست؟ ..... ۴۲۶
- «سؤال ۲۲۷» حضرتعالی در پاسخ به استفتایی فرموده اید: «کسی که می تواند خودش سعی را انجام دهد ..... ۴۲۶
- «سؤال ۲۲۸» در مورد فوق آیا در طواف هم می توان چنین کرد؟ ..... ۴۲۶
- «سؤال ۲۲۹» در مورد عدم توان طواف یا سعی با صرف خوف ضرر و یا احتمال ناتوانی در انجام آن کافی است و یا اطمینان به ناتوانی باید باشد؟ ..... ۴۲۶
- «سؤال ۲۳۰» برخی زائران توان شروع طواف یا سعی را دارند ..... ۴۲۶
- وقوف به عرفات و مشعر ..... ۴۲۶
- «سؤال ۲۳۱» اگر موقف دو روز اختلاف داشته باشد وظیفه چیست؟ ..... ۴۲۶
- «سؤال ۲۳۲» شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر بیهوش شده است؛ ..... ۴۲۶
- «سؤال ۲۳۳» عده ای در شب دهم ذیحجه در مکانی که به آنها گفته بودند مشعر است اطمینان نمودند و نیت وقوف کردند، ..... ۴۲۷

- «سؤال ۲۳۴» شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف شبانه مشعر را درک کرده ..... ۴۲۷
- «سؤال ۲۳۵» آیا درک اضطراری مشعر برای معذورین و زنان با صدق مستمای وقوف کافی است؟ ..... ۴۲۷
- «سؤال ۲۳۶» در شب عید قربان گاهی در اثر ترافیک وسایل نقلیه، رسیدن به سرزمین مقدس مشعرالحرام با تأخیر صورت می گیرد؛ ..... ۴۲۷
- «سؤال ۲۳۷» حاجی بعد از وقوف به عرفات سکنه مغزی کرده ..... ۴۲۷
- «سؤال ۲۳۸» اگر حاجی - پس از درک وقوف عرفات- در مشعرالحرام صاحب عذر (مانند خوف دستگیری و ...) شود ..... ۴۲۹
- اعمال منی ..... ۴۲۹
- «سؤال ۲۳۹» لزوم ترتیب در اعمال سه گانه منی مجرد وجوب تکلیفی است یا وضعاً هم لازم است؟ ..... ۴۲۹
- رمی جمرات ..... ۴۲۹
- «سؤال ۲۴۰» کسانی که به عنوان راهنما همراه معذورین در شب جهت رمی جمره می روند، ..... ۴۲۹
- «سؤال ۲۴۱» آیا جایز است زنانی که می توانند در روز رمی کنند ..... ۴۲۹
- «سؤال ۲۴۲» کسی که معذور است و باید خودش در شب رمی کند، ..... ۴۳۰
- «سؤال ۲۴۳» زنبایی که از وقوف اختیاری مشعر عاجز می باشند ..... ۴۳۰
- «سؤال ۲۴۴» کسی که می خواهد به نیابت دیگری رمی جمرات کند ..... ۴۳۰
- «سؤال ۲۴۵» کسی که نمی تواند در روز عید رمی کند ..... ۴۳۰
- «سؤال ۲۴۶» سنگریزه هایی در مشعر موجود است و معلوم است از خارج از مشعر آورده اند ..... ۴۳۱
- «سؤال ۲۴۷» زنی که احتمال بدهد رمی باعث قاعدگی او می شود ..... ۴۳۱
- «سؤال ۲۴۸» اگر کسی می داند یک روز رمی را ترک کرده است ولی نمی داند که روز دهم بوده یا یازدهم و یا دوازدهم، ..... ۴۳۱
- «سؤال ۲۴۹» اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه جمره یقین کند ..... ۴۳۱
- «سؤال ۲۵۰» اگر شخصی قبل از رمی به حال بیهوشی و اغماء درآید بعضی فرموده اند: ..... ۴۳۱
- «سؤال ۲۵۱» همان گونه که مستحضرید جمرات سه گانه را بازسازی و توسعه داده اند ..... ۴۳۱
- «سؤال ۲۵۲» اطراف بعضی از کوههای مکه که داخل حرم است ..... ۴۳۲
- «سؤال ۲۵۳» آیا رمی در طبقات بالا هم صحیح است؟ ..... ۴۳۲
- «سؤال ۲۵۴» کسانی که به عنوان راهنما و مراقب همراه معذورین شب دهم پس از وقوف اضطراری به منی می روند ..... ۴۳۲
- «سؤال ۲۵۵» در شب دهم ذیحجه مراقبینی که همراه معذورین پس از وقوف اضطراری مشعر، به منی می روند ..... ۴۳۲
- «سؤال ۲۵۶» اگر روز عید قربان رمی جمره قبل از قربانی واقع شود ..... ۴۳۲
- قربانی ..... ۴۳۳
- «سؤال ۲۵۷» اگر کسی به انسان نیابت دهد که برای او قربانی کند ..... ۴۳۳

- «سؤال ۲۵۸» اگر در اثر ندانستن مسأله یا عدم اطلاع از غروب آفتاب قربانی را در شب انجام دهد ----- ۴۳۳
- «سؤال ۲۵۹» اگر کسی به فردی نیابت دهد که برای او قربانی کند، ----- ۴۳۳
- «سؤال ۲۶۰» اگر ذبح در منی تا اواخر ذیحجه برای کسی ممکن باشد، ----- ۴۳۳
- «سؤال ۲۶۱» اگر قربانی در منی و در ایام تشریق ممکن نباشد ----- ۴۳۳
- «سؤال ۲۶۲» در صورتی که ذبح در منی میسر نباشد، ----- ۴۳۴
- «سؤال ۲۶۳» با توجه به اینکه قربانی در زمان ما در منی نوعاً ممکن نیست، ----- ۴۳۴
- «سؤال ۲۶۴» اینجانب در موقع رمی جمرات در اثر ازدحام جمعیت از کاروان خود جدا شده و گم شدم. ----- ۴۳۴
- «سؤال ۲۶۵» آیا ذبح در شب یازدهم برای کسی که نتوانسته در روز عید، قربانی کند جایز است؟ ----- ۴۳۴
- «سؤال ۲۶۶» آیا محرم می تواند قبل از رمی جمره عقبه و قربانی برای خود، ----- ۴۳۴
- «سؤال ۲۶۷» با توجه به مسأله تقسیم قربانی به سه قسمت ----- ۴۳۵
- «سؤال ۲۶۸» در مناسک مرقوم فرموده اید: اعمال روز عید (رمی جمره عقبه، ذبح قربانی، حلق و یا تقصیر) باید به ترتیب انجام شود. ----- ۴۳۵
- حلق و تقصیر ----- ۴۳۵
- «سؤال ۲۶۹» اگر کسی در اثر ندانستن مسأله پس از قربانی از احرام خارج شود ----- ۴۳۵
- «سؤال ۲۷۰» شخصی در عمره تمتع به جای تقصیر از روی جهل یک مو از بدن خود کنده و اکنون متوجه شده است، ----- ۴۳۵
- «سؤال ۲۷۱» کسانی که طواف و سعی را بر وقوفین مقدم می دارند ----- ۴۳۶
- «سؤال ۲۷۲» اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نماید وظیفه اش چیست؟ ----- ۴۳۶
- «سؤال ۲۷۳» اگر کسی در عمره تمتع از روی جهل تقصیر را ترک کند ----- ۴۳۶
- «سؤال ۲۷۴» اگر کسی تقصیر را در عمره مفرده عمداً یا از روی جهل یا فراموشی ترک کند ----- ۴۳۶
- «سؤال ۲۷۵» آیا بین عمره تمتع و حج تمتع، ماشین کردن سر جایز است؟ ----- ۴۳۶
- «سؤال ۲۷۶» بین عمره تمتع و حج که جایز نیست سر بتراشد، ----- ۴۳۶
- «سؤال ۲۷۷» شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی تقصیر کرده است، ----- ۴۳۶
- «سؤال ۲۷۸» آیا کسی که تقصیر او محکوم به باطل بودن است ----- ۴۳۷
- «سؤال ۲۷۹» کسی که در عمره تمتع بعد از سعی تقصیر کرده و بعد شک می کند که تقصیرش صحیح بوده یا نه، ----- ۴۳۷
- «سؤال ۲۸۰» اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرده ----- ۴۳۷
- «سؤال ۲۸۱» تقصیر و حلق در حج باید در روز باشد؛ ----- ۴۳۷
- «سؤال ۲۸۲» شخصی که قبل از انجام عمره مفرده سر و صورت خود را تیغ زده است ----- ۴۳۷
- «سؤال ۲۸۳» اشخاصی مثل روحانی کاروان که زائرین را برای اعمال طواف و نماز و سعی و ... می برند ----- ۴۳۷



- «سؤال ۲۸۴» مرد ضروره بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را در صحرای منی بتراشد؛ ..... ۴۳۸
- ..... بیتوته در منی ۴۳۸
- «سؤال ۲۸۵» امسال عده ای از حاجیان در روز دوازدهم بعد از ظهر به قصد کوچ و سفر، از منی خارج شدند ..... ۴۳۸
- «سؤال ۲۸۶» اینجانب در روز دوازدهم ذیحجه با علم به این که ظهر شده ..... ۴۳۸
- «سؤال ۲۸۷» یکی از علمای معاصر در مناسک خود نوشته است: ..... ۴۳۸
- «سؤال ۲۸۸» مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود چقدر است؟ ..... ۴۴۰
- «سؤال ۲۸۹» آیا قرائت قرآن یا دعا یا نگاه کردن به کعبه و یا نماز خواندن در مسجدالحرام جزو عباداتی محسوب می شود ..... ۴۴۰
- احکام بین عمره و حج ..... ۴۴۰
- «سؤال ۲۹۰» گفته شده کسی که عمره تمتع بجا می آورد نباید از مکه خارج شود. .... ۴۴۰
- «سؤال ۲۹۱» حاج متمتع پس از فارغ شدن از عمره تمتع بدون احرام حج از مکه خارج شده ..... ۴۴۰
- «سؤال ۲۹۲» بعد از اتمام عمره تمتع و قبل از شروع اعمال حج تمتع به وسیله ماشین اصلاح، ..... ۴۴۱
- عمره مفرده ..... ۴۴۱
- «سؤال ۲۹۳» انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ ..... ۴۴۱
- «سؤال ۲۹۴» تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بدون عذر جایز است؟ ..... ۴۴۱
- «سؤال ۲۹۵» کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟ ..... ۴۴۱
- «سؤال ۲۹۶» شخصی در اثنای عمره مفرده و در شوط پنجم سعی مریض شده ..... ۴۴۱
- «سؤال ۲۹۷» شخصی چند عمره مفرده بجا آورده و برای هیچ کدام طواف نساء نکرده، ..... ۴۴۱
- مسائل اختصاصی بانوان در حج و عمره ..... ۴۴۲
- «سؤال ۲۹۸» اگر خانمی با فروش طلای خود که در شأن او بوده است اقدام به ثبت نام برای حج نماید ..... ۴۴۲
- «سؤال ۲۹۹» اگر شوهر در اوایل ازدواج برای همسرش مقداری طلا و جواهرات بخرد ..... ۴۴۲
- «سؤال ۳۰۰» آیا زنی که به نیابت از مردی محرم به احرام حج شد می تواند ..... ۴۴۲
- «سؤال ۳۰۱» آیا پوشیدن مقنعه در حال احرام اشکال دارد؟ ..... ۴۴۲
- «سؤال ۳۰۲» در چه صورتی در حال احرام، زن اجازه دارد صورت خود را بپوشاند؟ ..... ۴۴۲
- «سؤال ۳۰۳» آیا در وجوب کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم، زنها هم حکم مردان را دارند یا نه؟ ..... ۴۴۳
- «سؤال ۳۰۴» در مناسک فرموده اید: زنی که بترسد در برگشتن از منی حائض یا نساء شود ..... ۴۴۳
- «سؤال ۳۰۵» زنی که حائض بوده ولی نمی دانسته و اعمال عمره را بکلی بجا آورده است ..... ۴۴۳
- «سؤال ۳۰۶» خانمی بعد از انجام اعمال روز دهم به دلیل حیض و ضیق وقت، طواف حج و طواف نساء خود را به نایب واگذار کرد ..... ۴۴۳

- «سؤال ۳۰۷» اگر خانمی در حج برای جلوگیری از عادت ماهیانه قرص بخورد ----- ۴۴۳
- «سؤال ۳۰۸» آیا حائض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالتبی صلی الله علیه و آله و سلم عبور کنند؟ ----- ۴۴۴
- «سؤال ۳۰۹» زنها در بعضی موارد باید بین تروک حائض و افعال مستحاضه جمع کنند. ----- ۴۴۴
- «سؤال ۳۱۰» زنی به قصد عمره مفرده همراه کاروان وارد مدینه منوره می شود، ----- ۴۴۴
- «سؤال ۳۱۱» زن با احرام عمره مفرده وارد مکه شد ----- ۴۴۴
- «سؤال ۳۱۲» اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم شود ----- ۴۴۴
- «سؤال ۳۱۳» زنی روز هشتم ذیحجه خون می بیند و خیال می کند حیض است، ----- ۴۴۵
- «سؤال ۳۱۴» زنی که عادت ماهانه اش مثلاً شش روز بوده است ----- ۴۴۵
- «سؤال ۳۱۵» زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد ----- ۴۴۵
- «سؤال ۳۱۶» زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند، ----- ۴۴۵
- «سؤال ۳۱۷» زنی که حیض نمی شود ----- ۴۴۶
- «سؤال ۳۱۸» زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می کنند ----- ۴۴۶
- «سؤال ۳۱۹» خانمها با خوردن قرص یا استعمال آمپول جلوی خون جاری را می گیرند و قطع می کنند ----- ۴۴۶
- «سؤال ۳۲۰» زنی بعد از وقوفین حیض می شود ----- ۴۴۶
- «سؤال ۳۲۱» زنی در حال طواف مستحاضه قلیله می شود؛ وظیفه او چیست؟ ----- ۴۴۶
- «سؤال ۳۲۲» زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود و در اثنای طواف لک می بیند؛ وظیفه او چیست؟ ----- ۴۴۶
- «سؤال ۳۲۳» زنی به تصور اینکه پاک شده است طواف انجام می دهد ----- ۴۴۷
- «سؤال ۳۲۴» اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، ----- ۴۴۷
- «سؤال ۳۲۵» بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان به هم می خورد ----- ۴۴۷
- «سؤال ۳۲۶» زنی که مسأله نمی دانسته بعد از پاک شدن از حیض خیال می کرده جنب است ----- ۴۴۷
- «سؤال ۳۲۷» زنی عمره تمتع را انجام داده و بعد متوجه شده که طواف او باطل بوده است، ----- ۴۴۷
- «سؤال ۳۲۸» زنی که عادت وقتیه و عددیه داشته و مثلاً روز هفتم ماه پاک می شده ----- ۴۴۸
- عدول در حج و عمره ----- ۴۴۸
- «سؤال ۳۲۹» کسی که برای حج مستحب وارد مکه شده اگر ببیند وقت تنگ است، ----- ۴۴۸
- «سؤال ۳۳۰» اگر بعد از نیت عمره و احرام مجدداً برای عمره دیگر محرم شود ----- ۴۴۸
- «سؤال ۳۳۱» شخصی در میقات برای خودش محرم می شود و تلبیه می گوید، ----- ۴۴۸
- «سؤال ۳۳۲» کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه می شود، ----- ۴۴۸

- «سؤال ۲۳۳» کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است ----- ۴۴۹
- «سؤال ۲۳۴» بعضی از فقهای عظام فرموده اند: کسی که عمره مفرده مستحبی در ماههای حج انجام دهد ----- ۴۴۹
- کفارات ----- ۴۴۹
- «سؤال ۲۳۵» شخص محجوری علاوه بر صدمه دیدن خود، ----- ۴۴۹
- «سؤال ۲۳۶» آیا در کفاره حج ذابح هم در زمان ذبح باید قصد کفاره کند؟ ----- ۴۴۹
- «سؤال ۲۳۷» در کفاره حج که ذبح لازم است به هر فقیر تا چه مقدار می توان گوشت قربانی را داد ----- ۴۵۰
- «سؤال ۲۳۸» اینجانب در احرام عمره تمتع مجبور به استفاده از ماشین سر پوشیده شدم. ----- ۴۵۰
- «سؤال ۲۳۹» در یک مکان مذهبی، گوسفندهایی را که حاجیان به عنوان کفاره حج بر عهده دارند، ----- ۴۵۰
- «سؤال ۲۴۰» کفاره ای که در اعمال حج واجب می شود آیا پوست و کله آن گوسفند را می شود جهت دستمزد به قصاب داد؟ ----- ۴۵۱
- «سؤال ۲۴۱» کفاره ای که در اعمال حج واجب می شود آیا وقت معینی دارد؟ ----- ۴۵۱
- «سؤال ۲۴۲» در مورد کفاره حج یا عمره که ذبح گوسفند لازم است ----- ۴۵۱
- «سؤال ۲۴۳» در کفاره حج که ذبح گوسفند لازم است در صورتی که مقداری از گوشت جهلاً به سادات فقیر داده شده تکلیف چیست؟ ----- ۴۵۱
- «سؤال ۲۴۴» در کفاره حج که ذبح گوسفند لازم است در صورتی که پس از توزیع گوشت ----- ۴۵۱
- «سؤال ۲۴۵» مقدار کمی از گوشت کفاره را که خوردنش را اجازه فرموده اید ----- ۴۵۱
- «سؤال ۲۴۶» مصرف گوشت کفاره های در حال احرام چیست؟ ----- ۴۵۲
- اماکن حج ----- ۴۵۲
- «سؤال ۲۴۷» آیا محللهای تعیین شده با تابلوهای دولت عربستان ----- ۴۵۲
- «سؤال ۲۴۸» آیا غار حرا جزو محدوده مکه است؟ ----- ۴۵۲
- نماز در حرمین شریفین ----- ۴۵۲
- «سؤال ۲۴۹» تا چه اندازه اجازه داریم در حرمین شریفین روی فرش سجده کنیم ----- ۴۵۲
- «سؤال ۲۵۰» در هنگام اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام آیا رعایت اتصال صفوف لازم است؟ ----- ۴۵۲
- «سؤال ۲۵۱» تکلیف حجاج بیت الله الحرام برای نماز در هتلهای مکه و مدینه ----- ۴۵۲
- «سؤال ۲۵۲» کسی که در مکه قصد اقامت ده روزه کرده است ----- ۴۵۳
- «سؤال ۲۵۳» در عرفات و منی و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور ----- ۴۵۳
- «سؤال ۲۵۴» کسی که قصد کرده تا پایان روز هشتم ذیحجه در مکه بماند ----- ۴۵۳
- «سؤال ۲۵۵» آیا در مسافرخانه ها یا هتلهای مکه و مدینه می توان نماز جماعت برپا نمود؟ ----- ۴۵۳
- «سؤال ۲۵۶» با توجه به سنگفرش بودن بیشتر مسجدالحرام ----- ۴۵۴

- «سؤال ۳۵۷» آیا در نماز جماعت اهل سنت، ..... ۴۵۴
- «سؤال ۳۵۸» در نماز جماعت مسجدالحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم معمولاً قنوت را در رکعت آخر ..... ۴۵۴
- «سؤال ۳۵۹» با توجه به اینکه تقیه در این زمان به خاطر ترس از قتل و ضرب و جرح نیست ..... ۴۵۴
- «سؤال ۳۶۰» بردن حصیر به مسجدین برای سجده، ..... ۴۵۴
- «سؤال ۳۶۱» در نماز جماعت با اهل سنت که قرائت حمد و سوره را هر چند به نحو حدیث نفس واجب می دانید، ..... ۴۵۵
- «سؤال ۳۶۲» هنگام همراهی با جماعت اهل سنت و خواندن حمد و سوره، ..... ۴۵۵
- «سؤال ۳۶۳» اگر انسان در جماعت اهل سنت شرکت کرد و از روی غفلت یا جهالت و یا فراموشی حمد و سوره را نخواند ..... ۴۵۵
- شک بعد از اعمال ..... ۴۵۵
- «سؤال ۳۶۴» اینجانب وقتی به حج مشرف می شوم ترس و وحشت مرا فرا می گیرد ..... ۴۵۵
- «سؤال ۳۶۵» شخصی در جوانی در جلسات قرائت و تجوید شرکت می کرده ..... ۴۵۷
- تقیه در حج ..... ۴۵۷
- «سؤال ۳۶۶» اگر بر خلاف تقیه عمل کرد ..... ۴۵۷
- مسائل متفرقه ..... ۴۵۷
- «سؤال ۳۶۷» خداوند به یکی از مؤمنین توفیق داده که امسال دو بار به مکه مشرف شده ..... ۴۵۷
- «سؤال ۳۶۸» وظیفه روحانیون کاروانها بیان مناسک حج است ..... ۴۵۷
- «سؤال ۳۶۹» اگر دیگران از رفع عذر شخص معذور مأیوس باشند، ..... ۴۵۸
- «سؤال ۳۷۰» کسی که وظیفه او وضوی جبیره ای و تیمم است ..... ۴۵۸
- «سؤال ۳۷۱» فرموده اید: «اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است ..... ۴۵۸
- «سؤال ۳۷۲» شخصی غسل مست میت بر گردنش بوده ..... ۴۵۸
- «سؤال ۳۷۳» اینجانب مدیر گروه حج می باشم و اعمال حجی که انجام می دهم مستحبی است، ..... ۴۵۹
- «سؤال ۳۷۴» آیا مقداری از سنگ صفا و مروه یا مشعر را می شود با خود آورد؟ ..... ۴۵۹
- «سؤال ۳۷۵» مریض با احرام عمره تمتع یا عمره مفرده وارد مکه شده ولی از انجام طواف و سعی عاجز است، ..... ۴۵۹
- فهرست اصطلاحات و اماکن ..... ۴۵۹
- «الف» ..... ۴۵۹
- ۱- «بطح»: ..... ۴۵۹
- ۲- «استلام حجرالاسود»: ..... ۴۵۹
- ۳- «احتیاط واجب»: ..... ۴۵۹

- ۴ - «احتياط»: ..... ۴۶۰
- ۵ - «أحوط...»: ..... ۴۶۰
- ۶ - «أقوى چنین است»: ..... ۴۶۰
- ۷ - «اصل تركه»: ..... ۴۶۰
- ۸ - «اعتبار» و «امر اعتباری» و «اعتباراً»: ..... ۴۶۰
- ۹ - «اركان كعبه»: ..... ۴۶۰
- ۱۰ - «استنكاف»: ..... ۴۶۱
- ۱۱ - «احراز»: ..... ۴۶۱
- ۱۲ - اصل سلامت: ..... ۴۶۱
- ۱۳ - «خبار مستفیضه»: ..... ۴۶۱
- ۱۴ - «دنی الحلّ»: ..... ۴۶۱
- ۱۵ - «استمنا»: ..... ۴۶۱
- ۱۶ - «اطلاق»: ..... ۴۶۱
- «ب» ..... ۴۶۱
- ۱۷ - «بعید نیست»: ..... ۴۶۲
- ۱۸ - «بیتوته»: ..... ۴۶۲
- ۱۹ - «یومادران»: ..... ۴۶۲
- «ت» ..... ۴۶۲
- ۲۰ - «تصالح»: ..... ۴۶۲
- ۲۱ - «تراضی»: ..... ۴۶۲
- ۲۲ - «تبرّع»: ..... ۴۶۲
- ۲۳ - «تبرعی»: ..... ۴۶۲
- ۲۴ - «تدارک»: ..... ۴۶۲
- ۲۵ - «تلّ سرخ»: ..... ۴۶۲
- «ج» ..... ۴۶۳
- ۲۶ - «جعرانه»: ..... ۴۶۳
- ۲۷ - «جبل الزحمه»: ..... ۴۶۳

- ۲۸- «جُخْفَه»: ..... ۴۶۳
- «ح» ..... ۴۶۳
- ۲۹- «حَجَّهَا لَاسْلَام»: ..... ۴۶۳
- ۳۰- «حِجَامَت»: ..... ۴۶۳
- ۳۱- «حَجْرَ الْاَسْوَد»: ..... ۴۶۳
- ۳۲- «حِجْرَ اِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَام»: ..... ۴۶۳
- ۳۳- «حَدِيثِهِ»: ..... ۴۶۳
- ۳۴- «حَرَمٌ وَ حَدَّ اَنْ»: ..... ۴۶۳
- ۳۵- «حَنُوْط»: ..... ۴۶۴
- ۳۶- «حَانِضٌ»: ..... ۴۶۴
- «خ» ..... ۴۶۴
- ۳۷- «خَالِي اَز وَجِه نِيَسْت»: ..... ۴۶۴
- ۳۸- «خَالِي اَز قُوْت نِيَسْت»: ..... ۴۶۴
- ۳۹- «خَالِي اَز اَشْكَال نِيَسْت»: ..... ۴۶۴
- ۴۰- «خِلَافِ شَأْن»: ..... ۴۶۴
- ۴۱- «خِرَاجِ عِرَاقِيْنَ»: ..... ۴۶۴
- ۴۲- «خَطُوْر دَادِن بَه قَلْب»: ..... ۴۶۴
- ۴۳- «خَزَامِي»: ..... ۴۶۵
- «د» ..... ۴۶۵
- ۴۴- «دِرْزَمْنَه»: ..... ۴۶۵
- «ر» ..... ۴۶۵
- ۴۵- «رُكْنِ يِمَانِي»: ..... ۴۶۵
- ۴۶- «رُقُطَاء»: ..... ۴۶۵
- «ص» ..... ۴۶۵
- ۴۷- «صَدَقِ وَطَنِ»: ..... ۴۶۵
- «ظ» ..... ۴۶۵
- ۴۸- «ظَاهِرًا»: ..... ۴۶۵

- ٤٦٥ ..... «ع»
- ٤٦٥ ..... -٤٩- «عقبه مَدَّتَيْن»: .....
- ٤٦٦ ..... «ف»
- ٤٦٦ ..... -٥٠- «فُسُوق»: .....
- ٤٦٦ ..... -٥١- «فَجَّ»: .....
- ٤٦٦ ..... «ق»
- ٤٦٦ ..... -٥٢- «قصد انشا»: .....
- ٤٦٦ ..... -٥٣- «قَزَن المنازل»: .....
- ٤٦٦ ..... -٥٤- «قصد قربت مطلقه»: .....
- ٤٦٦ ..... «م»
- ٤٦٦ ..... -٥٥- «ما في الذمه»: .....
- ٤٦٦ ..... -٥٦- «مطاف»: .....
- ٤٦٦ ..... -٥٧- «مقام ابراهيم عليه السلام»: .....
- ٤٦٦ ..... -٥٨- «محل اشكال يا محل تأمل است»: .....
- ٤٦٧ ..... -٥٩- «مسلوس و مبطون»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦٠- «مستقر»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦١- «مُحَدَّث»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦٢- «مَأْزَمِينَ»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦٣- «مسكين»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦٤- «مُخْرَم»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦٥- «مُجَلَّ»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦٦- «مُجْزِي هست»: .....
- ٤٦٧ ..... -٦٧- «مزدلفه»: .....
- ٤٦٨ ..... -٦٨- «مدّ طعام»: .....
- ٤٦٨ ..... -٦٩- «متمنن»: .....
- ٤٦٨ ..... -٧٠- «مستجار»: .....
- ٤٦٨ ..... -٧١- «مسجد شجره»: .....

- ۴۶۸ ----- ۷۲- «مسجد غدیر خم»: -----
- ۴۶۸ ----- ۷۳- «مسجد میاهله»: -----
- ۴۶۸ ----- ۷۴- «مسجد فضیخ»: -----
- ۴۶۸ ----- ۷۵- «مسجد ردّ الشمس (مسجد فضیخ در روایات شیعه)»: -----
- ۴۶۸ ----- ۷۶- «مسجد سلمان»: -----
- ۴۶۹ ----- ۷۷- «مستحاضه»: -----
- ۴۶۹ ----- ۷۸- «مشریة امّ ابراهیم»: -----
- ۴۶۹ ----- «ن» -----
- ۴۶۹ ----- ۷۹- «نَفَسَاء»: -----
- ۴۶۹ ----- «و» -----
- ۴۶۹ ----- ۸۰- «وطن»: -----
- ۴۶۹ ----- ۸۱- «ورس»: -----
- ۴۶۹ ----- ۸۲- «وادی عقیق»: -----
- ۴۶۹ ----- ۸۳- «وادی محسّر»: -----
- ۴۷۰ ----- ۸۴- «وقوف»: -----
- ۴۷۰ ----- «حی» -----
- ۴۷۰ ----- ۸۵- «تَلْمَلَم»: -----
- ۴۷۱ ----- دربارہ مرکز -----



## احکام عمره مفردہ و بعضی آداب مکہ معظمہ و مدینہ منورہ

### مشخصات کتاب

سرشناسه: منتظری، حسینعلی، ۱۳۰۱ - ۱۳۸۸.

عنوان و نام پدید آور: احکام عمره مفردہ و بعضی آداب مکہ معظمہ و مدینہ منورہ/حسینعلی منتظری.

مشخصات نشر: قم: ارغوان دانش، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاہری: ۲۰۸ ص.؛ ۱۱/۵×۸ س.م.

شابک: ۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۲۷۶۸-۰۶-۶

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: عنوان دیگر: احکام و مناسک حج.

عنوان دیگر: احکام و مناسک حج.

موضوع: حج -- فتواها

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸ م/۸۶۵ الف ۲۷ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۹۴۶۱

### [تقسیم مطالب]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدًا وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ»

اما بعد، مطالب این رساله در سه بخش بیان می شود:

بخش اول: حاوی بیان اجمالی اهداف معنوی و اجتماعی حج؛

بخش دوم: مشتمل بر بیان وجوب حج، شرایط، احکام، واجبات و آداب و سنن عمره و حج، در سه باب و یک خاتمه؛

بخش سوم: شامل اعمال و آداب مدینه منوره و بعضی دعاهاى مأثوره.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴

## بخش اول: بیان اجمالی اهداف معنوی و اجتماعی حج

### اشاره

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷

آیین مقدس اسلام ما را به دینی هدایت کرده که جهانی است؛ و کتابی را به ما معرفی کرده که جاودانی است؛ و ما را پیرو پیامبری گردانیده که «رحمه للعالمین» است؛ و به سوی مرکزی دعوت کرده که محور اجتماع همگانی است.

موجودیت، استقلال، وحدت، حرکت و معنویت مسلمانان جهان به این مرکز وابسته است؛ و در سایه این مکان مقدس و این کعبه آمال، همسویی و مشارکت فعالانه و تبادل نظر در مسائل دینی به وجود خواهد آمد و نیازهای دینی و سیاسی ملت‌های اسلامی طرح و چاره اندیشی خواهد شد.

### [بیان اهداف حج در قرآن]

خداوند حکیم در قرآن کریم به همه این مسائل در کلمه جامع:

﴿فِيَا مَا لِلنَّاسِ﴾ اشاره می کند و می فرماید:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ فَيَا مَا لِلنَّاسِ﴾ «۱»: «خداوند، کعبه خانه محترم خود را وسیله قوام مردم قرار داده است.»

و باز فرموده است:

﴿وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوْكَلْ ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ «۲»: «ای ابراهیم! مردم را به حج بسیج کن تا بیایند ... و منافع خویش را مشاهده نمایند.»

و فرموده است:

﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا﴾ «۳»: «به یاد آورید که ما خانه کعبه را مرجع و مأمن انسانها قرار دادیم.»

---

(۱) - سورة مائده (۵): آیه ۹۷.

(۲) - سورة حج (۲۲): آیات ۲۷ و ۲۸.

(۳) - سورة بقره (۲): آیه ۱۲۵.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۸

و نیز خانه کعبه را به عنوان خانه عتیق و دیرینه معرفی می کند تا ارزشمندی و سابقه داری آن را نشان دهد؛ و اختصاص آن را به شخص یا گروه یا قوم و نژاد خاصی نفی کند؛ و ضیافتگاه همیشگی اهل توحید

را معرفی نماید:

«وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» «۱»: «باید بر این خانه دیرینه طواف کنند.»

با توجه به این نکات است که در میان احکام و دستورات اسلام نسبت به انجام حج و عمره بسیار تأکید شده است؛ و همین تأکیدات دلیل بر آن است که در اعمال و مناسک حج اهداف مهم و اسرار دقیقی نهفته است. از این رو حجاج محترم باید به اسرار این فریضه مهم الهی توجه کنند و از این سفر الهی در حد توان بهره برداری معنوی و اجتماعی بنمایند؛ و دور از انصاف است که ناآگاهانه و بی توجه به اهداف آن سفر حج را طی کنند.

### [بیان اهداف حج در روایات]

طبق روایتی «هشام بن حکم» از حضرت امام صادق علیه السلام درباره فلسفه حج سؤال می کند؛ آن حضرت مصالح اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی حج را بیان می کند و می فرماید:

«و امرهم بما يكون من امر الطاعة في الدين، و مصلحتهم من امر دنياهم، فجعل فيه الاجتماع من الشرق و الغرب ليتعارفوا و لينزع كل قوم من التجارات من بلد الى بلد، و ليتتفع بذلك المكارى و الجمال، و لتعرف آثار رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و تعرف اخباره و يذكر و لا ينسى. و لو كان كل قوم انما يتكلمون على بلادهم و ما فيها هلکوا و خربت البلاد و سقطت الجلب و الارباح و عميت الاخبار و لم تقفوا على ذلك، فذلك علل الحج.» «۲» یعنی: «خداوند در تشریح فریضه

---

(۱) - سورة حج (۲۲): آیه ۲۹.

(۲) - وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب «۱» از ابواب «وجوب الحج و شرائطه»، حدیث ۱۸.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹

حج، مردم را

به چیزی مأمور ساخت که علاوه بر تعبد و اطاعت دینی، مشتمل بر مصالح و منافع دنیوی نیز می باشد.

پس اجتماع و گردهمایی مسلمانان را با ملیتهای مختلف از شرق و غرب عالم در مراسم حج واجب کرد تا مسلمانان یکدیگر را بشناسند (و با تفاهم به اتحاد برسند و به حل مشکلات اجتماعی پردازند) و هر یک از داد و ستد با دیگری بهره مند گردد؛ و طبقات مردم در سایه این رفت و آمد از یکدیگر استفاده کنند.

همچنین آثار و اخبار پیامبر و دستورات اسلامی شناخته شود و فراموش نگردد. و اگر این زمینه شناخت ملتها و تبادل فکری و انتقال منافع و دستاوردها فراهم نمی شد و هر ملتی تنها روی منافع و مصالح خود سخن می گفت و از سایر ملتها غفلت می ورزید، مسلماً ملتها و کشورهای اسلامی هلاک می شدند و باب تجارت و اقتصاد مسدود می شد و اخبار و آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منتشر نمی شد و شما امروز از آنها اثری نمی دیدید؛ این است علت تشریح حج.»

و در خبر «فضل بن شاذان نیشابوری» از حضرت امام رضا علیه السلام پس از بیان جنبه های روحی و معنوی حج می فرماید:

«مع ما فی ذلك لجميع الخلق من المنافع لجميع من فی شرق الارض و غربها، و من فی البرّ و البحر ممّن یحجّ و ممّن لم یحجّ من بین تاجر و جالب و بائع و مشتری و کاسب و مسکین و مُکار و فقیر، و قضاء حوائج اهل الاطراف فی المواضع الممكن لهم الاجتماع فیه، مع ما فیه من التفقه و نقل اخبار الائمه علیهم السلام الی کل صقع و ناحیه.» (۱)

کتاب الحج، باب «۱» از ابواب «وجوب الحج و شرائطه»، حدیث ۱۵.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰

یعنی: «گذشته از منافع معنوی حج و خارج شدن از گناهان و خضوع و خشوع در برابر خدای متعال، منافع اقتصادی نیز از ناحیه آن به همه اهل شرق و غرب عالم می رسد و خواسته های مردم اطراف و بلاد مختلف در اثر گردهمایی در جاهایی که وسیله تجمع فراهم می گردد بررسی و حلّ و فصل می شود، و علوم و اخبار امامان علیهم السلام به منطقه های گوناگون منتقل می شود.»

پس بر این اساس از قرآن کریم و اخبار اهل بیت عصمت علیهم السلام به خوبی استفاده می شود که سفر به خانه خدا علاوه بر آثار معنوی و جاذبه های روحی، دارای منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز برای مسلمانان جهان می باشد.

و در این کنگره بزرگ اسلامی که هر سال در کانون وحی و رسالت تشکیل می شود باید مصالح و منافع همه مسلمین مورد توجه واقع شود؛ و قدرتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام با یکدیگر تماس بگیرند و در امور مهم با یکدیگر تفاهم کنند؛ و صفوف موخّدین حقیقی و پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر جبهه های کفر جهانی فشرده شود؛ و دستاوردهای فکری، علمی، اقتصادی و صنعتی آنان به یکدیگر منتقل گردد؛ و آثار و علوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن حضرت - قرآن کریم و سنت - تبیین و تشریح و همچنان زنده و فروزان به همه مسلمین جهان ابلاغ گردد؛ و اگر در گوشه ای از جهان اسلام حادثه ناگواری رخ داد، سایر ملل مسلمان در راه علاج و رفع گرفتاری از

آن ناحیه کوشش نموده و چاره جویی نمایند.

ولی مع الاسف باید گفت: چه حرمان و خسرانی بالاتر از اینکه اجتماع عظیم مسلمانان بر حسب ظاهر هر سال در ایام حج برقرار است و همه به آن دل خوش هستیم، ولی از این سفر الهی با این

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱

همه رنج و مشقت و مقدمات طاقت فرسا و هزینه های گزاف، کمتر بهره می بریم. و بسا جز یک سری اعمال تکراری و اوراد مخصوص، از خواص معنوی و آثار اجتماعی آنها چیزی عائد ما نمی شود.

### [أسرار روحی أعمال حج]

بالاتر از همه مسائل گذشته، حج یک آزمون بزرگ الهی و زمینه ساز تحول معنوی و تحرک باطنی حج گزاران است که باید از گناهان گذشته خود توبه کنند و نسبت به آینده خویش تجدید نظر نمایند؛ و با پذیرفتن مشقت راه و تحمل مشکلات و انفاق مال و چشم پوشی از لذتهای جسمانی، خود را در برابر آزمایش الهی قرار دهند؛ و بدانند که این سفر، سفر روحانی و معنوی است نه سیر و سیاحت و تفریح.

درباره این جنبه حج، یعنی اسرار روحی اعمال و مناسک آن، علمای اعلام و بزرگان اهل معرفت کتابها نوشته اند که خوب است حجاج محترم پیش از قصد سفر آنها را مطالعه کنند؛ و ما در اینجا به نقل حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام از کتاب مصباح الشریعه «۱» با ترجمه و توضیحاتی کوتاه قناعت می کنیم؛ باشد که اهل معنا از آن بهره برند و این فقیر بی بضاعت را نیز هنگام توجهات خود به یاد آورند:

«قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ

كُلُّ شَاغِلٍ وَحَجَبٍ كُلِّ حَاجِبٍ. وَفَوَّضَ امْرُوكَ كُلِّهَا إِلَى خَالِقِكَ، وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ وَسَيِّكَنَاتِكَ، وَسَلِّمْ لِقَضَائِهِ وَقَدْرِهِ، وَوَدِّعِ الدُّنْيَا وَالرَّاحَةَ وَالْخَلْقَ.»

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «چون خواستی حج بجا آوری پیش از تصمیم نهایی و شروع در عمل، دل خود را متوجه خدا کن

---

(۱) - مصباح الشریعه، باب ۲۱.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲

و آن را از هر گونه مشغول کننده و باز دارنده ای نگه دار؛ و همه کارهای خود را به آفریدگارت واگذار؛ و در همه مراحل بر او توکل کن؛ و تسلیم فرمان قضا و قدر او شو؛ و با دنیا و راحتی و خلق خدا وداع کن.»

«وَ اخْرِجْ مِنْ حُقُوقِ تَلَزْمِيكَ مِنْ جِهَةِ الْمَخْلُوقِينَ، وَ لَا - تَعْتَمِدْ عَلَى زَادِكَ وَ رَاحِلَتِكَ وَ اصِّحَابِكَ وَ قَوَّتِكَ وَ شَبَابِكَ وَ مَالِكَ مَخَافَهُ اِنْ تَصَيَّرَ لَكَ اَعْدَاءً وَ وِبَالًا، لِيُعْلَمَ اَنَّهُ لَيْسَ لَهُ قُوَّةٌ وَ لَا حِيلَةٌ وَ لَا حُدُودٌ اِلَّا بِعِصْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَوْفِيقِهِ، وَ اسْتَعْدَادَ مَنْ لَا يَرْجُو الرُّجُوعَ، وَ احْسِنِ الصُّحْبَةَ وَ رَاعِ اَوْقَاتَ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ سُنَنِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ وَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الْاَدَبِ وَ الْاِحْتِمَالِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الشَّفَقَةِ وَ السَّخَاءِ وَ اِيثارِ الزَّادِ عَلَى دَوَامِ الْاَوْقَاتِ.»

«و پیش از حج حقوقی را که از مردم در ذمه تو می باشد ادا کن.

و اعتماد به توشه و مرکب و یاران و نیرو و جوانی و مالت نداشته باش؛ زیرا بسا آنها همه دشمن تو شوند و تو را تنها گذارند

و



برای تو کاربردی نداشته باشند.

باید دانسته شود که هیچ نیرو و پناهی جز خدا نیست. در این راه خود را مانند کسی که امید به برگشتن ندارد آماده ساز؛ و با همراهانت در این سفر خوش رفتاری کن؛ و مراقب واجبات الهی و سنتهای پیامبر گرامی باش تا آنها را به خوبی و در اوقات خود انجام دهی و آداب آنها را رعایت کنی؛ و تحمل و صبر در برابر ناراحتیها، و شکر خدا و مهربانی نسبت به خلق خدا را پیشه خود کن؛ و با سخاوت باش، و در همه اوقات نسبت به آنچه داری دیگران را بر خود مقدم مدار.

«ثُمَّ اغْتَسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَالْبَسِ كِسِيَّةَ الصَّدَقِ وَالصَّفَاءِ وَالْخُضُوعِ وَالْخُشُوعِ. وَاحْرِمْ عَنِ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳

عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَيَحْجُبِيكَ عَنْ طَاعَتِهِ. وَ لَبَّ بِمَعْنَى اجَابِهِ صَافِيهِ خَالِصِهِ زَاكِيهِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي دَعْوَتِكَ لَهُ مُتَمَسِّكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى.»

«و پس از رسیدن به محل احرام در یکی از میقاتها، با آب توبه خالص از همه گناهانت غسل کن. و لباس صدق و صفا، خضوع و خشوع را بپوش و محرم شو (احرام ببند) از آنچه تو را از یاد خدا باز می دارد و بین تو و بندگی او مانع می شود. (تا هنگامی که انسان گرفتار تعلقات مادی و تمایلات نفسانی است نمی تواند در مسیر عالم ملکوت سیر کند؛ باید نخست صفحه دل را از ما سوی الله پاک کند تا زمینه تجلی نور الهی فراهم گردد.)

سپس لبیک بگو، بدین معنا که دعوت خدا را با دل صاف و

با تبت پاک و خالص اجابت کن؛ در حالی که به ریسمان محکم الهی چنگ زده و از ما سوی الله بریده باشی.»

(و بر این اساس در حال احرام، آنچه شائبه تعلق و وابستگی به ظواهر طبیعت و زیباییهای آن دارد تحریم شده است؛ و احرام کامل هنگامی حاصل می شود که گذشته از جسم و بدن، روح و دل و فکر و اراده انسان نیز مُحرَم شوند و جز در مسیر رضای خدا سیر نکنند.)

«و طُفَّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ.» «در حال طواف باید علاوه بر طواف در اطراف کعبه که کانون توحید است، دل تو نیز هماهنگ با ملائکه در حریم عرش خدا طواف کند.»

(مبادا چنین باشی که فقط بدنت دور خانه کعبه بچرخد؛ ولی فکر و اراده و تمایلات و انگیزه ها و اعمال بر محور غیر خدا تنظیم شده باشد. بر حسب ظاهر با نام خدا و یاد خدا بر گرد خانه خدا بگردی؛ ولی در زیر این پوشش، شرک و ریا و نفاق و خدعه و حب مال و جاه و مقام بر قلب و درونت حاکم باشد.)

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۴

«و هَرَوِلْ هَرَوَلَهُ فَرًّا (هرباً) مِنْ هَوَاكَ وَ تَبَرِّيًّا مِنْ جَمِيعِ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ. وَ اخْرُجْ مِنْ غَفْلَتِكَ وَ زَلَّاتِكَ بِخُرُوجِكَ اِلَى مَنًى، وَ لَا تَمَنَّ مَا لَا يَجِلُّ لَكَ وَ لَا تَسْتَحِقُّهُ. وَ اعْتَرِفْ بِالْخَطَايَا بِعَرَفَاتٍ وَ حِدِّدْ عَهْدَكَ عِنْدَ اللّٰهِ تَعَالٰى بِوَحْدَانِيَّتِهِ، وَ تَقَرَّبْ اِلَيْهِ وَ اتَّقِهِ بِمُزْدَلِفَةَ، وَ اضْعُدْ بِرُوحِكَ اِلَى الْمَلَأِ الْاَعْلٰى بِصُعودِكَ اِلَى الْجَبَلِ.»

«پس برای سعی صفا و مروه حاضر شو؛ و با «هَرَوَلَهُ»

سعی را انجام بده، در حالی که خود را از هوی<sup>۱۱</sup> و هوس و خودبینی و توکل بر غیر خدا دور کرده باشی. (و در حقیقت سعی تو سعی الی الله باشد.)

و پس از آن به طرف منی<sup>۱۲</sup> (آرزوها) رهسپار شو، و از غفلت و لغزشهای بیرون آی و دل خود را متوجه خدا کن (آرزوهایت را از او بخواه)؛ و مبادا چیزهایی را که حلال نیست و یا استحقاق آنها را نداری آرزو کنی. و در عرفات به خطاهایت اعتراف کن و عهد و پیمان خود را با خدای یکتا تجدید نما. و در مزدلفه (جای تقرب و نزدیک شدن) [مشعرالحرام] به خدا نزدیک شو و حریم او را نگه دار و تقوی<sup>۱۳</sup> پیشه کن؛ و با رفتن بالای کوه مشعر، روح و روان خود را متوجه عالم بالا کن. (از غیر خدا منقطع شو و خدا را بر قلب و درونت حاکم نما).»

«و اذْبَحْ حَنْجِرَةَ الْهَوَىٰ وَ الطَّمَعِ عِنْدَ الدَّبِيحِ. وَ اِزْمِ الشَّهَوَاتِ وَ الْخَسَاسَةَ وَ الدَّنَائَةَ وَ الْاَفْعَالَ الدَّمِيمَةَ عِنْدَ رَمِي الْجَمْرَاتِ.»

«و هنگام قربانی در منی<sup>۱۴</sup> حلقوم هوی<sup>۱۵</sup> و طمع را بتر (یعنی در حقیقت، نفس اماره و تمایلات و تعلقات آن را ذبح کن. حضرت ابراهیم علیه السلام مأمور شد فرزند عزیزش را که به او دل بسته بود در راه خدا ذبح کند و او اطاعت و تسلیم خود را نشان داد. ما باید به او تأسی کنیم و آنچه را عزیز می داریم از مال و مقام و اولاد، دل از آنها برکنیم و حاضر باشیم آنها را در راه خدا و دین او فدا کنیم.)

احکام و

و هنگام رمی جمرات سه گانه شهوت‌های نفسانی و زشتیها و پستیها را از خود دور کن.»

(همه شهوتها و تمایلات نفسانی و علاقه به مال و مقام و شئون دنیا و کبر و عجب و خودپسندی و سایر اخلاق زشت، دامهای شیطان است. و چنانکه حضرت ابراهیم علیه السلام در سه مرحله شیطان را رمی و سنگسار کرد ما نیز باید به پیروی از آن حضرت در رمی جمرات سه گانه، شیطان بزرگ و همه شیطانهای جنّی و انسی را رمی کنیم، و دل را از وسوسه های آنان پاک نماییم؛ و گرنه رمی جمرات و سایر اعمال ما صورتهایی بی مغز خواهند بود. شیطان دامهای گوناگون و جنود بی شماری از شیطانهای جنّی و انسی در اختیار دارد و هیچ گاه در کار خود مأیوس نمی شود؛ و اگر فرضاً وسوسه های او در قسمتی با شکست مواجه شد از راهی دیگر وارد می شود؛ و برای هر دسته و گروهی دامی مخصوص دارد. و هر چند انسان اهل ریاضت و تقوی<sup>۱</sup> و در علوم و معارف قوی باشد، باز شیطان او را رها نمی کند و شیطانهای خاصی را مأمور اغواء او می نماید.

پس باید انسان به عبادتها و علم خود مغرور نشود و همیشه بیدار و هوشیار باشد و به دامهای گوناگون شیطان توجه کند. و در اینجا تاریخ گذشتگان وسیله عبرت است برای انسان. و اگر کسی گرفتار اخلاق زشت و خصلتهای ناپسند باشد و در درون خود اسیر غرور و خودپسندی و حسد و تعصبات جاهلی و گرایشهای نژادی و قبیله ای و زبان و گروه و امثال آن شود و بالاخره

در مبارزه با شیطان درونی شکست خورده باشد، قهراً در مبارزه با شیطانهای بیرونی و طاغوت‌های زمان و خواسته‌های آنان نیز شکست می‌خورد و اسیر و مقهور قدرتهای آنان می‌گردد. اول باید در جهاد

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶

اکبر که جهاد با نفس اماره است پیروز شد تا بتوان در مقابل شرک و کفر و نفاق ایستاد.

«وَ اَخْلِقِ الْعُيُوبَ الظَّاهِرَةَ وَ الْبَاطِنَةَ بِحَلْقِ شَعْرِكَ (رَأْسِكَ). وَ ادْخُلْ فِي اَمَانِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَ كَنَفِهِ وَ سِتْرِهِ وَ حَفْظِهِ وَ كِلَابَتِهِ مِنْ مُتَابِعِهِ مُرَادِكَ بِدُخُولِ الْحَرَمِ. وَ زُرِ الْبَيْتَ مُتَحَقِّقًا (مُتَحَفِّفًا) لِتَعْظِيمِ صَاحِبِهِ وَ مَعْرِفَةِ جَلَالِهِ وَ سُلْطَانِهِ. وَ اسْتَلِمِ الْحَجَرَ رِضَىٰ بِقَسَمَتِهِ وَ خُضُوعًا لِعَظَمَتِهِ، وَ وَدِّعْ مَا سِوَاهُ بِطَوَافِ الْوُدَاعِ.»

«هنگام تراشیدن سر در روز عید قربان کوشش کن عیبهای ظاهری و باطنی خود را بر طرف نمایی. و پس از اعمال عرفات و مشعر و منی<sup>□</sup> به مکه که کانون حرم خداست باز گرد؛ و خود را در امان و حفظ و حراست خدا قرار بده تا بدین وسیله از پیروی هوی<sup>□</sup> و هوسها محفوظ باشی. خانه خدا را با حالت تعظیم و شناخت کامل از جلال و قدرت او زیارت کن؛ و با استلام و لمس حجرالاسود (که نشانه بیعت با خداست) رضایت خود را از قسمت الهی و خضوع خود را در برابر عظمت خدا نشان بده. و به وسیله طواف و داع، با غیر خدا وداع نما.»

«وَ صَفِّ رُوحَكَ وَ سِرِّكَ لِلِقَاءِ اللّٰهِ تَعَالٰی يَوْمَ تَلْقَاهُ بِوَقْفِكَ عَلَى الصَّفَا، وَ كُنْ ذَا مُرُوءَةٍ مِنَ اللّٰهِ بِفَنَاءِ اوصافِكَ عِنْدَ الْمُرُوءَةِ. وَ اسْتَقِمْ عَلَى شُرُوطِ حَجِّكَ وَ وِفَاءِ عَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ رَبَّكَ

و أَوْجِبْتُهُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

«و در وقوف بر کوه صفا روح و باطن خود را صاف و پاکیزه کن تا در روز لقاء خدا از هر جهت پاک باشی. و چون به کوه مروه رسیدی با مردانگی دریافت شده از ناحیه خدا شخصیت و کمالات خود را در برابر خدا محو و فانی بین و خود را در مقام فقر و فناء محض بنگر. و کوشش نما بر تعهدات خود که با خدای خودت در

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۷

یکایک اعمال حج داشته ای، ثابت و پایدار باشی تا روز قیامت.»

«و اعْلَمَ بِإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَفْتَرِضِ الْحَجَّ وَ لَمْ يَخْصُصْهُ مِنْ جَمِيعِ الطَّاعَاتِ إِلَّا بِالِإِضَافَةِ إِلَى نَفْسِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» وَ لَا شَرَعَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سُنَّةً فِي خِلَالِ الْمَنَاسِكِ عَلَى تَرْتِيبٍ مَا شَرَعَهُ إِلَّا لِلِاسْتِعْدَادِ وَ الْإِشَارَةِ إِلَى الْمَوْتِ وَ الْقَبْرِ وَ الْبَعْثِ وَ الْقِيَامَةِ وَ فَضِيلِ بَيَانِ السُّبُقِ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ أَهْلِهَا وَ دُخُولِ النَّارِ أَهْلِهَا بِمُشَاهِدَةِ مَنَاسِكِكَ الْحَجِّ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا لِأُولَى الْأَبَابِ وَ أُولَى النَّهْيِ.»

«و بدانکه خدا حج را واجب نفرمود و آن را از میان عبادتها ممتاز نساخت مگر به وسیله اضافه آن به ذات خود که فرمود:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»: «برای خداست بر عهده مردم، حج خانه خدا هر کس بتواند به آن راه یابد.»

و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تشریح نفرموده است عملی را در ضمن اعمال و مناسک حج مگر جهت مستعد ساختن مردم برای مرگ

و قبر و بعث و قیامت، و جدا کردن سبقت گیران از اهل بهشت و اهل جهنم که در اثر مشاهده مناسک حج از اول تا آخر، صاحبان عقل و خرد صحنه های مرگ و بعث و قیامت را می نگرند.»

در اینجا حدیث شریف «مصباح الشریعه» به پایان رسید. و برای تذکر و بیداری اهل دل، تأمل در همین حدیث کافی است.

### [گناه و عقوبت ترک حج]

و با توجه به اهداف یاد شده است که حج یکی از ارکان دین مقدس اسلام و از ضروریات آن به شمار آمده و انکار آن - با توجه به اینکه از اسلام می باشد - موجب کفر و ترک آن از گناهان کبیره محسوب شده است. و علاوه بر قرآن کریم، روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام در بیان واجب بودن حج و اهمیت آن وارد شده است که این مختصر گنجایش همه آنها را ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۸

از باب نمونه شیخ کلینی (ره) به سند معتبر از حضرت امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحْجَّ حَجَّهَاسَلَامٍ، لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تَجْحَفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمْتُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (۱)

یعنی: «هر کس از دنیا برود، در حالی که حجّه‌الاسلام را به جا نیاورده بدون اینکه حاجتی مانع او شده باشد یا به جهت بیماری از آن بازمانده باشد یا پادشاهی از رفتن او جلوگیری کرده باشد، چنین کس در حال مردن به کیش یهودیت یا نصرانیت خواهد مرد.»

پس هر مکلفی که مستطیع باشد باید دست کم در عمر خود

یک بار به مکه مکرمه برود و عمره و حج بجا آورد و آن را «حجّہ الاسلام» می نامند. خداوند مهربان و بخشنده به همه ما حالت تبه و بیداری عنایت کند و عمره و حج حجاج محترم را قبول فرماید؛ و این بنده محتاج خود را نیز مورد لطف قرار دهد.

چون مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و باقیمانده را به کتابهای مفصل ارجاع می دهیم. و بجا آوردن مستحباتی که در آن کتابها ذکر شده به امید ثواب اشکالی ندارد بلکه ثواب هم دارد. و نظر به اینکه این کتاب مناسک برای فارسی زبانان نوشته شده و تکلیف آنان معمولاً عمره و حج تمتع است، به بیان آنها اکتفا می شود و از بقیه به نحو اجمال نامی برده می شود.

## بخش دوم: مشتمل بر بیان وجوب حج و عمره

### اشاره

و شرایط، احکام، واجبات و آداب و سنن

عمره و حج

### باب اول: مسائل ویژه حجّہ الاسلام

### اشاره

اقسام عمره و حج و کیفیت و شرایط آنها

وصیت به حج

نیابت در حج

حج استحبابی

میقاتها و احکام آنها

---

(۱) - وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب (۷) از ابواب وجوب الحج و شرائطه، حدیث ۱.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۱

## فصل اول: وجوب فوری حجّہ الاسلام



**«مسأله ۱» حَجَّهالاسلام بر شخص مکلف مستطیع واجب است؛**

و در تمام عمر بیش از یک مرتبه واجب نمی شود.

**«مسأله ۲» وجوب حج بر شخص مستطیع فوری است؛**

یعنی واجب است در سال اول استطاعت آن را بجا آورد و تأخیر آن جایز نیست. و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد؛ و همچنین در سالهای بعد.

**«مسأله ۳» اگر رسیدن به حج بعد از حصول استطاعت، توقف بر مقدماتی - مانند تهیه اسباب مسافرت داشته باشد -**

به دست آوردن آن مقدمات لازم است؛ به طوری که در همان سال به حج برسد. و در صورتی که شخص، کوتاهی کند و در آن سال به حج نرسد حج بر عهده او ثابت شده و پس از آن باید در هر شرایطی به حج برود؛ هر چند استطاعت او از بین رفته باشد.

## **فصل دوم: شرایط وجوب حَجَّهالاسلام**

### **اشاره**

حج با چند شرط واجب می شود؛ و بدون آن شرایط حج واجب نیست:

**شرط اول و دوم: «بلوغ» و «عقل»؛**

### **اشاره**

پس حج بر کودک و دیوانه واجب نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۲

**«مسأله ۴» اگر غیر بالغ حج بجا آورد حج او صحیح است؛**

هرچند از حَجَّهالاسلام کفایت نمی کند.

**«مسأله ۵» اگر بچه ممیز برای حج محرم شود**

و در وقت وقوف به مشعرالحرام بالغ گردد، در صورتی که مستطیع باشد حج او از حَجَّه الاسلام کفایت می کند؛ همچنین است دیوانه اگر پیش از رسیدن به مشعر عاقل شود.

و بنابر احتیاط واجب، احرام را تجدید کند؛ هر چند اعاده کردن حج در سال بعد برای این دو احوط است، بویژه در دیوانه.

### «مسأله ۶» کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استجبایی کرد

و پس از حج معلوم شد بالغ بوده، کافی بودن حج او از حَجَّه الاسلام محل اشکال است؛ مگر در صورتی که در وقت نیت، قصد وظیفه فعلی یا مافی الذمه را نموده و آن را از روی اشتباه بر حج استجبایی تطبیق کرده باشد.

### «مسأله ۷» حج برای بچه ممیز مستحب می باشد

و حج او صحیح است؛ هر چند ولی او اجازه نداده باشد. لکن پس از بالغ شدن اگر استطاعت داشت باید دوباره به حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

### «مسأله ۸» مستحب است ولی بچه غیر ممیز، او را محرم کند

و لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که این بچه را برای عمره تمتع یا حج تمتع محرم می کنم. و اگر می شود «تلبیه» یعنی گفتن لَبَّيْكَ «۱» را به او تلقین کند؛ و گرنه خودش به جای او بگوید. و هزینه سفر و حج بچه، آنچه علاوه بر مخارج متعارف اوست به عهده ولی او می باشد؛ مگر اینکه سفر به مصلحت بچه باشد، مثل اینکه حفظ بچه توقف داشته باشد بر اینکه او را با خود به سفر ببرد.

---

(۱) - جمله: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» را «تلبیه» می گویند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۳

### «مسأله ۹» مقصود از «ولی» در این مقام ظاهراً ولی شرعی بچه است؛

مانند پدر و جد پدری، و هر کس از ناحیه آنان یا حاکم شرع با اختیارات تام اجازه داشته باشد.

### «مسأله ۱۰» پس از آنکه بچه محرم شد یا او را محرم کردند

باید ولی، او را از محرمات احرام باز دارد؛ و اگر بچه ممیز نیست خود ولی، او را از محرمات احرام حفظ کند.

### «مسئله ۱۱» اگر پس از احرام بچه، ولی او را از محرمات احرام باز نداشت

و در نتیجه یکی از محرمات را بجا آورد، در صید، ولی او باید کفاره آن را از مال خودش بدهد نه از مال بچه؛ و در غیر صید و جوب کفاره ثابت نیست، هر چند در صورت عمد احتیاط خوب است.

### «مسئله ۱۲» گوسفند قربانی حج کودک

به عهده ولی اوست که او را به حج آورده است.

### «مسئله ۱۳» ولی بچه پس از احرام بچه باید او را وادار کند

که تمام اعمال عمره و حج را بجا آورد. و هر چه را نمی تواند خود ولی به نیابت بچه بجا آورد.

### «مسئله ۱۴» اگر ولی بچه او را محرم کرد

و بچه را وادار کرد اعمال را مطابق دستور انجام دهد، و آنچه را نتوانست به نیابت او انجام داد، بچه از احرام خارج می شود و پس از بزرگ شدن می تواند ازدواج کند.

### «مسئله ۱۵» اگر بچه نابالغ پیش از آنکه در میقات محرم شود بالغ گردد

و از همانجا مستطیع باشد حج بر او واجب است و از حَجَّهالاسلام کفایت می کند.

### شرط سوم: «حریت و آزاد بودن» است؛

پس بر غلام و کنیز زرخرید که سابقاً وجود داشته حج و عمره واجب نیست؛ هر چند مال و توانایی داشته باشند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴

شرط چهارم: اینکه انسان «مستطیع» باشد،

یعنی:

۱- از نظر مالی هزینه رفت و برگشت و هزینه عائله خود را تا وقت برگشتن داشته باشد.

۲- توانایی بدنی برای سفر و انجام اعمال حج را داشته باشد.

۳- راه باز باشد؛ و اگر موانعی در کار هست بتواند آنها را برطرف نماید.

۴- زمان لازم برای رسیدن به مکه و انجام اعمال در ایام حج را داشته باشد.

۵- از ناحیه حج زندگی کنونی و آینده او و عائله اش مختل نشود.

و از آیه شریفه قرآن و احادیث در تفسیر استطاعت همین معنا استفاده می شود.

و در استطاعت بذلی «۱» نیز همین ملاک موجود است؛ چنانکه روشن خواهد شد.

استطاعت مالی

### **«مسأله ۱۶» «استطاعت مالی» یعنی داشتن توشه راه و وسیله رفت و برگشت**

و توان اداره عائله خود و لوازم زندگی به گونه ای که ناچار نباشد لوازم زندگی خود و عائله اش را به مصرف حج برساند و از ناحیه حج زندگی مادی او مختل نشود. و کافی است پول یا سرمایه یا ملکی داشته باشد که بتواند به وسیله آن مخارج خود و حج و عائله اش را تهیه نماید.

### **«مسأله ۱۷» معتبر است در استطاعت مالی علاوه بر مخارج رفتن و انجام حج،**

مخارج برگشتن را نیز داشته باشد؛ مگر اینکه

---

(۱) - معنای استطاعت بذلی در مسأله «۴۴» ذکر شده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵

نخواهد برگردد و بنا داشته باشد در آنجا بماند. همچنین معتبر است مخارج عائله خود را نیز داشته باشد؛ مگر اینکه کسی یا ارگانی آنان را بدون منت به خوبی اداره کند و رفتن به حج در زندگی آنان خللی ایجاد نکند. ولی در استطاعت معتبر نیست

که پول سوغاتها و تشریفات اضافی را نیز داشته باشد.

### «مسأله ۱۸» معتبر است در استطاعت مالی علاوه بر مخارج رفت و برگشت

و مصارف حج و عائله، ضروریات زندگی از قبیل لباس و فرش و محل سکونت- هر چند وقفی یا اجاره ای که مناسب با نیاز و شأن او باشد- و سایر لوازم زندگی را داشته باشد و یا پول یا ملکی داشته باشد که بتواند آنها را در وقت نیاز تهیه نماید.

### «مسأله ۱۹» اگر کسی مخارج حج را نداشته باشد

و ضروریات زندگی خود و عائله یا پول آنها را در حج خرج کند، مستطیع نیست و حج او از حجّها لاسلام کفایت نمی کند.

### «مسأله ۲۰» کسی که فعلاً به ازدواج نیاز شدید دارد

و به اندازه مخارج متعارف آن پول تهیه کرده است، واجب نیست پول را به مصرف حج برساند؛ و از ناحیه این پول مستطیع نیست.

### «مسأله ۲۱» کسی که پول نقد یا مال موجود به مقدار استطاعت ندارد

ولی از دیگری به همین مقدار طلب دارد و باقی شرایط استطاعت را نیز داراست، پس اگر طلب او مدت ندارد یا وقت آن رسیده و می تواند- هر چند با شکایت و بدون مشقت- آن را بگیرد، واجب است مطالبه کند و آن را بگیرد و به حج برود؛ ولی اگر بدهکار نمی تواند آن را بدهد مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی شود.

و اگر وقت طلب او نرسیده ولی بدهکار می خواهد بدون منت بدهد باید آن را بگیرد و مستطیع می باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶

بلکه اگر بدهکار به فکر دادن آن نیست ولی طلبکار می داند به مجرد اظهار به او می پردازد و هیچ گونه اهانت و منت هم در اظهار و گرفتن آن نیست، در این صورت نیز بنابر احتیاط واجب به او اظهار کند؛ و با پرداختن او بدون شک استطاعت حاصل می شود.

### «مسأله ۲۲» بر شخص غیر مستطیع واجب نیست پول قرض کند و به حج رود؛

ولی اگر قرض گرفت و زائد بر ضروریات زندگی اوست و می داند اگر آن را صرف حج کند می تواند در وقت پرداخت

بدون زحمت آن را بپردازد، در این صورت واجب است آن را صرف حج نماید و از حَجَّهالاسلام کفایت می کند. و اگر قرض کردن بدون اهانت و مَنّت برای او آسان باشد و درمقابل آن مالی دارد که می داند بعد از حج تبدیل آن به پول به سهولت انجام می شود، و یا طلبی دارد که می داند بعد از حج وصول می شود و بالاخره از ناحیه قرض به مشقت نمی افتد، در این صورت بنا بر احتیاط واجب قرض کند و به حج برود و از حَجَّهالاسلام کفایت می کند؛ هر چند در همه موارد قرض بخصوص در صورت اول، اعاده

حج احوط است.

### «مسأله ۲۳» کسی که مخارج حج را دارد و دارای بدهی نیز می باشد،

چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است در وقت پرداخت بدهی توان پرداخت آن را دارد واجب است به حج برود. همچنین است در صورتی که طلبکار راضی به تأخیر بدهی می باشد و بدهکار مطمئن است هنگام مطالبه می تواند بدهی را پرداخت نماید و متنی نیز در بین نیست.

### «مسأله ۲۴» کسی که خمس یا زکات بدهکار است

و مقداری پول یا ملک یا کالا هم دارد که اگر زکات و خمس خود را با آن بدهد باقیمانده برای مخارج زندگی و مصارف حج کافی نیست، باید

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷

خمس و زکات خود را بدهد و حج بر او واجب نمی باشد؛ چه خمس و زکات در عین مالش باشد، چه در ذمه او.

### «مسأله ۲۵» شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد،

باید بفروشد و به حج برود؛ هر چند در اثر کمی مشتری به کمتر از قیمت متعارف بفروشد؛ مگر اینکه فروش به این نحو موجب حرج و مشقت شود و یا اجحاف در آن به اندازه ای باشد که از نظر عرف تضییع مال محسوب شود.

### «مسأله ۲۶» کسانی که لوازم مزاد بر نیاز زندگی - مانند: فرش، لباس، جواهرات و اشیای قیمتی و عتیقه - دارند،

به گونه ای که قیمت آنها به اندازه هزینه حج است و سایر شرایط را نیز دارا می باشند، واجب است وسائل مزاد را فروخته و به حج بروند. و از این قبیل است زر و زیور زنی که در اثر پیرشدن یا شرایط زمان، نیاز او از آنها برطرف شده باشد، و نیز کتابهای زیادی که همه آنها مورد نیاز نیست و اگر مقدار زائد را بفروشند به اندازه مخارج حج است.

بلکه اگر نیاز او از غیر کتابهای شخصی خود- مانند کتابخانه ها و کتابهای وقفی- به خوبی و بدون مشقت تأمین می شود باید کتابهای خود را بفروشد و به حج برود.

### «مسأله ۲۷» اگر کرایه ماشین یا هواپیما زیاد باشد

یا از اندازه متعارف زیادتر باشد و همچنین اگر قیمت اجناس مورد نیاز در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از متعارف باشد باید به حج برود و جایز نیست از سال استطاعت تأخیر بیندازد؛ مگر اینکه به قدری زیاد باشد که موجب سختی و مشقت در زندگی او شود.

### «مسأله ۲۸» کسی که در راه حج برای خدمت،

رانندگی، خبرنگاری، حسابداری، یا به عنوان روحانی کاروان، ناظر، پزشک، پرستار یا عناوین دیگر انتخاب می شود و مخارج او را در

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸

حج تأمین می کنند و می تواند با انجام خدمت، حج کامل به جا آورد و به اندازه احرام و قربانی پول دارد و زندگی عائله اش در وقت حج را نیز تأمین کرده است، پس از پذیرفتن این قبیل خدمات مستطیع می شود و حج بر او واجب می گردد؛ و در این قبیل افراد، داشتن مال برای آینده زندگی شرط استطاعت نیست.

### «مسأله ۲۹» کسی که برای نیابت از دیگری اجیر می شود

و اجرت آن به قدری است که او را مستطیع می کند، در صورتی که این اجاره برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج به جا آورد. و اگر نایب شدن او برای سالهای آینده باشد، یا اینکه در تعیین سال او را مخیر نمایند باید در سال اول برای خودش حج بجا آورد؛ مگر اینکه مطمئن باشد با حج خودش امکان حج نیابی را از دست می دهد.

### «مسأله ۳۰» اگر کسی منزل گران قیمتی دارد

که اگر آن را بفروشد و منزل ارزانتری بخرد با تفاوت قیمت آن می تواند به حج برود و سایر شرایط استطاعت را نیز داراست، پس اگر فروش و تبدیل آن برای او آسان و خلاف شأن او نیست باید آن را تبدیل کند و به حج برود. و اگر تبدیل آن مشقت دارد یا خلاف شأن او می باشد لازم نیست بفروشد و مستطیع نیست.

### «مسأله ۳۱» اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی مورد نیاز خود را تهیه کند

با این پول مستطیع نمی شود، هر چند برای مخارج حج کافی باشد؛ مگر اینکه با منزل وقفی یا اجاره ای بتواند خوب و بدون مشقت زندگی نماید.



### «مسأله ۳۲» هرگاه کسی سرمایه یا ملک یا ابزار کار دارد

که اگر مقداری از آن را بفروشد یا آن را تبدیل کند می تواند به حج

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹

برود و با باقیمانده آنها بدون مشقت زندگی کند و سایر شرایط استطاعت را نیز داراست، حج بر او واجب می شود.

### «مسأله ۳۳» زنی که مهرش برای مخارج حج کافی است

و آن را از شوهر خود طلبکار است و مال دیگری ندارد، اگر شوهر او توان پرداخت آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست.

و اگر توان پرداخت آن را دارد ولی مطالبه آن برای زن مفسده دارد- مانند اینکه ممکن است به اختلاف و طلاق کشیده شود- در این صورت نیز مطالبه لازم نیست و زن مستطیع نشده است.

و اگر توان پرداخت آن را دارد و مطالبه آن مفسده ندارد و شوهر نیز مخارج زن را تأمین می کند، واجب است زن مهر خود را مطالبه کند و به حج برود و تأخیر آن جایز نیست.

و اگر مهر زن ملک باشد و برای حج کافی است ولی شوهر او گرفتاری و بدهکاری دارد، گرفتاری و بدهکاری شوهر مانع از استطاعت زن نمی شود.

### «مسأله ۳۴» اگر زن مستطیع شود و بتواند بدون همراهی شوهر و به وجود آمدن مشکلی به حج برود

، شوهر حق ندارد از رفتن او جلوگیری نماید؛ و لازم نیست همراه محرم باشد.

### «مسأله ۳۵» اگر کسی در وقت ازدواج به همسر خود وعده یک حج بدهد،

پس اگر به عنوان مهر باشد و در عقد ازدواج ذکر شده باشد باید به آن عمل کند. و اگر تنها وعده باشد بدون اینکه در عقد ذکر شده باشد، وجوب عمل به آن محل اشکال است؛ ولی بنا بر احتیاط به آن عمل نماید.

### «مسأله ۳۶» اگر زنی مستطیع است و برای حج ثبت نام کرده

و شوهر او هم مستطیع است ولی ثبت نام نکرده است، جایز نیست نوبت خود را به هر بهانه ای به شوهر خود بدهد؛ مگر اینکه

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰

خودش به تنهایی نتواند به حج برود. ولی اگر معصیت کرد و نوبتش را به شوهر داد حج شوهر صحیح و از حج واجب کفایت می کند.

**«مسألة ۳۷» اگر کسی مستطیع شد جایز نیست با بخشش پول خود به پدر یا مادر یا دیگری و یا صرف آن در حج آنان، خود را از انجام حج عاجز کند؛**

و اگر چنین کاری کرد گناه کرده و حج از او ساقط نمی شود، ولی بخشش او صحیح است.

**«مسألة ۳۸» کسی که استطاعت رفتن به حج دارد،**

نمی تواند پول حج را به مصرف غیر حج برساند و خود را از استطاعت بیندازد؛ هر چند مصرف شرعی مهمی باشد. و اگر مصرف کرد باید به هرگونه شده به حج برود.

**«مسألة ۳۹» با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات که به انسان به اندازه نیاز سالیانه پرداخت می شود،**

استطاعت حاصل نمی شود؛ ولی با گرفتن زکات از سهم سبیل الله برای حج استطاعت حاصل می شود.

**«مسألة ۴۰» اگر کسی مستحق شرعی زکات یا خمس باشد**

و از راه آنها زندگی می کند و تصادفاً از منافع و ثمرات آنها مستطیع شود، باید به حج برود.

**«مسألة ۴۱» اگر کسی شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت حج هست یا نه،**

بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند؛ و فرقی نیست در وجوب تحقیق احتیاطاً، بین اینکه مقدار مال خود را نداند یا مقدار مخارج حج را.

**«مسألة ۴۲» میزان در وجوب حج، استطاعت از جایی است که فعلاً در آنجا می باشد.**

پس اگر کسی در وطن خود می باشد و در آنجا مستطیع نیست حج بر او واجب نیست؛ هر چند مال به مقدار

حج میقاتی «۱» داشته باشد. ولی اگر برای کاری به میقات رفت یا مثلاً برای تجارت به جده رفت و در آنجا استطاعت حج را با همه شرایط آن پیدا کرد، حج بر او واجب می شود و از حَجَّهالاسلام کفایت می کند.

### «مسأله ۴۳» در مستطیع شدن فرقی نیست بین اینکه در ماههای حج

- یعنی شوال و ذیقعد و ذیحجه - مال پیدا کند یا پیش از آنها. بنابراین اگر استطاعت مالی حاصل شد انسان حق ندارد عمداً خود را از استطاعت خارج کند؛ هر چند در آغاز سال و پیش از ماههای حج باشد.

استطاعت بذلی

### «مسأله ۴۴» اگر انسان مخارج سفر حج را ندارد

ولی به او گفته شود: «حج بجا آور و مخارج رفت و برگشت و عائله ات به عهده من» پس با اطمینان به تعهد و پابندی تأمین کننده، حج بر او واجب می شود. و این حج را «حج بذلی» و استطاعت آن را «استطاعت بذلی» می نامند؛ و در آن رجوع به کفایت یعنی داشتن مالی برای تأمین مخارج پس از بازگشت معتبر نیست. مگر اینکه قبول بذل و رفتن به حج موجب اختلال و از هم پاشیدگی زندگی دائمی او شود که در این صورت قبول آن واجب نیست.

و بنابر اقوی <sup>□</sup> حج بذلی از حَجَّهالاسلام کفایت می کند؛ هر چند احوط و افضل اعاده حج است اگر در آینده پولدار و متمکن شود.

### «مسأله ۴۵» اگر مالی را که برای حج کافی است به او ببخشند

(۱) - در «حج میقاتی» تأمین هزینه سفر حج از یکی از میقاتها محاسبه می شود؛ در برابر «حج بلدی» که هزینه سفر حج از شهر محل سکونت شخص حساب می شود.

و شرط کنند حج بجا آورد باید قبول کند و به حج برود. همچنین است اگر بخشنده مال بگوید: «می توانی از این پول حج بجا آوری» و پول هم برای حج کافی باشد. بلکه اگر اسم حج را نیاورد ولی مال زیادی که به مقدار حج و تأمین زندگی اوست به او ببخشند و در قبول آن هیچ گونه منت و ذلت و خلاف شأن نباشد بنا بر احتیاط واجب باید قبول کند؛ و پس از قبول

مستطیع است و حج او حَجَّهالاسلام می باشد.

#### «مسأله ۴۶» کسی که توانایی مسافرت به حج را ندارد

و از توانایی بعد از این هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر مخارج حج را به او ببخشند واجب نیست قبول کند و نایب بگیرد.

#### «مسأله ۴۷» اگر شخص غیر مستطیع پولی را تهیه و به پدر یا برادر یا یکی از دوستان خود که حج واجب خود را انجام داده است ببخشد

و آنان همان پول یا مثل آن را به عنوان مخارج حج به او ببخشند، در صورتی که بخشش آنان جدی باشد، این شخص مستطیع می شود و حج بر او واجب می گردد؛ هر چند قبلاً اسم نوشته و پول به حساب حج ریخته باشد، به طوری که عین پول بخشیده شده به مصرف حج نرسد؛ ولی احوط پس از تمکن مالی اعاده حج است.

#### «مسأله ۴۸» در حج بذلی پول قربانی به عهده بخشنده است؛

ولی کفارات به عهده او نیست. و اگر دهنده مال پول قربانی را نبخشد و جوب حج معلوم نیست؛ مگر اینکه شرایط استطاعت محقق شود.

#### «مسأله ۴۹» کسی که برای حج به دیگری پول می بخشد

می تواند پس بگیرد؛ هر چند عمل زشتی است، بلکه خلاف احتیاط است. و اگر بخشش به قصد قربت یا به یکی از خویشان باشد حق

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳

ندارد پس بگیرد. و در مواردی که حق پس گرفتن دارد اگر طرف در بین راه باشد باید مخارج برگشت او را بدهد؛ و اگر بعد از احرام باشد باید مخارج حج او را نیز بدهد.

رجوع به کفایت

#### «مسأله ۵۰» معتبر است در استطاعت اینکه از ناحیه حج، سرمایه یا ملک یا محل کسب و یا شغلی که اساس زندگی اوست

و زندگی آینده او و عائله او بر آنها متوقف است از بین نرود. و همین است معنای رجوع به کفایت. پس اگر انسان مالی دارد که در اداره زندگی خود و عائله اش به آن نیاز دارد و زائد بر مقدار نیاز نمی باشد واجب نیست آن را به مصرف حج برساند و از این ناحیه مستطیع نمی شود. ولی اگر با تبدیل آن مخارج حج تأمین می شود و به آبرو و شأن و زندگی آینده او نیز لطمه ای وارد نمی شود در این صورت باید تبدیل کند و به حج برود.

و اگر برای آینده خود، پول و ملک و سرمایه و محل کسب ندارد ولی قدرت بر کار و صنعت مناسب خود دارد، و یا کارمند اداره یا مؤسسه ای می باشد و درآمد او کفاف زندگی او را می دهد، در این صورت با داشتن هزینه سفر و حج و مخارج عائله اش در وقت حج - هر چند به صورت ملک باشد - مستطیع می شود و باید ملک را بفروشد و به حج برود.

### **«مسأله ۵۱» اگر باغ یا ملک یا کارخانه ای دارد که فعلاً درآمدی ندارد**

و قیمت آن برای سفر حج کافی است، ولی اطمینان دارد که در سالهای آینده درآمد دارد و او نیز راهی برای زندگی جز درآمد آن نخواهد داشت، در این صورت حج بر او واجب نمی باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴

### **«مسأله ۵۲» کسی که از راه کسب یا غیر آن مخارج رفت و برگشت**

و مخارج عائله خود را در وقت حج دارد، و پس از برگشت، مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب یا منبر یا تدریس و بقیه آن و یا حتی همه آن را از وجوه شرعیه تأمین می کند، اگر بدون مشقت و منت اداره می شود بنا بر احتیاط واجب باید به حج برود؛ هر چند کافی بودن آن از حَجَّهالاسلام خالی از اشکال نیست، پس اگر بعداً متمکن شد بنا بر احتیاط واجب حج را اعاده کند. همچنین است اگر می داند دیگران او و عائله اش را بدون منت و ذلت از راه نذورات و تبرعات اداره می کنند.

استطاعت بدنی و باز بودن راه و وسعت وقت

### **«مسأله ۵۳» معتبر است در وجوب حج - علاوه بر استطاعت مالی - استطاعت بدنی**

و باز بودن راه و وسعت وقت. پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج ندارد یا برای او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست خودش به حج برود؛ همچنین کسی که راه برای او باز نیست یا پس از اینکه مال پیدا کرد وقت تنگ شده به گونه ای که نمی تواند به حج برسد، بر خودش واجب نیست. ولی در همه این موارد اگر مایوس است از اینکه خودش در آینده بتواند به حج برود و ممکن باشد کسی را به نیابت خود بفرستد، بنا بر احتیاط واجب باید فوراً دیگری را به نیابت خود به حج بفرستد.

و می تواند «صُرورَه» یعنی کسی را که تا حال به حج نرفته است نیز بفرستد. و اگر عذر او تا وقت فوت باقی بماند حج نایب از او کافی است؛ ولی اگر عذر او برطرف شود و شرایط دیگر استطاعت نیز وجود دارد، بنا بر احتیاط واجب خودش هم حج را بجا آورد.

و اگر امید دارد که

خودش در آینده بتواند به حج برود در این

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۵

صورت واجب نیست کسی را به نیابت خود بفرستد؛ هرچند احوط است. و بنا بر احتیاط واجب باید مال را برای سالهای بعد حفظ نماید، یعنی عمداً تلف نکند؛ بلکه اگر می داند عذر او برطرف می شود واجب است مال را حفظ نماید.

#### «مسئله ۵۴» کسی که از همه جهات استطاعت دارد

و فقط وسائل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده است، حق ندارد خود را از استطاعت خارج کند. و اگر کرد حج بر او ثابت و مستقر شده و باید به هر نحو می شود به حج برود؛ و اگر نتوانست نایب بگیرد.

#### «مسئله ۵۵» کسی که استطاعت حج پیدا کرد، باید خرجهای مقدماتی آن را بدهد؛

مانند خرج گذرنامه، ویزا، ودیعه و آنچه به حج مربوط است. و این خرجها موجب سقوط حج نمی شود؛ ولی اگر استطاعت این خرجها را نداشته باشد مستطیع نیست.

#### «مسئله ۵۶» مسلمانان کشورهایی که حکومتشان فاسد و غیر اسلامی است

و اگر بخواهند به حج بروند ناچارند مبالغی را به حکومت فاسد خودشان کمک نمایند، در صورتی که استطاعت پیدا کردند و راهشان منحصر باشد باید از همان طریق به حج بروند و حج آنان مجزی است.

#### «مسئله ۵۷» اشخاصی که در وقت اسم نوشتن برای حج استطاعت مالی دارند

و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند و راهی جز این طریق برای حج نیست، واجب است اسم خود را بنویسند؛ هرچند احتمال ندهند که در همان سال اول قرعه به نامشان اصابت کند. و اگر کوتاهی کردند و اسم ننوشتند حج بر آنان ثابت شده است. بلکه اگر کسی فعلاً استطاعت مالی ندارد ولی می داند که به زودی استطاعت مالی پیدا می کند و در آن وقت دیگر اسم نمی نویسند یا مثلاً بلیط هواپیما پیدا نمی شود، در این صورت اگر می تواند باید اسم خود را بنویسد یا بلیط را تهیه نماید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۶

#### «مسئله ۵۸» اگر کسی استطاعت مالی پیدا کرد ولی هنوز از طرف دولت ثبت نام اعلام نشده

ولکن انتظار می رود ثبت نام اعلام شود، نمی تواند پول حج را در مصارف دیگر خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؛ هر چند بداند نوبت او به سالهای آینده می افتد.

### «مسئله ۵۹» اگر کسی مستطیع شود و در اسم نوشتن و یا رفتن به حج و تهیه مقدمات کوتاهی کند

تا نوبت از دست برود، واجب است به هر نحو می شود- گرچه با سفارش و یا از راه کشورهای دیگر و صرف مبالغی زیادتر- به حج برود؛ مگر اینکه موجب عسر و حرج شدید شود.

### «مسئله ۶۰» کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر در تهیه مقدمات حج کوشش نمود

و در قرعه کشی شرکت کرد ولی قرعه به نامش اصابت نکرد و از راه دیگری هم نمی تواند به حج برود، حج بر خودش واجب نیست؛ ولی اگر مایوس است که در آینده نیز بتواند برود بنا بر احتیاط واجب کسی را به جای خود به حج بفرستد. و اگر بعد از استطاعت مالی در تهیه مقدمات کوتاهی کرد و در قرعه کشی شرکت نکرد و حج را عمداً تأخیر انداخت حج بر او ثابت شده است؛ و اگر در سالهای بعد خودش نتواند به حج برود باید دیگری را به جای خود بفرستد.

### «مسئله ۶۱» شخص مستطیع خودش باید به حج برود و حج دیگری از طرف او کافی نیست؛

مگر اینکه نتواند خودش برود.

مسائل متفرقه استطاعت

### «مسئله ۶۲» اگر زنی در زمان حیات شوهر استطاعت مالی نداشت

و بعد از مردن شوهر از ارث او استطاعت پیدا کرد ولی از جهت مرض یا پیری نمی تواند به حج برود، در صورتی که امید

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۷

بهبود در آینده ندارد بنا بر احتیاط واجب کسی را که حج بر او واجب نیست به جای خود به حج بفرستد. و اگر ارثی که به او رسیده فقط برای رفت و برگشت حج کافی باشد ولی برای زندگی به آن نیاز دارد و زراعت یا صنعت یا شغلی که بتواند پس از برگشتن از حج زندگی خود را با آن اداره کند ندارد، مستطیع نمی شود و حج بر او واجب نیست.

### «مسئله ۶۳» کسی که حج بر او واجب و مستقر شده



اگر بجا نیاورد تا اینکه از کار بیفتد و از اینکه خودش بتواند برود عاجز و مأیوس شود، باید فوراً کسی را به نیابت خودش به حج بفرستد.

و اگر نفرستد تا از دنیا برود، باید از مالش برای او یک حج بجا آورند؛ وصیت کرده باشد یا نه. و حج میقاتی «۱» کافی است و لازم نیست از شهر او کسی را بفرستند؛ مگر اینکه وصیت کند که از شهر خودش برایش بفرستند یا ظاهر وصیتش چنین باشد. و در حج واجب، مقدار پول میقاتی آن از اصل مال برداشت می شود و زائد بر آن از ثلث مال. و باید در همان سال وفات او حج را بجا آورند و تأخیر آن جایز نیست. و چنانچه در آن سال نیابت از میقات ممکن نباشد باید از شهر وی نایب بگیرند و همه آن از اصل مال برداشت می شود.

همچنین اگر در آن سال نتوانند از میقات نایب بگیرند مگر به زیادت از

اجرت متعارف، لازم است نایب بگیرند و تأخیر نیندازند.

و اگر وصی یا وارث کوتاهی کنند و تأخیر بیندازند و مال میّت از بین برود ضامنند؛ بلی اگر میّت مال نداشته باشد بر وارث انجام حج برای او واجب نیست، هر چند خوب است.

### «مسأله ۶۴» اگر کسی از سالهای پیش مستطیع بوده

و اکنون مسافرت با هواپیما مثلاً به جهت کسالت برای او مقدور نیست و

---

(۱) - معنای آن در پاورقی مسأله ۴۲ گذشت.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۸

جز هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نیست و امید هم ندارد که در آینده خودش بتواند به حج برود، باید کسی را به نیابت خود به حج بفرستد؛ و اگر نفرستد تا از دنیا برود باید از مال او برایش نایب بگیرند.

### «مسأله ۶۵» اگر کسی با داشتن استطاعت مالی به خوردن تریاک عادت دارد

و طبق مقررات کشور از رفتن او به حج جلوگیری می شود، پس اگر استطاعت او از سابق بوده و امکان رفتن به حج داشته و نرفته، حج بر او ثابت شده است. و چنانچه ترک تریاک برای او میسر نیست و جانش به خطر می افتد و از رفتن در سالهای بعد نیز مأیوس است باید نایب بگیرد. و اگر از سابق مستطیع نبوده و سال اول استطاعت اوست، بنا بر احتیاط واجب نایب بگیرد.

### «مسأله ۶۶» اگر رفتن به حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود،

باید ملاحظه کند حج مهمتر است یا آن واجب یا حرام؛ اگر اهمیت حج بیشتر است باید به حج برود؛ و اگر آن واجب یا حرام مهمتر است - مثل نجات دادن مسلمانی که در حال تلف شدن است - در این صورت حج واجب نیست و نباید برود؛ ولی اگر رفت و حرامی را مرتکب یا واجبی را ترک کرد - هر چند معصیت کرده - حج او صحیح است، بلکه از حجّه الاسلام کفایت می کند.

### «مسأله ۶۷» اگر کسی در مدینه منوره یا در راه حج مریض شود

و بردن او برای حج میسر نباشد، پس اگر سال اول استطاعت اوست و از خوب شدن حتی در سالهای بعد مأیوس است، بنا بر

احتیاط واجب اگر می تواند برای خودش نایب بگیرد تا برایش اعمال عمره و حج را بجا آورد؛ و نایب گرفتن از میقات کافی است.

و اگر از سابق حج بر او واجب و ثابت شده و از خوب شدن و انجام حج حتی در سالهای بعد مأیوس است، واجب است برای خودش

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۹

نایب بگیرد. و اگر می تواند خودش اعمال حج را به صورت اضطراری انجام دهد، باید محرم شود و هر مقداری را می تواند گرچه با کمک دیگران انجام دهد و هر چه را نمی تواند نایب بگیرد؛ ولی در وقوف به عرفات و مشعر نایب گرفتن کافی نیست.

**«مسأله ۶۸» اگر بخواهند شخص مریض عاجز از حج را به مکه معظمه ببرند،**

بنابر احتیاط به قصد عمره مفرده محرم شود و با انجام اعمال آن- هر چند اعمال اضطراری آن- و تقصیر «۱» از احرام خارج شود.

**«مسأله ۶۹» اگر کسی بعد از انجام عمره تمتع مریض شود**

و قادر به انجام حج نباشد و بخواهند او را به وطن باز گردانند، پس اگر می تواند خودش احتیاطاً یک طواف نساء بجا آورد؛ و اگر نمی تواند نایب بگیرد. و چنانچه از سابق حج بر او واجب شده است و از خوب شدن و انجام حج در آینده مأیوس است باید در همان سال یا سال بعد برای عمره و حج تمتع نایب بگیرد؛ و نایب گرفتن از میقات کافی است. و اگر مأیوس نیست هر وقت توانست خودش عمره و حج را انجام دهد. و اگر سال اول استطاعت اوست و از خوب شدن مأیوس است بنابر احتیاط واجب اگر می تواند از همانجا برای عمره و حج تمتع نایب بگیرد.

**«مسأله ۷۰» اگر کسی به گمان اینکه استطاعت دارد به قصد عمره و حج تمتع واجب همه اعمال را انجام داد**

و بعد معلوم شد مستطیع نبوده است، چنانچه بعداً مستطیع شود باید حَجَّهَ لاسلام را بجا آورد و حج و عمره گذشته کافی نیست.

**«مسأله ۷۱» اگر کسی به گمان اینکه مستطیع نیست قصد عمره و حج استجابی کند**

و بعد معلوم شود مستطیع بوده است،

---

(۱) - «تقصیر» یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۰

بنابر احتیاط واجب حج او از حَجَّهالاسلام کفایت نمی کند و باید اعاده نماید؛ مگر اینکه در وقت نیت قصد وظیفه فعلی خود را کرده باشد نه خصوص استحبابی را. و اگر بعد از عمره معلوم شود مستطیع بوده است، بنابر احتیاط واجب عمره را با احرام جدید بجا آورد؛ مگر در صورت یاد شده.

**«مسأله ۷۲» کسی که در اثر ندانستن مسأله گمان می کرد مستطیع شده است**

و به قصد حَجَّهالاسلام به حج رفت و در سالهای بعد واقعاً مستطیع شد، ولی چون گمان می کرد حج خود را بجا آورده حج نیابتی قبول کرد و بجا آورد، صحت حج نیابتی او محل اشکال است، و باید اول حج خود را بجا آورد و بعد اگر وقت و مدت اجاره وسعت داشته بنابر احتیاط واجب دوباره حج نیابتی را انجام دهد؛ و اگر وقت وسعت نداشته به صاحب پول مراجعه کند و پول را برگرداند یا مجدداً نایب شود.

**«مسأله ۷۳» اگر کسی با تقلید صحیح در گذشته به حج مشرف شده**

ولی چون مجتهد او رجوع به کفایت را شرط نمی دانسته بدون داشتن کفایت قصد حَجَّهالاسلام کرده است، و فعلاً از مجتهدی تقلید می کند که رجوع به کفایت را شرط می داند و الآن همه شرایط استطاعت و از جمله مقدار کفایت را داراست، لازم است حج خود را اعاده کند؛ مگر اینکه مجتهد فعلی بقای بر تقلید میّت را جایز بداند و مقلد هم باقی بماند.

**«مسأله ۷۴» کسی که احتمال می دهد حجی که در سالهای پیش انجام داده صحیح نبوده**

یا مثلاً مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را داراست و می خواهد احتیاط کند، می تواند در نیت خود قصد مطلق امر «۱» کند و می تواند قصد حج احتیاطی کند.

---

(۱) - «مطلق امر» یعنی دستور خداوند بدون قید و عنوان واجب یا مستحب بودن آن.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۱

### «مسأله ۷۵» کسی که حج واجب خود را انجام داده است

می تواند حج خود را احتیاطاً اعاده کند؛ ولی - در صورت صحت حج و بطلان اجزای آن - اعاده حج کفایت از اعاده اجزای حج نمی کند؛ بلکه باید خود آن جزء را تدارک نماید «۱».

### «مسأله ۷۶» اگر کسی که مستطیع است به قصد عمره تمتع محرم شود و پس از ورود در حرم «۲» از دنیا برود

حج و عمره از او ساقط می شود؛ به شرط اینکه در منطقه حرم از دنیا رفته باشد؛ چه قبل از اعمال عمره باشد یا در وسط عمره و یا بعد از آن. ولی اجرای این حکم در غیر عمره تمتع و حجّه الاسلام محل اشکال است.

و اگر پیش از احرام یا پیش از ورود در حرم از دنیا برود، پس اگر از سابق حج بر او واجب و ثابت شده باشد باید برای او نایب بگیرند و نیابت از میقات کافی است؛ بلکه اگر سال اول استطاعت اوست نیز بنا بر احتیاط برایش نایب بگیرند و مخارج آن را وارثهایی که بالغ هستند از سهم خود حساب نمایند.

### «مسأله ۷۷» بر مستطیع لازم نیست با پول خود به حج برود؛

پس اگر با قرض و مانند آن یا مهمان شدن بر دیگران مجاناً یا در مقابل خدمات به حج برود از حجّه الاسلام کافی است. بلی اگر لباس احرام و پول قربانی غصبی باشد کافی نیست.

### «مسأله ۷۸» جایز نیست انسان با مال حرام به حج برود؛

ولی

---

(۱) - «تدارک» یعنی جبران آن جزء، به اینکه آن را مجدداً بیجا آورد.

(۲) - بنا بر آنچه گفته شده: حدّ حرم از جانب شمال مکه، «مسجد تنعیم» با فاصله شش کیلومتر تا مسجد الحرام، و از جانب جنوب، محلی به نام «اضائه لبن» با فاصله دوازده کیلومتر تا مسجد الحرام، و از جانب شرق، «جعرا نه» با فاصله سی کیلومتر، و از جانب غرب، «حدیبیه» با فاصله چهل و هشت کیلومتر می باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۲

با مالی که شک در حلال بودن آن دارد و از نظر شرعی حکم به حلال بودن آن شده مانعی ندارد.

**«مسأله ۷۹» اگر کسی حَجَّه‌الاسلام بر او واجب شده باشد و آثار مرگ بر او ظاهر شود**

باید وصیت کند که حجش را انجام دهند.

و اگر از دنیا رفت مخارج حجّ به مقدار میقات از اصل مال او برداشت می شود؛ و اگر نایب گرفتن از میقات میسر نیست، همه مخارج حج از اصل مال او برداشت می شود؛ وصیت کرده باشد یا نه. و اگر وصیت کرده که از ثلث مال برداشت شود از ثلث برداشت می شود. و اگر امور دیگری مانند مخارج تعزیه و خیرات، و مستحباتی را نیز وصیت کرده است، پس اگر در وصیت او ترتیب در کار نیست یا اینکه حج را اول وصیت کرده، حج مقدم است.

و اگر سایر خیرات را اول ذکر کرده، اول مقدار آنها از ثلث برداشت می شود و بقیه ثلث در حج مصرف می شود و کمبود آن از باقی مال برداشت می شود.

**«مسأله ۸۰» اگر کسی از دنیا برود و حَجَّه‌الاسلام بر او واجب شده باشد،**

نایب گرفتن از میقات برای او کافی است؛ مگر اینکه وصیت کرده باشد که از شهر وی نایب بگیرند و یا ظاهر وصیت او چنین باشد، و در این صورت مقدار پول حجّ میقاتی از اصل مال برداشت می شود و بقیه از ثلث مال. و اگر نایب گرفتن از میقات میسر نیست یا مورد اطمینان نیست و انجام حج بر نایب گرفتن از شهر وی توقف دارد، در این صورت همه آن از اصل مال برداشت می شود.

و احوط و اولی نایب گرفتن از شهر اوست مطلقاً؛ «۱» ولی زائد

---

(۱) - «مطلقاً» یعنی: چه وصیت کرده باشد یا ظاهر وصیت این باشد که از شهر خودش نایب بگیرند یا نه.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۳

بر میقات را اگر وصیت نکرده وارثهایی که بالغ هستند از سهم خودشان بدهند.

**«مسأله ۸۱» اگر کسی از دنیا برود و حَجَّه‌الاسلام بر او واجب باشد**

واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند و تأخیر جایز نیست. و اگر در آن سال نایب گرفتن از میقات ممکن نیست باید از شهر وی یا هر جای دیگر که ممکن است نایب بگیرند و همه مخارج آن از اصل مال برداشت می شود.

**«مسأله ۸۲» اگر کسی از دنیا برود و حَجَّه‌الاسلام بر او واجب باشد**

و در سال اول نایب پیدا نشود مگر به اجرت بیشتر از متعارف، واجب است به اجرت بیشتر نایب بگیرند و همه آن از اصل مال برداشت می شود؛ و تأخیر آن برای سالهای بعد جایز نیست.

### «مسأله ۸۳» اگر کسی وصیت کرده باشد که شخص معینی برای او حج بجا آورد

یا از شهر خاصی برای او نایب بگیرند یا مبلغ معینی را برای حج او مصرف نمایند، عمل به وصیت واجب است؛ و مقدار حج میقاتی از اصل مال و بقیه از ثلث برداشت می شود.

و اگر نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد و آنچه وصیت کرده از اجرت متعارف ممکن بیشتر نیست، همه آن از اصل مال برداشت می شود.

### «مسأله ۸۴» اگر وصیت کند برای او از مال معینی حَجَّه‌الاسلام انجام شود

و وصی می داند که آن مال متعلق خمس یا زکات شده و خمس یا زکات آن پرداخت نشده است، باید اول خمس یا زکات آن پرداخت شود و باقیمانده به مصرف حج برسد؛ و کمبود آن از سایر مال او پرداخت شود.

### «مسأله ۸۵» اگر کسی از دنیا برود و حَجَّه‌الاسلام بر او واجب باشد،

پس اگر مال میت فقط به مقدار حج باشد ورثه او حق ندارند

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۴

قبل از نایب گرفتن برای حج یا پرداخت اجرت آن به وصی میت در آن مال تصرف کنند؛ بلکه اگر بیشتر هم باشد بنا بر احتیاط قبل از نایب گرفتن برای حج یا پرداخت مقدار آن به وصی در آن مال تصرف نکنند؛ مگر اینکه مال خیلی زیاد باشد و ورثه متعهد به پرداخت مقدار حج شوند.

همچنین است اگر میت بدهی دارد یا خمس یا زکات بدهکار است یا وصیت کرده باشد که برای او کارهایی را انجام دهند.

### «مسأله ۸۶» اگر حَجَّه‌الاسلام بر میت واجب باشد

و ورثه او یا وصی او که مال میت در اختیارشان می باشد در نایب گرفتن برای او کوتاهی کنند تا مال تلف شود، در این صورت ضامنند و باید از مال خود برای او نایب بگیرند.

### «مسأله ۸۷» به مجرد نایب گرفتن ذمه میت بری نمی شود.

پس اگر معلوم شود که نایب عمداً یا به جهت عذری حج را بجا نیاورده، واجب است دوباره برای او نایب گرفته شود و

مخارج آن از اصل مال یا ثلث آن به تفصیلی که گذشت پرداخت شود و مال اول در صورت امکان پس گرفته شود.

### «مسأله ۸۸» اگر حج بر میت واجب باشد و مال نداشته باشد

بر بازماندگان واجب نیست برای او حج بجا آورند؛ ولی خوب است بویژه اولاد او به وی احسان کنند و برای او حج بجا آورند.

### «مسأله ۸۹» اگر شخصی مثلاً منزل یا ملک خود را به دیگری صلح کند

به صلح قطعی، به شرط آنکه آن شخص پس از مرگ وی برای او یک حج بجا آورد یا مثلاً ده سال نماز و روزه به نیابت او انجام دهد، منزل یا ملک یاد شده از ملک وی خارج شده است و ورثه او حقی نسبت به آن ندارند؛ و بر آن شخص واجب است حج بجا آورد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۵

### «مسأله ۹۰» اگر مالی که برای حج میت در نظر گرفته شده به وصی میت تحویل داده شود

و مال در اثر تفریط و سهل انگاری وصی تلف گردد، وصی ضامن است و باید عوض آن را از مال خود به مصرف حج برساند. و اگر بدون تفریط و سهل انگاری او تلف شود در این صورت وصی ضامن نیست و حج میت باید از باقی مال میت ادا شود؛ اگر حجها لاسلام است از اصل مال، و اگر حج مستحبی است از ثلث مال. همچنین است حکم بدهیهای میت و خمس و زکات و نماز و روزه و امثال اینها، اگر وجه آنها تحویل وصی شده باشد.

و اگر ورثه میت مال را تقسیم کرده اند، باید هر کدام به نسبت سهم خود برگردانند تا حج و بدهیهای میت و وصایای او به انجام برسند. و اگر ندانیم تلف شدن مال در نزد وصی با تفریط و سهل انگاری بوده یا نه، ضمانت او ثابت نیست و نسبت به اعمال میت باید به دستور فوق عمل شود.

## فصل چهارم: نیابت در حج

### «مسأله ۹۱» در نایب چند شرط معتبر است:

اول- «بلوغ» بنابر احتیاط واجب؛ پس نایب شدن غیر بالغ در حج هر چند ممیز باشد محل اشکال است.

دوم- «عقل»

سوم- «ایمان» یعنی نایب علاوه بر اعتقاد به خدا و نبوت و معاد، دوازده امام را هم قبول داشته باشد.

چهارم- «مورد وثوق باشد»؛ یعنی اطمینان داشته باشیم که



اعمال را انجام می دهد. ولی لازم نیست به صحت اعمال او اطمینان داشته باشیم؛ بلکه با شك در صحت هم حکم به صحت می شود، مگر اینکه طرف متهم به سهل انگاری و مسامحه کاری باشد که در این صورت حکم به صحت محل اشکال است.

پنجم - هنگام اجیر شدن نایب اجمالاً اعمال و احکام حج را بداند تا

اجاره مشتمل بر جهل و غرر (۱) نباشد.

ششم- نایب در آن سال حج واجب بر عهده نداشته باشد؛ پس شخص مستطیع که حَجَّهالاسلام بر او واجب است و انجام نداده است چه سال اول استطاعتش باشد و چه از سابق حج بر او واجب و ثابت شده باشد، جایز نیست از دیگری نیابت کند؛ و اگر نیابت کند صحت حج او محل اشکال است.

هفتم- از انجام بعضی از اعمال حج معذور نباشد؛ بلکه چنین شخصی اگر مجانی نیز به نیابت دیگری حج بجا آورد اکتفا به عمل او محل اشکال است. ولی اگر در ارتکاب برخی از محرمات احرام مانند زیر سایه رفتن در حال حرکت ناچار باشد نیابت او صحیح و کافی است.

### «مسأله ۹۲» نایب لازم نیست در وقت اجیر شدن تمام اعمال و احکام حج را به تفصیل بداند؛

پس اگر در وقت نایب شدن اعمال را اجمالاً می داند و در وقت عمل با ارشاد و راهنمایی دیگران اعمال را بجا می آورد کافی است.

### «مسأله ۹۳» لازم نیست نایب همجنس منوب عنه باشد؛

پس نایب شدن مرد از زن و زن از مرد مانعی ندارد.

### «مسأله ۹۴» نایب شدن «صُرُورَه»

یعنی کسی که تا کنون حج بجا نیاورده در صورتی که حج بر خودش واجب نباشد و مطمئن

---

(۱)- «غَرَر» یعنی: ندانم کاری که موجب فریب و ضرر و یا هلاک شخص گردد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۷

باشیم اعمال حج را به خوبی انجام می دهد مانعی ندارد؛ هر چند مکروه است نایب شدن زن صِرُورَه از مرد صِرُورَه، بلکه از زن صِرُورَه نیز.

### «مسأله ۹۵» در منوب عنه یعنی کسی که به نیابت او حج بجا می آورند دو شرط معتبر است:

اول: اینکه مسلمان باشد؛ پس نایب شدن برای کافر در انجام حج صحیح نیست، هر چند مستطیع بوده باشد.

دوم: در حج واجب معتبر است که منوب عنه مرده باشد، یا اگر زنده است در اثر پیری یا مرضی که امید خوب شدن در آن

نیست یا عذری دیگر خودش نتواند به حج برود؛ ولی نیابت از زنده در حج مستحب مانعی ندارد، هر چند مریض و معذور هم نباشد.

### «مسأله ۹۶» در منوب عنه بلوغ و عقل معتبر نیست؛

بلکه اگر شخصی در وقتی که عاقل بوده مستطیع شده و حج بر او واجب گشته و سپس پیش از انجام آن دیوانه شده و از دنیا رفته، واجب است در این صورت از مال او برایش نایب بگیرند تا حجتش را بجا آورد.

### «مسأله ۹۷» معنای نیابت این است که نایب عمل را به جای منوب عنه انجام دهد،

و در حقیقت عمل منوب عنه را انجام دهد تا امری که متوجه منوب عنه شده امتثال گردد و ذمه اش بری شود؛ خواه تبرعاً و مجاناً نیابت کند، یا به اجیر شدن یا به عقد جعاله «۱» و یا شرط در ضمن عقد لازم. و مقصود از قصد تقرب در عبادتهای نیابتی، قرب منوب عنه و امتثال امر متوجه به اوست نه قرب نایب هر چند نایب نیز با قصد قربت در نیابت از اجر و ثواب بی بهره نیست بلکه ثواب عظیم دارد. و بالاخره نایب باید در عمل خود

---

(۱) - «جعاله» آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری (نظیر حج) که برای او انجام می دهند مال معینی بدهد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۸

قصد نیابت از منوب عنه کند و او را تعیین نماید، و لو به نحو اجمال و اشاره. و لازم نیست اسم او را به زبان آورد؛ ولی مستحب است در همه مواقف حج و جاهای مختلف نام او را به زبان آورد.

### «مسأله ۹۸» نایب «طواف نساء»

را نیز باید به نیابت از منوب عنه بجا آورد؛ هر چند بهتر است به قصد ما فی الذمه «۱» بجا آورد. و اگر طواف نساء را به نحو صحیح انجام ندهد زن بر نایب حلال نمی شود. ولی بر منوب عنه که حج به نیابت او انجام شده حلال است.

### «مسأله ۹۹» نایب نمودن کسی که وقتش از حج تمتع تنگ شده

و وظیفه اش عدول به حج افراد است برای کسی که وظیفه اش حج تمتع است صحیح نیست. بلی اگر در وسعت وقت نایب شد و بعد تصادفاً وقت او تنگ شده، بنابر احتیاط واجب باید به حج افراد عدول نماید؛ ولی کافی بودن آن از منوب عنه خالی از اشکال نیست، چنانکه استحقاق او نسبت به مال الاجاره نیز محل اشکال است و احوط تصالح است.

### «مسأله ۱۰۰» در حج واجب نایب شدن یک نفر از چند نفر

در یک سال جایز نیست؛ ولی در حج مستحب مانعی ندارد.

### «مسأله ۱۰۱» در حج نیابتی پول احرام و قربانی بر عهده نایب است؛

مگر در صورتی که شرط کنند که مستأجر بدهد.

همچنین اگر نایب موجبات کفاره را مرتکب شود کفاره بر عهده خود اوست.

### «مسأله ۱۰۲» کسی که حج بر او واجب و ثابت شده،

یعنی در سال اول استطاعت کوتاهی کرده و به حج نرفته، اگر در اثر پیری یا

---

(۱) - «ما فی الذمه» یعنی آنچه واقعاً بر عهده انسان است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۵۹

مرض یا عذری دیگر از اینکه خودش در آینده بتواند به حج برود مأیوس است، یا رفتن برای او مشقت و حرج شدید دارد، واجب است نایب بگیرد؛ و بنا بر احتیاط واجب این کار را فوراً انجام دهد.

بلکه اگر سال اول استطاعت اوست و خودش نمی تواند به حج برود نیز بنا بر احتیاط واجب باید نایب بگیرد؛ چنانکه در مسأله «۵۳» گذشت.

و در هر دو صورت اگر بعد از اینکه نایب حج را بجا آورد عذر خودش بر طرف شد و خودش می تواند به حج برود، بنا بر احتیاط واجب خودش دوباره حج را بجا آورد. و اگر قبل از اتمام حج عذر او برطرف شد - چه قبل از احرام باشد یا بعد از آن - باید خودش حج را بجا آورد.

### «مسأله ۱۰۳» اگر از میت مالی نزد کسی به قرض یا امانت یا عاریه یا به نحوی دیگر وجود داشته باشد

و می داند که حَجَّهالاسلام به عهده میت می باشد و ورثه او از نایب گرفتن برای او استنکاف دارند، در این صورت می تواند از آن مال یک حج میقاتی، و اگر ممکن نیست یک حج بلدی به کمترین اجرت برای میت استیجار نماید و یا خودش انجام دهد؛ ولی با دسترسی به حاکم شرع بنا بر احتیاط واجب از او اذن بگیرد و بقیه پول میت را به ورثه او برساند.

### «مسأله ۱۰۴» ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به اینکه نایب اعمال را به طور صحیح انجام دهد؛

پس مجرد نایب گرفتن کافی نیست. و اگر نایب در راه حج از دنیا برود باید دیگری را نایب بگیرند؛ بلی اگر نایب بعد از

احرام عمره تمتع و داخل شدن در حرم «۱»، در حرم از دنیا برود عمره و حج او صحیح و از منوب عنه

---

(۱) - حدّ حرم در پاورقی مسأله «۷۶» بیان شده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۰

کفایت می کند؛ هر چند اجرای این حکم در نایب مجانی و نیز در غیر عمره تمتع و حَجَّه الاسلام خالی از اشکال نیست. و اگر نایب بعد از احرام و قبل از داخل شدن در حرم و یا پس از احرام و داخل شدن در حرم، در غیر حرم از دنیا برود کافی بودن آن محل اشکال است.

### «مسأله ۱۰۵» «نایب» یا اجیر می شود بر فارغ کردن ذمه میت،

یا اجیر می شود بر اعمال و مناسک حج که از جمله آنها احرام است، یا اجیر می شود بر مجموع رفتن و برگشتن و همه اعمال، و یا اجیر می شود بر انجام حج صحیح.

پس در فرض اول از چهار فرض مذکور اگر اجیر پیش از احرام و ورود به حرم از دنیا برود، از مال الاجاره چیزی را مالک نشده است؛ و اگر بعد از احرام و ورود به حرم از دنیا برود همه مال الاجاره را مالک شده است.

و در فرض دوم اگر پیش از احرام از دنیا برود چیزی را مالک نشده؛ و اگر بعد از احرام از دنیا برود به نسبت آنچه از اعمال و مناسک انجام داده مالک شده است. و چون در این صورت مستأجر خیار تَبْعُضْ صَفَقَه «۱» دارد، پس اگر اجاره را فسخ کند، اجیر اجرهالمثل «۲» اعمال انجام شده

را طلبکار است.

و در فرض سوم هر جا اجیر از دنیا برود به نسبت آنچه از

(۱) - «خیار» یعنی اختیار، و «تبعض» یعنی ناقص بودن، و «صفقه» یعنی چیز مورد معامله. در معامله ای که چیز مورد معامله یا عوض آن ناقص تحویل طرف داده شود، آن طرف حق فسخ دارد؛ و در اینجا چیز مورد اجاره، تمام اعمال و مناسک حج بوده و چون اجیر آن را تمام نکرده، مستأجر اختیار فسخ دارد.

(۲) - «اجره المثل» یعنی قیمت و اجرت معمولی امثال و نظایر عمل مورد نظر.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۱

پیمودن راه و اعمال انجام شده از اجرها المسمی ﴿۱﴾ طلبکار است.

و در فرض چهارم اگر ارکان حج را بجا آورد و از دنیا برود به طوری که شرعاً حکم به صحت حج شود، همه مال الاجاره را مالک شده؛ هر چند بعضی از اعمال جزئی که مضرّ به صحت حج نیست ترک شده باشد. و اگر بعضی از ارکان حج ترک شده باشد از مال الاجاره چیزی را مالک نشده است، هر چند میت بریء الذمه شده باشد.

و ظاهراً آنچه متعارف است در نایب گرفتن برای حج، فرض چهارم است؛ ولی چون در استیجار از بلد معمولاً پیمودن راه را نیز مورد توجه قرار می دهند و بسا خصوصیات آن را تعیین می کنند و حج هم هر چند عنوان واحدی است ولی منطبق بر اعمال و مناسک خاصه است، پس بنا بر احتیاط در استیجار از بلد نسبت به مقدار راه طی شده و اعمال انجام شده مصالحه نمایند.

**«مسأله ۱۰۶» کسی که برای حج تمتع اجیر شده می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا سعی**

یا ذبح یا عمره مفرده بعد از اعمال حج؛ چنانکه می تواند برای خودش عمره مفرده و یا طواف بجا

آورد. همچنین می تواند به نیابت دیگران به طور مجانی طواف یا عمره مفرده بجا آورد.

**«مسأله ۱۰۷» کسی که مستطیع نیست و از راه دور به نیابت دیگری به حج می رود**

بنابر احتیاط پس از انجام نیابت، در صورت تمکن یک عمره مفرده برای خودش بجا آورد؛ و خوب است در حد توان این احتیاط رعایت شود، ولی بنابر اقوی واجب نیست.

**«مسأله ۱۰۸» یک نفر نمی تواند در یک سال برای دو نفر یا چند نفر نایب شود؛**

ولی می تواند از طرف دو نفر برای دو سال

---

(۱) - «اجره المسمی» اجرتی است که طرفین در عقد اجاره تعیین کرده اند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۲

مختلف نایب شود، و یا از طرف یک نفر نایب شود که خودش حج او را بجا آورد و از طرف دیگری نایب شود که برایش یک حج بجا آورده شود هر چند به وسیله نایب گرفتن باشد.

**«مسأله ۱۰۹» اگر کسی اجیر شود که در سال معینی برای میت حج بجا آورد**

جایز نیست تأخیر بیندازد؛ و اگر تأخیر انداخت و در سالهای بعد حج را بجا آورد ذمه میت از حج بری شده است ولی اجیر مستحق اجرت نیست، مگر اینکه مستأجر به تأخیر رضایت دهد.

**«مسأله ۱۱۰» اگر اجیر شود تا برای کسی حج بجا آورد و تصادفاً مریض و ناتوان گردد**

یا راه بسته شود، پس اگر اجازه او مقید به همان سال اول بوده اجازه باطل می شود و باید اجرت را پس دهد؛ و اگر مقید به همان سال نبوده حج به عهده اوست و باید در سالهای بعد انجام دهد.

**«مسأله ۱۱۱» اگر کسی برای حج به مبلغ معینی اجیر شود و آن مبلغ کفاف حج را ندهد،**

کمبود آن به عهده خود اجیر است؛ چنانکه اگر زیاد آید باقیمانده مال خود اجیر می باشد.

**«مسأله ۱۱۲» اگر کسی اجیر شود خودش به نیابت دیگری حج بجا آورد،**

نمی تواند دیگری را نایب بگیرد، مگر با اجازه مستأجر.

### «مسأله ۱۱۳» اگر کسی اجیر شود برای دیگری در سال معینی حج بجا آورد

و پیش از انجام آن خودش مستطیع شود، پس اگر استطاعت او از ناحیه اجرت حج باشد حکم آن در مسأله «۲۹» گذشت؛ ولی اگر از راه دیگری از هر جهت مستطیع شود بنابر احتیاط با تراضی با طرف اجاره را به هم بزند و حج خودش را انجام دهد.

### «مسأله ۱۱۴» اجیر باید اعمال حج را مطابق وظیفه خودش که از راه اجتهاد یا تقلید صحیح احراز کرده انجام دهد.

ولی اگر

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۳

علاوه بر واجبات و شرایطی که احراز کرده اعمال مخصوصی را که مطابق با احتیاط یا مطابق نظر منوب عنه است در ضمن عقد اجاره به عهده او گذاشته اند باید آنها را نیز انجام دهد.

### «مسأله ۱۱۵» در حج مستحب جایز است چند نفر در یک سال به نیابت یک نفر حج بجا آورند؛

چه به نحو اجاره باشد یا جعاله «۱» یا شرط در ضمن عقد لازم و یا به طور مجانی. همچنین است در حج واجب و مستحب؛ مثلاً یک نفر نایب او شود در حجّه الاسلام و دیگری در حج مستحب. حتی در حج واجب اگر متعدد باشد، مثل حجّه الاسلام و حج نذری. بلکه در حجّه الاسلام نیز اجیر کردن چند نفر برای یک نفر در یک سال، اگر به منظور احتیاط باشد مانعی ندارد.

### فصل پنجم: حج استحبابی

### «مسأله ۱۱۶» مستحب است کسانی که شرایط وجوب حج را ندارند در صورت امکان به حج بروند.

همچنین کسانی که حج واجب خودشان را بجا آورده اند مستحب است دوباره به حج بروند. و مستحب است شخص متمکن هر ساله به حج برود؛ بلکه مکروه است که پنج سال متوالی آن را ترک نماید.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند: «حج و عمره، فقر و گناهان را برطرف می کنند همان گونه که کوره آتش، زنگار را از آهن می زداید.» و فرمودند: «اگر به وزن کوه ابی قیس طلای قرمز

---

(۱) - معنای «جعاله» در پاورقی مسأله «۹۷» گذشت.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۴



در راه خدا بدهی، ثواب حج را نخواهی یافت؛ و ثواب یک درهم در راه حج معادل ثواب دو هزار هزار (دو میلیون) درهم در راه خدا می باشد.» و از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «کسی که پنج بار به حج برود، خداوند هیچ گاه او را عذاب نمی کند.» و فرمودند: «اگر بر شخص متمکن پنج سال بگذرد و او بر پروردگار خود وارد نشود او قطعاً محروم خواهد بود.»

#### «مسأله ۱۱۷» مستحب است انسان هنگام خارج شدن از مکه معظمه نیت برگشتن کند؛

و مکروه است که قصد برگشتن به مکه را نداشته باشد.

#### «مسأله ۱۱۸» مستحب است کسی که هزینه سفر حج را ندارد قرض کند و به حج برود،

در صورتی که در آینده بتواند قرض خود را بپردازد.

#### «مسأله ۱۱۹» کسی که تمکن ندارد از مال خودش به حج برود،

مستحب است گر چه به نیابت دیگری باشد به حج برود.

#### «مسأله ۱۲۰» مستحب است انسان کسی را که تمکن از حج ندارد

به حج بفرستد.

#### «مسأله ۱۲۱» مستحب است انسان به نیابت از ائمه معصومین علیهم السلام و همچنین به نیابت پدر و مادر و خویشان و برادران و خواهران دینی خود

در صورتی که غائب یا معذور باشند حج بجا آورد یا طواف کند، و یا پس از انجام عمل، ثواب آنها را به آنان اهدا نماید.

#### «مسأله ۱۲۲» زن شوهردار یا زنی که در عده رجعی «۱» است

---

(۱) - «عده رجعی» عده طلاقی است که شوهر می تواند در آن از طلاق صرف نظر نموده رجوع کند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۵

جایز نیست به حج مستحبی برود، مگر به اذن شوهر؛ ولی در زنی که در عده بائن «۱» یا عده وفات «۲» است اذن شرط نیست.

### «مسأله ۱۲۳» عمره نیز مانند حج گاهی واجب است و گاهی مستحب؛

و بر دو قسم می باشد: یا «عمره مفرده» است و یا «عمره تمتع» که پیش از حج تمتع و متصل به آن می باشد.

### «مسأله ۱۲۴» عمره نیز مانند حج

بر کسی که شرایط وجوب آن و از جمله استطاعت آن را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می شود؛ و وجوب آن نیز مانند وجوب حج فوری است؛ و در وجوب آن «استطاعت عمره» معتبر است نه «استطاعت حج»، چنانکه در وجوب حج نیز «استطاعت حج» معتبر است نه «استطاعت عمره».

و ممکن است کسی استطاعت یک کدام را داشته باشد؛ ولی چون وظیفه کسانی که از مکه معظمه دور هستند عمره و حج تمتع است و این دو به یکدیگر وابسته و متصل می باشند، پس قهراً استطاعت آنها غالباً از یکدیگر جدا نیست. و اگر کسی از آنان استطاعت عمره مفرده را به تنهایی پیدا کند- مانند کسانی که به نیابت دیگران به حج می روند- بنابر اقوی چنانکه در مسأله «۱۰۷» گذشت لازم نیست برای خودش عمره مفرده بجا آورد؛ هر چند

---

(۱)- «عده بائن» عده طلاق است که شوهر در آن حق رجوع ندارد.

(۲)- «عده وفات» عده زن است پس از مرگ شوهر.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۶

مطابق احتیاط است و خوب است تا جایی که ممکن است ترک نشود. ولی کسی که برای خودش عمره و حج تمتع بجا آورد، قطعاً عمره مفرده بر او واجب نیست.

### «مسأله ۱۲۵» واجب است بر کسی که می خواهد وارد مکه شود با احرام حج یا احرام عمره وارد شود.

و اگر وقت حج نیست و می خواهد وارد شود واجب است با احرام عمره مفرده وارد شود و عمره بجا آورد؛ مگر کسانی که بر اساس شغلشان زیاد خارج و وارد می شوند؛ مانند چوپانان، مأموران راه، رانندگان و وارد کنندگان مواد غذایی و اشیای مورد نیاز مردم که دائماً در رفت و آمد می باشند، و همچنین بیمارانی که قادر به اعمال عمره حتی

اضطراری آن نیستند، و یا کسانی که قبلاً در همین ماه با احرام به مکه وارد شده و اعمال حج یا عمره را بجا آورده اند. و بر این اساس مدیران کاروانهای حج و عمره و کارمندانی که هر سال به مکه مشرف می شوند در صورتی که حج واجب خود را در سالهای پیش انجام داده باشند جایز است در وقت حج یک عمره مفرده بجا آورند و پس از آن برای رسیدگی به کار حجاج در آن ماه بدون احرام به مکه و منی و عرفات رفت و آمد کنند.

### «مسأله ۱۲۶» عمره و حج همان گونه که به استطاعت واجب می شوند به نذر و عهد و قسم

و اجیر شدن و مانند اینها نیز واجب می شوند.

### «مسأله ۱۲۷» تکرار عمره نیز مانند حج، مستحب مؤکد است؛

و مستحب است در هر ماه یک عمره مفرده بجا آورده شود.

و در معتبر بودن فاصله زمانی بین دو عمره و مقدار آن بین فقهای ما رضوان الله علیهم اختلاف است؛ و مشهور بین آنان فاصله یک ماه است. و از بعضی اخبار استفاده می شود که مقصود از «ماه» در اینجا

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۷

حلول ماه هلالی است، نه مقدار یک ماه بدین معنا که در هر ماه از ماههای دوازده گانه قمری یک عمره بجا آورده شود، هر چند فاصله دو عمره کمتر از سی روز باشد. ولی بجا آوردن زیاده بر آن به قصد رجاء و امیدواری مانعی ندارد؛ مخصوصاً اگر ده روز فاصله باشد. و آنچه یقینی است از اعتبار فاصله بین عمره ها- اگر معتبر باشد- فاصله بین دو عمره است برای خود شخص؛ پس بجا آوردن چند عمره در یک ماه به قصد اشخاص مختلف که یکی را به قصد خود و بقیه را به نیابت دیگران یا همه را به نیابت دیگران انجام دهد ظاهراً مانعی ندارد.

### «مسأله ۱۲۸» عمره مفرده با عمره تمتع در بیشتر اعمال مساویند؛

پس واجبات عمره اجمالاً عبارت است از:

۱- نیت

۲- احرام از «میقات» یا «ادنی الحل» «۱» به تفصیلی که می آید.

۳- طواف خانه خدا

۴- دو رکعت نماز طواف

۵- سعی بین صفا و مروه

۶- «تقصیر» یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن، یا «حلق» یعنی تراشیدن سر؛ و تفصیل و شرایط این اعمال بعداً می آید.

### «مسأله ۱۲۹» عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد:

اول: اینکه در عمره مفرده طواف نساء نیز واجب است و باید بعد از تقصیر یا حلق بجا آورده شود. ولی در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست.

دوم: عمره تمتع فقط در ماههای حج - یعنی شوال و ذیقعده و

---

(۱) - معنای «ادنی الحلق» در ذیل مسأله «۱۵۵» آمده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۸

ذیحجه - واقع می شود؛ ولی عمره مفرده در همه ماهها صحیح است، و بهترین وقت آن ماه رجب است.

سوم: بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع تنها با تقصیر کردن محقق می شود، و تراشیدن سر جایز نیست؛ ولی در عمره مفرده بین تقصیر و تراشیدن سر مخیر می باشد.

چهارم: اینکه عمره و حج تمتع باید متصل به یکدیگر و در یک سال واقع شوند؛ ولی عمره مفرده ممکن است از حج افراد یا حج قران جدا شود و در سال بعد انجام شود، یا اگر استطاعت آن را ندارد اصلاً انجام نشود.

پنجم: اینکه در عمره مفرده اگر پیش از سعی عمدتاً با زن نزدیکی کند عمره او باطل می شود و علاوه بر کفاره باید تا ماه بعد در مکه بماند و به میقات برود و عمره را اعاده نماید؛ ولی بطلان عمره تمتع با نزدیکی با زن محل خلاف و اشکال است، چنانکه تفصیل آن در مبحث محرّمات

احرام می آید.

## فصل هفتم: اقسام حج

### «مسأله ۱۲۰» حج بر سه قسم است:

اول- حج تمتع. دوم- حج افراد. سوم- حج قران.

«حج تمتع» معمولاً وظیفه کسی است که فاصله وطنش تا مکه معظمه چهل و هشت میل یعنی شانزده فرسخ یا بیشتر باشد.

«حج افراد» یا «حج قران» وظیفه کسی است که اهل خود مکه یا اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ باشد. البته بسا وظیفه افراد بیمار یا معذور تبدیل می شود، چنانکه شرح آن می آید؛ ولی در حال

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۶۹

اختیار و بدون عذر اگر بر خلاف وظیفه عمل شود کافی نیست.

و اگر کسی هم در مکه منزل دارد و هم در عراق مثلاً، میزان منزل غالب اوست که بیشتر در آنجا سکونت دارد.

و هر سه قسم حج در بیشتر اعمال مشترک هستند؛ ولی در حج تمتع عمره پیش از حج و وابسته به حج و همچون جزء آن می باشد که باید اول عمره و بعد حج به ترتیب در یک سال در ماههای حج بجا آورده شوند؛ ولی در حج افراد و حج قران، عمره کاملاً از حج جداست و هر کدام عمل مستقل می باشد.

در حج تمتع در روز عید قربان در منی قربانی واجب است و از اعمال آن می باشد و هر کس متمکن نباشد باید به جای آن روزه بگیرد؛ و در حج قران قربانی از ابتدا مقرون با احرام است و باید تا روز عید در منی همراه باشد؛ ولی در حج افراد اصلاً قربانی واجب نیست.

### «مسأله ۱۳۱» آنچه در مسأله پیش گفته شد مربوط به حجاً لاسلام است؛

اما در حج استحبابی- همه افراد چه اهل مکه و اطراف آن، و چه اهالی شهرهای دور- بین اقسام سه گانه حج مخیرند، هر چند حج تمتع افضل است. و در

حجی که به واسطه نذر و مانند آن یا به اجاره واجب شده است، ملاک کیفیت نذر و اجاره است. و حجی که به سبب فاسد کردن حج سابق واجب شده باید مطابق حج سابق فاسد شده انجام شود.

### «مسأله ۱۳۲» کسی که از شهرهای دور بوده و به مکه معظمه آمده

و در آنجا مجاور شده ولی قصد ماندن دائم ندارد پس تا دو سال وظیفه او حج تمتع است، و بعد از دو سال - بنا بر مشهور - اگر اقامتش در مکه بعد از استطاعت و وجوب حج بوده باید حج تمتع بجا آورد؛ همچنین است اگر پیش از اقامت دو سال در مکه استطاعت پیدا کرد و می توانست پیش از گذشتن دو سال آن را

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۰

بجا آورد. ولی احوط جمع بین دو وظیفه است بدین گونه که عمل را به قصد آنچه بر عهده اوست از تمتع و افراد انجام دهد. اما اگر بعد از اقامت دو سال در مکه مستطیع شد باید حج افراد یا حج قران بجا آورد. و اگر کسی از شهرهای دور به مکه آمده و در آنجا مستطیع شده و قصد ماندن کرده و در آنجا به قدری مانده که می گویند مکه وطن او شده، وظیفه چنین شخصی حج افراد یا قران است؛ هر چند دو سال هم نمانده باشد؛ چنانکه اهل مکه اگر در شهرهای دور از مکه ساکن و متوطن شوند و در آنجا مستطیع شوند پس از صدق وطن وظیفه آنان به حج تمتع تبدیل می شود.

### «مسأله ۱۳۳» شخص مجاور مکه معظمه که تصمیم برگشت به وطن را داشته باشد،

در استطاعت او مخارج رفتن به مکه معتبر نیست؛ ولی باید مخارج حج و برگشتن به وطن را داشته باشد؛ پس واجب نیست پول برگشتن را به مصرف حج برساند.

### «مسأله ۱۳۴» کسی که مجاور مکه معظمه شده ولی هنوز وظیفه اش به حج افراد و قران تبدیل نشده،

بنا بر احتیاط باید برای احرام عمره تمتع به میقات شهر خود یا به یکی از میقاتهای پنجگانه دیگر برود و از آنجا محرم شود. و اگر اهل مکه معظمه بخواهند حج تمتع استحبابی یا نذری یا اجاره ای انجام دهند بنا بر احتیاط به یکی از میقاتهای پنجگانه بروند، و در ادنی الحلّ تجدید نیت کنند و لُبیک را بگویند. و تفصیل میقاتها به زودی می آید.

### فصل هشتم: صورت حج تمتع به نحو اجمال

### «مسأله ۱۳۵» حج تمتع مرکب است از دو عمل عبادی

که یکی «عمره تمتع» و دیگری «حج تمتع» است؛ و عمره بر حج مقدم

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۱

است و هر دو باید در یک سال در ماههای حج، یعنی شوال و ذیقعدہ و ذیحجه انجام شوند.

---

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

احکام و مناسک حج (منتظری)؛ ص: ۷۱

### «مسأله ۱۳۶» در عمره تمتع شش چیز واجب است:

اول: نیت

دوم: احرام از یکی از میقاتها به تفصیلی که می آید.

سوم: طواف دور خانه خدا

چهارم: دو رکعت نماز طواف

پنجم: سعی، یعنی رفت و آمد بین صفا و مروه که نام دو کوه کوچک در کنار مسجدالحرام است.

ششم: تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن؛ و به وسیله تقصیر، محرم از احرام خارج می شود و آنچه به سبب احرام بر او حرام شده بود حلال می شود؛ و با نزدیک شدن روز عرفه باید خود را برای اعمال حج تمتع آماده و مهیا سازد.

### «مسأله ۱۳۷» در حج تمتع چهارده چیز واجب است:

اول: نیت

دوم: احرام از مکه معظمه

سوم: وقوف به عرفات بعد از ظهر روز عرفه (نهم ذیحجه)

چهارم: وقوف در مشعر یعنی مزدلفه، از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب؛ و بنابر احتیاط شب دهم را در مشعر به سر برد.

پنجم: ریگ زدن به جمره عقبه «۱» در منی در روز عید قربان.

ششم: قربانی در منی در روز عید.

هفتم: تراشیدن سر، یا کم کردن مو یا ناخن در منی به تفصیلی

---

(۱) - «جمرة عقبه» یعنی ستون آخر که اکنون طول آن به حدود ۳۲ متر و عرض ۵ متر افزایش یافته است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۲

که می آید؛ و با این عمل آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بود حلال می شود، غیر از بوی خوش و زن و شکار.

هشتم: طواف خانه خدا

نهم: دو رکعت نماز طواف

دهم: سعی بین صفا و مروه؛ و با این عمل بوی خوش نیز حلال می شود.

یازدهم: طواف نساء

دوازدهم: نماز طواف نساء؛ و با این عمل زن نیز حلال می شود، اما شکار تا در حرم است حرمت



آن باقی است.

سیزدهم: بیتوته، یعنی ماندن شب در منی، در شبهای یازدهم و دوازدهم بلکه سیزدهم نیز در بعضی صور.  
چهاردهم: ریگ زدن به جمره های سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم بلکه سیزدهم در بعضی صور.

### فصل نهم: شرایط حج تمتع

#### «مسأله ۱۳۸» در حج تمتع چند شرط معتبر است:

اول: اینکه نیت عمره و حج تمتع کند؛ پس اگر نیت حج دیگری کند یا در نیت تردید داشته باشد کافی نیست.

دوم: اینکه عمره و حج هر دو باهم در ماههای حج یعنی شوال و ذیقعد و ذیحجه واقع شوند.

سوم: اینکه عمره و حج هر دو در یک سال واقع شوند. پس اگر عمره را بجا آورد و حج را برای سال بعد تأخیر اندازد، حج تمتع او صحیح نیست؛ چه در مکه بماند یا از آن خارج شود، و چه در احرام

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۳

عمره بماند یا از آن بیرون رود.

چهارم: اینکه احرام حج در حال توجه و اختیار از خود مکه باشد؛ و از هر جای مکه قدیم باشد کافی است؛ ولی بهتر است از مسجدالحرام باشد؛ و بهترین مکان آن مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام است. پس اگر در حال اختیار از غیر مکه احرام ببندد احرام او باطل است و باید به مکه برگردد و از آنجا احرام ببندد؛ و چون مکه توسعه پیدا کرده بنا بر احتیاط هر چه نزدیکتر به مسجدالحرام احرام ببندد تا احرام در مکه سابق واقع شود؛ ولی اگر احرام از مکه ممکن نباشد از هر جا که ممکن است باید محرم شود.

#### «مسأله ۱۳۹» لازم نیست انسان اعمال حج و عمره را پیش از احرام یاد گرفته باشد.

پس کافی است که در وقت احرام، عمره تمتع یا حج تمتع را قربهً إلى الله نیت کند و کیفیت و تفصیل هر یک از آنها را در وقت عمل از روی مناسک یا به تعلیم دیگران یاد بگیرد و عمل نماید؛ هر چند یاد گرفتن آنها پیش از احرام بهتر و احوط است.

#### «مسأله ۱۴۰» پس از انجام عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب باید انسان در مکه بماند

و خود را گرو حج بدانند. و اگر برای کاری ناچار است از مکه خارج شود به قصد احرام حج احرام ببندد و با احرام حج از مکه خارج شود به گونه ای که منجر به فوت حج نشود؛ و پس از فراغت از کار خود با همان احرام به عرفات برود.

و اگر بیرون رفتن از مکه برای او ضرورت دارد و احرام در آن حال موجب حرج و مشقت است مانعی ندارد بدون احرام خارج شود.

و چنانچه به هر جهت بدون احرام از مکه خارج شد پس اگر در همان ماهی که عمره تمتع را بجا آورده به مکه برمی گردد، بدون احرام باز گردد و در وقت حج از مکه احرام ببندد؛ و اگر یک ماه در

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۴

خارج می ماند در این صورت به میقات برود و به قصد عمره تمتع احرام ببندد و عمره تمتع را دوباره بجا آورد. همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر در خارج کمتر از یک ماه می ماند ولی در همان ماهی که عمره تمتع را بجا آورده بر نمی گردد؛ و در این صورت بنا بر احتیاط یک طواف نساء نیز بجا آورد.

**«مسأله ۱۴۱» همان طور که شخص متمتع «۱» پس از انجام عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه خارج شود،**

در بین عمره تمتع نیز بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه خارج شود. ولی اگر منزل او در اطراف و نواحی نزدیک مکه است به گونه ای که عرفاً جزو مکه محسوب می شود، بعد از عمره یا در بین آن مانعی ندارد به منزل خود برود.

**«مسأله ۱۴۲» کسی که وظیفه اش حج تمتع است در حال اختیار و وسعت وقت نمی تواند به حج افراد یا به حج قران عدول نماید.**

ولی اگر پس از احرام برای عمره تمتع احساس کرد که وقت عمره تنگ شده به گونه ای که اگر بخواهد اعمال عمره را بجا آورد از وقوف به عرفات که اولین رکن حج است باز می ماند، در این صورت نیت عمره خود را به نیت حج افراد تبدیل کند و خوب است احرام را نیز تجدید نماید و پس از اتمام حج افراد یک عمره مفرده بجا آورد؛ و در این صورت حج تمتع از عهده او ساقط می گردد.

و اگر پیش از احرام به قصد عمره تمتع احساس کرد که وقت تنگ شده بنا بر احتیاط به قصد احرام حج افراد احرام ببندد و عمره مفرده را نیز بجا آورد؛ ولی اکتفا به آن محل اشکال است. پس اگر

---

(۱) - «متمتع» شخصی است که در حال انجام حج تمتع و عمره تمتع است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۵

استطاعت او باقی ماند یا اینکه از سابق حج بر او واجب و ثابت شده بنا بر احتیاط واجب در سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

همچنین اگر در وسعت وقت به قصد احرام عمره تمتع احرام ببندد ولی عمداً اعمال عمره را تأخیر اندازد تا اینکه وقت تنگ

شود به نحوی که انجام عمره موجب فوت حج می شود، در این صورت نیز بنا بر احتیاط به حج افراد عدول کند و بنا بر احتیاط احرام را

نیز تجدید نماید؛ ولی اکتفا به آن محل اشکال است.

### «مسأله ۱۴۳» اگر زن در حال احرام در میقات حائض یا نفساء باشد

و اطمینان دارد برای طواف پاک می شود، در همان حال به قصد احرام عمره تمتع احرام ببندد ولی صبر کند؛ پس اگر پیش از احرام حج پاک شد عمره تمتع را انجام دهد؛ و اگر پاک نشد و احساس کرد وقت تنگ شده و اگر بماند از وقوف به عرفات باز می ماند، در این صورت نیت خود را به نیت حج افراد تبدیل کند و پس از فراغت از حج یک عمره مفرده بجا آورد. همچنین است اگر در حال احرام پاک بود ولی پیش از طواف خانه خدا خون دید؛ و اگر بعد از طواف خون دید به همان حال سعی و تقصیر را بجا آورد و عمره او صحیح است؛ و می تواند به همان حال به قصد احرام حج محرم شود.

### «مسأله ۱۴۴» اگر زن در حال احرام در میقات حائض یا نفساء است و نمی داند برای طواف عمره پاک می شود یا نه

و یا اطمینان دارد پاک نمی شود، بنا بر احتیاط احرام ببندد به قصد آنچه وظیفه اوست از عمره تمتع یا حج افراد. پس اگر پیش از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد عمره تمتع را بجا آورد و بعد احرام حج ببندد؛ و اگر پاک نشد با همان احرام حج افراد بجا آورد و بعد از آن یک عمره مفرده انجام دهد و حج او صحیح است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۶

### فصل دهم: صورت حج افراد و حج قران

### «مسأله ۱۴۵» حج افراد عملی است مستقل و جدا از عمره

و بر کسی واجب می شود که اهل مکه یا اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ باشد. همچنین است بر کسی که وقت او از عمره تمتع تنگ شده، و بر زن حائض و نفساء که نمی توانند عمره و حج تمتع را انجام دهند؛ چنانکه در مسأله «۱۴۳» گذشت. و واجب است بر کسی که می تواند و استطاعت آن را دارد، علاوه بر حج افراد و یا قران یک عمره مفرده نیز بجا آورد.

### «مسأله ۱۴۶» حج افراد در صورت و اعمال مانند حج تمتع است؛ فقط چند فرق دارد:

اول: اینکه حج افراد از عمره جداست و شرط نیست هر دو در یک سال و متصل به یکدیگر انجام شوند؛ ولی حج تمتع بعد از عمره تمتع و متصل به آن می باشد و در حقیقت حکم یک عمل را دارند.

دوم: در حج افراد قربانی واجب نیست؛ ولی در حج تمتع قربانی واجب و جزو آن می باشد.

سوم: در حج افراد و همچنین در حج قران جایز است در حال اختیار طواف حج و سعی را بر وقوف به عرفات مقدم بدانند؛ ولی در حج تمتع مقدم داشتن آنها محل اشکال است، مگر اینکه مضطر و ناچار باشند؛ مانند زنی که می ترسد بعداً حائض شود و نتواند طواف کند، یا مریض یا پیرمردی که می ترسد بعداً نتواند طواف یا سعی را انجام دهد، و همچنین کسی که به

جهتی از جهات می ترسد بعداً وارد مکه شود؛ پس این اشخاص طواف و سعی را بر وقوف به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۷

عرفات مقدم می دارند. و بنابر احتیاط واجب در هیچ کدام از اقسام حج طواف نساء را جلوتر بجا نیاورند؛ مگر اینکه اضطرار  
قطعی ایجاب کند که آن را مقدم

بدارند. و هر جا طواف را پیش از وقوف به عرفات انجام دادند بنا بر احتیاط پس از نماز طواف «لَبَّيْكَ» را تجدید نمایند.

چهارم: محل احرام برای حج افراد یا حج قران یکی از میقاتهاست به تفصیلی که می آید؛ «۱» ولی محل احرام برای حج تمتع مکه معظمه است.

پنجم: بنا بر احتیاط در حج افراد و قران، عمره بعد از حج واقع می شود؛ ولی در حج تمتع، عمره باید پیش از حج و متصل به آن واقع شود.

ششم: در حج افراد و قران بجا آوردن طواف مستحب پس از احرام مانعی ندارد؛ ولی در حج تمتع احتیاط در ترک است. و هر جا طواف مستحب را بجا آوردند بنا بر احتیاط پس از آن لبیک را تجدید نمایند.

### «مسأله ۱۴۷» حج قران که آن هم مثل حج افراد وظیفه اهل مکه

و اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ می باشد، در صورت و اعمال، مانند حج افراد است، و فقط در حج قران باید در حال احرام و پس از آن قربانی همراه و مقارن باشد تا در منی ذبح شود؛ ولی در حج افراد قربانی واجب نیست. و در حج قران احرام ممکن است با لبیک گفتن محقق شود و ممکن است با إشعار یا تقلید قربانی محقق شود، ولی بنا بر احتیاط واجب در این صورت نیز لبیک گفته شود. و إشعار مخصوص به شتر است؛ و تقلید در همه قربانیها جاری است. و در شتر جمع بین إشعار و تقلید مستحب است.

---

(۱) - در ابتدای فصل یازدهم آمده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۸

و «إشعار» عبارت است از اینکه کوهان شتر از طرف راست مجروح گردد و به خون آغشته شود؛ و «تقلید» این است که حاجی، نعلین «۱» (یا

کفش) کهنه ای را که در آن نماز خوانده به گردن حیوان آویزان کند.

و چون وظیفه مردم شهرهای دور معمولاً حج تمتع است ما از توضیح بیشتر نسبت به خصوصیات حج افراد و حج قران صرف نظر می کنیم.

## فصل یازدهم: میقاتهای احرام

### اشاره

برای احرام جاهای مخصوصی تعیین شده که به آنها «میقات» گفته می شود، و باید احرام از یکی از آن مکانها بسته شود؛ و مجموع آنچه در این مقام گفته و تعیین شده یازده مکان است:

### اول: «مسجد شجره» است

### اشاره

که در مکانی بنام «ذی الحلیفه» در نزدیکی مدینه منوره در سر راه مکه واقع شده است. و آن میقات اهل مدینه و هر کسی است که خواسته باشد از راه مدینه منوره به عمره یا حج برود.

### «مسألة ۱۴۸» بنا بر احتیاط واجب از خود مسجد و در داخل آن احرام ببندند

نه در خارج آن، و بهتر است در قسمت قدیمی مسجد احرام ببندند.

### «مسألة ۱۴۹» جایز نیست احرام را از مسجد شجره تأخیر اندازند؛

مگر شخص مریض یا ضعیف و مانند آنان که نمی توانند

---

(۱) - نماز خواندن با نعلین عربی یا هر کفش دیگر اگر هنگام سجده نوک انگشتهای پا روی زمین قرار گیرد صحیح است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۷۹

زیاد در حال احرام بمانند، که در این صورت جایز است احرام را تأخیر اندازند و از «جحفه» که در راه آنان به مکه واقع شده محرم شوند.

### «مسأله ۱۵۰» جنب و حائض می توانند در حال عبور از مسجد شجره احرام ببندند

و نباید در مسجد توقف کنند. پس می توانند در خارج مسجد لباس احرام را بپوشند و در حال عبور از مسجد نیت کرده و لَبِیک بگویند.

### «مسأله ۱۵۱» اگر جنب در اثر کثرت جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد

و غسل هم میسر نیست و نمی تواند صبر کند تا مقدمات غسل فراهم شود، در این صورت بنا بر احتیاط واجب تیمم کند و داخل مسجد شود و در آنجا احرام ببندد.

### «مسأله ۱۵۲» اگر زن حائض نتواند در حال عبور از مسجد شجره احرام ببندد

و نتواند صبر کند تا پاک گردد بنا بر احتیاط در کنار مسجد و بیرون از آن احرام ببندد و در جحفه احرام را تجدید نماید. چنانکه می تواند با نذر، خود را ملزم کند که در خود مدینه احرام ببندد و بدون عبور از میقات به مکه برود؛ ولی نذر زن شوهر دار بدون اذن شوهر محل اشکال است.

#### دوم: «جحفه» است؛

و آن میقات اهل شام و مصر و مغرب می باشد؛ و همچنین میقات هر کسی است که از آنجا عبور کند و در مسجد شجره احرام نبسته باشد.

#### سوم: «وادی عقیق» است؛

#### اشاره

و آن میقات اهل نجد و عراق و مشرق و هر کسی که از آنجا عبور کند می باشد. و جزء اول آن «مسلخ» و وسط آن «غمره» و آخر آن «ذات عرق» نامیده می شود.

### «مسأله ۱۵۳» افضل احرام از مسلخ است

و پس از آن غمره؛ و بنا بر احتیاط تا ذات عرق تأخیر نیندازند؛ بلکه پیش از رسیدن به آن احرام ببندند، مگر در حال ضرورت یا تقیّه.



#### چهارم: «یَلْمَم» است

که نام کوهی است در جنوب مکه؛ و آن میقات اهل یمن است و هر کسی که از آنجا عبور کند.

#### پنجم: «قَرْنِ الْمَنَازِل» است؛

و آن میقات اهل طائف است و هر کس که از آنجا عبور کند.

#### ششم: منزل خود شخص است؛

و آن میقات کسی است که منزلش بعد از میقات و بین میقات و مکه واقع شده است. پس چنین کسی می تواند از منزل و محل خودش به قصد احرام عمره یا حج احرام ببندد، و لازم نیست به میقات برود؛ هر چند رفتن به میقات هم مانعی ندارد، بلکه بهتر است.

#### هفتم: «مکة معظمه» است؛

#### اشاره

و آن میقات حج تمتع است که پس از اتمام عمره تمتع از خود مکه به قصد احرام حج احرام می بندند و به عرفات می روند.

#### «مسألة ۱۵۴» احرام حج تمتع در هر جای مکه قدیم واقع شود کافی است؛

ولی افضل «مسجدالحرام» است؛ و بهترین مکان «مقام ابراهیم علیه السلام» یا «حجر اسماعیل علیه السلام» است. و چون شهر مکه توسعه پیدا کرده، بنا بر احتیاط هر چه نزدیکتر به مسجدالحرام احرام ببندد تا مطمئن شود احرام در حدود مکه در صدر اسلام واقع شده، و این احتیاط ترک نشود.

#### هشتم: «جعرا نه» است؛

#### اشاره

و آن مکانی است خارج از حرم، و بنا بر احتیاط محل احرام اهل مکه است برای حج افراد یا قران؛ هر چند بنا بر مشهور جایز است از خود مکه و از منزل خود محرم شوند.

## «مسأله ۱۵۵» در حکم اهل مکه است کسی که دو سال یا بیشتر مجاور مکه معظمه شده است؛

هر چند قصد سکونت دائم نکرده باشد. ولی اگر کمتر از دو سال مانده باشد وظیفه او حج تمتع است مگر اینکه مکه وطن او شده باشد؛ و بنابر احتیاط واجب باید

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۸۱

برای احرام عمره به میقات بلد خود یا به یکی از میقاتهای پنجگانه دیگر برود، و برای احرام حج از مکه احرام ببندد؛ چنانکه تفصیل آن گذشت. و کسانی که از شهرهای دور به قصد حج قران یا حج افراد می آیند، میقات آنان یکی از میقاتهای پنجگانه نخست است.

**نهم: «ادنی الحل» است،**

### اشاره

یعنی نزدیکترین منطقه خارج از حرم به حرم؛ و آن میقات عمره مفرده کسانی است که در مکه تصمیم به انجام آن می گیرند.

## «مسأله ۱۵۶» همه کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره مفرده بجا آورند میقات آنان ادنی الحل است.

پس باید به خارج حرم بروند و از آنجا احرام ببندند؛ و بهتر است برای احرام به «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» بروند؛ و از همه نزدیکتر به مسجدالحرام تنعیم است. و اما کسانی که از شهرهای دور به قصد عمره حرکت می کنند و به یکی از میقاتها بر می خورند، پس باید برای عمره مفرده و همچنین برای عمره تمتع از یکی از میقاتها احرام ببندند.

**دهم: «فح» است؛**

و آن مکانی است در کنار مکه معظمه. و آن بنابر قولی محل احرام بچه های نابالغ است. یعنی جایز است احرام آنان را تا فح تأخیر اندازند. ولی بنابر قول دیگر محل احرام آنان نیز یکی از میقاتهاست و فقط تبدیل لباس دوخته آنان به لباس احرام جایز است در فح انجام شود؛ و احوط رعایت این قول است.

**یازدهم: محاذات یکی از میقاتهای پنجگانه نخست است،**

بنابر قول جمعی از فقها رضوان الله علیهم که فرموده اند اگر کسی از راهی به مکه می رود که به یکی از میقاتهای پنجگانه بر نمی خورد، باید محاذی میقاتی که به راه او نزدیکتر است احرام ببندد؛ و اگر در راه، محاذی با چند میقات می شود بنابر احتیاط محاذی اولین میقات

احرام ببندد. ولی به نظر اینجانب ثبوت این حکم با این اطلاق و کلیت خالی از اشکال نیست؛ چنانکه احراز محاذات نیز غالباً مواجه با اشکال است. پس بنابر احتیاط حجّاج محترم سعی کنند به یکی از میقاتهای پنجگانه بروند و از آنجا احرام ببندند.

### فصل دوازدهم: احکام میقاتها

#### «مسأله ۱۵۷» میقات یا به علم ثابت می شود و بابه شهادت دو مرد عادل

و یا به شهرت در محل و شهادت اهل اطلاع به نحوی که اطمینان و وثوق حاصل شود.

#### «مسأله ۱۵۸» احرام پیش از میقات جایز نیست؛

و اگر پیش از میقات احرام ببندد اعتبار ندارد هر چند از میقات عبور کند؛ بلکه باید در میقات احرام را تجدید نماید.

البته از این حکم دو صورت استثناء شده است:

اول: اینکه کسی نذر کند از مکان معینی پیش از میقات- مثلاً از قم یا مشهد- احرام ببندد که در این صورت عمل به نذر واجب است و احرام او صحیح می باشد؛ و لازم نیست به میقات برود یا در میقات تجدید نماید.

دوم: اینکه کسی بخواهد عمره ماه رجب را که مستحب مؤکّد است درک نماید و اگر بخواهد تا میقات صبر کند ماه رجب تمام می شود؛ پس در این صورت می تواند پیش از میقات احرام ببندد تا احرام او در رجب واقع شود و ثواب عمره ماه رجب را دریابد.

و سرایت دادن این حکم به عمره ماههای دیگر خالی از اشکال نیست.

#### «مسأله ۱۵۹» همان گونه که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست، تأخیر آن از میقات هم جایز نیست؛

پس کسی که قصد عمره یا حج دارد نمی تواند در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور کند، هر چند میقات دیگری نیز در پیش داشته باشد؛ بلکه باید در اولین میقات احرام ببندد. و اگر از میقات بدون احرام عبور کند باید برگردد و در میقات احرام ببندد.

#### «مسأله ۱۶۰» اگر کسی که قصد عمره یا حج دارد از جهت فراموشی و غفلت

یا جهل به میقات یا ندانستن مسأله بدون احرام از میقات عبور کند، پس اگر می تواند و وقت حج تنگ نشده باید به میقات

برگردد و از آنجا احرام ببندد؛ چه در حرم داخل شده باشد یا نه.

و اگر نمی تواند به میقات برگردد یا وقت حج می گذرد، پس اگر هنوز داخل حرم نشده از همانجا احرام ببندد؛ و اگر داخل حرم شده و می تواند برای احرام به خارج حرم برگردد باید برگردد؛ و اگر نمی تواند برگردد از همانجا احرام ببندد، هر چند وارد مکه شده باشد. و در همه این صورتها بنا بر احتیاط به مقداری که می تواند به عقب برگردد و سپس احرام ببندد؛ و این احتیاط تا جایی که ممکن است ترک نشود، بخصوص نسبت به زن حائض.

### «مسأله ۱۶۱» اگر زن حائض از روی ندانستن مسأله گمان می کرد نمی تواند در حال حیض احرام ببندد

و بدون احرام از میقات عبور کرد حکم او حکم مسأله سابق است.

### «مسأله ۱۶۲» اگر کسی قصد عمره یا حج نداشت و برای کاری بدون احرام از میقات عبور کرد

و پس از انجام کار خود فهمید مستطیع بوده است یا فعلاً مستطیع شده، یا مثلاً بچه بالغ شد و تصمیم گرفت عمره و حج بجا آورد، پس اگر می تواند و وقت تنگ نیست باید برای احرام به میقات برگردد؛ و اگر نمی تواند بنا بر

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۸۴

مشهور حکمش حکم مسأله سابق است. و هر چند این حکم بعید نیست ولی اقامه دلیل بر آن خالی از اشکال نیست.

### «مسأله ۱۶۳» اگر شخص مستطیع با توجه و از روی علم و عمد بدون احرام از میقات عبور کرد،

پس اگر می تواند باید به میقات برگردد و از آنجا احرام ببندد و حج و عمره او صحیح است؛ و اگر نمی تواند به میقات برگردد، بنا بر اقوی وقت عمره و حج او گذشته است و باید در سال بعد حج بجا آورد؛ هر چند خوب است مطابق مسأله سابق عمل کند و در سال بعد نیز حج خود را اعاده نماید.

### «مسأله ۱۶۴» کسانی که در این زمانها با هواپیما به جده وارد می شوند،

چون جده میقات نیست باید سعی کنند به یکی از میقاتها بروند و از آنجا احرام ببندند. و اگر کوتاهی کنند تا وقت تنگ شود حج آنان صحیح نیست؛ ولی اگر کوتاهی نکنند و به هیچ وجه نتوانند به میقات بروند یا وقت حج تنگ شده باشد، از همانجا احرام ببندند و احتیاطاً در ادنی الحلل یعنی پیش از ورود به حرم احرام را تجدید نمایند و حج آنان صحیح است.

## باب دوم: اعمال و شرایط و آداب عمره تمتع و آداب ورود به حرم و مکه معظمه و مسجدالحرام

اشاره

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۸۷

### اشاره

واجبات، شرایط، تروک و محرمات و آداب آن چنانکه قبلاً گفته شد واجبات عمره تمتع شش چیز است:

اول- نیت عمره دوم- احرام

**در احرام سه چیز واجب است:**

### ۱- نیت

### اشاره

۲- پوشیدن لباس احرام ۳- تلبیه یعنی گفتن لبیک

**«مسأله ۱۶۵» «نیت» یعنی قصد محرم شدن برای انجام اعمال عمره یا حج**

مطابق دستور شرع مبین قربهٔ إلی الله. و لازم نیست در وقت نیت اعمال را به تفصیل بدانند، بلکه قصد اجمالی کافی است؛ سپس با مراجعه به کتاب مناسک یا پرسیدن از افراد خبره و مورد وثوق و اطمینان، یک یک اعمال را یاد می‌گیرد و عمل می‌کند.

و در نیت سه چیز معتبر است:

۱- «قصد قربت»، یعنی قصد کند اعمال را برای خدا و با خلوص نیت بجا آورد، مانند سایر عبادات؛ پس اگر قصدش ریا باشد اعمال او باطل است.

۲- اینکه نیت از اول اعمال تا آخر اجمالاً موجود و مستمر باشد.

۳- اینکه خصوصیات عمل را تعیین نماید؛ و در نیت خود مشخص کند که عمره است یا حج، عمره تمتع است یا عمره مفرده،

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۸۸

حج تمتع است یا افراد یا قران، حجّه‌الاسلام است یا مثلاً حج نذری یا نیابتی یا مستحبی.

**«مسأله ۱۶۶» در اصل نیت، گفتن به زبان یا خطوط دادن و گذراندن در دل لازم نیست؛**

بلکه مانند سایر عبادات وجود انگیزه و داعی در اعماق دل کافی است. و در تعیین خصوصیات عمل بنا بر احتیاط آنها را در دل خطور دهد و یا بر زبان جاری کند.

### «مسأله ۱۶۷» در تیت احرام معتبر نیست که تصمیم داشته باشد همه محرمات و تروک احرام را از اول تا آخر ترک کند؛

بلکه بسا شخص محرم در حال تیت به محرمات احرام توجه ندارد. پس همین اندازه که قصد عمره یا حج کند و اولین عمل آن را که گفتن لبیک است به قصد عمره یا حج انجام دهد احرام محقق می شود؛ یعنی با این کار، خود و اعضا و جوارح خود را اعتباراً در حریم مقدس خدایی وارد کرده است؛ و لزوم اجتناب از محرمات از آثار و احکام شرعی آن می باشد. و در حقیقت احرام یک امر اعتباری است که به وسیله گفتن «لبیک» محقق می شود. آری اگر در حال احرام به محرمات احرام توجه کند و تصمیم داشته باشد محرماتی را که باطل کننده عمره و حج است - مانند نزدیکی کردن با زن - انجام دهد، لازمه آن عدم تیت عمره و حج است و از این جهت احرام و عمره یا حج او باطل است. و اگر فرضاً معنای «احرام» حرام کردن محرمات احرام باشد، برگشت آن به انشاء تحریم «۱» آنهاست نه تصمیم و عزم بر اجتناب از آنها؛ و انشاء کار آسانی است.

بنابراین اگر در حال احرام مثلاً تصمیم داشته باشد بعضی از محرمات را که موجب بطلان عمره و حج نیست - مانند سوار شدن در اتومبیل سقف دار یا هواپیما - انجام دهد به احرام او ضرر نمی زند.

---

(۱) - «انشاء تحریم» یعنی حرام نمودن چیزی را بر خود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۸۹

### «مسأله ۱۶۸» احرام و دیگر اعمال عمره و حج چنانکه گذشت از عبادات است

و باید به قصد قربت و اخلاص انجام شود؛ پس اگر عمره و حج را به قصد ریا بجا آورد باطل است و باید در سال بعد آنها را اعاده کند. و اگر عمره تمتع را به قصد ریا بجا

آورد، پس اگر وقت برای اعاده آن هست آن را اعاده کند؛ و اگر وقت تنگ شده باشد بنا بر احتیاط واجب حج افراد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد نیز عمره و حج تمتع را بجا آورد. همچنین است اگر عمره و حج را به علل دیگری باطل کرده باشد.

#### «مسئله ۱۶۹» اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به سبب ریا یا غیر آن باطل کند،

در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را؛ ولی اگر محل جبران آن باقی است و آن را جبران نماید عملش صحیح می شود، هر چند به سبب ریا معصیت کرده است.

#### «مسئله ۱۷۰» اگر در اثر ندانستن مسأله یا غفلت به جای نیت عمره تمتع نیت حج تمتع کند یا برعکس،

پس اگر نظرش این بوده که همان عملی را که خداوند اینک بر او واجب کرده و دیگران هم آن را انجام می دهند بجا آورد و آن را هم بجا آورد، لکن در نامگذاری اشتباه کرده است عمل او صحیح است؛ ولی بهتر است پس از توجه نیت را تجدید نماید.

#### «مسئله ۱۷۱» اگر در اثر ندانستن مسأله یا غفلت گمان کرد حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است،

پس در میقات به قصد حج تمتع احرام بست تا به عرفات و مشعر برود و پس از اتمام حج عمره را بجا آورد، احرام او باطل است و باید در میقات احرام را تجدید نماید؛ و اگر از میقات گذشته است باید به میقات برگردد.

و اگر نمی تواند برگردد پس اگر در خارج حرم است از همانجا

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۰

احرام را تجدید نماید؛ و اگر داخل حرم شده پس اگر می تواند به خارج حرم برگردد و در خارج حرم احرام ببندد؛ و اگر نمی تواند برگردد از همانجا احرام ببندد. و در همه این صورتهای بنا بر احتیاط به مقداری که می تواند به عقب برگردد و سپس احرام ببندد.

### دوم از واجبات احرام پوشیدن دو جامه احرام است

#### اشاره

که یکی را «إزار» و دیگری را «رداء» (۱) می نامند. بدین صورت که مردان پس از کندن لباسهای دوخته شده خود، إزار را به صورت لنگک به کمر خود می بندند و رداء را مانند عبا بر دوش خود می اندازند. و بنا بر احتیاط واجب زنها نیز دو جامه احرام را بپوشند ولی لازم نیست لباسهای دوخته را بکنند؛ و جایز است دو جامه احرام آنان نیز دوخته باشد، به این صورت که شلوار را به قصد إزار بپوشند و چادر را به قصد رداء به سر بیندازند.

**«مسأله ۱۷۲» بنا بر احتیاط واجب لنگ باید به اندازه ای باشد که حداقل از ناف تا زانو را بپوشاند؛**

و رداء را باید به شکل متعارف مانند عبا بردوش بیندازند، به گونه ای که دو شانه را بپوشاند؛ و زنها می توانند آن را مانند چادر بر سر بیندازند.

**«مسأله ۱۷۳» بنا بر احتیاط واجب باید دو جامه احرام را پیش از نیت احرام بپوشد؛**

و اگر بعد از تلبیه پوشیده اند تلبیه را دوباره بگویند.

**«مسأله ۱۷۴» اگر مرد از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بدون کندن پیراهن خود احرام ببندد**

باید فوراً آن را بکند و احرامش صحیح است؛ و لازم نیست آن را از طرف پا از بدن خود درآورد. همچنین اگر بعد از احرام بستن و تلبیه پیراهن دوخته بپوشد احرامش صحیح است و باطل نمی شود؛ ولی در این صورت

---

(۱) - «إزار» به معنای لنگ و «رداء» به معنای عبا می باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۱

باید پیراهن را از طرف پا درآورد، و اگر یقه آن تنگ است باید آن را بشکافد یا پاره کند تا از طرف پا کنده شود.

**«مسأله ۱۷۵» اکتفا کردن به یک جامه بلند و بزرگ**

به جای دو جامه احرام محل اشکال است.

**«مسأله ۱۷۶» پوشیدن بیش از دو جامه در اول احرام**

یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما یا غیر آن مانعی ندارد.

**«مسأله ۱۷۷» إزار یعنی لنگ باید بدن نما نباشد؛**

و بنا بر احتیاط مستحب رداء نیز بدن نما نباشد. و در زنها بنا بر احتیاط واجب باید بدن نما نباشد.

**«مسأله ۱۷۸» چنانکه گذشت در بجه ها جایز است در آوردن لباسهای دوخته را تا «فخ»**

که متصل به مکه است به تأخیر اندازند.

**«مسأله ۱۷۹» بنا بر احتیاط واجب باید دو جامه احرام را به قصد قربت**

و اطاعت امر خدا و به قصد احرام بپوشند؛ و خوب است کندن لباسهای دوخته نیز به قصد قربت و اطاعت انجام شود.



**«مسئله ۱۸۰» آنچه در لباس نمازگزار شرط است در جامه های احرام نیز شرط است؛**

پس لباس احرام باید از ابریشم خالص و زرباف و از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد. همچنین باید پاک باشد؛ مگر از نجاساتی که در حال نماز بخشیده شده است.

**«مسئله ۱۸۱» بنا بر احتیاط واجب اگر در حال احرام لباسهای احرام نجس شود باید آنها را تطهیر یا عوض کنند.**

و بدن نیز اگر نجس شود بنا بر احتیاط واجب باید آن را تطهیر نمایند.

**«مسئله ۱۸۲» اگر بدن یا لباس را تطهیر نکنند**

کفاره ندارد.

**«مسئله ۱۸۳» لباسهای زن نیز در حال احرام باید پاک باشد**

و از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد. و بنا بر احتیاط واجب از ابریشم خالص نیز نباشد؛ ولی ابریشم مخلوط مانعی ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۲

**«مسئله ۱۸۴» باید به جامه های احرام عرفاً جامه و ثوب گفته شود؛**

پس بنا بر احتیاط واجب از جنس بافته شده باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

**«مسئله ۱۸۵» واجب نیست شخص محرم همیشه دو جامه احرام را پوشیده باشد.**

پس مانعی ندارد برای تطهیر یا شستشو یا حمام یا مانند اینها جامه ها را از خود دور کند، یا مثلاً در گرما رداء را از دوش خود بردارد؛ چنانکه عوض کردن آنها هم مانعی ندارد، با رعایت شرایطی که گذشت.

**«مسئله ۱۸۶» افضل بلکه احوط این است که در وقت ورود به مکه**

برای طواف جامه هایی را که در آنها احرام بسته پوشیده باشد.

**«مسئله ۱۸۷» بنا بر احتیاط واجب شخص محرم نباید ازار یعنی لنگ را به گردن خود گره بزند؛**

بلکه بنا بر احتیاط واجب هیچ یک از جامه های احرام را به گردن خود و به یکدیگر گره نزند؛ و همچنین دو پیر جامه را با سوزن یا سنجاق یا گره به هم متصل نکند. و اگر از روی ندانستن یا فراموشی گره زد یا با سوزن و سنجاق به هم متصل کرد فوراً آن را باز کند؛ ولی به احرامش ضرر نمی زند و کفاره هم ندارد.

**«مسئله ۱۸۸» اگر محرم مثلاً برای رفع سرما ناچار باشد از قبا یا پیراهن دوخته استفاده کند**

می تواند آنها را به دوش خود اندازد، بدون اینکه دست در آستین آنها کند؛ و قبا را باید وارونه و بالا و پایین کند. و اگر محرم لنگ پیدا نکرد و ناچار شد می تواند شلوار بپوشد؛ ولی بنابر احتیاط کفاره بدهد.

**سوم از واجبات احرام «تلبیه» یعنی گفتن لبیک می باشد،**

## اشاره

به نحوی که وارد شده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۳

**«مسأله ۱۸۹» از تلبیه آنچه وجوب آن قطعی است**

گفتن چهار «لَبَّيْكَ» است بدین گونه: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»؛ و بنابر احتیاط واجب این جملات نیز در آخر آن اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَشَرِيكَ لَكَ»؛ و پس از این جملات خوب است یک لبیک نیز اضافه شود، ولی واجب نیست.

و بنابر احتیاط مستحب همزه «إِنَّ» هم باکسر خوانده شود و هم بافتح؛ هر چند خواندن آن با کسر کافی است. و خوب است کلمه «لَكَ» بعد از «الْمُلْكَ» نیز اضافه شود؛ ولی واجب نیست. پس تلبیه کامل چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ (لَكَ) لَشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

یعنی: «اجابت و اطاعت می کنم تو را، خدایا اجابت می کنم تو را، اجابت می کنم تو را، برای تو شریک نیست، اجابت می کنم تو را، به درستی که ستایش و نعمت و پادشاهی از آن توست، هیچ شریک نداری، اجابت می کنم تو را.» و مستحب است تلبیه های زیر نیز در آخر اضافه شود:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِيءِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَ يُفْتَقَرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ». (۱)

(۱) - البته این تلبیه های مستحب مطابق نقل شیخ طوسی (ره) در «تهذیب» نقل شده است

و با نسخه «کافی» کمی تفاوت دارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۴

**«مسئله ۱۹۰» بر مکلف واجب است مقدار تلبیه واجب را یاد بگیرد**

و مانند تکبیرها لایحرام نماز به طور صحیح ادا نماید. و اگر خوب یاد نگرفته دیگری تلقین کند، یعنی کلمه کلمه بگوید و او مانندش تلفظ نماید. و اگر نمی تواند درست بگوید بنا بر احتیاط به شکلی که می تواند بگوید و ترجمه آن را نیز بگوید و دیگری هم به جای او و به نیابت او بگوید.

**«مسئله ۱۹۱» شخص لال که تلبیه را می داند ولی نمی تواند بگوید،**

باید زبان خود را به تلبیه حرکت دهد و با انگشت خود نیز به آن اشاره نماید؛ و بهتر است که دیگری نیز به جای او تلبیه را بگوید. و اگر آن را نمی داند و نمی تواند یاد بگیرد و تلقین هم ممکن نیست تا به آن اشاره نماید، دیگری به جای او بگوید.

**«مسئله ۱۹۲» بچه ممیز خودش تلبیه را بگوید؛**

و به جای غیر ممیز ولی او یا دیگری به اذن ولی تلبیه را بگوید. و نسبت به کسی که در میقات بیهوش است نیز گفته شده که دیگری به جای او تلبیه را بگوید، ولی مسئله محل اشکال است؛ پس بنا بر احتیاط حکم او حکم کسی است که به سبب عذری بدون احرام از میقات عبور کرده است. (۱)

**«مسئله ۱۹۳» در خصوص حج قرآن جایز است به جای تلبیه احرام را به وسیله اشعار یا تقلید حیوان قربانی منعقد نمایند؛**

ولی بنا بر احتیاط واجب لئیک نیز گفته شود. و معنای «حج قرآن» و «اشعار» و «تقلید» سابقاً بیان شد. (۲)

**«مسئله ۱۹۴» تلبیه در احرام عمره و حج، مانند تکبیرها لایحرام نماز است**

که نماز با آن شروع می شود؛ پس احرام بدون تلبیه (و در خصوص حج قرآن، احرام بدون تلبیه یا اشعار یا

---

(۱) - به مسئله «۱۶۰» مراجعه شود.

(۲) - به مسئله «۱۴۷» مراجعه شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۵

تقلید) محقق نمی شود. بنابراین کسی که نیت احرام کرده و لباسهای احرام را نیز پوشیده ولی تلبیه را نگفته است اگر یکی از محرمات احرام را مرتکب شود نه گناه کرده و نه کفار بدهکار است. همچنین است اگر تلبیه او به ریا و مانند آن باطل شده

باشد.

### «مسئله ۱۹۵» اگر تلبیه را فراموش کرد

یا در اثر ندانستن مسأله آن را نگفت و از میقات عبور کرد باید به میقات برگردد و با تلبیه محرم شود. و اگر نمی تواند برگردد و داخل حرم نشده، در همانجا با تلبیه محرم شود؛ و اگر داخل حرم شده به خارج حرم برگردد؛ و اگر نمی تواند در همانجا محرم شود. و بنا بر احتیاط در همه این صورتها به مقداری که می تواند به عقب برگردد و سپس محرم شود.

### «مسئله ۱۹۶» در صحت احرام و تلبیه طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر شرط نیست؛

پس می تواند بدون وضو و در حال جنابت یا حیض و یا نفاس محرم شود و احرام او صحیح است.

### «مسئله ۱۹۷» شخصی که برای احرام عمره تمتع به میقات آمده اگر بعد از گفتن لَبَّيْکَ در میقات و عبور از آن،

خود را در حال اعمال عمره ببیند و شک کند که در وقت نیت، نیت عمره کرده یا اشتباهاً نیت حج کرده، عمره او صحیح است و احتیاطاً نیت را تجدید نماید. همچنین اگر بعد از احرام در مکه و رفتن به عرفات که از اعمال حج است شک کند که آیا نیت حج کرده یا اشتباهاً نیت عمره کرده، حج او صحیح است؛ و در غیر صورتی که ذکر شد مسأله اقسامی دارد که محل بحث آنها کتابهای مفصل فقهی است.

### «مسئله ۱۹۸» اگر در میقات پس از پوشیدن لباس احرام شک کند تلبیه را گفته یا نه باید آن را بگوید.

و اگر پس از گفتن تلبیه و

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۶

فراغت از آن شک کند آن را صحیح ادا کرده یا غلط، اگر پس از گذشت زمانی شک کند بنا را بر صحت آن بگذارد؛ و اگر بلافاصله شک کند بنا بر احتیاط اعاده نماید.

### «مسئله ۱۹۹» تلبیه واجب به نحوی که گذشت یک بار گفتن آن کافی است؛

ولی تکرار آن مستحب است؛ بخصوص پس از هر نماز واجب و مستحب، و بالا رفتن بر هر تپه و پایین آمدن از آن، و در هر سوار شدن و پیاده شدن، و در هر بیدار شدن از خواب، و هنگام سحرها و در برخورد با هر سواری.

و در حدیث وارد شده: «هر کس در احرامش هفتاد بار از روی ایمان و اخلاص لَبَّيْکَ بگوید خداوند هزار هزار ملک را وا می دارد که گواهی دهند بر برائت او از آتش و از نفاق.»

و بر مردها مستحب است لَبَّيْکَ را بلند بگویند، بلکه از بعضی روایات وجوب آن استفاده می شود؛ ولی بنا بر اقوی واجب نیست.

### «مسأله ۲۰۰» کسی که از مسجد شجره احرام می بندد بنا بر احتیاط واجب تلبیه را در خود مسجد بگوید؛

ولی خوب است اظهار و بلند گفتن آن را تأخیر اندازد تا «بیداء» که در حدود دو کیلومتری مسجد واقع شده است. همچنین کسانی که از میقاتهای دیگر احرام می بندند تلبیه را در وقت احرام بگویند؛ ولی خوب است بلند گفتن آن را تأخیر اندازند تا کمی از راه را طی کنند.

و کسی که از مکه مکرمه برای حج احرام می بندد خوب است بلند گفتن آن را تأخیر اندازد تا به «رَقْطَاء» برسد.

### «مسأله ۲۰۱» کسانی که برای عمره تمتع احرام بسته اند بنا بر احتیاط پس از مشاهده خانه های مکه معظمه

تلبیه را قطع کنند و دیگر لُبَّیک نگویند؛ و بنا بر ظاهر روایت صحیحه مقصود از «مکه» در اینجا مقدار ساخته شده در صدر اسلام است. و کسانی که از

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۷

خارج حرم برای عمره مفرده احرام بسته اند هنگام ورود در حرم تلبیه را قطع کنند. و کسانی که در نزدیک ترین منطقه به حرم برای عمره مفرده احرام بسته اند پس از مشاهده کعبه معظمه تلبیه را قطع کنند. و کسانی که برای هر یک از اقسام حج احرام بسته اند در ظهر روز عرفه تلبیه را قطع نمایند.

### مستحبات احرام

### «مسأله ۲۰۲» برای احرام چند چیز مستحب است:

**اول: اینکه پیش از احرام خود را پاکیزه کند،**

ناخنهای خود را بگیرد، شارب خود را بزند و موی عانه «۱» و زیر بغل خود را بترشد یا با نوره برطرف نماید.

**دوم: کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذیقعد،**

و کسی که قصد عمره مفرده دارد از یک ماه پیش از آن موی سر و ریش خود را رها کند و آنها را اصلاح نکند.

**سوم: اینکه پیش از احرام، در میقات غسل کند؛**

و اگر می ترسد در میقات آب پیدا نشود جایز است پیش از رسیدن به میقات غسل کند؛ و اگر در میقات آب پیدا شد مستحب است آن را اعاده نماید.

و غسل احرام از زن حائض و نَفْسَاء نیز صحیح است. و برخی از فقها غسل احرام را واجب بلکه شرط صحت احرام دانسته اند، پس حتی الامکان ترک نشود. و در اخبار معتبره نسبت به غسل احرام زیاد تاکید شده و حتی وارد شده است که اگر کسی

بدون غسل یا نماز محرم شد پس از غسل و نماز آن را اعاده نماید. و اگر بعد از غسل احرام لباسی را که بر محرم حرام است پوشید یا غذایی را که بر محرم حرام است خورد یا بوی خوش استعمال کرد، مستحب

(۱) - «عانه» محل رویدن مو در زیر شکم است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۸

است غسل را اعاده نماید؛ همچنین است اگر بعد از غسل و پیش از احرام بخوابد؛ بلکه اگر بین غسل و احرام حدث هم از او خارج شود خوب است به قصد رجاء، غسل را اعاده نماید. و اگر در اول روز غسل کند تا آخر روز بلکه تا آخر شب بعد کفایت می کند؛ همچنین اگر اول شب غسل کند تا آخر شب بلکه تا آخر روز بعد کافی است. و اگر نمی تواند غسل کند خوب است به قصد رجاء و امیدواری تیمم نماید.

### چهارم: اینکه

جامه های احرام از پنبه باشد.

### پنجم: اینکه احرام بعد از نماز و خواندن دعاهای وارده انجام شود؛

بدین ترتیب: در صورت امکان بعد از نماز ظهر، و گرنه بعد از نماز واجب دیگر؛ و اگر وقت نماز واجب نیست بعد از خواندن شش رکعت نافله و یا اقلًا دو رکعت نافله که در آنها سوره های «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» را بخواند؛ و روایت شده که «قل هو الله احد» را در رکعت اول و «قل یا ایها الکافرون» را در رکعت دوم بخواند. و پس از نماز حمد و ثنای الهی بجا آورد و بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد. و سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مَمْنًا مِنْ شَيْءٍ تَجَابَ لَكَ، وَأَمِنْ بَوَعْدِكَ وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ فَانِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحِجَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَغْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَيَّ كِتَابِكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقَوِّبَنِي عَلَيَّ مَا ضَعُفْتُ وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيهِ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقْمِهِ بَعِيدِهِ، وَانْفَقْتُ مَالِي إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحِجَّ عَلَيَّ كِتَابِكَ وَسُنَّةِ

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۹۹

نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَّضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ أَنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةً فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالنِّيبَابِ وَالطَّيْبِ، ابْتَغِي بِمَذَلِّكَ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ» (۱)



دعا را کافی است یک بار بخواند و سپس احرام ببندد.

**ششم: اینکه هنگام پوشیدن دو جامه احرام بنابر فرمایش شیخ صدوق (ره) بگوید:**

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَوْدَى فِيهِ فُؤَادِي وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُه فَبَلَّغَنِي وَ أَرَدْتُه فَأَعَانَنِي وَ قَبَلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنجَايَ وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي.» (۲)

**هفتم: اینکه تلبیه را تکرار کند،**

بخصوص پس از هر نماز واجب و مستحب و بالا-رفتن بر هر تپه و پایین آمدن از آن، و در هر سوار شدن و پیاده شدن، و بیدار شدن از خواب و هنگام سحرها و در برخورد با هر سواره.

**مکروهات احرام**

**«مسأله ۲۰۳» مکروهات احرام نیز چند چیز است:**

**اول: احرام در جامه سیاه،**

بلکه احوط ترک آن است. و بهتر است جامه ها سفید باشند.

---

(۱) - وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب «۱۶» از «ابواب الإحرام»، حدیث ۱.

(۲) - من لا یحضره الفقیه، ۲ / ۵۲۷.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۰

**دوم: خوابیدن محرم**

در رختخواب و بالش زرد رنگ.

**سوم: احرام**

در جامه راه راه.

**چهارم: احرام در جامه چرکین،**



ولی اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است آن را تا زمانی که در حال احرام است نشوید.

### **پنجم: استعمال حنا پیش از احرام**

در صورتی که اثر آن تا زمان احرام باقی بماند.

### **ششم: حمام رفتن؛**

و بهتر بلکه احوط این است که محرم بدن خود را با کیسه و مانند آن نساید.

### **هفتم: لبیک گفتن محرم**

در جواب کسی که او را صدا زند.

### **تروک و محرمات احرام**

#### **اشاره**

بیست و نه چیز است که شخص محرم به طور قطع یا به احتیاط واجب باید از آنها اجتناب کند؛ و ارتکاب بعضی از آنها سبب اعاده عمره یا حج، و ارتکاب بسیاری از آنها موجب کفاره می شود:

### **اول از محرمات احرام «شکار حیوان وحشی صحرائی» است؛**

#### **اشاره**

مگر در مواردی که استثناء شده است.

### **«مسأله ۲۰۴» در حال احرام شکار کردن حیوان وحشی صحرائی**

و کمک کردن به صیاد در صید آن و نشان دادن شکار به او هر چند با اشاره باشد حرام است؛ چه صیاد در حال احرام باشد یا نه. همچنین بر محرم حرام است حیوانی را که دیگری شکار کرده ذبح نماید.

### **«مسأله ۲۰۵» شکار حیوان وحشی در حرم جایز نیست؛**

هر چند شکارچی در حال احرام نباشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۱

**«مسأله ۲۰۶» خوردن گوشت شکار صحرائی در حال احرام حرام است؛**

چه خودش شکار کند یا دیگری، شکار کننده در حال احرام باشد یا نباشد، شکار از حرم باشد یا از خارج حرم.

**«مسأله ۲۰۷» بنا بر مشهور شخص محرم اگر شکار را بکشد یا ذبح نماید**

در حکم میته است و حتی غیر محرم نیز بنا بر احتیاط باید از آن اجتناب کند. همچنین است صید حرم اگر کشته یا ذبح شود؛ هر چند کشنده آن در حال احرام نباشد.

**«مسأله ۲۰۸» حیوان وحشی صحرائی اگر در خارج حرم صید و ذبح شود،**

خوردن گوشت آن در داخل حرم برای کسانی که در حال احرام نیستند مانعی ندارد؛ ولی اگر آن را زنده وارد حرم کردند ذبح آن در حرم جایز نیست، بلکه باید آن را رها کنند.

**«مسأله ۲۰۹» پرندگان نیز جزو شکار صحرائی محسوبند**

و شکار آنها بر محرم حرام است؛ همچنین است ملخ. و باید شخص محرم دقت کند که ملخها زیر دست و پا تلف نشوند.

**«مسأله ۲۱۰» جایز نیست محرم حیوان شکار شده مانند آهو و کبوتر و سایر پرندگان را بخورد**

و یا آنها را حبس و نگهداری نماید. و اگر پیش از احرام در خارج حرم آنها را شکار کرده یا خریده باشد، پس از اینکه محرم شد باید فوراً آنها را رها نماید؛ و اگر پرنده پر در نیاورده یا پرهای آن را چیده اند باید از آن محافظت نماید تا پر در آورد و سپس آن را رها کند. همچنین است حکم شکار و پرنده ای که از خارج حرم وارد حرم کنند؛ هر چند وارد کننده در حال احرام نباشد. و نیز چنین است حکم شکار و پرندگان حرم حتی نسبت به کسی که در حال احرام نیست؛ ولی اگر محرم در وطن خود شکار و پرنده ای دارد لازم نیست در وقت احرام او در میقات آنها را رها کنند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۲

**«مسأله ۲۱۱» جایز نیست محرم حیوانات درنده را شکار کند یا بکشد**

و یا اذیت نماید؛ مگر اینکه قصد او کنند یا از آنها وحشت کند و بر خود بترسد، که در این صورت کشتن آنها مانعی ندارد. همچنین جایز است افعی و مارهای خطرناک و عقرب و موش را بکشد و در کشتن آنها کفاره نیست.

**«مسأله ۲۱۲» هر شکاری که بر محرم حرام است،**

جوجه و تخم آن حیوان نیز بر او حرام است.

**«مسأله ۲۱۳» محرم بنا بر احتیاط واجب زنبور را نکشد؛**

مگر در صورتی که قصد او کند. بلکه بنا بر احتیاط واجب از کشتن مطلق حیوانات و حشراتی که اذیت نمی کنند اجتناب کند.

#### «مسئله ۲۱۴» شکار کردن حیوانات دریایی

مانند ماهی در حال احرام مانعی ندارد. و اگر حیوانی هم در آب و هم در خشکی زندگی می کند، ملاک جای تخم و جوجه گذاری آن است؛ پس اگر در آب تخم و جوجه می گذارد حیوان دریایی محسوب است.

#### «مسئله ۲۱۵» ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی

مانند مرغ خانگی، گوسفند، گاو و شتر در حال احرام مانعی ندارد.

و مخفی نماند که مسائل و فروع شکار و کفاره هر یک از شکارها بسیار زیاد است؛ و چون برای حجاج شهرهای دور کمتر مورد حاجت است لذا از تفصیل آنها در اینجا صرف نظر می کنیم.

#### دوم از محرمات احرام «جماع» است؛

#### اشاره

یعنی نزدیکی کردن با زن. و در اصل حرام بودن آن فرقی بین احرام عمره تمتع و عمره مفرده و اقسام حج نیست. پس در عمره تمتع پس از تقصیر، و در احرام حج و عمره مفرده پس از طواف نساء، زن بر او حلال می شود؛ همچنین است حکم زن نسبت به حلال شدن شوهر بر او.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۳

#### «مسئله ۲۱۶» اگر کسی در عمره تمتع از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی کند،

پس اگر بعد از فراغت از سعی باشد عمره او صحیح است و فقط کفاره بر او واجب می شود؛ و کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است مطلقاً «۱»، هر چند فرق گذاشتن بین متمکن و عاجز خالی از قوت نیست؛ یعنی اگر می تواند یک شتر، و اگر نمی تواند یک گاو، و اگر نمی تواند یک گوسفند ذبح کند.

و اگر پیش از فراغت از سعی باشد، بنا بر احتیاط یک شتر کفاره بدهد و عمره را تمام کند. و در صورت وسعت وقت آن را پیش از حج اعاده نماید و حج او صحیح است؛ و اگر نمی تواند عمره را اعاده نماید چون وقت حج تنگ می شود، بنا بر احتیاط واجب یک حج به قصد آنچه وظیفه اوست، مردد بین حج تمتع و حج افراد بجا آورد، و بعد یک عمره مفرده، و در سال بعد عمره و حج تمتع را اعاده نماید.

#### «مسئله ۲۱۷» اگر محرم در حج پیش از وقوف به مشعر از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی کند

کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است مطلقاً؛ «۲» و باید حج را تمام کند و سال بعد نیز آن را اعاده نماید، هر چند حج مستحبی باشد؛ و اگر حج را تمام نکند در احرام باقی می ماند.

و زن هم اگر در احرام بوده و به عمل راضی شده حکمش همین است؛ و باید تا آخر حج از یکدیگر جدا شوند؛ یعنی تا آخر با یکدیگر خلوت نکنند، بلکه شخص سومی با آنان باشد. و اگر زن راضی نبوده و مرد او را مجبور کرده است، حج زن صحیح است و مرد باید کفاره زن را نیز بدهد.

---

(۱) - «مطلقاً» یعنی: چه متمکن و چه عاجز از دادن کفاره یک شتر باشد.

(۲) - معنای آن در پاورقی

مسأله قبل گذشت.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۴

**«مسأله ۲۱۸» اگر محرم در حج بعد از وقوف به مشعر**

و پیش از انجام پنج شَوَط «۱» از طواف نساء با زن خود از روی علم و عمد نزدیکی کند، بنا بر احتیاط کفاره آن مطلقاً یک شتر است؛ ولی حج او صحیح است. و اگر زن هم در حال احرام و راضی بوده حکمش همین است؛ و اگر مجبور شده کفاره او به عهده مرد است.

و اگر پس از گذشتن پنج شَوَط از طواف نساء بوده حج آنان صحیح است و بنا بر اقوی کفاره هم واجب نیست.

**«مسأله ۲۱۹» اگر محرم در عمره مفرده پس از فراغت از سعی**

و پیش از تقصیر از روی علم و عمد با زن خود نزدیکی نماید عمره او صحیح است؛ ولی کفاره بر او واجب می شود. و اگر پیش از سعی نزدیکی کند عمره او باطل می شود و باید کفاره بدهد؛ و بنا بر احتیاط عمره را تمام کند و یک ماه در مکه بماند و بعد به یکی از میقاتها برود و از آنجا برای عمره مفرده احرام بیند و عمره را اعاده نماید. و کفاره در عمره مفرده مانند کفاره در عمره تمتع است به تفصیلی که گذشت. «۲»

**«مسأله ۲۲۰» در مسائلی که گذشت فرقی نیست بین اینکه نزدیکی در جلوی زن باشد یا عقب،**

زن دائم باشد یا متعه، منی خارج شود یا نشود.

**«مسأله ۲۲۱» اگر با زن دیگری غیر از زن خود زنا کند**

یا اشتهاً با او نزدیکی کند، حکم آن مانند نزدیکی با زن خود می باشد؛ بلکه ظاهراً لواط با مرد هم همین حکم را دارد.

**«مسأله ۲۲۲» در همه مسائلی که گذشت کسی که نزدیکی کرده مرتکب گناه شده**

و باید علاوه بر کفاره از عمل خود استغفار کند.

---

(۱) - «شَوَط» یعنی: یک دور کامل به دور خانه کعبه.

(۲) - به مسأله «۲۱۶» مراجعه شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۵

**«مسأله ۲۲۳» اگر در احرام حج یا عمره با زن خود از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله نزدیکی کند،**

عمره و حج او صحیح است؛ هر چند پیش از وقوف به مشعر و پیش از سعی باشد.

و کفاره نیز واجب نیست.

**«مسأله ۲۲۴» اگر در احرام حج یا عمره از روی علم و عمد با زن خود بدون دخول نزدیکی کند**

باید استغفار نماید؛ و کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است مطلقاً، هر چند منی خارج نشود. ولی عمره و حج او صحیح است؛ هر چند پیش از وقوف به مشعر و پیش از سعی باشد.

**سوم از محرمات احرام «بوسیدن زن» است.**

**«مسأله ۲۲۵» جایز نیست مُحرم زن خود را از روی شهوت ببوسد؛**

بلکه بنا بر احتیاط مطلقاً او را نبوسد. و چنانچه بوسید پس اگر از روی شهوت باشد و منی خارج شود کفاره آن یک شتر است؛ بلکه همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر منی خارج نشود. و اگر بدون شهوت بوسید کفاره آن ذبح یک گوسفند است. و اگر زن اجنبی را ببوسد کفاره آن مثل کفاره بوسیدن زن خود می باشد.

و بنا بر احتیاط واجب اگر زن مرد را ببوسد همین حکم را دارد؛ ولی بوسیدن مادر و امثال او از محارم از روی عاطفه و شفقت مانعی ندارد.

**«مسأله ۲۲۶» اگر محرم پس از اینکه تقصیر کرد یا طواف نساء بجا آورد**

و زن بر او حلال شد زن خود را که هنوز در حال احرام است ببوسد، بنا بر احتیاط باید یک گوسفند بکشد.

**چهارم از محرمات احرام «لمس بدن زن و بازی با زن» است.**

**«مسأله ۲۲۷» جایز است مُحرم بدن زن خود را بدون شهوت**

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۶

لمس کند یا او را برای سوار شدن یا پیاده شدن مثلاً در بغل بگیرد؛ ولی لمس بدن او یا بازی با او از روی شهوت جایز نیست. و کفاره لمس او با شهوت ذبح یک گوسفند است. و اگر لمس و بازی را ادامه دهد تا منی خارج شود کفاره آن مثل کفاره نزدیکی کردن است. و بنا بر احتیاط واجب اگر زن بدن مرد را لمس کند، حکم آن همین است.

**پنجم از محرمات احرام «نگاه کردن به زن» است.**

**«مسأله ۲۲۸» جایز نیست مُحرَم از روی شهوت حتی به زن خود نگاه کند؛**

ولی بدون شهوت مانعی ندارد. و اگر با شهوت نگاه کند و منی خارج شود کفاره آن یک شتر است. و اگر با شهوت نگاه کند ولی منی خارج نشود، یا بدون شهوت نگاه کند و تصادفاً منی خارج شود کفاره ندارد.

**«مسأله ۲۲۹» اگر مُحرَم به زن اجنبی با شهوت یا بدون شهوت نگاه کند**

و منی خارج شود پس اگر دارا باشد کفاره آن یک شتر است؛ و اگر متوسط باشد یک گاو، و اگر فقیر باشد یک گوسفند است. و اگر منی خارج نشود کفاره ندارد؛ هر چند گناه کرده است. و بنابر احتیاط واجب نگاه زن به مرد نیز همین حکم را دارد.

**«مسأله ۲۳۰» اگر مُحرَم از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله زن خود را ببوسد**

یا لمس یا نگاه کند و یا با او بازی کند کفاره ندارد؛ هر چند از روی شهوت باشد و منی هم خارج گردد.

**ششم از محرمات احرام «استمناء» است.**

**«مسأله ۲۳۱» اگر مُحرَم با آلت خود بازی کند**

تا منی از او خارج شود، حکم او مانند کسی است که در حال احرام عمره یا حج

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۷

نزدیکی کرده باشد به تفصیلی که گذشت. «۱» همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر به نحوی دیگر غیر از بازی با زن خود، کاری کند که منی از او خارج شود؛ مخصوصاً اگر با قصد خروج منی باشد.

ولی اگر با زن خود از روی شهوت بازی کند یا او را لمس نماید یا ببوسد و منی خارج شود، هر چند کفاره واجب است چنانکه گذشت، ولی بطلان عمره یا حج او معلوم نیست؛ بلکه اقوی عدم بطلان است.

**هفتم از محرمات احرام «عقد ازدواج» و نیز «گواه شدن بر عقد ازدواج» است.**

**«مسأله ۲۳۲» مُحرَم جایز نیست در حال احرام برای خود زن بگیرد**

یا زنی را برای دیگری عقد نماید؛ چه عقد دائم باشد یا متعه، و شخص دیگر در حال احرام باشد یا نباشد. و اگر زنی را برای خود یا دیگری عقد کند، عقد باطل است؛ هر چند جاهل به مسأله باشد.

**«مسأله ۲۳۳» اگر با علم به مسأله در حال احرام زنی را برای خود عقد کند،**

آن زن برای او همیشه حرام می شود. ولی اگر جاهل به مسأله بوده پس از تمام شدن احرام می تواند آن زن را بگیرد؛ هر چند خوب است او را نگیرد، بخصوص اگر با او نزدیکی کرده باشد.

**«مسأله ۲۳۴» اگر مُحرم در حال احرام یا پیش از آن کسی را وکیل کرده که برایش زن بگیرد**

و او در حال احرام موکَل برای او زن گرفت، صحت آن عقد محل اشکال است؛ بلکه باطل بودن آن خالی از قوت نیست. ولی اگر در حال احرام کسی را وکیل کند که بعد از تمام شدن احرام برای او زن بگیرد مانعی ندارد.

---

(۱) - به مسأله (۲۱۶) مراجعه شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۸

**«مسأله ۲۳۵» مُحرم جایز نیست به عنوان شاهد و گواه در مجلس عقد ازدواج حاضر شود؛**

هر چند آن عقد برای غیر مُحرم باشد.

**«مسأله ۲۳۶» بنا بر احتیاط مُحرم در حال احرام بر واقع شدن عقد ازدواج شهادت ندهد؛**

هر چند پیش از احرام در مجلس عقد حاضر بوده باشد. همچنین بنا بر احتیاط در حال احرام خواستگاری نکند.

**«مسأله ۲۳۷» بنا بر احتیاط واجب زنی را که در حال احرام است برای کسی عقد نکنند؛**

هر چند آن کس در حال احرام نباشد. و اگر عقد کردند آن مرد با او نزدیکی نکند، بلکه احتیاطاً او را طلاق دهد؛ و اگر به مسأله عالم بوده هیچ وقت او را نگیرد.

**«مسأله ۲۳۸» اگر کسی زنی را برای مردی که در حال احرام است عقد کند و آن مرد دخول کند،**

پس اگر زن و عقد کننده می دانسته اند که مرد مُحرم است و هر سه عالم به مسأله بوده اند بر هر یک از سه نفر کفاره یک شتر واجب است؛ و اگر دخول نکنند بر هیچ کدام کفاره نیست. و در این حکم فرق نیست بین اینکه زن و عقد کننده در حال احرام باشند یا نباشند. و اگر بعضی از آنان مسأله را می دانسته بر خصوص او کفاره واجب است.

**هشتم از محرمات احرام «استعمال بوی خوش» است.**

**«مسأله ۲۳۹» استعمال چیزهای خوشبو**

- مانند مشک، زعفران، عنبر، عود، ورس و کافور- به خوردن یا بوییدن یا مالیدن به بدن یا لباس بر مرد و زن در حال احرام



حرام است؛ همچنین است پوشیدن لباسی که از سابق اثری از بوی خوش در آن مانده باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۰۹

و احتیاط واجب، بلکه اقوی<sup>۱</sup> تعمیم حکم است نسبت به تمام اشیائی که معمولاً به منظور استفاده از بوی خوش آنها، تهیه و استعمال می شوند؛ مانند: گلاب و انواع عطرها و ادکلنها، همچنین صابونهای عطری و شامپوهای خوشبو و معطر.

#### «مسئله ۲۴۰» بنا بر احتیاط واجب مُحرم باید از گلهای و سبزیهایی که بوی خوش دارند

مخصوصاً از ریحان و از گلهایی که از آنها گلاب و عطریات تهیه می شود اجتناب کند؛ بلکه بنا بر احتیاط از ادویه خوشبو مانند دارچین و هل و زنجبیل و ریشه جوز نیز اجتناب نماید. ولی از سبزیهای صحرایی خودروی که بوی خوش دارند مانند بومادران و دزمنه و خزامی که معمول نیست در عطریات از آنها استفاده شود اجتناب لازم نیست.

#### «مسئله ۲۴۱» خوردن میوه های خوشبو؛

- مانند سیب، به، گلابی، پرتقال و ترنج- در حال احرام مانعی ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب باید از بویدن آنها حتی در حال خوردن اجتناب نماید.

#### «مسئله ۲۴۲» بر مُحرم واجب است بینی خود را از بوی خوش بگیرد.

و حرام است بینی خود را از بوی بد بگیرد؛ ولی تند رفتن برای نجات از بوی بد مانعی ندارد.

#### «مسئله ۲۴۳» اگر مُحرم به پوشیدن لباس معطر یا غذا یا دوايي که در آن چیزهای خوشبو مصرف شده ناچار شود،

استعمال آن مانعی ندارد؛ ولی باید بینی خود را از بوی خوش آنها بگیرد و احتیاطاً کفاره بدهد.

#### «مسئله ۲۴۴» خرید و فروش عطریات

و چیزهای خوشبو در حال احرام مانعی ندارد؛ ولی نباید آنها را استعمال کند و یا برای امتحان بو بکشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۰

#### «مسئله ۲۴۵» اگر تصادفاً یا عمداً لباس مُحرم به زعفران یا چیزهای خوشبوی دیگر آلوده شود،

باید لباس را فوراً عوض کند یا بوی خوش را از آن هر چند به شستن برطرف نماید. ولی اگر خلوق «۱» کعبه معظمه که در آن زعفران و چیزهای دیگر به کار می رفته به لباس بمالد اجتناب از آن لازم نیست؛ لکن چون معمولاً در این زمانها کعبه را با چیزهای دیگر خوشبو می کنند، مُحرم بنا بر احتیاط واجب باید از آنها اجتناب نماید و بینی خود را از بوی آنها بگیرد.

#### «مسئله ۲۴۶» اگر مُحرم چیزهای خوشبو را عمداً بخورد

باید کفاره بدهد؛ و کفاره آن ذبح یک گوسفند است. همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر آنها را در حال ناچاری بخورد و یا عمداً بو بکشد یا به لباس و بدن خود بمالد؛ ولی اگر از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله استعمال کرده کفاره ندارد؛ ولی خوب است استغفار کند، و بنا بر احتیاط چیزی هم صدقه بدهد یا مسکینی را اطعام نماید.

**«مسأله ۲۴۷» اگر استعمال بوی خوش را در یک جلسه ادامه دهد**

بنا بر اقوی <sup>□</sup> یک کفاره کافی است؛ ولی اگر در چند نوبت با فاصله استعمال کند، احوط تعدد کفاره است. و اگر پس از استعمال کفاره دهد و دوباره استعمال کند واجب است دوباره کفاره بدهد.

**«مسأله ۲۴۸» مُحْرَم اگر در احرام حج پیش از تمام کردن سعی فوت کند**

نباید او را با آب کافور غسل دهند، و باید به جای آن با آب خالص غسلش دهند؛ همچنین نباید او را با کافور حنوط کنند. همچنین است حکم مُحْرَم به احرام عمره اگر پیش از تقصیر فوت کند.

---

(۱) - «خَلُوق» عطر خاصی بوده که بیشترین اجزایش از زعفران تشکیل شده و در گذشته با آن کعبه را معطر و خوشبو می نموده اند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۱

**نهم از محرمات احرام «روغن مالی بدن» است.**

**«مسأله ۲۴۹» مُحْرَم نباید در حال احرام بدن خود را روغن مالی کند؛**

هر چند روغن خوشبو نباشد. ولی اگر برای معالجه ضرورت داشته باشد مانعی ندارد؛ مانند پمادهایی که روی زخمها مالیده می شوند.

**«مسأله ۲۵۰» جایز نیست پیش از احرام روغن خوشبویی که بوی خوش آن تا بعد از احرام باقی می ماند به بدن مالیده شود؛**

ولی اگر بوی خوش آن باقی نمی ماند مانعی ندارد، هر چند چربی آن باقی بماند.

**«مسأله ۲۵۱» خوردن روغن در حال احرام**

اگر چیز خوشبویی در آن نباشد مانعی ندارد.

**«مسأله ۲۵۲» اگر مُحْرَم عمداً به بدن خود روغنی که مخلوط با چیز خوشبویی است بمالد،**

بنابر احتیاط واجب باید کفاره بدهد؛ هر چند از روی ناچاری و برای معالجه باشد؛ و کفاره آن ذبح یک گوسفند است. و اگر از روی ندانستن مسأله باشد بنابر احتیاط یک مسکین اطعام کند. و اگر روغن ذاتاً خوشبو باشد بنابر احتیاط نیز کفاره را بدهد؛ ولی اگر روغن خوشبو نباشد در مالیدن آن کفاره ثابت نیست، هر چند خوب بلکه احوط است.

**دهم از محرمات احرام «سرمه کشیدن» است.**

**«مسأله ۲۵۳» سرمه کشیدن به سرمه سیاه که معمولاً برای زینت استعمال می شود**

هر چند قصد زینت نکند، و همچنین به سرمه هایی که در آنها چیزهای خوشبو و معطر به کار رفته برای مرد و زن در حال احرام حرام است؛ و بنابر احتیاط واجب از هر

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۲

سرمه ای که زینت باشد اجتناب نمایند. ولی استعمال سرمه ای که نه سیاه و نه خوشبو و نه زینت باشد مانعی ندارد.

**«مسأله ۲۵۴» اگر برای معالجه چشم ناچار باشند سرمه بکشند،**

جایز است از سرمه هایی که در آنها چیزهای خوشبو به کار نرفته استفاده نمایند.

**«مسأله ۲۵۵» در سرمه کشیدن کفاره ثابت نیست؛**

هر چند احوط ذبح یک گوسفند است. ولی اگر در سرمه چیزهای خوشبو به کار رفته باشد، کفاره آن بنابر احتیاط واجب ذبح یک گوسفند است.

**یازدهم از محرمات احرام «به دست کردن انگشتر به قصد زینت» است.**

**«مسأله ۲۵۶» بر مَحْرَم حرام است به قصد زینت انگشتر به دست کند؛**

ولی اگر به قصد عمل به استحباب باشد مانعی ندارد؛ همچنین برای مقاصد عقلایی دیگر مانند استفاده از خواص نگین آن یا حفظ آن از گم شدن یا شمردن شوطهای طواف با آن مانعی ندارد.

**«مسأله ۲۵۷» در استعمال انگشتر به قصد زینت، کفاره ثابت نیست؛**

هر چند اولی و احوط ذبح یک گوسفند است.

**دوازدهم از محرمات احرام «زینت کردن و پوشیدن زیور» برای زن است.**

### «مسأله ۲۵۸» جایز نیست زن در حال احرام خود را زینت کند

و یا زیورهایی را به قصد زینت بپوشد؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب از آنچه زینت است اجتناب نماید، هر چند به قصد زینت

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۳

نباشد. ولی زیورهایی را که پیش از احرام عادت به پوشیدن آنها داشته لازم نیست برای احرام بیرون آورد؛ لکن باید آنها را بپوشاند و به هیچ مرد حتی به شوهر خود آنها را نشان ندهد.

### «مسأله ۲۵۹» بر مرد و زن در حال احرام حرام است به قصد زینت حنا ببندند؛

بلکه اگر حنا بستن زینت باشد بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کنند، هر چند به قصد زینت نباشد. ولی اگر زینت نباشد و برای معالجه و درمان از آن استفاده کنند مانعی ندارد.

### «مسأله ۲۶۰» حنا بستن پیش از احرام به هر قصد باشد مانعی ندارد؛

ولی اگر اثر و رنگ آن تا زمان احرام باقی می ماند خوب است آن را ترک کنند، بلکه احوط است.

### «مسأله ۲۶۱» در زینت کردن و استعمال زیور آلات و حنا بستن کفاره ثابت نیست؛

هر چند اولی و احوط ذبح یک گوسفند است.

### سیزدهم از محرمات احرام «نگاه کردن در آینه» است.

### «مسأله ۲۶۲» نگاه کردن مرد و زن در حال احرام در آینه برای زینت جایز نیست؛

بلکه بنا بر احتیاط واجب برای غیر زینت هم در آینه نگاه نکنند، مگر اینکه به هیچ وجه صدق زینت نکند.

### «مسأله ۲۶۳» اگر عکس گرفتن از اشخاص یا منظره ها مستلزم نگاه در آینه باشد؛

بنا بر احتیاط از آن اجتناب نمایند.

### «مسأله ۲۶۴» اگر در اطافی که شخص محرم سکونت دارد

آینه باشد و می داند که گاهی چشم او بی اختیار به آینه می افتد ظاهراً اشکال ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط آینه را بردارد یا چیزی روی آینه ببندد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۴

**«مسأله ۲۶۵» نگاه کردن مُحرَم به اجسام صاف و صیقل داده شده**

که عکس انسان در آنها پیداست و همچنین نگاه کردن در آب مانعی ندارد؛ مگر اینکه برای زینت باشد.

**«مسأله ۲۶۶» عینک زدن اگر زینت باشد**

در حال احرام حرام است؛ و اگر زینت نباشد مانعی ندارد.

**«مسأله ۲۶۷» در نگاه کردن در آینه كفاره ثابت نیست؛**

هر چند اولی و احوط ذبح یک گوسفند است. و مستحب است پس از نگاه کردن در آینه لثیک بگوید.

**چهاردهم از محرمات احرام «پوشیدن لباس دوخته» بر مردان است.**

**«مسأله ۲۶۸» بر مرد مُحرَم پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیر شلواری**

و جامه های آستین دار که معمولاً دستها را در آستین آنها می کنند، و جامه های دکمه دار که معمولاً دکمه های آنها را می اندازند حرام است؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن هر جامه دوخته شده اجتناب نماید.

همچنین از پوشیدن لباسهایی که شبیه به دوخته است مانند پیراهنها و زیر پیراهنهایی که با چرخ یا با دست می بافند اجتناب کند؛ همچنین است پوششهایی که با پشم می مالند مانند کُلیچه و نمدهایی که چوپانان می پوشند.

**«مسأله ۲۶۹» بنا بر احتیاط مرد مُحرَم از پوشیدن هر نوع لباس دوخته اجتناب نماید؛**

هر چند کوچک باشد، مانند کمر بند دوخته و شب کلاه.

**«مسأله ۲۷۰» اگر قمقمه آب مثلاً در محفظه دوخته باشد**

یا وسائل سفر در ساک دوخته باشد بنا بر احتیاط در حال احرام آنها را

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۵

بر دوش نیندازد؛ ولی دست گرفتن آنها مانعی ندارد.

**«مسأله ۲۷۱» همیانی را که در آن پول خود را حفظ می کنند**

و به کمر می بندند برای مُحرَم جایز است آن را به کمر خود ببندد؛ هر چند دوخته باشد، ولی بنا بر احتیاط بدون گره باشد.

**«مسأله ۲۷۲» اگر مُحرَم به فتق بند دوخته نیاز پیدا کند**

و ناچار شود آن را به خود ببندد جایز است آن را به خود ببندد؛ ولی بنا بر احتیاط کفاره آن را بدهد.

**«مسئله ۲۷۳» اگر مُحرم به لباس دوخته احتیاج پیدا کند**

و ناچار شود آن را بپوشد جایز است آن را بپوشد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب باید کفاره آن را بدهد.

**«مسئله ۲۷۴» کفاره پوشیدن لباس دوخته**

اگر از روی علم و عمد باشد، ذبح یک گوسفند است؛ همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر از روی اضطرار و ناچاری باشد؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد کفاره واجب نیست.

**«مسئله ۲۷۵» جایز است مُحرم هنگام خوابیدن از لحاف یا روانداز دوخته استفاده کند**

و بدن خود را با آن بپوشاند؛ ولی سر خود را باید نپوشاند. و بنا بر احتیاط در حال نشستن نیز لحاف یا پتو را به خود نیچد.

**«مسئله ۲۷۶» مُحرم جایز است شال ندوخته یا عمامه را دور کمر خود روی لنگ ببندد؛**

ولی بنا بر احتیاط آن را تا سینه خود بالا نبرد. بلکه خوب است به طور کلی از بستن شال و عمامه به دور کمر اجتناب نماید.

**«مسئله ۲۷۷» اگر مُحرم چند نوع لباس دوخته بپوشد**

- مانند پیراهن و قبا و شلوار- برای هر کدام باید یک کفاره بدهد. و اگر آنها را داخل یکدیگر کند و یکدفعه بپوشد باز هم بنا بر احتیاط واجب

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۶

برای هر کدام یک کفاره بدهد.

**«مسئله ۲۷۸» اگر مُحرم چند لباس دوخته از یک نوع بپوشد**

- مثلاً چند پیراهن یا چند قبا بپوشد- چه در یک مجلس باشد یا در چند مجلس، بنا بر احتیاط برای هر کدام یک کفاره بدهد.

**«مسئله ۲۷۹» اگر یک نوع لباس دوخته مانند پیراهن مثلاً بپوشد**

و کفاره آن را بدهد و بعد پیراهن دیگر بپوشد یا آن پیراهن را درآورد و پس از دادن کفاره دوباره آن را بپوشد باید دوباره کفاره بدهد.

**«مسئله ۲۸۰» اگر از روی اضطرار و ناچاری چند نوع لباس دوخته بپوشد**

بنا بر احتیاط واجب باید برای هر کدام یک کفاره بدهد؛ همچنین است بنا بر احتیاط اگر چند لباس دوخته از یک نوع بپوشد.

### «مسأله ۲۸۱» اگر مُحرم لباس دوخته ای را از روی فراموشی یا ندانستن مسأله پوشیده است

پس از توجه و علم باید فوراً آن را در آورد. پس اگر آن را پیش از تلبیه پوشیده است می تواند آن را از طرف سر در آورد؛ و لازم نیست آن را از طرف پا در آورد. ولی اگر بعد از تلبیه و تحقق احرام پوشیده است، باید از طرف پا در آورد؛ و اگر یقۀ آن تنگ است باید آن را بشکافد یا پاره کند تا از طرف پا کنده شود. و در هر دو صورت اگر در بیرون آوردن آن کوتاهی نکند کفاره واجب نیست؛ و اگر عمداً کوتاهی کند و بیرون آوردن آن را به تأخیر بیندازد باید کفاره بدهد. و تفصیلی که در چگونگی بیرون آوردن لباس دوخته گفته شد، در صورتی که از روی علم و عمد هم آن را پوشیده باشد جاری است.

### «مسأله ۲۸۲» برای زنها جایز است در حال احرام هر اندازه لازم داشته باشند لباس دوخته بپوشند؛

با رعایت شرایطی که در لباس احرام معتبر است و پیش از این گفته شد؛ و کفاره نیز واجب نیست. ولی بنا بر روایات معتبر زنها در حال احرام نهی شده اند از

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۷

پوشیدن «قُفَّازین» که به صورت یک جفت دستکش زنانه بوده و زنها برای رفع سرما به دست می کرده اند و بیشتر جنبه زینت داشته است؛ و بنا بر احتیاط از پوشیدن هر نوع دستکش در حال احرام اجتناب نمایند.

### پانزدهم از محرمات احرام «دکمه گذاشتن و گره زدن جامه های احرام» است.

### «مسأله ۲۸۳» مرد مُحرم نباید به جامه های خود دکمه بگذارد

و دو طرف جامه را با دکمه به یکدیگر متصل کند. همچنین بنا بر احتیاط واجب نباید لنگ خود را به گردن خود گره بزند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب هیچ یک از جامه های احرام را به گردن خود و به یکدیگر گره نزند. همچنین دو طرف جامه را با سوزن و سنجاق و گره به یکدیگر متصل نکند؛ بلکه یک طرف لنگ را در طرف دیگر آن فرو کند.

و بعید نیست بتواند برای حفظ رداء از افتادن، دو طرف آن را با گذاشتن سنگ در آن و پیچیدن نخ به دور آن بدون گره به یکدیگر متصل کند؛ ولی یک طرف آن را روی طرف دیگر نیندازد.

### «مسأله ۲۸۴» دکمه گذاشتن و گره زدن جامه های احرام کفاره ندارد؛

هر چند اولی و احوط ذبح یک گوسفند است.

### شانزدهم از محرمات احرام «پوشیدن جوراب و چکمه» برای مردان است.

### «مسأله ۲۸۵» بر مرد مُحرم پوشیدن جوراب و چکمه،

بلکه موزه و گیوه و هر چه تمام روی پا را بپوشاند حرام است؛ ولی برای زن در حال احرام مانعی ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۸

**«مسئله ۲۸۶» اگر مرد مُحرم نعلین پیدا نکند**

و ناچار شود چکمه یا جوراب و مانند اینها را بپوشد، بنابر احتیاط واجب روی آنها را شکاف دهد؛ بلکه خوب است ساق آنها را نیز قطع کند.

**«مسئله ۲۸۷» اگر مرد مُحرم از روی علم و عمد چکمه و جوراب و امثال اینها را پوشید**

بنابر احتیاط یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح نماید.

**«مسئله ۲۸۸» اگر مرد مُحرم زیر لحاف یا پتو بخوابد**

مانعی ندارد؛ هر چند روی پاهای او را بپوشاند.

**«مسئله ۲۸۹» در حال احرام پوشیدن نعلینی که بندهای عریض دارد**

ولی همه روی پاها را نمی گیرد مانعی ندارد؛ هر چند بهتر است نعلین با بندهای باریک انتخاب شود.

**هفدهم از محرمات احرام «پوشیدن سر» برای مردان است.**

اشاره

---

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

احکام و مناسک حج (منتظری)؛ ص: ۱۱۸

**«مسئله ۲۹۰» مرد مُحرم نباید در حال احرام تمام سر خود یا قسمتی از آن را با لباس یا پارچه بپوشاند؛**

بلکه بنابر احتیاط واجب با گل و حنا و دوا و پوشال و گذاشتن محمولات روی سر و مانند اینها نیز سر خود را نپوشاند.

**«مسئله ۲۹۱» مرد مُحرم اگر سرش را بشوید،**

نباید سر یا بعضی آن را با حوله و دستمال خشک کند.

**«مسئله ۲۹۲» مرد مُحرم نباید در حال احرام کلاه گیس**



بر سر گذارد.

**«مسئله ۲۹۳» گوشها در اینجا حکم سر را دارند؛**

پس مرد مُحرم نباید آنها را بیوشاند.

**«مسئله ۲۹۴» مُحرم جایز است سر خود را با اعضای بدن خود مانند دستها یا ذراع خود بیوشاند؛**

هر چند احوط ترک است،

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۱۹

مگر در مواقع ضرورت، مانند مسح سر یا خاراندن سر و مانند اینها.

**«مسئله ۲۹۵» مُحرم جایز است برای خواب سر خود**

را روی زمین یا بالش بگذارد.

**«مسئله ۲۹۶» برای مُحرم خوابیدن زیر پشه بند و مانند**

آن که بالای سر قرار می گیرند و سر را نمی پوشانند مانعی ندارد.

**«مسئله ۲۹۷» برای مُحرم گذاشتن بند مشگ آب بر سر**

مانعی ندارد.

**«مسئله ۲۹۸» برای مُحرم جایز است هنگام سر درد،**

دستمالی را به سر ببندد؛ ولی احتیاطاً كفاره بدهد.

**«مسئله ۲۹۹» مُحرم اگر سر خود را هنگام خواب یا زمانی دیگر از روی غفلت و فراموشی یا ندانستن مسئله بیوشاند**

كفاره ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط لُبیک بگوید و پس از توجه فوراً سر خود را باز کند؛ و اگر باز نکرد و ادامه داد، بنا بر احتیاط واجب كفاره بدهد.

**«مسئله ۳۰۰» مُحرم جایز نیست در آب فرورود**

به طوری که سرش زیر آب برود؛ همچنین نباید سر خود را زیر آب کند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب سر خود را در مایع دیگر هم نکند، و بعضی سر را نیز زیر آب یا مایع دیگر نکند. و بنا بر احتیاط زن نیز در حال احرام سر یا بعضی سر را زیر آب یا مایع دیگر نکند. ولی برای غسل یا شستشو اگر آب روی سر بریزند یا زیر دوش بروند مانعی ندارد؛ لکن زیر آبشاری که همه سر

را فرو می گیرد نروند.

**«مسأله ۳۰۱» مُحْرَم اگر سر خود را از روی علم و عمد بپوشاند**

یا زیر آب فرو برد بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد؛ و کفاره آن ذبح یک گوسفند است. و بنا بر احتیاط برای پوشاندن

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۰

بعض سر و همچنین پوشاندن به جهت اضطرار و ناچاری نیز کفاره بدهد؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد کفاره ندارد؛ چنانکه در مسأله «۲۹۹» گذشت.

**«مسأله ۳۰۲» مرد مُحْرَم اگر سر خود را با لباس دوخته بپوشاند،**

بنا بر احتیاط واجب باید دو کفاره بدهد.

**«مسأله ۳۰۳» مرد مُحْرَم اگر سر خود را چند مرتبه بپوشاند،**

بنا بر احتیاط برای هر کدام یک کفاره بدهد؛ بخصوص اگر سر خود را بپوشاند و کفاره دهد و بعد دوباره بپوشاند.

**«مسأله ۳۰۴» مرد مُحْرَم جایز است صورت خود را بپوشاند**

یا برای خواب صورت خود را روی زمین یا بالش بگذارد؛ ولی بنا بر احتیاط یک مسکین را به دست خود اطعام کند.

**هجدهم از محرمات احرام «پوشاندن صورت» بر زنها است.**

**«مسأله ۳۰۵» جایز نیست زن در حال احرام صورت خود یا قسمتی از آن را**

با نقاب یا روبند یا پوشیه یا باد بزن یا مانند اینها بپوشاند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب صورت خود را با دوا یا حنا یا گل و مانند اینها نیز بپوشاند. ولی پوشاندن صورت به وسیله اعضای بدن خود مانند دستها مانعی ندارد.

**«مسأله ۳۰۶» بنا بر احتیاط واجب زن در حال احرام**

صورت خود را با حوله و مانند آن خشک نکند.

**«مسأله ۳۰۷» زن در حال احرام می تواند صورت خود را**

برای خوابیدن روی زمین یا بالش بگذارد.

**«مسأله ۳۰۸» زن در حال احرام ناچار است سر خود را برای نماز بپوشاند**

و طبعاً به عنوان مقدمه این کار لازم است قسمت کمی از صورت خود را نیز بپوشاند؛ ولی بنا بر احتیاط واجب بعد از

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۱

نماز فوراً آن قسمت را باز نماید.

### «مسئله ۳۰۹» جایز است زن در حال احرام برای رو گرفتن از مرد نامحرم

پَر چادر یا عبا یا جامه ای را که روی سر انداخته به طرف پایین رها کند تا محاذی بینی و در صورت احتیاج تا محاذی گردن قرار گیرد؛ ولی اولی و احوط این است که با دست یا چیز دیگر، آن را از صورت خود دور نگه دارد تا به صورت نجسبند.

### «مسئله ۳۱۰» کفاره پوشاندن صورت

بنا بر احتیاط ذبح یک گوسفند است.

### نوزدهم از محرمات احرام «سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود هنگام سیر و حرکت»

### «مسئله ۳۱۱» جایز نیست مرد مُحرم هنگام سیر و طی مسافت،

خود را در زیر سقف اشیای سایه دارِ متحرک مانند محمل روپوش دار یا ماشین سر پوشیده یا کشتی یا هواپیما قرار دهد؛ همچنین جایز نیست خود را زیر چتر و مانند آن قرار دهد، خواه سواره باشد یا پیاده؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب از سایه چیزی که بالای سر او نیست نیز استفاده نکند؛ پس نباید چتر را در طرف راست یا چپ خود قرار دهد به نحوی که از سایه آن استفاده کند.

آری شخص پیاده اگر در کنار ماشین و مانند آن حرکت کند به نحوی که در سایه آن واقع شود اشکال ندارد.

و بنا بر اقوی جایز است در حال سیر از زیر پلها و تونلها و در سایه دیوارها و درختها و کوهها عبور نماید. ولی اگر با وجود راههای متعدد راه تونل را برای سایه اش انتخاب نماید خالی از اشکال نیست.

### «مسئله ۳۱۲» جایز است مرد مُحرم در منازل بین راه

و

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۲

همچنین در مکه و منی و عرفات و مشعر در خیمه یا سایبان یا اطاق و یا هر ساختمان دیگر منزل کند و زیر سایه برود؛ همچنین رفتن در زیر سقف مسجد شجره و مساجد بین راه و مسجدالحرام و مساجد مکه و منی و محل سعی که سقف دار است و مغازه ها و بازارهای سقف دار مکه معظمه و امثال اینها مانعی ندارد. ولی برای رفت و آمدهای خود در منازل بین راه و در

خیابانهای مکه و منی و مشعر و عرفات بنا بر احتیاط آنچه را در مسأله پیش گفته شد رعایت کند و از چتر و ماشین سقف دار و امثال اینها استفاده نکند؛ مگر در حال ضرورت و

ناچاری.

**«مسأله ۳۱۳» در حرمت استفادهٔ مرد مُحرم از ماشین سقف دار و هواپیما و مانند اینها بین روز و شب فرق نیست.**

و چنانکه در روایات مسأله اشاره شده استفاده از اینها تنها برای جلوگیری از آفتاب نیست؛ بلکه برای حفاظت از باد و باران و سرما نیز از اینها استفاده می شود؛ و مرد مُحرم از این قبیل استفاده ها منع شده است.

**«مسأله ۳۱۴» جایز است مرد مُحرم به وسیلهٔ دست و ذراع خود جلوی**

تابش آفتاب را بر بدن خود بگیرد.

**«مسأله ۳۱۵» استفاده از اشیای سقف دار و سایه دار برای زنها و بچه های نابالغ**

در حال احرام مانعی ندارد.

**«مسأله ۳۱۶» اگر مرد مُحرم از گرما یا سرما بی تاب می شود**

و به حدّ اضطرار و ناچاری رسیده، در این صورت جایز است از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کند؛ ولی باید کفاره بدهد.

**«مسأله ۳۱۷» کفارهٔ زیر سایه رفتن ذبح یک گوسفند است؛**

و چنانچه این عمل تکرار شده و در بین آنها کفاره نداده، در هر احرام یک کفاره کافی است. یعنی یک کفاره برای احرام عمره و یک کفاره برای احرام حج. و فرقی بین حال اختیار و اضطرار نیست؛

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۳

هرچند نسبت به حال اختیار بهتر بلکه احوط است که برای هر روز یک کفاره بدهد.

و اگر در بین آنها کفاره دهد و دوباره در همان احرام زیر سایه برود بنابر احتیاط واجب دوباره کفاره بدهد. و اگر عمل از روی فراموشی یا ندانستن مسأله واقع شده کفاره واجب نیست.

**بیستم از محرمات احرام «فسوق» است.**

**«مسأله ۳۱۸» در قرآن کریم «فسوق» از محرمات احرام شمرده شده،**

و در اخبار وارده به دروغ و دشنام و فخر کردن تفسیر شده است. و ظاهراً مقصود در اینجا «فخر فروشی ناحق» است؛ بدین معنا که انسان فضیلتهایی را به دروغ به خود نسبت دهد و از طرف مقابل خود سلب نماید، و عیبهایی را از خود سلب و به طرف

مقابل نسبت دهد.

و در حقیقت فخر فروشی شاخه ای از دروغ و دشنام است؛ و هرچند این سه موضوع همیشه حرام می باشند ولی معلوم می شود حرمت آنها در حال احرام شدیدتر است، خواه مرتکب آنها مرد باشد یا زن.

و خوب است شخص محرم خود را به طور کلی از همه بدیها حفظ کند و به عبادت و ذکر خدا مشغول نماید.

### «مسأله ۳۱۹» بنا بر مشهور در فسوق کفاره نیست؛

بلکه باید استغفار کند و تلبیه را اعاده نماید. ولی بنا بر احتیاط کفاره بدهد؛ و کفاره آن ذبح یک گاو است.

### بیست و یکم از محرمات احرام «جدال» است.

### «مسأله ۳۲۰» جدال و ستیزه جویی که همراه قسم خوردن

به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۴

کلمه: «لاوالله» یا «بلی والله» باشد در حال احرام حرام است؛ خواه قسم راست باشد یا دروغ، و مُحرم مرد باشد یا زن.

و بنا بر احتیاط واجب باید هر نوع قسم به خدا را ترک کنند؛ خواه در حال نزاع و ستیزه جویی باشند یا نه، و به کلمه: «لاوالله» یا «بلی والله» باشد یا به الفاظی دیگر مانند: «والله» یا «تالله» بدون «لا» و «بلی». همچنین است ترجمه کلمه های نامبرده، و قسم خوردن به دیگر نامهای خداوند مانند: «والرحمن» یا «والرحیم» مثلاً.

ولی نزاع و ستیزه جویی بدون قسم و همچنین قسم خوردن به غیر خدا و نامهای خدا مثل: «به جانم قسم» یا قسم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام از محرمات احرام نیستند.

### «مسأله ۳۲۱» قسم به خدا در حال احرام در دو صورت مانعی ندارد:

اول: اینکه برای اثبات حقی یا دفع باطلی ضرورت پیدا کند که به خدا قسم بخورد؛ ولی بنا بر احتیاط اگر سه بار قسم بخورد یک گوسفند کفاره بدهد.

دوم: اینکه به قصد اظهار محبت نسبت به طرف مقابل و وعده به او قسم بخورد؛ مثل اینکه بنا دارد به نفع طرف کاری انجام دهد و او می گوید به خدا قسم این کار را نمی کنی، پس شخص مُحرم بگوید: به خدا قسم انجام می دهم. و این قبیل قسم نه جدال است و نه کفاره دارد.

### «مسأله ۳۲۲» بنا بر مشهور اگر قسم مُحرم راست باشد

قسم اول و دوم او كفاره ندارد و فقط بايد استغفار كند؛ و كفاره قسم سوم يك گوسفند است. و اگر قسم او دروغ باشد كفاره يك قسم يك گوسفند، و دو قسم يك گاو، و سه قسم يك شتر است.

ولى اثبات تفصيل ياد شده نسبت به قسم دروغ با وجود اخبار

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۱۲۵

مختلفه در مسأله مشكل است؛ هر چند تا اندازه اى به احتياط نزديك است. و بنا بر ثبوت تفصيل ياد شده، بعيد نيست گفته شود:

مقصود از سوم در هر دو قسم قسم، رقم سه به بالاست نسبت به موضوع واحد، به شرط اينكه در بين، كفاره نداده باشد. پس در موضوع واحد، يك قسم و دو قسم راست كفاره ندارد، و سه قسم راست به بالا هر چه باشد كفاره آن يك گوسفند است؛ و كفاره يك قسم دروغ يك گوسفند، و دو قسم دروغ يك گاو، و سه قسم به بالا يك شتر است، ولى اگر بين قسمها كفاره گذشته را بدهد و باز بعد از كفاره نسبت به همان موضوع قسم بخورد قسم گذشته به

حساب نمی آید و از نو باید حساب کند. و اگر قسمها نسبت به موضوعهای مختلف باشد، هر موضوعی باید جداگانه حساب شود؛ خواه کفاره گذشته را داده باشد یا نداده باشد؛ واللّٰه العالم.

**بیست و دوم از محرمات احرام «کشتن جانوران بدن» است.**

**«مسأله ۳۲۳» مُحْرَم جَائِز نِیْسْت شِیْشِی رَا کِه دَر بَدَن و لِبَاسِ اِنْسَانِ وَجُود دَارَد**

با دست یا سم و دارو یا به وسیله دیگر بکشد، و یا آن را از بدن و لباس خود دور اندازد، و یا آن را در بدن خود جابجا کند، مگر به جایی که امن تر باشد. و بنا بر احتیاط واجب کک و پشه را نیز نباید بکشد، مگر اینکه او را اذیت کنند؛ ولی جایز است آنها را از بدن خود براند یا به دور اندازد، هر چند احوط ترک است.

چنانکه کنه و امثال آن را نیز جایز است از بدن و لباس خود دور اندازد.

**«مسأله ۳۲۴» بِنَابِرِ اِحْتِیَاطِ وَاجِبِ بَرای کِشْتِنِ یا دُورِ اِنْدَاخْتِنِ شِیْشِی دَر حَالِ اِحْرَامِ یَکِ مِشْتِ از طَعَامِ صَدَقَه بَدِهْد؛**

و بنا بر احتیاط در حال خطا نیز این کار را انجام دهد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۶

**بیست و سوم از محرمات احرام «جدا کردن مو از بدن خود یا دیگری» است.**

**«مسأله ۳۲۵» مُحْرَم جَائِز نِیْسْت سِرِ خُودِ یا دِیْگَرِی رَا بْتَرَاشِد،**

یا به هر شکل مویی از بدن خود یا دیگری برطرف کند؛ خواه شخص دیگر در حال احرام باشد یا نباشد، و خواه از ازاله مو به تراشیدن باشد یا به کندن یا چیدن یا ماشین کردن و یا نوره کشیدن، و خواه مو کم باشد یا زیاد؛ حتی یک مو هم جایز نیست از بدن خود یا دیگری بکند.

البته از این حکم دو مورد استثناء شده است:

اول: اینکه هنگام وضو یا غسل در اثر دست کشیدن به صورت یا بدن، خودبخود و بدون قصد مو از بدن جدا شود.

دوم: اینکه ضرورت، تراشیدن یا کندن مو را ایجاب کند؛ مثل اینکه مو در پلک چشم روییده باشد و موجب ناراحتی او باشد، یا وجود مو در سر مثلاً موجب درد سر باشد و چاره ای جز تراشیدن نباشد، یا اینکه وجود مو موجب کثرت شپش شده باشد و محرم از آن رنج می برد؛ البته در صورت دوم باید کفاره بدهد.

**«مسأله ۳۲۶» مُحْرَم اِگَر سِرِ خُودِ رَا بَدُونِ ضَرُورَتِ بْتَرَاشِد**



باید استغفار کند و کفاره هم بدهد؛ و بنابر احتیاط واجب کفاره آن ذبح یک گوسفند است. و اگر به جهت ضرورت سر خود را بترشد واجب است کفاره بدهد؛ و در کفاره آن مخیر است بین اینکه یک گوسفند ذبح کند یا سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را اطعام کند، یعنی به هر کدام دو مدّ طعام بدهد؛ و خوب است به ده مسکین به هر کدام دو مدّ طعام بدهد. و مقصود از دو مدّ طعام حدود یک کیلو و نیم مواد غذایی است مانند: گندم یا آرد یا نان و یا برنج.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۷

**«مسأله ۳۲۷» مُحْرِم اگر موی سر خود را به غیر از تراشیدن برطرف کند،**

بنابر احتیاط واجب باید کفاره تراشیدن آن را بدهد؛ بلکه این امر خالی از قوت نیست.

**«مسأله ۳۲۸» مُحْرِم اگر موهای زیر هر دو بغل خود را برطرف کند**

کفاره آن ذبح یک گوسفند است؛ همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر موهای زیر یک بغل خود را برطرف نماید.

**«مسأله ۳۲۹» اگر مُحْرِم بعضی از سر خود را بترشد**

به گونه ای که بگویند سرش را تراشیده، یا قسمتی از بدن خود- غیر از سر و زیر بغل- را بترشد، بنابر احتیاط واجب حکم آن حکم تراشیدن همه سر است؛ همچنین است اگر موها را به غیر تراشیدن برطرف کند.

**«مسأله ۳۳۰» اگر مُحْرِم یک مو یا چند مو از ریش یا غیر ریش خود بکند،**

کفاره آن صدقه دادن یک مشت طعام است؛ و بهتر است یک مدّ یا دو مشت طعام صدقه بدهد.

**«مسأله ۳۳۱» اگر مُحْرِم عمداً دست به سر یا ریش خود بکشد**

و خود بخود و بدون قصد مویی کنده شود باید یک مشت طعام صدقه بدهد؛ ولی اگر برای وضو یا غسل دست به صورت یا بدن خود بکشد و خودبخود مویی زائل شود کفاره واجب نیست.

**«مسأله ۳۳۲» جایز است مُحْرِم سر یا بدن خود را بخاراند،**

ولی باید به گونه ای باشد که نه خون خارج گردد و نه مویی از بدن او کنده شود.

**«مسأله ۳۳۳» اگر مُحْرِم سر دیگری را بترشد**

یا مویی از بدن او زایل کند باید استغفار نماید، ولی کفاره بدهکار نیست؛ هر چند آن شخص اگر خودش اجازه داده باشد در صورت مُحْرِم بودن باید کفاره بدهد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۸

**«مسأله ۳۳۴» اگر مُحرم از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سر خود را بتراشد**

یا مویی از بدن خود زایل کند کفاره واجب نیست.

**«مسأله ۳۳۵» در حرمت زایل کردن مو در حال احرام**

و در کفاره آن بین زن و مرد فرقی نیست.

**بیست و چهارم از محرمات احرام «بیرون آوردن خون از بدن خود» است.**

**«مسأله ۳۳۶» مرد و زن در حال احرام جایز نیست به نحوی از انحاء خون از بدن خود بیرون نمایند؛**

خواه به خاراندن بدن باشد یا به حجامت کردن یا رگ زدن یا خون گرفتن و یا به نحو دیگر.

**«مسأله ۳۳۷» اگر در حال احرام خون گرفتن یا حجامت کردن یا رگ زدن ضرورت پیدا کند**

مانعی ندارد؛ همچنین است اگر باز کردن دمل یا خاراندن جَرَب مثلاً ضرورت پیدا کند، هر چند موجب بیرون آمدن خون باشد.

**«مسأله ۳۳۸» مسواک کردن در حال احرام مانعی ندارد؛**

ولی اگر می داند که موجب بیرون آمدن خون می شود بنا بر احتیاط از آن اجتناب کند.

**«مسأله ۳۳۹» تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد؛**

ولی اگر موجب بیرون آمدن خون می شود باید از آن اجتناب کند، مگر اینکه ضرورت داشته باشد.

**«مسأله ۳۴۰» بنا بر احتیاط کفاره بیرون آوردن خون از بدن**

ذبح یک گوسفند است.

**«مسأله ۳۴۱» مُحرم می تواند از بدن دیگری که مُحرم نیست خون خارج نماید؛**

مثل اینکه او را حجامت کند یا از او خون بگیرد یا مثلاً دندان او را بکند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۲۹

**بیست و پنجم از محرمات احرام بنا بر احتیاط «کندن دندان» است.**

**«مسأله ۳۴۲» بنا بر احتیاط مُحرم در حال احرام دندان خود را نکشد،**

هر چند خون بیرون نیاید؛ و اگر کشید بنا بر احتیاط یک گوسفند ذبح نماید. و اگر دندان او را اذیت می کند و ناراحت است مانعی ندارد آن را بکشد؛ ولی بنا بر احتیاط کفاره آن را بدهد.

چنانکه کشیدن دندان دیگری نیز مانعی ندارد.

**بیست و ششم از محرمات احرام «ناخن گرفتن» است.**

**«مسأله ۳۴۳» گرفتن ناخن یا قسمتی از آن در حال احرام جایز نیست؛**

خواه از دست باشد یا از پا، مُحرم مرد باشد یا زن، با قیچی بگیرد یا ناخنگیر یا چاقو؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب با سوهان آن را نساید و با دندان نیز آن را جدا نکند. مگر اینکه باقی ماندن ناخن موجب اذیت و ضرر باشد؛ مثل اینکه ناخن کنده شده باشد و ماندنش موجب ناراحتی شدید باشد؛ پس در این صورت جایز است آن را جدا کند و کفاره آن را بدهد.

**«مسأله ۳۴۴» اگر مُحرم دست یا پا و یا انگشت زیادی داشته باشد**

بنا بر احتیاط واجب ناخن آنها را نیز نگیرد؛ و اگر گرفت کفاره آن را بدهد.

**«مسأله ۳۴۵» مُحرم اگر ناخن شخص دیگری را**

که مُحرم نیست بگیرد مانعی ندارد.

**«مسأله ۳۴۶» اگر مُحرم یک ناخن از دست یا پای خود بگیرد**

برای کفاره آن باید یک مُدّ طعام صدقه بدهد. همچنین است تا ناخن نهم که برای هر ناخن باید یک مُدّ طعام صدقه بدهد. و اگر

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۰

همه ده ناخن دستها یا پاها را بگیرد، بدون اینکه بین آنها کفاره بدهد باید برای ده ناخن یک گوسفند ذبح کند.

**«مسأله ۳۴۷» اگر مُحرم همه ناخنهای دستها را در یک مجلس**

یا چند مجلس بگیرد و بعد در مجلس دیگر همه ناخنهای پاها را بگیرد، باید دو گوسفند ذبح کند؛ ولی اگر همه ناخنهای دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد ذبح یک گوسفند کافی است؛ مگر اینکه ناخنهای دستها را مثلاً بگیرد و فوراً کفاره آن را بدهد و پس از آن در همان مجلس ناخنهای پاها را بگیرد که در این صورت باید یک گوسفند دیگر ذبح نماید.

**«مسأله ۳۴۸» اگر مُحرم همه ناخنهای دستها را بگیرد**

و در مجلس دیگر بعضی از ناخنهای پاها را بگیرد، باید برای ناخنهای دست یک گوسفند ذبح کند و برای هر یک از ناخنهای پا یک مدّ طعام بدهد. همچنین است بنا بر احتیاط اگر همه ناخنهای دستها و بعضی از ناخنهای پاها را در یک مجلس بگیرد. هر چند کافی بودن ذبح یک گوسفند در این صورت خالی از وجه نیست.

**«مسأله ۳۴۹» اگر چند ناخن از دستها بگیرد و چند ناخن از پاها**

باید برای هر ناخن یک مدّ طعام بدهد؛ هر چند مجموع آنها ده ناخن یا بیشتر باشد.

**«مسأله ۳۵۰» اگر مُحرم قسمتی از یک ناخن خود را بگیرد**

بنا بر احتیاط واجب باید یک مدّ طعام بدهد.

**«مسأله ۳۵۱» اگر مُحرم ناچار شود ناخن یا ناخنهای خود را بگیرد**

بنا بر احتیاط كفاره را مطابق آنچه گذشت بدهد؛ هر چند بعید نیست اگر به جای یک مدّ طعام یک مشت طعام بدهد کافی باشد.

**«مسأله ۳۵۲» اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله**

در حال احرام ناخنهای خود را بگیرد كفاره واجب نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۱

**«مسأله ۳۵۳» اگر کسی برای مُحرم فتویٰ دهد که جایز است ناخن خود را بگیرد**

و او به گفته او ناخن خود را گرفت به گونه ای که خون خارج شد، بنا بر احتیاط واجب فتوادهنده باید یک گوسفند ذبح کند؛ و خوب است خود او هم یک گوسفند ذبح نماید.

**بیست و هفتم از محرمات احرام «برداشتن سلاح» است.**

**«مسأله ۳۵۴» مُحرم جایز نیست سلاحهای جنگی**

مانند شمشیر، نیزه، تفنگ، کلت و امثال اینها را به دوش گیرد یا با خود حمل کند؛ بلکه بنا بر احتیاط از داشتن سلاح با خود به طور کلی اجتناب نماید، مگر اینکه آن را در جایی پیچیده و مخفی نماید.

و بنا بر احتیاط از حمل وسائل دفاعی از قبیل زره و کلاه خود و سپر نیز اجتناب نماید.

**«مسأله ۳۵۵» جایز است مُحرم در حال ضرورت و ترس**

از دشمن یا دزد سلاح باخود حمل نماید.

**«مسأله ۳۵۶» اگر مُحرم بدون ضرورت با خود سلاح حمل نمود**

بنابر احتیاط کفاره آن ذبح یک گوسفند است.

**بیست و هشتم از محرمات احرام بنابر احتیاط «جنگ کردن و کشتی گرفتن» است.**

**«مسأله ۳۵۷» بنابر احتیاط جنگ کردن در حال احرام**

هر چند در غیر حرم باشد جایز نیست؛ و اگر دو مُحرم با یکدیگر جنگ کردند بنابر احتیاط هر کدام یک گوسفند ذبح نماید.

**«مسأله ۳۵۸» بنابر احتیاط مُحرم با کسی کشتی نگیرد؛**

زیرا در معرض جراحت یا کنده شدن مو قرار می گیرد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۲

**بیست و نهم از محرمات احرام «کندن و بریدن درخت و گیاه حرم» است.**

**«مسأله ۳۵۹» کندن و بریدن و چیدن هر چه در حرم خدا روئیده و می روید،**

درخت باشد یا گیاه، بر مُحرم و غیر مُحرم، مرد باشد یا زن، حرام است؛ و در حقیقت این امر از محرمات حرم است. چنانکه صید حیوانات حرم نیز حرام است، حتی بر غیر مُحرم؛ هر چند ممکن است حرمت آنها نسبت به کسی که در حال احرام است شدیدتر باشد.

**«مسأله ۳۶۰» از حکم گذشته چند مورد استثناء شده است:**

اول: گیاهانی که در اثر راه رفتن انسان و حیوانات و وسیله های نقلیه بدون قصد کنده یا له می شوند.

دوم: جایز است شتر و سایر حیوانات را در علفها و گیاهان حرم رها کنند تا بچرند؛ ولی چیدن و جمع کردن علفهای حرم برای آنها محل اشکال است.

سوم: درختهای خرما و درختهای میوه

چهارم: درختها و گیاهانی که خود انسان آنها را کشت می کند.

پنجم: درختانی که در ملک یا منزل انسان می رویند؛ اما کندن درختهایی که پیش از تملک یا خریدن منزل یا ملک در زمین بوده جایز نیست. چنانکه کندن گیاهانی که در منزل و ملک انسان خودبخود می رویند نیز خالی از اشکال نیست.

ششم: «اذخر» و آن نام گیاهی است خوشبو که از آن معمولاً برای پوشش بامها استفاده می کرده اند.

### «مسئله ۳۶۱» درختی که ریشه آن در حرم و شاخه هایش در خارج حرم،

یا ریشه آن در خارج حرم و شاخه هایش در حرم می باشد حکم درخت حرم را دارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۳

### «مسئله ۳۶۲» کندن و بریدن گیاه و درخت خارج حرم

در حال احرام مانعی ندارد.

### «مسئله ۳۶۳» در مواردی که کندن یا بریدن گیاه و درخت در حرم جایز نیست

بنابر مشهور کفاره کندن درخت بزرگ ذبح یک گاو، و کفاره کندن درخت کوچک ذبح یک گوسفند است؛ و کفاره بریدن قسمتی از درخت قیمت آن قسمت می باشد که باید آنها را صدقه بدهند؛ و در کندن گیاه استغفار کافی است. ولی اقامه دلیل بر این تفصیل با توجه به اخبار وارده در مسئله مشکل است؛ و لکن در درخت بزرگ و کوچک اگر قیمت درخت از یک گاو یا گوسفند زیادتر باشد در صورتی که مقدار زیاده را نیز صدقه بدهند ظاهراً به احتیاط در مسئله عمل شده است. و در کندن گیاه خوب است علاوه بر استغفار قیمت آن را نیز صدقه بدهند.

جای ذبح و نحر کفارات

### «مسئله ۳۶۴» شکار اگر در احرام عمره واقع شود،

جای ذبح و نحر «۱» کفاره آن مکه معظمه است؛ و اگر در احرام حج واقع شود جای ذبح و نحر کفاره آن منی است. همچنین است بنابر مشهور و بنابر احتیاط حکم کفاره در غیر شکار؛ ولی بنابر اقوی در غیر کفاره شکار جایز است آن را تأخیر اندازد و در وطن خود یا جای مناسب دیگری انجام دهد. و اگر فرضاً صدقه دادن گوشت آنها در مکه یا منی مورد نداشته باشد مثل زمان ما، در این صورت احتیاط در تأخیر است. و بنابر احتیاط خود او از گوشت حیوان کفاره نخورد؛ مگر به مقدار کمی به شرط اینکه قیمت آن را صدقه دهد.

---

(۱) - «نحر» یعنی: قربانی کردن شتر.

«مسأله ۳۶۵» برای داخل شدن در حرم خدا چند چیز مستحب است:

اول: اینکه وقتی به حرم خدا رسید پیاده شود و غسل کند و برای تواضع و فروتنی نسبت به خدای متعال، کفش خود را به دست گیرد و پابرهنه داخل حرم شود؛ چنانکه - برحسب روایت «أبان بن تغلب» - حضرت امام صادق علیه السلام چنین کرد و فرمود:

«هر کس به منظور تواضع برای خدا چنین کند، خداوند صد هزار سیئه از او محو می کند، و صد هزار حسنه برای او می نویسد، و صد هزار درجه به او می دهد، و صد هزار حاجت از او روا می کند».

دوم: بر حسب فرمایش شیخ صدوق (ره) هنگام ورود به حرم بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَقَوْلِكَ الْحَقِّ: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلُ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ

سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ. وَ كُلَّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِعَدْلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَنْزِلَةَ لِمَدْيِكَ وَ الْمَغْفِرَةَ لِتُدْنُوِي وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنْكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (۱)

(۱) - من لایحضره الفقیه، ۲ / ۵۲۹.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۵

سوم: وقتی که داخل حرم شد مقداری از گیاه «اذخِر» را که گیاه خوشبویی است بجزود تا دهان او خوشبو شود.

مستحبات ورود به مکه معظمه

**«مسأله ۳۶۶» مستحب است حاجی برای ورود به مکه معظمه نیز غسل کند**

و با آرامش و وقار وارد شود؛ و کسانی که از راه مدینه منوره به مکه می آیند مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از گردنه «مدینین» که در بالای مکه است وارد شوند و هنگام خروج از مکه از گردنه «ذی طوی» خارج شوند. و در حدیث صحیح وارد شده است: «هر کس با حالت آرامش بدون تکبر وارد مکه معظمه شود، خداوند گناهان او را می آمرزد».

**آداب ورود به مسجدالحرام**

**«مسأله ۳۶۷» مستحب است حاجی در حال ورود به مسجدالحرام با غسل باشد**

و با پای برهنه و آرامش و وقار و خشوع وارد مسجد شود؛ و ورود او از در «بنی شیبه» باشد که بر حسب آنچه گفته شده در امتداد باب السلام فعلی واقع شده، پس خوب است انسان از «باب السلام» وارد شود؛

**و مستحب است بر درب داخلی مسجدالحرام بایستد و بگوید:**

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ (خَلِيلِ اللَّهِ)، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۶



رو به خانه خدا بایستد و دستها را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَن خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا مَبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عِبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

بعد کعبه را مخاطب قرار داده بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا مَبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و در روایتی دیگر وارد شده که درب مسجد می گوئی:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَيَّ مَلَهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُوسَى وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْحَمِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارَكْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [وَ آلِ مُحَمَّدٍ] عِنْدَكَ وَ رَسُولِكَ وَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلِّمْ عَلَيَّ الْمُوسَى وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۱۳۷

الإيمان أيداً ما أبتغيتني جلّ ثناء وجهك، الحمد لله الذي جعلني من وفده و زواره و جعلني ممن يعمر مساجده، و جعلني ممن ينجيه.

اللَّهُمَّ إِنِّي عِبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَيَّ كَمَلٌ مَيَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَا تَيَّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خِيَدُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَيِّدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ. ل) كُفُوءًا أَحَدٌ،

وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس سه مرتبه می گویی: «اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می گویی: «وَ أَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

### و هنگامی که محاذی حجرالأسود شدی بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بَعَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ بَعَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

### پس به فرمایش شیخ صدوق (ره) نگاه کن به حجرالأسود و متوجه آن شو و بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ (مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى) وَ أَحْذَرُ) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

### و در روایت صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«هنگامی که نزدیک حجرالأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای خدا را بجا آور و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بفرست و از خدا بخواه از تو قبول کند؛ پس از آن دست خود را بر حجرالأسود بکش و آن را ببوس، اگر نتوانستی ببوسی دست بکش، و اگر نشد اشاره کن به آن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَيَّ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بَعَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ بَعَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

## واگر نتوانستی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سُبُحْتِي وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

## فصل دوم: طواف خانه خدا واجبات، شرایط، احکام و آداب آن

### اشاره

اولین واجب عمره تمتع «تیت» و دومین واجب آن «احرام» بود که شرح آن گذشت.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۳۹

سوم: «طواف خانه کعبه» است، بدین معنا که هفت مرتبه دور خانه کعبه به گونه ای که شرحش می آید بگردند؛ و هر دور را یک «شوط» می نامند.

### [طواف از ارکان عمره تمتع است]

### «مسأله ۳۶۸» «طواف» از ارکان عمره تمتع است؛

چنانکه از ارکان عمره مفرده و انواع حج نیز می باشد، مگر طواف نساء که هرچند واجب است ولی جزو عمره و حج نیست. پس در عمره تمتع اگر طواف را عمداً ترک کند تا وقت آن فوت شود عمره او باطل می شود. همچنین است عمره مفرده و انواع حج؛ خواه ترک طواف با علم به مسأله باشد یا از روی ندانستن مسأله یا ندانستن محل طواف. و جاهل در حج علاوه بر اعاده حج باید یک شتر نیز کفاره بدهد؛ و بنا بر احتیاط عالم به مسأله نیز این کفاره را بدهد.

و ثبوت این کفاره در عمره مبنی بر احتیاط است.

و وقت فوت عمره تمتع وقتی است که اگر بخواهد آن را با باقی اعمال عمره بجا آورد از وقوف به عرفات که اولین رکن حج است باز می ماند. و وقت فوت آن در انواع حج تمام شدن ماه ذیحجه است. و وقت فوت آن در عمره مفرده محل اشکال است و باید به کتابهای مفصل مراجعه شود.

### «مسأله ۳۶۹» کسی که عمره تمتع را در اثر تأخیر طواف باطل کرده

هرچند محتمل است احرامش نیز به این عمل باطل شده باشد، ولی بنا بر احتیاط تیت خود را به حج افراد برگرداند و احتیاطاً احرام را نیز تجدید نماید و پس از اتمام حج، یک عمره مفرده بجا آورد، و در سال بعد نیز عمره و حج تمتع را اعاده نماید. و

حکم کفاره آن در مسأله پیش گفته شد.

### «مسأله ۳۷۰» اگر کسی طواف را فراموش کرد

عمره و حج او باطل نیست؛ ولی هر وقت یادش آمد باید آن را با نماز آن بجا آورد؛

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۰

بلکه بنا بر احتیاط واجب سعی صفا و مروه را نیز بجا آورد، هر چند آن را بجا آورده باشد. و اگر به وطن خود برگشته و می تواند به مکه برگردد باید برگردد؛ و قهراً اگر ماه احرام اول گذشته باشد باید با احرام جدید وارد مکه شود. و اگر برگشتن برای او مقدور نیست یا مشقت دارد باید به شخص مورد اطمینانی نیابت دهد تا طواف و نماز و سعی را به نیابت او به جا آورد.

و اگر در این مدت پس از توجه به ترک طواف نزدیکی کرده باید کفاره بدهد؛ و کفاره آن بنا بر احتیاط واجب یک شتر است.

همچنین است بنا بر احتیاط اگر پیش از توجه نزدیکی کرده است.

پس اگر طواف عمره بوده شتر را در مکه، و اگر طواف حج بوده شتر را در منی قربانی کند.

### «مسأله ۳۷۱» محرم اگر به واسطه مرض خودش نتواند طواف کند

و تا آخرین فرصت ممکن نیز قدرت پیدانکند، پس اگر ممکن است دیگران او را طواف دهند، به نحوی که پاهایش بر زمین گذاشته شود یا به زمین کشیده شود؛ و اگر ممکن نیست او را به دوش گیرند یا بر تخت گذارند و طواف دهند؛ و اگر به هیچ شکل طواف دادن او ممکن نیست باید برای خود نایب بگیرد.

### «مسأله ۳۷۲» شخص مریض را که طواف می دهند

باید همه شرایط و احکام طواف را به قدر ممکن رعایت کند.

**شرایط طواف**

**اشاره**

در صحیح بودن طواف پنج چیز شرط است:

## **اول «تیت» است**

### **اشاره**

؛ بدین معنا که باید طواف را با توجه و قصد قربت و خلوص برای خدا بجا آورد.

### **«مسأله ۳۷۳» لازم نیست تیت را به زبان بیاورد**

یا تفصیل آن

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۱

را به قلب و دل بگذراند؛ بلکه همین که بنا دارد عمل را برای خدا بجا آورد و دنبال این بنا آن را بجا می آورد کافی است.

طواف و سایر عبادتها مانند سایر کارهای روزانه است که انسان با توجه و اختیار خود انجام می دهد. البته باید اعمال عبادی را برای رضای خدا و عمل به دستور او انجام دهد.

### **«مسأله ۳۷۴» در صحیح بودن طواف و سایر عبادتها فرق نمی کند که عمل را برای خدا بجا آورد، یا برای رضا و خوشنودی خدا،**

یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس و فرار از غضب خدا و اینکه خدا او را به جهنم نبرد، و یا برای اینکه خدا به او ثواب دهد و او را به بهشت ببرد.

### **«مسأله ۳۷۵» اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج و عبادتهای دیگر ریا کند،**

یعنی برای نشان دادن و به رخ کشیدن و تحسین دیگران عمل را بجا آورد، علاوه بر اینکه عمل او باطل است در این کار معصیت خدا رانیز کرده است و باید توبه کند.

### **«مسأله ۳۷۶» اگر در عملی که برای خدا بجا می آورد مخلص نباشد**

و رضای دیگری را نیز شرکت دهد عمل او باطل است.

### **«مسأله ۳۷۷» اگر عمل را فقط برای خدا بجا آورد**

ولی پس از تمام شدن عمل آن را به رخ دیگران بکشد، عمل باطل نمی شود.

## **دوم از شرایط طواف «طهارت از حدث» است؛**

پس طواف کننده باید پاک باشد، هم از حدث اکبر که موجب غسل است- مانند جنابت و حیض و نفاس و مسّ میت- و هم از حدث اصغر که موجب وضوست، یعنی باید با وضو باشد.

**«مسأله ۳۷۸» طهارت از حدث در طواف واجب شرط است؛**

خواه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء؛ حتی در عمره

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۲

و حج مستحبی نیز چون پس از احرام اتمام آنها واجب می شود طهارت در طواف آنها شرط است.

**«مسأله ۳۷۹» مُحدث «ا» اگر طواف واجب بجا آورد باطل است؛**

خواه از روی علم و عمد باشد یا از روی غفلت یا فراموشی یا ندانستن مسأله. مانند نماز که اگر بی طهارت بجا آورده شود در هر حال باطل است و باید از سر گیرد.

**«مسأله ۳۸۰» طواف یعنی «گردش هفت شُوط دور خانه کعبه» مستحب مؤکد است؛**

و هر چه انسان بتواند به نیت خود یا به نیابت دیگران طواف کند خوب است. و در این قبیل طواف که مستحب است و جزو عمره و حج نیست طهارت از حدث اصغر شرط نیست؛ یعنی لازم نیست با وضو باشد، هر چند برای نماز آن باید وضو بگیرد. ولی جنب و حائض و نفساء جایز نیست در مسجدالحرام داخل شوند؛ و اگر از روی نافرمانی یا فراموشی و غفلت داخل شدند و طواف مستحب بجا آوردند صحیح بودن آن محل اشکال است.

**«مسأله ۳۸۱» اگر در بین طواف واجب حدث خارج شود مسأله چهار صورت دارد:**

**اول: اینکه پیش از رسیدن به نصف حقیقی طواف باشد؛**

در این صورت طواف باطل می شود و باید پس از وضو آن را از سر گیرد؛ خواه حدث به اختیار او خارج شود یا بدون اختیار. و خوب است پس از وضو طواف و نماز آن را تمام کند و دوباره آنها را از سر گیرد.

**دوم: اینکه پس از رسیدن به نصف و پیش از تمام شدن شُوط چهارم باشد؛**

در این صورت بنا بر احتیاط واجب پس از وضو

(۱) - «مُحَدَّث» کسی است که حدث اکبر یا اصغر از او سرزده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۳

طواف سابق را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند و دوباره طواف و نماز آن را از سر گیرد.

**سوم: اینکه بعد از تمام شدن شُوط چهارم به اختیار، خود را مُحَدَّث کند؛**

در این صورت نیز مانند صورت دوم احتیاط کند.

**چهارم: اینکه پس از تمام شدن شوط چهارم بی اختیار حدث خارج شود؛**

در این صورت پس از وضو یا غسل کافی است طواف سابق را از جایی که حدث خارج شده تمام کند.

**«مسأله ۳۸۲» اگر در بین طواف، حدث اکبر - مانند جنابت یا حیض و یا نفاس - عارض شود**

باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود؛ و راجع به طواف جنب تفصیلی که در مسأله پیش گفته شد جاری است. و حکم حائض و نفساء در مسائل آینده روشن خواهد شد. «۱»

**«مسأله ۳۸۳» کسی که از وضو یا غسل کامل معذور است،**

مانند کسی که وظیفه اش وضو یا غسل جبیره ای است، یا مسلوس و یا مبطون «۲»، باید به همان نحوی که برای نماز عمل می کرد برای هر یک از طواف و نماز طواف نیز عمل نماید و بنا بر احتیاط برای مبطون نایب هم بگیرند تا برای او طواف کند.

و زن مستحاضه هر چند بنا بر اقوی جایز است بدون غسل و وضو وارد مسجدالحرام شود، ولی او نیز باید برای هر یک از طواف و نماز آن مطابق آنچه برای نمازهای یومیه عمل می کرد عمل نماید.

---

(۱) - به مسأله «۳۹۰» مراجعه شود.

(۲) - «مسلوس» کسی است که بدون اختیار از او ادرار خارج می شود؛ و «مبطن» کسی است که به اسهال شدید مبتلا شده و بدون اختیار از مخرج غائط او مدفوع خارج می شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۴

**«مسأله ۳۸۴» کسی که از وضو یا غسل به طور کلی معذور است،**

پس اگر امید دارد که عذرش برطرف شود و بتواند طواف را با وضو یا غسل بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند. و اگر امید ندارد یا امید او برطرف شده است باید برای طواف واجب و نماز آن تیمم کند؛ بدل از وضو یا غسل یا هر دو به ترتیبی که در نماز گفته شده است.

#### «مسئله ۳۸۵» کسی که از تیمم نیز عذر دارد

و امید هم ندارد که عذرش برطرف شود و به اصطلاح «فاقد الطهورین» است، پس جنب و حائض جایز نیست در مسجد الحرام وارد شوند؛ بلکه باید برای طواف نایب بگیرند. همچنین کسی که از وضو و تیمم معذور است باید نایب بگیرد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب خودش نیز بدون طهارت طواف و نماز آن را بجا آورد.

#### «مسئله ۳۸۶» اگر بدل از غسل تیمم کرد

و بعد حدث اصغر از او خارج شد، در این صورت علاوه بر وضو یا تیمم بدل آن، بنا بر احتیاط تیمم بدل از غسل را نیز اعاده نماید.

#### «مسئله ۳۸۷» اگر در سابق وضو گرفته و شک کرد که وضویش باطل شده یا نه

جایز است بنا بر طهارت گذارد و لازم نیست وضو بگیرد؛ همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کرد که مُحدث شده یا نه لازم نیست غسل کند. و بر عکس اگر سابقاً مُحدث بوده و شک کرد که وضو یا غسل بجا آورده یا نه، باید بنا گذارد بر باقی بودن حدث، و وضو یا غسل را بجا آورد.

و خوب است در دو صورت اول نیز احتیاطاً وضو یا غسل را بجا آورد تا مبادا کشف خلاف شود و از ناحیه باطل بودن طواف به زحمت افتد.

#### «مسئله ۳۸۸» اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند

که با

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۵

طهارت بوده یا نه، در هر صورت با احتمال توجه در اول عمل، طواف او صحیح است؛ ولی برای اعمال بعد و از جمله نماز طواف باید طهارت را به نحوی تحصیل یا احراز «۱» نماید. و اگر در اثنای طواف شک کند که طواف او با طهارت بوده یا نه و یقین به طهارت سابق نیز ندارد، در این صورت بنا بر احتیاط پس از تحصیل طهارت طواف را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند و دوباره طواف و نماز را از سر گیرد؛ خواه پس از شُوط چهارم باشد یا پیش از آن.

#### «مسئله ۳۸۹» اگر زن در حال احرام حائض باشد

یا پس از احرام حائض شود باید صبر کند تا پاک شود و طواف خود را بجا آورد؛ همچنین است زن نفساء. و اگر در احرام



عمره تمتع است و وقت تنگ شده به گونه ای که می ترسد وقوف به عرفات را درک نکند باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و پس از تمام شدن حج یک عمره مفرده بجا آورد؛ و در این صورت وظیفه خود را انجام داده است.

### «مسأله ۳۹۰» اگر زن در بین طواف واجب حائض یا نفساء شود-

چنانکه گذشت- باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود و صبر کند تا پاک شود. و در مسأله چند صورت است:

اول: اینکه چهار شوط از طواف را انجام داده باشد؛ در این صورت آنچه انجام داده صحیح است و باید پس از پاک شدن آن را تکمیل نماید و پس از آن، نماز و سعی را بجا آورد. و اگر در احرام عمره تمتع است و می ترسد وقوف به عرفات را درک نکند باید سعی و تقصیر را بدون تکمیل طواف بجا آورد و برای حج محرم شود و پس از پاک شدن بنا بر احتیاط واجب اول باقیمانده طواف

---

(۱)- «احراز»: کسب اطمینان.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۶

عمره را با نماز آن، و پس از آن طواف حج را بجا آورد؛ همچنین است اگر پس از طواف و پیش از نماز طواف حائض یا نفساء شود.

دوم: اینکه پیش از انجام نصف طواف باشد؛ در این صورت بنا بر اقوی طواف او باطل است. پس اگر وقت دارد باید صبر کند؛ و اگر وقت تنگ شده و می ترسد وقوف به عرفات را درک نکند باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و پس

از تمام شدن حج یک عمره مفرده به جا آورد.

سوم: اینکه از نصف حقیقی گذشته، ولی چهار شوط تمام نشده است؛ در این صورت پس از پاک شدن بنا بر احتیاط طواف سابق را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند و دوباره آنها را از سر گیرد.

و اگر وقت تنگ شده و می ترسد وقوف را درک نکند، بنا بر اقوی <sup>□</sup> مانند صورت دوم نیت خود را به حج افراد برگرداند.

چهارم: اینکه یقین دارد که در آینده نیز قدرت طواف با طهارت را ندارد؛ مثل اینکه می داند کاروان او فرصت نمی دهند که او تا زمان پاک شدن و انجام طواف در مکه بماند. در این صورت باید برای طواف و نماز آن نایب بگیرد و خودش باقی اعمال را بدون طهارت انجام دهد.

### «مسئله ۳۹۱» اگر زن با احرام عمره تمتع وارد مکه شد و با اینکه فرصت طواف و سایر اعمال را داشت

عمداً و بدون عذر تأخیر انداخت تا اینکه حائض شد و وقت هم تنگ شده است، در این صورت بنا بر احتیاط واجب نیت خود را به حج افراد برگرداند و احتیاطاً احرام را نیز تجدید نماید، و پس از حج یک عمره مفرده بجا آورد. ولی با این حال کافی بودن حج او از حَجَّهالاسلام محل اشکال است؛ پس در سال آینده نیز حج را اعاده نماید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۷

### سوم از شرایط طواف «پاک بودن بدن و لباس» است از خون و سایر نجاسات.

### «مسئله ۳۹۲» بنا بر احتیاط واجب از نجاساتی که در نماز بخشیده شده

- مانند خون کمتر از درهم «۱» و نجاست لباسهای کوچکی که پوشاننده عورت نیستند، مثل جوراب و عرقچین - و حتی به دست کردن انگشتر نجس نیز اجتناب شود. ولی حمل اشیای متنجس در جیب و مانند آن مانعی ندارد؛ هر چند احتیاط خوب است.

### «مسئله ۳۹۳» اگر شستن خون زخم و دمل مشقت و حرج داشته باشد

و تأخیر طواف هم میسر نیست، طواف با آن مانعی ندارد. ولی اگر تأخیر طواف ممکن است و وقت تنگ نیست، یا اینکه شستن آن مشقت ندارد و یا لباس را می تواند عوض نماید، در این موارد بنا بر احتیاط واجب با آن طواف نکند.

### «مسئله ۳۹۴» اگر بعد از طواف یقین کند بدن یا لباس او در حال طواف نجس بوده است

و سابقاً آن را نمی دانسته، بنا بر اقوی <sup>□</sup> طواف او صحیح است.

### «مسئله ۳۹۵» اگر نجس بودن بدن یا لباس را می دانست ولی فراموش کرد

و پس از طواف یا در بین آن یادش آمد، بنا بر احتیاط طواف را اعاده نماید.

**«مسئله ۳۹۶» اگر در پاکی بدن یا لباس خود شک داشته باشد،**

پس اگر حالت گذشته آن نجاست بوده باید بنا گذارد بر نجاست آن، و آن را تطهیر نماید؛ و اگر حالت گذشته را نمی داند، یا می داند که پاک بوده می تواند بنا بر طهارت گذارد و شستن آن لازم نیست.

---

(۱) - اندازه درهم تقریباً به اندازه بند انگشت شست افراد متعارف یا دو ریالی های سابق است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۸

**«مسئله ۳۹۷» اگر در بین طواف نجاستی بر بدن یا لباس عارض شود،**

طواف را از همانجا قطع کند و پس از شستن یا عوض کردن لباس از همانجا ادامه دهد؛ به شرط اینکه موالات عرفی «۱» به هم نخورد. و اگر موالات به هم می خورد، پس اگر بعد از شُوط چهارم باشد طواف را از همانجا ادامه دهد و اعاده آن لازم نیست، هر چند خوب است؛ و اگر پیش از تمام شدن شُوط چهارم باشد، پس از تمام کردن طواف بنا بر احتیاط آن را از سر گیرد. همچنین است اگر نجاستی را ببیند و احتمال دهد که الآن عارض شده باشد.

**«مسئله ۳۹۸» اگر در بین طواف نجاستی را بر بدن یا لباس ببیند**

و یقین کند از اول بوده است، طواف را از همانجا قطع کند و پس از شستن یا عوض کردن لباس، آن را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند و بنا بر احتیاط دوباره آن طواف را با نماز از سر گیرد؛ بخصوص اگر پیش از تمام شدن شُوط چهارم باشد، یا شستن آن طول بکشد به گونه ای که موالات عرفی به هم بخورد.

**چهارم از شرایط طواف «ختنه» است در مردها؛ و این شرط در زنها نیست.**

**«مسئله ۳۹۹» مرد اگر ختنه نشده باشد، طوافش باطل است؛**

مگر اینکه ختنه شده به دنیا آمده باشد. همچنین است بنا بر ظاهر بجهت ممیزی که خودش احرام و طواف را انجام می دهد. بلکه بنا بر احتیاط واجب این شرط در بجهت غیر ممیزی که او را طواف می دهند نیز باید رعایت شود؛ و گرنه صحت طواف و حلال شدن

---

(۱) - «موالات عرفی» یعنی پی در پی بودن مجموعه عمل از نظر عرف، به گونه ای که فاصله مجموعه طواف پیش از شستن و

پس از آن به نحوی نباشد که در عرف بگویند دو عمل است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۴۹

زن بر او محل اشکال است، مگر اینکه او را ختنه کنند و طواف دهند یا پس از بزرگ شدن، خود را ختنه کند و طواف را بجا آورد و در صورت عدم امکان نایب بگیرد.

**«مسأله ۴۰۰» اگر مرد ختنه نشده مستطیع گردد،**

اگر می تواند باید ختنه شود و به حج برسد؛ و اگر وقت برای ختنه نیست خود را ختنه کند و در سال بعد به حج برود. و اگر به طور کلی ختنه برای او ضرر یا خطر دارد باید عمره و حج را بجا آورد، و لکن بنا بر احتیاط واجب هم خودش طواف و نماز آن را بجا آورد و هم برای طواف نایب بگیرد و پس از طواف نایب، خودش نیز نماز طواف را بجا آورد.

**پنجم از شرایط طواف «پوشاندن عورت» است بنا بر مشهور و احتیاط واجب.**

**«مسأله ۴۰۱» اگر در حال طواف عورت خود را نپوشاند**

صحت طواف او محل اشکال است؛ همچنین است اگر با پوشش غصبی آن را بپوشاند. و بنا بر احتیاط واجب طواف کننده در لباس خود همه شرایط لباس نماز گزار را رعایت کند.

**واجبات طواف**

**اشاره**

در طواف چند چیز واجب است، و به اصطلاح در حقیقت طواف معتبر است:

**اول و دوم: اینکه طواف از حجرالأسود شروع شود و به حجرالأسود نیز ختم شود.**

**«مسأله ۴۰۲» باید به گونه ای طواف کند که در عرف بگویند از حجرالاسود شروع کرد**

و هفت دور طواف نمود و به آن ختم کرد. و سعی کند دفتهای ناشی از وسوسه را در آن راه ندهد که

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۰

علاوه بر زندقه، بسا موجب اشکال هم خواهد شد.

و لازم نیست در آخر هر شَوَاطِی بایستد و جلو و عقب برود و قصد شَوَاطِی بعد نماید؛ بلکه در شَوَاطِیهای بعد می تواند بدون توقف دور بزند تا هفت شَوَاطِی تمام شود. و بنا بر احتیاط به گونه ای شروع کند که در اول طواف، همه بدن او از برابر همه حجرالاسود عبور نماید. و اگر از باب مقدمه علمیه «۱» مقدار خیلی کمی از پیش شروع کند به قصد اینکه از اول حجرالاسود طواف باشد کافی است. و در آخر نیز قصد کند تا برابر نقطه شروع جزو طواف باشد به گونه ای که از هفت شَوَاطِی نه زیاده تر طواف کرده باشد و نه کمتر.

**سوم از واجبات طواف: اینکه خانه کعبه را در همه شَوَاطِیها در طرف چپ خود قرار دهد.**

**«مسأله ۴۰۳» طواف باید به نحو متعارف باشد**

و از دقتهای ناشی از وسوسه اجتناب شود؛ بلکه به نحوی طواف کند که در عرف بگویند در حال طواف است و خانه کعبه را در طرف چپ خود قرار داده است. و اگر طبعاً در گذشتن از مقابل ارکان «۲» و

---

(۱) - «مقدمه علمیه» یعنی کاری که مقدمه انجام می شود به منظور علم و اطمینان پیدا کردن به اینکه به وظیفه عمل شده است.

(۲) - کعبه چهار رکن دارد:

الف - رکن جنوب شرقی که «حجرالاسود» بر آن نصب شده و «رکن حَجَر» نیز نامیده می شود.

ب - رکن شمال شرقی که به «رکن عراقی» معروف است؛ از درب کعبه گذشته نرسیده به حجر اسماعیل واقع شده است.

ج - رکن شمال غربی که به «رکن شامی» معروف است؛ پس

از حجر اسماعیل قرار دارد.

د- رکن جنوب غربی که به «رکن یمانی» معروف است؛ پیش از حجرالاسود نرسیده به آن قرار دارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۱

طواف دور حجر اسماعیل علیه السلام مقداری شانه او از برابر کعبه منحرف می شود مانعی ندارد. بر حسب بعضی از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که بر شتر خود سوار بودند طواف کردند و در این حال قهراً شانه از خانه کعبه منحرف می شود. ولی اگر در قسمتی از طواف خود برای بوسیدن ارکان عمداً رو به کعبه کرد یا برای انجام کاری پشت به کعبه کرد یا در اثر فشار جمعیت به طور کلی از مسیر عادی منحرف شد، آن مقدار از طواف را حساب نکند و آن را جبران نماید.

**«مسأله ۴۰۴» گاهی دیده می شود بعضی از افراد برای احتیاط در امر طواف، دیگری را وادار می کند که او را طواف دهد**

و خود را در اختیار او قرار می دهد و به او تکیه می کند به نحوی که اراده را از خود سلب کرده و آن شخص او را با فشار با خود می برد. این گونه طواف باطل است؛ و اگر فرضاً طواف نساء را به این نحو بجا آورده باشد همسرش بر او حلال نشده است.

**«مسأله ۴۰۵» اگر در اثر کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار با خود ببرند**

به نحوی که حرکت انسان به اختیار و اراده خودش نباشد، این مقدار از طواف صحیح نیست و باید این مقدار را از سر بگیرد؛ هر چند شانه چپ او از کعبه منحرف نشده باشد.

**«مسأله ۴۰۶» انسان در حال طواف می تواند آهسته برود،**

و می تواند تند برود و یا بدود، و می تواند سواره طواف کند؛ ولی خوب است حرکت او به نحو متعارف باشد و به گونه ای طواف کند که دیگران را اذیت نکند.

**چهارم از واجبات طواف: اینکه حجر اسماعیل علیه السلام را نیز دور بزند؛**

**اشاره**

بدین معنا که دور خانه کعبه و حجر بگردد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۲

و «حجر اسماعیل علیه السلام» محلی است متصل به خانه کعبه که مطابق اخبار وارده محل دفن حضرت اسماعیل علیه السلام و

مادر او و جمعی از انبیاء علیهم السلام است.

#### «مسألة ۴۰۷» اگر در طواف داخل حجر اسماعیل علیه السلام شود

و فقط به دور خانه کعبه بگردد، طواف او باطل است و باید از سر گیرد. و اگر در بعضی از شوطها این کار را کند، بنا بر اقوی □ کافی است همان شوط را از حَجْر الْأَسْوَد تا حَجْر الْأَسْوَد از سر گیرد؛ هر چند احوط اتمام طواف و اعاده همه آن می باشد.

#### «مسألة ۴۰۸» اگر در بعضی از شوطها از روی دیوار حجر که دیوار کوتاهی است طواف کند،

بنا بر احتیاط واجب باید مانند مسأله پیش عمل نماید. و بنا بر احتیاط در حال طواف دست خود را روی دیوار حجر نگذارد؛ ولی دست گذاشتن و تماس با سطح خارج دیوار حجر مانعی ندارد.

#### پنجم از واجبات طواف: اینکه طواف دور همه کعبه و خارج از خود کعبه واقع شود.

#### «مسألة ۴۰۹» در پایین بعضی از اطراف کعبه یک نما و پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» می گویند؛

و بنا بر مشهور آن پیش آمدگی جزو خانه کعبه است و دیوار، عقبتر از آن بنا شده است. پس طواف کننده باید خارج از شاذروان طواف کند؛ و اگر در اثر کثرت جمعیت یا غیر آن روی شاذروان حرکت کند آن مقدار از طواف او باطل است و باید آن مقدار را از سر گیرد، و احتیاطاً پس از اتمام طواف همه طواف را نیز اعاده نماید. و بنا بر احتیاط در حال طواف دست خود را روی شاذروان و یا به دیوار بالای شاذروان نیز نگذارد؛ زیرا در نتیجه دست او داخل فضای کعبه شده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۳

#### ششم از واجبات طواف: - بنا بر مشهور - اینکه طواف بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام واقع شود.

#### «مسألة ۴۱۰» بنا بر مشهور اگر پشت مقام ابراهیم علیه السلام طواف کنند

که مقام نیز در محدوده طواف واقع شود طواف باطل است.

و گفته شده که فاصله بین «کعبه» و «مقام» بیست و شش ذراع و نصف «۱» است و این فاصله باید در همه اطراف رعایت شود؛ و چون بنا بر احتیاط در ناحیه حجر اسماعیل علیه السلام نیز این فاصله از خود کعبه حساب می شود و مسافت حجر بیست ذراع است، در نتیجه برای طواف در ناحیه حجر شش ذراع و نیم مسافت باقی می ماند. و برای این حکم به حدیث «محمد بن مسلم» استدلال شده است.

و لکن بر حسب حدیث معتبر «حلی» طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام نیز مانعی ندارد؛ ولی مکروه است مگر در صورت ناچاری. و هر چند عمل به مضمون این حدیث که موافق با اطلاقات ادله طواف است اقوی □ است، ولی بنا بر احتیاط

مستحب به موارد ضرورت و ناچاری اکتفا شود. البته باید کوشش کند در حال طواف از جمعیت طواف کننده متصل به کعبه  
زیاد



فاصله نگیرد و متصل به جمعیت طواف کند. و حدیث «محمد بن مسلم» علاوه بر ضعف سند، بسا ناظر است به اینکه اگر کسی بخواهد پشت مقام ابراهیم علیه السلام با فاصله زیاد از کعبه و از جمعیت به تنهایی طواف کند، در عرف طواف کعبه صادق نیست؛ بلکه طواف در مسجد است.

ضمناً یادآور می شود که فتوای منسوب به مشهور، بین قدمای از فقها مشهور نیست؛ زیرا غیر از «شیخ طوسی» و «ابن بَرّاج» در

---

(۱) - «یک ذراع» تقریباً حدود نیم متر است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۴

کلمات دیگران مانند «شیخ صدوق» و «شیخ مفید» و «سید مرتضی» و «ابو الصلاح» یافت نشد؛ و چون علمای غیر شیعه به این شرط قائل نیستند اگر از خصائص قطعی شیعه بود فقهای قدیم شیعه همه متعرض آن می شدند.

**هفتم و هشتم از واجبات طواف: اینکه طواف باید هفت شَوُط کامل باشد،**

**اشاره**

نه کمتر و نه زیادت. همچنین بنابر اقوی باید این هفت شَوُط عرفاً متوالی و پی در پی واقع شود به نحوی که عمل واحد شمرده شود؛ پس نباید بین شَوُطها و اجزای آنها فاصله زیاد پیدا شود، مگر در موارد خاصی که استثنا شده باشد.

**«مسأله ۴۱۱» اگر از اول عمداً نیت کند کمتر از هفت شَوُط یا بیشتر طواف کند**

طوافش باطل است؛ هر چند بالاخره هفت شَوُط بجا آورد. بلکه اگر از روی ندانستن مسأله یا سهو و یا غفلت نیت کمتر یا بیشتر کند صحّت آن نیز محل اشکال است؛ هر چند بالاخره هفت شَوُط انجام دهد.

**«مسأله ۴۱۲» اگر در بین طواف از نیت هفت شوط برگردد**

و نیت کند طواف را کمتر یا بیشتر از هفت شوط انجام دهد، هر چه را با این نیت بجا آورده باطل است و باید آن را اعاده نماید. و اگر موالات عرفی به هم خورده یا با این نیت زیادتراً بجا آورده، اصل طواف باطل است و باید آن را از سر گیرد.

بقیه مسائل زیاد کردن طواف

**«مسأله ۴۱۳» اگر بعد از تمام شدن هفت شَوُط نیت کند یک شَوُط دیگر زیاد کند**

که طواف او هشت شَوُط باشد و این کار را انجام دهد، بنابر اقوی طواف او باطل می شود.

**«مسأله ۴۱۴» اگر از اول یا در بین نیت کند که هفت شَوُط طواف کند**

و پس از آن یک دور بدون قصد طواف برای تماشا یا تبرک یا پیدا کردن کسی مثلاً بگردد طواف او صحیح است.

**«مسأله ۴۱۵» اگر در اثر ندانستن مسأله گمان کرد همین طور که هفت شَوُط طواف شرعی است یک شَوُط هم طواف شرعی مستحب است،**

پس از اول طواف یا در بین آن نیت کرد هشت شَوُط طواف کند که هفت شَوُط آن طواف واجب باشد و یک شَوُط آن طواف مستحب جداگانه باشد، هفت شَوُط طواف او صحیح است؛ هرچند خوب است آن را از سر گیرد. همچنین است اگر پس از تمام شدن هفت شَوُط با این گمان یک شَوُط اضافه کند.

**«مسأله ۴۱۶» بنا بر احتیاط واجب در طواف واجب «قران» جایز نیست؛**

یعنی جایز نیست پس از اتمام طواف واجب بدون اینکه نماز طواف فاصله شود یک طواف دیگر بجا آورد. ولی در طواف مستحبی «قران» بین آنها مانعی ندارد؛ پس جایز است چند طواف مستحبی به دنبال هم بجا آورد و بعد نمازهای آنها را بخواند، هر چند بنا بر مشهور کراهت دارد.

**«مسأله ۴۱۷» اگر یک شَوُط یا کمتر یا بیشتر بر طواف خود اضافه کند**

و قصدش این باشد که زیاده را جزو طواف دیگر قرار دهد، از موارد قران حساب می شود و حکم قران بر آن جاری است.

**«مسأله ۴۱۸» در طواف واجب اگر از اول یا در بین طواف، قصد قران کند،**

بنا بر احتیاط واجب باید پس از مقداری فاصله که موالات به هم بخورد طواف را از سر گیرد؛ و اگر بعد از تمام شدن طواف قصد طواف دیگر کند و آن را بجا آورد بنا بر اقوی طواف اول او صحیح است، هر چند احوط اعاده است.

**«مسأله ۴۱۹» اگر از روی سهو و غفلت بر هفت شَوُط اضافه نمود،**

پس اگر زیاده کمتر از یک شَوُط است آن را رها کند و بنا بر مشهور و اقوی طواف او صحیح است؛ ولی خوب است اعاده کند.

و اگر زیاده یک شَوُط یا بیشتر است بنا بر احتیاط طواف را ادامه دهد تا چهارده شَوُط شود به قصد قربت مطلقه، یعنی قصد وجوب یا استحباب نکند؛ و بعد دو رکعت نماز طواف به قصد طواف واجب بجا آورد بدون اینکه معین کند که «واجب» طواف اول است یا دوم، و دو رکعت دیگر بعد از سعی صفا و مروه بجا آورد.

مسائل کم کردن از طواف یا قطع طواف

**«مسأله ۴۲۰» قطع کردن طواف مستحب هر چند بدون عذر باشد مانعی ندارد.**

بلکه در طواف واجب نیز دلیل مورد اعتمادی بر حرمت قطع آن نیست؛ هر چند احوط ترک است، مگر در صورت ضرورت یا احتیاج.

**«مسأله ۴۲۱» اگر در بین طواف عمداً آن را رها کرد،**

پس اگر منافعی طواف بجا نیاورده و موالات عرفی آن نیز به هم نخورده است می تواند همان طواف را تمام کند و طواف او صحیح است.

و اگر منافعی طواف بجا آورده یا موالات عرفی آن به هم خورده است، پس اگر پیش از نصف بوده طواف او باطل است و باید آن را از سر گیرد؛ و اگر بعد از نصف بوده بنا بر احتیاط آن را تمام کند و دوباره از سر گیرد.

**«مسأله ۴۲۲» اگر در بین طواف خسته شد**

می تواند در محل طواف به مقداری که موالات عرفی طواف به هم نخورد استراحت کند و بعد طواف را ادامه دهد.

**«مسأله ۴۲۳» اگر در بین طواف واجب عمداً آن را رها کند**

و داخل کعبه معظمه شود، پس اگر پیش از نصف طواف باشد طواف

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۷

او باطل می شود و باید آن را از سر گیرد. و اگر پس از نصف باشد بنا بر احتیاط آن را تمام کند و نماز آن را نیز بخواند؛ ولی دوباره طواف و نماز را از سر گیرد.

**«مسأله ۴۲۴» اگر از روی سهو و فراموشی بعضی از طواف واجب را ترک کرد**

و پیش از خارج شدن از مطاف «۱» و به هم خوردن موالات عرفی و حادث شدن منافیات طواف یادش آمد، می تواند آن را تمام کند و طواف او صحیح است.

و اگر از مطاف به طور کلی خارج شده یا موالات عرفی آن به هم خورده است یا بعضی از منافیات طواف حادث شده؛ مسأله چند صورت دارد:

اول: اینکه مقدار باقیمانده یک شوْط یا کمتر باشد؛ در این صورت پس از اینکه یادش آمد باید باقیمانده را بجا آورد و طواف او صحیح است. و اگر خودش نمی تواند- مثل اینکه به وطن برگشته است- باید برای همان باقیمانده نایب بگیرد.

دوم: اینکه مقدار باقیمانده بیشتر از یک شوْط باشد ولی چهار شوْط را تمام کرده باشد؛ این صورت نیز بنا بر اقوی <sup>□</sup> مثل صورت اول است. ولی بنا بر احتیاط پس از تمام کردن طواف سابق همه طواف را نیز از سر گیرد؛ و این احتیاط تا ممکن است ترک

نشود.

سوم: اینکه بیش از نصف طواف را بجا آورده باشد ولی چهار شوط را تمام نکرده باشد؛ در این صورت پس از اینکه یادش آمد بنا بر احتیاط واجب طواف سابق را تمام کند و پس از نماز آن، دوباره طواف و نماز آن را از سر گیرد.

---

(۱) - «مَطَاف» محدوده معینی است که

باید طواف در آن واقع شود؛ و مقدار آن محدوده در مسأله (۴۱۰) بیان شده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۸

چهارم: اینکه کمتر از نصف طواف را بجا آورده باشد؛ در این صورت بنا بر مشهور و قاعده، طواف او باطل است؛ ولی بنا بر احتیاط مانند صورت سوم عمل نماید. و در همه این صور اگر به وطن برگشته و برگشتن به مکه برای او مشقت دارد برای خود نایب بگیرد.

#### «مسأله ۴۲۵» اگر در بین سعی صفا و مروه متوجه شود که بعضی از طواف را ترک کرده است

بنا بر احتیاط نسبت به طواف مانند مسأله پیش عمل نماید، و نسبت به سعی بنا بر احتیاط آن را تمام کند و دوباره بجا آورد. مگر اینکه توجه او به نقص طواف بعد از انجام چهار شوط از طواف و چهار شوط از سعی باشد که در این صورت پس از اتمام طواف و اعاده آن بنا بر احتیاط اتمام سعی کافی است.

#### «مسأله ۴۲۶» اگر در بین طواف مریض شود

به گونه ای که نمی تواند طواف را هر چند با کمک دیگران ادامه دهد، پس اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد بنا بر احتیاط برای تمام کردن آن نایب بگیرد؛ و اگر در مکه حالش خوب شد خودش نیز باقیمانده را بجا آورد، و بهتر است همه طواف را نیز از سر گیرد.

و اگر پیش از نصف باشد طواف او باطل می شود. پس اگر در آینده بتواند باید خودش آن را بجا آورد، هر چند دیگران او را طواف دهند؛ و اگر نتواند باید نایب بگیرد.

و اگر بعد از نصف و پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد بنا بر احتیاط مانند صورت اول عمل کند و بعد نیز طواف را از سر گیرد؛ و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

#### «مسأله ۴۲۷» قطع کردن طواف برای انجام کارهای ضروری

مربوط به خود یا دیگران مانعی ندارد؛ بلکه در اخبار وارد نسبت

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۵۹

به قطع طواف برای انجام خواسته های مؤمنین ترغیب و تشویق نیز شده است.

پس اگر طواف مستحب باشد در هر صورت می تواند از جایی که قطع کرده ادامه دهد. و اگر طواف واجب باشد، پس اگر از محل طواف خارج نشده و موالات عرفی نیز به هم نخورده است می تواند طواف سابق را ادامه دهد و صحیح است؛ و اگر موالات عرفی به هم خورده است در مسأله چند صورت است:

اول: اینکه بعد از شَوُّط چهارم قطع شده باشد؛ در این صورت باید طواف گذشته را ادامه دهد و صحیح است؛ ولی بنا بر احتیاط پس از تمام کردن، آن را از سر گیرد.

دوم: اینکه بعد از نصف طواف و پیش از تمام شدن شَوُّط چهارم باشد؛ در این صورت

احتیاط کند، یعنی طواف گذشته را تمام کند و بعد آن را از سر گیرد.

سوم: اینکه پیش از نصف باشد در این صورت طواف او باطل شده و باید آن را از سر گیرد.

**«مسئله ۴۲۸» اگر در اثر عارض شدن جنابت یا حیض یا نفاس یا حدث اصغر و یا نجس شدن بدن یا لباس طواف را قطع کند،**

حکم آنها در بحث شرایط طواف، مسائل «۳۸۱»، «۳۹۰»، «۳۹۷» بیان شده است.

**«مسئله ۴۲۹» اگر در بین طواف واجب وقت نماز واجب تنگ شود،**

واجب است طواف را قطع کند و نماز را بخواند. پس اگر بعد از شَوُّط چهارم طواف بوده همان طواف را تمام کند؛ و اگر پیش از تمام شدن شَوُّط چهارم بوده، بنابر احتیاط طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره آن را از سر گیرد. و نیز جایز بلکه مستحب است برای درک جماعت یا فضیلت وقت، طواف واجب را قطع کند و پس از نماز مطابق دستور فوق عمل نماید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۰

مسائل شک در طواف

**«مسئله ۴۳۰» در چند مورد طواف کننده به شک خود اعتنا نمی کند و حکم به صحت طواف او می شود:**

**اول: اینکه بعد از فراغت از هفت شَوُّط شک کند آیا طواف را صحیح انجام داده یا نه؛**

مثلاً احتمال بدهد از طرف راست دور زده باشد، یا در حال طواف مُحدث بوده، یا از داخل حِجْر اسماعیل علیه السلام طواف کرده باشد.

**دوم: اینکه بعد از فراغت از طواف و وارد شدن در واجب دیگری - مثل نماز طواف یا سعی - در عدد شَوُّطها شک کند؛**

به شرط اینکه یک طرف احتمال او هفت شَوُّط باشد، مثلاً شک کند آیا هفت شَوُّط بجا آورده یا کمتر یا بیشتر. ولی اگر از طواف منصرف شده و هنوز وارد واجب دیگری نشده در عدد شَوُّطها شک کند و احتمال نقیصه در میان باشد، صحت طواف او خالی از اشکال نیست و احوط اعاده آن است.

**سوم: اینکه در آخر شَوُّط باشد و یقین دارد که هفت شَوُّط کامل طواف کرده**

ولی نسبت به زیاده شک کند و احتمال بدهد که یک شَوُّط یا بیشتر اضافه کرده باشد.

## **چهارم: کسی که کثیرالشک و خارج از متعارف باشد؛**

و خوب است چنین شخصی دیگری را وادار کند تا مراقب طواف او باشد و عدد شَوَطها را حفظ کند.

**«مسأله ۴۳۱» در چند صورت شک در طواف موجب بطلان طواف است**

### **اشاره**

و باید آن را از سر گیرد؛ و جامع همه آنها این است که هفت شَوَط قطعی نشده باشد و احتمال نقیصه در بین باشد:

### **اول: اینکه همه اطراف احتمال، کمتر از هفت باشد؛**

مثل اینکه

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۱

شک بین سه و چهار، یا چهار و پنج، یا پنج و شش باشد.

### **دوم: اینکه پیش از فراغت از طواف، بین هفت و کمتر شک کند.**

### **سوم: اینکه بین کمتر از هفت و بیشتر از هفت شک کند،**

مثلاً شک کند آیا شش شَوَط بجا آورده یا هشت شَوَط.

### **چهارم: اینکه بین هفت و کمتر و زیادتر شک کند**

و هنوز از طواف، منصرف نشده باشد.

### **پنجم: اینکه پیش از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن شَوَط،**

بین هفت و بیشتر شک کند.

**«مسأله ۴۳۲» «گمان» در عدد شَوَطها**



و در شرایط طواف معتبر نیست و حکم شک را دارد.

**«مسئله ۴۳۳» اگر در طواف مستحب در عدد شوطها شک کند،**

بنابر کمتر گذارد و طواف او صحیح است.

**«مسئله ۴۳۴» اگر رفیق انسان که مورد اعتماد است به عدد شوطها یقین دارد**

اعتماد بر شماره او جایز است.

### **مسائل متفرقه طواف**

**«مسئله ۴۳۵» اگر در بین سعی صفا و مروه یادش آید که طواف را بجا نیاورده**

یا طوافش باطل بوده است، باید سعی را رها کند و طواف و نماز آن را بجا آورد و پس از آنها سعی را از سر گیرد.

و همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر پس از تمام شدن سعی یادش آید که طواف را بجا نیاورده یا باطل بوده، پس از طواف و نماز آن سعی را دوباره بجا آورد.

**«مسئله ۴۳۶» اگر مریض یا کودکی را به دوش گرفت تا طوافش دهد**

می تواند برای خودش نیز قصد طواف کند؛ و طواف هر دو صحیح است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۲

**«مسئله ۴۳۷» در حال طواف تکلم کردن، خندیدن، شعر خواندن و مانند اینها اشکال ندارد؛**

ولی در طواف واجب کراهت دارد. بلکه سزاوار است در هر طوافی مشغول دعا و ذکر خداوند و تلاوت قرآن باشد.

**«مسئله ۴۳۸» آب خوردن در حال طواف**

و در بین آن مانعی ندارد.

**«مسئله ۴۳۹» لازم نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد؛**

بلکه جایز است به طرف چپ یا راست بلکه عقب نگاه کند یا صورت خود را به طرف راست یا چپ بگرداند؛ و می تواند طواف را رها کند و خانه کعبه را ببوسد و برگردد و از همانجا طواف کند. ولی چنانکه گذشت در حال طواف باید شانه چپ او عرفاً به طرف کعبه باشد، و لکن از دقتهای عامیانه ناشی از وسوسه باید اجتناب شود.

### «مسأله ۴۴۰» هر گاه در حال طواف در قسمتی از آن اشکالی پیش آمد

– مثل اینکه او را بی اختیار بردند یا در اثر کثرت و فشار جمعیت، پشت یا رو به کعبه شد و قسمتی از طواف به این صورت انجام شد– باید همان قسمت را از سر گیرد؛ و در صورت شک کمی از پیش شروع کند و قصد کند آنچه واقعاً طواف نشده طواف باشد. و اگر برگردد و از حَجْرِالاسود به قصد طواف شروع کند محل اشکال است.

و اگر نمی تواند برگردد می تواند بدون قصد طواف با جمعیت تا جایی که از آنجا باید طواف را انجام دهد دور بزند و از آنجا قصد طواف کند. و اگر کثرت جمعیت او را نمی برد بلکه سبب می شود به اختیار خودش تندتر یا کندتر راه برود طواف او صحیح است و اعاده آن لازم نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۳

### آداب و مستحبات طواف

#### «مسأله ۴۴۱» ۱- مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى حِدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرُوشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.» (۱)

و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را بطلبد.

#### ۲- در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي.»

#### ۳- هر وقت به در خانه کعبه می رسد

صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«سَأَلْتُكَ فَقِيرَكَ مَسِيئَتِكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ. اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبِيدُ عَبِيدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِزَّنِي وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ» (۲)

#### ۴- وقتی که به حجر اسماعیل علیه السلام رسید،

پیش از رسیدن به ناودان سر را بلند کند و در حال نگاه به ناودان بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ أَجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

---

(۱)- الکافی، ۴/ ۴۰۶.

---

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ هـ ق

احکام و مناسک حج (منتظری)؛ ص: ۱۶۳

(۲)- من لایحضره الفقیه، ۲/ ۵۳۱.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۴

#### ۵- وقتی که از حجر اسماعیل علیه السلام گذشت و به پشت کعبه رسید

بگوید: «يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

#### ۶- وقتی که به رکن یمانی رسید دست بلند کند و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدَ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (۱)

## ۷- در بین رکن یمانی و حجرالاسود بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

## ۸- در شوط هفتم وقتی که به مستحار -

که نزدیک رکن یمانی و مقابل در کعبه است- رسید دو دست خود را بر دیوار کعبه بگشاید و شکم و صورت خود را به کعبه بچسباند و بگوید: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس از آن به گناهان خود اعتراف کند؛ زیرا هر بنده مؤمنی در این مکان به گناهان خود اعتراف کند و طلب آمرزش نماید، خدای مَنان گناهان او را می آمرزد، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛ پس بگوید: «اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْحُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنْ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ».

پس از آن پناه ببرد به خدا از آتش جهنم، و آنچه می خواهد دعا کند.

---

(۱)- وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب «۲۰» از «ابواب الطواف»، حدیث ۷.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۵

## ۹- رکن یمانی را استلام کند،

یعنی ببوسد یا لمس کند و خود را به حجرالاسود برساند و طواف را تمام کند و بگوید: «اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي». (۱)

## ۱۰- مستحب است در هر شوط، ستونهای چهارگانه کعبه

و نیز حجرالاسود را استلام کند و یا به آن اشاره نماید.

## ۱۱- در وقت استلام حجرالاسود بگوید:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَّتْهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ».

ضمناً یادآور می شود چون سند بعضی از دعاها مورد اعتماد نیست خوب است دعاها به قصد رجاء خوانده شوند. (۲)

## فصل سوم: نماز طواف

### اشاره

چهارم از واجبات عمره تمتع «نماز طواف» است.

### «مسئله ۴۴۲» واجب است بعد از تمام شدن طواف واجب دو رکعت نماز

مانند نماز صبح به قصد نماز طواف بخواند؛ خواه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء.

### «مسئله ۴۴۳» واجب است پس از تمام شدن طواف واجب بدون فاصله عرفی نماز طواف را بخواند؛

و نباید عمداً آن را تأخیر اندازد.

### «مسئله ۴۴۴» نماز طواف واجب را بنا بر احتیاط واجب باید

---

(۱) - من لایحضره الفقیه، ۲ / ۵۳۴.

(۲) - یعنی به امید مطلوبیت انجام دهد، نه به قصد ورود در شرع تا اینکه مستلزم نسبت دادن حکم غیر معلوم به خداوند متعال گردد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۶

پشت مقام ابراهیم علیه السلام و نزدیک به آن بخواند؛ به نحوی که مقام در جلوی او قرار گیرد و عرفاً گفته شود نزد مقام خوانده است. مگر اینکه در اثر کثرت جمعیت نتواند و مزاحم او شوند؛ پس در این صورت آن را پشت مقام ولی عقب تر بخواند، ولی بنا بر احتیاط واجب نزدیکترین مکان را نسبت به مقام ابراهیم علیه السلام رعایت نماید.

و اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام بخواند کافی است.

### «مسئله ۴۴۵» جایز است در نماز طواف پس از حمد هر سوره ای را که می خواهد بخواند؛

به جز سوره هایی که در آنها سجده واجب است. ولی مستحب مؤکد است در رکعت اول سوره:

«قل هو الله احد» و در رکعت دوم سوره: «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

### «مسأله ۴۴۶» نماز طواف را می تواند مانند نماز صبح بلند بخواند،

و می تواند مانند نماز ظهر آهسته قرائت کند.

### «مسأله ۴۴۷» اگر در رکعتهای نماز طواف شک کرد،

نماز باطل می شود و باید آن را از سر بگیرد. و اگر در یکی از افعال یا اقوال آن شک کرد، پس اگر محل آن نگذشته است آن را بجا آورد؛ و اگر محل آن گذشته است به شک خود اعتنا نکند. و اگر در رکعتهای آن یا در افعال و اقوال آن به یک طرف اطمینان پیدا کرد به اطمینان خود عمل کند.

### «مسأله ۴۴۸» اگر نماز طواف واجب را فراموش کند

و در اثناء سعی یادش آید، باید برگردد و نماز را پشت مقام بخواند و سپس سعی را از محلی که قطع نموده تمام کند.

### «مسأله ۴۴۹» اگر نماز طواف واجب را فراموش کرد

و پس

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۷

از عمره یا حج یادش آید، پس اگر هنوز در مکه است باید آن را در پشت مقام بجا آورد؛ همچنین است اگر از مکه خارج شده ولی می تواند به مکه برگردد و برای او مشقت ندارد. و لازم نیست سعی را اعاده نماید؛ هر چند خوب است. و اگر برگشتن به مکه برای او حرج و مشقت دارد هر جا هست- هر چند در شهر خود- آن را بخواند.

### «مسأله ۴۵۰» در حکم فراموشی نماز است اگر در اثر ندانستن مسأله آن را نخوانده است،

یا فهمید نمازی که خوانده باطل بوده است.

### «مسأله ۴۵۱» اگر نماز طوافی را که فراموش کرده یا باطل بوده

یا در اثر ندانستن مسأله نخوانده است پیش از خواندن آن از دنیا برود، ولی او باید آن را به جای او بخواند.

### «مسأله ۴۵۲» اگر عمداً و با علم به مسأله نماز طواف عمره یا حج را نخواند

تا وقت تدارک آن بگذرد، در این صورت صحیح بودن عمره و حج او محل اشکال است؛ پس بنا بر احتیاط واجب نماز را بخواند و عمره یا حج را نیز اعاده نماید.

**«مسأله ۴۵۳» بر هر مکلف واجب است نماز خود و شرایط و واجبات و قرائت و ذکرهای واجب آن را به طور صحیح یاد بگیرد؛**

مخصوصاً کسی که می خواهد به حج برود. و اگر کوتاهی کند و نماز خود را تصحیح نکند، صحت عمره و حج او محل اشکال است؛ و قهراً در حلال شدن زن و سایر محرمات احرام با اشکال مواجه می شود.

**«مسأله ۴۵۴» اگر نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب نماز را یاد بگیرد**

باید کسی را وادارد تا در وقت خواندن به او تلقین کند؛

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۸

و اگر ممکن نیست باید به هر نحو ممکن است خودش نماز را بخواند، و به یک نفر نیز نیابت دهد تا به جای او نماز را بخواند؛ و اگر کسی قرائت نمازش درست نیست و نمی تواند خوب یاد بگیرد جایز نیست به نیابت دیگری به حج برود.

**«مسأله ۴۵۵» نماز طواف را در همه وقت جایز است بخواند؛**

مگر اینکه موجب فوت نماز واجب یومیه شود؛ پس در این صورت اول نماز یومیه را بخواند.

**«مسأله ۴۵۶» اگر کسی نماز طواف واجب را در حجر اسماعیل علیه السلام بجا آورد**

و پس از نماز متوجه اشتباه خود شود باید نماز را در پشت مقام ابراهیم علیه السلام اعاده نماید.

**«مسأله ۴۵۷» کسی که در عمره تمتع بعد از طواف وضویش باطل شده**

و خجالت کشیده که بگوید وضویش باطل شده و نمازش را بی وضو خوانده و بعد از آن سعی و تقصیر را بجا آورده و از احرام خارج شده است، باید نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده نماید.

**«مسأله ۴۵۸» خواندن نماز طواف به جماعت در حال اختیار محل اشکال است؛**

و در حال ضرورت نیز نباید به آن اکتفا کند.

**«مسأله ۴۵۹» اگر بین طواف واجب و نماز آن زیاد فاصله بیندازد،**

هر چند گناه کرده است ولی لازم نیست طواف را از سر گیرد.

**«مسأله ۴۶۰» اگر قرائت نماز او غلط بوده**

و غلط بودن آن را نمی دانسته ولی رکنهای نماز را بجا آورده و شرایط آن را نیز رعایت کرده است، اعاده نماز لازم نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۶۹

### مستحبات نماز طواف

«مسأله ۴۶۱» ۱- بر حسب فرموده شیخ صدوق (ره) مستحب است بعد از نماز طواف، حمد و ثنای خدا را بجا آورد

و صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آل او بفرستد و از خدا بخواهد نماز او را قبول نماید و آن را آخرین عهد با خود قرار ندهد و سپس بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَيَّ نِعْمَانِهِ كُلُّهَا حَتَّى يَنْتَهَى الْحَمْدُ إِلَيَّ مَا يُحِبُّ رَبِّي وَيَرْضَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي.»

۲- پس بکوشد در دعا و خواهش قبولی اعمال.

۳- و به روایتی دیگر پس از نماز بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ وَ طَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمَ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُجِيبُكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.»

۴- و به روایتی دیگر حضرت امام صادق علیه السلام پس از نماز طواف به سجده رفتند و فرمودند:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَ رِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَأَنْتَ مُقَرَّبٌ بِذُنُوبِي عَلَيَّ نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.»

پس از سجده روی آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد. (۱)

---

(۱)- وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب «۷۸» از «ابواب الطواف»، حدیث ۲.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۰

### فصل چهارم: سعی بین صفا و مروه



واجبات، شرایط، احکام و آداب آن

سعی بین صفا و مروه:

پنجم از واجبات عمره تمتع «سعی بین صفا و مروه» است.

**«مسئله ۴۶۲» واجب است پس از نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه**

که دو کوه معروفند، بدین نحو که از صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا؛ و این عمل در حج و عمره مفرده نیز واجب است.

**«مسئله ۴۶۳» سعی بین صفا و مروه باید هفت مرتبه باشد؛**

و هر مرتبه را یک «شوط» می نامند. بدین نحو که از صفا به مروه یک شوط است و از مروه به صفا نیز یک شوط.

**«مسئله ۴۶۴» در سعی واجب است از صفا شروع کند،**

و در نتیجه به مروه ختم می شود. پس اگر از مروه شروع کند، سعی باطل است و باید آن را از سر گیرد.

**«مسئله ۴۶۵» بنا بر احتیاط واجب در سعی باید از اول کوه صفا، از پایین آن شروع کند**

و تا اولین جزء کوه مروه ادامه دهد؛ و اگر مقداری روی کوه صفا برود و از آنجا به شکل متعارف شروع کند مانعی ندارد. چنانکه در مروه هم می تواند برای احتیاط کمی بالای آن برود.

**«مسئله ۴۶۶» در سعی جایز است بدون عذر نیز بر حیوان یا دوچرخه و مانند آن سوار شود**

و سواره سعی کند؛ هر چند پیاده

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۱

رفتن افضل است.

**«مسئله ۴۶۷» واجب است رفت و برگشت بین صفا و مروه از راه متعارف باشد؛**

و اگر فرضاً از داخل مسجدالحرام یا راهی دیگر به طرف مروه برود کافی نیست؛ ولی لازم نیست رفت و برگشت در یک خط مستقیم باشد.

**«مسأله ۴۶۸» واجب است هنگام رفتن به طرف مروه متوجه مروه باشد؛**

و هنگام رفتن به طرف صفا متوجه صفا باشد. پس اگر عقب عقب برود یا پهلوی خود را به طرف صفا و مروه کند و راه برود باطل است؛ ولی نگاه کردن به طرف راست یا چپ و احیاناً به پشت سر مانعی ندارد.

**«مسأله ۴۶۹» سعی نیز مانند طواف از عبادات است و باید آن را به قصد قربت**

و با خلوص نیت برای خدا بجا آورد؛ و اگر به قصد ریا یا مقاصد دیگر آن را بجا آورد باطل است.

**«مسأله ۴۷۰» در سعی باید نیت کند**

که برای عمره تمتع است یا حج و یا عمره مفرده.

**«مسأله ۴۷۱» در سعی پوشاندن عورت و پاک بودن بدن و لباس و طهارت از حدث معتبر نیست.**

پس می تواند بدون وضو یا به حال جنابت یا حیض و یا نفاس سعی را بجا آورد؛ هر چند خوب است تا جایی که می تواند پاک و با وضو باشد.

**«مسأله ۴۷۲» سعی نیز همانند طواف یکی از ارکان عمره و حج است.**

پس اگر عمداً آن را ترک کند تا زمانی که تدارک آن ممکن نباشد، عمره و حج او باطل است؛ هر چند از روی ندانستن مسأله باشد.

و اگر آن را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید آن را بجا آورد. و اگر برگشتن به مکه برای او حرج و مشقت دارد، باید برای خود نایب بگیرد تا سعی را به جای او بجا آورد؛ و عمره و حج او صحیح است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۲

**«مسأله ۴۷۳» واجب است سعی را پس از طواف و نماز طواف بجا آورد؛**

و اگر عمداً آن را پیش از طواف یا نماز طواف بجا آورد باید آن را بعد از نماز طواف از سر گیرد؛ و اگر از روی فراموشی سعی را جلو بیندازد بنا بر احتیاط واجب پس از طواف و نماز آن، سعی را اعاده نماید.

**«مسأله ۴۷۴» اگر بیماری را به دوش بگیرد**

تا او را سعی دهد و برای خودش نیز نیت سعی نماید، سعی هر دو صحیح است.

### «مسأله ۴۷۵» اگر کسی به هیچ گونه حتی سواره نتواند سعی را بجا آورد

باید نایب بگیرد تا سعی را به جای او بجا آورد؛ و عمره و حجش صحیح است.

### «مسأله ۴۷۶» پس از نماز طواف لازم نیست فوراً و بلافاصله سعی را انجام دهد؛

بلکه می تواند به خاطر رفع خستگی یا گرمی هوا یا جهات دیگر تا شب همان روز تأخیر اندازد. هر چند احوط عدم تأخیر است؛ مگر به جهت عذر، از قبیل بیماری و مانند آن.

ولی تأخیر سعی تا روز بعد بدون عذر جایز نیست؛ و اگر تأخیر انداخت گناه کرده، لکن عمره و حج او صحیح است.

### «مسأله ۴۷۷» بنا بر احتیاط واجب باید موالات عرفی را در سعی رعایت کند

و بین شَوَطهای آن و همچنین بین اجزای آنها زیاد فاصله نیندازد؛ ولی به جهت استراحت و رفع خستگی می تواند مقدار کمی بر کوه صفا یا مروه بلکه در وسط راه بنشیند.

چنانکه اگر وقت نماز واجب روزانه داخل شود مانعی ندارد نماز را بخواند و بعد سعی را از محل قطع آن ادامه دهد؛ هر چند بهتر است اگر شوط چهارم را تمام نکرده پس از تمام کردن سعی سابق، همه آن را نیز از سر گیرد. و اگر وقت نماز واجب تنگ شده واجب است نماز را مقدم دارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۳

### «مسأله ۴۷۸» اگر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند

پس سعی هر طبقه ای که میان دو کوه واقع شده بنا بر اقوی مانعی ندارد؛ هر چند احوط سعی در همان راهی است که از قدیم متعارف بوده است. و اگر بالاتر از دو کوه واقع شده باشد سعی در آنجا محل اشکال است.

زیاد و کم کردن در سعی

### «مسأله ۴۷۹» اگر عمداً زیادتر از هفت شوط سعی کند،

سعی او باطل است و باید از سر گیرد؛ نظیر آنچه در طواف گذشت. و اگر در اثر ندانستن مسأله زیاد کرده باشد- مثل اینکه گمان می کرد در سعی باید رفت و برگشت را یک شوط حساب کند و در نتیجه چهارده شوط سعی کرده است- بنا بر اقوی سعی او صحیح است؛ یعنی هفت شوط اول سعی است و بقیه آن زیاده ای است که موجب بطلان نیست؛ هر چند احوط اعاده سعی است.

### «مسأله ۴۸۰» اگر از روی اشتباه و فراموشی زیادتر از هفت شوط سعی کرده است،

سعی او صحیح است و بهتر است زیاده را رها کند. ولی بعید نیست اگر زیاده یک شَوَط است جایز باشد آن را به هفت شَوَط برساند و یک سعی مستحب حساب کند؛ هر چند به صفا ختم می شود.

### «مسأله ۴۸۱» اگر عمداً بعضی از شَوَطهای سعی را در عمره تمتع ترک کند

به نحوی که اگر بخواهد بجا آورد وقوف به عرفات را درک نمی کند، ظاهراً عمره و حج او باطل است؛ نظیر کسی که عمداً همه سعی را ترک کرده باشد. و بنابر احتیاط نیت خود را به حج افراد بدل کند و پس از تمام کردن حج، یک عمره مفرده بجا آورد؛ ولی به آنها اکتفا نکند و در سال بعد عمره و حج را اعاده نماید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۴

همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر از روی ندانستن مسأله بعضی از شَوَطهای سعی را ترک کرده باشد و وقت تدارک آن گذشته باشد؛ مثل اینکه خیال می کرد سعی واجب پنج شَوَط است.

### «مسأله ۴۸۲» اگر از روی فراموشی بعضی از شَوَطهای سعی را ترک کرده است،

پس اگر چهار شَوَط آن را بجا آورده باشد هر وقت یادش آمد باقیمانده را بجا آورد و عمره و حج او صحیح است؛ و اگر بعد از ذیحجه یادش آمد بنابر احتیاط همه سعی را نیز از سر گیرد. و اگر به وطن خود برگشته و برگشتن به مکه برای او حرج و مشقت دارد، باید نایب بگیرد تا به جای او بجا آورد؛ و بنابر احتیاط نایب پس از انجام باقیمانده، همه سعی را نیز اعاده نماید.

و اگر کمتر از چهار شَوَط را بجا آورده است، بنابر احتیاط باقیمانده را بجا آورد و همه سعی را نیز از سر گیرد؛ و اگر برای او حرج و مشقت دارد نایب بگیرد تا نایب هم باقیمانده را بجا آورد و هم سعی را از سر گیرد.

### «مسأله ۴۸۳» اگر از روی فراموشی بعضی از شَوَطهای سعی را ترک کرد

و به گمان اینکه سعی را تمام کرده ناخن گرفت یا از موی خود کم کرد و مُحَلَّ شَد، «۱» پس اگر بازن نزدیکی کرده باشد علاوه بر تمام کردن سعی به نحوی که در مسأله پیش گفته شد یک گاو به عنوان کفاره ذبح نماید؛ بلکه هر چند نزدیکی هم نکرده باشد بنابر اقوی این حکم جاری است.

شک در سعی

### «مسأله ۴۸۴» شک در عدد شَوَطهای سعی چند صورت دارد:

(۱) - یعنی از احرام خارج شد.

اول: بعد از تقصیر شک کند آیا به مقدار واجب سعی انجام داده یا کمتر یا بیشتر؛ در این صورت به شک خود اعتنا نکند.

دوم: بعد از تقصیر می داند هفت شوط نبوده ولی نمی داند آیا بیشتر بوده یا کمتر؛ در این صورت بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را از سر گیرد.

سوم: تقصیر را هنوز بجا نیاورده ولی در حالی که خود را خارج از محل سعی و فارغ از سعی می بیند شک کند آیا به مقدار واجب بجا آورده یا کمتر یا بیشتر، یا شک کند آیا به مقدار واجب بجا آورده یا کمتر؛ در این صورت بنا بر احتیاط سعی را از سر گیرد.

چهارم: در حالی که خود را در مروه می بیند شک کند آیا هفت شوط بجا آورده یا کمتر؛ در این صورت باید سعی را از سر گیرد.

پنجم: می داند هفت شوط را کاملاً بجا آورده است، ولی شک دارد آیا زیادتر از آن بجا آورده یا نه؛ در این صورت سعی او صحیح است، خواه از محل سعی خارج شده باشد یا نه.

ششم: در بین شوط شک کند آیا شوط هفتم است یا نهم مثلاً؛ در این صورت

نیز باید سعی را از سر گیرد، هرچند خوب است شَوَط را تمام کند و بعد همه سعی را از سر گیرد.

### «مسأله ۴۸۵» اگر در روزی که طواف کرده است، فردای آن روز شک کند

آیا سعی را بجا آورده است یا نه، پس اگر پس از تقصیر باشد به شک خود اعتنا نکند؛ و اگر قبل از تقصیر باشد بنابر احتیاط سعی را بجا آورد.

### «مسأله ۴۸۶» اگر پس از تمام شدن سعی و فراغت از آن شک کند

آیا آن را صحیح انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

همچنین است اگر شوط یا جزئی از آن را بجا آورده و پس از داخل شدن در شوط یا جزء دیگر شک کند آیا آنچه را قبلاً انجام داده درست بجا آورده است یا نه.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۶

### «مسأله ۴۸۷» اگر در حال طواف یا سعی پول یا چیز دیگر غصبی یا مالی که خمس آن داده نشده همراه دارد

به نحوی که آن پول یا آن چیز به حرکات طواف و سعی متحرک و جابجا می شود، صحت طواف و سعی او محل اشکال است.

### مستحبات سعی

### «مسأله ۴۸۸» ۱- مستحب است پس از نماز طواف و پیش از سعی از آب زمزم بنوشد

و از آن بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ»

۲- به طرف حَجْرِالاسود برود و آن را لمس نماید و بیوسد و به آن اشاره نماید.

۳- از دری که مقابل حَجْرِالاسود است با آرامش و وقار به طرف کوه صفا برود از بالای آن به خانه کعبه و ستونی که حَجْرِالاسود در آن قرار دارد متوجه شود و به آن نگاه کند، و حمد و ثنای خدا را بجا آورد و نعمتها و خوبیهای او را در حق خود به یاد آورد.

۴- پس از آن: هفت مرتبه: «اللَّهُ اکبر» و هفت مرتبه: «الحمد لله» و هفت مرتبه: «لا اله الا الله» بگوید.

۵- آنگاه سه مرتبه بگوید: «لا- إله إلا الله وَ حده لا شریک له، له المُلک وَ له الحمد، یحیی وَ یُمیت وَ هو حی لا یَموت بِیدِهِ

الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيٌّ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

۶- سپس صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيٌّ مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلِيٌّ مَا أَوْلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ.»

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۷

۷- پس سه مرتبه بگوید: «اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.»

۸- پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ

العَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

۹- پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

۱۰- پس صد مرتبه بگوید: «الله اکبر» و صد مرتبه: «لا اله الا الله» و صد مرتبه: «الحمد لله» و صد مرتبه: «سبحان الله».

۱۱- پس بگوید: «لا اله الا الله وَ حده وَ حده أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَ حِيدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ حده وَ حده.»

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

۱۲- و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل خود را به پروردگار خود.

۱۳- پس بگوید: «اسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.»

۱۴- پس سه مرتبه بگوید: «الله اکبر» و دوباره این دعا را تکرار کند؛ پس یک تکبیر بگوید و باز دعا را بخواند. و اگر همه این دعاها را نمی تواند بخواند هر قدر می تواند بخواند. (۱)

---

(۱)- الکافی، ۴ / ۴۳۱.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۸

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اندازه خواندن یک سوره بقره با تائی بر روی کوه صفا می ایستادند.»

۱۵- و در روایتی وارد شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی بالای کوه صفا می رفتند رو به کعبه می کردند و دستها را بلند کرده و این دعا را می خواندند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ»



فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمْنِي وَإِنْ تَعِيدَّنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَيْ رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تَعِيدَّنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي. أَصَبِحْتُ أَتَقِي عَيْدَكَ وَلَا أَخَافُ حَيْوَتَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَيْدٌ لِي لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي.» (۱)

۱۶- پس بگوید: «يا مَنْ لَا يَخِيبُ سَأْلُهُ وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعِدَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

و در حدیث وارد شده: هر که می خواهد مال او زیاد شود، توقف بر صفا و مروه را طول دهد.

۱۷- هنگامی که از کوه صفا به طرف پایین حرکت کرد به پله چهارم که رسید در مقابل کعبه ایستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضَيْقِهِ وَ ضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا

---

(۱)- الکافی، ۴/ ۴۳۲، وسائل الشیعه، ۹/ ۵۱۸.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۷۹

ظُلُوكَ.» (۱)

۱۸- پس از پله چهارم به طرف پایین برود و احرام خود را از پشت خود کنار زند و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَيَّ الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، الْعَفْوَ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ ارْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ.»

۱۹- مستحب است پیاده سعی کند، و با آرامش و وقار حرکت کند تا به مناره نزدیک صفا برسد و از آنجا

تا جایی که سابقاً بازار عطر فروشان بوده و اکنون با علامت خاصی مشخص شده است با شتاب و هزّوله مانند دویدن شتر حرکت کند و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْاَكْرَمُ، وَ اهْدِنِي لِلتِّي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعِي، وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي فَتَقَبَّلْ عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلِ الْمُتَّقِينَ.» (۲)

۲۰- وقتی که از آن محل گذشت، شتاب و هزّوله را ترک کند و با آرامش و وقار حرکت کند تا مروه و بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّلُولِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.»

۲۱- هنگامی که به مروه رسید، بالای آن برود و به طرف خانه کعبه متوجه شود و آنچه را در صفا انجام داده بجا آورد و دعاهاى

---

(۱)- من لا يحضره الفقيه، ۲ / ۵۳۶.

(۲)- من لا يحضره الفقيه، ۲ / ۵۳۶.

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۱۸۰

آنجا را بخواند و از خدا بخواهد حاجات او را برآورده فرماید؛ پس بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ زَيَّنَ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ؛ الْعَفْوُ الْعَفْوُ.»

۲۲- مستحب است نزد خدا تضرع نماید و گریه کند و اگر نمی تواند، حالت گریه به خود بگیرد و کوشش نماید از چشمانش اشک خارج شود هرچند

به مقدار پر مگسی باشد؛ و زیاد دعا کند.

۲۳- خوب است بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ، وَ صِدْقَ النَّيِّهِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.» «۱»

۲۴- هنگام برگشتن به طرف صفا نیز مانند آمدن به طرف مروه عمل نماید، و همچنین پس از برگشتن، بر صفا و مروه اعمال گذشته را تکرار نماید؛ و بر زنها به طور کلی شتاب و هَرَوَلَه نیست.

## فصل پنجم: تقصیر و احکام آن

### اشاره

ششم از واجبات عمره تمتع «تقصیر» است؛

یعنی زدن مو یا ناخن.

### «مسئله ۴۸۹» در عمره تمتع واجب است پس از سعی تقصیر کند؛

یعنی مقداری از ناخنها دست یا پا، یا موی سر یا شارب و یا ریش خود را بزند. و بهتر بلکه احوط این است که به زدن ناخن اکتفا نکند؛ بلکه مقداری از مو را نیز بزند. و تراشیدن سر کافی نیست؛ بلکه بنا بر مشهور حرام است.

---

(۱) - الکافی، ۴ / ۴۳۳.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۸۱

### «مسئله ۴۹۰» بنا بر اقوی کردن مو کافی نیست؛

و کافی بودن زدن موی عانه «۱» یا زیر بغل و امثال اینها نیز محل اشکال است.

### «مسئله ۴۹۱» تقصیر باید بعد از سعی باشد؛

و اگر پیش از سعی تقصیر کند کافی نیست و باید آن را بعد از سعی بجا آورد.

و اگر عمداً واقع شده کفاره نیز دارد.

### «مسئله ۴۹۲» تقصیر نیز از عبادات است

و باید آن را با نیت خالص و به قصد اطاعت خدا بجا آورد. و اگر به قصد ریا یا مقاصد دیگر بجا آورد کافی نیست و باید آن را جبران نماید.

**«مسأله ۴۹۳» پس از تقصیر آنچه به سبب احرام حرام شده بود حلال می شود؛**

حتی نزدیکی با زن. فقط بنابر احتیاط واجب سر خود را نتراشد؛ مگر در بعضی موارد که جایز است.

**«مسأله ۴۹۴» پس از فراغت از سعی لازم نیست فوراً تقصیر کند؛**

بلکه می تواند آن را تأخیر اندازد و در منزل یا جای دیگر تقصیر کند؛ ولی باید پیش از احرام حج تقصیر را انجام داده باشد.

**«مسأله ۴۹۵» اگر عمداً تقصیر را تا وقت احرام حج ترک کند**

و بدون انجام آن به قصد احرام حج محرم شود عمره او باطل است و احرام او به احرام حج افراد تبدیل می شود؛ و بنابر احتیاط واجب پس از حج باید یک عمره مفرده بجا آورد، و در سال بعد نیز عمره و حج تمتع را بجا آورد.

**«مسأله ۴۹۶» اگر تقصیر را فراموش کرد**

تا وقتی که محرم شد برای احرام حج، عمره و حجش صحیح است؛ ولی بنابر احتیاط یک گوسفند ذبح نماید.

---

(۱) - محل رویدن موی زیر شکم.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۸۲

**«مسأله ۴۹۷» اگر از روی ندانستن مسأله بعد از سعی و پیش از تقصیر با زن خود نزدیکی کند**

بنابر احتیاط یک شتر کفاره بدهد؛ و حکم نزدیکی عمدی، در باب تروک و محرمات احرام گذشت.

**«مسأله ۴۹۸» در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست؛**

و اگر بخواهد احتیاط کند، آن را با نماز آن به قصد رجاء و امیدواری بجا آورد.

**باب سوم: اعمال، احکام و آداب حج تمتع**

## واجبات حج تمتع

سابقاً گفته شد وظیفه کسانی که از مکه معظمه دورند حج تمتع است؛ و آن مرکب است از دو عمل: «عمره تمتع» و «حج تمتع».

و واجبات عمره تمتع شش چیز است، و واجبات حج تمتع چهارده چیز. «۱»

اینک که از بیان واجبات عمره تمتع فارغ شدیم بحث خود را در بیان واجبات حج تمتع ادامه می دهیم؛ و آنها را در شش فصل بیان می کنیم.

## فصل اول: احرام حج و مستحبات آن

### «مسئله ۴۹۹» اولین واجب حج تمتع «تیت حج تمتع» است

و دومین واجب آن «احرام» است؛ و آن در واجبات و شرایط و تروک و محرمات و مستحبات و مکروهات گذشته مانند احرام عمره است؛ فقط در تیت و محل احرام تفاوت دارند. در احرام حج باید به تیت حج تمتع مُحرم شود و محل آن مکه معظمه است؛ و در هر جای مکه واقع شود کافی است، ولی افضل «مسجدالحرام» است و افضل مواضع آن «مقام ابراهیم علیه السلام» و «حجر اسماعیل علیه السلام» است.

و چون شهر مکه وسعت پیدا کرده است بنا بر احتیاط هر چه نزدیکتر به مسجدالحرام مُحرم شود تا مطمئن شود در حدود مکه

---

(۱) - به مسائل «۱۳۵»، «۱۳۶» و «۱۳۷» مراجعه شود.

صدر اسلام محرم شده است؛ و حتی المقدور این احتیاط ترک نشود. زیرا از صحیحه «معاویه بن عمار» در باب قطع تلبیه بسا استفاده شود که اجمالاً حدود مکه آن زمان مورد توجه بوده است. «۱» ولی اگر احرام از مکه میسر نیست از هر جا ممکن است باید محرم شود.

### «مسئله ۵۰۰» پس از انجام عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب باید انسان در مکه بماند

و خود را گرو حج بدانند، مگر اینکه ناچار باشد از مکه خارج شود؛ و در این صورت باید احرام حج ببندد و با احرام حج از مکه خارج شود. ولی اگر فرضاً بدون حاجت و بدون احرام خارج شد و پس از یکی دو روز برگشت و در مکه احرام حج

بست، احرام و حج او صحیح است. و برای اطلاع از تفصیل در این مسأله به مسأله «۱۴۰» مراجعه شود.

### «مسأله ۵۰۱» پس از تمام شدن عمره تمتع لازم نیست فوراً احرام حج ببندد؛

بلکه اجمالاً وقت آن وسعت دارد، و می تواند تأخیر اندازد تا وقتی که بتواند وقوف اختیاری عرفات را در ظهر روز نهم ذیحجه درک نماید؛ ولی پس از آن، تأخیر جایز نیست.

و اولی و احوط این است که احرام حج در روز هشتم ذیحجه واقع شود؛ و بهتر است بعد از نماز ظهر باشد. ولی مقدم داشتن بر آن، مخصوصاً برای افراد پیر و مریض و بخصوص تا سه روز قبل بی اشکال است.

### «مسأله ۵۰۲» اگر احرام حج تمتع را فراموش کند

یا در اثر ندانستن مسأله ترک کند و به منی یا عرفات برود، هر وقت متوجه شود باید برگردد و در مکه محرم شود. و اگر نمی تواند به مکه

---

(۱) - وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب «۴۳» از ابواب «الاحرام»، حدیث ۱.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۸۷

برگردد بنا بر احتیاط به مقداری که می تواند برگردد؛ و اگر نمی تواند یا وقت تنگ است از همانجا احرام ببندد، هر چند در عرفات یا مشعر باشد. و اگر پس از اتمام حج متوجه شود، پس اگر در وقت احرام عمره اجمالاً نیت آن را داشته است حج او صحیح است.

### «مسأله ۵۰۳» بنا بر احتیاط در حج تمتع پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحب بجا نیاورد؛

و اگر فرضاً بجا آورد بنا بر احتیاط لئیک را تجدید نماید.

مستحبات احرام حج

### «مسأله ۵۰۴» چیزهایی که در احرام عمره تمتع مستحب بود و در مسأله «۲۰۲» به آنها اشاره شد

**اشاره**

در احرام حج نیز مستحب است.

علاوه بر این مستحب است:

### ۱- پس از اینکه در راه مشرف بر «ابطح» شد به آواز بلند لبیک بگوید؛

و چون متوجه منی شد بگوید: «اللَّهُمَّ أَيَاكَ ارْجُو، وَ أَيَاكَ ادْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي.»

### ۲- و وقتی که به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيهِ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ. اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ.»

### ۳- و شب عرفه را در منی بماند

ونماز مغرب و عشا و صبح روز عرفه را در مسجد «خيف» بخواند؛ و بهتر است در نزد مناره وسط مسجد باشد تا سسی ذراع اطراف آن، زیرا این محل جای نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و انبیاء گذشته علیهم السلام است. و می تواند تا طلوع آفتاب در منی بماند. و اگر پیش از طلوع آفتاب به طرف عرفات حرکت

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۸۸

کند مانعی ندارد، ولی بهتر است قبل از طلوع آفتاب از وادی مُحَسَّر نگذرد. و حد منی از گردنه عقبه است تا وادی مُحَسَّر که متصل به مزدلفه «۱» است.

### ۴- و هنگام توجه به طرف عرفات این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ أَيَاكَ اعْتَمَدْتُ، وَ وَجْهَكَ ارْدْتُ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

پس تلبیه گویان رهسپار عرفات شود.

### فصل دوم: وقوف به عرفات

اشاره

سوم از واجبات حج به طور کلی «وقوف به عرفات» است.

### «مسأله ۵۰۵» واجب است مُحرم به احرام حج در ظهر روز عرفه - نهم ذیحجه - در عرفات باشد

و در آنجا تیت وقوف کند؛ و آن رکنی است از ارکان حج که اگر عمداً آن را ترک کند حجتش باطل است.

### «مسأله ۵۰۶» وقوف به عرفات نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است

و باید به قصد قربت و با خلوص تیت و خالی از ریا باشد.

### «مسأله ۵۰۷» مقصود از «وقوف» توقف کردن و بودن در آن مکان است

برای رضای خدا؛ خواه سواره باشد یا پیاده، نشسته باشد یا خوابیده و یا در حال حرکت، به هر صورت باشد کافی است. ولی اگر در تمام مدت - یعنی از ظهر تا مغرب - خواب یا

---

(۱) - «مزدلفه» همان مشعرالحرام است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۸۹

بیهوش یا بدون تیت باشد، وقوف او باطل است.

### «مسأله ۵۰۸» هر چند از بعضی اخبار استفاده می شود که می توانند اول ظهر نماز ظهر و عصر را در خارج عرفات بخوانند

و بعد وارد عرفات شوند، ولی بنابر احتیاط از اول ظهر به عرفات بروند و تا مغرب شرعی که وقت نماز مغرب و عشا است در آنجا بمانند؛ و لازم است پیش از مغرب از عرفات خارج نشوند.

### «مسأله ۵۰۹» عرفات بیابانی است در خارج حرم خدا،

در حدود چهار فرسخی مکه سابق؛ و محدود است به مکانهایی به نامهای «ثویه» و «عُرْنَه»، «نَمْرَه»، «ذی المجاز» و «مَأَزْمِین» که تنگه ای است بین عرفات و مزدلفه و این حدود خارج از عرفات است؛ پس وقوف در آنها کافی نیست.

### «مسأله ۵۱۰» در عرفات کوهی است معروف به «جبل الرحمه» که جزو عرفات است.

ولی مستحب است وقوف در پایین کوه، طرف چپ آن واقع شود؛ مگر اینکه در اثر کثرت جمعیت ناچار باشد بالای کوه برود.



### «مسأله ۵۱۱» هر چند واجب است از بعد از ظهر تا مغرب شرعی در عرفات باشند ولی همه آن رکن حج نیست؛

پس اگر بعد از ظهر بیاید و مقدار کمی هر چند یک دقیقه به قصد وقوف در آنجا بماند و قبل از مغرب شرعی برود، هر چند گناه کرده ولی حج او صحیح است.

### «مسأله ۵۱۲» چنانکه گفته شد اگر با علم و عمد وقوف به عرفات را به طور کلی ترک کند،

یعنی در هیچ جزئی از ظهر تا مغرب شرعی روز عرفه را در عرفات نماند حجتش باطل است.

و برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری عرفات است کافی نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹۰

### «مسأله ۵۱۳» کسی که در اثر فراموشی یا دیر رسیدن به مکه یا اشتباه در ماه

یا ندانستن محل وقوف یا عذرهای موجه دیگر، وقوف اختیاری عرفات را درک نکرده لازم است مقداری از شب عید را پیش از طلوع فجر در عرفات بماند و قصد وقوف کند. و این وقوف «وقوف اضطراری عرفات» است؛ و اگر عمداً آن را ترک کند حجتش باطل است.

ولی اگر در اثر یکی از عذرهایی که گفته شد وقوف اضطراری عرفات را نیز نتوانست درک کند لکن وقوف اختیاری مشعر را بعد از طلوع فجر روز عید درک کرد حج او صحیح است؛ چنانکه اگر گمان دارد که رفتن به عرفات برای وقوف اضطراری موجب ترک وقوف اختیاری مشعر است، در این صورت نیز باید به مشعر برود و وقوف اختیاری آن را درک کند و حج او صحیح است.

### «مسأله ۵۱۴» اگر کسی عمداً پیش از مغرب شرعی از عرفات کوچ کرد

و بیرون رفت، حج او صحیح است ولی گناه کرده است و علاوه بر استغفار باید کفاره بدهد؛ و کفاره آن نحر «۱» یک شتر است در روز عید در منی. و اگر توانایی آن را ندارد باید هجده روز در مکه یا در راه و یا در محل خود روزه بگیرد؛ و بنا بر احتیاط روزه ها را پی در پی و پشت سر هم بگیرد. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا اشتباه در وقت پیش از مغرب از عرفات کوچ کرد کفاره ندارد. ولی اگر متوجه شد و وقت باقی است و می تواند باید برگردد؛ و اگر برنگشت گناه کرده ولی ثبوت کفاره در آن محل اشکال است، هر چند احوط است.

چنانکه اگر عمداً کوچ کرد ولی پشیمان شد و زود برگشت در این صورت نیز لزوم کفاره محل اشکال است، ولی

(۱) - «نحر» یعنی: قربانی نمودن شتر.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹۱

### «مسأله ۵۱۵» اگر ماه در نزد علما و قضات اهل سنت در حجاز ثابت شد

و بر طبق آن حکم کردند، پس چنانچه ما یقین بر خلاف آن نداشته باشیم باید از آنان پیروی کنیم و وقوف به عرفات و مشعر و سایر اعمال را مطابق حکم آنان انجام دهیم و حج ما صحیح است. و لازم نیست احتیاط کنیم و روز بعد را نیز به عرفات برویم؛ بلکه اگر موجب خوف و ضرر و بروز اختلاف شود جایز نیست.

ولی اگر یقین به بطلان حکم آنان پیدا کنیم و بدانیم در ماه اشتباه کرده اند و مثلاً وقوف به عرفات را در روز هشتم انجام داده اند، در این صورت کافی بودن عملی که به پیروی آنان انجام شده محل اشکال است. پس اگر ممکن است بدون خوف و ضرر وقوف به عرفات را - هر چند اضطراری آن باشد - درک کنیم حج ما صحیح است؛ و گرنه بنا بر احتیاط با قصد آنچه فعلاً وظیفه اوست از حج و عمره مفرده، اعمال را همراه آنان انجام دهد و در سال بعد حج را بجا آورد. ولی یقین به بطلان حکم آنان کمتر پیدا می شود.

مستحبات وقوف به عرفات

«مسأله ۵۱۶» پس از رسیدن به عرفات مستحب است:

### ۱- هنگام ظهر پس از قطع تلبیه «لا اله الا الله» بگوید

و حمد و ثنای خدای متعال را بجا آورد.

### ۲- غسل کند و نماز ظهر و عصر را با غسل و با یک اذان و دو اقامه بدون فاصله بجا آورد

و خود را مهتای دعا و مسألت از خدا کند و به تمام معنا دل خود را متوجه خدا نماید و به مردم نگاه و توجه نکند.

### ۳- وقوف در پایین کوه و در طرف چپ آن در زمینهای هموار باشد

و بالای کوه نرود؛ مگر در صورت ازدحام و کثرت جمعیت.

**۴- در حال وقوف با طهارت باشد.**

**۵- صد مرتبه: «الله اکبر» بگوید؛**

و صد مرتبه سوره: «قل هو الله احد» را بخواند؛ و آنچه می خواهد دعا کند و در دعا کوشش نماید که روز، روز دعا و مسألت از خداست. و از شیطان به خدا پناه برد؛ زیرا برای شیطان غافل کردن انسان در این مکان از غافل کردن در هر جای دیگر محبوبتر است.

**۶- این دعا را بخواند:**

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَ لَا تَخْدَعْ عَنِّي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا سَمِيعَ السَّمْعِينَ وَ يَا ابْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا اسْرِعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اسْأَلُكَ انْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا»

و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را نام ببرد.

**۷- پس دستهای خود را به طرف بالا بلند کند و بگوید:**

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي انْ اعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ انْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا اعْطَيْتَنِي اسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ اَجَلِي بِعِلْمِكَ، اسْأَلُكَ انْ تُؤَقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ انْ تَسْلِمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي ارْتَيْتَهَا اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ دَلَّتْ عَلَيْهَا حَبِيبُكَ مُحَمَّدًا صِدْقًا صَدَّقَ اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتَ عَمَلَهُ وَ اَطَلْتَ عُمُرَهُ وَ اَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً». (۱)

**۸- این دعا را بخواند:**

---

(۱) - الکافی، ۴/ ۴۶۴.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَخَيْرٌ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ.

اللَّهُمَّ لَكَ صِلَاتِي وَدِينِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَلَكَ ثَرَاتِي وَبِعْكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَمِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنَ عَذَابِ النَّارِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ».

#### ٩- و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي (نُورًا) وَفِي بَصِيرَتِي نُورًا، وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوَقِي وَمَفَاصِلِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا، وَاعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبَّ يَوْمَ الْقَاكِ أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

#### ١٠- رو به كعبه بایستد و صد مرتبه:

«سبحان الله» و صد مرتبه:

«الله اكبر» و صد مرتبه: «ماشاء الله لا قوة إلا بالله» و صد مرتبه:

«اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي (وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ - خ ل)، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگوید.

#### ١١- ده آیه از اول سوره بقره،

وسه مرتبه «قل هو الله احد» و «آیهالكرسى» را بخواند و سپس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۱۹۴

العالمين. ادعوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ». (۱)

#### ١٢- سوره: «قل اعدو برب الفلق»

و «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

### ۱۳- حمد خدا گوید بر همه نعمت‌هایش؛

و یکایک نعمت‌های خدا را که به یاد دارد ذکر کند. همچنین حمد کند خدا را برای اهل و مال و سایر چیزهایی که به او انعام کرده است. پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ.»

و به همه آیاتی از قرآن که در آنها حمد خدا ذکر شده خدا را حمد نماید؛ و به آیاتی که در آنها تسبیح ذکر شده خدا را تسبیح نماید؛ و به آیاتی که در آنها تکبیر ذکر شده خدا را تکبیر نماید؛ و به آیاتی که در آنها تهلیل ذکر شده خدا را تهلیل نماید. و زیاد بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستد؛ و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن ذکر شده خدا را بخواند؛ و به هر اسمی از اسماء الهی که به یاد دارد خدا را بخواند؛ و به اسمائی که در آخر سوره حشر ذکر شده خدا را بخواند.

### ۱۴- پس بگوید:

«سَأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَ اسأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ، وَ بِجَمِيعِ مَا احاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بِجَمِيعِكَ وَ بِارِكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِاسْمِكَ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ، وَ

(۱)- سوره اعراف (۷): آیات ۵۴ تا ۵۶.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹۵

بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ ان تُجِيبَهُ. وَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ ان لَا تُرَدَّهُ وَ ان تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ ان تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ.»

### ۱۵- و حاجت‌های دنیایی و آخرتی خود را از خدا بخواهد؛

و از او بخواهد که در سال آینده و همه سالها توفیق حج بیابد؛ و هفتاد مرتبه بهشت طلب کند؛ و هفتاد مرتبه توبه و استغفار کند. و بگوید:

«اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.»

(۱)

### ۱۶- و نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ تَشْتُّتِ الْأَمْرِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ اَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَ اَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ اَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلِّلْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ الْبِسْنِي عَافِيَتِكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ.»

### ۱۷- هر چه می تواند در حق برادران دینی خود دعا کند؛

و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که: هر کس در پشت سر برادر خود دعا کند از عرش ندا می شود: از برای تو باد صد هزار برابر آن.

### ۱۸- بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سیدالشهداء علیه السلام

و دعای حضرت زین العابدین علیه السلام که در صحیفه کامله ذکر شده است خوانده شود.

### ۱۹- پس از غروب آفتاب بگوید:

(۱)- من لایحضره الفقیه، ۲ / ۵۴۲.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹۶

«اللَّهُمَّ لَاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ ارْزُقْنِيهِ اَبَدًا مَا اَبَقَيْتَنِي. وَ اَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ حِجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَهَةِ (وَ الْعَافِيَةِ) وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا ارْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ.»

### ۲۰- بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْتِنِنِي مِنَ النَّارِ»

## فصل سوم: وقوف به مشعر

### اشاره

چهارم از واجبات حج «وقوف در مشعر» است.

#### «مسأله ۵۱۷» شخص حاج پس از انجام وقوف به عرفات، در مغرب شب عید باید به طرف مشعر الحرام کوچ کند،

به نحوی که نماز مغرب و عشا را در مشعر بخواند؛ و آن را «مُرْدَلْفَه» نیز می نامند. و آن بیابانی است که بین «مأزمین» (تنگه ای است بین عرفات و مشعر) و «حیاض» و «وادی مُحَسَّر» واقع شده است.

و این حدود سه گانه خارج از مشعر است و وقوف در آنها کافی نیست؛ مگر در صورت ازدحام و کثرت جمعیت که در این صورت وقوف در «مأزمین» مانعی ندارد.

#### «مسأله ۵۱۸» وقوف در مشعر نیز از ارکان حج است

که اگر عمداً آن را به طور کلی ترک کند حج او باطل است؛ و وقت آن از طلوع فجر شب دهم است تا طلوع آفتاب. و هر چند وقوف در همه

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹۷

این وقت واجب است، ولی آنچه رکن است وقوف در جزئی از این وقت می باشد؛ هر چند یک دقیقه باشد.

#### «مسأله ۵۱۹» وقوف در مشعر نیز مانند وقوف در عرفات از عبادات است

و باید با نیت و قصد قربت و اخلاص آن را بجا آورد؛ و اگر برای ریا یا مقاصد دیگر انجام شود باطل است.

#### «مسأله ۵۲۰» بنا بر احتیاط واجب در مشعر ذکر خدا را ترک نکند؛

هر چند مختصر باشد. و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او نیز صلوات بفرستد.

#### «مسأله ۵۲۱» بنا بر احتیاط واجب باید شب دهم را نیز تا طلوع فجر در مشعر به سر برد

و آن را «بیتوته در مشعر» می نامند.

و آن هم باید با نیت و قصد قربت واقع شود؛ هر چند ترک آن موجب بطلان حج نیست در صورتی که وقوف بعد از طلوع

فجر را انجام دهد.

**«مسأله ۵۲۲» جایز است کمی پیش از طلوع آفتاب از مشعر به طرف منی حرکت کند؛**

ولی بنا بر احتیاط به نحوی حرکت کند که پیش از طلوع آفتاب وارد وادی مُحَسَّر که متصل به مشعر است نشود.

**«مسأله ۵۲۳» جایز است برای اشخاص ضعیف و معذور**

- مانند زنان و بچه ها و پیرمردان و بیماران و کسانی که برای پرستاری و راهنمایی آنان لازم است و همچنین کسانی که ترسانند- وقوف در مشعر را در شب انجام دهند و شبانه به طرف منی کوچ کنند؛ ولی بنا بر احتیاط واجب پیش از نصف شب حرکت نکنند؛ و اگر بتوانند تا جایی که ممکن است بمانند و مانند دیگران وقوف را پس از طلوع فجر انجام دهند بهتر است. و مخفی نماند کسانی که حجشان نیابتی است و موظفند فرائض و واجبات حج را

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹۸

به نحو کامل انجام دهند، مشکل است به عنوان راهنمایی و پرستاری زنان و ضعیفان شب کوچ کنند و به وقوف اضطراری اکتفا کنند؛ بلکه این اشکال نسبت به خود ضعیفان نیز اگر حجشان نیابتی باشد جاری است.

**«مسأله ۵۲۴» اگر در اثر فراموشی یا عذری دیگر وقوف از طلوع فجر تا طلوع آفتاب را به طور کلی ترک کند،**

کافی است از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید- هر چند مدت کمی باشد- در مشعر وقوف کند. و این وقوف اضطراری مشعر است؛ و اگر این را عمداً ترک کرد، حجش باطل است.

**«مسأله ۵۲۵» از آنچه گذشت معلوم شد برای وقوف در مشعر سه وقت است:**

یک وقت اختیاری و دو وقت اضطراری.

وقت اختیاری آن از طلوع فجر روز عید است تا طلوع آفتاب؛ و وقت اضطراری اول، شب عید است برای زنان و کودکان و ضعیفان؛ و وقت اضطراری دوم از اول آفتاب روز عید است تا ظهر، برای کسی که در اثر عذر هیچ یک از دو وقت اول را درک نکرده است.

**«مسأله ۵۲۶» چون وقوف به عرفات دو وقت دارد:**

**اشاره**

اختیاری و اضطراری، و وقوف به مشعر سه وقت دارد: یک اختیاری و دو اضطراری شبانه و روزانه، پس جمع آنها پنج می



شود؛ و برای شخص حاج به ملاحظه درک و عدم درک آنها دوازده صورت فرض می شود:

یک صورت اینکه هیچ کدام را به هیچ نحو درک نکند. و شش صورت اینکه هر دو وقوف را به نحوی درک کند؛ زیرا با ضرب دو وقت عرفات در سه وقت مشعر شش صورت مرکب به دست می آید. و پنج صورت اینکه فقط یکی از وقت‌های پنجگانه را درک کند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۱۹۹

اینک احکام صورتهای دوازده گانه را به نحو اجمال بیان می کنیم:

### **اول: هیچ یک از دو وقوف را به هیچ نحو درک نکند؛**

در این صورت بدون اشکال حج او باطل است؛ و باید با همان احرام عمره مفرده بجا آورد و بنا بر احتیاط نیت خود را به عمره مفرده برگرداند؛ و اگر گوسفند یا شتر همراه داشته آن را نیز احتیاطاً قربانی کند.

و می تواند بلکه مستحب است با حجاج در منی<sup>۱</sup> به حال احرام بماند و بعد اعمال عمره مفرده را بجا آورد و از احرام خارج شود.

پس اگر ترک دو وقوف از روی عمد بوده، باید در سال بعد حج را بجا آورد؛ همچنین است اگر عمدی نبوده ولی استطاعت او باقی ماند یا از سالهای گذشته حج بر او ثابت شده است. و اگر حج او حج تمتع بوده، عمره تمتع را نیز در سال بعد باید اعاده نماید.

و در همه صورتهای آینده که حکم به بطلان حج می شود این دستور جاری است.

و اعمال عمره مفرده - چنانکه سابقاً گفته شد - علاوه بر احرام عبارت است از «طواف»، «نماز طواف»، «سعی بین صفا

و مروه»، «تقصیر یا حلق» و «طواف نساء و نماز آن».

### **دوم: وقوف اختیاری عرفات و وقوف اختیاری مشعر را درک کند؛**

در این صورت حج او بدون اشکال صحیح است.

### **سوم: وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را در روز عید درک کند؛**

پس اگر وقوف اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده است حج او باطل است، و گرنه صحیح است.

### **چهارم: وقوف اختیاری مشعر را با اضطراری عرفات درک کند؛**

پس اگر وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک کرده است حج او باطل است، و الاً صحیح است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۰

### **پنجم: وقوف اختیاری عرفات را با اضطراری مشعر در شب عید درک کند؛**

پس اگر ترک وقوف اختیاری مشعر در اثر یکی از عذرهای بوده حج او صحیح است. و سابقاً در مسأله «۵۲۳» گفته شد که زنان و پیرمردان و کودکان و مریضها از معذورین محسوبند که می توانند در شب وقوف کنند و پس از نیمه شب رهسپار منی شوند. و اگر ترک وقوف اختیاری مشعر از روی علم و عمد و بدون عذر بوده، هر چند بنا بر مشهور حج او صحیح است، ولی بنا بر احتیاط واجب اعمال حج تمتع و عمره مفرده را به قصد ما فی الذمه (از حج تمتع و عمره) انجام دهد و در سال بعد نیز حج را اعاده نماید. و لازم نیست طواف و نماز و سعی و طواف نساء را تکرار کند؛ بلکه می تواند آنها را یکبار به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

### **ششم: وقوف اضطراری عرفات را با اضطراری مشعر در روز عید درک کند.**

پس اگر وقوف اختیاری آن دو یا یکی از آنها را عمداً ترک کرده است حج او باطل است. و اگر از روی عمد نبوده بنا بر اقوی حج او صحیح است؛ هر چند احوط اعاده حج است در سال بعد اگر شرایط آن باقی بماند یا از سالهای سابق حج بر او ثابت شده است.

### **هفتم: وقوف اضطراری عرفات و اضطراری مشعر را در شب عید درک کند؛**

پس اگر از قبیل معذورین عمومی یعنی زنان و کودکان و پیرمردان و بیماران باشد و وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است؛ و اگر وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک کرده است حجتش باطل است.

و اگر از معذورین عمومی نباشد، پس اگر وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک کرده است بدون اشکال حج او باطل است؛

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۱

و اگر وقوف اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد یا ترک هیچ کدام از روی عمد نبوده، به احتیاط واجب یاد شده در صورت پنجم عمل نماید.

### **هشتم: فقط وقوف اختیاری عرفات را درک کند.**

پس اگر وقوف در مشعر را عمداً ترک کرده است حج او باطل است؛ و گرنه احوط تمام کردن حج و اعاده حج است در سال بعد.

### **نهم: فقط وقوف اضطراری عرفات را درک کند؛**

در این صورت ظاهراً حج او باطل است.

### **دهم: فقط وقوف اختیاری مشعر را درک کند؛**

پس اگر وقوف به عرفات را عمداً ترک کرده است حج او باطل است، و گرنه صحیح است.

### **یازدهم: فقط وقوف اضطراری مشعر را در روز عید درک کند.**

پس اگر وقوف به عرفات یا وقوف اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده است حج او باطل است؛ و گرنه احوط اتمام حج و اعاده حج است، هر چند صحت آن خالی از وجه نیست.

### **دوازدهم: فقط وقوف اضطراری مشعر را در شب عید درک کند.**

پس اگر وقوف به عرفات را عمداً ترک کرده است حج او باطل است؛ و اگر از روی عمد نبوده، پس اگر از قبیل معذورین عمومی باشد ظاهراً حج او صحیح است، هر چند احوط اعاده است؛ و اگر از معذورین عمومی نباشد به احتیاط یاد شده در صورت پنجم عمل نماید.

**«مسأله ۵۲۷» اگر کسی در بیابانی به گمان اینکه از عرفات است وقوف کند و بعد معلوم شود از عرفات نبوده و اشتباه کرده است،**

پس اگر وقت وقوف اضطراری باقی است، باید وقوف اضطراری را انجام دهد؛ و اگر وقت وقوف اضطراری نیز گذشته

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۲

است حکم او مانند حکم کسی است که از روی عذر وقوف به عرفات را ترک کرده باشد. همچنین است حکم کسی که در محلی به گمان اینکه مشعر است وقوف کند و بعد معلوم شود اشتباه کرده است.

**«مسأله ۵۲۸» خدمه ای که حجهان حج نیابتی است**

و با زنان و معذورین عمومی پیش از طلوع فجر به منی می روند، ولی خود را پیش از طلوع آفتاب به مشعر می رسانند و وقوف به مشعر را به مقداری که رکن است درک می کنند، حج آنان صحیح است و ذمه کسی که حج برای او بجا آورده اند بری می شود؛ ولی علاوه بر اینکه معصیت کرده اند در صورتی که اجاره آنان در مقابل همه اعمال بوده است نسبت به مقداری از مال الإجاره که در مقابل وقوف ترک شده واقع شده است مدیون می باشند.

**«مسأله ۵۲۹» اگر کسی غیر از معذورین عمومی در اثر ندانستن مسأله به وقوف اضطراری مشعر در شب عید اکتفا کرد**

و به منی رفت، پس اگر می تواند به مشعر برگردد و وقوف اختیاری مشعر را درک کند باید برگردد؛ بلکه اگر درک وقوف اختیاری مقدور نیست ولی می تواند وقوف اضطراری مشعر را در روز عید درک کند، در این صورت نیز احتیاطاً برگردد. و اگر به هیچ گونه نمی تواند برگردد، پس اگر وقوف اختیاری عرفات را نیز درک کرده است بنا بر اقوی حج او صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند ذبح کند. و اگر با درک وقوف اختیاری عرفات و وقوف شب عید در مشعر از روی فراموشی پیش از طلوع فجر از مشعر کوچ کرده است، اگر می تواند برگردد؛ و اگر به هیچ گونه نمی تواند برگردد در این صورت نیز حج او صحیح است و ذبح گوسفند نیز واجب نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۳

**مستحبات وقوف به مشعر**

**«مسأله ۵۳۰» ۱- مستحب است با وقار و آرامش دل**

و در حال استغفار از عرفات به طرف مشعر الحرام برود و وقتی که از طرف راست جاده به تل سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عِلْمِي وَ سَلِّمْ دِينِي وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.»

## ۲- در راه رفتن، میانه رو باشد

و از حرکت تند یا کند پرهیزد؛ و مردم ضعیف و مسلمانان را آزار ندهد؛ و بگوید:

«اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اِنْ اَظْلَمَ اَوْ اُظْلِمَ اَوْ اَقْطَعَ رَحِمًا اَوْ اُوذِيَ جَارًا.»

## ۳- نماز مغرب و عشا را تا مشعر تأخیر اندازد؛

هرچند از ثلث شب نیز بگذرد. و بین دو نماز جمع کند به یک اذان و دو اقامه؛ و نافله مغرب را بعد از نماز عشا بخواند. ولی اگر تا قبل از نصف شب نتوانست به مشعر برسد نماز مغرب و عشا را بین راه بخواند و تا نصف شب تأخیر نیندازد.

## ۴- در وسط وادی، طرف راست راه پیاده شود؛

و برای «صُرُورَه» یعنی کسی که نخستین بار است به حج آمده مستحب است در مشعر الحرام قدم گذارد.

## ۵- هر چه می تواند شب را به شب زنده داری

و دعا به سر برد و بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ اَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ اَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ اَطْلُبُ الْيَكَّ اِنْ تُعَرَّفَنِي مَا عَرَفْتَ اَوْلِيَاءَكَ فِي مَنَزِلِي هَذَا وَ اِنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.»

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۴

## ۶- بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای خدا گوید؛

و آنچه می تواند نعمتهای او را به یاد آورد؛ و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آل او صلوات بفرستد؛ و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُنْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَيْقِهِ الْجَنِّ وَ الْاِنْسِ. اللَّهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ اِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ وَ اِفِدْ جَائِزَةً فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا اِنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلْ مَعْدِرَتِي وَ اِنْ تَجَاوَزَ عَن حَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي.»

## ۷- وقوف در مشعر را

با غسل شروع نماید.

## ۸- در حال وقوف برای خود و پدر و مادر و اولاد و اهل و مال و برادران و خواهران مؤمن خود دعا کند؛

زیرا مکان، مکان شریفی است. و هنگام طلوع آفتاب هفت مرتبه به گناهان خود اعتراف کند و هفت مرتبه از خدا طلب بخشش نماید.

## ۹- مستحب است ریگهایی را که در منی برای رمی جمرات لازم است از مشعر جمع آوری کند؛

و دست کم مقدار لازم هفتاد دانه است. ولی چون ممکن است بعضی از ریگها به هدف نخورد بجاست مقدار بیشتری جمع آوری کند.

## ۱۰- مستحب است در کوچ کردن به طرف منی وقتی که به وادی مُحَسَّر رسید مقدار صد قدم مانند شتر تند حرکت کند؛

و اگر سواره است مرکوب خود را حرکت دهد و بگوید:

«رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ.»

و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَاجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.»

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۵

## فصل چهارم: واجبات منی در روز عید قربان

### «مسأله ۵۳۱» پنجم و ششم و هفتم از واجبات حج اعمال سه گانه منی است

در روز عید قربان؛ یعنی: «رمی جمره عقبه» و «ذبح گوسفند یا نحر شتر» و «تراشیدن سر و یا احیاناً تقصیر».

و «منی» مکانی است در حدود یک فرسخی مکّه سابق؛ و بین مکّه و وادی مُحَسَّر واقع شده است. و حدّ آن در طرف مکّه گردنه ای است که جمره عقبه در آن قرار گرفته است.

**«مسأله ۵۳۲» اولین واجب منی در روز عید «رمی جمره عقبه» «۱» است؛**

یعنی انداختن هفت ریگ به آن، به پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام که در این مکان شیطان را رمی کرد. و انداختن سنگهای بزرگ یا شن خیلی ریز یا کلوخ یا گل پخته یا چیزهای دیگر غیر از ریگ کافی نیست؛ ولی رنگهای مختلف ریگ هر کدام باشد کافی است.

**«مسأله ۵۳۳» در ریگها سه شرط معتبر است:**

**اول: اینکه از حرم باشند؛**

و اگر از خارج حرم جمع آوری شده باشند کافی نیست. و از هر جای حرم باشد مانعی ندارد؛ مگر

---

(۱) - «جمرات» ستونهای سنگی است که در منی در سه محل نزدیک به یکدیگر نصب شده اند؛ و سمبل جاهایی است که شیطان در برابر حضرت ابراهیم علیه السلام وسوسه کرده است. و پرتاب ریگ به آنها به معنای زدن شیطان و ایستادگی در برابر او می باشد. و جمره عقبه از همه به مکه نزدیکتر است. یادآوری می شود هر کدام از ستونهای نامبرده را در سالهای اخیر در چند طبقه و به طول حدود ۳۲ متر و ارتفاع ۵ متر افزایش داده اند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۶

مسجدالحرام و مسجد خیف؛ بلکه احتیاط این است که از مساجد دیگر نیز برداشته نشده باشند. و مستحب است از مشعر جمع آوری شده باشند.

**دوم: اینکه ریگها بگر باشند؛**

یعنی کسی آنها را در رمی صحیح به کار نبرده باشد، هر چند در سالهای پیش.

**سوم: اینکه غصبی نباشند؛**

پس اگر از زمین غیر یا از ریگهایی که دیگری برای خودش جمع کرده برداشته شود کافی نیست.

**«مسأله ۵۳۴» در رمی چند چیز معتبر است:**

### **اول: اینکه به هفت ریگ رمی کند،**

و کمتر از آن کافی نیست؛ چنانکه زیادت از آن نیز اگر به قصد رمی شرعی باشد بدعت و حرام است.

### **دوم: اینکه مانند سایر اعمال حج به قصد قربت**

و با نیت خالص، بدون ریا و مقاصد دیگر انجام دهد.

### **سوم: اینکه ریگها را رمی کند،**

یعنی به جمره بیندازد؛ پس اگر نزدیک جمره برود و ریگها را روی آن بگذارد کافی نیست.

### **چهارم: ریگها به جمره اصابت کند؛**

و اگر یکی از آنها اصابت نکرد باید دوباره بزند.

### **پنجم: اینکه به انداختن او به جمره برسد؛**

پس اگر انداختن او در رسیدن آنها به جمره کافی نباشد و در راه سنگ دیگران یا چیز دیگر با آن برخورد کند و فشار و کمک آن، ریگ را به جمره برساند کافی نیست. اگر در وسط راه به چیزی برخورد کند ولی رد شود و به همان نیروی اول به جمره برسد کافی است؛ ولی اگر به چیز دیگر برخورد و در اثر صلابت آن چیز کمانه کند و تصادفاً به جمره برخورد، به گونه ای که خوردن به جمره مستقیماً مستند به انداختن او نیست، در این صورت کافی بودن آن محل اشکال است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۷

### **ششم: اینکه ریگها را بتدریج و پشت سر هم بزند،**

هر چند بعضی از آنها باهم به جمره بخورند. پس اگر همه یا بعضی را باهم بزند کافی نیست.

### **«مسأله ۵۳۵» وقت رمی جمره از طلوع آفتاب روز عید است تا مغرب شرعی؛**

و بهتر است در وقت ظهر باشد. و اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله یا جهات دیگر، آن را ترک کرد باید در روز یازدهم تا سیزدهم که ایام تشریق «۱» است، هر وقت متوجه شد قضای آن را بجا آورد؛ و اول قضای گذشته را بجا آورد و سپس وظیفه آن روز را.

و اگر متوجه نشد تا ایام تشریق گذشت و هنوز از مکه خارج نشده، بنا بر احتیاط به منی برگردد و رمی را انجام دهد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب در سال آینده نیز خودش، و اگر نمی تواند دیگری به جای او آن را در روز عید، و اگر نشد در ایام تشریق قضا نماید.



و اگر رمی جمره را در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله ترک کرده و قربانی و تراشیدن سر را انجام داده است لازم نیست پس از قضای رمی جمره قربانی و تراشیدن سر را دوباره بجا آورد.

### «مسأله ۵۳۶» کسانی که از رمی جمره در روز معذورند

- مانند اشخاص بیمار یا ترسان- می توانند در شب رمی کنند؛ و هر وقت شب باشد مانعی ندارد.

و معذورین عمومی مانند زنان و پیرمردان و کودکان و ضعیفان که شبانه از مشعر به منی کوچ داده شده اند نیز جایز است در شب عید رمی جمره عقبه را انجام دهند؛ همچنین است حکم چوپانان؛ ولی قربانی باید در روز عید واقع شود.

---

(۱)- «ایام تشریق» روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه می باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۸

### «مسأله ۵۳۷» اگر احتمال دهد ریگهایی را که در حرم است از خارج حرم آورده باشند

به شک خود اعتنا نکند.

### «مسأله ۵۳۸» اگر احتمال دهد ریگهایی را که جمع آوری کرده بگر نباشند

و سابقاً در رمی مورد استفاده واقع شده باشند، به شک خود اعتنا نکند.

### «مسأله ۵۳۹» اگر شک کند آنچه را برای رمی جمع آوری کرده «حصی»- یعنی ریگ- به آنها گفته می شود یا نه،

رمی با آنها کافی نیست و باید یقین کند «حصی» به آنها گفته می شود.

### «مسأله ۵۴۰» اگر در عدد ریگهایی که انداخته یا در رسیدن آنها به جمره شک کرد،

پس اگر مشغول رمی است باید به اندازه ای بیندازد که یقین کند هفت عدد آنها اصابت کرده است؛ و مجرد مظنه و گمان کافی نیست. و اگر از رمی فارغ شده و وارد واجب دیگری- مانند قربانی یا حلق- شده و شک کرده، یا اینکه رمی در روز واقع شده و در شب شک کرده، به شک خود اعتنا نکند.

**«مسأله ۵۴۱» اگر پس از فراغت از رمی بلافاصله در صحت آن شک کرد،**

بنابر احتیاط دوباره آن را بجا آورد؛ و اگر زمانی از آن گذشته و پیش از اینکه وارد واجب بعدی شود در صحت آن شک کرد، به شک خود اعتنا نکند؛ ولی در این صورت اگر در عدد آن شک کرد احتیاطاً آن را از سر گیرد.

**«مسأله ۵۴۲» اگر معلوم شود ریگهایی را که انداخته به جمره نخورده است**

یا بعضی از آنها به جمره نخورده، باید دوباره رمی کند؛ هر چند در حال رمی گمان می کرد به جمره خورده است. پس اگر نزدیک جمره ساختمان یا ستونی مثلاً وجود داشته و اشتبهاً ریگها را به آن زده است باید دوباره رمی کند؛ و اگر خودش نمی تواند باید نایب بگیرد، هر چند برای سال بعد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۰۹

**«مسأله ۵۴۳» اگر چند ریگ را با هم بزند مانعی ندارد؛**

ولی یک عدد محسوب است، هر چند همه آنها به جمره بخورند.

**«مسأله ۵۴۴» باید ریگ را با دست بزند؛**

پس اگر مثلاً با دهان بیندازد کافی نیست. و انداختن با فلاخن و مانند آن نیز محل اشکال است.

**«مسأله ۵۴۵» جایز است سواره رمی کند؛**

ولی مستحب است پیاده باشد.

**«مسأله ۵۴۶» طهارت از حدث و خبث در رمی معتبر نیست؛**

ولی مستحب است با طهارت باشد. و ریگها هم لازم نیست پاک باشند؛ هر چند احوط است.

**«مسأله ۵۴۷» برای کودکان و بیماران و افراد بیهوش که قدرت رمی ندارند واجب است نایب بگیرند**

که به جای آنان رمی کند؛ همچنین است کسی که درک ندارد. و متصدی امر کودک، ولی شرعی اوست؛ و متصدی امر

بیمار و بیهوش و کسی که درک ندارد ظاهراً همراهان او هستند. و بنا بر احتیاط بیمار را نزد جمره ببرند و در حضور او از طرف او رمی کنند؛ مگر اینکه بردن او مشقت و حرج داشته باشد. و بنا بر احتیاط وقتی برای بیمار یا بیهوش نایب بگیرند که از سالم شدن و موفق شدن خودش مأیوس باشند.

#### «مسألة ۵۴۸» اگر بیمار یا بیهوش بعد از تمام شدن عمل نایب سالم شود،

بنا بر احتیاط خودش نیز رمی کند. ولی اگر در بین عمل او سالم شود باید خودش آن را از سر گیرد؛ و اکتفا به مقدار رمی نایب محل اشکال است.

#### «مسألة ۵۴۹» بر رمی در طبقه دوم جمرات،

ظاهراً رمی جمره صدق می کند و کافی است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۰

#### مستحبات رمی جمرات

#### «مسألة ۵۵۰» در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

##### اول:

در حال رمی با وضو باشد.

---

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

احکام و مناسک حج (منتظری)؛ ص: ۲۱۰

##### دوم:

پیاده باشد نه سواره.

## سوم:

رمی در وقت ظهر واقع شود.

## چهارم:

ریگها را در دست چپ نگه دارد و با دست راست بیندازد.

## پنجم:

ریگ را بر انگشت ابهام (شست) بگذارد و با سر انگشت سبابه «۱» بیندازد.

## ششم:

وقتی که ریگها را در دست گرفت و آماده رمی شد این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ حَصِيَاتِي فَأَحْصِيَنِّي لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي.» «۲»

## هفتم:

با انداختن هر ریگ تکبیر ذیل را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَيَّ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعِيًّا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا.»

## هشتم:

در رمی جمره عقبه بین او و جمره پانزده یا ده ذراع فاصله باشد؛ و در رمی جمره اولی و وسطی در کنار آنها بایستد.

## نهم:

در جمره عقبه پس از رمی توقف نکند؛ و در دو جمره دیگر رو به قبله بایستد و دعا کند و حمد و ثنای خدا گوید و بر پیامبر

صلی الله علیه و آله و سلم و آل او صلوات بفرستد.

#### دهم:

در رمی جمره عقبه پشت به قبله و رو به جمره بایستد.

(۱) - «سبابه» به انگشت پهلوی شست می گویند.

(۲) - الکافی، ۴ / ۴۷۹.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۱

#### یازدهم:

پس از برگشتن به جای خود در منی بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ.»

#### دوازدهم:

مستحب است ریگها از مشعر جمع آوری شده باشند و به قدر سر انگشت و ابرش «۱» و نقطه دار باشند؛ و کراهت دارد سیاه یا سفید یا قرمز یک دست باشند.

#### ۲- قربانی و شرایط و مستحبات آن:

«مسأله ۵۵۱» دوم از واجبات منی در روز عید در حج تمتع «هدی» یعنی قربانی است.

پس کسی که حج تمتع بجا می آورد واجب است در روز عید پس از رمی جمره عقبه یک شتر قربانی کند و یا یک گاو یا گوسفند ذبح نماید؛ و شتر از هر دو افضل است و گاو از گوسفند افضل است. و غیر از سه حیوان نامبرده سایر حیوانات کافی نیست.

«مسأله ۵۵۲» در شرایط عادی یک قربانی برای چند نفر کافی نیست؛

بلکه در حال ناچاری نیز کافی بودن آن محل اشکال است. پس اگر هر کدام به تنهایی پول یک قربانی را ندارند یا تهیه آن ممکن نیست ولی می توانند به شرکت یک قربانی تهیه کنند، در این صورت بنا بر احتیاط، بین شرکت در قربانی و روزه گرفتن جمع کنند و هر دو را بجا آورند.

### «مسئله ۵۵۳» قربانی باید در منی باشد؛

و اگر در حال اختیار در جای دیگر قربانی کند کافی نیست.

### «مسئله ۵۵۴» اگر قربانگاه را در خارج منی درست کرده اند

و به طور کلی از ذبح در منی جلوگیری می کنند، پس اگر ممکن است

---

(۱) - «ابرش» به ریگهای خال و خط دار می گویند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۲

در روز بعد تا آخر ایام تشریق بلکه تا آخر ذیحجه در منی قربانی کند هر چند به وسیله نایب گرفتن باشد باید در منی ذبح کند؛ ولی اگر به طور کلی هر چند با تأخیر و به وسیله نایب مقدور نیست، در این صورت می تواند در خارج منی قربانی کند. و بنا بر احتیاط نزدیکترین قربانگاه به منی را انتخاب نماید.

### «مسئله ۵۵۵» بنا بر احتیاط واجب قربانی باید در روز باشد؛

حتی کسانی که معذور بوده و شب از مشعر کوچ کرده اند و رمی جمره را شبانه انجام داده اند قربانی را جایز نیست در شب انجام دهند. ولی شخص خائف (ترسان)، که در روز نمی تواند قربانی کند می تواند در شب آن را انجام دهد.

### «مسئله ۵۵۶» بنا بر احتیاط واجب قربانی را از روز عید تأخیر نیندازد.

ولی اگر تأخیر انداخت یا در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله یا پیدا نشدن حیوان یا عذری دیگر انجام نشد، در ایام تشریق یعنی تا سیزدهم ذیحجه بجا آورد؛ و اگر نتوانست چنانچه تا آخر ذیحجه آن را انجام دهد کافی است.

### «مسئله ۵۵۷» اعمال منی در روز عید قربان به ترتیب عبارت است از:

«رمی جمره عقبه» و «قربانی» و «تراشیدن سر یا تقصیر».

پس باید ترتیب را رعایت کند؛ ولی اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله بعضی را بر بعضی مقدم داشت کافی است و اعاده آن لازم نیست.

### **«مسأله ۵۵۸» قربانی نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است**

و باید به قصد قربت و با نیت خالص بدون ریا انجام شود.

### **«مسأله ۵۵۹» در حیوان قربانی چند شرط معتبر است:**

#### **اول: اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد؛**

و بنابر احتیاط سن گاو و بز کمتر از دو سال و سن میش یا بره کمتر از یک سال نباشد. و اگر پس از قربانی کردن معلوم شد سن آن کمتر بوده کافی نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۳

#### **دوم: تام الاجزا باشد**

و نقص نداشته باشد؛ پس اگر لنگ یا کور یا گوش بریده یا دم بریده باشد، یا اگر شاخ داخلی آن بریده یا شکسته باشد کافی نیست. ولی اگر شاخ بزرگ خارجی آن بریده یا شکسته باشد مانعی ندارد؛ چنانکه اگر گوش آن سوراخ یا شکافته باشد نیز مانعی ندارد، هر چند خلاف احتیاط است. و بنابر احتیاط اگر کوری یا لنگی آن ظاهر و روشن نیز نباشد به آن اکتفا نشود.

#### **سوم: در نظر عرف لاغر نباشد؛**

و بر حسب روایت وارده اگر بر کُلیه های آن مقداری پیه باشد کافی است.

#### **چهارم: بنابر احتیاط واجب به هیچ نحو مریض نباشد،**

حتی مرض پوستی و کچلی.

#### **پنجم: بنابر احتیاط واجب**

خیلی پیر نباشد.

#### **ششم: بنابر احتیاط واجب خَصِی یعنی اَخْتَه نباشد؛**

بلکه بنا بر احتیاط بیضه آن را نیز نکوییده باشند.

**هفتم: بنا بر احتیاط واجب به حسب اصل خلقت نیز بی دم نباشد؛**

بلکه بنا بر احتیاط هیچ نقص نداشته باشد.

**«مسألة ۵۶۰» اگر در روز عید غیر از اخته یافت نمی شود**

ولی بعد از عید تا آخر ذیحجه یافت می شود، بنا بر احتیاط بین آنها جمع کند؛ بدین معنا که اخته را در روز عید قربانی کند و بعد هم یک غیر اخته قربانی نماید. و اگر بعد از عید هم یافت نمی شود جمع کند بین قربانی اخته و قربانی غیر اخته در سال بعد. همچنین است اگر حیوان کامل و سالم در روز عید یافت نمی شود ولی غیر سالم یافت می شود.

**«مسألة ۵۶۱» اگر به طور کلی حیوان قربانی یافت نمی شود**

باید پول آن را نزد شخص امینی بگذارد تا در ایام تشریق، و اگر نشد تا آخر ذیحجه، و اگر نشد در سال بعد به جای او بخرد و در منی قربانی کند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۴

**«مسألة ۵۶۲» در قربانی دست کم یک گوسفند واجب است**

و هر چه بیشتر باشد بهتر است. و در اخبار حجه الوداع آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای قربانی صد شتر با خود آورده بودند و شصت و شش یا شصت و چهار یا شصت و سه عدد آنها را برای خودشان و بقیه را برای امیرالمؤمنین علیه السلام که از یمن به حج آمده بودند قربانی کردند.

**«مسألة ۵۶۳» اگر حیوانی را به گمان صحیح و سالم بودن بخرد و قربانی کند و بعد معلوم شود مریض یا ناقص بوده است،**

کافی بودن آن محل اشکال است. ولی اگر آن را به گمان چاق بودن بخرد و قربانی کند و بعد معلوم شود لاغر بوده کافی است؛ و اگر پیش از قربانی کردن لاغر بودن آن معلوم شود کافی بودن آن خالی از اشکال نیست.

**«مسألة ۵۶۴» اگر حیوانی را با احتمال لاغری بخرد و به امید چاق بودن با قصد قربت قربانی کند**

و تصادفاً معلوم شود چاق بوده است کافی است؛ ولی اگر قصد قربت محقق نشود کافی نیست.



**«مسأله ۵۶۵» اگر بعد از قربانی کردن شک کند آیا حیوان واجد شرایط بوده است یا نه**

و احتمال می دهد پیش از قربانی کردن بررسی کرده باشد، در این صورت به شک خود اعتنا نکند.

**«مسأله ۵۶۶» بنابر احتیاط اگر احتمال نقص یا عیب در حیوان می دهد آن را بررسی کند.**

و به اصل سلامت حیوان اکتفا نکند؛ مگر اینکه به سلامت آن اطمینان داشته باشد.

**«مسأله ۵۶۷» اگر حیوان سالمی را برای قربانی بخرد و در راه قربانگاه زمین بخورد**

و دست و پای آن بشکند یا معیوب شود کافی است همان را قربانی کند؛ ولی این حکم در نذر و کفاره جاری نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۵

**«مسأله ۵۶۸» لازم نیست خود انسان ذبح کند**

و جایز است نایب بگیرد. و بنابر احتیاط هم خودش تیت کند و هم نایب؛ مگر اینکه خودش حضور نداشته باشد.

**«مسأله ۵۶۹» اگر می خواهد برای ذبح نایب بگیرد باید به شخص مورد اطمینان نیابت دهد؛**

و در این صورت اگر در صحت عمل او شک کرد به شک خود اعتنا نکند.

**«مسأله ۵۷۰» اگر نایب در خرید حیوان و ذبح نیابت داشته باشد**

و عمداً بر خلاف دستور شرع عمل کند، مطلقاً «۱» ضامن است و باید غرامت بدهد. همچنین است اگر از روی اشتباه یا ندانستن مسأله بوده ولی برای عمل خود اجرت گرفته است؛ و اگر اجرت نگرفته ضمانت او معلوم نیست. ولی بالا-خره برای کسی که در حال احرام است کافی نیست و باید دوباره قربانی کند.

**«مسأله ۵۷۱» بنابر احتیاط واجب ذبح کننده باید مؤمن اثناعشری باشد؛**

همچنین است در ذبح و نحر کفارات. و اگر به وسیله غیر مؤمن ذبح واقع شده بنابر احتیاط واجب دوباره قربانی کند؛ هر چند در اثر ندانستن مسأله یا اشتباه این کار انجام شده باشد.

**«مسأله ۵۷۲» ولی بچه که او را مُحرم کرده است به احرام حج تمتع،**

باید برای او از مال خودش - نه از مال بچه - قربانی کند؛ و اگر توانایی ندارد باید به جای آن روزه بگیرد.

**«مسأله ۵۷۳» بنا بر احتیاط در صورت امکان قربانی را سه قسمت کند:**

یک ثلث آن را به فقراي مؤمنین صدقه دهد، و یک ثلث آن را به مؤمنین اهدا کند، و یک ثلث آن را برای مصرف خود و اهل خود نگه دارد و کمی از آن بخورد. و می تواند برای عمل به احتیاط از فقیری و از مؤمنی و کالت بگیرد و بدون تقسیم حیوان

---

(۱) - «مطلقاً» یعنی چه اجرت گرفته باشد یا نه.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۶

نسبت به دو ثلث آن قصد صدقه و اهدا کند. و اگر حیوان را پس از ذبح از او ربودند ضامن نیست؛ و اگر حیوان پس از ذبح در آنجا هیچ ارزش ندارد در این صورت صدقه و اهدا لازم نیست.

روزه به جای قربانی

**«مسأله ۵۷۴» اگر نه قربانی دارد و نه پول آن را،**

واجب است ده روز روزه بگیرد: سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت به وطن.

**«مسأله ۵۷۵» اگر بدون مشقت می تواند قرض بگیرد**

و چیزی دارد که قرض را با فروختن آن ادا کند باید قرض بگیرد و قربانی کند.

**«مسأله ۵۷۶» اگر در اشیائی که در سفر با خود دارد چیز زایدی به اندازه پول قربانی وجود دارد**

باید آن را بفروشد و قربانی کند؛ ولی لباسهای معمولی خود را لازم نیست بفروشد.

**«مسأله ۵۷۷» اگر قربانی و پول آن را ندارد**

و چیزی هم که بفروشد ندارد ولی می تواند کسب کند و پول آن را تهیه نماید، واجب نیست کسب کند؛ ولی اگر کسب کرد و پول آن را پیدا کرد واجب است قربانی کند.

### «مسئله ۵۷۸» سه روز از ده روز روزه باید در ماه ذیحجه واقع شود؛

و بنا بر احتیاط روز هفتم و هشتم و نهم ذیحجه را اختیار کند؛ و اگر نشد چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم ذیحجه را روزه بگیرد. و جایز نیست در ایام تشریق در منی روزه بگیرد؛ بلکه روزه در ایام تشریق در منی در هر صورت حرام است. و می تواند تا آخر ذیحجه هر وقت بخواهد این سه روزه را بگیرد؛ هر چند احوط این است که پس از ایام تشریق بلافاصله بگیرد.

### «مسئله ۵۷۹» سه روز روزه باید پشت سر هم باشد؛

و گرفتن

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۷

این سه روزه در سفر مانعی ندارد. پس لازم نیست در مکه برای روزه ها قصد اقامه کند؛ و اگر کاروان مهلت ماندن در مکه را نداد می تواند آنها را در راه و یا شهر خود بگیرد.

### «مسئله ۵۸۰» اگر تا آخر ذیحجه این سه روزه را نگرفت

دیگر روزه نتیجه ندارد و باید یک گوسفند، خودش یا نایش در منی ذبح کند.

### «مسئله ۵۸۱» پس از گرفتن سه روزه باید هفت روز روزه پس از مراجعت به وطن خود بگیرد.

و جایز نیست آنها را در مکه یا در راه بگیرد؛ مگر اینکه قصد ماندن در مکه را داشته باشد که در این صورت پس از گذشت یک ماه یا گذشت مدتی که برای رسیدن به وطن لازم است می تواند در مکه بگیرد؛ و بنا بر احتیاط بین سه روز و هفت روز فاصله بیندازد، هر چند یک روز باشد.

### «مسئله ۵۸۲» بنا بر احتیاط هفت روز را نیز پشت سر هم بگیرد.

و اگر روزه ها را گرفت و بعد قدرت خرید قربانی پیدا کرد، قربانی واجب نیست؛ و اگر پس از گرفتن سه روز قدرت پیدا کرد، بنا بر احتیاط قربانی کند.

### «مسأله ۵۸۳» اگر روزه رانگرفت و از دنیا رفت،

ولی او باید سه روزه واجب در حج را به جای او بگیرد؛ ولی گرفتن هفت روز لازم نیست.

هر چند فروع و مسائل روزه در اینجا زیاد است، ولی چون کمتر مورد ابتلا می باشد لذا ما از تفصیل آنها صرف نظر می کنیم.

مسائل متفرقه قربانی

### «مسأله ۵۸۴» کسی که در حج اجیر دیگری است می تواند برای ذبح قربانی نایب بگیرد

و نایب قربانی را به قصد جزئی برای

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۸

حجی که موکلش آن را انجام می دهد ذبح کند.

### «مسأله ۵۸۵» در شب عید قربانی کردن جایز نیست،

مگر برای خائف (ترسان)؛ و در شبهای بعد نیز خلاف احتیاط است.

پس اگر در روز عید قربانی نکرده در روزهای بعد قربانی کند؛ مگر اینکه خائف باشد.

### «مسأله ۵۸۶» کسی که در حال احرام است پیش از تقصیر یا تراشیدن سر

جایز است برای ذبح یا نحر قربانی، نایب دیگری شود.

### «مسأله ۵۸۷» اگر چند نفر پول روی هم گذاشتند و به کسی وکالت دادند که برود و گوسفند بخرد

و برای آنان قربانی کند و او به شرکت به عدد آنان گوسفند خرید و برای هر کدام یک گوسفند معین کرد و ذبح نمود، در صورتی که همه به این گونه معامله رضایت داده اند کافی است؛ هر چند گوسفندها از نظر قیمت تفاوت داشته باشند.

### «مسأله ۵۸۸» کسی که در اثر ندانستن مسأله گوسفند خود را برای ذبح به غیر مؤمن داده است

و پس از ذبح، تراشیدن سر و سایر اعمال حج را بجا آورده و از احرام خارج شده، پس از توجه بنابر احتیاط واجب باید قربانی

خود را دوباره انجام دهد؛ هر چند به وسیله نایب گرفتن باشد، و اعمال و حج او صحیح است. همچنین است اگر گمان می کرد ذبح کننده مؤمن است و به او در ذبح نیابت داد و بعد معلوم شد مؤمن نبوده است.

**«مسئله ۵۸۹» سابقاً گفته شد که قربانی باید در منی باشد**

و اگر در روز عید ممکن نیست در روزهای بعد تا آخر ذیحجه هر چند به وسیله نایب گرفتن انجام دهد؛ ولی اگر به هیچ گونه قدرت این کار را ندارد، ذبح در غیر منی مانعی ندارد.

**«مسئله ۵۹۰» اگر کسی بدون گرفتن وکالت از دیگری**

به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۱۹

گمان کافی بودن رضایت قلبی به نیابت او قربانی کرد کافی نیست؛ هر چند آن دیگری زن او یا از دوستان صمیمی او باشد.

**«مسئله ۵۹۱» ذبح باید با کارد آهنی باشد**

و ذبح با غیر آهن جایز نیست.

**«مسئله ۵۹۲» اگر به کسی در خرید حیوان و ذبح آن وکالت داد**

و وکیل فراموش کرد یا نتوانست انجام دهد و پس از مراجعت به وطن متوجه شد، حج او صحیح است؛ ولی قربانی به عهده او باقی است. پس اگر ممکن است، به کسی وکالت دهد در ذیحجه همان سال در منی برای او قربانی کند؛ وگرنه باید به کسی نیابت دهد در سال بعد در منی برای او قربانی کند.

**«مسئله ۵۹۳» اگر کسی به اعتقاد اینکه گوشتها تلف می شود و قربانی تزییع مال است قربانی نکرد**

و سایر اعمال حج را انجام داد و از احرام خارج شد، در صورتی که اعتقاد او از روی ندانستن حکم قطعی شرع بوده و گمان می کرده اعمالش صحیح است، در این صورت اعمال و حج او صحیح است و از احرام خارج شده؛ ولی قربانی بر عهده او باقی است.

**«مسأله ۵۹۴» محرم می تواند پیش از ذبح قربانی خود،**

برای دیگران ذبح کند.

**«مسأله ۵۹۵» قربانی را اگر از بول متعلق خمس**

که خمس آن را نداده بخرد کافی نیست.

**«مسأله ۵۹۶» اگر برای رمی جمرة عقبه نایب گرفت**

و به گمان اینکه نایب رمی کرده است قربانی کرد و سرخود را تراشید و بعد معلوم شد نایب رمی نکرده است، قربانی و سر تراشیدن او صحیح است؛ ولی قضای رمی را باید بجا آورد.

**«مسأله ۵۹۷» اگر قربانی را عمداً از روز عید تأخیر انداخت**

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۰

و در روزهای بعد قربانی کرد، هر چند بر خلاف احتیاط واجب عمل کرده ولی قربانی او صحیح است؛ و تا زمانی که قربانی را انجام نداده نمی تواند سرخود را بترشد یا تقصیر کند.

مستحبات قربانی در منی

**«مسأله ۵۹۸» در قربانی چند چیز مستحب است:**

**۱- شتر از گاو افضل است؛**

و گاو از گوسفند افضل است؛ و میش از بز افضل است.

**۲- خیلی فربه**

و چاق باشد.

**۳- شتر و گاو ماده باشند**

و گوسفند نر.

#### ۴- در گوسفند مستحب است

قوچ چشم و گوش درشت و دهان و چشم و دست و پا سیاه باشد.

#### ۵- محرم خودش نحر و ذبح را انجام دهد؛

هر چند زن باشد.

و اگر نمی تواند دست خود را روی دست ذبح کننده بگذارد.

#### ۶- در حال نحر، شتر ایستاده باشد

و دستهای آن را تا زانو بسته باشند؛ و نحر کننده در طرف راست آن بایستد.

#### ۷- در حال نحر یا ذبح این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا (مُسْلِمًا) وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.» «۱»

#### ۳- تقصیر یا سر تراشیدن:

#### «مسألة ۵۹۹» سوم از واجبات منی در روز عید

- که هفتم از

---

(۱)- الکافی، ۴/ ۴۹۸.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۱

واجبات حج می باشد- تقصیر یا سر تراشیدن است. پس حاجی باید پس از قربانی از مو یا ناخن خود کم کند، یا سرخود را بتراشد؛ و مخیر است بین آنها، و تراشیدن سر از تقصیر افضل است. و جمع بین آنها افضل می باشد، مگر برای چند طائفه:

اول: زنها که باید تقصیر کنند و تراشیدن سر برای آنها کافی نیست؛ بلکه جایز بودن آن نیز محل اشکال است.

دوم: کسی که سال اول حج اوست که بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد.

سوم: کسی که موی سرخود را گره زده و درهم پیچیده یا بافته است، و یا به وسیلهٔ عسل یا صمغ «۱» برای رفع شپش و مانند

آن به هم چسبانده است که باید سر خود را بتراشد.

**«مسأله ۶۰۰» خنثای مشکل «۲» اگر از دو دسته اخیر نباشد**

باید تقصیر کند؛ و اگر از آنها باشد بنا بر احتیاط جمع کند بین تقصیر و تراشیدن، و بهتر است تقصیر را مقدم بدارد.

**«مسأله ۶۰۱» در تراشیدن سر بنا بر احتیاط همه سر را بتراشد.**

و در تقصیر گرفتن هر مقدار از مو یا ناخن به هر وسیله که باشد کافی است؛ هر چند به وسیله دندان باشد.

**«مسأله ۶۰۲» تقصیر و سر تراشیدن نیز مانند سایر اعمال حج از عبادات است**

و باید آن را به قصد قربت و نیت خالص و بدون قصد ریا و مقاصد دیگر بجا آورد؛ و گرنه صحیح نیست و آنچه باید به سبب آن حلال شود حلال نمی شود.

**«مسأله ۶۰۳» در سر تراشیدن جایز است انسان سر خود را**

---

(۱) - «صمغ» شیره بعضی درختان که چسبندگی دارد.

(۲) - «خنثای مشکل» خنثایی است که زن و مردی او به هیچ وجه تشخیص داده نمی شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۲

بتراشد و یا دیگری بتراشد؛ و در این صورت بنا بر احتیاط هر دو نیت کنند.

**«مسأله ۶۰۴» کسانی که باید سر خود را بتراشند اگر سرشان مو ندارد،**

باید تیغ را به سر خود بکشند؛ و بنا بر احتیاط تقصیر را نیز انجام دهند.

**«مسأله ۶۰۵» کسانی که مخیرند بین تقصیر و سر تراشیدن اگر سرشان مو ندارد**



باید تقصیر کنند؛ و اگر اصلاً مو ندارند باید از ناخن خود بزنند.

### «مسأله ۶۰۶» در تقصیر تراشیدن ریش

کافی نیست.

### «مسأله ۶۰۷» در تقصیر کافی بودن زدن موی زیر بغل و زیر شکم،

محل اشکال است.

### «مسأله ۶۰۸» وقت تقصیر و تراشیدن

سر روز عید است بعد از قربانی؛ و جایز نیست آن را پیش از قربانی انجام دهد. و بنابر احتیاط در حال اختیار آن را از روز عید تأخیر نیندازد؛ ولی اگر به هر جهت هر چند عمداً آن را تأخیر انداخت کافی است آن را در روز بعد تا آخر ایام تشریق بجا آورد؛ و ظاهراً انجام آن در شبهای ایام تشریق نیز مانعی ندارد، هر چند خلاف احتیاط است.

### «مسأله ۶۰۹» اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، تقصیر یا سرتراشیدن را پیش از قربانی یا پیش از رمی جمره بجا آورد

کافی است و اعاده آن لازم نیست؛ ولی اگر عمداً آن را جلو انداخت بنابر احتیاط واجب دوباره آن را انجام دهد.

### «مسأله ۶۱۰» جای تقصیر و سرتراشیدن منی است؛

و جایز نیست در حال اختیار آن را در جای دیگر انجام دهد؛ و اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله و یا عمداً از منی خارج شده است باید برگردد و در منی انجام دهد. و اگر نمی تواند برگردد، در هر جا

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۳

هست آن را بجا آورد و موهای خود را در صورت امکان به منی بفرستد تا در آنجا دفن شود؛ هر چند دفن واجب نیست.

### «مسأله ۶۱۱» طواف و سعی را باید پس از تقصیر یا سرتراشیدن بجا آورد.

و اگر جلو انداخت، پس اگر عمداً این کار را کرده باید پس از تقصیر یا سرتراشیدن، طواف بلکه سعی را نیز اعاده نماید؛ و

یک گوسفند نیز به عنوان کفاره ذبح کند. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده کفاره ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط پس از تقصیر یا تراشیدن سر، طواف بلکه سعی را نیز دوباره انجام دهد.

**«مسأله ۶۱۲» پس از تقصیر یا سر تراشیدن همه محرمات احرام بر او حلال می شود مگر زن و بوی خوش،**

و صید نیز بنا بر احتیاط.

مسائل متفرقه تقصیر و سر تراشیدن

**«مسأله ۶۱۳» اگر قربانی از روز عید تأخیر افتاد**

بنا بر احتیاط واجب جایز نیست تقصیر کند و از احرام خارج شود؛ بلکه باید صبر کند پس از قربانی تقصیر نماید و سپس طواف و سعی را بجا آورد.

**«مسأله ۶۱۴» اگر کسی را برای قربانی وکیل نماید**

تا زمانی که وکیل قربانی نکرده جایز نیست تقصیر یا تراشیدن سر را بجا آورد. ولی اگر خیال کند وکیل قربانی را انجام داده پس سر خود را بتراشد یا تقصیر کند، سر تراشیدن و تقصیر او صحیح است؛ و اگر طواف و سعی را نیز بجا آورده اعاده آنها لازم نیست.

**«مسأله ۶۱۵» کسانی که مخیرند بین تقصیر و تراشیدن سر،**

اگر بدانند تراشیدن سر موجب خون آمدن می شود، در این صورت باید تقصیر کنند و تراشیدن سر جایز نیست؛ ولی کسی که وظیفه اش تنها تراشیدن سر است باید در هر صورت سر را بتراشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۴

**«مسأله ۶۱۶» کسی که وظیفه اش تراشیدن سر است**

جایز نیست به واسطه بلندی موها اول موها را با ماشین بزند و بعد سر را بتراشد، هر چند بلافاصله باشد؛ و اگر عمداً این کار را کرد باید کفاره بدهد.

**«مسأله ۶۱۷» مُحرم جایز نیست پیش از سر تراشیدن یا تقصیر، خودش سر دیگری را بترشد یا موی او را بزند،**

ولی گرفتن ناخن دیگری مانعی ندارد.

**«مسأله ۶۱۸» اگر در اثر عدم امکان ذبح در منی،**

در کشتارگاه خارج منی قربانی کند جایز نیست در آنجا تقصیر نماید یا سر خود را بترشد؛ بلکه باید در منی انجام دهد.

و اگر در خارج انجام داده باید برگردد و تراشیدن سر یا تقصیر را اعاده نماید؛ و اگر طواف و سعی را نیز بجا آورده باید آنها را نیز اعاده نماید.

**«مسأله ۶۱۹» اگر بچه ممیز تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام دهد**

و در آخر سرش را بترشد، از صوره بودن خارج می شود و در سال بعد حکم صوره ندارد.

مستحبات سر تراشیدن

**«مسأله ۶۲۰» در سر تراشیدن چند چیز مستحب است:**

اول: اینکه از طرف راست جلوی سر ابتدا کند و «بسم الله» بگوید و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

دوم: موی سر خود را در منی در خیمه و محل اقامت خود دفن کند.

سوم: بعد از تراشیدن سر، شارب و اطراف ریش خود را اصلاح کند و ناخن خود را نیز بزند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۵

چهارم: اگر به تراشیدن سر عادت دارد، نوبت تراشیدن بعد را حتی المقدور تأخیر اندازد.

**فصل پنجم: اعمال مکه معظمه**

**اشاره**

هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم از واجبات حج «طواف»، «نماز طواف»، «سعی صفا و مروه»، «طواف نساء و نماز آن» می

باشد.

### «مسأله ۶۲۱» بعد از انجام سه واجب منی در روز عید، واجب است به مکه برود

و طواف خانه خدا و نماز طواف و سعی را به همان گونه ای که در عمره گفته شد انجام دهد. و پس از آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورد؛ هر چند طواف نساء و نماز آن از اجزای حج نیستند، ولی واجبند و تا زمانی که آنها را بجا نیاورده زن بر او حرام است.

و بهتر است برای این اعمال در روز عید و یا حداقل روز یازدهم ذیحجه به مکه برود؛ هر چند تأخیر آنها تا بعد از ایام تشریق مانعی ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط بعد از ایام تشریق بدون تأخیر آنها را بجا آورد. و اگر معذور باشد تأخیر آنها تا آخر ذیحجه مانعی ندارد. و تا زمانی که آنها را انجام نداده باید از زن و بوی خوش اجتناب کند.

### «مسأله ۶۲۲» طواف و نماز و سعی در اینجا از نظر کیفیت و واجبات و شرایط و احکام، مانند طواف و نماز و سعی عمره است؛

فقط در آنجا نیت عمره می کرد و در اینجا باید به نیت حج آنها را بجا آورد. و در طواف نساء نیت طواف نساء کند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۶

### «مسأله ۶۲۳» محل انجام اعمال پنج گانه یاد شده بعد از اعمال منی است

و بنا بر احتیاط واجب جایز نیست در حال اختیار آنها را پیش از وقوف به عرفات بجا آورد.

### «مسأله ۶۲۴» برای چند طائفه جایز است طواف و نماز و سعی را پس از احرام حج و پیش از رفتن به عرفات انجام دهند:

#### اول: زنی که بترسد

در برگشتن از منی حائض یا نفساء شود و نتواند بماند تا پاک شود.

#### دوم: پیرمرد یا پیرزنی که نتواند به مکه برگردد

یا در اثر زیاد بودن جمعیت از طواف عاجز باشد.

#### سوم: بیماری که بترسد پس از برگشتن

در اثر کثرت جمعیت نتواند طواف کند.

**چهارم: کسی که می داند تا آخر ذیحجه در اثر ترس یا جهاتی دیگر نمی تواند به مکه برگردد،**

یا نمی تواند طواف و سعی را بجا آورد.

**«مسأله ۶۲۵» سه طائفه اول که طواف و سعی را جلو انداخته اند**

اگر به مکه برگشتند و می توانند، بنا بر احتیاط سعی را دوباره بجا آورند؛ بلکه خوب است طواف را نیز در صورت امکان اعاده نمایند، هر چند واجب نیست. ولی طائفه چهارم اگر می توانند به مکه برگردند و معلوم شد مانعی که خیال می کردند وجود ندارد بنا بر احتیاط واجب باید طواف و سعی را اعاده نمایند.

**«مسأله ۶۲۶» کسی که به جهتی از جهات می ترسد به مکه برگردد جایز است طواف نساء را نیز جلو بیندازد.**

و طوائف دیگر نیز هر چند جایز است جلو بیندازند ولی بنا بر احتیاط در صورت امکان آن را اعاده نمایند.

**«مسأله ۶۲۷» اگر بعد از ورود به مکه نتواند بعضی از اعمال نامبرده را انجام دهد**

- مثل اینکه بیمار شود و به هیچ شکل هر چند

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۷

با کمک و مساعدت دیگران نتواند طواف و سعی را به جا آورد، یا زن حائض بوده یا حائض شود و کاروان به او مهلت ماندن را نمی دهد- برای آنچه مقدور او نیست باید نایب بگیرد؛ و آنچه را می تواند خودش باید انجام دهد.

**«مسأله ۶۲۸» تروک و محرّمات احرام حج در سه مرحله حلال می شوند:**

**اول: بعد از تقصیر یا تراشیدن سر همه محرّمات حلال می شوند،**

غیر از نزدیکی بازن و بوی خوش؛ بلکه بنا بر احتیاط از صید نیز هر چند در خارج حرم اجتناب نماید. همچنین بنا بر احتیاط از سایر بهره بردنهای مانند بازی کردن و بوسیدن و نیز عقد زن اجتناب نماید.

**دوم: بعد از سعی صفا و مروه**

بوی خوش حلال می شود.

**سوم: بعد از طواف نساء و نماز آن،**

زن و آنچه مربوط به زن است بر او حلال می شود. ولی صید در حرم خدا بر همه کس حرام است؛ هر چند در حال احرام نباشد. و صید در خارج حرم پس از خارج شدن از احرام مانعی ندارد.

**«مسئله ۶۲۹» برای کسانی که در اثر ترس از حیض یا مرض یا جهات دیگر طواف و سعی و طواف نساء را جلو انداخته اند،**

پس از طواف و سعی محرمات احرام حلال نمی شود؛ بلکه پس از تقصیر یا تراشیدن سر حلال می شود.

### **مسائل طواف نساء**

**«مسئله ۶۳۰» طواف نساء و نماز آن در کیفیت و واجبات و شرایط و احکام مانند طواف حج و نماز آن می باشد؛**

فقط در نیت باید نیت طواف نساء کند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۸

**«مسئله ۶۳۱» طواف نساء اختصاص به مرد ندارد؛**

بلکه بر زن و ختنه و خصی (اخته) نیز واجب است. و اگر زن آن را بجا نیاورد شوهر بر او حلال نمی شود؛ و مردان نیز اگر آن را بجا نیاورند، زن بلکه بنا بر احتیاط واجب سایر امور مربوط به زن نیز بر آنها حلال نمی شود.

**«مسئله ۶۳۲» بنا بر احتیاط واجب بچه ممیز که احرام بسته نیز برای حلال شدن زن یا شوهر برای او،**

باید طواف نساء و نماز آن را بجا آورد؛ بلکه بنا بر احتیاط بچه غیر ممیز را نیز اگر احرام بستند، و لیش او را به طواف نساء طواف دهد تا بعد از بلوغ، زن یا شوهر برای او اشکال نداشته باشد.

**«مسئله ۶۳۳» طواف نساء و نماز آن هر چند واجبند، ولی رکن حج نیستند؛**

بلکه اصلاً جزو حج نیستند و حج بدون آنها صحیح است. لکن اگر آنها را بجا نیاوردند زن یا شوهر حلال نمی شوند؛ بلکه حلال شدن همه امور مربوط به زن، از قبیل خواستگاری و عقد و گواهی بر عقد نیز بنا بر احتیاط واجب بر طواف نساء و نماز آن توقف دارد.

**«مسئله ۶۳۴» در حال اختیار باید طواف نساء را پس از سعی بجا آورد،**

چنانکه سعی را نیز باید پس از طواف حج و نماز آن بجا آورد. و اگر برخلاف ترتیب عمل کرده باید اعاده کند به گونه ای که ترتیب حاصل شود.

**«مسأله ۶۳۵» اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، طواف نساء و نماز آن را پیش از سعی بجا آورد،**

بنابر احتیاط پس از سعی آنها را اعاده نماید؛ هر چند صحت آنها خالی از وجه نیست.

**«مسأله ۶۳۶» زنی که می ترسد حائض شود و نتواند طواف نساء را بجا آورد**

بنابر احتیاط طواف و نماز آن را پیش از سعی

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۲۹

بجا آورد؛ و چنانچه حائض نشد آن را اعاده کند، و اگر حائض شد نایب بگیرد.

**«مسأله ۶۳۷» اگر زن حائض شد و کاروان او مهلت نمی دهند**

تا پاک شود و طواف نساء را بجا آورد بنابر احتیاط واجب باید نایب بگیرد.

**«مسأله ۶۳۸» در حج اجاره ای نایب باید طواف نساء را به نیابت منوب عنه بجا آورد؛**

و اگر آن را بجا نیاورد، زن بر خود او حلال نمی شود.

**«مسأله ۶۳۹» اگر کسی طواف نساء را که بر او واجب بوده بجا نیاورد تا از دنیا برود،**

ولی او باید به جای او قضای آن را بجا آورد، یا از دیگری بخواهد به جای او بجا آورد.

**«مسأله ۶۴۰» اگر طواف نساء را فراموش کرد**

یا در اثر ندانستن مسأله آن را ترک کرد و به وطن خود برگشت، پس اگر می تواند باید خودش برگردد و آن را بجا آورد؛ و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد؛ و تا زمانی که آن را خودش یا نایبش بجا نیاورده زن یا شوهر بر او حلال نمی شود. و اگر در این مدت با زن نزدیکی کرده، پس اگر بعد از توجه به ترک طواف نزدیکی کرده باید کفاره بدهد؛ همچنین

است بنا بر احتیاط اگر پیش از توجه نزدیکی کرده باشد. و کفاره آن بنا بر احتیاط واجب قربانی کردن یک شتر است؛ اگر طواف واجب در حج بوده آن را در منی، و اگر در عمره بوده آن را در مکه قربانی کند. و وظیفه کسی که طواف واجب حج یا عمره را ترک کرده در مسأله «۳۶۸» و «۳۷۰» گذشت.

## مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

### «مسأله ۶۴۱» آنچه برای طواف و نماز طواف و سعی در عمره مستحب بود

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۰

در اینجا نیز جاری است؛ و مستحب است طواف حج را در روز عید یا حداقل فردای آن بجا آورد و تأخیر نیندازد؛ و مستحب است وقتی که به درب مسجد رسید بایستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَىٰ نُسُوكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي. أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبِيدُكَ وَ الْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ اطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لَأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لَأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

پس به طرف حجرالاسود برود و آن را استلام کند و ببوسد؛ و اگر نتواند پس از استلام



دست خود را ببوسد؛ و اگر نتوانست رو به حجرالاسود بایستد و تکبیر بگوید و پس از آن بجا آورد آنچه را در طواف عمره بجا آورد.

## فصل ششم: اعمال منی در ایام تشریق

### اشاره

(یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه)

سیزدهم و چهاردهم از واجبات حج: «بیتوته در منی» یعنی ماندن شب در منی و «رمی جمرات سه گانه» است در روز. هر چند از بعضی اخبار معتبره استفاده می شود که این دو واجب جزو حج نیستند «۱»؛ بلکه مانند طواف نساء واجب مستقل می باشند، و در نتیجه ترک آنها گناه است ولی موجب بطلان حج نیست.

---

(۱) - مثل صحیحہ معاویه بن عمار که در «وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب ۴ از ابواب زیارهالبیت، حدیث ۱» آمده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۱

### ۱- بیتوته در منی یعنی ماندن شب در آنجا:

«مسأله ۶۴۲» بنابر مشهور بر حجاج واجب است شب یازدهم و دوازدهم ذیحجه را

از اول شب تا نصف شب در منی بیتوته کنند؛ یعنی در آنجا بمانند.

«مسأله ۶۴۳» بر چند طایفه واجب است در شب سیزدهم نیز در منی بمانند:

### اول: کسی که در حال احرام صید کرده است؛

و بنابر احتیاط واجب اگر صید را گرفته ولی آن را نکشته نیز همین حکم جاری است. ولی بر کسی که صید نکرده ولی گوشت شکار را خورده یا مثلاً صید را به صیاد نشان داده بنابر اقوی واجب نیست در شب سیزدهم بماند؛ هر چند احوط است و تا ممکن است ترک نشود.

### دوم: بنابر احتیاط واجب کسی که در حال احرام با زن خود یا دیگری نزدیکی کرده است.

ولی اگر غیر از نزدیکی کارهای دیگر مانند بوسیدن یا لمس و یا عقد را انجام داده بنابر اقوی واجب نیست بماند؛ هر چند

احوط است و تا ممکن است ترک نشود.

### **سوم: کسی که در روز دوازدهم تا مغرب شرعی در منی مانده**

و از آنجا خارج نشده؛ هر چند در صدد کوچ کردن بوده ولی موفق نشده است.

### **«مسئله ۶۴۴» کسی که یکی از محرمات در حال احرام را غیر از آنچه گذشت انجام داده**

بنا بر اقوی واجب نیست در شب سیزدهم در منی بماند؛ هر چند احوط است، بخصوص نسبت به محرماتی که کفاره دارد؛ و تا ممکن است ترک نشود.

### **«مسئله ۶۴۵» بنا بر اقوی کسی که در احرام عمره تمتع نیز از صید یا زن اجتناب نکرده**

باید شب سیزدهم در منی بماند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۲

### **«مسئله ۶۴۶» در بیتوته در منی کافی است از مغرب شرعی تا نصف شب در آنجا بماند؛**

پس جایز است پس از نیمه شب از منی خارج شود. و بهتر است پیش از اذان صبح وارد مکه نشود؛ هر چند مانعی ندارد. و بنا بر احتیاط شب را از اول مغرب تا طلوع آفتاب حساب نماید.

### **«مسئله ۶۴۷» از برخی اخبار معتبره استفاده می شود که جایز است پیش از غروب آفتاب یا اول شب از منی خارج شود؛**

به شرط اینکه پیش از نصف شب به منی برگردد و تا اذان صبح بماند. و از بعضی استفاده می شود کافی است به نحوی برگردد که اذان صبح در منی باشد.

و هر چند عمل به اخبار دسته اول خالی از قوت نیست و در نتیجه در ماندن شب در منی مخیر است بین نصف اول شب یا نصف دوم آن، ولی بنا بر احتیاط و مشهور نصف اول را اختیار کند و از اول تا نصف شب در منی بماند؛ لیکن اگر تصادفاً نتوانست سر شب در منی باشد سعی کند پیش از نصف شب به منی برگردد و بنا بر احتیاط در این صورت شب را از مغرب تا اذان صبح حساب کند.

### **«مسئله ۶۴۸» بیتوته در منی مانند سایر اعمال حج از عبادات است**

و باید به قصد قربت انجام شود.

### «مسألة ۶۴۹» لازم نیست در منی بیدار بماند:

بلکه جایز است پس از نیت و قصد قربت در آنجا بخوابد.

### «مسألة ۶۵۰» بر چند طایفه بیتوته و ماندن شب در منی واجب نیست:

#### اول: بیماران و پرستاران آنان

که نمی توانند بمانند؛ و همچنین دیگر کسانی که برای آنان حرج و مشقت دارد.

#### دوم: کسانی که بر جان یا ناموس یا بستگان و یا مال خود می ترسند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۳

در صورتی که مال قابل اعتنا باشد و تلف شدن آن به حال صاحبش مضر باشد.

#### سوم: چوپانهایی که ناچارند

برای چراندن و حفظ حیوانات خود در خارج منی باشند.

#### چهارم: کسانی که ناچارند برای سقایت

و آب دادن به حجاج در مکه بمانند.

#### پنجم: کسانی که شب را در مکه به عبادت می گذرانند

و کار دیگری انجام نمی دهند، بجز کارهای ضروری مانند خوردن و آشامیدن به مقدار نیاز و تجدید وضو. ولی ماندن در غیر مکه برای عبادت محل اشکال است؛ و اگر از عبادت در مکه فارغ شد کوشش کند پیش از اذان صبح در منی باشد.

### «مسألة ۶۵۱» اگر بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کرد

و خارج شد ولی پس از مغرب برای کاری به منی برگشت واجب نیست شب سیزدهم را در منی بماند. ولی اگر پیش از مغرب به منی برگشت بنا بر احتیاط واجب باید شب سیزدهم را در منی بماند.

### «مسألة ۶۵۲» در ایام تشریق واجب نیست روزها در منی بماند،

مگر به مقدار رمی جمرات؛ ولی اگر بماند خوب است.

### «مسأله ۶۵۳» اگر بیتوته در منی را بدون عذر ترک کرد،

علاوه بر اینکه گناه کرده و باید توبه کند باید برای هر شب نیز یک گوسفند کفاره دهد و آن را قربانی نماید. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا اضطرار و ناچاری بیتوته را ترک کرده نیز بنا بر احتیاط کفاره آن را بدهد.

### «مسأله ۶۵۴» اگر اول شب در منی ماند ولی پیش از نصف شب خارج شد

بنا بر احتیاط واجب کفاره را بدهد. ولی بر کسی که پس از نصف شب از منی خارج شده یا شب را در مکه معظمه به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۴

عبادت گذرانده کفاره واجب نیست؛ همچنین است بنا بر اقوی اگر از منی خارج شده ولی پیش از نصف شب خود را به منی رسانده و تا صبح در آنجا بیتوته کرده است؛ و نیز کسی که برای سقای حجاج ناچار بوده شب را در مکه بماند.

### «مسأله ۶۵۵» اگر شب را به قصد عبادت در مکه ماند ولی خوابش برد

در صورتی که خواب او طولانی شده به گونه ای که صدق نمی کند همه شب را در مکه به عبادت گذرانده در این صورت کفاره را بدهد.

### «مسأله ۶۵۶» اگر در اثر اشتباه در خارج منی

به گمان اینکه جزو منی است بیتوته کرد، بنا بر احتیاط کفاره را بدهد.

### «مسأله ۶۵۷» اگر برای طواف و سعی به مکه رفته بود

پس به قصد بیتوته در منی از مکه و حدود آن خارج شد ولی نرسیده به منی در بین راه خوابید، بنا بر اقوی گناه نکرده و کفاره نیز ندارد.

### «مسأله ۶۵۸» بنا بر احتیاط جای قربانی کفارات حج منی است؛

ولی اگر فرضاً قربانیها در منی ضایع می شود و به مصرف نمی رسد، در غیر کفاره صید بهتر است آنها را در وطن خود قربانی کند و بین نیازمندان تقسیم نماید. ولی قربانی عید قربان که از اعمال حج است باید در منی ذبح شود و تصور اسراف و تبذیر نسبت به آن بیجا و اجتهاد در برابر نصّ است؛ و غرض، پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام و به یاد آوردن اطاعت و فداکاری و روحیه تسلیم آن حضرت است.

### «مسأله ۶۵۹» کسانی که از منی روز دوازدهم کوچ می کنند جایز نیست پیش از ظهر کوچ کنند؛

ولی کسانی که روز سیزدهم کوچ می کنند جایز است پس از رمی جمرات پیش از ظهر کوچ کنند و خارج شوند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۵

### «مسأله ۶۶۰» اگر در اثر عذر شرعی رمی جمرات را در شب دوازدهم انجام داده

بنابر احتیاط واجب پیش از ظهر آن روز کوچ نکند؛ مگر اینکه از ماندن در منی عذر داشته باشد.

### ۲- رمی جمرات سه گانه در روزها:

### «مسأله ۶۶۱» شهبایی که باید در منی بیتوته کند در روز آنها واجب است جمرات سه گانه (اولی و وسطی و عقبه) را به ترتیب رمی کند؛

یعنی به هر کدام هفت ریگ بیندازد. و اگر عمداً آن را ترک کند، هر چند حج او باطل نمی شود ولی گناه کرده است.

### «مسأله ۶۶۲» کسانی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند

در روز سیزدهم نیز باید جمرات را رمی کنند.

### «مسأله ۶۶۳» در هر روز باید به هر یک از جمرات سه گانه هفت ریگ بزند

که مجموع آنها برای کسانی که شب سیزدهم نیز می مانند به ضمیمه رمی جمره عقبه در روز عید هفتاد عدد، و برای غیر آنها چهل و نه عدد می باشد.

### «مسأله ۶۶۴» کیفیت، واجبات، شرایط، احکام، آداب

و موارد نایب گرفتن در رمی جمرات سه گانه، به همان گونه ای است که در رمی جمره عقبه در روز عید گفته شد.

### «مسأله ۶۶۵» وقت رمی جمرات

از اول آفتاب تا مغرب است. و رمی در شب یا بین اذان صبح و طلوع آفتاب برای افراد غیر معذور جایز نیست.

### «مسأله ۶۶۶» کسانی که می دانند در روز نمی توانند رمی کنند -

مانند بیماران و معلولین و سالخوردگان و چوپانان و کسانی که ترس دارند- جایز است در شب قبل رمی کنند و اگر شب قبل رمی نکردند و در روز نیز نمی توانند رمی کنند، در شب بعد رمی نمایند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۶

### «مسأله ۶۶۷» رمی جمرات نیز از عبادات است

و باید آن را با نیت و به قصد قربت انجام دهد.

### «مسأله ۶۶۸» رمی جمرات سه گانه باید به ترتیب واقع شود؛

یعنی اول جمره اولی، و پس از آن جمره وسطی، و در آخر جمره عقبه- که در گردنه بین منی و مکه معظمه واقع شده است- را رمی کند. و اگر بر خلاف این ترتیب عمل کرده- هر چند از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد- باطل است؛ پس باید دوباره به گونه ای که ترتیب حاصل شود رمی کند. ولی اگر فرضاً جمره اولی را که باید اول رمی شود در آخر رمی کرده اعاده رمی آن لازم نیست؛ مگر اینکه عمداً و با توجه این کار را کرده باشد و در نتیجه قصد اطاعت و قربت از او محقق نشده باشد، که در این صورت باید همه را از سر گیرد.

### «مسأله ۶۶۹» اگر پس از رمی جمرات متوجه شد از برخی گذشته ها سه ریگ یا کمتر باقی مانده

یا به جمره اصابت نکرده، کافی است همان را تکمیل کند و در این صورت ترتیب ساقط است و لازم نیست دوباره جمره یا جمرات بعد را رمی کند. مثلاً اگر پس از رمی جمرات سه گانه متوجه شد سه ریگ از جمره اولی و یک ریگ از جمره وسطی را نزده است کافی است همانها را به ترتیب تکمیل نماید.

### «مسأله ۶۷۰» اگر رمی همه جمرات یا بعضی از آنها را در برخی از روزها- عمداً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسأله- ترک کرده

است یا معلوم شود صحیح نبوده است، باید در روز بعد قضای آنها را بجا آورد؛ همچنین است اگر وظیفه چند روز را ترک کرده باشد.

پس اگر تا روز سیزدهم اصلاً جمرات را رمی نکرده است باید در آن روز قضای همه را به ضمیمه وظیفه خود روز بجا آورد؛

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۷

و قضای جمره عقبه را که در روز عید واجب بوده اول بجا آورد؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب اول همه قضاها را به ترتیب بجا آورد، و سپس وظیفه خود روز را انجام دهد. و افضل بلکه احوط این است که بین وظیفه دو روز ساعتی فاصله بیندازد؛ و اگر قضا را در صبح و وظیفه خود روز را هنگام ظهر بجا آورد بهتر است.

### **«مسأله ۶۷۱» اگر پس از مغرب متوجه شود چند عدد از هفت ریگ همه جمرات یا بعضی از آنها را نرده**

یا صحیح نبوده است، باید در روز بعد قضا نماید. پس اگر از یک جمره چهار ریگ یا بیشتر باقی مانده باید رمی آن جمره را از سر گیرد؛ و اگر سه ریگ یا کمتر باقی مانده همان باقیمانده را انجام دهد. و بنا بر احتیاط واجب قضای گذشته را بر وظیفه روز مقدم بدارد.

### **«مسأله ۶۷۲» اگر پس از مغرب یقین کرد یکی از سه جمره را رمی نکرده است**

یا صحیح نبوده و نمی داند کدام است، بنا بر احتیاط در روز بعد قضای هر سه را بجا آورد.

### **«مسأله ۶۷۳» اگر پس از رمی جمرات سه گانه متوجه شود سه ریگ یا کمتر، از یک جمره باقی مانده**

یا صحیح نبوده، پس اگر می داند از کدام جمره باقی مانده به همان بزند؛ و اگر نمی داند از کدام باقی مانده است باید به هر کدام از آنها مقدار باقیمانده را بزند تا یقین کند وظیفه خود را نسبت به همه انجام داده است.

### **«مسأله ۶۷۴» اگر رمی جمرات یا برخی از آنها را عمداً یا از روی فراموشی**

یا ندانستن مسأله ترک کرده یا صحیح انجام نداده و به مکه معظمه کوچ کرده است، پس اگر ایام تشریق منقضی نشده باید برگردد و رمی را انجام دهد؛ و اگر منقضی شده بنا بر احتیاط برگردد و انجام دهد و در سال بعد نیز در ایام تشریق قضا نماید؛ و در هر صورت اگر خودش نمی تواند برگردد نایب بگیرد تا به جای

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۸

او بجا آورد. و اگر از مکه خارج شده و در راه یا وطن خود متوجه شد، پس اگر خودش در سال بعد به مکه برگشت بنا بر احتیاط واجب در ایام تشریق قضای آن را بجا آورد؛ و اگر برگشت نایب بگیرد تا در ایام تشریق به جای او انجام دهد.

**«مسألة ۶۷۵» اگر به گونه ای بیمار شود که نمی تواند رمی جمرات یا برخی از آنها را انجام دهد،**

پس اگر به سالم شدن خود امید دارد صبر کند؛ و اگر امید بهبودی ندارد باید در همان روز نایب بگیرد تا به جای او رمی کند. و در صورت امکان بیمار را نزد جمره ببرند و به جای او رمی کنند. و اگر پس از عمل نایب بهبودی یافت، بنا بر احتیاط خودش دوباره آن را بجا آورد.

**«مسألة ۶۷۶» اگر بیمار در روز نمی تواند رمی کند ولی در شب می تواند،**

بنا بر اقوی <sup>□</sup> رمی در شب بر نایب گرفتن مقدم است؛ هر چند جمع بین هر دو احوط است.

**«مسألة ۶۷۷» نایب باید اعمال اختیاری را انجام دهد؛**

پس اگر در رمی نایب شده باید آن را در روز بجا آورد؛ و اگر معذور است نباید نایب شود. و شخص معذور نیز باید به کسی نیابت دهد که بتواند در روز رمی را انجام دهد.

**«مسألة ۶۷۸» زنها که شبانه از مشعر به منی <sup>□</sup> کوچ می کنند جایز است در همان شب جمره عقبه را رمی کنند؛**

ولی رمی جمرات سه گانه در ایام تشریق را باید در روز انجام دهند، مگر اینکه معذور باشند.

**«مسألة ۶۷۹» کسانی که به جهتی از جهات قربانی و سر تراشیدن را از روز عید عقب انداخته اند،**

بیتوته <sup>□</sup> در منی و رمی جمرات سه گانه را باید در ایام تشریق انجام دهند. و صحت آنها بر قربانی و سر تراشیدن توقف ندارد؛ بلکه واجب مستقل می باشند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۳۹

**«مسألة ۶۸۰» اگر پس از گذشتن روز در انجام وظیفه روز یا در صحت آن شک کرد**

به شک خود اعتنا نکند.



### «مسأله ۶۸۱» اگر پس از تمام شدن رمی و گذشتن از محل آن در صحت آن شک کرد

به شک خود اعتنا نکند؛ و اگر در حالی که مشغول رمی است شک کرد باید آن را از سر گیرد. همچنین است بنا بر احتیاط اگر رمی را تمام کرده ولی بدون فاصله و گذشتن از محل در صحت آن شک کرد.

### «مسأله ۶۸۲» اگر پس از شروع در رمی جمرة بعد در عدد ریگهایی که به جمرة پیش زده یا در رسیدن آنها به جمرة شک کرد،

به شک خود اعتنا نکند؛ و اگر در حالی که مشغول رمی جمرة است در عدد ریگها شک کرد باید مقداری را که شک دارد بزند تا یقین کند هفت عدد اصابت کرده است؛ و مجرد مظنه و گمان کافی نیست. همچنین است بنا بر احتیاط اگر پس از فراغت از رمی و پیش از شروع در رمی جمرة بعد در عدد ریگها شک کند؛ و در این صورت اگر به چهار عدد یقین دارد کافی است باقیمانده را بزند؛ و اگر به چهار عدد یقین ندارد و فاصله زمانی زیاد شده به گونه ای که به موالات ضرر می زند، بنا بر احتیاط، اصل رمی را از سر گیرد.

مستحبات منی در ایام تشریق

### «مسأله ۶۸۳» در ایام تشریق در منی چند چیز مستحب است:

۱- در منی بماند و برای هیچ کاری حتی طواف مستحب از منی بیرون نرود؛ ولی اگر طواف و سعی واجب را در روز عید بجا نیاورده خوب است در روز یازدهم برای انجام آنها به مکه برود.

۲- در منی بعد از پانزده نماز و در جاهای دیگر بعد از ده نماز

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۴۰

که اول آنها نماز ظهر روز عید است تکبیراتی را که وارد شده بگوید. و بعضی از علما واجب دانسته اند؛ و احوط عدم ترک است؛ هر چند اقوی و مشهور استحباب آنهاست. و بهتر است بدین کیفیت بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيَّ مَا هَيْدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيَّ مَا رَزَقْنَا مِنْ بَيْمِهِ الْأَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلِيَّ مَا ابْلَانَا.»

۳- تا زمانی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب خود را

در مسجد خیف بجا آورد.

در حدیث صحیح وارد شده که هزار پیغمبر در آن مسجد نماز خوانده اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در نزد مناره آن نماز می خوانده اند.

و در حدیث دیگر وارد شده: «هر کس در مسجد خیف پیش از اینکه از منی خارج شود صد رکعت نماز بخواند با عبادت هفتاد سال برابر است؛ و هر کس در آن صد مرتبه: «سبحان الله» بگوید ثواب آزاد کردن بنده برای او نوشته می شود؛ و هر کس صد مرتبه:

«لا اله الا الله» بگوید با ثواب احیای نفس برابر است؛ و هر کس صد مرتبه: «الحمد لله» بگوید با ثواب خراج عراقین که در راه خدا صدقه داده شود برابر است.»

و در حدیث دیگر شش رکعت نماز در آن مسجد وارد شده است. «۱»

ضمناً یادآور می شود که در بحث رمی جمره عقبه در روز عید (مسأله ۵۵۰) مستحبات در حال رمی جمرات به تفصیل بیان شده است.

#### خاتمه:

#### اشاره

آداب مکه معظمه

عمرة مفردة

احکام مصدود و محصور

و

برخی مسائل متفرقه

---

(۱) - وسائل الشیعه، کتاب الصلوه، باب «۵۱» از ابواب «احکام المساجد»، حدیث ۱ و ۲.

## «مسأله ۶۸۴» حجاج محترم اگر در روز عید قربان یا در ایام تشریق، طواف حج و سعی و طواف نساء را به طور کامل بجا آورده باشند

لازم نیست پس از تمام شدن بیتوته و رمی جمرات در منی دوباره به مکه معظمه برگردند؛ ولی خوب است برای برخی آداب و مستحبات و از جمله طواف وداع و عمره مفرده برگردند.

اینک قسمتهایی از آداب و مستحبات مکه و از جمله طواف وداع را به طور اجمال بیان می کنیم:

### ۱- خواندن نماز و قرآن و سجده و ذکر خدا

و ختم قرآن و روزه گرفتن. در احادیث وارد شده: یک نماز در مسجدالحرام افضل است از صد هزار نماز در مساجد دیگر.

و گفتن یک «سبحان الله» در مکه افضل است از انفاق خراج عراقین در راه خدا؛ و کسی که قرآن را در مکه ختم کند از دنیا نمی رود مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جای خود را در بهشت می بیند؛ و ثواب کسی که یک سجده در مکه بجا آورد و یا کسی که در مکه بخوابد ثواب کسی است که در خون خود در راه خدا غلطان باشد؛ و ثواب یک روزه در مکه ثواب یک سال روزه است در جاهای دیگر؛ و کسی که در مکه راه برود در حال عبادت خدا می باشد.

### ۲- بسیار نگاه کردن به کعبه

که در احادیث وارد شده: نگاه کردن به کعبه عبادت است، و از برای خدا در اطراف کعبه صد و

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۴۴

بیست درجه رحمت است؛ بیست درجه آن مخصوص نگاه کنندگان به کعبه است.

### ۳- آشامیدن از آب زمزم

که شفای دردهاست و مستحب است در آن حال بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ.» و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، الشُّكْرُ لِلَّهِ.»

### ۴- در هر شبانه روز ده طواف کامل بجا آورد:

سه طواف اول شب، سه طواف آخر شب، دو طواف در صبح و دو طواف بعد از ظهر؛ و چنانکه نقل شده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را این چنین انجام می دادند.

## ۵- سبعت طواف کامل به عدد ایام سال بجا آورد؛

و اگر نمی تواند سبعت و شصت شوط بجا آورد، و در نتیجه در آخر آنها چهار شوط اضافه کند تا پنجاه و دو طواف شود؛ و اگر نمی تواند به اندازه توان خود طواف کند. و برای هر طواف دو رکعت نماز طواف بخواند.

## ۶- هر چه می تواند به نیابت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

و امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام و گذشتگان و غائبین از صلحا و مؤمنین و خویشان و دوستان خود طواف کند؛ و می تواند یک طواف به نیابت چند نفر بجا آورد. و بر حسب روایت وارده شخصی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسید من زمانی که عازم مکه می شوم بسا کسی از من می خواهد به جای او طواف بجا آورم و من فراموش می کنم و نمی دانم در جواب آنان چه گویم؛ آن حضرت فرمود:

«پس از انجام اعمال خود یک طواف و دو رکعت نماز بجا آور و بگو: خدایا این طواف و نماز را به نیابت پدر و مادر و همسر و اولاد و یاران و همشهریان خود بجا می آورم؛ و در این صورت به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۴۵

هر کس بگویی: به نیابت تو طواف و نماز بجا آوردم راست گفته ای.» «۱»

## ۷- مستحب است داخل کعبه برود،

بخصوص کسی که سفر اول اوست؛ و پیش از داخل شدن غسل کند، و پای برهنه با آرامش و وقار داخل شود و هنگام داخل شدن بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْكَ قُلْتَ:

وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ.»

پس دو رکعت نماز بین دو ستون کعبه بر سنگ قرمز بجا آورد؛ در رکعت اول پس از حمد سوره: «حم سجده»، و در رکعت دوم پس از حمد پنجاه و پنج آیه از جاهای دیگر قرآن بخواند؛ سپس در هر یک از چهار زاویه کعبه دو رکعت نماز بجا آورد و پس از آنها این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِيُوفَاةَ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ

رَفِدَهُ وَجَائِزَتَهُ وَنَوَافِلَهُ وَفَوَاضِلِهِ. فَالْيُكَّ يَا سَيِّدِي تَهَيَّبْتِي وَتَعَبَّيْتِي وَاعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ فَلَا تُحَيِّبُ الْيَوْمَ رَجَائِي. يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ. فَأَنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّراً بِالظُّلْمِ (بالذنوب خ، د) وَ الْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تُقْبَلَنِي (و تقبلني خ د) بِرَغْبَتِي وَ لَا تُرَدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ.

از جُوكِ لِلْعَظِيمِ، اسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. «۲»

(۱) - وسائل الشيعه، كتاب الحج، باب «۱۷» از ابواب «العود الی منی»، حدیث ۱.

(۲) - وسائل الشيعه، كتاب الحج، باب «۳۶» از ابواب «مقدمات الطواف و ما يتبعها»، حدیث ۱.

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۲۴۶

و هنگام خارج شدن از کعبه معظمه سه مرتبه تکبیر بگویند و سپس بگویند: «اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَأْنَا رَبَّنَا، وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا اَعْدَانَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَافِعُ.»

## ۸- یک طواف به عنوان طواف وداع با نماز آن بجا آورد

و در صورت امکان در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را استلام نماید. و سپس نزد مستجار برود و کارهایی را که در مستحبات طواف گفته شد انجام دهد؛ «۱» و آنچه می خواهد دعا کند. پس از آن حجرالاسود را استلام نماید، و شکم خود را به خانه خدا بچسباند.

یک دست بر حجرالاسود و دست دیگر را به طرف درب خانه کعبه بگذارد، و حمد و ثنای خدا گویند و صلوات بفرستند، پس

بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَامِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ (و نجیبک، خ د) وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهِدَكَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَوَدَىٰ فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّىٰ آتَاهُ الْيَقِينَ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالعَافِيَةِ. اللَّهُمَّ أَنْ أُمَّتِي فَأَغْفِرْ لِي، وَأَنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ.»، تا آخر دعا. «۲»

پس به طرف زمزم رود و از آب زمزم بنوشد؛ و در حال خارج شدن از مسجدالحرام بگوید: «آئِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ، لِرَبَّنَا حَامِدُونَ، اِلَىٰ رَبَّنَا رَاغِبُونَ، اِلَىٰ اللّٰهِ رَاغِبُونَ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ.»

و درب مسجدالحرام یک سجده طولانی بجا آورده، و از درب حنّاطین «۳» خارج شود.

---

(۱) - مستحبات طواف در مسأله «۴۴۱» بیان شده است.

(۲) - الکافی، ۴ / ۵۳۱.

(۳) - «درب حنّاطین» در مقابل رکن شامی بوده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۴۷

## ۹- از خدا بخواهد که به او توفیق بازگشتن

به مکه معظمه را عنایت فرماید.

## ۱۰- زمانی که می خواهد از مکه خارج شود مقدار یک درهم خرما بخرد و صدقه دهد

تا کفارهٔ خلافهایی باشد که احیاناً در حال احرام یا در حرم از او سر زده است.

## ۱۱- شهید اول (ره) در دروس فرموده است:

«نهم از مستحبات مکه زیارت جاهای با شرافت مکه است؛ مانند زیارت زادگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که الآن

به صورت مسجدي است؛ و زیارت خانه خدیجه علیها السلام که محل سکونت آن حضرت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده تا زمان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و آن هم به صورت مسجدي است؛ و زیارت قبر خدیجه علیها السلام در «حجون» در دامنه کوه، و مسجد «ارقم» که مخفیگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در صدر اسلام بوده است؛ و «غار حرا» که عبادتگاه آن حضرت بوده و «غار ثور» که مخفیگاه آن حضرت هنگام هجرت بوده است.» (۱)

## عمره مفرده

### «مسأله ۶۸۵» از جمله مستحبات مؤکده «عمره مفرده» است

که در همه ایام سال می توان آن را بجا آورد؛ و در روایات از آن به «حج اصغر» تعبیر شده است. و مستحب است در هر ماه یک عمره

(۱) - یادآوری می شود زادگاه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حال حاضر به صورت کتابخانه درآمده است اما از خانه خدیجه (مولد فاطمه علیها السلام) و مسجد ارقم اثری وجود ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۴۸

مفرده بجا آورده شود؛ بخصوص نسبت به عمره ماه رجب بسیار تأکید شده است.

### واجبات عمره مفرده هشت چیز است:

اول: نیت دوم: احرام سوم: طواف خانه خدا چهارم: نماز طواف پنجم: سعی بین صفا و مروه ششم: تراشیدن سر یا تقصیر یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن هفتم و هشتم: طواف نساء و نماز آن.

و در معتبر بودن فاصله زمانی بین دو عمره و مقدار فاصله، بین فقها اختلاف است؛ و مشهور بین فقها فاصله یک ماه است. ولی بجا آوردن زیاده بر آن به قصد رجاء و امیدواری مانعی ندارد؛ مخصوصاً اگر ده روز فاصله شده است. و بر فرض فاصله معتبر باشد ظاهراً در صورتی است که همه را به نیت خودش بجا آورد؛ پس اگر چند عمره پشت سر هم به نیت چند نفر بجا آورد بنا بر اقوی مانعی ندارد.

### «مسأله ۶۸۶» میقات عمره مفرده

برای کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره مفرده بجا آورند «ادنی الحل» است؛ و برای کسانی که از شهرهای دور به

قصد عمره مفرده حرکت کرده اند یکی از میقاتهای پنجگانه ای است که در فصل میقاتها گفته شد.

و مقصود از «ادنی الحَلِّ» نزدیکترین منطقه خارج از حرم است به حرم؛ پس باید از مکه به قصد احرام به خارج حرم بروند و در آنجا محرم شوند. و بهتر است به «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» بروند؛ و از همه نزدیکتر به مسجدالحرام تنعیم است.

ضمناً یادآور می شود که بر حسب موثقه «زراره» (۱) حرم خدا چهار فرسخ در چهار فرسخ است که مجموعاً شانزده فرسخ مربع می شود. و هر چند مکه معظمه در میان حرم واقع شده ولی در

---

(۱) - وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب «۸۷» از ابواب «تروک الإحرام»، حدیث ۴.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۴۹

وسط حقیقی آن نیست؛ بلکه فاصله



حدود حرم نسبت به آن تفاوت دارد و از همه نزدیکتر طرف تنعیم است.

و چون در فصل ششم از باب اول اجمالاً مسائل عمره گفته شده است در اینجا به همین مقدار اکتفا می کنیم. «۱»

### احکام مصدود و محصور

**«مسئله ۶۸۷» «صدّ» به معنای منع و «حصر» به معنای حبس «۲» است.**

و اصطلاحاً «مصدود» به کسی گفته می شود که او را به زور و ناحق از عمره یا حج منع کرده باشند؛ و «محصور» به کسی گفته می شود که در اثر بیماری سخت از عمره یا حج باز مانده باشد.

**«مسئله ۶۸۸» اگر کسی به قصد عمره یا حج احرام ببندد،**

در صورت امکان واجب است آن را تمام کند؛ و اگر تمام نکند در احرام باقی می ماند.

### ۱- احکام مصدود:

**«مسئله ۶۸۹» اگر کسی احرام بست برای عمره تمتع یا عمره مفرده،**

پس او را به ناحق بازداشت کردند یا از رفتن به مکه معظمه منع کردند و راه دیگری جز آن راه نیست یا اگر هست مخارج آن را ندارد، می تواند در همان جایی که منع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند به نیت خارج شدن از احرام قربانی کند و بنابر احتیاط واجب به همین نیت نیز تقصیر نماید؛ یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بزند. و در این صورت از احرام خارج می شود و همه محرّمات احرام حتی زن بر او حلال می گردد.

---

(۱)- برای اطلاع بیشتر به مسئله «۱۲۳» و بعد از آن مراجعه شود.

(۲)- «حبس» به معنای باز ماندن از انجام کاری است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۰

**«مسئله ۶۹۰» اگر کسی با احرام عمره وارد مکه معظمه شد و پس از ورود او را به ناحق بازداشت کردند**

یا از بجا آوردن اعمال عمره یا بعضی از آنها منع کردند، پس اگر می تواند برای اعمال نایب بگیرد بنابر احتیاط جمع کند بین نایب گرفتن و عمل به وظیفه مصدود؛ یعنی پس از عمل نایب، قربانی و تقصیر را نیز انجام دهد و از احرام خارج شود. و اگر

نمی تواند نایب بگیرد به قربانی و تقصیر از احرام خارج می شود.

**«مسئله ۶۹۱» کسی که از عمره مفرده یا حج منع شده**

برای خارج شدن از احرام می تواند به جای تقصیر سر خود را بتراشد، بلکه بهتر است؛ و اولی و احوط جمع است. ولی کسی که از عمره تمتع منع شده پس از قربانی برای خارج شدن از احرام بنا بر احتیاط به تقصیر اکتفا کند.

**«مسئله ۶۹۲» اگر پس از احرام عمره یا حج برای بدهی که دارد او را بازداشت کردند**

یا از انجام اعمال منع کردند، پس اگر می تواند بدهی خود را بدهد باید بدهد و به عمل خود ادامه دهد و در احرام باقی است؛ ولی اگر نمی تواند بدهد، حکم مصدود بر او جاری است.

**«مسئله ۶۹۳» اگر پس از احرام عمره یا حج برای وارد شدن در مکه یا انجام اعمال از او پولی را به ناحق مطالبه می کنند**

باید آن را بدهد؛ مگر اینکه برای او حرج و مشقت داشته باشد یا مفسده خیلی مهمی بر آن مترتب باشد که در این صورت واجب نیست بدهد و حکم مصدود بر او جاری است.

**«مسئله ۶۹۴» اگر پس از احرام راه را بر او بستند ولی راه دیگری هر چند دورتر باز است**

و مخارج و امکانات آن را نیز دارد، در این صورت واجب است در احرام بماند و از آن راه برود؛

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۱

هر چند احتمال بدهد که حج از او فوت می شود. و اگر از آن راه رفت و بر حسب اتفاق حج از او فوت شد باید با انجام یک عمره مفرده از احرام خارج شود.

**«مسئله ۶۹۵» اگر پس از احرام حج از وقوف به عرفات و مشعر یا یکی از آنها- به گونه ای که سبب فوت حج می شود**

(و تفصیل آن در مسئله «۵۲۶» گذشت)- منع شد، و راه دیگری نیز ندارد، در این صورت حکم مصدود بر او جاری است و با قربانی و تقصیر یا سر تراشیدن از احرام خارج می شود.

**«مسئله ۶۹۶» اگر پس از وقوف در مشعر به طور کلی از رفتن به منی و مکه معظمه منع شد**

و اطمینان دارد که منع ادامه دارد، پس اگر می تواند برای اعمال منی و مکه نایب بگیرد بنا بر احتیاط جمع کند بین نایب گرفتن و عمل به وظیفه مصدود؛ بدین گونه که پس از رمی جمره عقبه و قربانی نایب، خودش تقصیر یا سر تراشیدن را انجام دهد، و پس از طواف و سعی و طواف نساء از طرف نایب، خودش وظیفه مصدود را انجام دهد و از احرام خارج شود. و اگر نمی تواند نایب بگیرد، با عمل به وظیفه مصدود از احرام خارج شود. و اگر می تواند صبر کند و امید دارد که در ایام تشریق منع از منی، و تا آخر ذیحجه منع از مکه برطرف شود در این صورت بنا بر احتیاط صبر کند و از احرام خارج نشود تا اعمال را

انجام دهد، و در نتیجه حج او صحیح خواهد بود.

**«مسئله ۶۹۷» اگر پس از وقوف در مشعر فقط از رفتن به منی یا انجام اعمال آن منع شد،**

برای رمی جمره عقبه و قربانی در منی نایب بگیرد و پس از عمل نایب، خودش تقصیر یا سر تراشیدن را انجام دهد و سپس طواف و سعی و طواف نساء را بجا آورد و حج او صحیح است. و اگر نمی تواند برای رمی جمره عقبه و قربانی در

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۲

منی نایب بگیرد، جاری شدن حکم مصدود بر او محل اشکال است؛ هر چند خالی از وجه نیست.

---

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

احکام و مناسک حج (منتظری)؛ ص: ۲۵۲

**«مسئله ۶۹۸» اگر پس از انجام اعمال منی در روز عید از ورود به مکه یا انجام اعمال آن منع شد**

چنانچه می تواند تا اواخر ذیحجه صبر کند بنابر احتیاط در احرام بماند؛ پس اگر پیش از انقضای ذیحجه مانع برطرف شد خودش طواف و سعی و طواف نساء را بجا آورد و از احرام خارج شود و حج او صحیح است؛ و اگر مانع برطرف نشد جمع کند بین نایب گرفتن و عمل به وظیفه مصدود؛ همچنین است اگر نمی تواند تا آخر ذیحجه صبر کند.

و اگر نمی تواند نایب بگیرد در این صورت بنابر اقوی جایز است به وظیفه مصدود عمل کند و از احرام خارج شود، ولی حج او صحیح نیست.

**«مسئله ۶۹۹» اگر پس از انجام اعمال منی در روز عید و انجام اعمال مکه**

فقط از اعمال منی در ایام تشریق یعنی از بیتوته در منی و رمی جمرات سه گانه منع شد، حکم مصدود بر او جاری نیست و حج او صحیح است؛ پس اگر می تواند، برای رمی جمرات سه گانه نایب بگیرد؛ و اگر نمی تواند بنابر احتیاط واجب در سال بعد خودش یا نایبش آن را قضا نماید.

**«مسئله ۷۰۰» کسی که مصدود شد اگر اطمینان یا مظنه دارد**

که مانع برطرف نمی شود می تواند فوراً به وظیفه مصدود عمل نماید و از احرام خارج شود و به شهر خود برگردد؛ ولی اگر مظنه دارد که پیش از فوت وقت حج مانع برطرف می شود بنابر احتیاط صبر کند و از احرام خارج نشود. و چنانچه صبر کرد و زمانی مانع برطرف شد که وقت حج تمتع گذشته است، در این صورت حج افراد بجا آورد و پس از آن یک عمره مفرده بجا آورد و حج او

صحیح است و از حَجَّه‌الاسلام کافی است؛ و اگر وقت حج به طور کلی گذشته است، در این صورت بنا بر احتیاط جمع کند بین عمره مفرده و عمل به وظیفهٔ مصدود، هر چند بنا بر اقوی<sup>۱</sup> انجام عمره مفرده کافی است.

**«مسألهٔ ۷۰۱» کسی که از انجام عمره تمتع و حج تمتع واجب منع شده و به دستوری که گفته شد**

از احرام خارج شد، پس اگر مانع در همان سال برطرف شد و می تواند دوباره محرم شود و عمره و حج را در همان سال بجا آورد باید بجا آورد. و اگر مانع برطرف نشد، پس اگر عمره و حج از سالهای گذشته بر او واجب و ثابت بوده و یا استطاعت او تا سال بعد باقی ماند باید در سال بعد عمره و حج را بجا آورد. و اگر سال اول استطاعت او بوده و استطاعت او تا سال بعد باقی نماند لازم نیست در سال بعد حج بجا آورد و معلوم می شود استطاعت نداشته است؛ ولی اگر وقت باقی است و می تواند در همانجا به کسی نیابت دهد که به جای او عمره و حج بجا آورد بنا بر احتیاط واجب این کار را انجام دهد.

همچنین است حکم کسی که

حج افراد یا حج قران یا عمره مفرده بر او واجب بوده و در حال انجام آن مصدود شد و از احرام خارج گردید. و اگر در حج مستحب یا عمره مستحب مصدود شد قضای آن در سال بعد واجب نیست؛ هر چند خوب است.

## ۲- احکام محصور:

### «مسأله ۷۰۲» اگر کسی احرام عمره بسته و در اثر بیماری نمی تواند وارد مکه شود

و می خواهد از احرام خارج شود، باید با این قصد یک قربانی دهد؛ و بنا بر احتیاط واجب قربانی یا پول آن را به وسیله شخص مورد اعتمادی به مکه بفرستد و با او قرار گذارد

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۴

که در روز خاصی، در ساعت معینی به نیابت او آن را ذبح کند، و پس از رسیدن ساعت تعیین شده خودش تقصیر کند. و در نتیجه همه محرمات احرام بر او حلال می شود مگر زن؛ و بنا بر احتیاط در حلال نشدن زن بین عمره تمتع و عمره مفرده فرقی نیست. و بنا بر احتیاط ذبح کننده قربانی نیز به نیت خارج شدن منوب عنه از احرام آن را ذبح نماید.

### «مسأله ۷۰۳» اگر احرام عمره بسته و وارد مکه معظمه شده و در اثر بیماری خودش نمی تواند طواف و سعی را بجا آورد،

پس در صورت امکان او را به دوش گیرند یا بر تخت روان و مانند آن بخوابانند و طواف و سعی دهند؛ و اگر به هیچ گونه ممکن نیست او را طواف دهند، به نیابت او طواف و سعی را بجا آورند و پس از آن خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود.

و در عمره مفرده طواف نساء را نیز در حد امکان خودش هر چند به کمک دیگران بجا آورد؛ و اگر ممکن نیست به نیابت او بجا آورند. و در نتیجه همه محرمات حتی زن بر او حلال می شود.

### «مسأله ۷۰۴» اگر کسی احرام حج بسته ولی در اثر بیماری نمی تواند به عرفات و مشعر برود

و می خواهد از احرام خارج شود، باید با این قصد یک قربانی بدهد؛ و بنا بر احتیاط واجب قربانی یا پول آن را به وسیله شخص مورد اعتمادی به منی بفرستد تا در روز عید به نیابت او به قصد خارج شدن از احرام قربانی شود؛ پس در روز عید در ساعت تعیین شده تقصیر کند. و در این صورت همه محرمات احرام بر او حلال می شود مگر زن بنا بر مشهور و احتیاط.

### «مسأله ۷۰۵» آنچه راجع به شخص مصدود از اعمال منی و مکه یا فقط از اعمال مکه

یا از اعمال منی در روز عید یا در ایام

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۵

تشریح گفته شد، و همچنین آنچه راجع به وظیفهٔ مصدود نسبت به انجام حج و عمرهٔ ناتمام خود گفته شد (در مسائل «۷۰۱-۶۹۶») در محصور نیز جاری است؛ هر چند بین آنها فرقهایی وجود دارد که مهم آنها دو چیز است:

اول: اینکه مصدود قربانی خود را در جای خود ذبح می کند، هر چند خارج حرم باشد؛ ولی محصور در احرام عمره آن را به مکه معظمه، و محصور در احرام حج به منی می فرستد و تا زمان ذبح آن صبر می کند؛ چنانکه گذشت.

دوم: اینکه بر مصدود پس از قربانی و تقصیر، همهٔ محرمات حلال می شود حتی زن؛ ولی در محصور در عمرهٔ مفرده و حج، زن حلال نمی شود تا در آینده وظیفهٔ خود را به گونه ای که خواهیم گفت انجام دهد؛ همچنین است در عمرهٔ تمتع بنا بر احتیاط.

#### «مسئلهٔ ۷۰۶» چنانکه گفته شد پس از قربانی و تقصیر، زن بر محصور حلال نمی شود.

پس اگر احرام او برای عمرهٔ واجب یا حج واجب بوده باید از زن اجتناب کند تا زمانی که عمره یا حج واجب خود را انجام دهد و طواف و سعی واجب در آن را بجا آورد؛ هر چند اگر پیش از زمان حج واجب، به عمرهٔ مفرده نیز موفق شد زن بر او حلال می شود. و اگر احرام او برای حج مستحب یا عمرهٔ مستحب بوده، هر چند قضای آنها واجب نیست ولی چنانچه برای قضای آنها برگشت، زمانی زن بر او حلال می شود که آنها را با طواف و سعی آنها انجام دهد؛ و اگر برگشت باید برای طواف نساء نایب بگیرد، و بهتر است برای مجموع طواف

و سعی و طواف نساء نایب بگیرد؛ پس بعد از عمل نایب، زن بر او حلال می شود. و اگر در حج یا عمره واجب به طور کلی از قضای آنها عاجز شد، برای آنها نایب بگیرد؛ و اگر نمی تواند برای حج و عمره نایب بگیرد،

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۶

برای طواف و سعی و طواف نساء نایب بگیرد. و در این صورت بنا بر اقوی زن بر او حلال می شود.

**«مسئله ۷۰۷» اگر معلوم شد نایب شخص محصور قربانی را انجام نداده و محصور به اعتماد او برخی از محرمات احرام را مرتکب شده است،**

محصور گناه نکرده و کفاره نیز بدهکار نیست؛ ولی بنا بر احتیاط واجب از زمانی که معلوم شد قربانی انجام نشده از محرمات احرام اجتناب کند و دوباره قربانی یا پول آن را بفرستد تا به نیابت او قربانی شود.

**«مسئله ۷۰۸» اگر محصور پس از فرستادن قربانی یا پول آن حالش بهتر شد**

به گونه ای که می تواند به راه خود ادامه دهد واجب است وظیفه خود را تعقیب کند. پس اگر احرام عمره تمتع بسته باید به مکه رود و عمره و حج تمتع را بجا آورد؛ و اگر وقت تنگ شده به گونه ای که می ترسد حج فوت شود نیت خود را به حج افراد برگرداند، پس اگر دو وقوف یا دست کم وقوف به مشعر را درک کرد حج او صحیح است و باید پس از تمام شدن حج یک عمره مفرده بجا آورد، و از حجها لاسلام کفایت می کند.

و اگر وقوفها را درک نکرد ولی هنوز قربانی که فرستاده بود ذبح نشده نیت خود را به عمره مفرده برگرداند و آن را تمام کند و بدین وسیله از احرام خارج شود؛ همچنین است بنا بر احتیاط واجب و مشهور اگر قربانی او ذبح شده باشد. و در صورتی که حج از سالهای پیش واجب بوده یا استطاعت او باقی ماند، در سال بعد عمره و حج تمتع را بجا آورد.

**«مسئله ۷۰۹» محصور اگر پیش از رسیدن قربانی به مقصد از روی ضرورت و ناچاری سر خود را تراشید**

باید کفاره دهد؛ و کفاره آن چنانکه در مسئله «۳۲۶» گفته شد ذبح گوسفند یا سه روز

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۷

روزه یا اطعام شش مسکین است، که به هر کدام باید دو مد طعام که حدود یک کیلو و نیم طعام است بدهد. و این کفاره برای تراشیدن سر است نه برای خارج شدن از احرام.

**«مسئله ۷۱۰» چنانکه گفته شد زمان و مکان مقرر برای ذبح قربانی محصور در احرام حج روز عید در منی است؛**

و در احرام عمره مکان آن مکه معظمه است؛ و بنا بر احتیاط زمان آن پیش از رفتن حجاج به عرفات تعیین شود.

**«مسئله ۷۱۱» اگر کسی تصادف کرد و با همان حال او را به میقات بردند و مُحرم شد احرام او صحیح است.**

پس اگر می تواند اعمال را هر چند با کمک دیگران و با نایب گرفتن نسبت به اعمالی که نیابت بردار است انجام دهد باید انجام دهد؛ و اگر احساس کرد نمی تواند در این صورت به وظیفه محصور عمل کند و از احرام خارج شود.

و اگر می تواند با احرام ذکر شده عمره مفرده بجا آورد بنا بر احتیاط جمع کند بین وظیفه محصور و عمره مفرده، و در این صورت زن نیز بر او حلال می شود.

#### «مسئله ۷۱۲» اگر پس از احرام در اثر مانعی غیر از منع ظالم،

یا بیماری مانند شکستن پا، یا گم کردن راه، یا از بین رفتن مخارج راه یا تصادف یا خرابی راه یا مرکب سواری و یا گرما یا سرمای سخت نتواند عمره و حج خود را تمام کند بنا بر اقوی حکم مصدود و محصور بر او جاری است. پس می تواند خود را از احرام خارج کند؛ و بنا بر احتیاط به وظیفه محصور عمل نماید.

#### «مسئله ۷۱۳» مستحب است انسان هنگام احرام عمره یا حج با پروردگار خود شرط کند

که هر جا در اثر مانعی نتواند اعمال را ادامه دهد خداوند او را آزاد و از احرام خارج نماید. و آیا این شرط

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۸

فقط مستحب است و جنبه تشریفات دارد و یا نتیجه عملی نیز بر آن مترتب است - چنانکه جمعی از فقها فرموده اند که نتیجه شرط، خارج شدن مصدود و محصور است از احرام بدون قربانی - مسئله مورد اختلاف است. و احوط اجرای احکامی است که برای مصدود و محصور گفته شد؛ خواه در احرام شرط واقع شده باشد یا نه.

برخی مسائل متفرقه

#### «مسئله ۷۱۴» محرم نمی تواند به قصد رفتن به زیارت مدینه منوره یا مقاصد دیگر احرام خود را به هم زند.

و اگر لباس احرام را در آورد و بنا گذارد در احرام نباشد از احرام خارج نمی شود؛ بلکه محرمات احرام بر او حرام است؛ و آنچه را موجب کفاره است اگر مرتکب شود علاوه بر اینکه گناه کرده کفاره آن را نیز باید بدهد.

#### «مسئله ۷۱۵» سجده نمودن بر سنگهایی که در مسجدالحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم

یا مساجد دیگر به کار رفته جایز است؛ هر چند سنگ سیاه یا سنگ مرمر یا سایر سنگهای معدنی باشد.

#### «مسئله ۷۱۶» شرکت در نمازهای جماعت که در مسجدالحرام یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم

یا مساجد دیگر مسلمین منعقد می شود با رعایت احکام و آداب آن مستحب مؤکد است؛ پس بجاست حجاج و زوار محترم از شرکت در جماعتها تخلف نکنند و به نماز جماعت اهمیت دهند. ولی بنا بر احتیاط واجب حمد و سوره را خودشان بخوانند؛ هر چند به نحو حدیث نفس و خطور در ذهن باشد.



### «مسأله ۷۱۷» اگر کسی پس از انجام عمره تمتع و خارج شدن از احرام مریض شد

به گونه ای که قدرت انجام حج ندارد و می خواهند او را به وطن خود برگردانند، پس اگر ممکن است بنا بر

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۵۹

احتیاط خودش را به قصد طواف نساء طواف دهند؛ و اگر ممکن نیست به کسی نیابت دهد یک طواف نساء به نیابت او بجا آورد.

و چنانچه حج از سالهای پیش بر او واجب بوده یا استطاعت او تا سال بعد باقی ماند باید در سال بعد عمره و حج تمتع را بجا آورد و عمره سال پیش کافی نیست.

و اگر سال اول استطاعت او بوده و استطاعت او باقی نماند، حج بر او واجب نیست؛ ولی اگر می تواند در همانجا به کسی نیابت دهد که در همان سال به نیابت او عمره و حج بجا آورد بنا بر احتیاط واجب این کار را انجام دهد.

### «مسأله ۷۱۸» اگر زن بعد از اعمال منی در روز عید حائض شد

و همراهان او مهلت نمی دهند تا پاک شود و طواف و سعی خود را بجا آورد و راهی برای ماندن ندارد، واجب است نایب بگیرد تا طواف حج و نماز آن را به جای او بجا آورد و سپس خودش سعی را انجام دهد و پس از آن نایب طواف نساء و نماز آن را به نیابت او بجا آورد و اعمال منی در ایام تشریق را نیز خودش انجام دهد.

### «مسأله ۷۱۹» اگر زن پس از انجام اعمال خود خون دید و شک کرد آیا در حال طواف حائض شده یا بعد از آن،

در این صورت به شک خود اعتنا نکند و طواف و نماز او صحیح است.

### «مسأله ۷۲۰» بنا بر احتیاط واجب برای زنها نیز پوشیدن دو لباس احرام به عنوان لنگ و رداء لازم است؛

هر چند جایز است دوخته باشد و لباسهای دیگری را هم پوشیده باشند. پس می توانند شلوار را به قصد ازار بپوشند و چادر را به قصد رداء بر سر بیندازند.

### «مسأله ۷۲۱» روزه گرفتن در ایام تشریق

(یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه) برای کسانی که در منی هستند جایز

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۰

نیست. و روزه گرفتن در عید اضحی و عید فطر بر همه مسلمین حرام است.

### «مسأله ۷۲۲» قربانیهایی که به عنوان کفاره بر محرم واجب می شود

باید گوشت آنها را به فقرای مسلمین صدقه دهد؛ و خودش نمی تواند از آن استفاده کند؛ و به واجب النفقه خودش نیز ندهد.

**«مسأله ۷۲۳» کسی که به یت عمره تمتع احرام بسته اگر بر حسب اتفاق حج از او فوت شود،**

یت خود را به عمره مفرده برگرداند؛ و با اتمام آن از احرام خارج می شود.

**«مسأله ۷۲۴» اگر با عین پول یا جنسی که زکات یا خمس به آن تعلق گرفته جامه احرام بخرد،**

و یا به خود جامه خمس تعلق گرفته باشد، احرام در آن جایز نیست؛ همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر آن را به پول کلی بخرد ولی هنگام معامله بنا داشته باشد بدهی خود را از پولی که به آن خمس تعلق گرفته یا از مال حرام دیگری بپردازد. ولی اگر آن را به پول کلی در ذمه خریده باشد و پس از معامله بر حسب اتفاق بدهی خود را از مال حرام یا مالی که به آن خمس یا زکات تعلق گرفته باشد بدهد، هر چند ذمه او بری نمی شود ولی تصرف و نماز و طواف او در آن مانعی ندارد. و حکم گوسفند قربانی در آنچه گفته شد نظیر حکم لباس احرام است.

**«مسأله ۷۲۵» بنا بر احتیاط لقطه حرم،**

یعنی مالی را که صاحبش در حرم خدا گم کرده است کسی بر ندارد؛ هر چند کمتر از درهم باشد. و اگر برداشت تا یک سال معرفی کند و پس از معرفی و یأس از پیدا شدن صاحبش آن را صدقه دهد و تملک نکند. و اگر صاحبش پیدا شد و مطالبه کرد قیمت آن را به او بدهد؛ مگر اینکه صدقه را اجازه کند.

**بخش سوم: اعمال و آداب مدینه منوره**

**اشاره**

و بعضی دعاهاى مأثوره

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۳

**فصل اول: اهمیت زیارت مدینه منوره**

مستحب است پس از انجام حج خانه خدا برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام و سایر مشاهد مشرفه به مدینه منوره مشرف شوند.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «زیارت بیت الله الحرام را به زیارت رسول خدا و زیارت قبوری که خداوند حق آنها و زیارت آنها را بر شما لازم نموده تمام کنید؛ شما به زیارت آن حضرت امر شده اید و ترک آن جفاست.»

و از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هر یک از شما حج بجا آورد پایان حج خود را زیارت ما قرار دهد که زیارت ما متمم حج است.»

پس مبدا نسبت به تشریف مدینه منوره مسامحه شود و حق آن ادا نشود. و بجاست زوار محترم اوقات تشریف خود را مغتنم شمرده به بطالت و سیاحت و کارهای بیهوده نگذرانند؛ بلکه در عبادت و زیارت و دعا و نماز مخصوصاً در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صرف نمایند.

بر حسب احادیث مستفیضه یک نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برابر است با هزار نماز؛ و بر حسب بعضی اخبار برابر است با ده هزار نماز. خوب است برادران و خواهران با اخلاص از فرصت زمان و شرافت مکان استفاده نمایند و علاوه بر

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۴

نمازهای یومیه و نمازها و زیارت‌های وارده، چنانچه نمازهای قضای قطعی یا احتمالی بر عهده دارند در گوشه‌های آن مکان شریف آنها را

بجا آورند و خود را بری الذمه نمایند. و احياناً هنگام شکستن دل در حق خود و خویشان و یاران و همه مؤمنین و مسلمین گرفتار ایادی شیاطین و طواغیت زمان دعا کنند.

ضمناً یاد آور می شود که بر حسب احادیث معتبره: «مکه حرم خداست و مدینه حرم پیامبر خداست و صید در مدینه و قطع درختان و گیاهان (خودروی) آن همچون صید و قطع درختان و گیاهان حرم خدا نارواست.» و هر چند بنا بر اقوی این احادیث حمل بر کراهت شدید می شود، ولی احوط اجتناب است؛ و این احتیاط نسبت به صید بین دو «حَرّه» یعنی دو رشته سنگلاخ ممتد که شهر مدینه بین آنها واقع شده ترک نشود، و بخصوص نسبت به زوار محترم که بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده و مهمان آن حضرت می باشند.

## فصل دوم: در زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کیفیت آن

### ۱- نقل است از آن حضرت که فرمودند:

«هر کس به زیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.»

و فرمودند: «هر کس مرا در حیات من یا پس از مرگ زیارت کند خدا را زیارت کرده است.»

و فرمودند: «هر کس مرا در حیات من یا پس از مرگ زیارت کند در روز قیامت در جوار من خواهد بود.»

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۵

و به امام حسین علیه السلام فرمودند: «کسی که مرا در حیات من یا پس از مرگ، یا پدر تو را یا برادر تو را و یا تو را زیارت کند بر من است که در روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش خلاصش نمایم.»

### ۲- و اما آداب زیارت به طور کلی:

کسی که می خواهد به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا ائمه هدی علیهم السلام مشرف شود مستحب است غسل کند و لباسهای پاک و پاکیزه بپوشد و قدمها را کوتاه بردارد و با آرامش و وقار حرکت کند. و در وقت رفتن به حرم مطهر زبان خود را به ذکر و صلوات مشغول کند.

و خوب است برای داخل شدن در حرم، اذن ورود بخواند؛ چنانکه کفعمی (ره) در مصباح فرموده است: هنگامی که خواستی داخل شوی بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا یکی از مشاهد مشرفه بگو:

«اللَّهُمَّ اِنِّي وَقَفْتُ عَلَىٰ بَابِ مِنْ ابْوَابِ بَيْتِكَ صَيِّمًا لِمَا تَكْرَهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ قَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ اَنْ يَدْخُلُوا اِلَّا بِاِذْنِهِ فَقُلْتُ: «يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا- تَدْخُلُوْا بَيْتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ.» اللَّهُمَّ اِنِّي اعْتَقَدْتُ (اعْتَقَدْتُ) حُرْمَةَ صَاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيْفِ فِيْ غَيْبَتِهِ كَمَا اعْتَقَدْتُهَا فِيْ حَضْرَتِهِ، وَ اعْلَمُ اَنَّ

رَسُولِكَ وَخُلَفَائِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي، وَ أَنْكَ حَاجِبَتْ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحَتْ بَابَ فَهْمِي بِلَدِيدِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَ أَنِّي اسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَ اسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيًا، وَ اسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ (الْمَفْرُوضَ) عَلَيَّ طَاعَتُهُ (و در اینجا نام امامی را که زیارت می کنی و نام پدرشان را بر زبان

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۶

جاری می کنی.) وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِدِهِ الْبُقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ ثَالِثًا.

ءَاذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟. ءَاذْخُلُ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ؟ ءَاذْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ؟ فَأَذْنُ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا إِذْنَتْ لَأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنَّ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ.»

پس از آن آستانه را بوس و داخل شو و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ مَلَهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبِّ عَلَيَّ أَنْكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.» «۱»

### ۳- و اما آداب زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

محدث قمی (ره) فرموده: «چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی بایست نزد در و بخوان آن اذن ورود را و داخل شو از در جبرئیل علیه السلام و مقدم مدار پای راست را در وقت ورود؛ پس صد مرتبه: «الله اکبر» بگو، پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و برو به سمت حجره شریفه و دست بمال بر آن و بوس آن را و بگو:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ

آتَيْتَ الرَّكَاهَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَصَلِّ لِمَا تُرِيدُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ - (۲)

(۱) - مصباح كفعمی، فصل ۴۱، ص ۴۷۲.

(۲) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۱، چاپ بیروت.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۷

#### ۴- اما کیفیت زیارت آن حضرت:

#### اشاره

زیارت آن حضرت به چند کیفیت وارد شده است و بر هر یک از آنها عنوان زیارت آن حضرت صدق می کند:

#### زیارت اول:

آنچه کافی و تہذیب به سند صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده اند. و شیخ صدوق (ره) نیز آن را ذکر کرده و ما آن را از کافی نقل می کنیم.

حضرت فرمودند به طرف قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می روی و می ایستی و بر آن حضرت سلام می کنی، پس در زاویہ قبر نزد سر آن حضرت در کنار ستون رو به قبله می ایستی در حالی که شانه چپت به طرف قبر باشد و شانه راستت به طرف منبر و می گویی:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَيْحَتِ لَأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ (مُخْلِصاً) حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ. وَ أَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غُلِّقَتْ عَلَيَّ الْكُافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَ الضَّلَالَةِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، وَ

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۸

مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، عَلَيَّ مُحَمَّدَ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ اعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ

ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِطُّهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً.» وَأَنْتِ آتَيْتِ نَبِيَّكَ مُسْتَعْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي، وَأَنْتِ اتَّوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.»

و اگر حاجتی داری قبر آن حضرت را در پشت شانہ های خود قرار بده و رو به قبله کن و حاجت خود را طلب کن که ان شاء الله برآورده می شود. «۱»

۵- می توانی دعا کنی به گونه ای که از امام چهارم حضرت زین العابدین علیه السلام نقل شده که آن حضرت پشت خود را به قبر تکیه می داد و رو به قبله می ایستاد و عرض می کرد:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَأْتُ ظَهْرِي، وَإِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اسْتَنْدْتُ ظَهْرِي، وَالْقَبْلَةَ الَّتِي رَضَيْتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اسْتَقْبَلْتُ.»

اللَّهُمَّ أَنِّي أَضِيبُحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا ارْجُو، وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا مَا أَحْذَرُ عَلَيْهَا. وَأَضِيبُحْتُ الْأُمُورُ بِيَدِكَ فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي. أَنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. اللَّهُمَّ ارْزُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنَّهُ لَا رَادَّ لِفَضْلِكَ.

اللَّهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدَلَ اسْمِي أَوْ تُعَيَّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي. اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي (وَ حَمِّلْنِي) بِالنُّعْمِ وَ اغْمِرْنِي بِالْعَافِيهِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيهِ. «۲»

(۱) - الکافی، ۴ / ۵۵۰؛ التهذیب، ۶ / ۵؛ من لایحضره الفقیه، ۲ / ۵۶۵.

(۲) - الکافی، ۴ / ۵۵۱؛ وسائل الشیعه، ۱۰ / ۲۶۷.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۶۹

۶- و روایت شده که حضرت امام صادق علیه السلام زمانی که به قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

رسیدند دست بر قبر گذاشتند و گفتند:

«اسألُ اللهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَ اخْتَارَكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ.»

سپس گفتند:

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا.» (۱)

مرحوم مجلسی (ره) در بحار فرموده است که هر چند به حسب ظاهر پشت کردن به قبر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مخالف ادب است ولی در صورتی که با توجه به خدا باشد و غرض استمداد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باشد مانعی ندارد؛ ولی در این زمانها بهتر است به سبب تقیه ترک شود. (۲)

## ۷- زیارت دوم:

زیارتی است که «ابراهیم بن ابی البلاد» از حضرت ابی الحسن علیه السلام (ظاهراً امام هفتم باشد) نقل می کند.

ابراهیم می گوید حضرت به من فرمودند: هنگام سلام بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه می گویی؟

عرض کردم: آنچه را می شناسم و برای ما روایت شده؛ فرمودند: می خواهی آنچه را افضل از این است به تو یاد دهم؟

عرض کردم: آری؛ حضرت آن را به خط خود نوشتند و بر من خواندند بدین گونه: زمانی که در کنار قبر آن حضرت ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ أَشْهَدُ

(۱) - الکافی، ۴ / ۵۵۲؛ وسائل الشیعه، ۱۰ / ۲۶۹.

(۲) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۵۱، چاپ بیروت.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۷۰

أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَةَ رَبِّكَ وَ نَصَيْتَ لَأُمَّتِكَ وَ جَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَامْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَ مِنْهُ السَّلَامَ «١»

#### ۸- زیارت سوم:

زیارتی است که بزندی از امام هشتم علیه السلام نقل کرده:

«السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - مصباح) السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ.»

السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا امِينَ اللَّهِ. اشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى اتَاكَ الْيَقِينُ. فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.» «٢»

#### ۹- زیارت چهارم:

زیارتی است که شیخ کفعمی (ره) در مصباح ذکر کرده است:

(۱)- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۵۴، به نقل از کامل الزیارات.

(۲)- الکافی، ۴/۵۵۲؛ التهذیب، ۶/۶؛ وسائل الشیعه، ۱۰/۲۶۸.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۷۱

«السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ امِينَ اللَّهِ عَلَيَّ وَوَحِيهِ وَعَزَائِمِ امْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيِّمِ عَلَيَّ ذَلِكُ كُلهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ السَّكِينَةِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمِدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ. السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.» «١»

ضمناً مخفی نماند که برای آن حضرت زیارتهای طولانی بسیاری نقل شده است؛ ولی ما برای اختصار به همین چهار زیارت اکتفا می کنیم. و آنچه مهم است خضوع و خشوع و شکستن دل و ارتباط معنوی با آن بزرگواران می باشد. و هر کس مایل باشد می تواند به کتابهای مفصل از جمله بحارالانوار مرحوم مجلسی مراجعه کند. «٢»

در برخی از اعمال و دعاهایی که در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پس از زیارت آن حضرت وارد شده است:

### ۱- بر حسب حدیث صحیح حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«زمانی که از دعا نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فارغ شدی به طرف منبر آن حضرت برو و دست خود را بر آن بمال، و دو قتیۀ پایین آن را که مانند دو انار می باشند بر صورت و چشمان خود بمال که گفته می شود در آن شفای چشم است. و در آنجا بایست و حمد و ثنای

(۱)- مصباح کفعمی، فصل ۴۱، ص ۴۷۴.

(۲)- بحارالانوار، ج ۹۷.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۷۲

خدا را بجا آور و حاجت خود را طلب کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بین منبر من و خانه من باغی از باغهای بهشت است و منبر من بر دری از درهای بهشت واقع شده. پس از آن به طرف مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می روی و هر چه خواستی در آنجا نماز می خوانی.

و هنگام ورود و خروج از مسجد صلوات بر آن حضرت بفرست و در آن مسجد بسیار نماز بخوان.» (۱)

### ۲- و بر حسب آنچه مرحوم مجلسی در بحارالانوار «۲» از شیخ مفید و سید بن طاووس و شهید اول و دیگران نقل کرده،

پس از زیارت و دعا نزد قبر آن حضرت یازده مرتبه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخوان، پس به طرف مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که بین قبر و منبر واقع شده برو و در کنار ستون پهلوی منبر بایست و منبر را در جلوی خود قرار بده و چهار رکعت نماز زیارت بخوان، و اگر نمی توانی دو رکعت بخوان. و پس از سلام و تسبیح بگو:

اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ جَعَلْتَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَ شَرَّفْتَهُ عَلَيَّ بِقَاعِ أَرْضِكَ بِرَسُولِكَ وَ فَضَّلْتَهُ بِي وَ عَظَّمْتَ حُرْمَتَهُ وَ أَظْهَرْتَ جَلَالَتَهُ

وَأَوْجِبْتَ عَلَيَّ عِيَادَكَ التَّيْبُرُكَ بِالصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ فِيهِ وَقَدْ أَقَمْتَنِي فِيهِ بِمَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ كَانَ مِنِّي فِي ذَلِكَ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَ  
 كَمَا أَنَّ حَبِيبَكَ لَا يَتَقَدَّمُهُ فِي الْفَضْلِ خَلِيلُكَ فَاجْعَلْ اسْتِجَابَةَ الدُّعَاءِ فِي مَقَامِ حَبِيبِكَ أَفْضَلَ مَا جَعَلْتَهُ فِي مَقَامِ خَلِيلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الطَّاهِرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَتَرْحَمَ مَوْفِي وَتَغْفِرَ  
 زَلَّتِي وَتُرَكِّي عِلْمِي وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي وَتُدِيمَ عَافِيَتِي وَ

(۱) - الكافي، ۴ / ۵۵۳؛ وسائل الشيعة، ۱۰ / ۲۷۰.

(۲) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۴.

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۲۷۳

رُشْدِي وَ تُسَبِّحْ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ تَحْفَظْنِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي وَ تَحْرُسِنِي مِنْ كُلِّ مُتَعِدِّ عَلَيَّ وَ ظَالِمٍ لِي وَ تُطِيلَ عُمْرِي وَ تُوفِّقَنِي لِمَا  
 يُرِضُ بِكَ عَنِّي وَ تَعْصِمَنِي عَمَّا يُسِيءُ بِخَطْبِكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ حُجَّجِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَ آيَاتِكَ فِي  
 أَرْضِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي وَ تُبَلِّغَنِي فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا أَمَلِي وَ رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ قَدْ سَأَلْتُكَ فَلَا تُحَيِّنِي وَ رَجُوتُ  
 فَضْلِكَ فَلَا تَحْرِمْنِي فَأَنَا الْفَقِيرُ إِلَى رَحْمَتِكَ الَّذِي لَيْسَ لِي غَيْرُ إِحْسَانِكَ وَ تَفَضُّلِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُحَرِّمَ شَعْرِي وَ بَشْرِي عَلَيَّ النَّارِ  
 وَ تُؤَيِّنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ وَ ادْفَعْ عَنِّي وَ عَنِّ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي مِنَ الشَّرِّ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ  
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۳- پس نزد منبر برو و آن را با دست خود مسح کن،

و دو قبته پایین آن را بگیر و بر صورت و چشمان

خود بمال و کلمات فرج را بخوان:

«لا- اله الا الله الحليم الكريم، لا- اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم، و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.»

پس بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ص الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَقَدَ بِكَ عِزَّ الْإِسْلَامِ وَ جَعَلَكَ مُرْتَقَى خَيْرِ الْأَنَامِ وَ مَضِيْعًا دَعَايَ إِلَى دَارِ السَّلَامِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَفَضَ بِإِنْتِصَابِكَ عُلوَّ الْكُفْرِ وَ سُمُو الشُّرْكِ وَ نَكَسَ بِكَ عِلْمَ الْبَاطِلِ وَ رَايَهُ الضَّلَالِ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تُنْصَبْ إِلَّا لِتَوْحِيدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَمْجِيدِهِ وَ تَعْظِيمِ اللَّهِ وَ تَحْمِيدِهِ وَ لِمَوَاعِظِ عِبَادِ اللَّهِ وَ الدُّعَاءِ إِلَى

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۲۷۴

عَفْوِهِ وَ غُفْرَانِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اسْتُوْفِيَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص بِإِرْتِقَائِهِ فِي مَرَاقِيكَ وَ اسْتِوَائِهِ عَلَيْكَ حَظَّ شَرَفِكَ وَ فَضْلِكَ وَ نَصِيْبِ عِزِّكَ وَ ذُخْرِكَ وَ نِلَتْ كَمَالِ ذِكْرِكَ وَ عَظَمَ اللَّهُ حُرْمَتَكَ وَ أَوْجَبَ التَّمَسُّحَ بِكَ فَكَمْ قَدْ وَضَعَ الْمُضِيْطَفَى ص قَدَمَهُ عَلَيْكَ وَ قَامَ لِلنَّاسِ حَاطِبًا فَوْقَكَ وَ وَحَدَّ اللَّهُ وَ حَمَدَهُ وَ أَتْنَى عَلَيْهِ وَ مَجَّدَهُ وَ كَمَّ بَلَّغَ عَلَيْكَ مِنَ الرِّسَالَةِ وَ أَدَى مِنَ الْأَمَانَةِ وَ تَلَا مِنَ الْقُرْآنِ وَ قَرَأَ مِنَ الْفُرْقَانِ وَ أَخْبَرَ مِنَ الْوَحْيِ وَ بَيَّنَّ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ وَ فَصَّلَ بَيْنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ حَثَّ الْعِبَادَ عَلَى الْجِهَادِ وَ أَنْبَأَ عَنْ ثَوَابِهِ فِي الْمَعَادِ-

**۴- پس از آن بایست در روضه که بین منبر و قبر واقع شده و بگو:**

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَ شُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ رَحْمَتِكَ الَّتِي ذَكَرَهَا رَسُولُكَ- وَ أَبَانَ

عَنْ فَضْلِهَا وَ شَرَفِ التَّعْبُدِ لَكَ فِيهَا وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا فِي سَلَامِهِ نَفْسِي فَالْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ فِي ذَلِكَ وَعَلَى مَا رَزَقْتَنِيهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَ طَلَبِ مَرْضَاتِكَ وَ تَعْظِيمِ حُزْمِهِ نَبِيِّكَ ص بِيَارِهِ قَبْرِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ وَ التَّرَدُّدِ فِي مَشَاهِدِهِ وَ مَوَاقِفِهِ فَالْحَمْدُ لَكَ يَا مَوْلَايَ حَمِيداً يَنْتَظِمُ بِهِ مَحَامِدُ حَمَلِهِ عَرْشِكَ وَ سِيَّكَانِ سَيِّمَاتِكَ لَكَ وَ يَقْضِرُ عَنْهُ حَمْدُ مَنْ مَضَى وَ يَفْضَلُ حَمْدَ مَنْ بَقِيَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَكَ الْحَمِيدُ يَا مَوْلَايَ حَمِيدٌ مَنْ عَرَفَ الْحَمِيدَ لَكَ وَ التَّوْفِيقَ لِلْحَمِيدِ مِنْكَ حَمْداً يَمَلَأُ مَا خَلَقْتَ وَ يَبْلُغُ حَيْثُ مَا أَرَدْتَ وَ لَمَّا يَحْجُبُ عَنْكَ وَ لَا يَنْقُضِي دُونَكَ وَ يَبْلُغُ أَقْصَى رِضَاكَ وَ لَا يَبْلُغُ آخِرُهُ أَوْلَى مَحَامِدِ خَلْقِكَ لَكَ وَ لَكَ الْحَمِيدُ مَا عُرِفَ الْحَمِيدُ وَ اعْتَقِدَ وَ جُعِلَ ائْتِدَاءُ الْكَلَامِ الْحَمِيدِ يَا بَاقِيَ الْعِزِّ وَ الْعِظَمَةِ وَ دَائِمِ السُّلْطَانِ وَ الْقُدْرَةِ وَ شَدِيدِ الْبُطْشِ وَ الْقُوَّةِ وَ نَافِذِ الْأَمْرِ وَ الْإِرَادَةِ وَ وَاسِعِ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٢٧٥

الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ رَبِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ يَقْضِرُ عَنْ أَيْسَرِهَا حَمْدِي وَ لَا يَبْلُغُ أَدْنَاهَا شُكْرِي وَ كَمْ مِنْ صَنَائِعِ مِنْكَ إِلَيَّ لَا يُحِيطُ بِكَثْرَتِهَا وَ هَمِي وَ لَا يَقْيِدُهَا فِكْرِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ نَبِيِّكَ الْمُضِيَّ طَفِي عَيْنِ الْبَرِيَّةِ طِفْلاً وَ خَيْرِهَا شَاباً وَ كَهْلاً أَطْهَرَ الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً وَ أَجْوَدَ الْمُسْتَمْطَرِينَ دِيمَةً وَ أَعْظَمَ الْخَلْقِ جُزْئُومَةً الَّتِي أَوْضَحَتْ بِهِ الدَّلَالَاتِ وَ أَقَمَتْ بِهِ الرِّسَالَاتِ وَ خَتَمَتْ بِهِ النُّبُوتِ وَ فَتَحَتْ بِهِ بَابَ الْخَيْرَاتِ وَ أَظْهَرَتْهُ مَظْهَراً وَ ابْتَعَتْهُ نَبِيّاً وَ هَادِيّاً أَمِيناً مَهْدِيّاً دَاعِيّاً إِلَيْكَ وَ دَالاً عَلَيْكَ وَ حُجَّهً بَيْنَ

يَدِيكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُعْصُومِينَ مِنْ عِزَّتِهِ وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ أَسْرَتِهِ وَ شَرِّفْ لَدَيْكَ بِهِ مَنَازِلَهُمْ وَ عَظِّمْ عِنْدَكَ مَرَاتِبَهُمْ وَ اجْعَلْ فِي الرِّفِيقِ الْأَعْلَى مَجَالِسَهُمْ وَ ارْفَعْ إِلَى قُرْبِ رَسُولِكَ دَرَجَاتِهِمْ وَ تَمِّمْ بِلِقَائِهِ سُرُورَهُمْ وَ وَفِّرْ بِمَكَانِهِ أُنْسَهُمْ

#### ۵- پس به طرف مقام جبرئیل علیه السلام که زیر ناودانی است

و هنگام خارج شدن از باب فاطمه علیها السلام بالای سر تو قرار می گیرد- و آن دری است که به طرف بقیع واقع شده- برو و در آنجا دو رکعت نماز بخوان و بگو:

يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ مَلَائِكَةَ جُنُودًا مِنَ الْمُسْتَجِبِّينَ لَهُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ وَ الْمَمَجِّدِينَ لِقُدْرَتِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ أَفْرَعَ عَلَى أَيْدِيهِمْ حُلُلَ الْكِرَامِيَّاتِ وَ أَنْطَقَ أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغَاتِ وَ أَلْبَسَهُمْ شِعَارَ التَّقْوَى وَ قَلَّدَهُمْ قَلَابِدَ النُّهَى وَ اجْعَلْهُمْ أَوْفَرَ أَجْنَاسِ خَلْقِهِ مَعْرِفَهُ بَوَاحِدَاتِيَّتِهِ وَ قُدْرَتِهِ وَ جَمَالَتِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ أَكْمَلْهُمْ عِلْمًا بِهِ وَ أَشَدَّهُمْ فَرَقًا وَ أَدْوَمَهُمْ لَهُ طَاعَةً وَ خُضُوعًا وَ اسْتِيكَانَةً وَ خُشُوعًا يَا مَنْ فَضَّلَ الْأَمِينَ جَبْرَائِيلَ عِ بَخَصَائِصِهِ وَ دَرَجَاتِهِ وَ مَنَازِلِهِ وَ اخْتَارَهُ لِرُوحِيهِ وَ سِفَارَتِهِ وَ عَهْدِهِ وَ أَمَانَتِهِ وَ أَنْزَلَ كُتُبَهُ وَ أَوْامِرَهُ عَلَى أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَعَلَهُ

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۷۶

وَاسْتَطَهَّ بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَهُمْ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ عَلَيَّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ سَيِّكَانِ سَمَاوَاتِكَ أَعْلَمَ خَلْقِكَ بِحُكْمِكَ وَ أَخْوَفِ خَلْقِكَ لِمُكْمِكَ وَ أَقْرَبِ خَلْقِكَ مِنْكَ وَ أَعْمَلِ خَلْقِكَ بِطَاعَتِكَ الَّذِينَ لَا يَعْشَاهُمْ نَوْمُ الْعُيُونِ وَ لَا سَهُوُ الْعُقُولِ وَ لَا فَتْرَةُ الْأَبْدَانِ الْمُكْرَمِينَ بِجَوَارِكَ وَ الْمُؤْتَمِنِينَ عَلَيَّ وَ حَيْحِكَ الْمُجْتَبِينَ الْأَهَابِ وَ الْمُوقِنِينَ السَّيِّئَاتِ اللَّهُمَّ وَ اخْصِصِ الرُّوحَ الْأَمِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ بِأَضْعَافِهَا مِنْكَ وَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ طَبَقَاتِ الْكَرُوبِيِّينَ وَ الرُّوحَانِيِّينَ

وَزِدْ فِي مَرَاتِبِهِ عِنْدَكَ وَحُقُوقِهِ الَّتِي لَهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَا كَانَ يَنْزِلُ بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكَ وَ مَا بَيَّنَّتْهُ عَلَى أَلْسِنِهِ أَنْبِيَائِكَ مِنْ مَحَلَّاتِكَ وَ مَحَرَّمَاتِكَ اللَّهُمَّ أَكْثِرْ صَلَوَاتِكَ عَلَى جَبْرَائِيلَ فَإِنَّهُ قُدْوَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ هَادِي الْأَصْفِيَاءِ وَ سَادِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ وَقُوفِي فِي مَقَامِهِ هَيْدًا سَبِيًّا لِنُزُولِ رَحْمَتِكَ عَلَيَّ وَ تَجَاوُزِكَ عَنِّي بِس بگو: أَيْ جَوَادُ أَيْ كَرِيمٌ أَيْ قَرِيبٌ أَيْ بَعِيدٌ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَطَاعَتِكَ وَ لِمَا تُزِيلُ عَنِّي نِعْمَتِكَ وَ أَنْ تُزِقَّنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ تُوسِّعَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ تُغْنِيَنِي عَنِ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ لَا تُحَيِّبْ يَا رَبُّ دُعَائِي وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

## ۶- پس دو رکعت نماز نزد ستون «ابی لبابه»

که ستون توبه است بخوان و سپس بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِمَا تَهَنَّى بِالْفَقْرِ وَ لَا تُدَلِّنِي بِاللَّدِينِ وَ لَا تُزِدْنِي إِلَى الْهَلَكَةِ وَ اعْصِمْنِي كَيْنِ اعْتَصِمَ وَ أَصْلِحْنِي كَيْنِ أَنْصَلِحَ وَ اهْدِنِي كَيْنِ اهْتَدَيْتُ اللَّهُمَّ اعْنِنِي عَلَى اجْتِهَادِ نَفْسِي وَ لَا تُعِيدْنِي بِسُوءِ ظَنِّي وَ لَا تُهْلِكْنِي وَ أَنْتَ رَجَائِي وَ أَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُغْفِرَ لِي وَ قَدْ أَخْطَأْتُ وَ أَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُغْفِرَ عَنِّي وَ قَدْ أَفْرَزْتُ وَ أَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَقِيلَ وَ

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۷۷

قَدْ عَثَرْتُ وَ أَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُحْسِنَ وَ قَدْ أَسَأْتُ وَ أَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ فَوْفَقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى وَ يَسِّرْ لِي الْيَسِيرَ وَ جَنِّبْنِي كُلَّ عَسِيرٍ اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ وَ بِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِي وَ بِالْغِنَى عَنِ الْفَقْرِ وَ بِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ وَ بِالْأَبْرَارِ عَنِ الْفُجَّارِ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ

شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱)

## ۷- و در مقام جبرئیل علیه السلام این دعا نیز وارد شده است:

«يا جوادُ يا كريمُ، يا قَرِيبُ غَيْرَ بَعِيدٍ، اسألكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ الْمَهَالِكِ، وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَعَثَاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تُرَدِّدَنِي سَالِمًا إِلَى وَطَنِي بَعْدَ حَجِّ مَقْبُولٍ وَسِعْيِ مَشْكُورٍ وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.» (۲)

## فصل چهارم: زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام وداع

و خروج از مدینه

### ۱- کافی و تهذیب به سند صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده اند:

زمانی که خواستی از مدینه کوچ کنی، پس از انجام همه کارهایت غسل کن و به طرف قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برو، و آنچه را در اول ورود انجام داده ای انجام بده و بگو:

«اللَّهُمَّ لا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ.» (۳)

(۱)- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۴.

(۲)- همان، ص ۱۵۹.

(۳)- الکافی، ۴/ ۵۶۳؛ التهذیب، ۶/ ۱۱؛ وسائل الشیعه، ۱۰/ ۲۸۰.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۷۸

## ۲- و کفعمی در مصباح فرموده

برای وداع پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین می گویی:

اللَّهُمَّ لا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً فَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَ فِي زُمْرَتِهِمْ وَ تَحْتَ لُؤائِهِمْ وَ لا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱)

## ۳- و این زیارت نیز برای وداع آن حضرت مناسب است؛



هر چند ظاهراً در وداع از راه دور وارد شده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَضْيَاءِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسِ بِكَ مِنْ مِدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَ بِالْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا أَتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ ع وَ إِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَمَائِي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خِيَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَوْلِيَاؤُكَ وَ أَنْصَارُكَ وَ حُجَجُكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ وَ أَعْلَامُكَ فِي بِلَادِكَ وَ خُزَّانُ عِلْمِكَ وَ حَفَظَةُ سِرِّكَ وَ تَرَاجِمُهُ

---

(۱) - مصباح كفعمی، فصل ۴۱، ص ۴۷۵.

احکام و مناسک حج (منتظری)،

وَحَيْبِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحْيِيهِ مِنِّي وَسَلَاماً وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةً لِلَّهِ وَبَرَكَاتُهُ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ «۱»

### فصل پنجم: در زیارت حضرت زهراى مرضیه علیها السلام

#### اشاره

و محل دفن آن حضرت

مخفی نماند که قبر آن مظلومه کبری علیها السلام همچون قدر آن بزرگوار مخفی مانده، و در محل آن اختلاف است:

#### ۱- از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که

آن حضرت در اطاق خودشان دفن شدند، و زمانی که بنی امیه مسجد پیغمبر را توسعه دادند قبر آن حضرت در مسجد واقع شد.

#### ۲- از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بین قبر من و منبر من باغی از باغهای بهشت است، زیرا قبر فاطمه علیها السلام بین قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و منبر آن حضرت است.»

#### ۳- شیخ صدوق (ره) فرموده:

«روایات در جای قبر فاطمه علیها السلام مختلف است: برخی روایت کرده اند آن حضرت در بقیع دفن شدند؛ و برخی روایت کرده اند بین قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و منبر دفن شدند، و اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بین قبر من و منبر من باغی از

(۱)- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۸۷، نقل از سید بن طاووس.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۸۰

باغهای بهشت است، بر این اساس است که قبر فاطمه علیها السلام بین قبر رسول خدا و منبر است.

و برخی روایت کرده اند آن حضرت در اطاق خویش دفن شدند و زمانی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند قبر آن حضرت در مسجد واقع شد. و این قول نزد من صحیح است.» (۱)

و نظیر این کلام از شیخ مفید و شیخ طوسی نیز نقل شده است. «۲»

## و اما کیفیت زیارت آن حضرت:

### زیارت اول:

زیارت مختصری است که تهذیب آن را از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده، (و ظاهراً مقصود، ابوجعفر دوم، امام نهم علیه السلام باشد). حضرت به «ابراهیم عریضی» می فرماید: زمانی که به قبر جدّه ات فاطمه علیها السلام رسیدی بگو:

«يَا مُتَّحِنَهُ امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ (صلى الله عليه و آله و سلم) وَ آتَانَا بِهِ وَصِيَّتِهِ (عليه السلام) فَأَنَا نَسْأَلُكَ أَنْ كُنَّا صَدَفْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا بِالْبُشْرَى لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.» «۳»

### زیارت دوم:

زیارت مختصری است که در بحار از اقبال نقل کرده:

---

(۱) - من لا يحضره الفقيه، ۲ / ۵۷۲.

(۲) - وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب «۱۸» از ابواب «المزار و ما یناسبه»، ذیل حدیث ۴.

(۳) - التهذیب، ۶ / ۱۰؛ وسائل الشیعه، ۱۰ / ۲۸۷.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۸۱

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِإِسْمَةَ الْحَجَّجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّهَا - ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَ ابْنِهِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجِهِ وَصِيَّ نَبِيِّكَ صِلَاهُ تَزْلِفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ يَنْ يَسْ رُوَايَتِ شَدَّةِ هَر كَسِ حَضْرَتِ فَاطْمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ رَا بَدِينِ نَحْوِ زِيَارَتِ كُنْدِ وَ اسْتِغْفَارِ كُنْدِ خُدَاوَنْدِ اُو رَا مِي بَخْشَدِ وَ دَاخِلِ بَهْشْتِ مِي كُنْد. «۱»

### زیارت سوم:

زیارتی است که شیخ صدوق آن را به اضافه صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام ذکر کرده است «۲» و شیخ طوسی نیز در تهذیب اصل زیارت را ذکر کرده است «۳» و فرموده اند در یکی از دو محل مسجد یعنی روضه که بین قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و منبر است، و یا جای بیت حضرت فاطمه علیها السلام می ایستی و می گویی:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ صِدِّيقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَةَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ

(۱) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۹۸.

(۲) - من لا يحضره الفقيه، ۲ / ۵۷۳؛ و از عبارت فقیه استفاده می شود تنظیم آن از خود ایشان است.

(۳) - التهذیب، ۶ / ۱۰.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۸۲

الْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحُورِيَّةُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَحْدَثَةُ الْعَلِيمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَعْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَرَةُ الْمُقَهَّورَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلِيٍّ رُوحِكَ وَ يَدِنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكَ، وَ أَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، لَأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَ رُسُلَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَيَّ مَنْ سَاخَطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ ابْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَ كَفِيَّ بِاللَّهِ شَهِيداً وَ حَسِيباً وَ جَازِياً وَ مُثِيباً.»

پس بگو: «اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيَّ عَبْدِكَ وَ

رَسُولِكَ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ خَيْرِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ. وَ صَلَّى عَلَيَّ وَصَلَّى عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمَامِ  
 الْمُسْلِمِينَ وَ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ  
 الْحُسَيْنِ، وَ صَلَّى عَلَيَّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ  
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلَّى عَلَيَّ كَاطِمِ الْغَيْظِ فِي اللَّهِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، وَ صَلَّى عَلَيَّ النَّقِيِّ مُحَمَّدِ  
 بْنِ عَلِيٍّ، وَ صَلَّى عَلَيَّ النَّقِيِّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ صَلَّى عَلَيَّ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۲۸۳

الرَّكِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الْحُجَّه الْقَائِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اللَّهُمَّ احْيِ بِهِ الْعَيْدَلَ، وَ امِتْ بِهِ الْجُورَ، وَ زَيْنِ بِطُولِ بَقَائِهِ  
 الْأَرْضِ وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسِيَّ تَخْفَى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اغْوَانِهِ وَ أَشْيَاعِهِ، وَ  
 الْمُقْبُولِينَ فِي زُمْرِهِ أَوْلِيَاءِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.»

و مخفی نماند که زیارت‌های دیگری نیز برای آن حضرت ذکر شده، ولی برای اختصار به همین سه زیارت اکتفا می‌کنیم.

بر حسب آنچه نقل شده از سید بن طاووس در اقبال: پس از زیارت حضرت زهرا علیها السلام دو رکعت نماز زیارت بخوان،  
 در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و شصت مرتبه سوره «قل هو الله»، و اگر نمی‌توانی در رکعت اول «حمد» و «قل هو الله» و در  
 رکعت دوم «حمد» و «قل یا ایها

الكافرون»، و پس از سلام این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِبَيْتِنَا مُحَمَّدٍ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَاسْأَلْكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَمَّا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَ  
اسْأَلْكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاسْمَائِكَ الْحُسَيْنِيَّةِ الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا وَاسْأَلْكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ  
إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسِلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْدًا وَبِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ  
إِلَيْكَ وَأَشْرَفَهَا وَأَعْظَمَهَا لَدَيْكَ وَاسْرِعْهَا إِجَابَةً وَانْجِحْهَا طَلِبَةً وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ وَارْغَبُ  
إِلَيْكَ وَاتَّضَرَّعُ وَالْإِحْ عَالِيكَ وَاسْأَلْكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَ  
الزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ فَإِنَّ فِيهَا

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۲۸۴

اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيَعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ  
وَعَنِّي وَتُفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِتُدْعَانِي وَتَرْفَعَهُ فِي عَلِّيْنَ وَتَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَإِعْطَاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ  
أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي يُقْضَىٰ بِهِ حَاجَتُهُ مَنْ يَدْعُوهُ اسْأَلْكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَىٰ لِي مِنْهُ أَنْ  
تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ فِي حَوَائِجِي وَتَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحِجَّةَ الْمُتَتَّظِرَ لِإِذْنِكَ صِلَاؤَاتِكَ وَسَلَامَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيُشْفَعُوا إِلَيَّ إِلَيْكَ وَتُشَفَّعَهُمْ فِيَّ وَلَا تَزِدْنِي خَائِبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

پس حاجات خود را از خدا بخواه که ان شاء الله برآورده می شود. «۱»

## فصل ششم زیارت ائمه بقیع،

### اشاره

یعنی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و حضرت امام زین العابدین علیه السلام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام و حضرت امام صادق علیه السلام که قبور مطهرشان در وسط بقیع و کنار هم قرار گرفته است:

(۱) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۰؛ نقل از اقبال.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۸۵

### ۱- چون خواستی به زیارت این چهار امام بزرگوار بروی

آنچه را از آداب زیارت از غسل و پوشیدن لباس پاک و پاکیزه و اذن ورود در فصل دوم گفته شد انجام بده و بگو:

«يا مَوَالِيَّ يَا ابْنَآءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، وَالْمُضْمَعْفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَائِكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ مَتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ. ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ؟ ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؟ ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ؟»

و با خضوع و خشوع و دل شکسته داخل شو و پای راست را مقدم بدار و بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمِدِ الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.»

پس نزدیک قبور آن بزرگواران برو و پشت به قبله رو به قبور مطهره کن و زیارت را بخوان.

و ما در اینجا دو زیارت را نقل می کنیم: یکی مفصل و دیگری مختصر. زیارت اول را کافی و تهذیب و فقیه نقل کرده اند و ما آن را از متن فقیه نقل می کنیم؛ و زیارت دوم را کفعمی (ره) در مصباح نقل کرده است.

### ۲- زیارت اول:



«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا ائِمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللّهِ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِيَّهَا

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٢٨٦

الْقَوَامُونَ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ النَّجْوَى ﴿ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَيْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ  
فِي ذَاتِ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كُذِّبْتُمْ وَ اَسَى ء

الْيَكْفِرُكُمْ فَعَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِيْمَةُ الرَّاشِدُونَ، وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَ أَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ، وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسِي خُكْمَكُمْ فِي أَصْلَابِ الْمُطَهَّرِينَ وَ يَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنِسِيكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَ لَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَ طَابَتْ مَنَبَتُكُمْ، أَنْتُمْ الَّذِينَ مَنْ بَكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صِلَواتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمْ لَنَا وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَ كُنَّا عِنْدَهُ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ، وَ بَتَّصِيْدِيقِنَا أَيَّاكُمْ مُقَرَّرِينَ. وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْمِ رَفٍ وَ اخْطَأَ وَ اسْتَكَانَ وَ أَقَرَّ بِمَا جَنِي، وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخِلَاصَ وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِيِّ مِنَ النَّارِ، فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا، وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسِيهُوَ وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ. لَعَنَكَ الْمُنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا ائْتَمَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صِيدَ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَ اسْتَحْفُوا بِحَقِّهِمْ وَ مَالُوا إِلَيَّ سِوَاهُمْ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي مَكْتُوبًا فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ.» (۱)

پس دعا کن برای خود به آنچه دوست داری و هشت رکعت نماز در مسجدی که آنجا هست بجا آور.

(۱) - الکافی، ۴ / ۵۵۹؛ التهذیب، ۶ / ۷۹؛ الفقیه، ۲ / ۵۷۵.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۸۷

نویسنده این رساله می گوید: این هشت رکعت

نماز، عبارت است از چهار دو رکعت نماز زیارت برای چهار امام، و چون فعلاً در آنجا مسجدی وجود ندارد مانعی ندارد به قصد رجاء پس از خروج از بقیع در جای دیگر خوانده شود.

### ۳- زیارت دوم ائمه بقیع:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُرَّانَ عِلْمِ اللَّهِ وَ حَفَظَهُ سِرِّهِ وَ تَرَاجَمَهُ وَحْيِهِ، اَتَيْتُكُمْ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ عَارِفًا بِحَقِّكُمْ مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكُمْ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمْ، يَا بِي اَنْتُمْ وَ اُمِّي، صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ اَزْوَاحِكُمْ وَ اِبْدَانِكُمْ.»

اللَّهُمَّ اِنِّي اَتَوَلَّيْتُ اٰخِرَهُمْ كَمَا تَوَلَّيْتُ اَوَّلَهُمْ وَ اَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجْهَ دُونَهُمْ، اٰمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.» (۱)

### فصل هفتم: زیارت ائمه بقیع هنگام وداع

#### ۱- «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِنَّمَهُ الْهُدَى

وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَ اَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، اٰمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَّيْتُمْ عَلَيِّهِ، اللَّهُمَّ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.»

پس خدا را بخوان و از خدا بخواه آخرین زیارت تو نباشد. (۲)

#### ۲- زیارتی است که در «فقیه» و «تهذیب»

در ذیل زیارت جامعه به عنوان وداع ذکر کرده اند و ما آن را از «فقیه» نقل می کنیم:

(۱)- مصباح کفعمی، فصل ۴۱، ص ۴۷۵.

(۲)- التهذیب، ۸۰ / ۶؛ مصباح کفعمی، فصل ۴۱، ص ۴۷۶.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۸۸

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَيِّلَامٍ مَوْدَعٍ لَا سَيْئَمٍ وَ لَا قَالٍ وَ لَا مَالٍ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، سَيِّلَامٍ وَ لِي لَكُمْ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ، وَ لَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ، وَ لَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ، وَ لَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَ لَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبُورِكُمْ، وَ اَتِيَانِ مَشَاهِدِكُمْ. وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ حَسْرَتِي اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ اَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ، وَ جَعَلَنِي فِي حِزْبِكُمْ، وَ اَرْضَاكُمْ عَنِّي وَ مَكْنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ، وَ اٰخِيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ، وَ مَلَكْنِي فِي اَيَّامِكُمْ، وَ شَكَرَ سَيِّعِي بِكُمْ، وَ غَفَرَ ذَنْبِي بِشَفَاعَتِكُمْ، وَ اَقَالَ عَثْرَتِي بِمَحَبَّتِكُمْ، وَ اَعْلَى كَعْبِي بِمُوَالَاتِكُمْ، وَ شَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ، وَ اَعَزَّنِي بِهُدَاكُمْ. وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ اَنْقَلَبَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا، غَانِمًا سَالِمًا، مُعَافًا غَنِيًّا فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ كِفَايَتِهِ بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ اِحِدٌ مِنْ زُوَارِكُمْ وَ مَوَالِيكُمْ وَ مُحِبِّبِكُمْ وَ شَيْعَتِكُمْ، وَ

رَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ أَيْدَاءً مَا ابْتَقَانِي رَبِّي، بَيْنَهُ صَادِقَهُ وَ إِيْمَانٌ وَ تَقْوَى<sup>ل</sup> وَ أَحْبَابٌ وَ رِزْقٌ وَاسِعٌ حَلَالٌ طَيِّبٌ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ  
الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ وَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَ أَوْجِبْ

لِي الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَهَ وَالتَّقْوَى وَالْفُؤُوزَ وَالنُّورَ وَالْإِيمَانَ وَحُسْنَ الْجَائِزَةِ، كَمَا أُوجِبَتْ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمُ الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ، الرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمُ الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ. يَا بِي أَنْتُمْ وَآمِي وَنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي، اجْعَلُونِي فِي هَمِّكُمْ، وَصَيِّرُونِي فِي حَزْبِكُمْ وَادْخُلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ، وَادْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ وَابْلُغْ أَرْوَاحَهُمْ وَاجْسَادَهُمْ مِنِّي السَّلَامَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. «(۱)»

(۱) - من لا يحضره الفقيه، ۲/ ۶۱۷؛ التهذيب، ۶/ ۱۰۱.

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۲۸۹

## **فصل هشتم زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیر علیه السلام و حضرت حمزه عموی آن دو بزرگوار و سایر شهدای احد:**

### **۱- ابراهیم فرزند رسول خدا بود**

از ماریه قبطیه که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او بسیار علاقه داشت و قبل از دو سالگی از دنیا رفت و در بقیع دفن شد؛ و زیارت آن حضرت بر حسب آنچه مرحوم مجلسی در بحار الانوار از شیخ مفید و سید بن طاووس و دیگران نقل کرده بدین نحو است:

السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَيِّمَائِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الشُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ  
السَّرَاجِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ صَاحِبِ  
الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ شَفِيعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٢٩٠

مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ  
أَوْ يُكَلِّفَكَ حَمَالَهُ وَحَرَامَهُ فَتَقَلِّكَ إِلَيْهِ طَيْبًا زَاكِيًا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ  
إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صِلَامًا يُقَرُّ بِهَا عَيْنَ رَسُولِهِ وَيُلْغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صِلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا وَ  
أَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَا نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى  
مَا خَلَفَ مِنْ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ  
سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَافِيَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَ  
أُمُورِي بِهِمْ مَسْجُودَةً وَشُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَصِيقِ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَامْنَحْنِي  
تَوَابَكَ وَأَسْكِنِّي جَنَّاتِكَ وَارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَأَشْرِكْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ

الْمَأْمُوتَ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ پس از آن حاجات خود را طلب کن و دو رکعت نماز زیارت نیز بخوان. (۱)

## ۲- زیارت فاطمه بنت اسد

مادر مولی امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار ائمه بقیع علیهم السلام:

(۱)- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۱۷.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۹۱

السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ  
الْمَآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ  
الْهَاشِمِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الْمَرْضِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمُ الرَّضِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
كَافَلَهُ مُحَمَّدٌ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرْبِيَتُهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ يَدِنِكَ الطَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى وَلَدِكَ وَ رَحْمَةُ  
اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنُ الْكَفَالَةِ وَ أَدْوَيْتَ الْأَمَانَةَ وَ اجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاهِ اللَّهِ وَ بَالِغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَهُ بِحَقِّهِ  
مُؤْمِنَهُ بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَهُ بِنُبُوَّتِهِ مُسْتَبْصِرَهُ بِنِعْمَتِهِ كَافَلَهُ بِتَرْبِيَتِهِ مُشْفِقَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَاقِفَهُ عَلَى خِدْمَتِهِ مُخْتَارَهُ رِضَاهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتْ  
عَلَى الْإِيمَانِ وَ التَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ رَاضِيَهُ مَرْضِيَهُ طَاهِرَهُ زَكِيَهُ تَقِيَهُ نَقِيَهُ فَرَضِيَهُ اللَّهُ عَنْكَ وَ أَرْضَاكَ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَ  
مَأْوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعِنِي بِزِيَارَتِهَا وَ بِنَّتِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَ لَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ دُرِّيَّتِهَا  
وَ ارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَ احْشُرْنِي مَعَهَا وَ مَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَارْزُقْنِي الْعِيُودَ إِلَيْهَا أَيْدَاءَ مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَ مَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۲۹۲

آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قَدْ بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ - پس دو رکعت نماز زیارت بجا آور و برای آنچه می خواهی دعا کن. «۱»

### ۳- زیارت حضرت حمزه

عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در احد:

مرحوم محدث قمی از رساله فخریه فخرالمحققین نقل می کند که: «مستحب است زیارت حمزه و سایر شهدای احد زیرا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده: هر که زیارت کند مرا و زیارت نکند عمویم حمزه را به من جفا کرده است.» و از شیخ مفید (ره) نقل می کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خود امر کردند به زیارت حمزه و خودشان به زیارت آن حضرت و سایر شهدا می رفتند، و حضرت زهرا علیها السلام نیز پس از وفات پیغمبر صبحگاه و شبانگاه به زیارت حمزه می رفتند.

و اما زیارت آن حضرت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ ص السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جُودْتَ بِنَفْسِكَ وَ نَصَيْحَتِ رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص بِذَلِكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خُلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّدًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا



مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي هَارِباً مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي فَرِعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ مِنْ شُقْمِهِ بَعِيدِهِ طَالِباً  
فَكَأَنَّكَ رَقَيْتِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ

(۱) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۱۸.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۹۳

أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي وَ أَتَيْتُ مَا أَشِيحَطَ رَبِّي وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَكُنْ لِي شَفِيعاً يَوْمَ فَقْرِي  
وَ حَاجَتِي فَقَدْ سَرَوْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا وَ أَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا وَ سَكَبْتُ عَجْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا وَ صِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرِدًا وَ أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ  
بِصَلَاتِهِ وَ حَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَ هَدَانِي لِجُبِّهِ وَ رَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ الْخَوَائِجِ عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ لَا  
يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاكُمْ وَ لَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاكُمْ وَ لَا يَخْسُرُ مَنْ يَهْوَاكُمْ وَ لَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاكُمْ

پس رو به قبله بایست و دو رکعت نماز زیارت بخوان. «۱»

#### ۴- زیارت سایر شهدای احد:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا  
الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَ التَّوْحِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ  
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَ اصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ - وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ  
جِهَادِهِ وَ دَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنْ نَبِيِّهِ وَ جُرِدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مَنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَ  
عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ عَزَّفْنَا وُجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ

وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَ

(۱) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۰.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۹۴

إِنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَأَيْكِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِيَّةِ الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَيْحَطُهُ اللَّهُمَّ انْفَعِنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَتَبِّئْنِي عَلَىٰ قَضِيَّةِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَىٰ مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لَاحِقُونَ وَبِسِيَارِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بِخَوَانِ، وَ

برای هر شهیدی که او را زیارت می کنی دو رکعت نماز زیارت بخوان. (۱)

### فصل نهم: زیارت سایر مساجد و مشاهد مدینه منوره

بر حسب حدیث صحیح، حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«رفتن به هیچ یک از مشاهد (مدینه) را ترک نکن: «مسجد قبا»، زیرا مسجدی است که از روز اول بر اساس تقوا پایه گذاری شده؛ و «مشربه مادر ابراهیم» و «مسجد فضیخ» و «قبور شهدا» و «مسجد احزاب» که همان مسجد فتح است.»

و نیز فرمودند: به ما خبر رسیده پیامبر زمانی که به زیارت قبور شهدا می رفتند می فرمودند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ.»

(۱) - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۱.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۹۵

و در مسجد فتح بگو:

«يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ

كَرْبُهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ.» (۱)

و در حدیث دیگر وارد شده: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: ما به زیارت مسجدها که در اطراف مدینه است می رویم، به کدام از آنها ابتدا کنیم؟ فرمودند: به مسجد قبا و در آن بسیار نماز بخوان، زیرا اول مسجدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن نماز خوانده؛ پس به مشربۀ مادر ابراهیم برو و در آنجا نماز بخوان که آنجا محل سکونت و نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده؛ و زمانی که از این ناحیه فارغ شدی به طرف احد برو و در مسجدی که نزدیک سنگلاخ است نماز بخوان، پس به طرف قبر حمزه برو و بر او سلام کن و سپس به طرف قبور سایر شهدا برو.» (۲)

مخفی نماند که به غرفه و به باغچه «مشربه» گفته می شده و مشربۀ امّ ابراهیم محل سکونت «ماریۀ قبطیه» مادر ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده، و در نتیجه یکی از منازل مسکونی آن حضرت بوده و بعد به صورت مسجد در آمده است.

و «مسجد فضیخ» نزدیک مسجد قبا بوده و «فضیخ» به معنای درخت خرماس و چون در آن مسجد درخت خرما وجود داشته به آن مسجد فضیخ می گفته اند. و روایت شده که داستان ردّ شمس در آن مسجد واقع شده «۳» و از این جهت به آن «مسجد ردّ شمس»

---

(۱) - الکافی، ۴ / ۵۶۰؛ التهذیب، ۶ / ۱۷.

(۲) - الکافی، ۴ / ۵۶۰؛ التهذیب، ۶ / ۱۷.

(۳) - الکافی، ۴ / ۵۶۲.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۹۶

نیز می گفته اند. (و غیر از این

مسجد، مسجد دیگری در محله بنی نضیر هست که نقل شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ با بنی نضیر شش روز در آنجا نماز گذارده اند و به آن نیز «مسجد فضیخ» می گویند.

و در ناحیه احد یک مسجد نزدیک سنگلاخ مدینه واقع شده که به آن مسجد «حَرّه» می گویند، و دیگری در کنار کوه احد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگام جنگ احد در آن نماز خوانده اند. و مسجد احزاب که به آن مسجد فتح گفته می شده نیز در جنگ احزاب محل نماز آن حضرت بوده است.

و نیز از مساجد مشهوره مدینه «مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام» در مقابل قبر حمزه علیه السلام، و «مسجد مباهله» و «مسجد سلمان» می باشد.

و از جمله مساجدی که بسیار تاکید شده که در آن نماز خوانده شود «مسجد غدیر» است که در غدیر خم در وسط راه بین مکه و مدینه بوده، و در آنجا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را به امامت منصوب فرمودند. ولی چنانکه گذشت بیش از همه نسبت به نماز در مسجد قبا تاکید شده، و بر حسب روایت وارده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس به مسجد قبا آید و دو رکعت نماز در آن بجا آورد ثواب یک عمره دارد». (۱)

و بالاخره در مدینه و اطراف آن به مناسبتهای مختلف مساجد بسیاری بنا شده و همه آنها دارای شرافت و برکات بوده و هر یک از آنها یادآور خاطره و داستانی مهم و تاریخی از خاطرات و داستانهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و

(۱) - بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۱۵؛ به نقل از کامل الزیارات.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۹۷

ارزش و فداکار اسلام و توحید می باشد که با کمی عده و امکانات در سخت ترین شرایط از حریم مقدس نبوت و قرآن و ولایت در برابر اکثریت طالب دنیا و مقام دفاع کرده اند. و زیارت چنین اماکن مقدس در حقیقت موجب احیای ارزشهای معنوی فراموش شده و الگو قرار دادن آن بزرگواران و تأسی به آنان می باشد، و از این جهت رفتن به آن مساجد بسیار مفید و با ارزش است؛ هر چند متأسفانه برخی از آنها مخروبه شده است. و بجاست زوار محترم اگر به زیارت هر یک از آنها موفق شدند علاوه بر توجه به ریشه تاریخی آن لااقل دو رکعت نماز تحیت بجا آورند و برای خود و خویشان و یاران و گذشتگان و همه مسلمین گرفتار دعا کنند.

## فصل دهم: زیارت امین الله و زیارت وارث و دو زیارت از زیارات جامعه

### ۱- زیارت «امین الله»

که بر حسب حدیث معتبر، امام زین العابدین علیه السلام آن را با دعای آن نزد قبر مولی امیرالمؤمنین علیه السلام خواندند، و بر حسب نقل جابر از امام پنجم می توان آن را نزد قبور سایر ائمه علیهم السلام نیز خواند (البته در این صورت جمله سلام بر امیرالمؤمنین از آن حذف می شود). و مرحوم مجلسی آن را از صحیحترین زیارتها شمرده است؛ و ما آن را از بحار به نقل از «کامل الزیارات» نقل می کنیم؛ بدین گونه که حضرت زین العابدین علیه السلام بر قبر امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند، پس گریستند و فرمودند:

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۲۹۸

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُبْحَانَ نَبِيِّهِ ص  
 حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَلْزَمَ أَعْيَادَكَ الْحُجَّةَ فِي قَلْبِهِمْ إِيَّاكَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى  
 جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ مُحِبَّةً لِصِفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي  
 أَرْضِكَ وَ سَيِّمَائِكَ صَيَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحِهِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً  
 التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ - پس صورت خود را بر  
 قبر نهادند و فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَاللَّهُ وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَهُ وَ أَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَهُ وَ أَفْنِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَهُ  
 وَ أَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً وَ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةً وَ دَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً وَ عَبْرَةَ  
 مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً وَ الْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً وَ الْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةً وَ عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةً وَ  
 زَلَلَ مَنْ اسْتَفَالَكَ مُقَالَةً وَ أَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً وَ أَرْزَاقَ الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً وَ عَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً وَ ذُنُوبَ  
 الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً وَ حَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً وَ جَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةً وَ عَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً وَ مَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ  
 مُعَدَّةً وَ مَنَاهِلَ الظَّمَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ اقْبَلْ ثَنَائِي وَ أَعْطِنِي جَزَائِي وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ  
 عَلِيٍّ وَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۲۹۹

فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع - إِنَّكَ وَلِيُّ

نَعْمَائِي وَ مُنْتَهَى مُنَايَ وَ غَايَهُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَ كُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَ اشْغَلْهُمْ  
عَنْ أَدَانَا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «١»

## ۲- «زیارت وارث»

که از امام صادق علیه السلام برای زیارت امام حسین علیه السلام نقل شده است. و چون این زیارت با خصوصیاتى که نقل شده در کربلا- بر مزار آن حضرت خوانده می شود ما در اینجا مقداری را که متعارف است از راه دور به قصد رجاء می خوانند برای استفاده حجاج محترم نقل می کنیم.

زیارت خود آن حضرت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَ فَوَهُ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ  
الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوِثْرَ الْمُؤْتُونَرَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ  
آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً  
ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

(۱)- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۶۴.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۰۰

سَمِعْتُ بِذَلِكَ فَرَضَيْتُ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

لَمْ تُنَجِّسِكِ الْخِاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسِكِ مِذْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ  
 الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْمَائِمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ  
 الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ وَ رُسُلَهُ أَنَّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ  
 قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صِلَاوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ عَلَى أَجْسَادِكُمْ وَ عَلَى شَاهِدِكُمْ وَ عَلَى غَائِبِكُمْ وَ  
 عَلَى ظَاهِرِكُمْ وَ عَلَى بَاطِنِكُمْ زِيَارَتِ حَضْرَتِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ وَ ابْنَ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَ ابْنَ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ ظَلَمْتَكَ وَ  
 لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ سَمِعْتَ بِذَلِكَ فَرَضَيْتُ بِهِ زِيَارَتِ سَائِرِ شُهَدَائِ كَرْبَلَا:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَضِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ  
 رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي  
 مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۳۰۱

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَ فُرْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ «۱»

### ۳- «زِيَارَتِ جَامِعَةِ مُخْتَصِر»

که در کافی و فقیه و تهذیب از



حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده و برای همه ائمه معصومین علیهم السلام مناسب است خوانده شود؛ و ما آن را از فقیه نقل می کنیم:

«السَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصِيْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمْنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُشْتَقِرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْإِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. وَ أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ ابْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»

و این زیارت در همه زیارت‌های مشاهد مشرفه کافی است و بسیار صلوات بر پیغمبر و آل او یعنی ائمه علیهم السلام بفرست، و هر یک را نام ببر، و از دشمنانشان بیزاری جوی، و هر دعایی که می خواهی اختیار کن برای خود و همه مؤمنین و مؤمنات.

«۲»

---

(۱) - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۹۹؛ مصباح المتعجل، ص ۶۶۳.

(۲) - الکافی ۴ / ۵۷۸؛ من لایحضره الفقیه، ۲ / ۶۰۸؛ التهذیب، ۶ / ۱۰۲.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۰۲

#### ۴- «زیارت جامعه کبیره»

که در فقیه و تهذیب از امام دهم علیه السلام نقل

شیخ صدوق (ره) در فقیه از موسی بن عبدالله نخعی نقل می کند که به حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض کردم: به من تعلیم فرمایید کلام بلیغ و کاملی را که در زیارت هر یک از شما آن را بخوانم.

فرمودند: هنگامی که به درب (حرم) رسیدی بایست و در حالی که با غسل باشی شهادتین را بگو، و زمانی که وارد شدی و قبر را مشاهده کردی بایست و سی مرتبه: «الله اکبر» بگو؛ پس کمی راه برو در حال آرامش و وقار و قدمها را کوتاه بردار؛ پس بایست و سی مرتبه: «الله اکبر» بگو، پس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه:

«الله اکبر» بگو تا جمعا صد مرتبه شود؛ و سپس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعِيدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ  
وَ أُصُولِ الْكُرْمِ وَ قَادَةَ الْأَمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَ عَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءَ  
الرَّحْمَنِ وَ سُلْمَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صِفْوَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ عِتْرَةَ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ  
الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى وَ ذَوِي النَّهْيِ وَ أَوْلَى الْحَجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى وَ الدَّعْوَةِ الْحُسَيْنِي وَ حُجَجِ اللَّهِ  
عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْمَآخِرَةِ وَ الْأَوْلَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِينِ بَرَكَهِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمِهِ اللَّهِ وَ  
حَفَظِهِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

احکام و مناسک حج (منتظری)،

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاهِ اللَّهِ وَالمُسْتَوْفِرِينَ فِي أَمْرِ  
اللَّهِ وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَالمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ المُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالقَوْلِ وَ  
هُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الأَثَمَةِ الدُّعَاةِ وَالقَادَةِ المُهْدِيَةِ وَالسَّادَةِ الوَلَاةِ وَالدَّادَةِ الحَمَاهِ وَأَهْلِ الذُّكْرِ وَ  
أُولَى الأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرِيَّتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبِهِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ  
وَخُدَّةُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُو العِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا  
عَبْدُهُ المُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ المُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالهُدَى وَدِينِ الحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ المُشْرِكُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الأَثَمَةَ  
الرَّاشِدُونَ المُهْدِيُّونَ المَعْصُومُونَ المُكْرَمُونَ المُقَرَّبُونَ المَتَّقُونَ الصَّادِقُونَ المُصْطَفَوْنَ المُطِيعُونَ لِلَّهِ القَوَامُونَ بِأَمْرِهِ العَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ  
الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اضْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِعَيْنِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ اعَزَّكُمْ بِهُدَاةِ وَ حَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ  
اِنتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَ أَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِيَ بِكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ أَنْصَرَ أُمَّةً لِدِينِهِ وَ حَفِظَهُ لِسِرِّهِ وَ خَزَنَهُ لِعِلْمِهِ وَ  
مُسَدَّدًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَرَاجَمَهُ لَوْحِيهِ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ  
عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَكُمْ مِنَ الفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ

وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَ أَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَ وَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَ أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ نَصَّيْتُمْ لَهُ  
فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ دَعَوْتُمْ إِلَى

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٠٤

سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَ أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمْ الزَّكَاةَ  
وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَ بَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ نَشَرْتُمْ  
شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَ سَيَّنْتُمْ سُنَنَهُ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَ سَيَّلْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالرَّغَبِ عَنْكُمْ  
مَيَّارِقُ وَ اللَّازِمُ لَكُمْ لِمَاحِقُ وَ الْمُقَصَّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقُ وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعِيدُهُ وَ مِيرَاثُ النَّبِيِّ  
عِنْدَكُمْ وَ إِبْرَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حَسَبُ آبِهِمْ عَلَيْكُمْ وَ فَضِيلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لِمَدْيِكُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ  
عِنْدَكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ  
أَبْغَضَ اللَّهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الرَّحْمَةُ  
الْمَوْصُولَةُ وَ الْبَأْيَةُ الْمَحْزُونَةُ وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مِنْ آتَاكُمْ فَقَدْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ  
تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدْلُونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ وَ

اللّٰهُ مِنْ وَالَاكُمْ وَهَلَمَّكُمْ مِنْ عَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَذَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَيَلِمَ  
مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهَيَّدَى مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مِنْ اتَّبَعُكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَمَنْ حَارَبَكُمْ  
مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَحَارِبٌ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ  
نُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّىٰ مِنْ عَلَيْنَا بِكُمْ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٠٥

فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَدَانَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صِيْلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَائَتِكُمْ طَيِّبًا لِيَخْلُقَنَا وَطَهَارَةً  
لِأَنْفُسِنَا وَتَرْكِيَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ  
أَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَارْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ  
حَتَّىٰ لَمَّا يَبْقَىٰ مَلَكُكُمْ مُقَرَّبٌ وَ لَمَّا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ وَلَا ذَنْبِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا  
فَاجِرٌ طَالِحٌ وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَهُ أَمْرُكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ وَكَبَرَ شَأْنِكُمْ وَ  
تَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتِكُمْ

لَعْدَائِهِ وَقُورَبٍ مَنَزَلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمَّيْ وَأَهْلِيْ وَرِأْيِيْ وَأَشْهَدُ اللّٰهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّيْ مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ  
بِعِدْوِكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَمَالِهِ مَنْ خَالَفَكُمْ مَوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ سَلَّمَ لِمَنْ  
سَاءَ الْمَكُومُ وَحَزْبٌ لِمَنْ خَارَبَكُمْ مُحَقَّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطَلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ  
مُخْتَجِبٌ بِعِدْمَتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ مُصِدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِتَدْوَلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ  
مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ عَادِلٌ بِكُمْ لَائِمٌ بِقِيُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَتَقَرَّبٌ إِلَيْهِ وَتَقَدُّمٌ أَمَامَ طَلِيَّتِيْ وَ  
حَوَائِجِيْ وَإِرَادَتِيْ فِيْ كُلِّ أَحْوَالِيْ وَأُمُورِيْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَمَانِيَّتِكُمْ وَشَاهِدٌ بِكُمْ وَعَدَائِيَّتِكُمْ وَأَوْلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُؤَوِّضٌ فِي  
ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِيْ لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِيْ لَكُمْ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٠٦

تَبِعَ وَنُصِيْرَتِيْ لَكُمْ مُعِيْدَةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللّٰهُ تَعَالَى دِيْنَهُ بِكُمْ وَيُرُدُّكُمْ فِيْ أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنْكُمْ فِيْ أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ  
لَا مَعَ عِدْوِكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَبَرَّيْتُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنَ الْجَبْتِ وَالطَّاعُوْتِ  
وَالشَّيَاطِيْنِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِيْنَ لَكُمْ وَالْجَاحِدِيْنَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِيْنَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَالْعَاصِيِيْنَ لِأَرْثِكُمْ وَالشَّاكِيْنَ فِيْكُمْ وَالْمُنْحَرِفِيْنَ  
عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَرِجْهِ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَمِنَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَتَبَيَّنَى اللّٰهُ أَيِّدًا مَا حَيَّتْ عَلَى مَوَالَتِكُمْ وَ  
مَحَبَّتِكُمْ وَدِيْنِكُمْ وَوَفَّقَنِيْ لِطَاعَتِكُمْ وَ

رَزَقْنِي شَفَاعَتَكُمْ وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ وَ يَسِيلُكُمْ وَ يَهْتَدِي  
بِهَدَاكُمْ وَ يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا  
بِرُؤْيَتِكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ يَدَا بِيكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ وَ مَنْ قَصَّ دَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِي لَّا  
أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَّا أُبْلَغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ فَدَرْكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هِدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجُجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ  
بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمَّ وَ بِكُمْ يَكْشِفُ الضَّرَّ وَ  
عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ (وَ اِغْرَ زِيَارَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَشَدِّ بَغْوٍ:

وَ إِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَ  
خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسِيلُكُمْ إِلَى الرِّضْوَانِ وَ  
عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ لَا يَتَّكُمُ غَضَبُ الرَّحْمَنِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٠٧

أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ  
أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحَلَّى أَسْمَاءُكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَّ  
خَطَرَكُمْ

وَ أَوْفَى عَهْدِكُمْ وَ أَصْدَقَ وَعْدِكُمْ كَلَامِكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتِكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلِكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتِكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتِكُمْ  
الْكَرَمُ وَ شَأْنِكُمْ الْحَيُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرَّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حُتْمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلُهُ وَ  
فَرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُتْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَ أَحْصِي جَمِيلَ بِلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ  
الدُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا بِكُمْ مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي بِمَوَالِيكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ  
مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسِيدًا مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمَوَالِيكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النُّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمَوَالِيكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ  
الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّأْنُ  
الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ  
لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا  
إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَّا عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرْنَ طَاعَتِكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي  
لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ  
اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ



احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۰۸

الْمَأْتِرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمُرْخُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ «۱»

### فصل یازدهم: دعای کمیل و دعای امام حسین علیه السلام در عصر روز عرفه:

#### ۱- «دعای کمیل»

که به آن «دعای خضر» نیز می گویند:

در شب پانزدهم شعبان و شبهای جمعه خوانده می شود؛ و مضامین عالیّه آن بهترین گواه است بر صحت آن.

مرحوم مجلسی در زادالمعاد فرموده: از بهترین دعاهاست؛ و از اقبال سید بن طاووس نقل کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل فرمودند: «در هر شب جمعه یا در هر ماه یا در هر سال یک مرتبه، یا در عمر یک مرتبه بخوان تا کفایت شرّ دشمنان شود، و یاری شوی و روزی داده شوی، و البته آمرزیده شوی.» «۲»

و شیخ طوسی رحمه الله علیه در مصباح المتهدجد فرموده: کمیل امیرالمؤمنین علیه السلام را در شب پانزدهم شعبان در حالت سجده دید که مشغول خواندن این دعا هستند «۳» و این است اصل دعا:

(۱)- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۳۳؛ همچنین در ذیل این زیارت، «زیارت وداع» را ذکر کرده اند که در فصل هفتم گذشت.

(۲)- زادالمعاد، ص ۷۶، اعمال ایام البیض شعبان.

(۳)- مصباح المتهدجد، ص ۷۷۴.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۰۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَوْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَ خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَ ذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَ بِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَ بِعِظَمَتِكَ

الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۚ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ ۚ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعِيدَ فَنَاءٍ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ [غَلَبَتْ] أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ۚ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ۚ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النِّقَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدِينَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَ أَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا لِلَّهِمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَ عَظَّمَ فِيهَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ وَ عَلَمَا مَكَانَكَ وَ خَفِي مَكْرَكَ وَ ظَهَرَ أَمْرَكَ وَ غَلَبَ قَهْرَكَ وَ جَرَتْ قَعْدَرَتُكَ وَ لَمَّا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اللَّهُمَّ لَمَّا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَ لَمَّا لَقِيَّ أَحْيَى سَيِّئِرًا وَ لَمَّا لِشَيْءٍ ۚ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمِيدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ تَجَرَّأتُ بِجَهْلِي وَ سَيِّئْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَ مِنْكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَرَّتُهُ وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ [أَمَلْتُهُ] وَ كَمْ مِنْ عَثَارٍ وَفَيْتُهُ وَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣١٠

كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتُهُ وَ كَمْ

مِنْ تَنَاءِ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ اللَّهُمَّ عَظَمَ بَلَائِي وَ أَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَ قَصُرَتْ [قَصْرَتْ] بِي أَعْمَالِي وَ قَعِدَتْ بِي أَغْلَالِي وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ أَمَلِي [آمالي] وَ خَدَعَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَ نَفَسَتِي بِجِنَائَتِهَا [بِحَيَانَتِهَا] وَ مَطَالِي يَا سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَ فِعَالِي وَ لَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَ إِسَاءَتِي وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ [فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا] رِءُوفًا وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَجْرِيَتِ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَحَرَّأَوْزْتُ بِمَا جَزَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ [مِنْ نَقْضِ] حُدُودِكَ وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ [الْحُجَّة] عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَزَى عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ وَ الزَّمَنِي حُكْمُكَ وَ بِلَاؤُكَ وَ قَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بِغَيْدِ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقَرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَ لَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَ إِذْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَيِّئِهِ [سَيِّئِهِ مِنْ] رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ [إِلَهِي] فَاقْبَلْ عُذْرِي وَ ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَ فُكْنِي مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدْنِي وَ رِقَّةَ جِلْدِي وَ دِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذِكْرِي وَ تَرْبِيَّتِي وَ

يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي أَ تُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعِيدَ تَوْحِيدِكَ وَ بَعِيدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَ بَعْدَ صَدَقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُصَيِّحَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ [تُبْعِدَ] مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَحِمْتَهُ وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَوْ تُسَلِّطَ النَّارَ عَلَى وَجْهِهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَ عَلَى أَلْسِنِ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَ عَلَى قُلُوبِ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً وَ عَلَى ضَمَائِرِ خَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِحَبِّكَ حَيَّتِي صَارَتْ خَاشِعَةً وَ عَلَى حِيَوَارِحِ سَبَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً وَ أَشَارَتْ بِأَسِيءِ تَغْفَارِكَ مُدْعِنَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ فَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ [حُلُولِ] وَفُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَ يَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ انْتِقَامِكَ وَ سَيِّحُوكَ وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي [بِي] وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَ لِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَ أَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ

شَدَّتْهُ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتْهُ فَلَيْتُنْ صَدَّيْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ  
أَوْلِيَاءِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَ هَبْنِي [يَا إِلَهِي] صَبْرْتُ عَلَى  
حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣١٢

كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَشْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ فَبِعَزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَفْسِمُ صَادِقًا لَيْتُنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لِأَضْحَجِّنَ إِلَيْكَ بَيْنَ  
أَهْلِهَا ضَجِجَ الْأَمْلِينَ [الْأَلْمِينَ] وَ لَأَصِيرُ رُحْنًا إِلَيْكَ صِيْرَاحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَ لَأُبْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَ لَأُنَادِيَنَّكَ أَيُّنْ كُنْتُ يَا  
وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ  
بِحِمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتِ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ [يُسْرِجُنْ] فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَ حُبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُزْمِهِ وَ  
جَرِيرَتِهِ وَ هُوَ يَصْجُحُ إِلَيْكَ ضَجِجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَ يُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ  
يَبْقَى فِي الْعِذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ أَمْ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهيبُهَا وَ  
أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ  
كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ [فَتَتْرُكُهُ] فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَ  
لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَ لَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَ

إِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيْبِ جَاحِدِيْكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيْكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا  
 وَ مَا كَانَ [كَانَتْ] لِأَحَدٍ فِيْهَا مَقْرًا وَ لَا مُقَامًا [مَقَامًا] لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِيْنَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ  
 أَجْمَعِيْنَ وَ أَنْ تُخَلَّدَ فِيْهَا الْمُعَانِدِيْنَ وَ أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَ تَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا أَمْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِدًا قَمَا لَا  
 يَسْتَوُونَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣١٣

إِلَهِي وَ سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَنَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أُجْرِبْتُهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ  
 وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُزْمٍ أُجْرِمْتُهُ وَ كُلَّ ذَنْبٍ أَدْبَنْتُهُ وَ كُلَّ قَبِيْحٍ أَسْرَرْتُهُ وَ كُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَ  
 كَهْلٍ سَيِّئْتُهُ أَمَرْتَنِي بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامِ الْكَاتِبِيْنَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَ كُنْتُ أَنْتَ  
 الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَ الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ وَ أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ [تُنزِلُهُ]  
 أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ [تُفَضِّلُهُ] أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ [تَنْشُرُهُ] أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ [تَبْسُطُهُ] أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي  
 وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكَ رِقِّي يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَةُ بَيْتِي يَا عَلِيمًا بَصُرِي [بِفَقْرِي] وَ مَسِيْكَتِي يَا حَبِيْرًا بِفَقْرِي وَ فَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا  
 رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ وَ أَعْظَمِ صَمَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ [فِي] اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِجِدِّكَ مَعْمُورَةً وَ  
 بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي

وَأُورَادِي [إِرَادَتِي] كُلَّهَا وَرَدًا وَاحِدًا وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أحوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَمَّوْ عَلَى خِدْمَتِكَ حَيَّوَارِحِي وَ اشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ حَيَّوَانِحِي وَ هَيِّبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَ الدَّوَامَ فِي الاتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسِيرَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَ أُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ [المُبَادِرِينَ] وَ أَشْتَأَقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ وَ أَذْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَ أَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣١٤

اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَ أَقْرَبِهِمْ مَنَزَلَةً مِنْكَ وَ أَخْصِهِمْ زُلْفَةً لِمَدْيِكَ فَإِنَّهُ لَمَّا يُنَالُ ذَلِمَكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَ يُجِدُ لِي بِجُودِكَ وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَ احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا وَ مَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَ أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَ اغْفِرْ زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَ ضَمَنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَيْبْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَ بَلِّغْنِي مُنَايَ وَ لَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرُّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْتِئْمَهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ غِنَى ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِعَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا لَا يُعْلَمُ صَلُّ عَلَيَّ؟ مُحَمَّدٍ؟ وَ؟ آلِ مُحَمَّدٍ؟ وَ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ

عَلَى رَسُولِهِ وَآلِهِمُ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ [أَهْلِهِ] وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا [كَثِيرًا]. «۱»

## ۲- دعای حضرت سیدالشهداء علیه السلام در عرفات در عصر روز عرفه:

برای روز عرفه چندین دعای مفصّل نقل شده که مشهورترین آنها دعای امام حسین علیه السلام است؛ محدّث قمی «۲» فرموده: بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که: غروب روز عرفه در

(۱)- اقبال الاعمال، سید بن طاووس، ص ۳۳۱.

(۲)- متن دعای عرفه از مفاتیح الجنان، ص ۲۶۰.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۱۵

عرفات در خدمت آن حضرت بودیم؛ پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع، پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را به سوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ - وَلَا كَصَيْعِنِجِهِ صَائِعٌ وَلَا صَائِعٌ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ - فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ - لَا يَخْفَى عَلَيْهِ الْبَدَائِعُ وَلَا تَضَيِّعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ - أَتَى بِالْكِتَابِ الْجَامِعِ وَبَشَّرَ الْإِسْلَامَ النُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلْخَلِيفَةِ صَائِعٌ وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْفَجَائِعِ - جَازَى كُلَّ صَائِعٍ وَرَأَيْتُ كُلَّ قَانِعٍ وَرَاحِمٌ كُلَّ ضَارِعٍ - وَ مُنَزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ - وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ - وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ - وَ رَاحِمٌ عِبْرَةَ كُلِّ ضَارِعٍ وَ دَافِعٌ ضَرَعَهُ كُلَّ ضَارِعٍ - فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ - وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ - وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ - وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّأً بِأَنَّكَ



رَبِّي وَ أَنْ إِلَيْكَ مَرَدِّي - ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا - وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ - ثُمَّ أَسِيَكْتَنِي الْأَضْيَلَابَ آمِنًا لِرَيْبِ  
 الْمُنُونِ وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ - فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُيُوبِ إِلَى رَحِمِ - فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ بِهِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ - لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ  
 بِي وَ لُطْفِكَ لِي - وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلِهِ أَيَّامِ الْكُفْرَةِ - الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَبُوا رُسُلَكَ - لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ وَ  
 تَحَنُّنًا عَلَيَّ - لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي يَسَّرْتَنِي - وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفْتِ بِي - بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سِيَوَاعِ  
 نِعْمَتِكَ - فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَبْنَى يُمْنِي - ثُمَّ أَسَكْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ جِلْدٍ وَ دَمٍ -

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣١٦

لَمْ تُشَهِّرْنِي بِخَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي - ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا - وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا - وَ رَزَقْتَنِي  
 مِنَ الْعِتَادِ لَبَنًا مَرِيًّا عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ - وَ كَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّحَائِمِ - وَ كَلَأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ - وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزَّبَادِ  
 وَ النُّفْصَانِ - فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ - حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَتْ نَاطِقًا بِالْكَلامِ أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ - فَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ  
 حَتَّى إِذَا كَمَلْتَ فِطْرَتِي - وَ اغْتَدَلْتَ سَرِيرَتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ - بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ فِطْرَتِكَ - وَ أَنْطَقْتَنِي  
 لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ يَدَائِعِ خَلْقِكَ - وَ تَبَهَّنْتِي لِتَذَكُّرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ وَاجِبِ طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ - وَ فَهَمْتَنِي مَا  
 حِيَاءَتْ بِهِ رُسُلِكَ وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ - وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ - ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حُرِّ الشَّرِّ لَمْ  
 تَرُضْ لِي يَا إِلَهِي بِنِعْمِهِ دُونَ أُخْرَى - وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ

بِمَنَّكَ الْعَظِيمِ عَلَيَّ - وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ - وَ صَيَّرْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ - لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَ  
 جُرْأَتِي عَلَيَّكَ - أَنْ دَلَلْتَنِي عَلَيَّ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ - وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لِمَدِيكَ - فَإِنْ دَعَوْتَكَ أَجَبْتَنِي وَ إِنْ سَأَلْتَكَ أَعْطَيْتَنِي - وَ  
 إِنْ أَطَعْتِكَ شَكَرْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتَنِي زِدْتَنِي - كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالًا لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا إِلَيَّ - فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِي -  
 مُعِيدِ حَمِيدِ مَجِيدِ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ - فَأَيُّ أَنْعُمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا أَوْ ذِكْرًا - أَمْ أَيُّ عَطَائِكَ أَقْوَمُ بِهَا  
 شُكْرًا - وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعِبَادُونَ - أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ - ثُمَّ مَا صَيَّرْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ  
 الضَّرَاءِ أَكْثَرَ - مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَاءِ - وَ أَنَا أَشْهَدُكَ يَا إِلَهِي

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣١٧

بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي - وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَ خَالِصِ صَيْرِحِ تَوْحِيدِي - وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَ عَلَاقِقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي - وَ أَسَارِيرِ  
 صَفْحَةِ جَبِينِي وَ خُزُقِ مَسَارِبِ نَفْسِي - وَ حَذَارِيفِ مَارِنِ عِزِّنِي وَ مَسَارِبِ صَمَاحِ سَمْعِي - وَ مَا ضُمَّتْ وَ أُطْبِقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ - وَ  
 حَرَكَاتُ لَفْظِ لِسَانِي وَ مَعْرُزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي - وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَ بُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي - وَ مَسَاحِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ حِمَالِهِ  
 أُمَّ رَأْسِي - وَ جُمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي - وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَيِّدِي وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي - وَ أَفْلَاحِ حَوَاشِي كِبْدِي وَ مَا حَوَتْهُ  
 شَرَاسِيْفُ أَضْمَاعِي - وَ حِقَاقِ مَفَاصِلِي وَ أَطْرَافِ أَنَامِلِي - وَ قَبْضِ عَوَامِلِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي - وَ بَشْرِي وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي وَ عِظَامِي -  
 وَ مُخِّي وَ عُرُوقِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي - وَ مَا انْتَسَجَ عَلَيَّ

ذَلِكَ أَيَّامُ رَضَاعِي - وَمَا أَقَلَّتِ الْمَارِضُ مِنِّي وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي - وَ سَيِّئَاتِي وَ حَرَكَاتِي وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي - أَنْ لَوْ حَيَّوُلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْيَارِ وَ الْأَحْقَابِ - لَوْ عَمَّرْتُهُمَا أَنْ أُودَى شُكْرَ وَاحِدِهِ مِنْ أَنْعَمِكَ - مَا اسْتِطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنَّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ - شُكْرًا آتِنَا جَدِيدًا وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا - أَجَلٌ وَ لَوْ حَرَضْتُ وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ - أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفَهُ وَ آتِنَهُ - لَمَا حَصَيْنَاهُ عَدَدًا وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَبَدًا - هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ عَن نَفْسِكَ - فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَ النَّبِيِّ الصَّادِقِ - وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا - صِدْقَ كِتَابِكَ اللَّهُمَّ وَ نَبِيُّكَ - وَ بَلَغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلِكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ - وَ شَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي أَشْهَدُ بِجِدِّي وَ جَهْدِي - وَ مَبَالِغِ طَاقَتِي وَ وَسْئِعِي وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا - وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ - وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ فَيُزِفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۳۱۸

سُبْحَانَهُ - لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا - فَسُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ - الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ - الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَغْدُلُ - حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ - وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ - خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ - پس آن حضرت شروع کردند به سؤال، و اهتمام نمودند در دعا و اشک از دیده های مبارکشان جاری بود؛ پس فرمودند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ - وَ لَا تُشْفِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِزْلِي فِي قَضَائِكَ - وَ

يَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى - لِمَا أَحَبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ - اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي - وَ  
الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ التُّورَ فِي بَصِيرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي - وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي - وَ انصُرْنِي  
عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ ارزُقْنِي مِآرِبِي وَ ثَمَارِي وَ أَقْرِ بِمَدْلِكَ عَيْنِي - اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَ اسدِّئْ عَوْرَتِي وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي - وَ اخْسِأْ  
شَيْطَانِي وَ فَسَكْ رَهَائِي - وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى - اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَائِمِعًا  
بَصِيرًا - وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي حَيًّا سَوِيًّا - رَحْمَهُ بِي وَ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا - رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي - رَبِّ بِمَا  
أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي - يَا رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ بِي وَ فِي نَفْسِي عَافِيَتِي - رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي -  
رَبِّ بِمَا آوَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ آتَيْتَنِي وَ أَعْطَيْتَنِي - رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَ سَدَّ قَتْنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَ أَقْنَيْتَنِي - رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَ  
أَعَزَّزْتَنِي رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ الصَّافِي - وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صِلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - وَ أَعْنِي عَلَيَّ  
بَوَائِقِ - الدَّهْرِ وَ صُرُوفِ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي - وَ نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ - وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ -  
اللَّهُمَّ مِمَّا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَ مَا أَخْذَرُ فَقِنِي - وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاخْرُسْنِي وَ فِي سَائِرِي فَاخْفِظْنِي - وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي  
فَاخْلُقْنِي وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي - وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي - وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي

وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي - وَبَسِيرِي تَلِي فَلَا تُخْزِنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي - وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِنِي - إِلَى مَنْ تَكْلِنِي  
إِلَى الْقَرِيبِ يَقْطَعْنِي - أَمْ إِلَى الْبَعِيدِ يَتَجَهَّمْنِي أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي - وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي - أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ  
دَارِي وَهَوَانِي عَلَيَّ مِنْ مَلَكَتُهُ أَمْرِي - اللَّهُمَّ فَلَمَّا تُحْلِلْ بِي غَضَبَكَ فَإِنَّ لَمْ تَكُنْ غَضَبَتْ عَلَيَّ - فَلَمَّا أَبَالِي سِوَاكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ  
أَوْسَعُ لِي - فَاسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ - وَانْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ - وَصَلِّحْ عَلَيْهِ أَمْرَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ - أَنْ لَا تُمَيِّنَنِي عَلَيَّ غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَيْخَطَكَ - لَكَ الْعُثْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ  
وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ - الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنَهُ - يَا مَنْ عَفَا عَنِ الْعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ - يَا مَنْ أَسْبَغَ  
النُّعْمَةَ بِفَضْلِهِ - يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ - يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي يَا مُنْسِي فِي حُفْرَتِي يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي - يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ  
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ - وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ - وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَجَسِّمِينَ - وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ  
وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ - وَمُنْزِلَ كَهْيَعَصَ وَطِهَ وَيسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ - أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ فِي  
سَعَتِهَا - وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا - وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ - وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَلَوْ لَا نَصْرَكَ  
لِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ - يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ وَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ - يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَيَّ

أَعْنَابِهِمْ - فَهَمُّ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ - تَعَلَّمَ لِخَائِنَتِهِ الْمَاعِينِ وَ لِمَا تُخْفِي الصُّدُورُ - وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَانُ وَ الدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ  
كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ - يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ - يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ - يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا  
الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا - يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ - وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا

- يَا رَادَّ يُوسِفَ عَلَى يَعْقُوبَ - بَعِيدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ - يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ - يَا مُمَسِّكَ يَدِ  
إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعِيدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ - يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى - وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا - يَا مَنْ أَخْرَجَ  
يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ - يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ - فَأَنْجَاهُمْ وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرِقِينَ - يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ  
مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ - يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ - يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ - وَ قَدْ عَدُوا فِي  
نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ - وَ قَدْ حَادُّوهُ وَ نَادُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ - يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ لَا بَدَاءَ لَكَ دَائِمًا يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ - يَا  
حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى - يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ - يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ عَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ  
يَنْفُضْ حَنِي - وَ رَأْنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي - يَا مَنْ حَفِظْنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقْنِي فِي كِبَرِي - يَا مَنْ أَيَّدِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى  
يَا مَنْ نِعْمُهُ عِنْدِي لَا تُجَازَى - يَا مَنْ

عَارِضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانَ - وَ عَارِضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ - يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ - يَا مَنْ دَعَاكَ مَرِيضاً فَشَفَانِي وَ عَزِيَاناً فَكَسَانِي - وَ جَائِعاً فَأَطْعَمَنِي وَ عَطْشَاناً فَأَرْوَانِي - وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي - وَ وَحِيداً فَكَثَّرَنِي وَ غَائِباً فَرَدَّنِي - وَ مُتَقَلِّباً فَأَغْنَانِي وَ مُتَنَصِّراً فَنَصَّيَنِي - وَ غَيِّباً فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ أَمْسَيْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلَالِكَ فَابْتَدَأَنِي - فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَ نَفَسَ كُرْبَتِي - وَ أَحْيَاكَ دَعْوَتِي وَ سَيَّرَ عَوْرَتِي وَ دُنُوْبِي - وَ بَلَّغَنِي طَلِيْبَتِي وَ نَصَّيَنِي عَلَى عَدُوِّي - وَ إِنِ أَعِدَّ نَعْمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَامَتِكَ لَأُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ - أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ - أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ - أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ - أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْقَيْتَ - أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ - أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَيْمْتَ - أَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ - أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ - أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ - أَنْتَ الَّذِي عَضَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيْدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَّرْتَ - أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَوَّافَيْتَ - أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ رَبِّي وَ تَعَالَيْتَ - فَلَمَكَ الْحَمْدُ دَائِماً وَ لَمَكَ الشُّكْرُ وَاحِدَةً - ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفُوهَا لِي - أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي أَعْفَلْتُ - أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ - أَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَيْدْتُ - أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ - أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ - أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ إِلَهِي اعْتَرَفُ بِنِعْمَتِكَ عِنْدِي - وَ أَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ - وَ هُوَ الْغِنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ - وَ الْمُؤَفَّقُ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ صَالِحاً بِمَعُونَتِهِ وَ

رَحْمَتِهِ- فَلكَ الْحَمْدُ إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ- وَ نَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ فَأَعْتَدِرَ- وَ لَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ فَيَأِي شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ- أَسْمِعْنِي أَمَّ بَصِيرَةٍ أَمَّ بِلِسَانِي أَمَّ بِرِجْلِي- أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَ بِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ- فَلكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبِيلُ عَلَيَّ- يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي- وَ مِنَ الْعَشَائِرِ وَ الْبِخْوَانِ- أَنْ يُعَيِّرُونِي- وَ مِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَ لَوْ اطَّلَعُوا- يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اطَّلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي- إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَ لَرَفُضُونِي وَ قَطَعُونِي- فَهَذَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي- خَاضِعَةً- ذَلِيلَةً حَقِيرَةً لِمَا ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَدِرَ- وَ لِمَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ وَ لَا حُجَّةَ لِي فَاحْتَجِّجْ بِهَا- وَ لَا قَائِلٌ لِمَ أُجْتَرِحَ وَ لِمَ أَعْمَلُ سُوءًا- وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ لَوْ جَحِدْتُ يَا مَوْلَايَ فَيَنْفَعَنِي- وَ كَيْفَ وَ أَنَّى ذَلِكُ وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ- عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ- أَنْكَ سَائِلِي عَنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ- وَ أَنْكَ الْحَكِيمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يُجُورُ- وَ عَيْدُكَ مُهْلِكِي وَ مِنْ كُلِّ عَيْدِكَ مَهْرَبِي- فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَيَذْنُوبِي يَا مَوْلَايَ بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ- وَ إِنْ تَعَفَّ عَنِّي فَيَحْلِمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ

□ □ □  
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ الرَّاعِبِينَ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ- لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِلِينَ الْمُسَبِّحِينَ- لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَ رَبُّ آبَائِي



الْأُولَيْنِ - اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا - وَإِخْلَاصِي مُوَحَّدًا وَإِقْرَارِي بِالْإِيك مُعَدًّا - وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا - أَنِّي لَا أُحْصِيهَا لِكَثْرَتِهَا وَ  
سُبُوغِهَا - وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثِ مَا لَعَم تَزَلُ - تَتَغَمَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُدَّ خَلْقَتِي وَبِرَأْتِي - مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ بَعْدَ  
الْفَقْرِ - وَكَشْفِ الضَّرِّ وَتَسْيِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ - وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَ الْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ - وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ  
ذِكْرِ نِعْمِكَ - عَلَيَّ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَيْنِ وَالْآخِرِينَ - لَمَا قَدَّرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ - تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ عَظِيمِ كَرِيمِ  
رَحِيمِ - لَمَا تُحْصِي آلاؤُكَ وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ - صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآتَمَمَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ - وَأَسْجَدْنَا  
بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ - وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ - وَتَشْفِي  
السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ وَتُجَبِّرُ الْكَسِيرَ - وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ - وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ -  
يَا مُطَلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ - يَا عَضِمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ - صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ وَأَعْطَانِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ - وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُولِيهَا وَآلَاءٍ تُجِدُّدُهَا - وَبَلِيَّةٍ تَضِيرُهَا وَ  
كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا - وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا وَ سَيِّئَةٍ تَغْفِرُهَا - إِنَّكَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ  
دُعِيَ وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ - وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ سِئَلَ - يَا رَحْمَانَ

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَرَحِمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ - وَ لَمَّا سَوَاكَ مِأْمُولٌ دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي - وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ  
فَرَحِمْتَنِي - وَ وَثَقْتُ بِكَ فَجَبَّيْتَنِي وَ فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي - اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ نَبِيِّكَ - وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ  
أَجْمَعِينَ - وَ تَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ وَ هِنِّئْنَا عَطَاءَكَ - وَ اجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لِأَلَائِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ - اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ  
فَقْدَارَ وَ قَدَارَ فَقْهَرَ - وَ عُصْبَى فَسْتَرَّ وَ اسْتِغْفَرَ فَغَفَرَ - يَا غَايَةَ الرَّاعِبِينَ وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ - يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ وَسَّعَ  
الْمُسْتَقْبَلِينَ رَأْفَةً وَ حِلْمًا - اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ - الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ - وَ رَسُولِكَ وَ خَيْرَتِكَ وَ  
أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ - الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ - اللَّهُمَّ  
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا كَمَا أَهْلُ ذِيكَ يَا عَظِيمٌ - فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِينَ - الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَ  
تَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا - فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ - وَ اجْعَلْ لَنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ - وَ نُورٍ تَهْدِي  
بِهِ وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا - وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَ بَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا - وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ - مُفْلِحِينَ  
مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَ لَمَّا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ - وَ لَمَّا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَمَّا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ - وَ لَمَّا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ وَ لَمَّا  
بَابِعِكَ مَطْرُودِينَ - وَ لَمَّا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ - وَ لَمَّا لِفَضْلٍ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَايَاكَ قَانِطِينَ - يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَ يَا أَكْرَمَ  
الْأَكْرَمِينَ - إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ - فَأَعِنَّا

عَلَى مَسْكِنَا وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنا- وَ اعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَا- وَ هِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ

- اللَّهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهِ مَا سَأَلْنَاكَ وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ- فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِيْنَا حُكْمَكَ- مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَيْدَلٌ قَضَاؤُكَ- أَقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ- اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَ كَرِيمَ الذُّخْرِ وَ دَوَامَ الْيُسْرِ- فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا- أَجْمَعِينَ وَ لَمَّا تَهْلِكُنَا مَعَ الْهَالِكِينَ- وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ- اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ- وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَ تَابَ إِلَيْكَ فَقَبَلْتَهُ- وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ فَعَفَرْتَهَا لَهُ- يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا وَ سَدَّدْنَا وَ اعْصِمْنَا وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ- وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ- وَ لَا لَحْظُ الْعُيُونِ وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ- وَ لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتُ الْقُلُوبِ- أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدُ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسَّعَهُ حِلْمُكَ- سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا- تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا فِيهِنَّ- وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ- فَلكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ- يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْآيَادِي الْجِسَامِ- وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ- أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ عِافِي فِي يَدَيْ وَ دِينِي- وَ آمِنٌ خَوْفِي وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ- اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي وَ لَا تَحْذُلْنِي- وَ ادْرَأ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ ثُمَّ رَفِعْ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ الدَّمُوعِ

تجرى من عينيه، وقال بصوت مرتفع يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ- وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ- وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنِ اعْطَيْتَهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي- وَ إِنِ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطَيْتَنِي- أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقِيتِي مِنَ النَّارِ- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ- لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ- وَ أَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَ كَانَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْرُرُ «يَا رَبُّ» فِيمَا أَقْبَلَ مِنْ حَوْلِهِ عَلَى الْإِسْتِمَاعِ لَهُ وَ التَّأْمِينِ عَلَى دَعَائِهِ، ثُمَّ عَلَتْ أَصْوَاتُهُمْ بِالْبُكَاءِ مَعَ الْإِمَامِ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ، ثُمَّ اتَّجَهُوا مَعَهُ نَحْوَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ.

و يروى السيد ابن طاووس فى «الإقبال» أن الإمام عليه السلام قد قال بعد «يا رب، يا رب، يا رب...»:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي اخْشَاكَ كَأَنِّي ارَاكَ، وَ اسْتَعِذْ بِتُقْوَيْكَ، وَ لَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِزْلِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا اجِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا- تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ النُّورَ فِي بَصِيرَتِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصِيرَتِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَ انصُرْنِي عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنِي، وَ ارْنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَيَّارِي، وَ اقْرَبْ بِذَلِكِ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُزْبَتِي وَ اسْتِزْ عَوْرَتِي، وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَ اخْشِأْ شَيْطَانِي، وَ فَكِّ رَهَانِي، وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْاُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خُلُقاً سَوِيّاً رَحِمَةً بِي، وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَتِيّاً، رَبِّ بِمَا

بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسِنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَّأْتَنِي وَوَقَّفْتَنِي،  
رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَيِّئْ لِي خَيْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ اعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اطَّعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي،  
رَبِّ بِمَا اعْتَنَيْتَنِي وَأَعَزَّنِي،

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣١٩

رَبِّ بِمَا الْبَسَيْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ، وَ اعْنَى عَلَيَّ بِوَأْتِقِ الدُّهُورِ  
وَ صَيْرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْاَيَّامِ، وَ نَجَّنِي مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَ اكْفَيْتَنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا اخافُ  
فَاكْفِنِي، وَ مَا اخِذْتُ فَقِنِي، وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاخْرِشْنِي، وَ فِي سِقْرِي فَاخْفُظْنِي، وَ فِي اَهْلِي وَ مَالِي فَاخْلُفْنِي، وَ فِيما رَزَقْتَنِي  
فَبَارِكْ لِي، وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَ فِي اعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَ الْاِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَ بِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ بِسِرِّي  
فَلَا تُخْرِجْنِي، وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَ بِعَمَلِكَ فَلَا تَسْتَلْبِنِي، وَ الْاَلِي غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي، الْاَلِي مَنْ تَكِلْنِي: الْاَلِي قَرِيبٌ فَيَقْطَعُنِي، ام الْاَلِي  
بَعِيدٌ فَيَتَجَهَّمُنِي، ام الْاَلِي الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَ اَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكُ امْرِي، اَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ بُعْدَ دَارِي، وَ هَوَانِي عَلَيَّ مِنْ مَلِكْتِهِ  
امْرِي، الْاَلِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَان لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا ابالي (سواك)، سُبْحَانَكَ غَيْرَ اَنْ عَافَيْتَكَ اَوْسَعُ لِي، فَاَسْئَلُكَ  
يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي اشْرَقَتْ لَهُ الْاَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ، وَ كُيِّمَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَ صِيْلِحْ بِهِ امْرُ الْاَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، ان لَا تُمَيِّتَنِي  
عَلَيَّ غَضَبِكَ وَ لَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ

ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي اخْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ آمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ اسْتَبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَخِدَّتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَنَجِّينَ، وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢٠

الْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلِ كَهيعص وَ طه وَ يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَ لَوْ لَا سِتْرُكَ آيَايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلَيَّ عِدَائِي، وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ آيَايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُورِ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرُهُ يَغْتَرَّوْنَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ قَلِيلَ الْمَدَلِّ عَلَيَّ اغْنَاوَهُمْ فَهُمْ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَ الدُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَيَّدَ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَيْدَاءُ، يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَ جَاعِلُهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّةَ عَلَيَّ يَعْقُوبَ بَعْدَ

ان ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم، يا كاشف الضر والبلى عن ايوب، و يا ممسك يدى ابراهيم عن ذبح ابنه بعد كبر سنه و  
 فناء عمره، يا من استجاب لركر يا فوهب له يحيى، و لم يدعه فرداً وحيداً، يا من اخرج يونس من بطن الحوت، يا من فلق البحر  
 لبني اسرائيل فانجاهم، و جعل فرعون و جنوده من المغرقين، يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته، يا من لم يعجل علي  
 من عصاه من خلقه، يا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود و قد غدوا في نعمته يأكلون رزقه و يعبدون غيره، و قد حادوه و  
 نادوه و كذبوا رسله، يا الله يا الله، يا يديء يا بديع لا ندلك، يا دائماً لا نفاذ لك، يا حياً حين لا حى، يا محيي الموتى، يا من  
 هو قائم على كل نفس بما كسبت، يا من قل له شكرى فلم يحرمنى، و عظمت خطيئتي فلم يفضحنى، و

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢١

رآنى على المعاصى فلم يشهنى، يا من حفظنى فى صعري، يا من رزقنى فى كبرى، يا من اياديه عندي لا تحصى و نعمه لا  
 تُجازى، يا من عارضنى بالخير و الاحسان و عارضته بالاسائه و العصيان، يا من هدانى للايمان من قبل ان اعرف شكر الاثنيان، يا  
 من دعوته مريضاً فشفانى، و عزياناً فكساني، و جاعاً فاشبعنى، و عطشاناً فاروانى، و ذليلاً فاعزنى، و جاهلاً فعرّفنى، و وحيداً  
 فكثرنى، و غايياً فردنى، و مقلاً فاعاننى و منتصراً فنصرنى، و غتياً فلم يسلبنى، و امسكت عن جميع ذلك فابئدانى، فللك الحمد و  
 الشكر يا من اقال عثرتى و نفس كرتى

وَاجَابَ دَعْوَتِي وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَ رَنِي عَلَيَّ عِيدُوعِي، وَ اِنْ اَعِيَدَ نِعْمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَامِي مَنَحَكَ لَا اُحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ، اَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ، اَنْتَ الَّذِي اَنْعَمْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَحْسَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَجَمَلْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَفْضَلْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَكْمَلْتَ، اَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، اَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَعْطَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَغْنَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَقْنَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَوَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، اَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتَ، اَنْتَ الَّذِي عَفَرْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَقَلْتَ، اَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَعَزَّزْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَعَنْتَ، اَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَيَّدْتَ، اَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، اَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، اَنْتَ الَّذِي اَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا اَبَدًا، ثُمَّ اَنَا يَا اَلِهِي، الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، اَنَا الَّذِي اسَاْتُ، اَنَا الَّذِي اَخْطَاْتُ، اَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، اَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، اَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، اَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ، اَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، اَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، اَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، اَنَا الَّذِي اَخْلَفْتُ، اَنَا الَّذِي نَكَثْتُ، اَنَا الَّذِي اَقْرَرْتُ، اَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢٢

عِنْدِي، وَ اَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَ هُوَ الْعِنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَ الْمُؤَقُّ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ اَلِهِي وَ سَيِّدِي، اَلِهِي اَمْرَتِي فَعَصَيْتُكَ، وَ نَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي (لِي) فَاعْتَدِرْ، وَ لَا ذَا قُوَّةَ فَانْتَصِرْ، فَبَايَ شَيْءٍ اَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، اِبْسِمِعِي اَمْ بَبَصِيرِي اَمْ بِلِسَانِي اَمْ بِيَدِي اَمْ بِرِجْلِي، اَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَ بِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجْبَةُ وَ السَّبِيلُ عَلَيَّ،



يا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونَنِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَ لَوْ أَطْلَعُوا يَا  
 مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَ لَرَفُضُونِي وَ قَطَعُونِي، فَهِيَ أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَاصِرٌ  
 حَقِيرٌ لَا ذُو بَرَأئِهِ فَاعْتَدِرْ، وَ لَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَ لَا حُجَّةَ فَاحْتَجِّ بِهَا، وَ لَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرَحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءَ وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ  
 جَعِدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَ أَنِّي ذَلِيكَ، وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكِّ أَنَّكَ  
 سَائِلِي مِنَ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَ أَنَّكَ الْحَكِيمُ (الْحَكِيمُ) الْعِيدُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَ عَيْدُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ عَيْدِكَ مَهْرَبِي، فَانْ  
 تَعَذَّبْنِي يَا إِلَهِي فَبَدُّنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَ أَنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ  
 الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسِيئِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا  
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِكِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢٣

سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْبِحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ مِنَ  
 الْمُكْبِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَ رَبَّ آبَائِي

الأولين، اللهم هذا ثنائي عليك مُمَجِّدًا، وَ اخلاصي لِتَدِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَ اقرارى بِالْاِيكُ مُعِدِّدًا، وَ اِنْ كُنْتُ مُقِرًّا اَنْى لَمْ اُحْصِهَا  
لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا وَ تَظَاهِرِهَا وَ تَقَادُمِهَا اِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهَ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ اَوَّلِ العُمُرِ مِنَ الاِغْنَاءِ مِنَ  
الفَقْرِ وَ كَشْفِ الضَّرِّ وَ تَسْيِيبِ اليُسْرِ وَ دَفْعِ العُسْرِ وَ تَفْرِيجِ الكَرْبِ وَ العَافِيَةِ فِي البِدَنِ وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ  
ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ العَالَمِينَ مِنَ الاولين وَ الآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَ لَا هُمْ عَلَى ذَلِكِ، تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ،  
لَا تُخْصِي الاِوْكَ وَ لَا يُبَلِّغُ ثَنَاؤُكَ، وَ لَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ائِمِّم عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَ اسْجِدْنَا  
بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ اللّٰهُمَّ اِنْكَ تَجِيبُ المُضْطَّرَّ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ، وَ تُغِيثُ المَكْرُوبَ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ، وَ تُغْنِي الفَقِيرَ،  
وَ تَجْبِرُ الكَسِيرَ، وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ تُعِينُ الكَبِيرَ، وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَ اَنْتَ العَلِيُّ الكَبِيرُ، يَا مُطَلِّقَ المَكْبَلِ  
الاسيرِ، يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الخَائِفِ المُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اعْطِنِي  
فِي هَذِهِ العَشِيَةِ اَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ وَ اَنْلَتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلِيهَا، وَ اَلَاءٍ تُجَدِّدُهَا وَ بَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَةٍ  
تَسْمَعُهَا، وَ حَسْبِنَا تَتَقَبَّلُهَا، وَ سَيِّئَةٍ تَنْغَمِدُهَا، اِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللّٰهُمَّ اِنَّكَ اقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَ اسْرَعُ  
مَنْ اجَابَ، وَ اَكْرَمُ مَنْ عَفِيَ، وَ اَوْسَعُ مَنْ اعْطَى، وَ اسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا

مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مِأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاجَبْتَنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنِي، وَ وَثَقْتُ بِكَ فَجَجَيْتَنِي، وَ فَرَعْتُ  
إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدَ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيَّكَ، وَ عَلَيَّ آلِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ اجْمَعِينَ، وَ تَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَ  
هَنِّئْنَا عَطَائِكَ، وَ اكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَ لَئَلَّيْكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ، وَ قَدَرَ فَقَهَرَ، وَ عُصِيَ  
فَسْتَرَ، وَ اسْتِغْفَرَ فَعَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَ مُنْتَهَى امِيلِ الرَّاجِعِينَ، يَا مَنْ احاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ وَسَّعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَافَهُ وَ  
رَحِمَهُ وَ حَلَمًا، اللَّهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ، الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدِ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ  
امِيَّتِكَ عَلَيَّ وَ خِيَّتِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي انْعَمَيْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ  
مُحَمَّدَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلُ إِذْ لَكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ الْمُتَجَبِّينَ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ اجْمَعِينَ، وَ تَعَمَّدْنَا  
بِعَفْوِكَ عَنَا، فَالْيُكَّ عَجَبِ الْأَصْوَاتِ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ  
نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَ بَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ  
مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْفَانِطِينَ وَ لَا تُخَلِّنا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ  
رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَ لَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَ لَا تُؤَدِّنَا خَائِبِينَ، وَ لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ

وَ اَكْرَمِ الْاَكْرَمِينَ، اَلَيْكَ اَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لَبَيْتَكَ الْحَرَامِ اٰمِينَ قاصِدِينَ، فَاَعِنَا عَلٰى مَنَاسِكَنَا، وَ اَكْمِلْ لَنَا حَجَّنا وَ اعْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا اَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذَلِكَ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢٥

الاعترافِ مَوْسُومَهُ، اَللّٰهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَ اَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذُ  
فِيْنَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عِدْلٌ فِيْنَا قَضَاؤُكَ، اَفْضَلُ لَنَا الْخَيْرِ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ، اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْاَجْرِ  
وَ كَرِيمَ الدُّخْرِ وَ دَوَامَ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اَجْمَعِينَ، وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَافَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ يَا اَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَ تَابَ اِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا  
فَعَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ وَ نَقْنَا وَ سَدَّدْنَا وَ اغْصَمْنَا، وَ اَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا  
يَخْفَى عَلَيْهِ اَغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَ لَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَتَرَ فِي الْمَكُونِ، وَ لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مَضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، الْاَكْلُ ذَلِكَ  
قَدْ اِحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْاَرْضُونَ وَ  
مَنْ فِيهِنَّ، وَ اَنْ مِنْ شَيْءٍ اَلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِكَ، فَلَمَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجِدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْاَنْعَامِ، وَ  
الايادي الْجِسَامِ وَ اَنْتَ الْجِوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ عَافِنِي فِي يَدَيَّ وَ دِينِي، وَ اٰمِنْ  
خَوْفِي وَ اعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اَللّٰهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي،

وَ لَا تَخْدَعْنِي، وَ اذْرَعْ عَنِّي شَرَّ فَسَقِهِ الْجِنَّ وَ الْاِنْسِ.»

پس صورت خود را به سوی آسمان بلند کردند. از دیده های مبارکشان اشک می ریخت و با صدای بلند می فرمود:

«يَا سَمْعَ السَّمْعِينَ، يَا ابْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ يَا اسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَ

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۳۲۶

اسئلك اللهم حاجتي التي ان اعطيتها لم يضرنى ما منعني، و ان منعتها لم ينفعني ما اعطيني، اسئلك فكاك رقتي من النار، لا اله الا انت و حدك لا شريك لك، لك الملك و لك الحمد و انت على كل شيء قدير يا رب يا رب».

مرحوم مجلسی (ره) در زادالمعاد دعا را تا اینجا نقل کرده؛ ولی محدث قمی (ره) پس از «یا رب یا رب» از اقبال سیدبن طاووس این اضافه را نیز نقل کرده است:

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي - إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي - إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ - مَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ - إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ - إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَ مِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكِرْمِكَ - إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي - أَفَتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي - إِلَهِي إِنَّ ظَهَرَ الْمَحَاسِنِ مِنِّي فَبِضْلِكَ وَ لِمَنَّكَ عَلَيَّ - وَ إِنَّ ظَهَرَ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعِدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ - إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَ لِي - وَ كَيْفَ أَضَامُ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَ أَنْتَ الْحَفِيُّ بِي - هِيَ أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ - وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ

أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ - أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَيَّيْ وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ - أَمْ كَيْفَ أُنزِجُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ - أَمْ كَيْفَ تُحَيِّبُ آمِيَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ - أَمْ كَيْفَ لِمَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ - إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي - وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي - إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ - وَمَا أَرْأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ - إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَ تَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ - أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ - فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢٧

لِمَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ - إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرْمُكَ - وَ كُلَّمَا آيَسَنِي أَوْصَافِي أُطْمَعَنِي مِنْكَ - إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لِمَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي - وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لِمَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي - إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَ مَسِيئَتُكَ الْقَاهِرَةُ - لَمْ يَنْزُكَ لِي مَقَالٍ مَقَالًا وَ لَا لِي حَالٍ حَالًا - إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتَهَا وَ حَالَةٍ شَيْدَتْهَا - هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَيْدُكَ بَلْ أَقَانِي مِنْهَا فَضْلُكَ - إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَ إِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا - فَفَسَدَ دَامَتَ مَحَبَّتُهُ وَ عَزَمًا - إِلَهِي كَيْفَ أَعَزَمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ وَ كَيْفَ لِمَا أَعَزَمُ وَ أَنْتَ الْآمِرُ - إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بُعِيدَ الْمَزَارِ - فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِجِدْمِهِ تَوْصِيئِي إِلَيْكَ - كَيْفَ يُشِيدُ عَلِيكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ - أَيْ كُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ - حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ - مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ - وَ مَتَى بُعِدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ - عَمِيَتْ عَيْنُ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا - وَ خَسِرْتُ صَفْقَهُ عَيْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ

مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا- إِلَهِي أَمَرْتِ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ- فَارْجِعِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ- حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا- مَصُونِ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا وَ مَرْفُوعِ الْهَمِّ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا- إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ- وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ- مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَ بِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ- فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ- وَ أَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ- إِلَهِي عَلَّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَ صُنِّي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ- إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَ اسْلِكْ بِي مَسِيلَكَ أَهْلِ الْجِدْبِ- إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنِ تَدْبِيرِي وَ بِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي- وَ أَوْقِفْنِي عَلَى مَرَائِزِ اضْطِرَارِي إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شَرِكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي- بِكَ أَنْتَصِرُ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢٨

فَانصُرْنِي وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي- وَ إِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَ فِي فَضْلِكَ أَرْعَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي- وَ بِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَ بِبَابِكَ أَقِفُ فَلَمَّا تَطَرَّدْنِي- إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ- فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي- إِلَهِي أَنْتَ الْعَنِي بِبَدَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ- فَكَيْفَ لَا تَكُونَ غَنِيًّا عَنِّي- إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَ الْقَدَرَ يُمْنِنِي- وَ إِنَّ الْهَوَى بَوَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي- فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَ تُبَصِّرَنِي- وَ أَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي- أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ- حَيْثِي عَرَفُوكَ وَ وَحَدُوكَ- وَ أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ- حَيْثِي لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ- أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ- وَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ- مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ

وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ - لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُنَحَوْلًا - كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَ أَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ - وَ كَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ مَا يَدُلُّتُ عِمَادَةَ الْإِمْتِنَانِ - يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ - وَ يَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ - أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ - وَ أَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ - وَ أَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ - وَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ - إِلَهِي اطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ - وَ اجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ إِلَيْكَ - إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَ إِنَّ عَصِيَّتَكَ - كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يَزِيلُنِي وَ إِنَّ أَطْعَمَكَ - فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوْلَامَ إِلَيْكَ وَ قَدْ أَوْفَعْنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ - إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَ أَنْتَ أَمَلِي - أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَ عَلَيْكَ مُتَكَلِّي - إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَ فِي الدُّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي - أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَ إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي - إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ - أَقَمْتَنِي أَمْ

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ٣٢٩

كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي - وَ أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ - وَ أَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ - فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ - يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَاتِيهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ - مَحْفَتِ الْأَثَارِ بِالْأَثَارِ - وَ مَحْوَتِ الْأَعْيَارِ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ - يَا مَنْ اخْتَجَبَ فِي سُيَرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ - يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الْإِسْتِوَاءِ - كَيْفَ تَخْفَى وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ - أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَ أَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ - إِنَّكَ



عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ ﴿١﴾

## فصل دوازدهم برخی از دعاهای مختصر و جامع که در هر حال و هر جا خواندن آنها مناسب است؛

### اشاره

مخصوصاً در مشاهد مشرفه و اوقات شریفه که مظان استجاب دعاست:

۱- دعایی که بر حسب نقل مرحوم مجلسی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را در شب پانزدهم شعبان می خواندند.

و از عوالی اللثالی نقل شده که آن حضرت همیشه این دعا را می خواندند:

«اللَّهُمَّ اقسِم لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ، وَ مِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَاهِ رِضْوَانَكَ، وَ مِنْ اليَقِينِ مَا يَهْوُنُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتٍ

(۱)- مفاتيح الجنان، ص ۲۷۱.

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۳۳۰

الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ اَمْتِنَا بِاسْمَاعِنَا وَ ابْصَارِنَا وَ قُوَّتِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا، وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَ اجْعَلْ ثَارَنَا عَلَيَّ مِنْ ظَلَمْنَا، وَ انصُرْنَا عَلَيَّ مِنْ عَادَانَا، وَ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِنَا فِي دِينِنَا وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اكْبَرَ هَمِّنَا وَ لَا مَبْلَغِ عِلْمِنَا وَ لَا تَسْلُطْ عَلَيْنَا مِنْ لَا يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

(۱)

## ۲- دعای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام:

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعِيدِ الْمَعْصِيَةِ بِهِ وَ صِدْقَ النَّيِّهِ وَ عِزْفَانَ الْحُزْمَةِ وَ اَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْاِسْتِيقَامَةَ وَ سَدِّدْ اَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ اَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اَكْفِفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْفَةِ وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسْدُدْ اَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيْحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَعِينِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمُؤَعِّظَةَ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْتَلِمِينَ بِالشَّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيَّ الشُّبَابِ بِالْاِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النَّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَيَّ الْاَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقِنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْغُرَاءِ بِالتَّضَرُّعِ وَ الْعَلِيَّةِ وَ عَلَيَّ الْاَسِيرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الْاَمْرَاءِ بِالْعِدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالْاِنْصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحَبَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الرَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اَفْضِ مَا اَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ

(۱) - زاد المعاد، ص ۷۵، اعمال ایام البيض شعبان؛ مفاتيح الجنان، ص ۱۶۷.

(۲) - مفاتيح الجنان محدث قمی، ص ۱۱۶.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۳۱

### ۳- دعایی که در مصباح کفعمی از حضرت امام صادق علیه السلام به عنوان تعقیب نمازها نقل شده است، ولی خواندن آن در هر حال مناسب است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ انِّي اسألكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ احاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرِّ احاطَ بِهِ عِلْمُكَ. اللَّهُمَّ انِّي اسألكَ عافيتَكَ فِي امُورِي كُلِّهَا، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ، وَاعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لا تُرامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ، وَ مِنْ شَرِّ الأَوْجاعِ كُلِّهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابِهِ انْتِ آخِذٌ بِناصِيَتِها، انَّ رَبِّي عَلَي صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ.

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ، وَ الْحَمِيدِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي المُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَبْرُهُ تَكْبِيراً.» (۱)

### ۴- دعایی که شیخ طوسی (ره) در مصباح المتهجد نقل کرده و فرموده:

مستحب است در شب جمعه و روز جمعه و شب عرفه و روز عرفه خوانده شود:

اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبَأَ وَ تَهَيَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفاَدِهِ اِلى مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَ طَلَبَ نائِلِهِ وَ جائِزَتِهِ فإِليكَ يا رَبِّ تَعَبَيْتِي وَ اسْتَعَدَّادِي رَجاءَ عَفْوِكَ وَ طَلَبَ نائِلِكَ وَ جائِزَتِكَ فإِذا تُخَيَّبْتُ دُعائِي يا مَنْ لا يَخيبُ عَلَيْهِ سائِلُ [السائِلُ] وَ لا يَنْقُصُهُ نائِلُ فإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صالِحٍ عَمِلْتُهُ وَ لا لِوِفاَدِهِ مَخْلُوقٍ رَجوْتُهُ اَتَيْتَكَ مُقِرّاً عَلَي نَفْسِي بِالِإِساءَةِ وَ الظُّلْمِ مُعْتَرِفاً بِأَنَّ

(۱) - مصباح کفعمی، فصل ۵، ص ۱۹.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۳۲

لما حُجَّه لِي وَ لَمّا عُدِّرَ اَتَيْتَكَ اَرْجُو عَظِيمِ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ [عَلَوْتَ] بِهِ [عَلَى] عَنِ الخاطِئِينَ [الخطائين] فَلَمَّ يَمْنَعُكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَي عَظِيمِ الجُزْمِ اَنْ عُدَّتْ عَلَيْهِمُ بِالرَّحْمَةِ فإِيا مَنْ رَحْمَتُهُ واسِعَةٌ وَ عَفْوُهُ عَظِيمٌ يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ لا يَرُدُّ غَضَبَكَ اِلاَّ

حِلْمِكَ وَ لَا يُنَجِّي مِنْ سَيِّئِ خَطِيئِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ وَ لَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَشِيءَ تَجِيبَ لِي وَ تُعَرِّفَنِي الْبِجَابَةَ فِي دُعَائِي وَ أَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي وَ لَا تُشِمْتُ بِي عَدُوِّي وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنِّي عُنُقِي اللَّهُمَّ [إِلَهِي] إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَ لَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ وَ إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ وَ إِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَ قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِزَّنِي وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي وَ أَسْتَرْزُقُكَ فَارْزُقْنِي وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي وَ أَسْتَنْصِرُكَ عَلَى عَدُوِّي [عَدُوِّكَ] فَانصُرْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِنِّي وَ أَسْتَغْفِرُكَ يَا إِلَهِي فَاغْفِرْ لِي آمِينَ آمِينَ آمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ،

وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ «۱».

«۱۵ رمضان المبارك ۱۴۱۲ - ۳۰ / ۱۲ / ۱۳۷۰»

(۱) - مصباح المتهجد، ص ۲۳۷.

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۳۳۴

**جدیدترین استفتائات حج و عمره**

**اشاره**

احكام و مناسك حج (منتظري)، ص: ۳۳۵

**نیت حج و عمره**

**«سؤال ۱» پدر اینجانب چند سال پیش از دنیا رفت.**

هنگام مرگ وصیت کرد که برایش حج انجام دهم. وی در زمان وصیت مستطیع نبوده، مگر اینکه تنها زمین زراعی را - که تأمین معیشت او به آن بستگی داشت - به فروش می رسانید. من به عنوان فرزند ارشد او وصیتش را پذیرفتم. اکنون که عازم حج به نیابت از ایشان هستم نمی دانم که حج را به چه نیتی انجام بدهم؟

جواب: به قصد قربت مطلقه حج را به نیابت آن مرحوم انجام دهید.

**«سؤال ۲» آیا در حج و عمره مستحبی می شود چنین نیت کرد:»**

به نیابت از همه ملتسمین دعا؟

جواب: اشکال ندارد.

### «سؤال ۳» کسی که قبلاً حج تمتع انجام داده است

و حالا مجدداً می خواهد مشرف شود آیا می تواند چنین نیت کند که: اگر حج قبلی از حجها لاسلام کفایت نکرده است این حج امسال اصلاًه برای خودش باشد و اگر حجها لاسلام انجام شده این حج نیابتاً از طرف پدر مرحومش باشد؟ آیا در نماز و روزه قضا هم می توان همین نیت را کرد؟

جواب: عمل واحد را به نحو تردید نیت کردن که اگر چنان است مال فلان و اگر چنان نیست مال فلان اشکال دارد؛ ولی می توانید به نیابت فلان فرد احتیاطاً بجا آورید که اگر فلانی بدهکار نیست ثوابش متعلق به عامل یا بانی باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۳۶

### استطاعت

### «سؤال ۴» کسانی که می توانند آزاد به حج بروند،

آیا واجب است به طور آزاد به حج بروند یا اینکه می توانند به طور دولتی و با نوبت چند سال بعد مشرف شوند؟

جواب: در صورت استطاعت اگر می توانند واجب است فوراً به حج بروند.

### «سؤال ۵» شخصی اسمش پس از چند سال برای حج در آمده ولی فعلاً فقیر است،

چه کند؟ و چنانچه تذر کرده و فقیر شده باشد وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر حج قبلاً در ذمیه او مستقر نشده و فعلاً هم متمکن نیست می تواند فیش آن را بفروشد؛ ولی در صورت تذر بنا بر احتیاط واجب فیش حج را بفروشد و خودش مشرف شود.

### «سؤال ۶» آیا اصولاً فروختن فیش حج واجب

که با قرعه به دست آورده جایز است؟ خریدن آن چگونه؟

جواب: در فرض سؤال اگر راه دیگری برای تشرّف به حج ندارد فروختن آن جایز نیست؛ ولی خریدار اگر نداند بر فروشنده حج واجب است یا نه، برای او اشکال ندارد.

### «سؤال ۷» شخصی چهار پسر دارد و برای همه آنها زن گرفته است

و خرج سالیانه خود را نیز دارد و قرض نداشته و درآمدش هم با پسرانش یکجاست و الآن این پدر و فرزندان خرج دو نفر را که به مکه بروند دارا هستند، آیا حج واجب است یا نه؟ و اگر واجب است آیا بر پدر واجب است یا پسر؟

جواب: اگر در مال شریک هستند، هر کدام که با فرض تقسیم مال مستطیع باشد حج بر او واجب است؛ و اگر هیچ کدام مستطیع

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۳۷

نباشند بر هیچ یک واجب نیست.

### «سؤال ۸» پدری که بعد از ثبت نام برای حج فوت کرده

و اکنون دارای چند پسر است و اجازه حج تنها به یکی از پسران داده می شود، آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می شود؟

جواب: در مرحله اول حج پدر را اگر مستطیع بوده باید تأمین کرد؛ و در مرحله بعد برای هر کدام - هر چند با قرعه یا خریدن سهم دیگری - ممکن باشد، استطاعت حاصل می شود.

### «سؤال ۹» شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده

اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده و بعد از نظر مالی محتاج شده و نیاز به پول سپرده در بانک پیدا کرده است، آیا می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت کند آیا فرق دارد یا نه؟

جواب: اگر قبل از تمکن از تشرّف به حج، از استطاعت خارج شده باشد حج بر او واجب نیست؛ و اگر مشرف شود کفایت از حجهالاسلام نمی کند.

### «سؤال ۱۰» شخصی که دارایی او قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان

- از اصل ملک و خانه ای که ارث به او رسیده - به اضافه یک باب منزل مسکونی بوده و اکنون از دنیا رفته است و دارای همسر و دو فرزند صغیر می باشد و معاش آنان از همین املاک مذکور تأمین می شود، آیا شخص متوفی مستطیع بوده است یا خیر؟ و در صورت وجوب حج آیا حج بلدی گرفته شود یا اینکه میقاتی کفایت می کند؟

و آیا می شود مخارج حج از کل ترکه پرداخت شود؟

جواب: دارا بودن مبلغ مذکور ملاک نیست و شرایط استطاعت در مناسک «۱» مذکور است. و اگر استطاعت متوفی مشکوک باشد و

---

(۱) - احکام و مناسک حج، باب اول، فصل دوم.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۳۸

وصیت به استیجار حج هم نکرده باشد استیجار واجب نیست؛ و اگر استطاعت محرز باشد حج میقاتی کفایت می کند و اجرت آن از اصل ترکه اخراج می شود.

#### «سؤال ۱۱» اگر کسی در میقات مستطیع شود

و حجهالاسلام بجا آورد کفایت می کند یا نه؟ و آیا در فرض مسأله رجوع به کفایت شرط می باشد؟

جواب: بلی مجزی است؛ و رجوع به کفایت به معنایی که در مسأله «۵۰» مناسک ذکر شده است شرط استطاعت می باشد.

#### «سؤال ۱۲» در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستد

بدون اینکه ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است؟ و آیا قبول آن واجب می باشد؟

جواب: حکم حج بذلی را دارد و اگر مانعی در بین نباشد قبول آن واجب می باشد.

#### «سؤال ۱۳» اگر کسی که خودش مستطیع است از دیگری نایب شود

یا نیت حج استحبابی نماید، حج او صحیح است یا باطل؟

جواب: صحیح بودن حج او محل اشکال است.

#### «سؤال ۱۴» شخصی واجد شرایط حج می باشد ولی نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد

و اگر زن نگیرد به حرام می افتد، در این صورت کدام مقدم است؟

جواب: اگر ترک اقدام به ازدواج نوه اش بر خلاف شأن او باشد، اقدام به ازدواج مقدم است؛ و در غیر این صورت حج مقدم می باشد.

#### «سؤال ۱۵» آیا کسی که از منافع خمس و زکات گرفته

مستطیع

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۳۹

می شود؟ و آیا خمس و زکات جزو ترکه میّت است یا نه؟

جواب: مستطیع می شود و جزو ترکه او محسوب است.

### «سؤال ۱۶» شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است

به نیابت از او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است، آیا به نیابت پدر حج بجا آورد یا حج خود را انجام دهد؟

جواب: اگر پدر وصیت کرده باشد که فرزندش حج نیابتی را انجام دهد و فرزند با قطع نظر از فیش حج پدرش متمکن از رفتن نباشد، باید حج نیابتی را انجام دهد و هر وقت متمکن شود برای خودش انجام دهد؛ و اگر خصوص او را برای حج نیابتی تعیین نکرده باشد باید برای پدرش نایب بگیرد و با فیش حج پدرش در صورت امکان برای خودش حج بجا آورد.

### «سؤال ۱۷» شخصی بجز برای قربانی استطاعت حج را داراست،

آیا حج بر او واجب است؟

جواب: واجب نیست.

### «سؤال ۱۸» فردی از جانب شخص متوفی که مستطیع بوده ثبت نام می کند

تا به حج برود و سپس خودش مستطیع می شود؛ آیا می تواند خودش با فیش حج میّت به مکه برود و برای حج میّت نایب بگیرد؟ در ضمن هزینه ثبت نام از اصل مال میّت بوده است.

جواب: مجزّد استطاعت مالی برای وجوب حج کافی نیست.

در صورتی که میّت وصیت کرده که آن شخص خاص برای او حج بجا آورد اگر آن شخص از راه دیگری هر چند خرید فیش یا از راه دیگر (مثلاً از کشور کویت) می تواند به حج برود مستطیع است و باید امسال برای خود و سال بعد برای میّت حج بجا آورد؛ و اگر نمی تواند از راه دیگری به حج برود مستطیع نیست. و می تواند با فیش میّت به حج برود و اگر میّت وصیت نکرده که خصوص آن شخص برای او حج بجا آورد آن شخص می تواند با اجازه وصی

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۰

میّت و ورثه او با فیش میّت برای خود به حج برود و دیگری را از بلد برای میّت به حج بفرستد.

### «سؤال ۱۹» خانمی هستم که خود و شوهرم هر دو شاغل می باشیم،

تمام درآمد ما خرج زندگی و امرار معاش می شود و پس انداز جدایی نیز نداریم. ما وسیله نقلیه خود را به قصد تبدیل به

وسيله ای بهتر فروخته ایم و پول آن را به صورت قرض الحسنه در بانک خصوصی گذاشته ایم اما آن بانک ورشکست شده و فعلاً وضعیت پول ما معلوم نیست، اما با فوت پدرم سهم الارثی به من رسیده که مبلغ آن کفاف حج را می دهد. و آیا می توانم این سهم الارث را به شوهرم داده تا با آن وسیله نقلیه خریداری کند یا باید حتماً آن را صرف حج نمایم؟ آیا اذن شوهرم لازم است؟

جواب: اگر در



زندگی جمعی با شوهر و خانواده نیاز به وسیله سواری دارید و با خرید وسیله سواری، دیگر قدرت تأمین مخارج حج را ندارید مستطیع نیستید، و در صورت استطاعت زن اجازه شوهر لازم نیست.

### «سؤال ۲۰» افرادی که از قبل مستطیع بوده اند ولی تاکنون به حج نرفته اند و اکنون جهت انجام اعمال حج به تنهایی قادر به انجام

فرائض طواف، سعی، رمی جمرات و وقوف اختیاری نیستند و در همه موارد باید آنان را بر روی چرخ توسط شخص دیگری حرکت داد، تکلیف آنان جهت انجام حج چیست؟

جواب: در فرض مذکور باید به هر نحوی که ممکن است به حج برود، هر چند به کمک گرفتن از دیگری؛ مگر اینکه سختی غیر قابل تحمل داشته باشد که باید برای حج نایب بگیرد.

### «سؤال ۲۱» نظر به اینکه می گویند زن وقتی که به نکاح شوهرش در آمد

و مهریه به نام او شد واجب الحج می شود، آیا زن

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۱

باید مهریه خود را فروخته و به سفر حج برود؟ اگر شوهر توانایی پرداخت مهریه را نداشته باشد چه حکمی دارد؟

جواب: استطاعت و واجب الحج شدن به این است که انسان به جهت مشرف شدن به حج دچار هیچ مشکلی در زندگی نشود.

بنابراین با مجرد داشتن و یا طلبکار بودن مهریه از شوهر ممکن است استطاعت حاصل نشود؛ چون ممکن است خود مطالبه مهریه از شوهر زندگی زناشویی را دچار مشکل کند و یا وضعیت زن طوری باشد که مهریه پشتوانه زندگی اوست و باید آن را داشته باشد.

### «سؤال ۲۲» اگر زنی نفقه خور کسی نباشد

و از راه کشاورزی و کشت روی زمین تأمین معاش می کند، در صورتی که این زمین را بفروش برساند آیا مستطیع می شود؟

جواب: اگر راه نفقه او تنها درآمد زمین است و اگر آن را برای حج بفروشد زندگی او فلج می شود، در این صورت فروش آن و صرف در حج واجب نیست؛ مگر اینکه زمین زیادتر از نیاز او باشد.

### «سؤال ۲۳» برخی از خانمها از دارایی خود مقداری به فرزندان خود هبه می کنند،

آیا وجوب حج به ذمه آنان باقی است؟

و آیا هبه مذکور صحیح است؟

جواب: مقدار حج را حق ندارد ببخشد؛ و اگر ببخشد حج بر عهده او باقی است.

**«سؤال ۲۴» اینجانب مادری هستم که دارای فرزندی می باشم که از لحاظ عقلی نقصان ولی هوش خوبی دارد.**

شخصی او را برای کارگری ساده سر کار می برد. ماهیانه ۲۰ تا ۲۵ روز کار می کند. روزی ۲ هزار تومان پولهای او را سرمایه گذاری در شرکت نور کرده و

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۲

دو میلیون و پانصد هزار تومان خمس آن را کاملاً پرداخت کرده ام.

مخارج زندگی او را خودم می پردازم. او پنج کلاس را در مدت نه سال خوانده، نماز می خواند، روزه می گیرد، مسجد می رود، خرید می کند و پول را می شناسد، ولی باقیمانده پول خرید را نمی داند چقدر پس بگیرد. آیا بر چنین شخصی حج واجب است و اگر واجب نباشد می تواند به حج برود یا خیر؟

جواب: با فرض سؤال اگر می تواند اعمال حج را با توجه انجام دهد حج او صحیح است؛ اگر مستطیع است باید به حج برود و اگر نیاز به همراه دارد استطاعت او مشروط است به اینکه بتواند کسی را همراه ببرد.

**«سؤال ۲۵» خانمی مقداری پول به ایشان به ارث رسیده است که اگر آن را مصرف نکند استطاعت مالی برای سفر حج پیدا می کند؛**

آیا واجب است آنها را مصرف نکند تا به حج برود یا می تواند از آن پول در خرید زیورآلات و یا سفر عتبات عالیات به مصرف برساند؟

جواب: در فرض سؤال اگر داشتن زیورآلات در حد شأنش لازم باشد مستطیع نیست.

**«سؤال ۲۶» خانمی در سال جاری دارای استطاعت مالی شده اما فرزند شیرخواری دارد**

که همراه بردن او به سفر حج غیرممکن است؛ قبلاً فرموده بودید که در صورت ضرر به رضیعه حج بر ایشان واجب نیست. آیا مراد از عدم وجوب، عدم وجوب فعلی است؟

یعنی امسال می تواند به حج نرود ولی چون حج بر او مستقر شده اگر می تواند سال بعد باید به حج برود؟

جواب: اگر بتواند فرزند را به کسی بسپارد تا حفظش کند باید به حج برود؛ و اگر ممکن نباشد در سالهای بعد باید برود؛ و اگر اصلاً نتواند شخصاً به حج مشرف شود باید نایب بگیرد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۳

**«سؤال ۲۷» پدری که دیه قتل فرزندش را گرفته،**

آیا مستطیع می شود و باید حج واجب انجام دهد؟

جواب: از هر راهی که انسان مال حلال به دست می آورد اگر مستطیع شود باید حج واجب انجام دهد.

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

احکام و مناسک حج (منتظری)؛ ص: ۳۴۳

## نیابت

### «سؤال ۲۸» شخصی هنگام ثبت نام حج، دیگری را برای حج نایب قرار می دهد

و بعد مثلاً در سال ۷۰ نوبت حج نیابتی می رسد و اتفاقاً نایب در همان سال خودش مستطیع می باشد؛ اولاً: نایب کدام یک را باید انجام دهد، حج استطاعتی یا نیابتی را؟ ثانیاً: بر فرض اگر حج استطاعتی را انجام داد چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال بعید نیست که حصول استطاعت کاشف از بطلان اجاره باشد و حجتی که برای خودش انجام داده صحیح و کافی از حجهالاسلام باشد؛ و اگر از مستأجر پولی گرفته باشد باید به او برگرداند و یا با توافق طرفین اجاره را تجدید نمایند. بلی اگر وقت حج نیابتی موعن باشد و متعین نبوده که در همان سال انجام دهد باید حج نیابتی را در سالهای بعد، قبل از پایان وقت تعیین شده انجام دهد.

### «سؤال ۲۹» افرادی که قرائت نمازشان درست نیست

و یا به علت عذری نمی توانند وقوف اختیاری مشعر را درک کنند اگر بدون دریافت وجه به نیابت دیگری مُحرم شوند، آیا عملشان برای منوب عنه مجزی است یا نه؟

جواب: محل اشکال است.

### «سؤال ۳۰» کسانی که قرائت آنان صحیح نیست آیا می توانند در حج و عمره واجب یا مستحب نیابت کنند یا نه؟

آیا اصل احرام

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۴

آنان صحیح نیست یا اینکه مُحرم شده اند و از احرام خارج نمی شوند؟

جواب: اگر نتوانند صحیح آن را یاد بگیرند اجیر شدن آنها در حج واجب صحیح نیست؛ و اگر اجیر شوند احرام آنها باطل می باشد. ولی نیابت تبرّعی در حج مستحب حکم حج خودشان را دارد که احرام آنها صحیح است؛ ولی نماز طوافها را باید خودشان بخوانند و بنابر احتیاط نایب هم بگیرند.

### «سؤال ۳۱» شخصی واجد شرایط نیابت نبوده و در میقات نیابتاً محرم شده ولی بعد از ورود به مکه

با سعی و تلاش فراوان خود را واجد شرایط نموده، آیا نیابت به نحو مذکور صحیح و مجزی است یا نه؟ مثلاً قرائت او صحیح نبوده و پس از ورود به مکه در ظرف چند روز قرائت خود را تصحیح کرده است.

جواب: با فرض اینکه هر یک از اعمال را قبل از عمل به آن یاد گرفته و تمام اعمال را صحیح انجام داده حج نیابتی او صحیح است.

### «سؤال ۳۲» اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله شود

باید عمره دوم را به قصد رجاء بجا آورد؛ حال چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر؟ و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می کند یا خیر؟

جواب: اگر هر دو برای خودش نباشد فاصله معتبر نیست.

### «سؤال ۳۳» کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده نیاز به نایب پیدا کرده است،

آیا نایب باید در حالی که محرم است نیابت کند یا خیر؟ و آیا باید با احرام طواف را بجا آورد یا نه؟

جواب: ظاهراً احرام شرط نیست و در لباس مخیط نیز جایز است.

### «سؤال ۳۴» افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست

و کلمات

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۵

نماز را نمی توانند درست بگویند در حج نایب می شوند و اعمال را برای منوب عنه انجام می دهند، بعد متوجه می شوند که نمی توانسته اند نایب شوند؛ این افراد چگونه از احرام خارج می شوند و برای حج چه وظیفه ای دارند؟

جواب: در فرض سؤال نیابت او باطل است و باید برای منوب عنه کسی را که می تواند حج صحیح انجام دهد استیجار نمایند؛ و خود او بنا بر احتیاط برای نماز طواف نایب هم بگیرد و سپس طواف نساء و نماز آن را انجام دهد و بعد از آن برای نماز آن نایب نیز بگیرد تا از احرام خارج شود.

### «سؤال ۳۵» آیا شخص زنده در موردی که می تواند نایب بگیرد

باید از بلد نایب بگیرد یا از میقات؟ و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می کند یا خیر؟

جواب: ظاهراً حج میقاتی کفایت می کند. و دیگری اگر در نایب گرفتن وکالت داشته باشد کفایت می کند؛ ولی نایب

گرفتن فضولی کافی نیست.

### «سؤال ۳۶» آیا عمره مفرده یا طواف مستحبی را می توان به نیابت چند نفر انجام داد؟

در اعمال آن از جمله طواف نساء نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟

جواب: مانعی ندارد و طواف نساء را هم باید به نیابت همه انجام دهد؛ ولی اگر به طور اجمال به نیت طواف نساء همان عمره ای که انجام داده بجا آورد کافی است.

### «سؤال ۳۷» کسی را که روز عید قربان قبل از حلق دستگیر کرده اند

و به ایران فرستاده اند، آیا رفقای او می توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر؟ و چگونه از احرام خارج می شود؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۶

جواب: اگر خودش نمی تواند برگردد در هر جایی که هست حلق کند و بنا بر احتیاط در صورت امکان موی حلق شده را به منی بفرستد و برای بقیه اعمال نایب بگیرد؛ و اگر رمی و قربانی را انجام نداده باشد بعد از آنکه نایب آنها را انجام داد حلق کند.

### «سؤال ۳۸» افرادی که هر سال به حج می روند

- از قبیل خدمه کاروانها- و در محل خود از کسی نیابت قبول می کنند ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و محرم می شوند و بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان حساب می شود؟

جواب: صحت حج مذکور مشکل است.

### «سؤال ۳۹» اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده از بعضی اعمال معذور باشد،

آیا می تواند در این اعمال نایب بگیرد؟

و آیا می تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را بجا آورد؟ و اگر اجازه از منوب عنه لازم است چنانچه بدون اجازه نیابت را به دیگری واگذار کند و او عمل را انجام دهد، حج از طرف منوب عنه واقع می شود یا نه؟

جواب: حق ندارد؛ و اگر بدون اجازه مستأجر نایب بگیرد و نایب تمام اعمال عمره و حج را به نیابت منوب عنه اجیر اول انجام دهد، وقوع آن برای منوب عنه اگر زنده باشد خالی از اشکال نیست؛ زیرا عمل باید منتسب به او باشد؛ و اجیر اول اجرت را ضامن است.

«سؤال ۴۰» بعضی خدمه کاروانها که به نیابت به حج آمده اند ناچارند نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم به منی بروند؛

آیا اجیر شدن و نیابت این گونه افراد صحیح می باشد؟ اگر قبل از استخدام اجیر شده باشند چگونه؟

جواب: مجزی نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۷

«سؤال ۴۱» نایبی در احرام عمره تمتع بعد از اینکه وارد مکه شد شک می کند

که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت محرم شود یا اصلاً حج برای خودش حساب می شود و دیگر نمی تواند نایب باشد؟

جواب: اگر به عنوان نیابت رفته بوده و ارتکاز ذهنی او نیابت بوده به شک خود اعتنا نکند. ولی اگر به طور کلی غافل بوده باید به میقات برگردد.

«سؤال ۴۲» کسی که برای خودش سالها پیش حج بجا آورده

ولی بدون توقف در مشعر به منی رفته و در خارج منی سر تراشیده و به دست غیر شیعه قربانی کرده است، آیا می تواند برای دیگری نایب شود یا نه؟

جواب: نمی تواند، و بنا بر احتیاط واجب باید برای خودش حج را بجا آورد.

«سؤال ۴۳» شخص مستطعی پیش از آنکه اسمش در آید فوت کرده

ولی پسرش را نایب خود نموده بوده و پسر با اینکه خود مستطیع بوده در اسم نویسی مسامحه کرده است؛ اکنون پسر به مدینه آمده و می خواهد از طرف پدر محرم شود، تکلیف او چیست؟

جواب: در فرض سؤال برای پدرش نایب بگیرد و خودش حج خود را انجام دهد.

«سؤال ۴۴» شخص اجیر حج بلدی از قم شده

و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن به همین قصد پس از چند روزی غافل شده و برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آن به تهران رفته که عازم مکه شود؛ آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم؟ و بر فرض خروج از ایران چه حکمی دارد؟

جواب: اگر رفتن از قم به تهران هر چند به نحو ارتکاز برای

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۸

این بوده که به تهران برود و از آنجا جهت انجام حج نیابتی حرکت کند کافی است.

**«سؤال ۴۵» نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه می رود و به عنوان نیابت حج حرکت می کند**

و به وطن خودش یا محل دیگری می رود و در ماه ذی الحجّه که عازم می شود دیگر به بلد منوب عنه نمی رود؛ در این صورت آیا کفایت می کند یا نه؟

جواب: اگر به قصد نیابت از بلد منوب عنه حرکت کند کفایت می کند.

**«سؤال ۴۶» آیا شرط ایمان نایب که در نیابت در ذبح شرط است**

در سایر اعمالی که نیابت در آنها جایز است - مثل رمی و طواف - نیز شرط می باشد؟

جواب: اشتراط ایمان در ذابح مبنی بر احتیاط و جوبی است؛ ولی در بقیه اعمال بنا بر اقوی می باشد.

**«سؤال ۴۷» شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و چون پدر نمی تواند خودش حج را بجا آورد،**

پسر بدون اطلاع پدر برای او نایب گرفته و خودش نیز برای حج خود مشرف شده است؛ آیا حج اجیر و نایب بدون اطلاع پدر مجزی است؟ هرگاه پسر در مدینه تصمیم بگیرد از مال خودش هزینه حج پدر را پردازد آیا رفع اشکال می شود؟

جواب: مجزی نیست. و تصمیم مذکور رفع اشکال نمی کند؛ و آنچه رفع اشکال می کند آن است که به هر وسیله قبل از احرام، نایب از منوب عنه وکالت بگیرد.

**«سؤال ۴۸» شخصی پس از آنکه به مدینه مشرف شده جنون پیدا کرده است؛**

با توجه به اینکه سابقاً حج بر او مستقر شده است آیا می شود برای او نایب گرفت یا خیر؟ و اگر نشود تبرّع حج از او چه صورت دارد؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۴۹

جواب: استیجار با مال او جایز نیست و کفایت حج تبرّعی نیز مشکل است؛ بلکه اگر تا آخر عمرش افاقه حاصل نکند باید بعد از فوتش از ترکه او استیجار شود.

**«سؤال ۴۹» شخصی که به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شده**

و به مکه آمده در مکه می فهمد که خودش مستطیع بوده، آیا باید اعمال عمره را به قصد خود بجا آورد یا به قصد نیابت؟ و اگر باید به قصد خودش بجا آورد، نسبت به حج نیابتی چه وظیفه ای دارد و آیا می تواند برای آن نایب بگیرد؟

جواب: نیابت مستطیع صحیح نیست و در فرض سؤال باید به میقات برگردد و برای خودش محرم شود؛ و اگر نتواند به میقات

برگردد باید از خارج حرم محرم شود و عمره و سپس حج خود را انجام دهد و پولی که برای نیابت گرفته است برگرداند.

### «سؤال ۵۰» هر گاه کسی به طوری مریض شود که پس از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد،

آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی محرم شده و عمره را انجام داده است می تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

جواب: باید طبق احکام محصور «۱» عمل کند؛ و مورد سؤال از موارد استنباه نیست.

### «سؤال ۵۱» کسی که یک بار به عنوان خدمه حج بجا آورده

و بار دیگر نیز به همین عنوان عازم حج است، آیا می تواند به نیابت از پدر یا مادر که فوت کرده اند حج نماید؟ و آیا حج از ذمه آنها ساقط می شود؟

جواب: اگر قادر بر انجام اعمال اختیاری باشد مانعی ندارد و از منوب عنه کفایت می کند.

---

(۱) - احکام محصور در مناسک حج، مسأله «۷۰۲» به بعد بیان شده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۰

### «سؤال ۵۲» کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منی بروند،

آیا همه آنان از ذوی الأعداء می باشند که نیابت آنان هر چند به صورت تبرّعی مورد اشکال است یا آنکه نسبت به بعضی استثناء شده است؟

جواب: نیابت زنها در فرض سؤال مانعی ندارد.

### «سؤال ۵۳» کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده

و بعد ناچار شده است که به ایران باز گردد، آیا می تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

جواب: نمی تواند.

### «سؤال ۵۴» شخصی برای حج از مّیتی نیابت کرده

و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک هیچ عذری نداشته است ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شده که در وقوف مشعرالحرام با زنها و مریضها به عنوان راهنما وقوف اضطراری کرده و به منی رفته است و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند؛ وظیفه چنین شخصی چیست؟



جواب: کفایت حج در فرض سؤال از منوب عنه مشکل است.

بنابراین اگر اجاره اختصاص به همان سال داشته بنابر احتیاط واجب نایب پولی را که گرفته برگرداند تا برای میت مجدداً نایب بگیرند؛ و اگر وقت اجاره باقی باشد نایب حج را اعاده کند.

#### «سؤال ۵۵» نایبی که در وقت نایب شدن از معذورین نبوده

و بعداً قبل از احرام یا بعد از آن جزو معذورین شده و به وظایف خود عمل کرده است، آیا نیابت او صحیح است؟  
جواب: مشکل است.

#### «سؤال ۵۶» اگر هنگام نیابت، نایب و منوب عنه بدانند که نایب جزو معذورین است

و با این حال نایب شود، آیا اجرت نیابت برای

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۱

نایب حلال است؟ و آیا حج نیابتی او صحیح است و از حجهالاسلام یا غیر آن کفایت می کند؟

جواب: در فرض سؤال اگر حج بر منوب عنه واجب نباشد اشکال ندارد؛ ولی اگر واجب باشد اشکال دارد.

#### «سؤال ۵۷» کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده و محرم شده است،

حکم نیابت و احرام او به چه صورت است؟

جواب: نیابت او مشکل است؛ و احتیاط در این است که با بجا آوردن عمره مفرده از احرام خارج شود و پولی را که برای نیابت گرفته برگرداند.

#### «سؤال ۵۸» پدری وصیت می کند که پسر بزرگتر به نیابت از او حج بجا آورد

و از طرفی پسر بزرگتر به وسیله ارث پدر مستطیع شده است اما تاکنون نتوانسته است سهم خودش را به پول مبدل نماید؛ آیا در این حال می تواند به جای پدر حج بجا آورد یا خیر؟

جواب: اگر بتواند به هر شکلی حج خود را انجام دهد باید حج خود را بجا آورد؛ و اگر نتواند حج نیابتی مانعی ندارد.

#### «سؤال ۵۹» آیا جایز است در طواف عمره تمتع یا طواف حج،

نایب طواف را در غیر موسم حج بجا آورد؟

جواب: محل اشکال است.

### «سؤال ۶۰» وظیفه کسی که قدرت بر شنوایی و تکلم صحیح نداشته

و زبان او لکنت دارد چیست؟ آیا دیگری می تواند تلبیه را برایش بگوید یا خودش باید با اشاره بگوید، و یا دیگری باید حج نیابتی از طرف او انجام دهد؟

جواب: به هر نحوی که می تواند خودش بگوید؛ و بهتر است که علاوه بر خودش دیگری را نیز نایب بگیرد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۲

### «سؤال ۶۱» نایبی در حج تمتع، عمره تمتع را به نیابت از منوب عنه انجام داده

و از احرام عمره خارج شده است. در این حال منوب عنه به او خبر می دهد که من از استنابۀ حج منصرف شدم و به هر جهت تمکن ادای اجرت حج را ندارم و لذا خود را به زحمت نینداز؛ تکلیف نایب چیست؟

جواب: در فرض مذکور، نایب باید حج تمتع را به پایان برساند و استنابه حتی اگر به نحو جعاله و درخواست عمل در قبال اجرت باشد، لازم و غیر قابل فسخ است و نایب باید عمل را تمام نماید و موجر و جاعل نیز اجرت را بدهکار است.

### «سؤال ۶۲» اگر پدر وصیت کند که فرزند ارشد برای او حج تمتع بجا آورد

و دارایی وی هم به اندازه هزینه سفر است اما پسر ارشد هزینه بعد از سفر را ندارد، آیا حج بر فرزند ارشد واجب می شود؟

جواب: در فرض سؤال باید برای پدر حج انجام شود و مخارج آن از اصل ترکه برداشته شود؛ چه برای ورثه چیزی باقی بماند یا نماند. و اگر پسر بزرگتر خود مستطیع باشد اول باید برای خودش به حج برود و برای حج پدر، دیگری را نایب بگیرد.

### «سؤال ۶۳» نایبی به حج رفته و پس از محرم شدن و یا بعد از ورود به حرم در اثر تصادف و امثال آن به جراحت یا اغماء مبتلا شده است،

وی را به مکه منتقل کرده و تا بعد از اعمال حاجیان در آنجا بستری است، حکم نیابتش چگونه است؟ آیا این فرد مجروح می تواند نایبی بگیرد تا طواف و سعی و نماز او را انجام دهد و سپس خود احرام حج ببندد و مانند ذوی الاعذار عمل کند. و اگر با حالت اغماء به ایران برگردد (بدون اینکه حج را تکمیل کند) و قبل از

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۳

رسیدن به وطن فوت کند آیا نیابتش صحیح است و آیا اجرت را طلبکار است؟

جواب: نایب اگر بعد از احرام و ورود به حرم در حرم بمیرد نیابتش صحیح است؛ در غیر این صورت محل اشکال است و

نسبت به اجرت مصالحه کنند.

### «سؤال ۶۴» آیا یک نفر می تواند از جانب دو نفر عمره مفرده بجا آورد؟

جواب: در حج مستحبی و عمره مستحبی نیابت یک نفر از چند نفر مانعی ندارد؛ ولی بهتر است به عنوان اهداء ثواب باشد، بدین معنا که حج یا عمره را مباشرةً بجا آورد و ثواب آن را به چند نفر هدیه کند.

### «سؤال ۶۵» اگر نایب طواف نساء را بجا نیاورد

آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه اش نیز حتی پس از مرگ مشغول است که باید قضای طواف برایش به جا آورده شود؟

جواب: ظاهراً ذمه منوب عنه و نایب هر دو مشغول است و باید نایب، حتی عملی را که بر عهده او بوده است به نیابت از منوب عنه انجام دهد.

### «سؤال ۶۶» شخصی به تصور این که عمره مفرده طواف نساء ندارد هر شب به نیابت از اموات و یا سفارش کنندگان از تعمیم محرم می شده

و بدون انجام طواف نساء از احرام خارج می شده است، وی در آخرین عمره متوجه اشتباه خود می شود و آن عمره را با طواف نساء به پایان می رساند، آیا اعمال او صحیح است؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب باید برای هر عمره مفرده یک طواف نساء جداگانه انجام دهد؛ و تا تمام طوافهای نساء را انجام نداده است مرد از زن و زن از مرد اجتناب کنند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۴

### «سؤال ۶۷» در ایام حج زنان و افرادی که وظیفه آنان وقوف اضطراری است

آیا برای رمی روز یازدهم و دوازدهم می توانند نایب بگیرند؟ و در صورت صحت آیا حضور منوب عنه در محل رمی جمرات ضرورتی دارد؟

جواب: زنها و افرادی که وقوف اضطراری داشته اند اگر شبانه از مشعر کوچ کنند در همان شب می توانند رمی جمره روز عید را انجام دهند. ولی رمی جمره روز یازدهم و دوازدهم را مثل بقیه حجاج باید روز انجام دهند؛ مگر اینکه در روز به علت بیماری و سالخوردگی و مانند آن نتوانند، که در این صورت شب قبل، آن را انجام می دهند؛ و اگر نه شب قبل و نه روز نتوانند رمی کنند، شب بعد رمی را انجام می دهند.

ولی اگر به نحوی بیمار باشند که اصلاً نتوانند رمی را انجام دهند و امید بهبودی هم ندارند باید در همان روز نایب بگیرند و خود آنان نیز در صورت امکان و عدم مشقت هنگام رمی نایب حضور پیدا کنند.

### «سؤال ۶۸» شخصی در ایران نیابت حج از دیگری را قبول کرده است. ۱

ما در هنگام نیت در میقات نمی دانند که حج منوب عنه حج واجب است یا حج مستحبی؟ در این صورت نایب باید چگونه نیت کند؟

جواب: قصد نیابت کافی است و نیت وجه - یعنی وجوب یا استحباب - لازم نیست.

### «سؤال ۶۹» اینجانب قصد دارم به جای مرحوم پدرم به سفر عمره مشرف شوم؛

آیا باید بر طبق مرجع تقلید مرحوم پدرم عمل نمایم یا بر طبق فتوای مرجع تقلید خودم؟

جواب: باید طبق نظر مرجع خودتان عمل نمایید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۵

### میقات

### «سؤال ۷۰» در طائف سه میقات وجود دارد و ما احتیاط می کنیم و در هر سه محل احرام را تجدید می نمایم.

آیا احرام ما درست است؟

جواب: میقات اهل طائف بنابر روایات مستفیضه «۱» که مورد فتوای فقها نیز می باشد، «قرن المنازل» است. و در کتاب معجم البلدان به نقل از مهلبی آمده: «(قرن) محلی است که بین آن و مکه پنجاه و یک میل، و بین آن و طائف سی و شش میل فاصله می باشد».

و اگر آن محل در زمان ما دقیقاً شناخته نشد همان شهرت بین اهل محل کفایت می کند. و اگر بین اهل محل اختلاف نظر دیده شد، احتیاطاً احرام را در مکانهای مورد اختلاف تجدید نمایند.

### «سؤال ۷۱» احرام از ادنی الحل که میقات عمره مفرده است آیا باید از اولین نقطه حلّ

که متصل به حرم است انجام شود، یا تا فاصله هر چند یک کیلومتر قبل از حرم کافی است، و یا میزان ادنی الحل عرفی است؟

جواب: میقات عمره مفرده برای کسی که در مکه است، اولین منطقه قبل از حرم است و بهتر است از جعرانه، حدیبیه و یا تنعیم باشد.

### «سؤال ۷۲» کسی که از طریق عراق به مکه می رود

و باید در وادی عقیق محرم شود، آیا در این وادی طولانی نقطه خاصی به نظر حضرتعالی میقات است یا به نظر اهل منطقه باید عمل شود؟ لازم به ذکر است خود اهل محل هم مختلف جواب می دهند. این وادی که اولش به عنوان مسلخ و قسمت

(۱) - به روایتی که راویان آن متجاوز از سه نفر باشند اما به حد تواتر که موجب یقین می شود نرسد، روایت مستفیض گفته می شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۶

ذات عرق است بین خود اهل محل مورد گفتگو است و قسمت خاصی را تعیین نمی کنند.

جواب: در وادی عقیق، افضل احرام از مسلخ است و پس از آن احرام از غمره؛ و بنابر احتیاط تا ذات عرق تأخیر نیندازد مگر در حال ضرورت یا تقیه. و این محلها اگر با رجوع به اهل محل یا اهل خبره معلوم نشد باید احتیاط رعایت شود یعنی یا با نذر قبل از میقات، با رعایت شرایط، محرم شود و یا با تکرار یت و تلبیه در نقاط محتمل، اطمینان به احرام در میقات حاصل شود.

**«سؤال ۷۳» احرام از محاذات میقات در فضا را کافی می دانید**

یا نه؟

جواب: دلیل محاذات اطلاق ندارد و فحوی و ملاک قطعی هم در بین نیست؛ بنابراین کفایت آن مشکل است و احتیاط این است که از یکی از میقاتها محرم شوند. بلکه اصل احرام از محاذی میقات محل اشکال است؛ زیرا مدرک محاذات روایت صحیحه «عبدالله بن سنان» است که علاوه بر اختلاف نسخه، در کتب قدما به مضمون آن فتوی داده نشده و احتمال اختصاص به مدینه منوره نیز در آن هست.

**«سؤال ۷۴» در حجهالوداع تعداد ۷۰ یا ۱۱۴ هزار نفر همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم محرم شدند.**

با عنایت به اینکه در آن زمان زیر سایه درخت محرم شدند، در آن محل مسجدی نبوده؛ آیا افراد باید حتماً داخل مسجد محرم شوند یا در محل ذوالحلیفه همانند ۷۰ یا ۱۱۴ هزار نفر زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کفایت می کند؟

جواب: مطابق بعضی از روایات معتبره، حضرت امام صادق علیه السلام ذوالحلیفه را که میقات اهل مدینه است، به مسجد شجره تفسیر فرموده است؛ لذا احتیاطاً باید از مسجد شجره که ظاهراً در

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۷

محل احرام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنا شده است، احرام بسته شود. و در حجهالوداع گرچه تعداد حجاج بسیار زیاد بوده است ولی همراهی این تعداد با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه بسیار بعید به نظر می رسد. در تفسیر عیاشی در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر با پنج هزار نفر از مدینه برای حج خارج شده اند. «۱»

## «سؤال ۷۵» زمانی که هواپیما قصد فرود در فرودگاه جده دارد

وقتی که به فرودگاه نزدیک می شود ارتفاع را در این فواصل به حدی کم می کنند که چراغهای مواقیت، بلکه ساختمان آن هم با چشم معمولی به وضوح دیده می شود؛ و این مسأله بسیار محل ابتلاء می باشد و فقهای مذاهب دیگر از معاصرین، به آن توجه کرده، ولی متأسفانه در مباحث فقهی علمای شیعه خصوصاً معاصرین که مرجع آن هستند توجهی نشده است. لذا بنابر تحقیقی که بنده کرده و مدارک آن نیز موجود است، در زمان فعلی هواپیماهای وارد بر منطقه مواقیت و حرم از بلادی که میقاتشان ذات عرق است دقیقاً از محاذی میقات ذات عرق، آن

هم در حدی پایین که مسجد میقات را حتی در شب هم می توانند رؤیت کنند عبور کرده و در مطار جدّه فرود می آیند؛ و طبق دستور مسئولین مربوطه مدتی قبل از رسیدن به میقات اعلام می شود تا زائران آماده احرام شوند و وقتی که به محاذی میقات رسیدند محرم می شوند؛ آیا چنین احرامی صحیح است؟

جواب: در مقدمه یادآور می شوم: در باب حج، ظاهر الفاظ کعبه، مسجدالحرام، حرم و مواقیت خمس، مکانهای خاصّ زمینی است. فقط در خصوص کعبه، دلیل داریم که از اعماق زمین تا عمق آسمان به حکم کعبه است، و در بقیه مکانها این امر ثابت نیست. بر حسب روایات عامّه و خاصّه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مواقیت خمس را

---

(۱) - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۲.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۸

برای احرام معین کرده اند: ذوالحلیفه (شجره)، جحفه، عقیق (ذات عرق)، قرن المنازل و یلملم.

علمای اهل سنت با این که در اخبارشان راجع به محاذات مواقیت نامی برده نشده، نوعاً گفته اند: «و کل میقات محاذیه بمنزلته» یعنی هر میقاتی محاذی آن هم به منزله میقات است، ولی قدمای از علمای شیعه از محاذات نامی نبرده اند. با این که صحیحی ای از عبدالله بن سنان در این زمینه وجود دارد که مربوط است به محاذات مسجد شجره با قیود خاصّی که در روایت ذکر شده «۱». برخی از فقهای متأخر الغاء خصوصیت کرده و محاذات مواقیت را مطلقاً کافی دانسته اند، برخی آن را فقط در مورد مدینه با قیود خاصّ مذکور در صحیحی پذیرفته و گفته اند: اصل عدم کفایت محاذات است مگر در جایی که دلیلی وجود داشته باشد.

اینجانب در حاشیه عروه که هنوز چاپ نشده چیزی نوشته ام که ترجمه آن چنین است: «تعمیم، یعنی جریان جواز احرام در محاذات میقات را به غیر مدینه، مشکل است؛ زیرا احتمال دارد این حکم مخصوص به مورد صحیحه عبدالله بن سنان باشد، یعنی کسی که یک ماه مجاور مدینه بوده و قصد انجام حج کرده است، و شاید برای مدینه خصوصیتی باشد؛ بلکه حتی می توان گفت چنین حکمی در مورد صحیحه نیز خالی از اشکال نیست، زیرا چنین فتوایی در کتب قدماى اصحاب، همچون مقنعه، نهاییه، مقنعه، هدایه، کافی و مهذب که وضع آنها برای نقل مسائل منصوصه منقوله از ائمه علیهم السلام است دیده نمی شود. بنابراین، احتیاط آن است که شخص حاج برای احرام به یکی از مواقیت پنجگانه برود، زیرا ظاهر روایات دال بر این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مواقیت را مشخص فرمودند، این است که

---

(۱) - وسائل الشیعه، کتاب حج، باب ۷ از ابواب المواقیت.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۵۹

احرام از این مواقیت متعین می باشد، و این که حج و عمره بدون چنین احرامی تمام نیست، و نیز این که سزاوار نیست کسی از آن ها اعراض نماید.»

پس از این مقدمه مختصر معروض می دارد، در مواقیت خاصه یک مقدار خاص از فضا عرفاً تابع مکان است. مثلاً اگر کسی که در جحفه است در روی اتومبیل هم محرم شود می گویند در جحفه محرم شده، ولی اگر در هواپیما بالای جحفه است محرم شد نمی گویند: در جحفه محرم شده بلکه می گویند: محاذی جحفه محرم شد؛ پس کسانی که محاذات را مطلقاً کافی می دانند باید بگویند کافی است؛



ولی کسانی که در کفایت محاذات اشکال دارند، در این جا هم طبعاً اشکال دارند. و بالاخره با تعیین مکانهای پنج گانه توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اکتفاء به محاذات زمینی، هوایی و دریایی محل اشکال است.

### «سؤال ۷۶» جنابعالی در جوابیه قبلی مرقوم داشته اید:

«ولی اگر در هواپیما بالای جحفه محرم شد نمی گویند: در جحفه محرم شد.»

منبع دقیق این "می گویند" کجاست؟ و چگونه قابل تحقیق و تحصیل می باشد؟ آیا هر کس مطابق مذاق فقهی می تواند مدعی آن شود؟

شاید کلام جنابعالی بر عکس عرف مسلمین باشد، زیرا معمولاً می گویند: در فضای جحفه محرم شده است، و تعبیر جنابعالی به محاذی یک تعبیر عرفی نیست، بلکه صرفاً اصطلاح و تعبیر مدرسه ای است. و تعبیر به فضای جحفه علاوه بر علمای اهل سنت در کلمات بعضی از فقهای شیعه نیز دیده می شود.

جواب: همان گونه که قبلاً یادآور شدم الفاظ مسجد الحرام، حرم، جحفه و امثال اینها منصرف به مکانهای مخصوص زمینی است. و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم «جحفه» را میقات قرار داده نه فضای

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۰

جحفه را، ما مکلف به احرام در جحفه هستیم و باید احرام در جحفه صدق کند. و منظور از «می گویند» عرف مردم است، منتها فضا تا یک مقدار، عرفاً تابع مکان است، ولی صدق این معنا در هواپیما محل اشکال است، و عرف مردم به آن فضا جحفه نمی گویند، بلکه می گویند: فضای بالای جحفه یا محاذی جحفه.

### «سؤال ۷۷» ایرانیان مقیم جدّه مانند اعضای سفارت و کارکنان هواپیمایی هر ماه عمره بجا می آورند؛

آیا می توانند از جدّه با نذر یا از ادنی الحّل (نزدیکترین میقات به مکه) محرم شوند یا باید حتماً به مواقیت پنجگانه بروند، هر چند مشقت داشته باشد؟

جواب: صحت نذر در فرض سؤال مشکل است، و ادنی الحّل مربوط به کسانی است که از مکه مکرمه قصد عمره داشته باشند؛ بنابراین احوط برای آنها احرام از یکی از مواقیت پنجگانه است.

## احرام

### «سؤال ۷۸» نظر به اینکه مسجد شجره را بزرگ کرده اند،

آیا احرام از تمام قسمتهای مسجد مجزی است یا باید از محل قدیم محرم شوند؟ و اگر شناخت محل مسجد قدیم امکان نداشته و یا رفتن به آن محل برای برخی از حجاج مانند بانوان امکان نداشته باشد وظیفه چیست؟

جواب: با عدم تعیین جای مسجد سابق، کافی و مجزی بودن احرام از هر جای مسجد فعلی بعید نیست؛ ولی خوب است با نذر از مدینه محرم شود.

### «سؤال ۷۹» اگر فردی هنگام احرام عاقل بوده و سپس به علت گرمی هوا دیوانه شود وظیفه همراهان او چیست؟

و آیا اعمالی را که با کمک همراهان انجام می دهد از حج واجب این شخص کفایت می کند؟

جواب: هر وقت افاقه حاصل کند و به حال عقل برگردد باید به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۱

وظیفه ای که بعد از افاقه دارد عمل کند و همراهان او نسبت به اعمال حج او وظیفه ای ندارند.

### «سؤال ۸۰» اگر شخصی عالم به غضبیت لباس احرام بوده

ولی در وقت احرام و مناسک فراموش کرده باشد، حجش چه صورتی دارد و وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر خود او غاصب نبوده یا اینکه بعد از توبه و بنای رد آن به صاحبش فراموش کرده باشد اشکال ندارد؛ و گرنه اشکال دارد.

### «سؤال ۸۱» در صورتی که عالم به غضبیت لباس احرام نبوده

و پس از انجام مناسک متوجه شده باشد وظیفه اش چیست؟

جواب: اعمال او صحیح است و باید در رد آن به صاحبش مسامحه نکند؛ و اگر نقصی بر آن وارد شده یا اینکه اجاره بها داشته باشد آنها را نیز جبران نماید.

### «سؤال ۸۲» در مناسک مرقوم فرموده اید که: «اگر احرام برای حج از مکه قدیم میسور نباشد از جاهای دیگر جایز است.»

آیا حوالی قبرستان ابوطالب علیه السلام جزو مکه قدیم به حساب می آید یا خیر؟ و حدود مکه قدیم کجاست؟

جواب: منظور از «مکه قدیم» آن قسمتهایی است که در صدر اسلام جزو شهر مکه بوده است؛ و ظاهراً حوالی «مسجد جن» جزو مکه قدیم می باشد. و اگر تعیین حدود آن ممکن نباشد حتی المقدور احتیاط شود.

### «سؤال ۸۳» قسمت مسقفی که در منی زده شده است در اصل به عنوان «طریق المشاه» می باشد

و اکنون محل استراحت حجاج گردیده و در کنار آن نیز مغازه های فراوانی وجود دارد؛ البته قسمت کوچکی از آن نیز جهت رفت و آمد افرادی که جهت رمی عازم جمرات می شوند اختصاص داده شده است. با این خصوصیات آیا

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۲

محل مذکور حکم چادر و یا بازار را دارد؟ و برای مُحرم عبور از آن جایز است یا نه؟

جواب: جواز عبور از آن طریق برای مُحرم بعید نیست؛ اگر چه در غیر حال ناچاری احوط ترک است.

#### «سؤال ۸۴» بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود

و بخواهد مراجعت کند، آیا لازم است محرم شود یا خیر؟

جواب: اگر در ماه ذیحجه مراجعت کند واجب نیست؛ و اگر بعد از آن مراجعت کند واجب است.

#### «سؤال ۸۵» هر گاه جنب یا حائض از روی عمد و عصیان وارد مسجد شجره شود

و برای احرام توقف نماید و مانند دیگران محرم شود، آیا احرامش درست است؟

جواب: اگر قصد قربت متمشی شود، ظاهراً درست است.

#### «سؤال ۸۶» شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده

و بعد از اعمال عمره برای حج افراد محرم شده است، آیا حج او صحیح است؟

جواب: صحیح نیست و باید حج تمتع انجام دهد.

#### «سؤال ۸۷» شخصی در حرم برای حج افراد محرم شده

و بعضی از اعمال را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

جواب: اگر نمی توانسته به میقات یا به خارج حرم برود اشکال ندارد.

#### «سؤال ۸۸» اخیراً تونلهایی از اطراف مسجدالحرام به محله های مختلف مکه مکرمه که محل سکونت حجاج می باشد

و نیز تونلهایی به طرف منی احداث شده است، آیا عبور از آنها در حال احرام حکم منزل را دارد و یا موجب کفاره می باشد؟

جواب: طبق نظر اخیر اینجانب، جواز عبور از آنها برای محرم بعید نیست و کفاره ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۳

#### «سؤال ۸۹» کسی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده

آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند؟

جواب: لازم نیست.

### «سؤال ۹۰» دختری در کودکی یا اوایل بلوغ جنب شده و تاکنون ازدواج نکرده است

و چون نمی دانسته به واسطه فعلی که انجام شده جنب گردیده غسل جنابت را تا حال انجام نداده، هر چند غسل حیض و جمعه کرده است؛ با این حال حج نیز رفته است. اولاً:

آیا نماز و روزه و کلیه عبادتهایی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده صحیح است؟ ثانیاً: آیا هنوز مُحرم است و جمیع محرمات که بر محرم حرام است بر او حرام می باشد؟ ثالثاً: با فرض محرم نبودن و فقط باطل بودن حج، با مشکلات کنونی سفر به مکه مکرمه تکلیف او چیست؟

جواب: در فرض سؤال نمازهای او قضا دارد؛ ولی روزه هایش صحیح است. و بنابر احتیاط از احرام خارج نشده است.

### «سؤال ۹۱» آیا زنه‌ای حائض می تواند در مسجد شجره از یک در وارد شوند

و از همان در خارج شوند و در حال دور زدن محرم شوند یا باید حتماً از یک در وارد و از در دیگر خارج شوند؟

جواب: از مجموع روایات استفاده می شود که توقف آنها در مسجد حرام است؛ ولی مشی و عبور اگر چه بخواهند از همان دری که وارد شده اند خارج شوند مانعی ندارد. و احرام در حال عبور صحیح می باشد.

### «سؤال ۹۲» شخصی مقلد مجتهدی است که می گوید احرام حج تمتع باید از مکه قدیم باشد

و او از مکه جدید احرام بسته و حج بجا آورده و چند سال می گذرد و اکنون آن مجتهد فوت کرده است؛ تکلیف این شخص چیست؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۴

جواب: اگر مرجع تقلید فعلی احرام او را صحیح بداند کافی است؛ و اگر صحیح نداند حکم ترک احرام را دارد که تفصیل آن در مناسک مسأله «۵۰۲» مذکور است.

### «سؤال ۹۳» شخصی برای امور عادی خود قصد ورود به حرم را دارد

و قصد ورود به مکه را ندارد، آیا برای خصوص ورود به حرم احرام لازم است؟

جواب: در غیر موارد استثناء احوط عدم ورود است، مگر با احرام عمره یا حج.

### «سؤال ۹۴» کسی با احرام عمره تمتع وارد مکه معظمه گردید

و بر اثر عارضه سکتته، قبل از اعمال به دستور پزشک به ایران منتقل شد، وظیفه او در مکه چه بوده و فعلاً چه وظیفه ای دارد؟

جواب: وظیفه داشته در صورت امکان خودش - هر چند با تخت روان - اعمال عمره را بجا آورد؛ و در صورت عدم امکان نایب بگیرد. فعلاً هم موظف است اگر می تواند خودش برگردد و اگر نمی تواند نایب بگیرد؛ به این تفصیل که نایب طواف و نماز طواف و سعی را انجام دهد و بعد خودش تقصیر کند و سپس نایب طواف نساء و نماز آن را بجا آورد؛ و در این صورت بنابر احتیاط خودش نیز در وطن نماز دو طواف را بجا آورد.

### «سؤال ۹۵» آیا وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه جایز است؟

جواب: وقف به حرکت خلاف احتیاط است؛ و اگر بعد از قرائت شک کرد که وقف به حرکت کرده است، قرائت او محکوم به صحت است.

### «سؤال ۹۶» شخصی بعد از خروج از مسجد شجره و قبل از عبور از بیداء،

یا بعد از عبور و قبل از ورود به حرم یا بعد از ورود به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۵

حرم، شک می کند تلبیه گفته یا نه، وظیفه او در صورت مذکور چیست؟

جواب: هر چند محتمل است بعد از خروج از میقات تجاوز از محل صادق باشد ولی ظاهراً تا قبل از شروع طواف که جزء مترتب بر احرام می باشد تجاوز از محل صادق نیست، و استصحاب عدم احرام جاری است.

### «سؤال ۹۷» آیا در پوشیدن لباس احرام که به عنوان رداء استفاده می شود کیفیت خاصی معتبر است،

و آیا بستن و یا روی هم انداختن دو طرف آن برای جلوگیری از افتادن و یا برای پوشاندن جلو سینه، اشکال دارد؟

جواب: شخص محرم یکی از دو لباس احرام را باید به صورت متعارف همچون رداء بر روی دوش بیندازد. و بنابر احتیاط واجب باید به نحوی باشد که دو کتف را پوشاند ولی نباید دو طرف را با دکمه و بنابر احتیاط واجب با سوزن و گره به هم متصل کند؛ ولی بعید نیست بتواند برای جلوگیری از افتادن رداء، دو طرف آن را با گذاشتن سنگ در آن و پیچیدن نخ به دور آن به هم متصل کند؛ ولی احتیاطاً دو طرف آن را به گونه ای که به شکل یقه پیراهن درآید، روی هم نیندازد. پس اگر دو طرف را به گونه ای بالای سینه به هم متصل کند که به شکل یقه پیراهن درآید اشکال دارد و به طور کلی در مواردی که شک دارد به شکل یقه پیراهن و یا دکمه محسوب می شود یا نه، مانعی ندارد.

### «سؤال ۹۸» اشخاصی مثل روحانی کاروان که زائرین را برای محرم شدن به مسجد شجره برده اند،

بعد از خروج از مسجد، در بین راه مکه شک می کنند که آیا خودشان محرم شده اند یا نه، وظیفه آنان چیست؟ خصوصاً اگر

بعد از ورود به حرم (که بدون احرام حرام است) شک کند؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۶

جواب: با شک، استصحاب عدم احرام جاری است و باید به هر نحو ممکن خود را در میقات محرم نمایند و اگر رجوع میسر نیست از همانجا محرم شوند.

#### «سؤال ۹۹» اینجانب یکی از جانبازان جنگ هستم که پای چپم تا نمی شود

و مجبورم که از زانو بند استفاده کنم، با توجه به اینکه زانو بندها عموماً دوخته هستند در حال احرام، تکلیف اینجانب چیست؟  
جواب: اگر ناچارید، ببندید و بنابر احتیاط واجب کفاره هم بدهید.

#### «سؤال ۱۰۰» اخیراً در ایام تشریق پزشکان استفاده از ماسک را

برای جلوگیری از بیماری و جلوگیری از استنشاق میکروبهای معلق در فضا لازم و ضروری می دانند. لطفاً با توجه به اینکه حجاج در این ایام مُحرم هستند نظریه حضرتعالی در ارتباط با استفاده یا عدم استفاده از ماسک چیست؟

جواب: استعمال ماسک و پوشاندن صورت برای مردها اشکال ندارد؛ و برای زنها نیز در صورت ضرورت اشکالی ندارد.

#### «سؤال ۱۰۱» معمولاً حجاج وقتی محرم شده و تازه وارد مکه می شوند باید جهت تحویل گرفتن وسایل و اتاق به داخل هتل رفته

و مقداری صبر کنند تا کاروان به اتفاق هم به حرم بروند و نمی شود در این مدت در بیرون هتل (خیابان) بمانند؛ خصوصاً که رئیس کاروان چنین اجازه ای به حجاج نخواهد داد، آیا در این صورت کفاره لازم است؟

جواب: رفتن محرم در داخل منزل یا هتل مانعی ندارد؛ و در حال سیر مسافت نباید زیر سایه باشد.

#### «سؤال ۱۰۲» با توجه به مسأله ۱۲۵ و ۱۲۷ مناسک، کاروانهایی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند

و یک هفته در مکه

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۷

هستند اگر روز اول ورود به مکه بیست و هشتم ماه جمادی الاولی باشد و اعمال عمره را در ماه جمادی الاولی انجام دهند و روز پنجم ورودشان که روز دوم جمادی الثانی است برای بازدید به عرفات بروند و به مکه برگردند، آیا جایز است بدون احرام وارد مکه شوند یا باید در ادنی الحَلّ دو مرتبه محرم شوند و عمره دیگری بجا آورند؟

جواب: در مفروض سؤال بنابر اقوی <sup>□</sup> به قصد عمره محرم شوند و عمره دیگری بجا آورند؛ زیرا ظاهراً مراد از کلمه «شهر» در روایات مسأله، ماه قمری است نه سی روز.

### «سؤال ۱۰۳» چون اینجانب به عنوان خدمت کاروان برای حج مشرف شده ام

در بعضی مواقع اما به ندرت بنا بر فرمان مسئولین از محدوده حرم خارج شده ام؛ آیا خلافی انجام شده و نیاز به قربانی هست؟

جواب: چون عمدی نبوده گناه نداشته و نیاز به قربانی هم نیست.

### «سؤال ۱۰۴» به علت عادت در حرف زدن، در هنگام حج سه بار کلمه «به خدا» را در حرفهایم آورده ام.

آیا باید کفاره پردازم؟

جواب: اگر سهواً و بدون توجه قسم بخورد و یا به قصد اظهار محبت و مانند آن لفظ قسم را به زبان بیاورد و قصد جدی قسم نداشته باشد کفاره ندارد.

### «سؤال ۱۰۵» به کار بستن فتق بند

در حال احرام به نظر حضرتعالی کفاره دارد یا نه؟ و کفش مخیط در صورتی که روی پا را نپوشاند کفاره دارد یا نه؟

جواب: بنا بر احتیاط در هر دو مورد کفاره بدهد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۸

### «سؤال ۱۰۶» هنگام رفتن به حرم و هنگام طواف، کفشهای خود را داخل کیسه ای قرار دادم

که لبهای آن دوخته شده بود. آیا باید کفاره بدهم؟

جواب: به دست گرفتن کیسه دوخته مانعی ندارد.

### «سؤال ۱۰۷» در حج بعد از حلق یا تقصیر از احرام خارج می شود ولی بوی خوش و نساء قبل از سایر اعمال بر حرمت خود باقی است.

آیا در عمره مفرده بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء این حکم جاری است؟

جواب: در عمره مفرده بعد از تقصیر همه محرمات از جمله بوی خوش حلال می شود ولی محرمات مربوط به زن، پس از انجام طواف نساء و نماز آن حلال می شود.

### «سؤال ۱۰۸» برای خود یک جفت دمپایی گرفته ام که در حالت احرام آنها را بپوشم

ولی چون یک قسمت از روی پایم شکسته است می خواهم یک بند از پشت پا به دمپایی با منگنه وصل کنم؛ آیا منگنه مانند دوخته حساب می شود؟ و اگر این کار را بکنم اشکال دارد؟

جواب: اگر صدق مخیط نکند اشکال ندارد.

### «سؤال ۱۰۹» جنابعالی در مناسک فرموده اید که: محرم می تواند زیر لحاف یا پتو بخوابد

هر چند روی پاهای او را بپوشاند اما سر را نپوشاند و بنا بر احتیاط در حال نشستن هم آن را به دور خود نپیچد.

منظور جنابعالی از پتو، پتوی مخیط است یا غیر مخیط؟ اگر پتو مخیط نباشد، اگر محرم در حال نشستن آن را به دور خود بپیچد چه حکمی دارد؟

جواب: محرم می تواند زیر پتو و لحاف مخیط یا غیر مخیط بخوابد ولی بنا بر احتیاط حتی پتوی غیر مخیط را به دور خود نپیچد.

### «سؤال ۱۱۰» حاجی در آیامی که محرم است

اگر در هنگام

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۶۹

خشک کردن محل مسح سر برای وضو مویی کنده شود چه حکمی دارد؟ مویی که هنگام وضو کنده می شود چطور؟ ریزش موی طبیعی که کمی بیش از تعداد معمول باشد چه حکمی دارد؟

جواب: خشک کردن محل سر در صورتی که رطوبت مسح غالب بر رطوبت سر باشد لازم نیست؛ و چنانچه بر اثر خشک کردن سر، خود به خود و بدون قصد، مویی کنده شود باید محرم یک مشت طعام صدقه بدهد؛ ولی اگر برای نفس وضو و یا غسل دست به صورت یا بدن خود بکشد و خود به خود مو یا موهایی کنده شود کفاره واجب نیست.

### «سؤال ۱۱۱» آیا برای جلوگیری از باز شدن لنگ لباس احرام می توان چیزی شبیه دکمه به لنگ چسباند

و هنگام استفاده از کشهایی نظیر کشهای دور اسکناس به کار برد و آنها را به هم متصل کرد؟

جواب: بنا بر احتیاط از چیزهایی که سبب می شود یک پر احرام روی پر دیگری قرار بگیرد اجتناب شود. می توانید سنگ کوچکی را زیر پر لنگ قرار دهید و نخ دور آن بپیچید بدون گره و سنگ دیگری زیر پر دیگر قرار دهید و سر همان نخ را دور آن بپیچید.

### «سؤال ۱۱۲» شخصی عمره مفرده انجام داده و قبل از اینکه طواف نساء بجا آورد،

انشاء عقد نکاح کرده آیا این عقد صحیح است و بر فرض بطلان آیا موجب حرمت ابدی می شود؟ و آیا موجب کفاره می شود؟ خصوصاً در صورت نزدیکی کردن؟



جواب: بنا بر احتیاط، قبل از طواف نساء چه در عمره مفرده و چه در حج باید از انشاء عقد اجتناب شود و اگر انشاء شود احوط اجرای حکم بطلان است. ولی در صورت جهل حتی با فرض نزدیکی موجب حرمت ابدی و کفاره نمی شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۰

### «سؤال ۱۱۳» جنابعالی در جواب استفتائی مرقوم داشته اید:

«صید در ارتفاع بالای حرم خانه خدا صید حرم محسوب می شود»؛ و در جواب سؤال دیگری مرقوم کرده اید: «اینکه صید در ارتفاع بالا صید در حرم باشد محل اشکال بوده و دلیلی بر آن نیافتیم» و به جمله «احتیاط خوب است» بسنده فرموده اید. آیا جوابیه دوم ناسخ جوابیه اول است؟ و تا کدام مقدار ارتفاع، فضای عرفی حرم محسوب می شود؟

جواب: در جواب اول، مفروض این است که خود صید در فضای عرفی حرم است ولی شخص صید کننده آن در فضای بسیار بالا خارج از متعارف است. اما در جواب دوم مفروض این است که خود صید نیز در فضای عرفی حرم نباشد بلکه بالاتر باشد که معلوم نیست احکام حرم بر آن مترتب باشد. و تعیین فضای عرفی تابع ملک بر حسب موارد، مختلف است؛ مثلاً فضای خانه شما تا حدی مربوط به خانه شما است و کسی حق ندارد از آن بدون اجازه شما عبور نماید، ولی بالاتر از آن را هواپیماها حق دارند عبور نمایند، پس مربوط به شما نیست بلکه متعلق به دولت است و لذا هواپیماهای کشور دیگر حق عبور ندارند مگر

با اجازه دولت، ولی صد فرسخ مثلاً بالای فضای کشور، به کشور هم مربوط نیست، و فضایی که کشور دیگر می تواند از آن عبور نماید.

این ها مسائلی است که نظر عرف و عقلا در آنها حاکم است و باید ملاک باشد.

### «سؤال ۱۱۴» اگر شخصی از آسمان و در ارتفاع بسیار بالا از بیرون حرم وارد فضای معادل آن در حرم شده

و در فضا و آسمان حرم (ولی از ارتفاع بسیار) مرتکب صیدی شود آیا محکوم به حکم صید در حرم می باشد؟ با توجه به اینکه عمل صید و موضوع آن و

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۱

شخص صیاد در ارتفاع مذکور از فضای حرم بوده اند، آیا اختلاف موضع خود صید در زمین یا آسمان موجب اختلاف حکم مسأله می شود؟

جواب: صید موجود در زمین حرم یا فضای عرفی آن هر چند خارج حرم یا از ارتفاع بسیار بالا زده شود احکام صید حرم بر آن بار می شود. و نسبت به خصوص کعبه بر حسب اخبار وارده و اجماع مسلمین «من تخوم الأرض إلى عنان السماء» قبله است و احکام کعبه بر آن بار است ولی نسبت به غیر کعبه تا حد عرفی فضای حرم نیز حکم حرم را دارد ولی در ارتفاع زیاد خارج از متعارف، اجرای حکم حرم بر آن محل اشکال است و من دلیلی بر آن نیافتم، هر چند احتیاط خوب است.

### استظلال

### «سؤال ۱۱۵» همانطور که حضرتعالی می دانید در ایام عمره،

زائرین بیت الله الحرام در زمان احرام از مسجد شجره مجبور به استظلال هستند نکته ای که قابل ذکر است این که بسیاری از این عزیزان با جهل به حرمت استظلال و بدون توجه به حرمت این امر، اضطراراً استظلال می کنند. آیا جهل به حرمت استظلال موجب سقوط کفاره می شود؟ در صورتی که بعد از اعمال متوجه حکم شوند چطور؟

جواب: استظلال به جهت اضطرار کفاره دارد ولی به جهت جهل به مسأله کفاره ندارد. همچنین است اگر هنگام عمل جاهل به مسأله بوده و بعد از آن، حکم آن را مطلع شود.

### «سؤال ۱۱۶» اینجانب در زمان حضرت امام (ره) از ایشان تقلید می کردم

و بعد از فوت ایشان از جنابعالی تقلید می کنم. در سال ۸۴

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۲

به عمره مفرده مشرف شدم و از مسجد شجره محرم شدم و مجبور شدم در ماشین سقف دار بنشینم و امسال نیز به حج تمتع

رفتم و باز مجبور شدم با ماشین سقف دار تا مکه بروم و باز هم از منزل با ماشین سقف دار تا حرم رفتم. آیا می توانم در این مسأله به فتوای امام (ره) باقی باشم یا خیر، وظیفه اینجانب چیست؟

جواب: چنانچه این مسأله را در زمان حیات ایشان به قصد عمل کردن، یاد نگرفته باشید باید در آن مسأله به مجتهد حئی اعلم رجوع نمایید. و به نظر اینجانب اگر مرد محرم در حال طئی مسیر سوار ماشین سرپوشیده شود باید یک گوسفند کفاره بدهد، و در ثبوت کفاره فرقی بین شب و روز و نیز صورت اضطرار و عدم اضطرار نیست؛ هر چند این حکم پس از رسیدن به منزل و حرکت به سوی مسجدالحرام و مانند آن، مبنی بر احتیاط است.

بنابراین در

مفروض سؤال باید یک گوسفند برای زیر سایه رفتن در حال احرام عمره مفرده و یک گوسفند برای عمره تمتع، به عنوان کفاره، ذبح نمایید و گوشت آن را به فقرا بدهید. و همچنین است اگر با ماشین سقف دار برای حج تمتع از مکه به عرفات رفته اید. البته می توانید گوسفندها را در وطن ذبح نموده و به فقرا دهید.

### «سؤال ۱۱۷» نظر به اینکه حجاج عمره بعد از پوشیدن احرام برای رفتن به مکه معظمه

مجبورند از روی اجبار و اضطرار و در شب از ماشینهای سر پوشیده استفاده نمایند و از نظر مالی قادر به پرداخت کفاره نمی باشند و در میقات هم قادر به تهیه ماشین بدون سقف نمی باشند، در این مورد تکلیف آنان چه می باشد؟

جواب: کسی که تمکن مالی ندارد لازم نیست به عمره برود، بلکه اگر موجب سخت گیری بر اهل و عیال باشد جایز نیست، زیرا

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۳

عمره امر مستحبی است و نفقه اهل و عیال واجب است. و بالاخره اگر کسی به عمره رفت و در ماشین سر پوشیده سوار شد برای هر احرام ذبح یک گوسفند و تقسیم آن بین فقرا واجب است هر چند مضطر باشد؛ و می تواند در وطن آن را انجام دهد.

### «سؤال ۱۱۸» در پاره ای از مسائل حج که فتوای حضرتعالی با مراجع دیگر متفاوت است

مثل سوار ماشین مسقف شدن و ... مقلدین حضرتعالی بعضاً به دلایل سیاسی و امتیث شغلی مجبور به تقیه در بیان نام مرجع خود هستند. لذا خواهشمند است فتاوی فوق الذکر آن حضرت را با توجه به این مسأله بیان فرمایید؟

جواب: تقیه موجب سقوط کفاره نمی شود.

### «سؤال ۱۱۹» نظر به اینکه فتوای حضرتعالی در مورد استظلال در شب وجوب کفاره است

و حجاج از مدینه تا مکه در فصل زمستان با ماشین بدون سقف دچار بیماری و حتی باز ماندن از اعمال و مناسک می شوند، آیا امکان آن هست در ماشین مسقف بنشینند و موجب کفاره نباشد؟

جواب: اضطرار رافع حرمت است ولی رافع کفاره نیست.

### «سؤال ۱۲۰» در ایام حج از روحانی کاروان شنیدم که گفت:

فقیه عالیقدر در مورد مسجد تنعیم احتیاط واجب دارد. لذا ما به فالاعلم رجوع کرده و سوار بر ماشین مسقف شدیم. اخیراً از دوستان شنیده ام که سوار شدن از هر میقاتی فتوی است و کفاره دارد و حق عدول نداشته ایم. تکلیف فعلی ما چه می باشد؟

جواب: نسبت به میقات تنعیم چون می گویند جزء شهر است به نظر اینجانب بنابر احتیاط نباید زیر سقف در حال عبور بروند و اگر به فالاعلم رجوع کرده باشید اشکال ندارد، و آنچه فتوی است مربوط به خارج از شهر است.

## طواف

### «سؤال ۱۲۱» کسی نیت طواف را در دل گذرانده

و به قصد طواف حرکت می کند، مقصدی که می آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا بر می گردد و نیت را به زبان می گوید و طواف را دوباره شروع می کند؛ آیا طوافش صحیح است؟

جواب: اگر بدون به هم خوردن موالات دوباره شروع کرده باشد اشکال دارد.

### «سؤال ۱۲۲» شخصی در شوط دوم طواف شک می کند

که آیا طواف را به نیت منوب عنه یا به نیت خود آغاز کرده، وظیفه او چیست؟

جواب: اگر نایب بوده و در ارتکاز او بوده که اعمال را به عنوان نیابت انجام دهد، همان طواف را به نیت منوب عنه تمام کند؛ و در غیر این فرض آن را قطع کند و صبر نماید تا موالات از بین برود، سپس طواف را دوباره شروع کند.

### «سؤال ۱۲۳» برای طواف داخل مسجدالحرام شدم ولی به علت خستگی خوابم برد

و چون آب در دسترس نبود با تیمم طواف و نماز را انجام دادم، آیا حج من صحیح است؟

جواب: اگر کسی متمکن از وضو نباشد و وقت طواف و نماز آن تنگ باشد، با تیمم صحیح است؛ ولی در مسجدالحرام و اطراف نزدیک آن آب فراوان است و مجرد مشکل بودن وضو در فرض سؤال مجوز تیمم نیست و تمام احکام بطلان طواف بر آن جاری می باشد.

### «سؤال ۱۲۴» کسی به علت بیماری و جراحی، بول او قطره قطره در کیسه ای که می بندند می ریزد،

ولی نه از مجرای طبیعی بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار دارد؛ آیا نسبت به طواف و نماز آن حکم مسلوس را دارد؟

جواب: بلی حکم مسلوس را دارد.

### «سؤال ۱۲۵» زنی که نایب شده اگر قبل از انجام طواف حج و یا نماز آن خون ببیند و

امکان ماندن تا بعد از ایام عادت را نداشته باشد وظیفه اش چیست؟

جواب: برای آن نایب بگیرد و بقیه اعمال را که مشروط به طهارت نیست خودش انجام دهد؛ ولی برائت ذمه منوب عنه محل

اشکال است.

### «سؤال ۱۲۶» کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود وضوی او باطل بوده

یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است وظیفه اش چیست؟

جواب: باید وضو بگیرد و طواف و نماز آن را اعاده کند و بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

### «سؤال ۱۲۷» کسی در شوط آخر محدث شده است

و بدون طهارت شوط را تمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده، آیا کار او صحیح بوده است؟

جواب: وظیفه او اتمام طواف بعد از وضو گرفتن بوده و چون بدون وضو آن را تمام کرده، احتیاط در این است که پس از وضو بقیه آن شوط را تمام کند و بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را اعاده نماید.

### «سؤال ۱۲۸» شخصی در حال طواف اندکی خون به بینی خود می بیند

و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می کند، آیا آن طواف صحیح است؟

جواب: اگر خون به ظاهر بینی نرسیده بوده اشکال ندارد؛ و اگر به ظاهر بینی رسیده بوده آن طواف صحیح نیست. البته در مورد خون کمتر از درهم، مسأله مبنی بر احتیاط است.

### «سؤال ۱۲۹» کسی که در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۶

دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده و بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر و طواف را اعاده نموده و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است؟

جواب: وظیفه او اتمام طواف بعد از تطهیر بوده، و چون از سر گرفته احتیاط در این است که بقیه طواف را تکمیل کند و سعی و تقصیر را بنا بر احتیاط اعاده نماید.

### «سؤال ۱۳۰» اگر فردی مبتلا به مرض صرع آنی باشد

به طوری که در یک عبادت چند بار دچار صرع می شود و هر بار حدود نیم دقیقه در حالت صرع به سر می برد، وظیفه چنین شخصی در طواف و در سعی صفا و مروه چیست؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب خودش طواف را انجام دهد و نایب هم بگیرد؛ و در سعی همراهان او مواظب باشند هر لحظه که

عارضه صرع رخ داد او را متوقف کنند و پس از اینکه به حال عادی برگشت او را سعی دهند و همراهی کنند؛ و اگر مقداری از سعی با حالت صرع انجام شد او را برگردانند و مجدداً همان مقدار را اعاده کند.

**«سؤال ۱۳۱» آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟**

جواب: بنا بر احتیاط حکم نماز را دارد.

**«سؤال ۱۳۲» اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او در حال طواف ظاهر باشد،**

آیا به طواف او ضرر می رساند یا نه؟

جواب: اگر از روی عمد نباشد اشکال ندارد.

**«سؤال ۱۳۳» اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد**

و شخص بدون توجه به آن تقصیر نموده و از احرام خارج شده و بعد متوجه باطل بودن عمل خود شود، وظیفه او چیست؟ و آیا کفاره دارد؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۷

جواب: هر کدام باطل بوده آن را اعاده کند و بنا بر احتیاط واجب اعمال بعدی را نیز اعاده نماید؛ بلی در موارد باطل بودن طواف، وجوب اعاده نماز قطعی است و در هر حال کفاره ندارد.

**«سؤال ۱۳۴» شخصی در دور پنجم عذری برایش پیش آمده،**

آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند یا طواف دیگری انجام دهد؟

جواب: همان طواف را تکمیل نماید.

**«سؤال ۱۳۵» شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن نامحرم در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می گیرد**

و لذت می برد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند؟

جواب: ارتکاب معصیت در حال عبادت گناهش شدیدتر است؛ ولی طوافش باطل نمی شود.

**«سؤال ۱۳۶» اگر حاجی از منی برگشته و هنوز طواف واجب را بجا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی بجا آورد یا نه؟**

جواب: خلاف احتیاط است.

**«سؤال ۱۳۷» کسی به تصور اینکه طواف چهارده شوط است**

با این کیفیت انجام داده است، آیا این عمل او مخّل به طواف است؟

جواب: بلی مخّل است.

«سؤال ۱۳۸» اینکه در بعضی موارد فرموده اید: «باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند» آیا ترتیب هم لازم است؟

جواب: بلی ترتیب لازم است.

«سؤال ۱۳۹» آیا مُحرم قبل از انجام طواف خود- چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء- می تواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند یا نه؟

جواب: مانعی ندارد.

«سؤال ۱۴۰» آیا بعضی از شوطهای طواف یا سعی برای کسانی

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۸

که قادر نباشند خودشان انجام دهند قابل نیابت است یا نه؟

جواب: خالی از اشکال نیست بخصوص در سعی، و احوط نیابت در اتمام و اعاده است.

«سؤال ۱۴۱» در حال طواف چیزهایی از قبیل ساعت، انگشتر و لباس احرام از بعضی افراد می افتد

و قهراً دیگران پا روی آنها می گذارند؛ آیا پا گذاشتن روی آنها ضرری برای طواف ندارد؟

جواب: ضرر ندارد.

«سؤال ۱۴۲» اگر انسان بداند که پا گذاشتن روی چیزهای فوق الذکر مورد رضایت صاحبان آنها نیست،

آیا این عدم رضایت به طواف ضرر نمی زند؟

جواب: اگر عمداً پا نگذارد اشکال ندارد.

«سؤال ۱۴۳» فرموده اند جایز است از روی اختیار طواف و سعی را با چرخ و تخت و بر دوش دیگری بجا آورد

هر چند مریض نباشد، آیا این چنین طواف اشکال ندارد؟

جواب: در سعی مانعی ندارد؛ ولی در طواف محل اشکال است، مگر در حال ضرورت.

«سؤال ۱۴۴» طواف را از رکن یمانی شروع کرده به خیال حجرالأسود،



ولی بعد از توجه طواف را در حجرالأسود ختم کرده، آیا این طواف صحیح است یا نه؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب نماز طواف را بخواند و بعد از آن طواف و نماز آن را اعاده نماید.

#### «سؤال ۱۴۵» کسی در شوط ششم طواف را رها کرده

و نتوانسته ادامه دهد، دیگری برای او بقیه را بجا می آورد ولیکن نماز طواف را خودش خوانده است؛ بعداً متوجه شده که استراحت در خلال طواف به طواف ضرری نمی رساند و خودش می توانسته طواف را اتمام کند؛

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۷۹

اکنون تکلیف او چیست؟

جواب: بعد از اتمام طواف و نماز آن، بنا بر احتیاط طواف و نماز را اعاده نماید.

#### «سؤال ۱۴۶» شخصی در حال طواف از روی اشتباه به قصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام می شود

و بعد از متوجه شدن بر می گردد و از همانجا که وارد حجر شده بود طواف را ادامه می دهد؛ آیا طوافش صحیح است؟

جواب: بلی صحیح است.

#### «سؤال ۱۴۷» آیا می شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را از اول شروع کرد؟

جواب: بنا بر احتیاط بدون عذر آن را به هم نزنند؛ و اگر بعد از به هم زدن به قدری صبر کنند که موالات از بین برود طواف او صحیح است.

#### «سؤال ۱۴۸» اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل علیه السلام بجا آورده

و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

جواب: بنا بر احتیاط یک شوط طواف کند و نماز آن را بخواند و سپس اصل طواف و نماز را اعاده نماید.

#### «سؤال ۱۴۹» افرادی بعد از انجام مقداری از طواف عمداً آن را رها می کنند

و بلافاصله دوباره شروع می کنند، طواف آنها چه صورت دارد؟

جواب: اشکال دارد.

#### «سؤال ۱۵۰» شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده

و احتمال می دهد در آن حال چند قدمی هم راه رفته باشد، فعلاً که از طواف فارغ شده وظیفه اش چیست؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۰

جواب: اگر می دانسته که باید کعبه را در حال طواف در طرف چپ خود قرار دهد و احتمال می دهد که از روی غفلت چند قدم رو به کعبه طواف کرده باشد به شک خود اعتنا نکند.

#### «سؤال ۱۵۱» شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده

بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

جواب: طواف در خارج از محدوده در صورت متصل بودن به طواف کنندگان اشکال ندارد؛ بنابراین اگر بعد از آنکه موالات از بین برود طواف را از سر گرفته باشد اشکال ندارد؛ و گرنه اشکال دارد.

#### «سؤال ۱۵۲» اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و

یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد تکلیف او چیست؟

جواب: اگر نمی تواند برگردد و اعمال عمره را تکمیل کند، حج تمتع او به حج افراد تبدیل می شود.

#### «سؤال ۱۵۳» شخصی در اثنای طواف به خاطر بوسیدن و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده

و نمی داند در بازگشت طواف را از همان نقطه که رها کرده ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

جواب: اگر مسأله را می دانسته به شک خود اعتنا نکند.

#### «سؤال ۱۵۴» شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است

و پس از آن به جای اینکه همان مقدار را جبران کند شوط دیگری بجا آورده است و به این ترتیب مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می شود، آیا این طواف صحیح است یا نه؟

جواب: صحیح نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۱

#### «سؤال ۱۵۵» شخصی در شوط اول طواف بوده که نماز جماعت شروع می شود

و طواف را قطع می کند و مشغول نماز می شود و پس از نماز، طواف را از سر می گیرد و هفت شوط کامل بجا می آورد،

آیا طواف او صحیح است؟

جواب: اگر بدون به هم خوردن موالات از سر گرفته باشد اشکال دارد. بلی اگر از روی سهو و غفلت کمتر از یک شوط بر طواف خود اضافه کرده باشد اشکال ندارد؛ هر چند خوب است طواف را اعاده نماید.

**«سؤال ۱۵۶» اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد،**

آیا می تواند در ماههای غیر حج انجام دهد؟

جواب: ظاهراً مانعی ندارد.

**«سؤال ۱۵۷» اگر کسی از روی اشتباه طواف را از رکن یمنی شروع و به همانجا ختم کرده باشد**

و پس از خواندن نماز طواف متوجه شده باشد، طواف او چه حکمی دارد؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شده و طوافش را به حجرالأسود ختم کرده باشد، مقدار زاید ضرری به طواف او می رساند یا نه؟

جواب: در فرض سؤال بنا بر احتیاط شوط آخر را به حجرالأسود ختم کند و نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نماز را اعاده نماید.

**«سؤال ۱۵۸» کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد**

- یعنی جمعیت او را می برند- آیا می تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

جواب: مشکل است.

**«سؤال ۱۵۹» مواردی که باید طواف را احتیاطاً تمام کند**

و پس

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۲

از نماز طواف آن را اعاده نماید، آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد (یعنی چنانچه آن مقدار که انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط به قصد طواف باشد و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) و دو رکعت نماز بخواند کافی است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

**«سؤال ۱۶۰» شخصی در عمره تمتع بعد از تقصیر می فهمد طواف وسعی او باطل بوده**

و مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام می دهد؛ آیا عمل او مجزی و صحیح است؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند؟

جواب: در فرض سؤال طواف و سعی او صحیح است و باید تقصیر را اعاده کند؛ و پوشیدن لباس دوخته اگر از روی جهل بوده کفاره ندارد.

### «سؤال ۱۶۱» کسی که از طواف - حتی در خارج مظاف - عاجز است

و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابتی در محدوده از او کفایت می کند؟

جواب: صرف مشکل بودن مجوز نایب گرفتن نیست؛ بلی اگر به حدّ عسر و حرج برسد مانعی ندارد.

### «سؤال ۱۶۲» اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا باید نایب بگیرند یا با تخت روان طواف داده شوند؟

با اینکه متصدیان تخت روان در خارج محدوده طواف می دهند.

جواب: باید با تخت روان طواف کنند؛ و طواف در خارج از محدوده در صورت اتصال عرفی به طواف کنندگان در حال اختیار نیز مانعی ندارد.

### «سؤال ۱۶۳» شخصی در عمره تمتع پس از اتمام طواف به دلیل

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۳

دلچسب نبودن طواف بدون خواندن نماز آن یک طواف دیگر بجا می آورد و بعداً نماز و سعی و سپس تقصیر را انجام می دهد، آیا عمل او درست است؟

جواب: بنا بر اقوی عملش صحیح است.

### «سؤال ۱۶۴» شخصی طواف خود را به هم می زند

و طواف دوم را شروع می کند و آن را نیز به هم می زند و طواف سوم را آغاز کرده و به اتمام می رساند، وظیفه او چیست؟

جواب: اگر بدون به هم خوردن موالات دوباره شروع کرده باشد اشکال دارد و بنا بر احتیاط باید بعد از به هم خوردن موالات، طواف و نماز آن را اعاده نماید.

### «سؤال ۱۶۵» زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بوده تیت طواف کرده

و با او ادامه داده است و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او به جای اینکه یک شوط دیگر انجام دهد تا طوافش کامل شود طواف را از سر گرفته و بعد نماز طواف خوانده است؛ آیا طواف زن صحیح است؟

جواب: باید یک شوط به نیت اتمام طواف اول انجام دهد و نماز طواف را اعاده نماید.

**«سؤال ۱۶۶» بعد از پایان هفت شوط چند قدمی را به قصد جزئیت پیموده است،**

آیا طوافش باطل شده یا نه؟

جواب: اگر از روی علم و عمد بوده طوافش باطل است؛ و اگر از روی سهو و غفلت بوده صحیح است.

**«سؤال ۱۶۷» شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداده**

و بدون خواندن نماز طواف شروع به سعی کرده و چند شوط آن را انجام داده است و سپس تقصیر کرده و از احرام خارج می شود، تکلیفش چیست؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۴

جواب: بنابر احتیاط آن طواف را تکمیل کند و نماز آن را بخواند و سپس طواف و نماز را اعاده کند و بعد از آن باقیمانده سعی را انجام دهد و سپس اعاده نماید و بعد از آن تقصیر را اعاده کند؛ و اگر از روی جهل یا نسیان بوده کفاره ندارد.

**«سؤال ۱۶۸» کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد**

و بقیه شوطها را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

جواب: اگر بعداً متمکن شود- هر چند به وسیله تخت روان- طواف را اعاده نماید؛ و اگر متمکن نباشد، بنابر احتیاط برای انجام یک طواف کامل نایب بگیرد.

**«سؤال ۱۶۹» کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است،**

آن را تمام کرده و مشغول اعاده است که دوباره در یکی از شوطها، طواف مثل اول قطع می شود؛ آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

جواب: اگر مثل اول باشد اتمام آن طواف لازم نیست و اعاده کفایت می کند.

**«سؤال ۱۷۰» کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده**

و از اول شروع نموده، آیا طواف او صحیح است؟ و چنانچه اعمال بعدی و تقصیر را انجام داده باشد وظیفه او چیست؟

جواب: اگر قبل از به هم خوردن موالیت از سر گرفته باشد محل اشکال است و بنابر احتیاط باید طواف و اعمال بعدی را اعاده نماید.

### «سؤال ۱۷۱» در اثر ناچاری برای نظافت مسجدالحرام عده ای را از مظاف خارج کردند

و اینها به خیال به هم خوردن موالات عرفیه طواف را از سر گرفتند؛ با شک در به هم خوردن موالات آیا طوافشان درست است؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۵

جواب: اگر در آن حال معتقد بوده اند که موالات به هم خورده و بعد از انجام طواف شک حاصل شده است اعتنا به شک نکنند؛ و اگر در حال شک طواف را از سر گرفته باشند بنا بر احتیاط بعد از بر هم خوردن موالات طواف را اعاده نمایند.

### «سؤال ۱۷۲» اگر کسی در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده

تکلیف او چیست؟

جواب: اگر زیادی کمتر از یک شوط باشد طواف صحیح است؛ و اگر بیشتر باشد بنا بر احتیاط طواف و نماز آن را اعاده کند و سعی را هم بعد از اتمام اعاده نماید.

### «سؤال ۱۷۳» شخصی طواف خود را انجام داده و بعداً دو شوط به قصد رجاء برای جبران نقص احتمالی بجا آورده است،

آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

جواب: اضافه بی مورد بوده، ولی چون به قصد رجاء بوده نه به قصد جزئیت، به طواف خللی نمی رساند.

### «سؤال ۱۷۴» شخصی بعد از اتمام طواف سهواً یک شوط زیاد کرده است

و بعد مردد است که سه یا چهار شوط دیگر بجا آورده است، و سپس همه اعمال عمره را نیز بجا آورده؛ آیا طواف او باطل است؟ و آیا تردید در عدد شوطهای اضافی مضرّ نیست؟

جواب: بنا بر احتیاط طواف و اعمال بعد از آن را اعاده نماید.

### «سؤال ۱۷۵» شخصی چند متر از یک شوط را خراب کرده است

و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست یک شوط کامل از حجرالأسود شروع و به آنجا ختم می کند- به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد جهت اطمینان- آیا این طواف صحیح است؟

جواب: اگر زاید بر مقدار باطل را به قصد طواف انجام نداده

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۶

باشد طوافش صحیح است؛ ولی اطلاق مقدمه علمیه بر تمام مقدار زاید صحیح نیست، بلکه فقط مقدار مشکوک از باب مقدمه علمیه می باشد.

### «سؤال ۱۷۶» شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می کند

و پس از آن شش شوط دیگر بجا می آورد و بعد از آن نقیصه شوط اول را بجا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟  
جواب: صحیح نیست.

### «سؤال ۱۷۷» شخصی به جهت عذری طواف را قطع کرد و موالات به هم خورد؛

قبل از نصف، یا بعد از نصف طواف و قبل از چهار، یا بعد از اكمال چهار شوط، وظیفه او چیست؟  
جواب: در فرض اول طواف باطل، و در فرض دوم بنا بر احتیاط واجب اتمام و اعاده لازم، و در فرض سوم اتمام کافی است و اعاده بعد از اتمام و نماز آن بنا بر احتیاط استحبابی می باشد.

### «سؤال ۱۷۸» آیا مبادرت به طواف و نماز آن برای معذورین از طهارت مائیه، بلکه مطلق ذوی الاعذار جایز است؟

و بر فرض جواز اگر قبل از انقضای وقت عذر بر طرف شد آیا باید اعاده کند؟

جواب: اگر به رفع عذر تا آخر وقت امید دارد بنا بر احتیاط واجب صبر کند؛ ولی در موارد یأس از رفع عذر می تواند نماز و طواف را اول وقت انجام دهد. ولی اگر بعداً قبل از انقضای وقت عذر برطرف شد احتیاطاً طواف و به تبع آن نماز را اعاده نماید.

### «سؤال ۱۷۹» فردی که دارای قند خون بالایی است و در هنگام طواف نیازمند به تجدید وضو

(دو یا سه مرتبه در هر طوافی) است آیا باید نایب بگیرد یا می تواند تجدید وضو کند؟

جواب: در فرض مذکور اگر ایشان مستطیع است باید خودش حج را بجا آورد و عذر مذکور مجوز نایب گرفتن نیست. و نیز پس

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۷

از آن که برای حج یا عمره مستحبی و یا واجب، محرم شد باید خودش طواف و نماز را انجام دهد، به این صورت که هر چند با تمهیدات لازم وقتی را انتخاب کند که در طول طواف و نماز وضوی خود را حفظ نماید و اگر نمی تواند باید حداقل وقتی را انتخاب نماید که چهار دور اول را با یک وضو و سپس برای بقیه آن و نیز برای نماز طواف تجدید وضو نماید. و چنانچه این مقدار را هم نمی تواند اگر برای هر بار که ضرورت پیدا کرد تجدید وضو نماید و بلافاصله بقیه را ادامه دهد کافی است.

### «سؤال ۱۸۰» اگر طواف عمره تمتع یا طواف حج را جهلاً ترک کرده

یا ناقص انجام داده باشد و بعد از موسم حج بفهمد که ترک شده یا ناقص انجام شده آیا تدارک آن طوافها در غیر ماههای حج - مثل محرم و رجب - کافی است؟

جواب: در مفروض سؤال که از روی جهل ترک شده و تا آخر ذیحجه جبران نکرده، عمره و حج او باطل است و علاوه بر اعاده حج باید یک شتر کفاره بدهد. و این حکم در مورد ترک طواف عمره تمتع مبنی بر احتیاط است. و در هر حال گرچه محتمل است احرامش باطل شده باشد ولی احتیاط آن است که با انجام یک عمره مفرده با احرام جدید، خروج از احرام را احراز نماید.

### «سؤال ۱۸۱» در منی روز دوازدهم ذیحجه غسل کرده به قصد انجام اعمال مکه

و بدون وضو به مکه آمده و طواف و نماز و سایر اعمال را انجام داده است و می دانسته که در مکه پنج عمل باید انجام دهد. آیا اعمال او به نحو مذکور صحیح و مجزی است؟

جواب: کفایت اغسال مستحبی از وضو مشکل است و بنابر احتیاط واجب ایشان در فرض مذکور، حکم کسی را دارد که بدون طهارت، طواف و نماز آن را انجام داده است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۸

### «سؤال ۱۸۲» آیا انسان می تواند قبل از انجام طواف نساء عمره مفرده، دوباره برای عمره مفرده دیگر محرم شود

---

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

احکام و مناسک حج (منتظری)؛ ص: ۳۸۸

و بعداً طواف نساء انجام دهد؟ در فرض مذکور باید دو طواف نساء بکند یا یکی کافی است؟

جواب: قبل از انجام طواف نساء عمره مفرده، صحت احرام برای عمره دیگر محل تأمل است ولی اگر محرم شود بنابر احتیاط واجب برای هر کدام طواف نساء جداگانه انجام دهد.

### «سؤال ۱۸۳» منظور از لزوم رعایت موالات عرفی در هنگام طواف چیست؟

جواب: هفت شوط طواف، عمل واحد است؛ و باید به گونه ای انجام شود که عرفاً عمل واحد محسوب گردد بدین گونه که میان آنها فاصله نیفتد.



### «سؤال ۱۸۴» با توجه به جمعیت حاجیان در ایام حج تمتع

و نیز این که مقام ابراهیم علیه السلام در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از کعبه جدا نبوده آیا رعایت طواف در محدوده داخل مقام ابراهیم علیه السلام ضروری است؟

چقدر باید در این باره احتیاط و وسواس به خرج داد؟

جواب: با فرض کثرت جمعیت و اتصال آنان، طواف در خارج محدوده مقام ابراهیم علیه السلام مانعی ندارد. در این رابطه می توانید به مسأله ۴۱۰ مناسک اینجانب مراجعه فرمایید.

### «سؤال ۱۸۵» شخصی در طواف واجب در محدوده مطاف با توجه و التفات طواف را در محدوده شروع کرده

پس از چند شوط در اثر ازدحام از کعبه فاصله گرفته و به طواف ادامه داده است و سپس شک کرده که از مطاف خارج شده یا نه، آیا استصحاب بقاء در مطاف جاری است؟

جواب: در مفروض سؤال استصحاب بقاء در مطاف و عدم خروج از آن جاری است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۸۹

### «سؤال ۱۸۶» شخصی چند شوط طواف را به جا آورده سپس آن را رها می کند

و طواف را از اول شروع می کند. وی می گوید:

می خواهم خاطر جمع باشم. آیا این طواف مستأنف مجزی است؟

و آیا فرقی بین چهار شوط و کمتر از چهار شوط هست؟ و در هر حال وظیفه چیست؟

جواب: اگر قبل از فوت موالات، طواف را از نو شروع کند اشکال است، و به احتیاط واجب باید پس از فوت موالات آن را اعاده نماید و چنانچه بعد از شوط چهارم بوده بنابر احتیاط واجب طواف را اتمام و سپس اعاده کند.

### «سؤال ۱۸۷» کسانی که از ذوی الاعذار محسوب می شوند نوعاً در ایام حج طبق نظر مقامات سعودی اجازه طواف در پایین را ندارند

و باید در طبقه اول مسقف مسجدالحرام با ویلچر طواف کنند. آیا طواف به این نحو کافی است یا باید در فضای مطاف در طبقه پایین نایب بگیرند؟

جواب: در مفروض سؤال اگر طواف آنان در بالاتر از کعبه بوده علامه بر طواف خود، گرفتن نایب لازم است؛ و اگر بالاتر نبوده لازم نیست.

### «سؤال ۱۸۸» شخصی بعد از حج و انقضای ماه ذیحجه متوجه شد طواف عمره تمتع او یا طواف حج تمتع او باطل بوده است،

مثلاً بدون وضو بوده یا وضوی او باطل بوده است. آیا تدارک طواف و نماز طواف کافی است یا در احرام باقی است و وظیفه دیگری دارد؟

جواب: طواف و نماز طواف را تدارک نماید و سعی و تقصیر را نیز انجام دهد و تا انجام نداده در احرام باقی است و با همسرش ارتباط برقرار نکند.

### «سؤال ۱۸۹» حضرتعالی طواف پشت مقام را

در صورتی که

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۰

متصل به صفوف طواف کنندگان باشد صحیح می دانید. اما گاهی برای نظافت مسجدالحرام طواف کنندگان را کلاً به پشت مقام می برند به طوری که بین مقام و خانه خالی می ماند ولی طواف کنندگان همین طور با جمعیت به طواف خود (پشت مقام) ادامه می دهند. در این صورت آیا طواف صحیح است؟

جواب: طواف خلف المقام در صورتی مجزی است که جمعیت متصل باشد به بیت، ولی در صورتی که از مقام تا بیت خالی باشد عرفاً طواف بالبیت صادق نیست بلکه طواف در مسجد صادق است؛ چنانکه در صحیح محمد بن مسلم می فرماید: «فمن طاف و تباعد من نواحیه ابعده من مقدار ذلک کان طائفاً بغير البیت بمنزله من طاف بالمسجد لانه طاف فی غیر حدّ و لا طواف له» (۱/ ۲۸ ابواب طواف). پس در مفروض سؤال باید صبر کنند تا مانع برطرف شود.

### «سؤال ۱۹۰» آیا برای اینکه یقین کنیم هفت دور طوافمان دقیقاً از جلوی حجرالأسود شروع می شود آیا می توانیم قبل از رسیدن به حجرالأسود به صورت زیر نیت کنیم:

«از هر کجا شانه‌چپ من مقابل اولین قسمت حجر قرار می گیرد طواف من شروع می شود و به هر کجا که لازم است ختم شود ختم می شود» و در زمان رسیدن به حجرالأسود بدون توقف به حرکت خود با نیت فوق ادامه دهیم؟  
جواب: مانعی ندارد.

### «سؤال ۱۹۱» اگر فردی در حال طواف شک کند که شوط ششم است یا شوط هفتم وظیفه او چیست؟

آیا می تواند طواف را رها نموده و دوباره آن را از سر بگیرد؟

جواب: شک در عدد شوطهای طواف قبل از تمام شدن آن موجب بطلان طواف است؛ و وظیفه، از سر گرفتن آن می باشد.  
در

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۱

این رابطه می توانید به مسأله ۴۳۱ مناسک مراجعه فرمایید.

یادآوری می شود: باید بین طوافی که باطل شده و طواف مجدد مقداری فاصله شود که عرفاً موالات به هم بخورد.

### «سؤال ۱۹۲» طواف و نماز طواف را با بدن نجس یا لباس نجس جهلاً و یا نسیاناً بجا آورده،

آیا اعاده لازم است؟ و تکلیف او نسبت به اعمال مترتبه چیست؟

جواب: اگر نمی دانسته است لباس یا بدن او نجس است نماز و طواف صحیح است؛ ولی اگر در اثر فراموشی تنها نماز را با آن خوانده است باید نماز را اعاده کند؛ و اگر طواف را نیز در اثر فراموشی با لباس یا بدن نجس خوانده است بنا بر احتیاط طواف و نماز آن و نیز اعمال بعدی را اعاده نماید.

### «سؤال ۱۹۳» با توجه به ازدحام جمعیت و اختلاط بین زنها و مردها در ایام حج

قهراً تماس بدنی بین زنها و مردها صورت می گیرد؛ آیا در چنین حالتی انجام طواف مستحبی جایز است و ثوابی بر آن مترتب می باشد؟

جواب: اگر تماس به نحو حرام باشد جایز نیست؛ ولی مجرد به هم خوردن اشکال ندارد.

### «سؤال ۱۹۴» با عنایت به اینکه مقام ابراهیم علیه السلام در ابتدا نزدیک کعبه قرار داشت

و نصب آن در ۲۶ ذراعی خانه کعبه ظاهراً در سال ۱۷ هجری صورت گرفته است آیا رعایت طواف بین بیت و مقام فعلی الزامی است یا در صورت ازدحام از نزدیکترین فاصله به بیت می توان طواف را انجام داد؟ و آیا خواندن نماز طواف با توجه به ازدحام در اطراف مقام چگونه است؟ همچنین در زمانی که خلوت است آیا می توان نماز طواف را بین مقام ابراهیم علیه السلام و کعبه خواند؟

جواب: طواف در فاصله دورتر از مقام ابراهیم علیه السلام نیز صحیح

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۲

است به شرط آنکه از جمعیت طواف کننده فاصله نگیرد. و نماز طواف واجب، بنا بر احتیاط واجب باید پشت مقام فعلی و نزدیک به آن باشد به نحوی که مقام در جلوی او قرار گیرد و عرفاً گفته شود نزد مقام نماز خوانده است مگر اینکه در اثر جمعیت نتواند و مزاحم او شوند که می تواند عقب تر بخواند؛ ولی احتیاطاً نزدیکترین محل را به مقام انتخاب کند و فرقی بین زمان خلوت و غیر آن وجود ندارد. ولی نماز طواف مستحبی را هر جای مسجدالحرام می توان خواند.

### شک در طواف

«سؤال ۱۹۵» اگر در اثنای طواف در صحت شوط سابق یا صحت جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است شک کند

وظیفه او چیست؟

جواب: اعتنا نکند.

### «سؤال ۱۹۶» کسی در وقت طواف شک در شوطها پیدا کرد و بعد گمانش به یک طرف رسید

و بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحیح بودن طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

جواب: صحیح است.

### «سؤال ۱۹۷» اگر در حال طواف یا سعی و یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است

و با همین حال طواف یا سعی و یا نماز را ادامه دهد و بعد به یک طرف شک یقین کند و اعمال را تمام کند، آیا عملش با این کیفیت صحیح است؟

جواب: ادامه دادن نماز در حال شک صحیح نیست؛ ولی اگر طواف و سعی را در حال شک به امید اینکه شک او مبدل به یقین شود ادامه دهد، در صورت تبدل شک به یقین صحیح بودن آن بعید نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۳

### «سؤال ۱۹۸» در مواردی که شخص در عدد شوطها شک می کند

اگر تجدید طواف نماید و در اثنای آن کشف شود که طواف اول شش شوط بوده تکلیف او چیست؟

جواب: طوافی را که دوباره شروع کرده است رها نماید و طواف اول را تکمیل کند.

## نماز طواف

### «سؤال ۱۹۹» در موقعی که شخص طواف کرده و در اثر زیادی جمعیت نتوانسته است نزدیک مقام نماز بخواند

و در آن وقت چاره ای نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟ و در صورت امکان خواندن نماز در نزدیک مقام، اعاده آن در همان روز یا روزهای دیگر لازم است؟

جواب: اگر در محل نزدیک ممکن نبوده، صحیح است و اعاده آن لازم نیست.

### «سؤال ۲۰۰» احياناً انسان می داند که اگر نماز طواف را شروع کند طواف کننده ها می آیند و او را حرکت می دهند

و جابجا می کنند، ولی در عین حال نماز را شروع می کند؛ آیا اگر این نماز را تمام کند صحیح است یا نه؟

جواب: اگر بداند اشکال دارد؛ ولی اگر شک داشته باشد و به امید اینکه بتواند بخواند شروع کند اشکال ندارد.

**«سؤال ۲۰۱» اگر کسی نماز طواف را در غیر مقام ابراهیم علیه السلام بخواند**

و با اعتقاد به صحیح بودن آن بقیه اعمال را انجام دهد وظیفه او چیست؟

جواب: نماز را در پشت مقام اعاده کند و بقیه اعمال او صحیح است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۴

**«سؤال ۲۰۲» آیا جایز است که نماز طواف واجب را احتیاطاً به نماز یومیه و یا به نماز طواف مستحب امام اقتدا کرد**

یا جایز نیست و فقط باید نماز طواف واجب باشد؟

جواب: اقتدا به نماز یومیه یا نماز طواف واجب رجاءاً در صورت عدم اکتفا به آن و اعاده آن به نحو فرادی مانعی ندارد؛ ولی اقتدا به نماز طواف مستحب صحیح نیست.

**«سؤال ۲۰۳» آیا «صلاه معاده» «۱» در نماز طواف واجب مشروع است یا خیر؟**

جواب: مشروعیت آن محرز نیست، ولی به قصد رجاء مانعی ندارد.

**«سؤال ۲۰۴» کسی که هر چه کوشش می کند موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح نماید، نمی تواند**

و نیز شخص دیگری را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نمی کند، وظیفه اش چیست؟

جواب: باید به هر نحوی که می تواند بخواند و بنا بر احتیاط نایب هم بگیرد.

**«سؤال ۲۰۵» کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند،**

آیا می توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس اقتدا کنند؟ همچنین کسی که نایب است به کسی که نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و یا بالعکس می تواند اقتدا کند؟

جواب: کسی که قرائتشان درست نیست نمی تواند نایب شود، و اقتدا در نماز مستحبی صحیح نیست؛ و در بقیه فروض اقتدا مانعی ندارد و عمل به احتیاط حاصل می شود. ضمناً احتیاط

---

(۱) - «صلاه معاده» به نمازی می گویند که بر انسان واجب بوده و بجا آورده است و دوباره بخواند آن را بخواند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۵

جماعت، احتیاط مستحبی است و اکتفا به آن جایز نیست؛ بلکه خودش فرادی بخواند و نایب هم بگیرد.

### «سؤال ۲۰۶» افرادی که قرائت صحیح نداشته و نماز طواف را به غلط خوانده اند

و جماعتی فراهم نشده تا نماز را به جماعت بخوانند و نایب هم نگرفته اند، آیا چنین نمازی از آنها کافی و مجزی است؟

جواب: بنا بر احتیاط نایب هم بگیرند.

### «سؤال ۲۰۷» اگر کسی مطمئن باشد قرائت یا سایر اذکار نمازش درست است

و نماز طواف را- اعم از طواف زیارت و نساء- همان گونه بخواند و بعد معلوم شود که اشتباه بوده وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده تا اینکه تصحیح کند، نمازش صحیح است.

### «سؤال ۲۰۸» آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد

که باید نماز آن پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود یا حکم طواف مستحبی را دارد و در هر جای مسجدالحرام می توان نماز آن را بجا آورد؟

جواب: اتمام عمره مفرده پس از احرام واجب است و نماز طواف آن، نماز طواف واجب است و باید پشت مقام خوانده شود.

### «سؤال ۲۰۹» بعضی از مراجع فرموده اند فاصله بین نماز طواف و طواف موجب بطلان طواف می شود،

آیا نظر حضرتعالی در این مسأله همین است؟ در صورت داشتن عذر چطور؟

جواب: در ناسی و جاهل موجب بطلان نیست؛ ولی در عامد خالی از اشکال نیست، بلکه اگر وقت تدارک آن گذشته باشد صحت عمره و حج نیز محل اشکال است.

### «سؤال ۲۱۰» پس از تصحیح حمد و سوره آیا اعاده نماز طواف

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۶

واجب لازم است و آیا در این حکم بین صورتی که شخص در تصحیح قرائت خود کوتاهی کرده و صورتی که کوتاهی نکرده تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تصحیح قرائت نماز طواف در حد امکان و اعاده آن بعد از تصحیح قرائت واجب است، هر چند بعد از خواندن نماز با عذر باشد؛ به شرط اینکه موالات به هم نخورده باشد.

### «سؤال ۲۱۱» کسی که نماز خود را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد

آیا می تواند تبرعاً عمره مفرده استحبایی به نیابت از دیگری انجام دهد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی بنابر احتیاط برای نماز طواف نایب هم بگیرد.

### «سؤال ۲۱۲» شک در سجده های نماز و نمازهای طواف و همچنین ظن در آنها چه حکمی دارد؟

جواب: ظن حکم یقین را دارد و به شک در سجده نیز اگر بعد از گذشتن محل باشد اعتنا نکند، و اگر در محل باشد باید به جا آورد. و فرقی بین نماز طواف و نمازهای یومیه نیست.

### «سؤال ۲۱۳» اگر کسی نماز طواف واجب را طوری بخواند که پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام باشد

ولی طوری ایستاده که به طرف کعبه نبوده بلکه شانه او محاذی کعبه بوده به طوری که کعبه به طرف شانه راست یا چپ یا پشت نماز گزار بوده حکم طواف و نماز آن چگونه است و آیا فرق است بین طواف نساء و غیر آن و چگونه باید آن را جبران کند؟

جواب: در مفروض سؤال اگر برگشتن به مکه برای او مشقت دارد هر جا که هست هر چند در وطن خود آن را بخواند، و فرقی بین نماز طواف حج واجب و طواف نساء وجود ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۷

### سعی بین صفا و مروه

### «سؤال ۲۱۴» در سعی صفا و مروه آیا لازم است سعی بین سنگهای مشخص کوه انجام گیرد؟

و آیا لازم است پای انسان حتماً به سنگهای کوه بخورد و یا همین که به سر بالایی کوه صفا و مروه که اکنون سنگفرش است برسد کفایت می کند؟

جواب: سعی بین دو کوهی که در صدر اسلام بوده کفایت می کند و لازم نیست پاها به باقیمانده از کوهها برسد؛ بلی اگر نداند ابتدای دو کوه کجا بوده، باید از جایی شروع کند که بداند آنجا جزو کوه بوده است.

### «سؤال ۲۱۵» کسی که به علت ندانستن مسأله، سعی صفا و مروه را در عمره تمتع بجا نیاورده

و جهت حج مُحرم شده و به عرفات رفته و پس از مراجعت از عرفات به اشتباه خود پی برده است، حج او چگونه است؟

جواب: در فرض سؤال محتمل است که حج او به حج افراد بدل شده باشد که بعد از حج باید عمره مفرده انجام دهد؛ ولی احتیاطاً وقتی که مسأله را فهمید سعی را نیز انجام دهد؛ و در هر حال اگر حج تمتع بر او واجب بوده باید در سالهای بعد آن را انجام دهد.

**«سؤال ۲۱۶» سکوهای مشترک بین مسجدالحرام و محل سعی برای زنه‌ای حائض چه حکمی دارد؟**

آیا می‌توانند در قسمت مشرف به محل سعی بنشینند؟

جواب: هر نقطه‌ای که محرز نباشد جزو مسجد است، توقف آنها در آن نقطه به حکم «اصاله البرائه و الحلیه» مانعی ندارد و احتیاط لازم نیست؛ ولی ظاهراً هر مقدار از آن نقاط که محاذی درها و ستونهای مسجد است حکم مسجد را دارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۳۹۸

**«سؤال ۲۱۷» شخصی شوط سوم سعی را به هم زده و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر بجا آورده و تقصیر نموده است،**

آیا این سعی صحیح است؟

جواب: اگر فاصله کم بوده و به قدری صبر نکرده که موالات به هم بخورد، بنابر احتیاط باید سعی و تقصیر را اعاده نماید.

**«سؤال ۲۱۸» گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجدالحرام عبور کند،**

در این صورت تکلیف زنه‌ای حائض و نفساء چیست؟ آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

جواب: عبور از مسجدالحرام در حال سعی صحیح نیست و برای زنه‌ای حائض و نفساء جایز نیست؛ و اگر بدون عبور از مسجدالحرام سعی ممکن نباشد و تأخیر آن هم تا آخرین زمان امکان مقدور نباشد باید نایب بگیرند.

**«سؤال ۲۱۹» اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است وظیفه او چیست؟**

به خصوص اگر تقصیر کرده باشد.

جواب: باید سعی و تقصیر را اعاده نماید.

**«سؤال ۲۲۰» اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه شود که پنج شوط بوده،**

آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و آیا تقصیر را هم باید دو مرتبه انجام دهد؟

جواب: اگر زیاد طول نکشیده باشد، سعی را تکمیل کند و تقصیر را اعاده نماید؛ و اگر طول کشیده باشد، احتیاطاً آن سعی را تکمیل کند و پس از آن سعی و تقصیر را اعاده نماید.

**«سؤال ۲۲۱» شخصی در حال سعی در عدد شوطها شک می‌کند**

و با حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و بعد از طی مسافتی یقین می‌کند؛ آیا سعی او درست است؟



جواب: اگر به امید اینکه شک او مبدل به یقین شود سعی را ادامه داده باشد، صحت سعی او بعید نیست.

**«سؤال ۲۲۲» اگر هروله را در محل خود فراموش کند**

و پس از آن متذکر شود و برای تدارک هروله برگردد، آیا این سعی صحیح است؟

جواب: اگر آن مقدار را به قصد رجاء یا احتیاط اعاده کرده مانعی ندارد؛ و اگر با نیت قطعی بوده مشکل است و احوط اعاده سعی می باشد.

**«سؤال ۲۲۳» اگر بعد از گذشتن ماه ذی الحجّه بفهمد که سعی او در عمره تمتع یا حج تمتع باطل بوده تکلیف چیست؟**

آیا قابل جبران است، و اگر هست چه وقت باید بجا آورد؟ آیا احتیاج به اعاده حج دارد یا نه، و از احرام خارج شده است یا نه؟

جواب: اگر بطلان سعی ناشی از سهو یا نسیان یا جهل به موضوع باشد عمره و حج او صحیح است و باید سعی را اگر چه در غیر ماههای حج اعاده کند، و در صورت عدم امکان نایب بگیرد؛ و اگر ناشی از جهل به حکم باشد صحت عمره و حج او محل اشکال است.

**«سؤال ۲۲۴» کسی که می تواند خودش سعی را انجام دهد، آیا می تواند سوار صندلی چرخدار شود**

و او را سعی دهند یا آنکه خودش باید سعی کند؟

جواب: سواره سعی کردن اشکال ندارد. ولی اگر کسی او را سعی دهد صحیح نیست.

**«سؤال ۲۲۵» در سعی آیا موالات در همه اشواط شرط است**

و اگر کسی با عذر یا بدون عذر سعی را بعد از شوط چهارم رها کرد تکلیفش چیست؟ آیا باید همان سعی را تکمیل کند و یا اعاده هم

لازم است؟ لازم به ذکر است که این شخص در روز سعی کرده و در شب برای اعاده و انجام سعی آمده است و بین طواف و سعی هم فاصله انداخته است.

جواب: رعایت موالات عرفی در سعی لازم است، ولی بین طواف و سعی تأخیر تا شب برای رفع خستگی و امثال آن اشکال ندارد؛ اما تأخیر تا روز بعد بدون عذر اشکال دارد.

ضمناً در رابطه با حکم قطع سعی بعد از شوط چهارم یا قبل از آن مسأله ۴۷۷ مناسک ملاحظه شود.

**«سؤال ۲۲۶» در صورتی که در ایام شلوغ به ویلچر یا اجازة سعی در طبقه همکف داده نشود وظیفه چیست؟**

جواب: در فرض سؤال بنا بر احتیاط در طبقه فوقانی سعی را انجام دهد و نایی هم بگیرد که در طبقه همکف سعی را بجا آورد.

**«سؤال ۲۲۷» حضرتعالی در پاسخ به استفتایی فرموده اید: «کسی که می تواند خودش سعی را انجام دهد**

نباید کسی او را سعی دهد اما سواره می تواند سعی کند.» سؤال این است که مقصود از سعی سواره چیست؟ آیا با موتورهای برقی که با باتری کار می کند و توسط راکب هدایت می شود می توان سعی کرد؟

جواب: اشکال ندارد.

**«سؤال ۲۲۸» در مورد فوق آیا در طواف هم می توان چنین کرد؟**

جواب: اشکال ندارد.

**«سؤال ۲۲۹» در مورد عدم توان طواف یا سعی با صرف خوف ضرر و یا احتمال ناتوانی در انجام آن کافی است و یا اطمینان به ناتوانی باید باشد؟**

جواب: در صورت ناتوانی و خوف ضرر، سعی دادن و طواف دادن اشکال ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۱

**«سؤال ۲۳۰» برخی زائران توان شروع طواف یا سعی را دارند**

اما از اتمام آن مطمئن نیستند و خوف ناتوانی در اتمام دارند؛ لطفاً تکلیف آنان را در این موارد بیان فرمایید؟

جواب: مجرد احتمال کافی نیست و می توانند سعی و طواف را شروع نمایند و هر گاه خسته شدند استراحت کنند.

**وقوف به عرفات و مشعر**

**«سؤال ۲۳۱» اگر موقف دو روز اختلاف داشته باشد وظیفه چیست؟**

جواب: اختلاف افق دو روز ممکن نیست و لا اقل یکی از آنها مخالف واقع است؛ ولی در این فرض نیز وظیفه حاج همان است که تفصیل آن در مسأله «۵۱۵» مناسک بیان شده است.

**«سؤال ۲۳۲» شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر بیهوش شده است؛**

اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد وظیفه او چیست؟ و اگر بعد از بیهوشی او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد؟ و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذیحجه به هوش آید- در مکه باشد یا در ایران- چه باید بکند؟

جواب: کفایت وقوف اختیاری عرفات به تنهایی مشکل است و بنابر احتیاط باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود؛ و اگر حج تمتع در ذمه او مستقر بوده یا اینکه استطاعت او باقی بماند، باید در سالهای بعد حج تمتع را بجا آورد.

#### «سؤال ۲۳۳» عده ای در شب دهم ذیحجه در مکانی که به آنها گفته بودند مشعر است اطمینان نمودند و تیت وقوف کردند،

بعد که وقت اضطراری مشعر هم می گذرد معلوم می شود آنجا مشعر نبوده؛ وظیفه آنها چیست؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۲

جواب: بنابر احتیاط باید حج را اتمام نمایند و یک عمره مفرده نیز بعد از اعمال حج انجام دهند؛ و اگر حج قبلاً در ذمه آنها مستقر بوده یا اینکه استطاعت آنها باقی بماند، در سالهای بعد حج را اعاده نمایند.

#### «سؤال ۲۳۴» شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف شبانه مشعر را درک کرده

و عمداً قبل از طلوع فجر برای بردن اثاث و کارهای دیگر به منی رفته است و قصد برگشتن به مشعر را داشته ولی در منی خوابش برده، وظیفه اش چیست؟

جواب: حج او صحیح است.

#### «سؤال ۲۳۵» آیا درک اضطراری مشعر برای معذورین و زنان با صدق مستای وقوف کافی است؟

و آیا قبل از نیمه شب می توانند از مشعر خارج شوند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب قبل از نصف شب از مشعر خارج نشوند.

#### «سؤال ۲۳۶» در شب عید قربان گاهی در اثر ترافیک وسایل نقلیه، رسیدن به سرزمین مقدس مشعر الحرام با تأخیر صورت می گیرد؛

در حالی که امکان پیاده شدن از وسیله نقلیه و پیاده روی وجود دارد؛ سؤال این است که در چه زمانی حاجی پیاده شود و خود را به مشعر برساند؟

جواب: اگر پیاده نشدن موجب فوت وقوف به مشعر شود و پیاده شدن و رسیدن امکان داشته باشد باید پیاده شوند و خود را به مشعر برسانند.

#### «سؤال ۲۳۷» حاجی بعد از وقوف به عرفات سکنه مغزی کرده

و او را شبانه به مشعر الحرام آورده اند و وی را وقوف اضطراری داده اند و بعد او را به بیمارستان مکه برده اند و تا پایان

است. اگر اوليای اين بيمار يا ساير مؤمنين بقيه اعمال او را تبرعاً بجا آورند آيا كافي است؟ و با فرض عدم كفايت وظيفه چيست؟

جواب: اگر در حال وقوف به مشعر به هوش و متوجه بوده است و نيت وقوف کرده است سپس اولياء و يا ساير مؤمنين اعمال مني و مكه او را به نيابت او انجام داده اند و قبل از انقضای ذبحجه هر چند در غير مني او را حلق و يا تقصير کرده اند صحت حج او بعيد نيست، ولي اگر در حال وقوف به مشعر به هوش نبوده است صحت حج او مشكل است و بايد با تبديل احرام حج به احرام عمره مفرده و انجام اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود. و اگر خودش نمي تواند اعمال عمره مفرده را هم انجام دهد براي طواف و نماز و سعی، نايب بگيرند. و احتياط آن است كه گوسفندي نيز در مني يا حول آن ذبح نمايند. و اگر حج او به عنوان حج واجب بوده است و سالهای قبل حج بر او مستقر شده باشد

و یا استطاعت او تا سال آینده باقی باشد باید سال آینده حج را بجا آورد.

### «سؤال ۲۳۸» اگر حاجی - پس از درک وقوف عرفات - در مشعر الحرام صاحب عذر (مانند خوف دستگیری و ...) شود

و مجاز باشد که در شب عید برای اعمال مکه به مکه رود لذا شب عید به مکه رفته و اعمال مکه را انجام داده و صبح عید قبل از طلوع فجر با بازگشت به منی بقیه اعمال را انجام دهد، آیا حج به این صورت صحیح است؟

جواب: بر حسب اخبار وارده و فتاوی فقهای قدیم و جدید زمان طواف و سعی در حج بعد از وقوفین و اعمال سه گانه منی می باشد مگر برای چهار طایفه:

۱- زنی که بترسد بعد از اعمال منی عادت شود و نتواند طواف را بجا آورد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۴

۲- پیرمرد و پیرزنی که نتواند بعد از اعمال منی به مکه برگردند.

۳- بیماری که بترسد بعد از اعمال منی در اثر کثرت جمعیت نتواند طواف را بجا آورد.

۴- کسی که می داند تا آخر ذیحجه در اثر ترس یا جهات دیگر نمی تواند طواف و سعی را انجام دهد؛ ولی خوف در مشعر مجوز تقدیم طواف و سعی نمی باشد.

### اعمال منی

### «سؤال ۲۳۹» لزوم ترتیب در اعمال سه گانه منی مجرد وجوب تکلیفی است یا وضعاً هم لازم است؟

جواب: وضعاً هم لازم است.

### رمی جمرات

### «سؤال ۲۴۰» کسانی که به عنوان راهنما همراه معذورین در شب جهت رمی جمره می روند،

از آنجا که راه چادرها تا جمرات زیاد است و باعث خستگی زیاد می شود آیا می توانند رمی خویش را نیز انجام دهند یا خیر؟ و اگر نایب باشند رمی ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از رمی در روز معذور باشند، رمی در شب مانعی ندارد؛ ولی کافی بودن عمل نیابتی معذور محل اشکال است.

### «سؤال ۲۴۱» آیا جایز است زنانی که می توانند در روز رمی کنند

به علت کثرت جمعیت و قرار گرفتن بین مردهای نامحرم در شب رمی نمایند، یا رمی در شب برای آنها متعین است؟ و اگر

در روز رمی کنند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر رمی در روز برای آنها مستلزم حرج و مفسده نباشد باید در روز رمی کنند؛ و تماس قهری با نامحرم از روی

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۵

لباس بدون تلذذ و ریبه اشکال ندارد.

**«سؤال ۲۴۲» کسی که معذور است و باید خودش در شب رمی کند،**

آیا وظیفه او رمی در شب است یا اینکه روز سیزدهم تمام جمرات را در روز رمی کند و روز سیزدهم عجزی در کار نیست؟

جواب: شب یازدهم و دوازدهم مقدم بر روز سیزدهم است؛ و در صورت ترک آن با عذر و یا بدون عذر روز سیزدهم رمی کند.

**«سؤال ۲۴۳» زنهایی که از وقوف اختیاری مشعر عاجز می باشند**

آیا جایز است نایب شوند؟ و آیا می توانند در شب رمی جمره نمایند؟ یا برای رمی جمره کسی را نایب بگیرند؟

جواب: رمی جمره را باید خودشان روز عید انجام دهند، و اگر روز عید نتوانستند روز یازدهم اول رمی جمره عقبه را قضا کنند و بعد وظیفه روز را انجام دهند؛ ضمناً جهت رعایت ترتیب، قربانی و تقصیر را تأخیر بیندازند و روز یازدهم بعد از رمی جمره عقبه انجام دهند.

**«سؤال ۲۴۴» کسی که می خواهد به نیابت دیگری رمی جمرات کند**

آیا کافی است که هر جمره ای را اول برای خودش رمی کند و پس از آن به نیابت دیگران رمی نماید و بعد جمره وسطی و عقبه را هم همین طور، یا باید اول هر سه جمره را برای خودش رمی کند و بعد برای دیگران؟

جواب: فرض اول نیز صحیح است.

**«سؤال ۲۴۵» کسی که نمی تواند در روز عید رمی کند**

آیا می تواند قبل از رمی، حلق نماید و روز دیگر رمی کند؟

جواب: در فرض سؤال امر دائر بین سقوط ترتیب و تأخیر حلق از روز عید است که تخیر محتمل است؛ ولی احتیاط در تأخیر حلق است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۶

**«سؤال ۲۴۶» سنگریزه هایی در مشعر موجود است و معلوم است از خارج از مشعر آورده اند**

و معلوم نیست که از حرم است یا خارج از حرم؛ آیا می توان برای رمی از آنها استفاده کرد یا نه؟  
جواب: باید احراز کند که از سنگریزه های حرم است.

**«سؤال ۲۴۷» زنی که احتمال بدهد رمی باعث قاعدگی او می شود**

آیا جایز است برای رمی نایب بگیرد یا نه؟

جواب: مجرد قاعدگی عذر نیست؛ مگر اینکه عوارض مجوز نایب گرفتن داشته باشد.

**«سؤال ۲۴۸» اگر کسی می داند یک روز رمی را ترک کرده است ولی نمی داند که روز دهم بوده یا یازدهم و یا دوازدهم،**

وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر قبل از مغرب روز دوازدهم متذکر شود، هر سه جمره را به قصد همان روز رمی کند؛ و اگر بعد از مغرب آن روز متذکر شود، هر سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه رمی نماید.

**«سؤال ۲۴۹» اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه جمره یقین کند**

که یکی از آنها را از هفت سنگ کمتر زده تکلیف او چیست؟

جواب: اگر قبل از انصراف از رمی جمره عقبه یقین کند، تکمیل رمی جمره عقبه کافی است؛ و اگر بعد از انصراف یقین کند، در این فرض نیز کفایت رمی آن به واسطه انحلال علم اجمالی بعید نیست، اگر چه احتیاط بهتر است.

**«سؤال ۲۵۰» اگر شخصی قبل از رمی به حال بیهوشی و اغماء درآید بعضی فرموده اند:**

ولّی او یا دیگری برای او رمی نماید؛ آیا این نیابت تبرّعی برای طواف و سعی هم صحیح و مجزی است یا نه؟ مثلاً اگر قبل از طواف سگته کند و یا حال جنون پیدا نماید به طوری که درک نداشته باشد، آیا جایز است کسی تبرّعاً نیابت کند؟  
جواب: مجزی نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۷

**«سؤال ۲۵۱» همان گونه که مستحضرید جمرات سه گانه را بازسازی و توسعه داده اند**

و طول و عرض و شکل آن تغییر کرده است، به نحوی که ستون قبلی جمرات در طبقات پایینی و بالا در هر جمره به صورت دیواری به طول بیش از ۲۵ متر و ارتفاع پنج متر ساخته شده است که تشخیص محل قبلی ستونها امکان ندارد و ایستادن در آن

محل پر ازدحام برای تشخیص محل ستونهای قبلی کاری دشوار بلکه غیر ممکن است. از این رو خواهشمند است بفرمایید تکلیف حجاج در رمی جمرات چیست؟ و آیا رمی تمامی دیوار مذکور کفایت می کند؟

جواب: با توجه به صدق عرفی «جمرات سه گانه» بر محلهای مذکوره رمی آنها ان شاءالله مجزی است.

### «سؤال ۲۵۲» اطراف بعضی از کوههای مکه که داخل حرم است

توسط افرادی اعم از حکومتی و عادی سیم خاردار کشیده شده و به نظر می رسد که حیازت کرده اند. آیا برداشتن سنگ برای رمی جمرات از دامنه های این کوهها که سیم خاردار کشیده اند اشکال دارد؟

جواب: با احراز تحجیر نمی توان در آن تصرف نمود مگر در حدی که شاهد حال بر رضایت تحجیر کننده وجود دارد؛ و ظاهراً در موارد مذکور تصرفاتی در حد برداشتن ریگ برای رمی جمره، مورد رضایت است.

### «سؤال ۲۵۳» آیا رمی در طبقات بالا هم صحیح است؟

جواب: رمی در طبقات بالا هم صحیح و کافی است.

### «سؤال ۲۵۴» کسانی که به عنوان راهنما و مراقب همراه معذورین شب دهم پس از وقوف اضطراری به منی می روند

آیا می توانند به نیابت خانمها رمی نمایند یا با توجه به اینکه مرد می باشند نمی توانند؟

جواب: در موارد جواز نیابت اشکال ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۸

### «سؤال ۲۵۵» در شب دهم ذیحجه مراقبینی که همراه معذورین پس از وقوف اضطراری مشعر، به منی می روند

و نایب نیستند آیا می توانند خود نیز در همان شب رمی کنند یا باید در روز رمی کنند؟

جواب: با وجود عذر برای وقوف اختیاری مشعر، رمی در شب عید برای معذورین عمومی اشکال ندارد ولی همراه باید بعد از طلوع آفتاب رمی کند.

### «سؤال ۲۵۶» اگر روز عید قربان رمی جمره قبل از قربانی واقع شود

یا برای قربانی وکیل گرفته و همان موقع خودش به طرف رمی می آید و نمی داند که رمی جمره بعد از قربانی انجام شده یا قبل از آن، تکلیف چیست؟

جواب: قربانی باید بعد از رمی باشد ولی اگر از روی فراموشی یا اشتباه جلوتر انجام شود اشکال ندارد.



### «سؤال ۲۵۷» اگر کسی به انسان نیابت دهد که برای او قربانی کند

و مجتهد منوب عنه در قربانی به شرایط اضافی قائل باشد، آیا لازم است نسبت به قربانی جهت او مطابق فتوای مجتهد منوب عنه عمل شود یا طبق نظر مجتهد نایب نیز کفایت می کند؟

جواب: نایب در حج طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل می کند؛ مگر اینکه در ضمن اجاره، شرط اضافی شده باشد. ولی کسی که فقط در قربانی و کالت دارد باید طبق و کالت خود عمل کند و موکل باید به نحوی و کالت بدهد که طبق فتوای مرجع تقلید خود مجزی و صحیح باشد.

### «سؤال ۲۵۸» اگر در اثر ندانستن مسأله یا عدم اطلاع از غروب آفتاب قربانی را در شب انجام دهد

کافی است یا در روز مجدداً باید قربانی کند؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۰۹

جواب: اگر از روی ندانستن مسأله در شب ذبح کرده باشد احوط اعاده است؛ بلکه اگر به خیال اینکه غروب نشده است ذبح کرده باشد، کفایت آن مشکل است و در این فرض نیز احوط اعاده است.

### «سؤال ۲۵۹» اگر کسی به فردی نیابت دهد که برای او قربانی کند،

آیا لازم است نایب خودش ذبح کند یا می تواند دیگری را برای قربانی کردن نایب کند؟

جواب: بستگی به کیفیت توکیل دارد.

### «سؤال ۲۶۰» اگر ذبح در منی تا اواخر ذیحجه برای کسی ممکن باشد،

آیا می تواند در روز عید پس از رمی جمره عقبه حلق کند و از احرام بیرون آید و اعمال مکه را نیز انجام دهد و سپس در روزی که امکان داشت در منی قربانی نماید یا خیر؟

جواب: در مفروض سؤال مانعی ندارد.

### «سؤال ۲۶۱» اگر قربانی در منی و در ایام تشریق ممکن نباشد

ولی بعضی از حجاج احتمال دهند در روزهای باقیمانده ذیحجه می توانند در منی قربانی کنند لکن عسر و حرج دارد، آیا لازم است قربانی را تأخیر اندازند یا ذبح در خارج منی و در روز عید کفایت می کند؟

جواب: در فرض سؤال، ذبح در قربانگاه فعلی در روز عید کافی است.

### «سؤال ۲۶۲» در صورتی که ذبح در منی میسور نباشد،

ذبح در هر یک از قربانگاههای واقع در وادی محسّر کافی است یا باید در الاقرب به منی فلاقرب ذبح کرد؟

جواب: اقرب به منی احوط است؛ مگر اینکه قربانگاههای وادی محسّر از جهتی ترجیح داشته باشد، مثل اینکه گوشت قربانی در آن قربانگاهها ضایع نمی شود که در این فرض می توانید در آنجا ذبح کنید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۰

### «سؤال ۲۶۳» با توجه به اینکه قربانی در زمان ما در منی نوعاً ممکن نیست،

آیا دلیلی بر لزوم الاقرب فلاقرب داریم؟ و یا خارج منی شامل هر جایی می شود، که در این صورت حاجی می تواند وکالت دهد تا در وطن خود در ساعت معینی برای او قربانی کنند و قهراً گوشت قربانی نیز به هدر نمی رود؟ و از طرفی بعضی شبهه کرده اند که در صورت به هدر رفتن قربانی اسراف محسوب می شود و حرام است و عمل حرام چگونه می تواند عبادت و مقرب باشد؟

جواب: از مجموع ادله بعید نیست استفاده شود که ذبح در منی علاوه بر استفاده از گوشت قربانی جنبه شعاری و تأسی به حضرت ابراهیم علیه السلام نیز دارد که در صورت عدم تمکن ذبح در منی اگر در قربانگاه فعلی ذبح شود تا حدی آن شعار محفوظ می ماند؛ ولی در صورت ذبح در وطن، آن شعار به طور کلی از بین می رود.

### «سؤال ۲۶۴» اینجانب در موقع رمی جمرات در اثر ازدحام جمعیت از کاروان خود جدا شده و گم شدم.

پس از بجا آوردن رمی جمرات به علت ناراحتی و ترس، قبل از قربانی کردن چند تار مو از بغل گوش خود باقیچی چیدم و بعد از آن متوجه شدم که قبل از تقصیر باید قربانی می کردم لذا پس از قربانی مجدداً تقصیر کردم و سپس به طور کامل عمل تقصیر را انجام دادم. آیا این عمل اضافه من کفاره دارد؟

جواب: در مفروض سؤال اعمال شما صحیح است و چیدن چند مو قبل از قربانی نیز اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده کفاره ندارد.

### «سؤال ۲۶۵» آیا ذبح در شب یازدهم برای کسی که نتوانسته در روز عید، قربانی کند جایز است؟

جواب: ذبح در شب برای غیر خائف محل اشکال است و در مورد سؤال روز یازدهم ذبح نماید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۱

### «سؤال ۲۶۶» آیا محرم می تواند قبل از رمی جمره عقبه و قربانی برای خود،

در روز عید به نیابت از دیگران قربانی کند؟

جواب: وجهی برای منع نیست، صید یکی از تروک احرام است ولی ذبح از تروک احرام نیست.

### «سؤال ۲۶۷» با توجه به مسأله تقسیم قربانی به سه قسمت

بین فقرای مؤمنین، هدیه به مؤمنین، و مصرف خود حاجی و با طرح جدید قربانی در کشتارگاههای صنعتی که همه گوشتهای آن را برای کشورهای اسلامی می فرستند ولی نمی دانیم که به فقیر مؤمن می رسد یا نه و از جهت دیگر خود حجاج برای ذبح به کشتارگاه نمی روند (الآن نادراً)، بنابراین راه حلی که در مسأله ۵۷۳ مناسک در وکالت گرفتن از فقیر مؤمن ذکر شده امکان عملی ندارد و از طرفی گوشت در خارج از آن سیستم ارزشی ندارد و با توصیه های پزشکی هم سازگاری ندارد. آیا وظیفه حجاج نسبت به مسأله تقسیم قربانی و یا ضامن بودن سهم فقرای مؤمن و ... چه می شود؟

جواب: اگر گوشت قربانی در خارج از آن سیستم ارزش مالی ندارد و یا امکان ندارد که در مورد آن تقسیم شود مسئولیت مرتفع می گردد.

### «سؤال ۲۶۸» در مناسک مرقوم فرموده اید: اعمال روز عید (رمی جمره عقبه، ذبح قربانی، حلق و یا تقصیر) باید به ترتیب انجام شود.

حال سؤال این است با توجه به وضع فعلی اگر کسی نتواند در روز عید، قربانی کند آیا می تواند بعد از رمی جمره عقبه در همان روز حلق یا تقصیر نماید و از احرام خارج شود، یا باید هرچند در روزهای بعد، پس از قربانی تقصیر یا حلق نماید؟

جواب: پس از قربانی در روزهای بعد تقصیر یا حلق را انجام دهد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۲

### حلق و تقصیر

### «سؤال ۲۶۹» اگر کسی در اثر ندانستن مسأله پس از قربانی از احرام خارج شود

و بعد از مدتی متوجه اشتباه خود گردد، آیا لازم است جهت حلق و یا تقصیر مجدداً محرم شود یا می تواند حلق یا تقصیر را بدون احرام انجام دهد؟ و اگر در آن حال تقصیر کرده وظیفه اش چیست؟

جواب: تا زمانی که حلق یا تقصیر را انجام نداده است از احرام خارج نمی شود؛ و اگر از روی جهل به مسأله لباس دوخته پوشیده باشد به محض متوجه شدن مسأله باید آن را بیرون بیاورد و کفاره ندارد. بلی برای افرادی که حلق متعین نیست در صورتی که زمان تقصیر کوتاهتر از زمان بیرون آوردن لباس دوخته باشد، می توانند فوراً تقصیر کرده و از احرام خارج شوند.

### «سؤال ۲۷۰» شخصی در عمره تمتع به جای تقصیر از روی جهل یک مو از بدن خود کنده و اکنون متوجه شده است،

آیا حج او اشکال دارد؟

جواب: محتمل است حج او بدل به حج افراد شده باشد؛ بنابراین احتیاط در این است که یک عمره مفرده انجام دهد و اگر

حج تمتع بر او واجب بوده در هر سالی که متمکن شد آن را انجام دهد. و در هر حال فعلاً از احرام خارج شده است.

**«سؤال ۲۷۱» کسانی که طواف و سعی را بر وقوفین مقدم می دارند**

اگر بعد از سعی تقصیر کردند، آیا موجب مُحَلّ شدن و یا کفاره می گردد؟

جواب: از احرام خارج نمی شوند؛ و اگر از روی سهو یا جهل بوده کفاره هم ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۳

**«سؤال ۲۷۲» اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نماید وظیفه اش چیست؟**

جواب: باید سعی را تمام کند و بعد تقصیر را اعاده نماید؛ و اگر موالات به هم خورده باشد، احتیاطاً بعد از اتمام، اول سعی و سپس تقصیر را اعاده کند.

**«سؤال ۲۷۳» اگر کسی در عمره تمتع از روی جهل تقصیر را ترک کند**

و به وطن برگردد چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط حکم ترک عمدی را دارد؛ و چون به وطن برگشته است سال بعد عمره و حج تمتع را اعاده کند.

**«سؤال ۲۷۴» اگر کسی تقصیر را در عمره مفرده عمداً یا از روی جهل یا فراموشی ترک کند**

و طواف نساء را انجام دهد وظیفه اش چیست؟

جواب: در هر جا تقصیر کند کافی است؛ ولی بنا بر احتیاط باید طواف نساء و نماز آن را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند به مکه برگردد، نایب بگیرد.

**«سؤال ۲۷۵» آیا بین عمره تمتع و حج تمتع، ماشین کردن سر جایز است؟**

جواب: با ماشین ته زن نباید ماشین کند.

**«سؤال ۲۷۶» بین عمره تمتع و حج که جایز نیست سر تراشد،**

آیا تراشیدن سر کفاره دارد یا خیر؟

جواب: اگر از روی جهل یا نسیان باشد کفاره ندارد؛ و در صورت علم و عمد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

**«سؤال ۲۷۷» شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی تقصیر کرده است،**

تکلیف او چیست؟

جواب: باید بعد از نماز و سعی، تقصیر را اعاده نماید و اگر تقصیر او از روی سهو یا جهل بوده کفاره ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۴

**«سؤال ۲۷۸» آیا کسی که تقصیر او محکوم به باطل بودن است**

و بعد از آن محرمات احرام را بجا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

جواب: کفاره ندارد؛ مگر در صید.

**«سؤال ۲۷۹» کسی که در عمره تمتع بعد از سعی تقصیر کرده و بعد شک می کند که تقصیرش صحیح بوده یا نه،**

آیا اشکالی در اعمال او وجود دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

**«سؤال ۲۸۰» اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرده**

و به ایران برگشته آیا در هر جا تقصیر کند کافی است؟ و آیا نیازی به اعاده طواف نساء ندارد؟

جواب: در هر جا تقصیر کند کافی است؛ ولی بنابر احتیاط باید طواف نساء و نماز آن را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند به مکه برگردد نایب بگیرد.

**«سؤال ۲۸۱» تقصیر و حلق در حج باید در روز باشد؛**

آیا بین الطلوعین تقصیر و حلق جایز و مجزی است؟

جواب: چون حلق و تقصیر در روز عید بعد از رمی و ذبح است و رمی قبل از طلوع آفتاب جایز نیست، پس قهراً حلق و تقصیر قبل از طلوع آفتاب روز عید صحیح نیست؛ ولی در شبهای ایام تشریق حتی بین الطلوعین مانعی ندارد.

**«سؤال ۲۸۲» شخصی که قبل از انجام عمره مفرده سر و صورت خود را تیغ زده است**

چگونه تقصیر کند آیا اکتفا به کوتاه کردن ناخن جایز است؟

جواب: تقصیر به وسیله گرفتن ناخن کافی است.

**«سؤال ۲۸۳» اشخاصی مثل روحانی کاروان که زائرین را برای اعمال طواف و نماز و سعی و ... می برند**

اگر بعد از اعمال طواف و

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۵

نماز و سعی و تقصیر زائرین وقتی برگشتند و به درب هتل رسیدند شک کردند که خودشان تقصیر کرده اند یا خیر، وظیفه آنان چیست؟

جواب: همانجا هم اگر تقصیر کنند کافی است.

**«سؤال ۲۸۴» مرد سروره بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را در صحرای منی تراشد؛**

آیا حلق (تراشیدن سر) حتماً باید با تیغ انجام شود و یا می توان با ماشین سر تراش - نمره یک - عمل حلق را انجام داد؟

جواب: باید حلق یعنی تراشیدن باشد و کوتاه کردن با ماشین، حلق نیست.

**بیتوته در منی**

**«سؤال ۲۸۵» امسال عده ای از حاجیان در روز دوازدهم بعد از ظهر به قصد کوچ و سفر، از منی خارج شدند**

و به مکه آمدند و به عللی به واسطه حادثه سیل، مجدداً از مکه به منی برگشتند و دوباره بعد از غروب خورشید از منی به مکه کوچ کردند، آیا بر این افراد بیتوته شب سیزدهم لازم بوده یا نه و با ترک بیتوته آیا کفاره واجب است؟

جواب: در مفروض سؤال لازم بود شب سیزدهم را در منی بمانند، و حتی اگر از روی جهل باقی نمانده اند احوط کفاره است.

**«سؤال ۲۸۶» اینجانب در روز دوازدهم ذیحجه با علم به این که ظهر شده**

و ساعت هم همین را نشان می داد از منی خارج شدم بعداً متوجه شدم که اشتباه کرده ام. در این باره تکلیف چیست؟

جواب: اگر وقت باقی است باید برگردید و بعد از ظهر خارج شوید، ولی اگر وقت باقی نیست اشکالی ندارد.

**«سؤال ۲۸۷» یکی از علمای معاصر در مناسک خود نوشته است:**

در مکانی که شک دارید جزء منی هست یا نه، می توان بیتوته کرد، و استدلال او چنین است که مورد از قبیل شبهه مفهومی ابتدائی

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۶

است، و دوران تکلیف بین امر موسع و مضیق می باشد و جای جریان اصالها لبرائیه می باشد؛ یعنی با این اصل، لزوم محدود

بودن بیتوته در مکان مضیق، نفی می شود. در صورتی که به نظر می رسد این استدلال مخدوش است، و مورد از قبیل شک در محضیل است که جای قاعده اشتغال است نه اصاله البراءه، زیرا تکالیف به عناوین کلی تعلق می گیرد نه موضوعات خارجی، و اصل تکلیف قطعی است که باید در منی بیتوته کرد، و شک داریم که بیتوته در مکان مشکوک، آیا امثال تکلیف است یا نه. مستدعی است مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: فرق است بین متعلق تکلیف و موضوع آن؛ مثلاً اگر مولا به کسی گفت: زید را اکرام نما، اکرام که فعل مکلف است متعلق حکم است و زید که موجود خارجی است موضوع حکم.

و در فرض سؤال، متعلق وجوب، بیتوته کردن است که فعل مکلف است، و موضوع حکم، «منی» است که موجود خارجی است و دارای ابعاض و اجزاء می باشد. پس موضوع، یک امر کلی نیست؛ بلکه مکانی است دارای حدود و ابعاض، و در مقام امثال باید موضوع حکم شارع احراز شده باشد، مثلاً در مثال بالا

که اکرام زید واجب شده است، اگر فردی مردّد است که زید است یا انسان دیگر، اکرام او مجزی نیست. در فرض سؤال نیز اگر در مکانی بیتوته انجام شد که مردّد است بین منی و غیر منی، قطعاً تکلیف ساقط نمی شود؛ زیرا در مقام امتثال، موضوع تکلیف محرز و قطعی نشده است، و در این گونه موارد جای اصالهایبرائه نیست.

**«سؤال ۲۸۸» مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود چقدر است؟**

از مغرب تا طلوع فجر است یا طلوع آفتاب؟

جواب: بیتوته و عبادت تا طلوع فجر کافی است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۷

**«سؤال ۲۸۹» آیا قرائت قرآن یا دعا یا نگاه کردن به کعبه و یا نماز خواندن در مسجدالحرام جزو عباداتی محسوب می شود**

که به واسطه آنها حاجی می تواند در خارج منی بیتوته نماید یا اینکه مقصود از عبادت این است که او باید طواف کعبه نماید؟

جواب: شکی نیست که قرائت قرآن و ذکر خدا و دعا و نیز خواندن نماز کفایت می کند و لازم نیست که منحصرأ طواف نماید.

اما بعید نیست گفته شود که عبادت در خصوص مورد سؤال از مجرد نگاه کردن به کعبه - بدون گفتن ذکر و دعا در آن حال - انصراف داشته باشد؛ هرچند نگاه کردن به کعبه فی نفسه از جمله عبادات شمرده شده است.

## احکام بین عمره و حج

**«سؤال ۲۹۰» گفته شده کسی که عمره تمتع بجا می آورد نباید از مکه خارج شود.**

آیا مصداق حرمت خروج، خارج شدن از حرم است یا از مکه معظمه؟

جواب: متمتع پس از عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب، نباید از مکه خارج شود و احتیاطاً به قسمتی از مکه که خارج حرم است نیز نرود؛ ولی اگر منزلش در حوالی مکه و جاهایی که عرفاً جزء مکه است باشد رفتن به آنجا مانعی ندارد.

**«سؤال ۲۹۱» حاج متمتع پس از فارغ شدن از عمره تمتع بدون احرام حج از مکه خارج شده**

و به منی و عرفات و جدّه و طائف رفته و پس از منقضی شدن ماه عمره تمتع بدون احرام مجدّد برگشته و در روز هشتم ذیحجه محرم به احرام حج تمتع شده و وظایف حج تمتع را انجام داده، آیا این عمل محکوم به صحت است و حج تمتع انجام گرفته و اگر صحیح نیست وظیفه چه بوده و فعلاً چه وظیفه ای دارد؟



احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۸

جواب: در مفروض سؤال صحت حج تمتع محل اشکال است و بنابر احتیاط واجب عمره و حج تمتع را اعاده نماید.

**«سؤال ۲۹۲» بعد از اتمام عمره تمتع و قبل از شروع اعمال حج تمتع به وسیله ماشین اصلاح،**

موهای سر خود را با ماشین اصلاح (درجه چهار) کوتاه کردم. آیا این عمل موجب کفاره می شود؟

جواب: اشکال ندارد و کفاره هم ندارد.

**عمره مفرده**

**«سؤال ۲۹۳» انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟**

و در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست یا نه؟

جواب: جایز است؛ و بین ضروره و غیر ضروره فرقی نیست.

**«سؤال ۲۹۴» تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بدون عذر جایز است؟**

جواب: عمره مفرده عمل مستقل است و گاهی وجوب فوری دارد و گاهی ندارد، و مرتبط به حج افراد نیست.

**«سؤال ۲۹۵» کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟**

جواب: اگر در ماههای حج (شوال، ذیقعد و ذیحجه) مُحرم شده باشد، در صورتی که در اثنای عمره متوجه شود می تواند عدول به عمره تمتع کند؛ و اگر بعد از تمام شدن عمره متوجه شود می تواند همان را عمره تمتع قرار دهد.

**«سؤال ۲۹۶» شخصی در اثنای عمره مفرده و در شوط پنجم سعی مریض شده**

و نتوانسته عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی نتوانسته به مکه برگردد، وظیفه اش چیست؟ ضمناً

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۱۹

کسی نایب او شده تا عملی که وظیفه اوست و او را از احرام خارج می کند بجا آورد.

جواب: در فرض سؤال، نایب سعی را تکمیل کند و بنابر احتیاط یک سعی کامل نیز به نیابت او انجام دهد، سپس خود او در هر جا که هست تقصیر نماید و بعد از آن نایب او طواف نساء و نماز آن را بجا آورد.

**«سؤال ۲۹۷» شخصی چند عمره مفرده بجا آورده و برای هیچ کدام طواف نساء نکرده،**

آیا یک طواف نساء برای عمره های انجام شده کافی است یا باید برای هر یک از آنها طواف نساء جداگانه بجا آورد؟

جواب: بنابر احتیاط برای هر کدام یک طواف نساء با نماز آن بجا آورد.

### مسائل اختصاصی بانوان در حج و عمره

«سؤال ۲۹۸» اگر خانمی با فروش طلای خود که در شأن او بوده است اقدام به ثبت نام برای حج نماید

آیا از حجهالاسلام کفایت می کند؟

جواب: کفایت می کند.

«سؤال ۲۹۹» اگر شوهر در اوایل ازدواج برای همسرش مقداری طلا و جواهرات بخرد

اما نه به قصد هبه و بخشش باشد، آیا این طلا و جواهرات باز از اموال زن محسوب می شود یا از شوهر است؟

در واقع آیا زن با چنین طلاهایی مستطیع خواهد شد؟

جواب: اگر طلا و زیورآلات جزو مهریه زن بوده و یا شوهر به او بخشیده باشد مال خود زن است؛ ولی اگر فقط شوهر در اختیار زن گذاشته باشد مال شوهر است. و استطاعت هم به این است که انسان بتواند به حج برود و مشکلی در زندگیش به وجود نیاید.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۰

«سؤال ۳۰۰» آیا زنی که به نیابت از مردی محرم به احرام حج شد می تواند

شب عید وقوف اضطراری مشعرالحرام را درک کند و همان شب رمی جمرة عقبه نماید یا باید روز عید رمی جمره نماید؟

همچنین اگر زن از رمی جمره معذور باشد آیا می تواند به زن دیگری در رمی نیابت بدهد و نیابت در شب عید بعد از رمی جمره برای خود به نیابت او رمی انجام دهد یا باید نیابت در روز انجام گیرد؟

جواب: ظاهراً ادله نیابت، نیابت در حج کامل است و شمول دلیل کوچ زنان در شب از مشعر نسبت به نیابت محل اشکال است.

«سؤال ۳۰۱» آیا پوشیدن مقنعه در حال احرام اشکال دارد؟

جواب: اگر هیچ قسمت از قرص صورت به وسیله آن پوشیده نشود مانعی ندارد.

«سؤال ۳۰۲» در چه صورتی در حال احرام، زن اجازه دارد صورت خود را بیوشاند؟

چگونه آن را بیوشاند و ملاک آن چیست؟

جواب: جایز است زن در حال احرام برای رو گرفتن از نامحرم پر چادر را که روی سر انداخته به طرف پایین رها کند تا مقابل بینی و در صورت ضرورت تا مقابل گردن قرار گیرد. ولی اولی و احوط (احتیاط مستحب) آن است که با دست یا چیز دیگر آن را از صورت دور نگه دارد که به صورت نجسید و در این صورت کفاره ندارد.

ملاک، پوشاندن صورت با آنچه مانند مقنعه و بادبزن و مانند آنها که تقریباً به صورت می چسبد می باشد که چنانچه از صورت دور نگه دارد مانعی ندارد.

### «سؤال ۳۰۳» آیا در وجوب کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم، زنها هم حکم مردان را دارند یا نه؟

بنابراین اگر از رمی کردن در روز معذور باشند و شب دوازدهم رمی کنند، آیا می توانند قبل از ظهر از منی کوچ نمایند؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۱

جواب: اگر تا صبح در منی مانده باشند، بنابر احتیاط واجب باید بمانند و بعد از ظهر از منی خارج شوند.

### «سؤال ۳۰۴» در مناسک فرموده اید: زنی که بترسد در برگشتن از منی حائض یا نفساء شود

و نتواند بماند تا پاک شود می تواند طواف و نماز و سعی را پس از احرام حج و پیش از رفتن به عرفات انجام دهد (مسأله ۶۲۴). این قبیل زنان در صورتی که بدانند هنگام انجام اعمال گرفتار چنین وضعیتی خواهند بود آیا می توانند نایب شوند؟ آیا چنین عذری مانع صحت نیابت آنان نخواهد بود؟ و آیا اساساً معیار در عذری که صحت نیابت را با مشکل روبرو می سازد چیست؟

جواب: این قبیل اعدار مانع از نیابت نیست و منظور عذرهایی است که مانع از انجام عمل صحیح می شود، مثل اینکه قرائت او صحیح نباشد.

### «سؤال ۳۰۵» زنی که حائض بوده ولی نمی دانسته و اعمال عمره را بکلی بجا آورده است

آیا باید اعمال خود را دوباره انجام دهد؟

جواب: طواف و نماز آن را باید اعاده کند و سعی و تقصیر را نیز بنابر احتیاط اعاده نماید.

### «سؤال ۳۰۶» خانمی بعد از انجام اعمال روز دهم به دلیل حیض و ضیق وقت، طواف حج و طواف نساء خود را به نایب واگذار کرد

و پس از انجام اعمال توسط نایب، پاک شده است. آیا اعاده اعمال توسط خود او لازم است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب اعاده اعمال به وسیله خودش لازم است.

### «سؤال ۳۰۷» اگر خانمی در حج برای جلوگیری از عادت ماهیانه قرص بخورد

و گاهی در ایام عادت لکه های زردی ببیند که نمی داند خون است یا ترشحات دیگر، چه حکمی دارد؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۲

جواب: در فرض شک در خون بودن لکه های مزبور حکم هیچ نوع از خونها را ندارد.

**«سؤال ۳۰۸» آیا حائض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم عبور کنند؟**

جواب: نباید عبور کنند.

**«سؤال ۳۰۹» زنها در بعضی موارد باید بین تروک حائض و افعال مستحاضه جمع کنند.**

عمل به این احتیاط در مورد طواف چگونه است؟

جواب: باید برای طواف نایب بگیرند.

**«سؤال ۳۱۰» زنی به قصد عمره مفرده همراه کاروان وارد مدینه منوره می شود،**

وی زمان احرام در مسجد شجره مبتلا- به عادت زنا نه می شود و می داند در تمام طول مدت در مکه نمی تواند وارد مسجدالحرام شود با وصف مذکور آیا می تواند به احرام عمره مفرده محرم شود و برای طوافها نایب بگیرد؟ لازم به ذکر است که وی نمی تواند از کاروان جدا شود و باید به مکه برود چه با احرام چه بدون احرام.

جواب: چون می خواهد وارد حرم و مکه شود بنا بر احتیاط محرم شود و اگر پاک نشد برای طواف و نماز آن نایب بگیرد.

**«سؤال ۳۱۱» زن با احرام عمره مفرده وارد مکه شد**

و حائض گردید و می داند تا آخر ساعتی که در مکه است پاک نمی شود؛ آیا می تواند در لحظات اول ورود برای طوافها نایب بگیرد و سعی و تقصیر را خود انجام دهد و از احرام خارج شود یا وظیفه دیگر دارد؟

جواب: با فرض علم به بقای عذر تا آخر وقت، استنابه در اوایل ورود مانعی ندارد؛ ولی اگر کشف خلاف شد باید خودش

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۳

طواف و نماز آن را بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

**«سؤال ۳۱۲» اگر زنی به تیت عمره مفرده محرم شود**

و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد حیض باشد چه اعمالی باید انجام دهد؟ و اگر در آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده چه وظیفه ای دارد؟

جواب: باید برای طواف عمره و نماز آن نایب بگیرد و سعی و تقصیر را خودش انجام دهد، سپس برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد؛ و اگر اعمال را انجام نداده و مراجعت کرده باشد بنا بر احتیاط در احرام خود باقی می باشد و باید برگردد و انجام دهد.

### «سؤال ۳۱۳» زنی روز هشتم ذیحجه خون می بیند و خیال می کند حیض است،

نیتش را تبدیل به حج افراد می کند ولی بعد که به عرفات می رود متوجه می شود که استحاضه است؛ وظیفه او چیست؟

جواب: اگر وقت ندارد که برگردد و عمره تمتع را انجام دهد، باید حج افراد و بعد از آن عمره مفرده انجام دهد.

### «سؤال ۳۱۴» زنی که عادت ماهانه اش مثلاً شش روز بوده است

در حال عادت برای عمره تمتع محرم می شود و روز هشتم ذیحجه که روز ششم عادت اوست پاک می گردد و غسل می کند و اعمال عمره تمتع را انجام می دهد و برای حج تمتع محرم می شود، ولی ظهر روز نهم در عرفات لکه ای به صفات حیض می بیند و نمی داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد یا قبل از تمام شدن ده روز قطع می شود تا حکم حیض را داشته باشد؛ وظیفه او چیست؟ و در همین فرض اگر در مشعر لکه ای ببیند چه کند؟

جواب: اعمال حج را به نیت ما فی الذمه انجام دهد؛ پس اگر

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۴

خون از ده روز تجاوز کرد عمره تمتع او صحیح و حج او تمتع می باشد، و اگر تجاوز نکرد حج او حج افراد می باشد و باید بعد از اعمال حج عمره مفرده انجام دهد.

### «سؤال ۳۱۵» زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد

با این کار فاصله ای بین غسل و وضو و بین اعمال او پیش می آید و شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد؛ آیا این فاصله اشکال ندارد؟

جواب: اگر خون ادامه داشته باشد و بعد از غسل و وضو نتواند اعمال را بدون فاصله زیاد انجام دهد، در صورتی که می تواند بعد از وضو بدون فاصله زیاد اعمال را انجام دهد، هنگام عمل وضو بگیرد و یک تیمم بدل از غسل نیز احتیاطاً ضمیمه وضو نماید؛ و اگر نمی تواند بعد از وضو نیز بدون فاصله زیاد اعمال را انجام دهد، یک تیمم بدل از وضو ضمیمه کند.

### «سؤال ۳۱۶» زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند،

طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند و بعد از نماز با همان طهارت اول طواف را ادامه داد؛ آیا طوافش صحیح است؟

جواب: اگر در آن مدت خون منقطع بوده اشکال ندارد؛ و اگر استمرار داشته محل اشکال است.

### «سؤال ۳۱۷» زنی که حیض نمی شود

ولی هر دو ماه یک بار دو سه روزی لک و ترشحات می بیند وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر به مقدار سه روز- هر چند با آلوده بودن مجرا- نباشد حکم استحاضه را دارد.

### «سؤال ۳۱۸» زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می کنند

تا موقع طواف گرفتار حیض نباشند چنانچه در ایام

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۵

عادت یک یا دو لکه کمرنگ بینند وظیفه شان چیست؟ و آیا به طوافشان ضرر می زند؟

جواب: حکم استحاضه را دارد و در صورت عمل بر طبق وظیفه مستحاضه، ضرر به طواف نمی رساند.

### «سؤال ۳۱۹» خانمها با خوردن قرص یا استعمال آمپول جلوی خون جاری را می گیرند و قطع می کنند

ولی بعد از قطع شدن روزی یک یا دو لکه خون می بینند، آیا حکم حائض را دارند یا مستحاضه یا وظیفه شان احتیاط است؟

جواب: لکه دیدن آنان از حیث کمیت و کیفیت مختلف است؛ هر حالتی بدون خوردن قرص هر حکمی داشته باشد با خوردن قرص نیز همان حکم را دارد.

### «سؤال ۳۲۰» زنی بعد از وقوفین حیض می شود

و با مصرف قرص خون او قطع می گردد و اعمال را انجام می دهد ولی بعد از آن لک می بیند؛ وظیفه او چیست؟

جواب: اگر قبل از تمام شدن سه روز قطع شده و مجرا هم پاک بوده، اعمالش صحیح است.

### «سؤال ۳۲۱» زنی در حال طواف مستحاضه قلیله می شود؛ وظیفه او چیست؟

جواب: علاوه بر عمل به وظایف مستحاضه قلیله حکم مسأله «۳۸۱» مناسک را دارد که چهار صورت فرض شده است.

### «سؤال ۳۲۲» زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود و در اثنای طواف لک می بیند؛ وظیفه او چیست؟

جواب: اگر مجرا پاک نبوده و به واسطه پنبه و نوار و مانند آنها از خروج خون ممانعت کند، ادامه طواف مانعی ندارد؛ و در

غیر این فرض حکم چهار صورتی را دارد که در مسأله «۳۸۱» مناسک ذکر شده است.

**«سؤال ۳۲۳» زنی به تصور اینکه پاک شده است طواف انجام می دهد**

و در اثنای سعی متوجه می شود که هنوز پاک نشده است؛ آیا سعی او نیز باطل است؟ و اگر بعد از سعی متوجه شود وظیفه او چیست؟

جواب: در فرض اول بعد از اعاده طواف و نماز طواف، سعی را اتمام کند و بعد از اتمام احتیاطاً اعاده نماید؛ و در فرض دوم سعی را نیز احتیاطاً اعاده کند.

**«سؤال ۳۲۴» اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است،**

روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را بجا آورد ولی بعداً لک دید، وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر از ده روز تجاوز نکند و به صفات حیض باشد محکوم به حیض است؛ و اگر تجاوز کند محکوم به استحاضه است و در این فرض اعمالی که انجام داده صحیح است.

**«سؤال ۳۲۵» بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان به هم می خورد**

به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بینند؛ وظیفه اینگونه زنان در حج چیست؟

جواب: کمترین مدت حیض سه روز است؛ و اگر مجموع لکهایی که در طول ده روز می بینند کمتر از سه شبانه روز باشد، حکم استحاضه را دارد.

**«سؤال ۳۲۶» زنی که مسأله نمی دانسته بعد از پاک شدن از حیض خیال می کرده جنب است**

و لذا به نیت جنابت غسل می کرده و با همین حال حج انجام داده است؛ آیا حج او صحیح است؟

جواب: اگر منظورش این بوده که برای پاک شدن از خون غسل کند و خیال می کرده که اسم آن غسل جنابت است، غسل و اعمال او صحیح است؛ و اگر واقعاً جنب شده و غسل جنابت بجا آورده، غسل جنابت از غسل حیض مجزی است.

**«سؤال ۳۲۷» زنی عمره تمتع را انجام داده و بعد متوجه شده که طواف او باطل بوده است،**

پس از آن فهمیده که عذر زنانه دارد؛ تکلیف او چیست؟

جواب: اگر وقت به قدری نباشد که بعد از پاک شدن و اعمال عمره روز نهم به عرفات برسد، حج او مبدل به حج افراد می شود.

### «سؤال ۳۲۸» زنی که عادت وقتیه و عددیه داشته و مثلاً روز هفتم ماه پاک می شده

همان روز هفتم پاک می شود و غسل می کند و اعمال عمره اش را بجا می آورد ولی روز بعد لک می بیند و غسل می کند و باقی اعمال عمره را بجا می آورد و روز بعد نیز لک می بیند و غسل می کند و سایر اعمال را انجام می دهد تا روز دهم و برای عرفات حرکت می کند و روز یازدهم باز هم لک می بیند؛ آیا حجش تمتع است یا به حج افراد عدول کند؟

جواب: در فرض سؤال، عمره تمتع او صحیح است و حج او حج تمتع می باشد.

### عدول در حج و عمره

### «سؤال ۳۲۹» کسی که برای حج مستحب وارد مکه شده اگر ببیند وقت تنگ است،

آیا می تواند به حج افراد عدول کند و حج افراد بجا آورد؟ و آیا عمره مفرده بر او واجب نیست؟

جواب: اگر منظور این است که برای عمره تمتع محرم شده و پس از ورود به مکه به واسطه تنگی وقت نمی تواند اعمال عمره را انجام دهد، در این فرض عدول به حج افراد مانعی ندارد و چون حج او استحبابی بوده پس از اتمام حج، عمره مفرده بر او واجب نیست؛ و اگر منظور این است که بدون احرام وارد مکه شده است، در این فرض عدول صدق نمی کند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۸

### «سؤال ۳۳۰» اگر بعد از نیت عمره و احرام مجدداً برای عمره دیگر محرم شود-

مثلاً به نیت عمره مفرده محرم شده ولی بعداً نیت عمره تمتع کند و تلبیه بگوید- کدام عمره صحیح است؟

جواب: اگر قبل از تلبیه از نیتش عدول کرده باشد، به قصد هر کدام تلبیه گفته باشد احرام طبق آن منعقد می شود.

### «سؤال ۳۳۱» شخصی در میقات برای خودش محرم می شود و تلبیه می گوید،

بعد به فکر می افتد که چون خودش حج واجب را در سالهای گذشته بجا آورده برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرّعی بجا آورد؛ آیا می تواند از نیت اول عدول کند و دوباره به نیت شخص مورد نظر محرم شود؟

جواب: نمی تواند عدول کند.

### «سؤال ۳۳۲» کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه می شود،

در صورتی که احرام او در ماههای حج باشد آیا می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و به دنبال آن حج را بجا آورد (البته در حج استحبابی)؟

جواب: مانعی ندارد.



### «سؤال ۳۳۳» کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است

و به قصد حج افراد در یکی از میقاتها محرم شده است، آیا می تواند نیت خود را به عمره تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن حج تمتع بجا آورد؟ همچنین آیا می تواند حج افراد را به عمره مفرده تبدیل نماید و بعد از آن برای عمره تمتع مُحرم شود؟

جواب: اگر حج افراد بر او واجب باشد، باید حج افراد انجام دهد.

### «سؤال ۳۳۴» بعضی از فقهای عظام فرموده اند: کسی که عمره مفرده مستحبی در ماههای حج انجام دهد

و تا روز ترویبه در مکه بماند عمره مفرده او تبدیل به عمره تمتع می شود (و لیس له الا آن

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۲۹

یحج حج التمتع) آیا این تبدیل قهری عمره مفرده به عمره تمتع در همه انواع حج است - مستحب باشد یا واجب، حج نیابتی باشد یا حج خودش - و یا اینکه اختصاص به حج مستحبی خودش دارد؟

جواب: از روایات متعدده استفاده می شود کسی که عمره مفرده را در ماههای حج انجام دهد و تا هنگام حج از مکه خارج نشود می تواند نیت خود را مبدل به عمره تمتع نماید و پس از آن برای حج تمتع محرم شود. ولی کفایت آن از حج واجب مشکل است، همان طور که تبدیل به عمره تمتع نیابتی حتی به نیابت کسی که عمره مفرده را به نیابت او انجام داده است مشکل است.

### کفارات

### «سؤال ۳۳۵» شخص محجوری علاوه بر صدمه دیدن خود،

منزل و بسیاری از اقوام خود را از دست داده است، و فعلاً از اموال خودش فقط مخارج چهار ماه خود را دارا می باشد علاوه بر اینکه باید کسی از او نگهداری نماید. آیا می توان او را فقیر حساب کرد و گوشت قربانی کفاره اعمال حج را به وی داد؟

جواب: اگر مخارج یک سال را نداشته باشد می توان گوسفند کفاره را ذبح کرد و سپس در اختیار ولی او - که در مفروض مسأله حاکم شرع یا کسی است که او تعیین کرده است - قرار داد تا برای او به مصرف برساند.

### «سؤال ۳۳۶» آیا در کفاره حج ذابح هم در زمان ذبح باید قصد کفاره کند؟

جواب: قصد کفاره از سوی شخصی که کفاره بر عهده اوست کافی است؛ و چنانچه ذابح شخص دیگری غیر اوست قصد ذابح لازم نیست.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۰

**«سؤال ۳۳۷» در كفارة حج كه ذبح لازم است به هر فقير تا چه مقدار مي توان گوشت قرباني را داد**

و اگر بر خلاف عرف مثلاً كل آن به يك فقير يا به چند فقير داده شود اشكال دارد؟

جواب: همه آن را مي توان به يك فقير داد؛ ولي چنانچه فقيرهاي متعددي وجود دارد و همه هم سطح مي باشند شايسته است گوشت قرباني را بين آنها با توجه به مقدار حاجت آنان تقسيم نمايد.

**«سؤال ۳۳۸» اينجانب در احرام عمره تمتع مجبور به استفاده از ماشين سر پوشيده شدم.**

پرسش من اين است كه آيا مي توانم گوسفندي را كه در ميهماني بازگشت از حج ذبح مي كنم به جاي كفاره باشد كه البته در ميان شركت كنندگان اين ميهماني افراد مستمند هم وجود دارد؟

جواب: مصرف گوسفند كفاره فقرا مي باشند و بايد همه آن به مصرف فقرا برسد؛ البته حاجي مجاز است مقداري از گوشت آن را بخورد ولي قيمت آن مقدار را نيز بايد به فقرا بدهد.

**«سؤال ۳۳۹» در يك مكان مذهبي، گوسفندهايي را كه حاجيان به عنوان كفارة حج بر عهده دارند،**

مي كشند و پس از پختن به عموم مردمی كه در دعای آن مكان شركت می کنند، به عنوان صبحانه می دهند:

الف- حاجيان كه گوسفند كفارة خود را به اعتماد روحانيوني كه در آن محل كار می کنند، در اختيار آن مكان قرار دادند و حال از اين مسأله آگاهی یافته اند چه وظیفه ای دارند؟

ب- آيا كسانی كه گوسفندهای كفاره را به اين شیوه در دسترس مردم قرار داده اند ضامن هستند؟

ج- مردمی كه بدون اطلاع از اين گوشت خورده اند چه وظیفه ای دارند؟

احكام و مناسك حج (منتظری)، ص: ۴۳۱

جواب: الف- هر مقداری كه به غير فقير داده شده بايد جبران گردیده و قيمت آن به فقير صدقه داده شود.

---

نجف آبادی، حسين علی منتظری، احكام و مناسك حج (منتظری)، در يك جلد، نشر سایه، قم - ايران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

احكام و مناسك حج (منتظری)؛ ص: ۴۳۱

ب- اگر اطمینان داشته اند كه كار درستی انجام می دهند ضامن بودن آنها محل اشكال است.

ج- وظیفه ای ندارند.

**«سؤال ۳۴۰» کفاره ای که در اعمال حج واجب می شود آیا پوست و کله آن گوسفند را می شود جهت دستمزد به قصاب داد؟**

جواب: اگر قصاب فقیر باشد می توان به عنوان فقر به او داد، ولی از اجرت کفایت نمی کند و بالاخره مصرف آنها نیز فقرا می باشد.

**«سؤال ۳۴۱» کفاره ای که در اعمال حج واجب می شود آیا وقت معینی دارد؟**

و آیا یک سال تمام بودن گوسفند هم لازم است؟

جواب: کفاره اگر برای شکار باشد چنانچه در احرام عمره باشد جای ذبح آن مکه است؛ و چنانچه در احرام حج باشد جای آن منی است؛ و اگر برای سایر محرمات باشد بنا بر اقوی ذبح آن در وطن کافی است. و همین که گوسفند و میش نر صدق کند کافی است ولی بزه و بزغاله کافی نیست؛ و بهتر است شرایط قربانی رعایت شود ولی لازم نیست.

**«سؤال ۳۴۲» در مورد کفاره حج یا عمره که ذبح گوسفند لازم است**

با توجه به اینکه عرفاً پوست قربانی فوق به قصاب داده می شود اگر قیمت آن به فقیر داده شود اشکال دارد؟

جواب: پوست نیز باید به فقیر داده شود ولی می تواند از فقیر وکالت گرفته و آن را به قصاب بدهد؛ و در هر صورت اگر بدون اذن فقیر قصاب آن را بر دارد یا اذن فقیر مشروط به پرداخت عوض آن باشد باید پول آن را به فقیر بدهد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۲

**«سؤال ۳۴۳» در کفاره حج که ذبح گوسفند لازم است در صورتی که مقداری از گوشت جهلاً به سادات فقیر داده شده تکلیف چیست؟**

جواب: بنا بر احتیاط واجب، پول همان مقدار به فقیر غیر سید پرداخت شود.

**«سؤال ۳۴۴» در کفاره حج که ذبح گوسفند لازم است در صورتی که پس از توزیع گوشت**

بین افرادی که اطمینان به فقیر بودنشان بوده است شک در فقر آنان شود تکلیف چیست؟

جواب: ظاهراً تکلیف دیگری ندارد.

**«سؤال ۳۴۵» مقدار کمی از گوشت کفاره را که خوردنش را اجازه فرموده اید**

آیا صدقه معادل آن را می توان از برنج و خورشتی که برای میهمانان می پزیم حساب کنیم؟

جواب: اگر بعد از خوردن خودتان، طعام را در اختیار فقرا قرار داده باشید جواز حساب غیر گوشت آن از بابت قیمت گوشتی که مصرف کرده اید بعید نیست؛ ولی قبل از مصرف کردن خودتان از بابت قیمت محسوب نمی شود.

### «سؤال ۳۴۶» مصرف گوشت کفاره های در حال احرام چیست؟

آیا به سید و افراد غیر فقیر می شود داد؟

جواب: دادن آن به افراد غیر نیازمند مجزی نیست و دادن به سید نیازمند هم خلاف احتیاط است.

### اماکن حج

### «سؤال ۳۴۷» آیا محلهای تعیین شده با تابلوهای دولت عربستان

جهت وقوف به مشعر و عرفات و بیتوته در منی<sup>۱</sup> برای ایرانیان که از جغرافیای عربستان اطلاع ندارند کفایت می کند یا لازم است نسبت به

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۳

صحت آن تحقیق شود؟

جواب: اگر وثوق حاصل نشود، باید تحقیق و یا احتیاط شود.

### «سؤال ۳۴۸» آیا غار حرا جزو محدوده مکه است؟

و آیا قبل از وقوف با رفتن به آنجا خروج از مکه صدق نمی کند؟

جواب: سابقاً جزو شهر مکه نبوده؛ و اما اینکه فعلاً جزو آن محسوب می شود یا خیر، باید از اهل اطلاع تحقیق شود. و در هر حال این مقدار خروج از مکه ظاهراً مانعی ندارد. «۱»

### نماز در حریم شریفین

### «سؤال ۳۴۹» تا چه اندازه اجازه داریم در حریم شریفین روی فرش سجده کنیم

و حدّ و حدود آن چقدر است؟

جواب: تا جایی که تقیه اقتضا کند و برای پیدا کردن محلی که فرش نباشد لازم نیست این طرف و آن طرف بگردید ولی الآن صدق تقیه محلّ اشکال است.

### «سؤال ۳۵۰» در هنگام اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام آیا رعایت اتصال صفوف لازم است؟

جواب: بلی، رعایت اتصال صفوف لازم است.

### «سؤال ۳۵۱» تکلیف حجاج بیت الله الحرام برای نماز در هتلهای مکه و مدینه

و مشاهدی چون مشعر و عرفات از جهت شکسته و تمام چیست؟

جواب: در هر کجا که قصد اقامه ده روز نداشته باشند باید شکسته بخوانند.

### «سؤال ۳۵۲» کسی که در مکه قصد اقامت ده روزه کرده است

و

(۱) - یادآوری می شود در زمان فعلی غار حرا داخل شهر مکه است.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۴

پس از آن به عرفات و مشعر و منی می رود و برمی گردد و پس از آن کمتر از ده روز در مکه می ماند هنگام رفت و برگشت به مکه حکم نمازش چیست؟

جواب: در فرض سؤال بنا بر احتیاط واجب در رفتن به عرفات و مشعر و منی و در برگشت به مکه نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

### «سؤال ۳۵۳» در عرفات و منی و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور

در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود، وظیفه حجاجی که قبلاً در مکه معظمه قصد اقامت کرده اند از نظر قصر و اتمام چیست؟

جواب: احتیاط واجب در جمع بین قصر و اتمام است.

### «سؤال ۳۵۴» کسی که قصد کرده تا پایان روز هشتم ذیحجه در مکه بماند

و به تصور اینکه از آغاز ورودش تا آن روز ده روز می شود نمازهایش را تمام خوانده ولی بعداً معلوم شده کمتر از ده روز بوده وظیفه اش چیست؟

جواب: در فرض سؤال وظیفه او قصر است و نمازهایی را که در غیر مسجدالحرام اصلی تمام خوانده است بنا بر احتیاط واجب قضا نماید.

### «سؤال ۳۵۵» آیا در مسافرخانه ها یا هتل های مکه و مدینه می توان نماز جماعت برپا نمود؟

و آیا می توان در جماعت مسلمین در مساجد شرکت کرد؟

جواب: از اقامه جماعت در مسافرخانه ها و هتلها اگر در معرض اعتراض مخالفین باشد خودداری شود. و حکم حضور و شرکت در جماعت آنها نیز در مسأله «۷۱۶» مناسک ذکر شده است؛ ولی حمد و سوره را هر چند به نحو حدیث نفس بخوانند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۵

### «سؤال ۳۵۶» با توجه به سنگفرش بودن بیشتر مسجدها الحرام

و اینکه اکثر نمازگزاران برای سجده مشکلی ندارند، آیا لازم است نماز را در مکانهای سنگفرش بجا آورند تا علاوه بر عمل به وظیفه از اتهامات وارده کاسته شود یا جایز است بر فرش و امثال آن سجده کنند و به مسأله تقیه عمل نمایند؟

جواب: اگر سجده کردن بر روی سنگها بر خلاف تقیه نباشد، باید بر روی سنگها سجده شود.

### «سؤال ۳۵۷» آیا در نماز جماعت اهل سنت،

سایر شروط جماعت- مانند اتصال صفوف و عدم تقدم بر امام- باید رعایت شود؟ لازم به توضیح است گاهی امام جماعت مسجدها الحرام در صحن می ایستد و بین صحن و سالنها فاصله می شود؛ و گاهی امام در سالنها می ایستد و مردم در صحن و حول کعبه اقتدا می کنند.

جواب: در فرض سؤال در صورت حضور در جماعت آنها اعاده نماز لازم است.

### «سؤال ۳۵۸» در نماز جماعت مسجدها الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم معمولاً قنوت را در رکعت آخر

و پس از رکوع انجام می دهند؛ آیا این قنوت کفایت از قنوت مستحب قبل از رکوع دوم می کند؟

جواب: در صورت حضور در جماعت آنان باید از باب متابعت از ایشان پیروی شود. و تکلیف استحبابی بر خواندن قنوت در محل خود ساقط است؛ نه از باب اینکه قنوت در غیر محل کافی از قنوت باشد.

### «سؤال ۳۵۹» با توجه به اینکه تقیه در این زمان به خاطر ترس از قتل و ضرب و جرح نیست

و تنها برای ترس از اتهام به شرک و بت پرستی است، آیا تقیه اختصاص به مسجدها الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم دارد یا در مساجد بین راه هم تقیه لازم است؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۶

جواب: هر جایی که ترک حضور در جماعت آنها در معرض وهن مذهب باشد مورد تقیه است؛ و اختصاص به مسجدها الحرام ندارد.

### «سؤال ۳۶۰» بردن حصیر به مسجدین برای سجده،

و سجده بر بادبز و کاغذ و امثال اینها چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه امکان انگشت نما شدن و اتهام به شیعه و وهن آنان موجود است.

جواب: وهم و احتمال ضعیف ملاک نیست؛ بلکه همان گونه که در سؤال قبل گفته شد «معرضیت» ملاک است.

**«سؤال ۳۶۱» در نماز جماعت با اهل سنت که قرائت حمد و سوره را هر چند به نحو حدیث نفس واجب می دانید،**

آیا گوش کردن به قرائت حمد امام در نماز صبح و مغرب و عشا کفایت از حدیث نفس می کند؟

جواب: گوش کردن به قرائت امام کافی از حدیث نفس نیست.

**«سؤال ۳۶۲» هنگام همراهی با جماعت اهل سنت و خواندن حمد و سوره،**

در نماز ظهر و عصر دچار اشکال نمی شویم؛ زیرا صدای امام به گوش نمی رسد و آنها هم حمد را می خوانند. ولی در نمازهای جهریه اولاً: آیا استماع قرائت امام واجب است یا نه؟ ثانیاً:

با توجه به «انصبتوا» آیا قرائت - هر چند آهسته و به نحو حدیث نفس - هنگام قرائت آنان مجزی است؟

جواب: حدیث نفس به معنای گذراندن از ذهن است و در نمازهای جهریه نیز لازم است و منافاتی با انصابت ندارد.

**«سؤال ۳۶۳» اگر انسان در جماعت اهل سنت شرکت کرد و از روی غفلت یا جهالت و یا فراموشی حمد و سوره را نخواند**

نماز او چه حکمی دارد؟ آیا فهمیدن قبل از وقت و بعد از وقت در حکم

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۷

تأثیری دارد؟ اگر پس از رکوع امام و قبل از اینکه خودش به رکوع رود متذکر شود چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت نسیان نمازش صحیح است؛ و در صورت جهل احوط اعاده است. همچنین است اگر بعد از رکوع امام و قبل از رکوع خودش متذکر شود و نتواند حمد و سوره را بخواند.

## شک بعد از اعمال

**«سؤال ۳۶۴» اینجانب وقتی به حج مشرف می شوم ترس و وحشت مرا فرا می گیرد**

که نکنند از احرام بیرون نیایم. و در موقع خواندن نمازهای طواف اعم از نساء و غیره گرفتار تکرار برخی کلمات می شوم که احتمالاً از روی وسواس است. تا به حال چندین سفر حج و عمره رفته ام و نمازها را به همین منوال خوانده ام و با علم به صحت از سفر حج بازگشته ام و ازدواج کرده و دارای فرزند نیز شده ام. حال در رساله حضرتعالی خواندم که فرموده اید: بنا بر احتیاط نماز را باید تکرار کند و نماز او اشکال دارد. ولی برخی از علمای زنده فعلی نماز را صحیح می دانند. سؤال من

این است که آیا عقدی که خوانده ام را مجدداً بخوانم یا اینکه حرمت ابدی دارد و آیا در احتیاط واجب می توانم به فتوای علمای فعلی عمل کنم تا اعمال اینجانب صحیح باشد و مشکلی برای عقد و ازدواج در کار نباشد؟

جواب: تکرار بعضی از کلمات نماز در صورت شک در صحت آنچه گفته اید مانعی ندارد و از کجا که شما به حدّ وسواس رسیده باشید؟! استصحاب نرسیدن به حدّ وسواس جاری می شود و نسبت به گذشته حمل بر صحت کنید. و رجوع در احتیاطات به فالاعلم



موجب صحت گذشته‌ها هم می‌شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۸

### «سؤال ۳۶۵» شخصی در جوانی در جلسات قرائت و تجوید شرکت می‌کرده

و مطمئن شده که قرائتش مجزی است، بعضی از علمای بزرگ عجم قرائت وی را تأیید کرده و در حال عمل اطمینان به صحت داشته است. وی پس از اینکه اطمینان به صحت نماز خود داشته حج نیابتی قبول کرده و آن را انجام داده است. ولی بعضی از علمای عجم و یکی از مراجع مشهور قاطعانه می‌گویند که قرائت وی صحیح نیست و یا در صحت آن تردید می‌کنند و فعلاً او دچار اضطراب و تردید عجیبی در اعمال حج و نیابت خود شده است. آیا عمل او صحیح بوده؟ آیا مدیون منوب عنه هست؟ آیا با قضاء نمازهای طواف در وطن برائت ذمه حاصل می‌شود؟

جواب: اطمینان به صحت عمل در حین انجام آن کافی است و به شک بعد اعتنا نکند؛ مخصوصاً اگر حالت وسواس پیدا کرده باشد.

### تقیه در حج

### «سؤال ۳۶۶» اگر بر خلاف تقیه عمل کرد

فقط حرمت تکلیفی دارد یا عملی را که انجام داده باطل است؟

جواب: در مورد تقیه واجب، اگر جزء یا شرط عبادت را بر خلاف تقیه انجام دهد صحت عمل محل اشکال است مگر اینکه متوجه این که مورد، مورد تقیه است نباشد.

### مسائل متفرقه

### «سؤال ۳۶۷» خداوند به یکی از مؤمنین توفیق داده که اسال دو بار به مکه مشرف شده

و برای دفعه سوم هم این توفیق نصیب

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۳۹

ایشان شده است. می‌خواهد بداند آیا در نفس این عمل افراط و زیاده روی نیست، نظر حضرت‌تعالی چیست؟

جواب: تشخیص آن با خود شخص است، نفس تکرار عمره شرعاً مطلوب است ولی بسا کارهای مهمتری در میان هست یا موجب سوءظن مردم می‌شود. باید همه جهات را ملاحظه کرد و با یکدیگر سنجید و سپس تصمیم گرفت.

### «سؤال ۳۶۸» وظیفه روحانیون کاروانها بیان مناسک حج است

اما مسئولین سازمان حج به روحانیون توصیه می کنند که مسائل مخالف مشهور را علنی بیان نکنید به خاطر اینکه باعث می شود که زائر در مرجع خود تشکیک و بالبداهه بدون تحقیق مرجع اعلم خود را عوض کند. به نظر حقیر استدلال فوق درست است چرا که با موارد متعددی برخورد کرده ام. سؤال این است که تکلیف روحانی کاروان در چنین مواردی چیست؟ و گفتن چنین مسائلی آیا لازم است؟

جواب: وظیفه روحانی حج، بیان مسائل حج و توضیح مفصل آنهاست برای یک یک از حجاج طبق نظر مرجع تقلید آنها، و همچنین موظف است که انتخاب مرجع تقلید و شرایط آن را هم بیان کند و تفهیم نماید که انتخاب به دلخواه و اینکه کدام مرجع مسائش آسان تر و راحت تر است، نیست و باید با ادله ذکر شده در توضیح المسائل، مرجع انتخاب شود.

#### «سؤال ۳۶۹» اگر دیگران از رفع عذر شخص معذور مأیوس باشند،

آیا لازم است برای انجام اعمال از او اذن بگیرند؟ و اگر نتواند اذن بدهد، آیا اذن معتبر است یا نه؟

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۰

جواب: نیابت بدون استنباه معذور در صورت تمکن معذور از استنباه صحیح نیست؛ و در صورت عدم تمکن نیز مشکل است.

#### «سؤال ۳۷۰» کسی که وظیفه او وضوی جیره ای و تیمم است

و از روی جهل بدون تیمم اعمال عمره را انجام داده است وظیفه اش چیست؟

جواب: بنا بر احتیاط اعاده نماید.

#### «سؤال ۳۷۱» فرموده اید: «اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است

و ما یقین به خلاف نداشتیم، متابعت آنان جایز است.» اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف به عرفات و مشعر و

اعمال منی را بدون مانعی انجام داد تا یقین به متابعت قطعی با واقع پیدا شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

جواب: لازم نیست، ولی خوب است.

#### «سؤال ۳۷۲» شخصی غسل مس میت بر گردنش بوده

ولی بعد از اعمال حج متذکر می شود؛ وظیفه او چیست؟

جواب: اگر غسل جنابت کرده باشد، غسل مس میت ساقط می شود و اعمالش صحیح است؛ و اگر غسل جنابت نکرده باشد

در صورتی که غسل جمعه یا غسل احرام انجام داده باشد، سقوط غسل مس میت با انجام آنها به نظر اینجانب محل اشکال است.

«سؤال ۳۷۳» اینجانب مدیر گروه حج می باشم و اعمال حجی که انجام می دهم مستحبی است،

آیا می شود به جای حج تمتع نیت حج افراد کرده و به جای عمره تمتع عمره مفرده انجام دهم؟ همچنین سایر خدمه که واجب الحج نیستند آیا می توانند چنین کنند؟

جواب: مانعی ندارد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۱

«سؤال ۳۷۴» آیا مقداری از سنگ صفا و مروه یا مشعر را می شود با خود آورد؟

جواب: با توجه به فتوای بعضی از علما به منع، احوط ترک است؛ اگر چه به دلیل معتبری تاکنون برخورد نشده است.

«سؤال ۳۷۵» مریض با احرام عمره تمتع یا عمره مفرده وارد مکه شده ولی از انجام طواف و سعی عاجز است،

آیا وظیفه او استنابه است یا احکام محصور را دارد؟ و بالجمله احکام محصور برای مریضی است که قبل از ورود به مکه مریض شده، یا در مورد مریض بعد از ورود به مکه و امکان استنابه هم باز احکام محصور جاری می شود؟

جواب: در فرض سؤال احکام محصور را ندارد، بلکه در صورت امکان او را به دوش گیرند یا بر تخت روان و مانند آن بخوابانند و طواف و سعی دهند؛ و اگر به هیچ نحو ممکن نیست که او را طواف و سعی دهند، به نیابت او طواف و سعی را بجا آورند و پس از آن خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۲

## فهرست اصطلاحات و اماکن

### «الف»

#### ۱- «ابطح»:

نام یکی از وادیهای شن زار و مسیل گونه اطراف شهر سابق مکه است که اکنون جزو شهر شده و در خیابان مسجدالحرام پس از پل حجون و نرسیده به میدان معاهده قرار دارد.

#### ۲- «استلام حجرالاسود»:

دست کشیدن به حجرالاسود.

#### ۳- «احتیاط واجب»:

اصطلاح فقهی است و در جایی گفته می شود که مرجع، فتوای قطعی ارائه نمی دهد ولی به نظر او مسأله مربوطه دارای شبهه قوی و جوب یا حرمت می باشد: و در چنین موارد مقلد هم می تواند به مرجع دیگری با مراعات شرایطش مراجعه نماید و هم به احتیاط مرجع خود عمل نماید.

#### ۴- «احتیاط»:

مرتبه ضعیف احتیاط واجب است و در حکم، مانند آن می باشد.

#### ۵- «احوط...»:

یعنی احتیاط چنین است؛ اگر چنین تعبیری همراه با فتوای مرجع برخلاف مضمون و مفاد احتیاط باشد، خواه فتوا پیش از کلمه «احوط» باشد یا بعد از آن، در این گونه موارد احتیاط کردن مستحب است و مقلد نمی تواند به فتوای غیر مرجع خود مراجعه نماید؛ ولی اگر بدون فتوای قبل یا بعد از آن باشد نظیر مورد چهارم می باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۴

#### ۶- «اقوی چنین است»:

جایی گفته می شود که حکم مسأله، نزد مرجع، روشن و قوی است و مقلد باید به آن عمل نماید و مراجعه به فتوای دیگران جایز نیست.

#### ۷- «اصل ترکه»:

مجموعه دارایی میت است، در مقابل ثلث آن یعنی یک سوم دارایی.

#### ۸- «اعتبار» و «امر اعتباری» و «اعتباراً»:

تقریباً به یک معنا هستند و در جایی گفته می شود که چیزهایی وجود حقیقی در خارج ذهن ندارند ولی به دلیل اهداف عقلایی، یک نوع وجود حقوقی و قراردادی و فرضی بین مردم و یا بین عده ای و یا نزد خود انسان، برای آنها تصور می شود مانند: مفاد معاملات و عقدها و قراردادهای اوامر و نواهی بین افراد و نیز کلیه شخصیت‌های حقوقی رایج.

#### ۹- «ارکان کعبه»:

کعبه معظمه دارای چهار رکن می باشد که مقصود همان چهار گوشه آن است:

اول: «رکن حجر» که حجرالاسود در آن گوشه قرار دارد.

دوم: «رکن عراقی» است که از حجرالاسود گذشته و نرسیده به حجر اسماعیل علیه السلام می باشد.

سوم: «رکن شامی» که در شمال غربی کعبه است و بعد از حجر اسماعیل قرار دارد.

چهارم: «رکن یمانی» است که نرسیده به رکن حجرالاسود می باشد.

#### ۱۰- «استکاف»:

شانه خالی کردن از انجام کار واجب یا ترک کار حرام.

#### ۱۱- «احراز»:

کسب اطمینان نسبت به کاری.

#### ۱۲- اصل سلامت:

اصطلاح فقهی است و مقصود آن است که

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۵

هر گاه پس از انجام معامله ای، نسبت به سلامت و معیوب بودن جنس مورد معامله شک نماییم باید بنا را بر صحت و سلامت آن گذاشت.

#### ۱۳- «اخبار مستفیضه»:

اصطلاحی است در علم الحدیث و به روایاتی گفته می شود که راویان آنها از سه نفر یعنی از سه طریق بیشتر باشند ولی به حدی که موجب تواتر یعنی پیدا شدن یقین به صدور آنها از معصوم علیه السلام باشد نرسد.

#### ۱۴- «ادنی الحَلّ»:

معنای آن در مسأله «۱۵۵» ذکر شده.

#### ۱۵- «استمناء»:

بازی کردن انسان با آلت خود یا غیر آن به حدی که منی خارج شود.

#### ۱۶- «اطلاق»:

شامل و عام بودن چیزی یا حکمی.

## ۱۷- «بعید نیست»:

در مواردی این تعبیر را به کار می‌برند که روشنی مسأله، در حدّ تمایل به اظهار فتوای قطعی می‌باشد؛ در این گونه موارد، مقلد باید به آن عمل نماید و رجوع به مرجع دیگر جایز نیست.

## ۱۸- «بیتوته»:

ماندن حجاج در شب در محلی (نظیر ماندن در منی در شبهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجّه).

## ۱۹- «بومادران»:

گیاهی است خوشبو و معطر، دارای ساقه‌های بلند و گل‌های سفید رنگ.

«ت»

## ۲۰- «تصالح»:

حاضر شدن طرفین اختلاف برای مصالحه و گذشت نسبت به یکدیگر.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۶

## ۲۱- «تراضی»:

رضایت دادن طرفین اختلاف بر یک امر.

## ۲۲- «تبرّع»:

انجام دادن کاری مجاناً.

## ۲۳- «تبرّعی»:

کار و عمل مجاناً.

## ۲۴- «تدارک»:

بجا آوردن مجدد عمل یا جزئی از آن که فراموش شده یا درست بجا آورده نشده است.

## ۲۵- «تَلَّ سِرْحَ»:

مکانی است بین راه عرفات به مشعر در حدود مشعر (کثیب احمر).

«ج»

۲۶- «جِعرانه»:

نام یکی از حدود چهارگانه حرم خداست که از ناحیه شرق مکه بر سر راه طائف در فاصله سی کیلومتری شهر مکه قرار دارد.

۲۷- «جبل الرّحمه»:

نام کوهی است در سرزمین عرفات.

۲۸- «جُحفه»:

نام یکی از میقاتهاست که در فاصله «۱۵۶» کیلومتری شمال غربی مکه واقع شده و اهل مصر و سوریه و مغرب از آنجا احرام می بندند.

«ح»

۲۹- «حَجَّهالاسلام»:

بر هر شخص مستطیع واجب است حداقل یک مرتبه در عمر خود به زیارت خانه خدا برود و آن را «حَجَّهالاسلام» می گویند.

۳۰- «حجامت»:

خون گرفتن از بدن به شکل خاص.

۳۱- «حَجْرالاسود»:

سنگ سیاهی است که در رکن شرقی کعبه معظمه نصب شده است و مبدأ شروع طواف باید از برابر آن باشد.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۷

۳۲- «حَجْر اسماعیل علیه السلام»:

مکانی است به شکل نیم دایره با دیواری به ارتفاع یک متر و سی سانت که در جانب شمالی کعبه قرار دارد.

۳۳- «حدیبیه»:

محلّی است در سمت شمال غربی مکه معظمه و یکی از حدود چهارگانه حرم خداست.

۳۴- «حرم و حدّ آن»:

حدود چهارگانه حرم، که در پاورقی مسأله «۷۶» بیان شده است.

### ۳۵- «حنوط»:

مالیدن کافور بر مواضع سجده میّت.

### ۳۶- «حائض»:

زنی است که در ایّام قاعدگی می باشد.

### «خ»

### ۳۷- «خالی از وجه نیست»:

در جایی گفته می شود که مرجع، در مرز فتوا دادن می باشد ولی فتوای قطعی نمی دهد.

### ۳۸- «خالی از قوت نیست»:

در حکم فتوا دادن مرجع است و مقلد باید به آن عمل نماید.

### ۳۹- «خالی از اشکال نیست»:

نشانه نداشتن فتوای قطعی مرجع می باشد؛ در این گونه موارد، مقلد مخیر است بین عمل به احتیاط و یا رجوع به فتوای مرجع دیگری با شرایطش.

### ۴۰- «خلاف شأن»:

شأن، همان مجموعه حیثیت شخصی و اجتماعی یک فرد است، و خلاف آن یعنی: مراعات نکردن حیثیت ذکر شده.

### ۴۱- «خراج عراقین»:

«خراج» نوعی مالیات بوده است که حکومت‌های اسلامی از اقشار خاصی می گرفته اند و «عراقین» یعنی:

عراق عرب و عجم.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۴۸

### ۴۲- «خطور دادن به قلب»:

توجه نمودن به چیزی در قلب و مجسم نمودن آن در ذهن.



#### ۴۳- «خزّامی»:

سبزی صحرائی خوشبویی است.

«د»

#### ۴۴- «دِزْمَنَه»:

سبزی صحرائی خوشبویی است.

«ر»

#### ۴۵- «رُكْنِ يَمَانِي»:

رجوع شود به ارکان کعبه.

#### ۴۶- «رُقُطَاء»:

محلّی است بین راه مکه به عرفات که سابقاً در نزدیکی آن سدّی بوده و اکنون داخل محدوده شهر مکه و حوالی «مسجد الزّایه» است.

«ص»

#### ۴۷- «صَدَقِ وَطَنِ»:

جایی که به آن، وطن یعنی محل سکونت گفته می شود.

«ظ»

#### ۴۸- «ظَاهِرًا»:

هر کجا فقیه چنین تعبیری داشته باشد نشانه فتوا دادن او در مسأله مربوطه است که باید به آن عمل نمود.

«ع»

#### ۴۹- «عَبَةُ مَدَنِيّين»:

سابقاً دروازه مدینه در شهر مکه بوده و اکنون جزو شهر شده و جنب حُجُون و قبرستان مکه می باشد.

«ف»

۵۰- «فُسُوق»:

معنای آن در مسأله «۳۱۸» بیان شده است.

۵۱- «فَنَخ»:

وادی ای است در مدخل شهر مکه از راه جدّه و مسجد تنعیم.

«ق»

۵۲- «قصد انشا»:

قصد به وجود آوردن چیزهایی که وجود اعتباری دارند. (رجوع شود به امر اعتباری)

۵۳- «قَرْنِ الْمَنَازِل»:

محلّی است در فاصله «۹۴» کیلومتری شهر مکه از ناحیه شرقی آن و میقات کسانی است که از راه طائف به مکه مکرمه می روند.

۵۴- «قصد قربت مطلقه»:

قصد نزدیک شدن و تقرّب به خدای متعال بدون قصد واجب یا مستحب بودن عمل.

«م»

۵۵- «ما فی الذمه»:

آنچه به عهده انسان است.

۵۶- «مطاف»:

حدّ فاصل بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام است که بنا بر مشهور باید طواف، در آن محدوده انجام شود.

۵۷- «مقام ابراهیم علیه السلام»:

سنگی است در فاصله «۱۳» متری از کعبه بین شرق و شمال آن که در جایگاه مخصوصی قرار دارد و گفته می شود حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه، روی آن می ایستادند و یا روی آن نماز می خواندند.

۵۸- «محل اشکال یا محل تأمل است»:

نشانه نداشتن فتوای

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۵۰

قطعی در مسأله مربوطه می باشد و مقلد مخیر است بین احتیاط کردن در آن مسأله و یا رجوع به مرجع دیگر که فتوای قطعی دارد، با مراعات شرایط آن.

#### ۵۹- «مسلوس و مبطون»:

معنای آنها در پاورقی مسأله «۳۸۳» ذکر شده است.

#### ۶۰- «مستقر»:

ثابت و قطعی شدن تکلیفی بر عهده مکلف.

#### ۶۱- «مُحَدَث»:

کسی است که کاری که موجب وضو یا غسل باشد انجام داده.

#### ۶۲- «مَأْزَمِین»:

تنگه ای است بین عرفات و مشعر که حدّ مشعر و خارج از آن است.

#### ۶۳- «مسکین»:

کسی است که وضع و حال او از فقیر بدتر است.

#### ۶۴- «مُخْرَم»:

کسی است که در حال احرام است.

#### ۶۵- «مُحِلّ»:

کسی است که از احرام خارج شده.

#### ۶۶- «مُجْزِی هست»:

کافی و موجب سقوط تکلیف می باشد.

#### ۶۷- «مزدلفه»:

نام دیگر مشعرالحرام می باشد.

#### ۶۸- «مَدَّ طَعَام»:

تقریباً ده سیر غذای معمولی مانند گندم، آرد، برنج و غیره.

#### ۶۹- «تَمَكَّن»:

دارای توان و قدرت.

#### ۷۰- «مَسْتَجَار»:

قسمت مقابل درب کعبه معظمه نزدیک رکن یمانی است.

#### ۷۱- «مسجد شجره»:

یکی از میقاتهاست و در فاصله «۴۸۶» کیلومتری شمال مکه و دوازده کیلومتری مدینه می باشد و به آن «ذوالحلیفه» نیز می گویند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۵۱

#### ۷۲- «مسجد غدیر خم»:

در حدود «۹» کیلومتری شرق مسجد جُحفه قرار دارد و در کنار آن چشمه ای است به نام چشمه غدیر که در اطراف آن تعدادی نخل به چشم می خورد.

#### ۷۳- «مسجد مباهله»:

همان محل «مسجد الاجابه» کنونی است که کنار خیابان ستین در مدینه می باشد.

#### ۷۴- «مسجد فضیخ»:

در جنوب شرقی مدینه و در انتهای خیابان علی بن ابیطالب علیه السلام حوالی سردخانه و خیابان کمربندی قرار دارد.

#### ۷۵- «مسجد ردّ الشمسی (مسجد فضیخ در روایات شیعه)»:

در جنوب مدینه، شرق مسجد قبا انتهای خیابان قربان (عبدالمحسن عبدالعزیز) می باشد که از بلوار طریق الهجره گذشته و به پلی در امتداد همان خیابان می رسد و روبروی پل، دست راست جاده، آثار آن مسجد باقی است.

#### ۷۶- «مسجد سلمان»:

در مدینه دو مسجد به این نام می باشد، یکی همان که جزو مساجد سبعه است و معروف می باشد؛ دومی در سمت جنوب شرقی مدینه بین منطقه عوالی و شرق قبا، انتهای خیابان علی بن ابیطالب علیه السلام، حوالی خیابان «مدرسه الحسین بن علی علیهما السلام» قرار دارد.

#### ۷۷- «مستحاضه»:

زنی است که خون استحاضه می بیند.

#### ۷۸- «مشربه ام ابراهیم»:

همان حوالی مسجد فضیخ بوده که اکنون نزدیک محله شیعیان مدینه قرار دارد.

«ن»

#### ۷۹- «نُفساء»:

زنی است که بعد از وضع حمل خون می بیند.

احکام و مناسک حج (منتظری)، ص: ۴۵۲

«و»

#### ۸۰- «وطن»:

در بحث نماز و روزه مسافر به معنای محل سکونت می باشد نه به معنای کشور، ولی در بحث حج گاهی به معنای کشور نیز می باشد.

#### ۸۱- «ورس»:

گیاهی است خوشبو.

#### ۸۲- «وادی عقیق»:

نام یکی از میقاتها است. به قسمت اول آن «مسلخ» و وسط آن «عمره» و آخر آن «ذات عرق» گفته می شود و در فاصله «۹۴» کیلومتری شمال شرقی مکه قرار دارد. اهل عراق و نجد و هر کس از آن راه به مکه مشرف شود از آنجا احرام می بندند.

#### ۸۳- «وادی محسر»:

محلی است بین راه مشعرالحرام به منی که هم اکنون بخشی از قربانگاه در این قسمت قرار دارد.

## ۸۴- «وقوف»:

ماندن در محلّی است.

«ی»

## ۸۵- «یَلْتَمَم»:

نام کوهی است در جنوب مکه که میقات اهل یمن و هر کسی است که از آن راه به حج برود؛ و فاصله آن تا مکه «۸۴» کیلومتر است.

---

نجف آبادی، حسین علی منتظری، احکام و مناسک حج (منتظری)، در یک جلد، نشر سایه، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۸ ه ق

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

